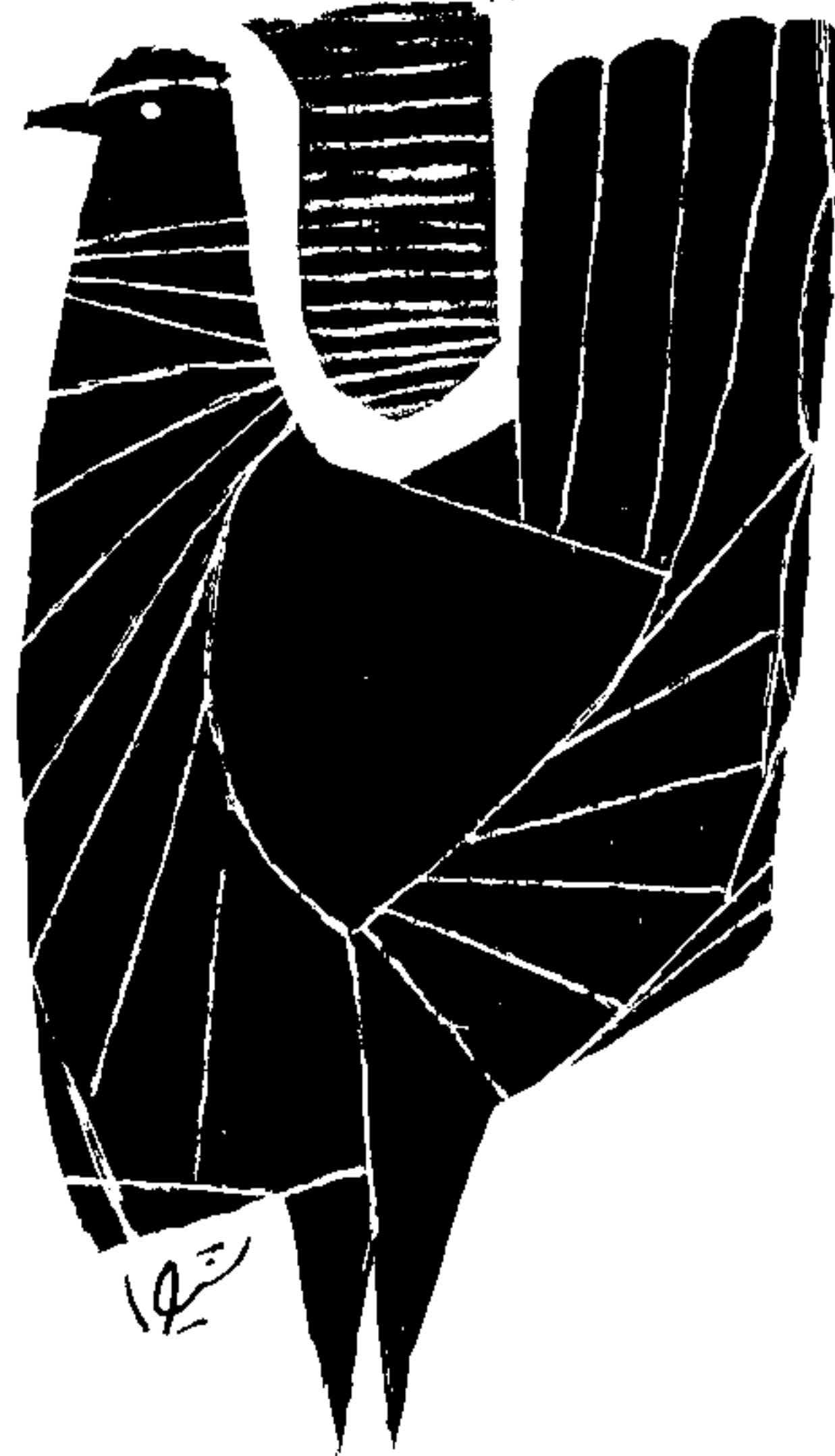
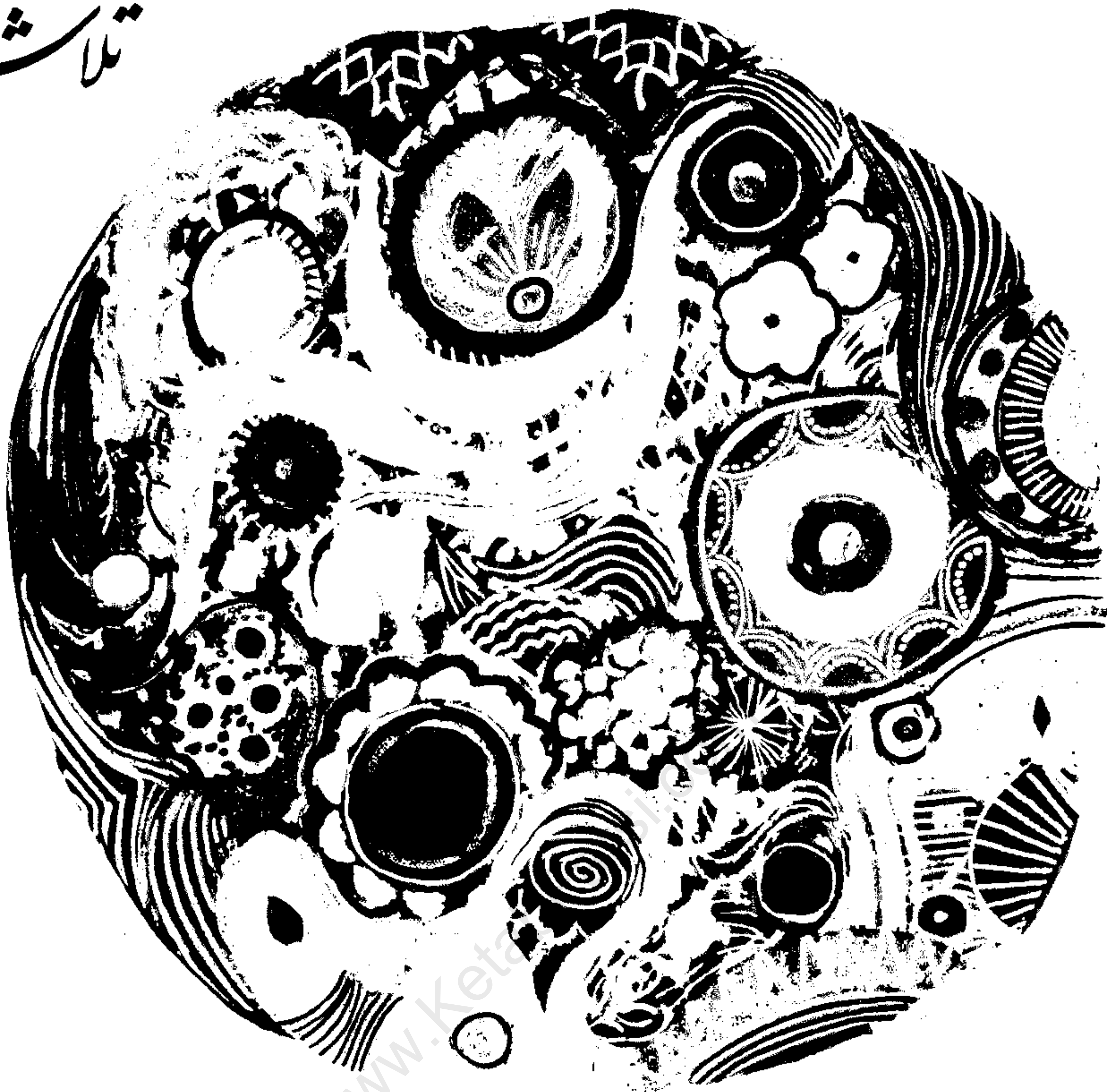


تلاش



تلاش



۱۹۳

کلام

در این سال نو که بر همه فرخنده باد از خدای بزرگ مسئلت داریم که همه مردمانی که در راه منطق و تفاهم و دوستی گام بر میدارند نیرو و شجاعت بیشتری عطا فرماید .
باشد که نیکی در دل انسان ایرانی و همه انسانهارو برورش کوفتا گردد و با هر آفتابی که بر می آید آن چه که آدمیان را از هم جدا می کند بکناری رود ، و تنها آن چه که آدمیان را به هم گریه پیوند می دهد پدیدار بماند .

و هر لحظه ای که می سپریم گامی شود بسوی پیروزی نهایی . نه آن پیروزی فسادی بر فردی دیگر ، یا کشوری بر کشوری دیگر ، بلکه پیروزی ایرانی و انسانی بر همه دشواریهای موجود خارج و از آن مهم تر پیروزی انسان بر رشتی ها و ضعف ها و ترس های درون خویش که این پیروزی باید هدف گردد نه آرزو .

باشد که سال یکم را و سیصد و چهل هشت که بر "مرغ" می گردد ما را برابر با همای گسترده خویش به سوی جهانی تازه باز یابی های تازه ، و امید های تازه ببرد .
و اعتماد هر چه راسخ تر به قدرت انسان های نیک و ایمان و اعتقاد به آن درایت عظیم و لایزال و ابدی را پیوسته نقطه انگاه همه ما سازد .

از خدای بزرگ مسئلت داریم که آرامش و ثبات کنونی کشور عزیزمان را که هر لحظه گامی نو در لوای تدبیر "دلیل" کشورمان به سوی جلوه بر می دارد ، به چنان محفوظ نگا دارد ، تا هم دل و هم فکر برادران و خواهران ایرانی و هم گام و هم آهنگ با همه خوبان عالم ، آینده رویانی را با حقیقت طرح ریزی کنیم و پی افکنیم .

تلاش

بیابان خسته محراب

بیابان خسته می ساز کن
ز جعد بنفشه بر انگیزه تاب
لب غنچه را کایدش بوی شیر
سسی سرو را مال برکش فراخ
یکی مرده ده سوی بلبل براز
ز سیاهی سبزه فیه و شوی گرد
دل لاله را کاند از خون جوش
سرنسرن را ز موی سپید
لب نارون را می آلود کن
سمن را درودی ده از ارغوان
بنور ستگان چمن باز من
هوا معقل بوستان دکنش است
درختان شکفتند بر طرف باغ
به مرغ زبان بسته آوازده
سر آینه کن ناله چنگ را
سوزلف معشوق را طوق ساز
ریاضین سراب را دسته بند
از آن سیمگون سکه نوبهار
به پیرامن بر که و آنگیز
در آن بزمه خسروانی خسته ام
بمن ده که می خوردن آموختم

گل آمد در باغ را باز کن
سوزرگس مست برکش خواب
ز کام گل سرخ در دم عبیر
به قمری خسته ده که سبزست شاخ
که مهد گل آمد به میخانه باز
که روشن بشتن شود لاجورد
فرو مال و خونی سخاکی بپوش
سیاهی ده از سایه مشک بید
به خمیری زمین را زانند و کن
ردان کن سوی گلبن آب روان
مکش خط در آن خطه نارمن
هوای دل دوستان زان شبت
برافس وخته هر گلی چون چراغ
که پرواز پاریس را سازده
در آور برقص این دل تنگ را
در افکن بدین گردن آن طوق باز
برافشان ببالای سرو بلند
درم ریز کن بر سر جویبار
ز سوسن سفک بباط حریر
در افکن می خسروانی بحام
خورم کاسه کز تشنگی سوختم

مطالب این شماره:

صفحه	
۲	بیانات شاهنشاه آریامهر
۳	پندار ؟ (سرمقاله)
۴	از هر خرمن دانه‌ای خوشه چین
۹	کلید های جهان ناپیدا محمد محمدی
۱۵	جانی که دریا در آن آتش می‌گیرد مهین محبوبی
۲۲	خانه و بچه (فانتزی) م. آ.
۲۴	ناتر ایران و اجرای نمایشنامه «یرما» صابری - سمندریان - خورش
۳۰	حیات محمد علی بطحانی
۳۳	یادی از رهی معیری (آن خشت بود که پرتوان زد) داود پیرنیا
۳۶	زنگهای خطر برای زبان شیرین فارسی مظفر پرتوماه
۴۰	سیب قرمز (فانتزی) رضا داوری
۴۱	طلای سفید عبدالله عبدالمی
۴۵	زبان برك ها غلامرضا صاحب‌قلم
۴۹	مردی که با ۲۷۱ ریال شروع به کار کرد سحاب
۵۴	امامزاده‌ای در شهر تهران هما دانش
۵۸	خیال با آدم چه‌ها که نمی‌کند رضا پور حمور
۶۰	یکی ، دوتا ، سافه چناری فالیافان کاشان
۶۴	«زری» ابوالقاسم فقیری
۶۶	خانم وزیر جواب بنهید دکتر فرخ‌روبارسای
۷۲	کارگردان برنامه زنگوله‌ها حرف می‌زند فرشید رمزی
۷۴	شعر آسایش سیمین ارجمند
۷۵	طرح شاه لوله‌گاز سعید نقوی
۸۰	جنگلی دکتر باقر مریدانی
۸۲	قهوه‌خانه ها عباس رهبری
۸۸	آموزش در دستگاه ها حسین جلی
۹۱	تلاش پروژه کوبرلوت را مجددا مطرح می‌کند
۹۲	خط انتقال نیرو مورد گفتگو است عبدالرسول محقق‌زاده
۹۸	پروژه دریاچه های کویر اقتصادی نیست داریوش شاهزاد
۱۰۰	دو نامه اسفندیار یگانگی - ناصر گل‌سرخی
۱۰۲	موسیقی زبان جهانی نیست هرمز فرهت
۱۰۶	هنر و مغز الکترونیکی سیاوش ارماجانی - مترجم مرتضی زمانی
۱۰۹	فهرست رویداد ها



روی جلد: طرحی از سال ۱۳۴۸ از قباد شیوا

اسلاید های رنگی از: ملك عراقی و میكده
عكسها از: اكبر كاظمی ، حسن بنی هاشمی ،
دهقان‌پور ، ژوله ، حاذقی ، نولل پطروسیان ،
ملك عراقی و قاسم منش .
طرح ها از : قباد شیوا و فرشید مثقالی
کاریکاتور ها از: اردشیر محمص
خطاط : حسن فروغی
تنظیم صفحات : باهمکاری فرشید مثقالی
چاپ سکه

«هیچ قراردادی نمی تواند معتبر باشد اگر برخلاف مصالح و منافع مملکت اثراتی داشته باشد.»

در مراسم سلام عید غدیر خم

از تبریکات شما ممنونم و به نوبه خود این عید بزرگ اسلامی را بعموم کارکنان شرکت های نفت و پتروشیمی و گاز و سایر حضار تبریک میگویم و توفیق همگی را در خدمت به مملکت و اعتلای مملکت خواستارم. اشاره ای به پیشرفت ایران و ترقی سطح زندگی مردم شد، البته این هدفی است که اساس برنامه های انقلابی و عدالت اجتماعی ما بوده و هست ولی عامل اصلی که تابحال وسیله پیشرفت این برنامه ها بوده است و خواهد بود عوائد مالی است که ما از ذخایر زیر زمینی نفت و گاز خود بدست می آوریم. امسال چهارمین سالی است که رشد اقتصادی ایران در حدود ۱۲ درصد است در صورتیکه قیمت ها در این مدت تقریباً ثابت مانده یا حداکثر یک و نیم درصد در هر سال ترقی کرده است و این امری است که در تمام دنیا بی سابقه است، در عین حال هم مخارج دفاعی مملکت و هم مخارج دانشگاهی و آموزشی و وسائل بهداشتی و بهداشتی و سایر شئون مملکتی که در حال ترقی است بطور روز افزون زیادتر میشود، ولی باید بگویم که نسبت به پیشرفت صنعت نفت در ایران شرکائی که ما فعالدر کنسرسیوم داریم رویه عادلانه و حتی دور اندیشانه ای را نسبت بایران دنبال نمی کنند آنها هم ایرانی که ثبات و استحکام آن ضامن استحکام این منطقه جهان است. با همه این ها شاید استخراج و تولید نفتی ما از یک رشد سالانه نه درصد برخوردار باشد در حالیکه در نقاط دیگری که احتیاجات ما را ندارند این رشد سالانه به ۳۰ درصد و حتی بیشتر می رسد و این وضع ممکن است از لحاظ سیاسی و مالی و غیره وضع خطرناکی از لحاظ بین المللی بوجود آورد. ما همیشه صبر و حوصله داشته ایم و تابحال هم در عین حفظ منافع ملی ایران این صبر و حوصله را حفظ کرده ایم ولی شکیبائی یکطرفه نمیتواند باشد و همانطور که قبلاً هم گفته ام هیچ قراردادی نمیتواند معتبر باشد اگر برخلاف مصالح و منافع مملکت اثراتی داشته باشد. هیچکس حق ندارد باسم قراردادی روی دولت و مملکتی باصطلاح مثل بختک بفتد و آن ملت را از استفاده حقه از ثروت خود محروم کند. البته ما در مورد منافعی که مطابق حق و انصاف باید به شرکای ما برسد احصاف نمی کنیم، بلکه از روی حساب و دلیل و منطق حرف میزنیم ولی بهمین دلیل در مورد احقاق منافع حقه خود از هر راه که مقتضی باشد اقدامات لازم را انجام خواهیم داد. امروز دیگر سال ۱۳۳۱ یا ۱۳۳۲ نیست زیرا امروزه کسانی که در این راه قدم برمیدارند فقط از منافع ملی ایران الهام میگیرند نه اینکه در پشت پرده از دیگران دستور بگیرند. یکپارچگی ملت ایران شاید امروزه در تمام دنیا بی نظیر باشد. در ایران امروز دیگر دسته راه انداختن و جنگ زرگری کردن و یا افرادی را با لباس های گوناگون مامور اخلاص و تحریک کردن امکان ندارد. من مطمئن هستم که فرد فرد کارکنان صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران آماده هستند که سیاست مستقل ملی ایران را هرچه استوارتر و محکمتر پیش ببرند.

از بیانات شاهنشاه آریامهر

خطاب به رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت

«برجسته ترین افراد را از هر جا که باشند جمع آوری خواهیم کرد»

این عید بزرگ اسلامی را بعموم دانشگاهیان ایران تبریک میگویم. از خداوند خواستارم که این مراکز عالی علمی ما علم و تقوی را توأم کنند و با الهام از تعالیم عالیه دینی و سرمشق از حضرت امیر مومنان نسلهای آینده ایران را چنانکه باید به شایستگی تربیت کنند تا آنها نیز بنوبه خود به مملکت و ملت و ایدآلهای بشری و انسانی خدمت نمایند. جای مباهات است که در دنیای پر تلاطمی که در هر نقطه آن اختلافی، خلائی، فاجعه ای و اتفاق ناگواری می بینیم در مملکت ما بخواست خداوند کارها بر اصل منافع مملکت بطور منظم پیش میرود. می بینیم که در برخی کشورها حتی بچه های دبستانی در مدارس اظهار عقیده میکنند که ما میخواهیم نه درس بخوانیم و نه امتحان بدهیم. اگر بنا باشد افرادی که میباید در آینده مملکت خود را از لحاظ تکنولوژی و صنعت اداره کنند و پیش ببرند با این طرز تربیت شوند سرنوشت آن جامعه در دنیائی که علم و صنعت با این سرعت پیش میرود و فقط افراد برجسته و عالترین مغزهای اجتماع میتوانند در آن مدیر و مجری این طرحها باشند و یا دستگاههای تجسی علمی را تشکیل دهند چه خواهد بود؟ نگرانی و دلتنگی من این است که بعضی جوامع بشری که امروزه در اوج ترقی قرار دارند اگر راه حل رضایتبخشی برای این وضع پیدا نکنند دیر یا زود مجبور خواهند شد دوباره به زندگی غار نشینی برگردند و مثل حیوانات وحشی زندگی کنند. خوشبختانه در مملکت ما جوانان ما پسران و دختران ما یعنی افراد نسل آینده ما بخوبی مشغول فرا گرفتن علم و دانش هستند و خواهند بود. البته وظیفه ما است که وسائل پیشرفت کارشان را در دانشگاه ها و مراکز علمی کشور روز بروز بهتر و بیشتر فراهم کنیم بهمین جهت سعی خواهد شد که دانشگاههای ما مخصوصاً از لحاظ کادر انسانی مجهز شوند و ما برجسته ترین افراد را از هر جا که باشند جمع آوری خواهیم کرد البته آنها در این راه بر ما منتی ندارند بلکه ما این منت را داریم که به فرد ایرانی امکان آنرا میدهم که به بهترین صورتی که ممکن است به مملکتش خدمت کند. هدف ما این است که شرایط و وسائل را فراهم کنیم که سطح تدریس و تعلیم در مملکت ما به عالترین درجه ممکن برسد و بخواست خدا در این راه تا بآخر پیش خواهیم رفت.

از بیانات شاهنشاه آریامهر

خطاب به رئیس دانشگاه تهران

پندار ؟

خواننده عزیز ،
در دفتر اول گفتیم که «ماجویندگانیم ، زیرا چگونه میتوان انسان بود و جوینده نبود و این دفتر بخشی از دفتر جستجو کنندگان و پرشگران است .

همین .
وماشانی و مقامی دیگر نداریم . و می‌کوشیم منبری باشیم برای همه جستجوگران .
اینک در آستانه سال نو هستیم و دفتر پانزدهم را بتو تقدیم می‌کنیم .
از آغاز کار کوشیده‌ایم تا با حفظ همه سنت های عزیز قدیم کشورمان و ارج واقعی نهادن به آن‌ها از دانش امروزی غافل نباشیم و از آن نیز سخنی یا سخنانی داشته باشیم .
گروهی از مطبوعات دوست هم چه در ایران و چه بیرون ، به نقل کامل بعضی نوشته ها یا قسمتی از آن‌ها مبادرت ورزیدند و بدین ترتیب یاری‌مان کردند و شعاع عمل منبر تلاش را گسترده‌تر ساختند که از این جهت از آنان بسی سپاسگزاریم .

دین بزرگی را که به تو ، ای خواننده عزیز داریم - یعنی استقبال تو را - باید بار دیگر یادآور شویم . چه پیش‌بینی استقبالی را که در این مدت کوتاه دو سال و اندی کردی ، ما نمی‌توانستیم کرد . تعداد نامه‌هایی که درباره چهارده دفتر تلاش از ایران و بیرون از آن رسیده (و چه آموزنده و روشنگر بوده) از دو هزار و سیصد هم اکنون تجاوز می‌کند .
اما امروز تلاش این سؤال را از خود می‌کند که شاید در کار خویش بیشتر تاکنون بدنبال منطق و استدلال رفته و به پندارها و رؤیاهای و اقلیم تصور ها و وهم‌ها (که حقیقت فرداهايند) و امروز ارزش های وحشی نام گرفته‌اند ، کمتر پرداخته است . تا آنجا که بقول یکی از گردانندگان ما :

«اگر تلاش بهمان اندازه که در راه استدلال و منطق و دانش و آگاهی و علم جدید و قدیم گام برداشته در راه آنچه که میدان و هم و خیال و احساس است نیز می‌رفت ، شاید که می‌توانست در راه «علم کشف کردن و علم اختراع کردن و علم ابداع کردن هم گام‌هایی شاید مؤثر بردارد.»

زیرا اگر همه چیز در این عالم انسان‌ها حساب شده‌شود و هرپیش‌آمدی را هم بتوان با برنامه که نام دیگرش ضد اتفاق است ، حساب کرد و نتیجه هر حرکت و قدم را قبلادانست ، آیا آنوقت بقول آن نویسنده استکهلم آدمی در انتظار چه ماجرا و چه چیز غیر مترقبه و نادانسته می‌تواند زیست کند و آیا دانستن آنچه که خواهد شد خود به منزله زندگی آن آدم‌ها که دیگر انتظاری ندارند ، نخواهد بود ؟

آن‌ها که شجاعت دارند و صفا دارند و دانش های انسانی را به منزله جعبه های از پیش ساخته و پذیرفته شده و دیکته شده تلقی نمی‌کنند ، البته نمی‌توانند به آنچه که هست و به آنچه که در برنامه‌ها آمده و هست شده رضا دهند و بهتر می‌خواهند و بالاتر و باز بالاتر . بالاتر از زمین ، بالاتر از ماه ، بالاتر از مریخ ، بالاتر از منظومه شمسی و منظومه‌های دیگر کیهانی و همین استدلال را در مورد امکان بهتر کردن و بالا بردن دگرگونی و تغییر و تحول درون انسان‌ها نیز صادق می‌پندارند ...
بگذریم .

با توجه به این اصل که در توقف و سکون احتمال خطا و اشتباه و گمراهی در عصر ما قطعاً بسی بیش از حرکت است و با توجه به این که برای هر کس که با اندیشه و فکر سروکار دارد راحتی امکان پذیر نیست و باید ولو بر نازکی تیغ‌ها هم باشد ، همچنان حرکت کرد و راه پیمود و از حمله آن‌ها هم که بر کرسی های استراحت نمیده‌اند و از تیرهای نگاه و گمان‌های زهر آلود و زخم زبان‌ها دریغ نمی‌کنند ، هرگز نبایدیم کرد ما کوشیده‌ایم که صمیمی باشیم و نهراسیده‌ایم که این صمیمیت و صفاگاه خشن جلوه کند .

ولی بدون صمیمیت و صفا ، بدون اندیشه و فکر و بدون طعن و شماتت آنها که فقط راحت غنوده‌اند ، در این جهان خاکی و بیرون از آن هم تابحال کدام راه‌ها ، پیموده‌شده و کدام تحول‌ها انجام یافته‌است ؟
همان راه‌ها که باید با حرکت و گاه با شدت ولی بهر حال با صفا و صمیمیت و شور و شوق پیموده شود و همان تحول‌ها که باز باید بدنبال تحول‌ها و انقلابهای دیگر انجام شود . بمانند سمندر افسانه‌ها که در آتش هرگز نمی‌سوزد و تنها در آن زندگی می‌کند ، همچنانکه ماهی در آب ، ما نیز باید که در تحول‌ها زندگی کنیم تا برآستی بار دیگر ما ایرانیان ، تمدنی شویم نمونه ، چنان که می‌خواهیم باشیم . و بهتر از آن‌چه که بودیم : در میان تمدن‌های گونه‌گونه بگونه‌گونه خاکی و کسی چه می‌داند ، شاید هم بعدها در میان زندگان متفکر که بعضی دانشمندان آن‌ها را در داخل منظومه شمسی یا منظومه‌ها و کهکشان‌های دیگر سراغ می‌کنند .

در این مسائل باز جای اندیشه‌ها هست و فراوان که اندیشه‌های درست پیوسته باید سرآغاز تصمیم‌ها و کارهای بزرگ باشد.

خواننده عزیز از تومی‌خواهیم هر جا که ناخواسته سکون و توقفی روی داد ، با ندای تذکرها و آگاه‌باش‌های خودت ما را از ارتکاب خطا و اشتباه و کژی بر حذر داری ، زیرا که تنها از خطر سکون و خمودگی و خواب بیم داریم و بس .

از هر خرمن دانه‌ای



قهر سفید یا، يك دوس

در اطلاعات عصر ششم اسفند از قول يك «مقام شرکت شیلات» آورده بودند که «طی يك ماه گذشته حتی يك ماهی سفید هم از دریا صید نشده».

البته اسم این «مقام» را ننوشتند و ننوشتند بودند که نحوه آمارگیری این شرکت هم که در ظرف سی روز (ظاهراً بهمن ماه سال ۴۷) موفق به صید يك ماهی سفید هم نشده چگونه بوده است. بهر حال اگر به گفته همان مقام اکتفا کنیم که سرما و برف و کولاک دریا باعث شده که ماهی‌ها به عمق دریا بروند و کار صید را

بتأخیر اندازند البته جای تأسف است. اما جای خوشحالی دیگری هست و آن این که در کشور های انگلیسی زبان قاره اروپا و قاره امریکا اختلافات بین سفیدها و رنگی‌ها موجب مشکلات بسیار در کارها شده و این کشورها را در فکر و اندیشه‌های فراوان فرو برده که مشکلات موجود در روابط بین سفیدها و رنگی‌ها را چطور باید حل کنند اما در شرکت شیلات سفید ماهی‌ها خودشان قهر کرده‌اند و به عمق دریای خزر رفته‌اند. بطوریکه حتی یکی از آن‌ها هم خود را به دم تورماورین شیلات نداده است. و بدین ترتیب برای اولین بار سفیدها عقب نشینی کرده‌اند و نه رنگی‌ها. آیا باید چنین نتیجه گرفت که چه خوب بود اگر در آن کشورهایی هم که اختلاف میان سفید و رنگی هست سفیدهای آنها هم گاهی قهر می‌کردند و خود را عقب می‌کشیدند؟

نیاز به روشی نو در موسساتی که پیوسته بزرگ و بزرگتر می‌شوند

روز چهاردهم اسفند رویت از لندن خبر داد که ناگهان بهای سهام (بی بی) «بریتیش پترولیوم» (صاحب شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) در بازار حدود هشتاد میلیون لیره انگلیسی بالا رفت چرا؟ چون وزارت دادگستری ممالك متحده امریکا در موافقت با این که بی بی بتواند مراکز توزیع مواد نفتی سینکراویل کمپانی را در داخل امریکا خریداری کند قدمی دیگر برداشت.

و با خود می‌اندیشیدم که این شرکت های بزرگ دنیا با چه سرعتی گسترش می‌یابند و ترقی می‌کنند، و در باره این که چه عواملی موجب بزرگ شدن این موسسات و چه عواملی احیاناً موجب رکود آن‌ها می‌گردد بودم که پستچی یادداشت های کوتاه لورانس. ا. آپلی را که رئیس یکی از مهم‌ترین تشکیلات جهان سرمایه‌داری است و بنام ا. ا. ام. ا. (اتحادیه مدیریت امریکا) شهرت جهانی دارد، بدستم داد.

این مدیر بزرگ هر چند وقت يك بار طی یادداشتی زنده و کوتاه مشکلات کار مدیران امریکا را به آن‌ها یادآور می‌شود و من چون فکر کردم که اگر بخوایم خود در

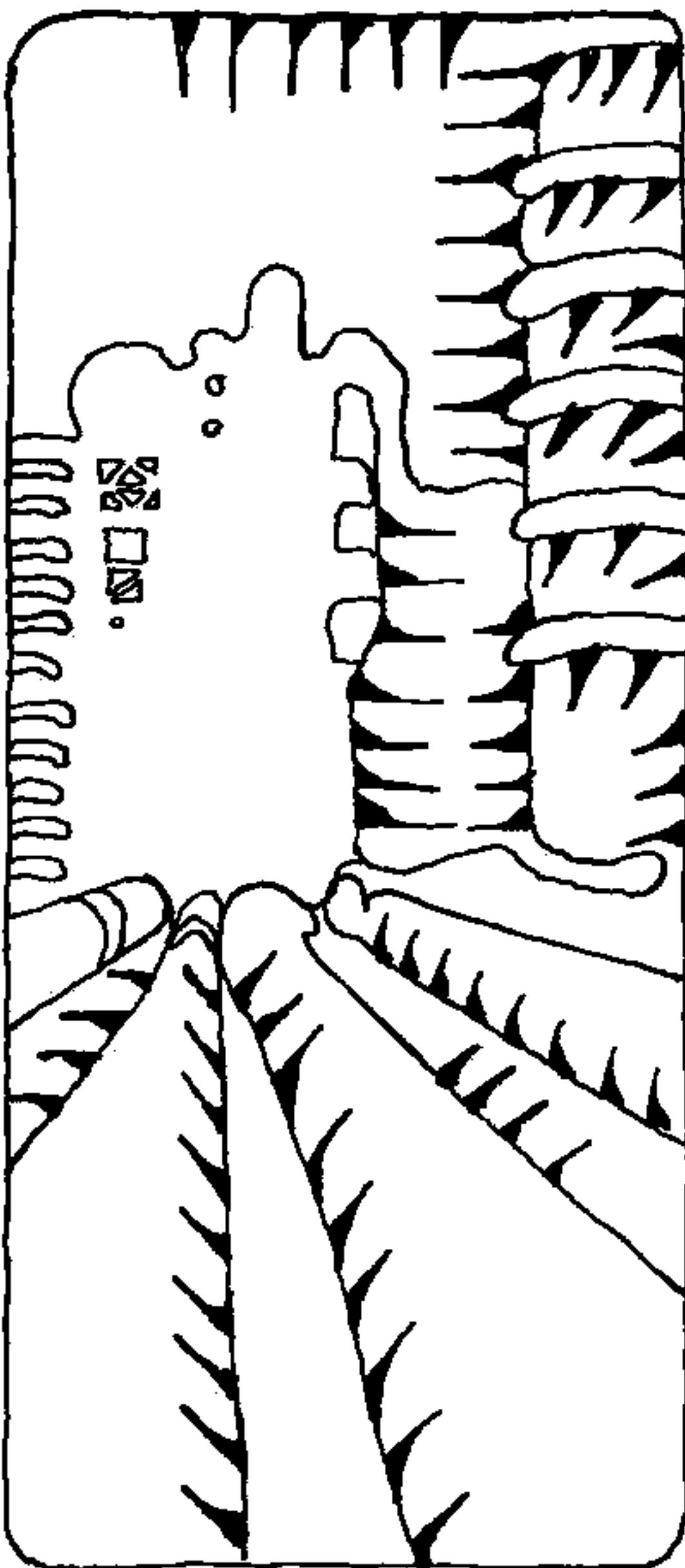
این باره مطلبی بنویسم قطعاً بهتر از آنچه که او نوشته نخواهد شد با همه حسادتی که نویسنده‌ای نسبت به نویسنده دیگر در خود ممکن است احساس کند من کوشیده تا مطلب او را بفارسی برگردانم. عنوان را او عظمت «بزرگی» گذاشته که من بجای این عنوان عنوانی دیگر گذاشته‌ام و این تنها تغییری است که در کار او دادم. باشد که تذکرات بجا و مافلان او به کار آید.

«سرعت تحول و پیشرفت در جهان بقدری است که هر دستگاهی و هر موسسه‌ای و هر تشکیلاتی بزرگ می‌شود و گاه آنقدر بزرگ که میتوان گفت قول آسا می‌شود و هرچه بزرگ می‌شود معلوم نیست چرا مورد حمله گروهی قرار می‌گیرد.

کسب بزرگ، تجارت بزرگ، تشکیلات بزرگ، اتحادیه های بزرگ، طرح های بزرگ، برنامه ها و نقشه های بزرگ گاه بعضی را ناراحت می‌کند و گاه بعضی دیگر را می‌ترساند اما در این بزرگ شدن اثرات نیک و خوبی‌ها فراوان هست فقط مسئله در بهره برداری از آن است.

بدون این همه توسعه ها و بزرگ شدن موسسات و تشکیلات های آن رو بهم تمدن امروزی ما چه حالی میتوانست داشت؟ تازه اگر بخواهیم تولیدی بیشتر، تحقیق بیشتر و گسترش بیشتر در کار ها داشته باشیم طبیعی است که باید کار ها را باز بزرگ‌تر کنیم. در کار انسان ها و آدمیان هم باز باید گسترش بیشتر و بزرگی و توسعه بیشتر قائل شد تا بتوان از همه استعداد ها و همه تجربه ها و همه دانش های آنان بهره گرفت. و همه این ها را باید تحت نظارتی وسیع و بزرگ درآورد و بخاطر انسان و انسانیت مورد استفاده قرارداد. چون هر موسسه‌ای که بزرگ شد و هر تشکیلاتی که گسترش یافت همان طور که باید در خدمت انسان ها قرار گیرد خطری هم پیوسته در پیش دارد و آن احتمال از میان رفتن همان موسسه از طریق گسترش بسیار و زیاده از حد و اندازه است.

اما خطر در موسسات بزرگ در دو نکته نهفته: اول این که عدم اطلاع و عدم قابلیت را مدتها



از نظر سایرین دور می دارد و دوم این که پراحتی افراد متوسط و معمولی را در خود جذب می کند و یا لااقل آن ها را تحمل می کند. رئیس یکی از معظم ترین موسسات تجارتي جهان در عصر ما روزی بمن گفت: «حجم و وسعت و بزرگی از عواملی است که بر خطا های بیشمار سرپوش می نهد».

هرچه موسسه ای عظیم تر و بزرگتر باشد می تواند خطا های بیشتر مرتکب گردد و با وجود این باقی بماند. عجب این که بزرگی در اغلب موارد نشانه موفقیت تلقی می گردد و گسترش هم یکی از مشخصات آن.

البته هیچکس نمی تواند همانطوری که هست بماند و همان طور يك موسسه یا باید توسعه یابد یا اگر توقف کرد و فشرده شد و چروك خورد طبعاً از بین می رود.

اما آن کس که در راس موسسه و تشکیلات و یا کاربزرگی است باید مسئولیت های آن را بتمام و کمال درك و قبول کند. کارشناسان، استادان و معلمان از تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند که بیشتر موسسات وقتی بزرگ شدند همراه با این بزرگی و موفقیت همیشه محافظه کاری روسای آنها بیشتر می شود و آمادگی برای تغییر و تحول در آنها کمتر می شود و نیز کار خلاقه کمتر و تحرك کمتر میشود و اگر این تحقیق را درست بدانیم و اگر معتقد شویم که کار بزرگ محافظه کاری را در بعضی افراد زیاده تر می کند آن وقت باید بگوئیم که افراد مسئول در موسسات کوچکتر باید مترقی تر، و بیدارتر باشند و در باره نیازمندیها و احتمالات لزوم تحول ها آماده تر باشند و شاید که در مواقع لازم با شجاعت بیشتر بخاطر رسیدن به هدف ها با خطر روبرو شوند.

این روز ها وقتی باین مسائل گوش فرا می دادم و سپس در دفتر کار خود آرام می اندیشیدم باین نتیجه رسیدم که در هیچ جاسا سعی کافی برای توسعه و گسترش عقاید و نظریات جدید برای روبرو شدن با این توسعه ها و موسسات بزرگ و بزرگی ها بهیچوجه عرضه نشده و نمی شود. بنظر من ماباید بیشتر نظریه های عادی معمولی خودمان را در مورد موسسات و تشکیلات بزرگ مورد تجدید

نظر قرار دهیم و بدنبال تشکیلات و پی ریزی های نو به شکل دیگری در این موسسات برویم. مهم آنست که نحوه تفکر بکلی نو و تازه باید مورد تشویق قرار گیرد.

متاسفانه روسای هیئت مدیره و مدیران عامل و روسای طرازاول هیئت های مدیره و موسسات بزرگ امروزه آنچنان درانجام مسئولیت های خویش غرق هستند که وقت آن را ندارند تا بیطرفانه و بی - غرضانه بعقب برگردند و با دید کاملاً تازه و نو به وقایع بنگرند. وقتی جون، دی، رکفلوفت شد همه امپراتوری نفت او که بزرگترین موسسات روی زمین بود کوچکتر از کوچکترین شرکت های وابسته به استاندارد اوئل کمپانی امروزی بود. و آنچه که امروز «بزرگ» بنظر ها می رسد فردا در نظر ما «کوچک» خواهد بود.

دانش و آگاهی جاری ما و اندیشه های معمولی و جاری در باره این که چگونه مشاغل و موسسات بزرگ می توانند از میوه های مسامی خودمخدوماتی به مردم بکنند و بهره دهند باید گفت که امروز کاملاً نارسا و نامناسب است.

افراد مسؤول باید وقت کافی برای خود اندوخته کنند و درباره طرق تازه و نو برای نحوه ادامه توسعه این موسسات با اندیشه ای خلاقه و باتوجه به واقعیات دست به کار شوند و گر نه خطر نابودی و مشخصات ضد پیشرفت های اجتماعی (که آن نیز از محصولات توسعه و بزرگی است) در انتظار آن ها خواهد بود.

این بود اندیشه های آملی. اکنون که موسسه های کشورمان چه در بخش غیر دولتی و چه در بخش دولتی روز بروز بسوی بزرگ شدن و توسعه یافتن میرود و باید که برود، آیا وقت آن نیست که مدیران و مسؤولین این موسسات بار دیگر اندیشه های این بزرگترین موسسه مدیریت جهان غرب را مورد تامل قرار دهند و با اندیشه ای خلاقه و با توجه به واقعیات درباره طرق تازه و نو برای نحوه ادامه توسعه این موسسات بزرگ و چگونگی نتایج حاصل از آن دست به کار شوند؟

قدرت انجمن

یا ضعف شهردار

داستان در تبریز می گذرد نه

در تهران. دکتر ظهیری شهردار را یکی از اعضای انجمن شهرتبریز که اسم او را در اخبار نیاورده بودند استیضاح می کند. (می دانید که تابحال تنها مجلسی ها بودند که حق داشتند استیضاح کنند).

اما حالا يك عضو انجمن شهر این کار را در جلسه فوق العاده شب در مورد دکتر ظهیری کرده است. این آقا لابد دکتر طب باید باشد چون عنوان دکتر و مهندس را مدتی است دولت لفو کرده است.

طبق همین خبر آقای دکتر هم بلافاصله استعفای خود را بانجمن شهر داده راه تهران را پیش گرفته است.

حالا آیا این استیضاح و آن استعفا را باید بحساب قدرت انجمن شهر گذاشت یا ضعف آقای دکتر ظهیری؟ معلوم نیست. يك نکته را هم مطبوعات ذکر نکرده بودند و آن این که راستی موضوع این استیضاح چه بود؟

کتاب سبز انگلستان و اینکه آیا

کینس گنه شد؟

در این دنیای که ما زندگی می کنیم تنها صاحبان دامن های بلند و متوسط کوتاه از مدیریت نمی کنند.

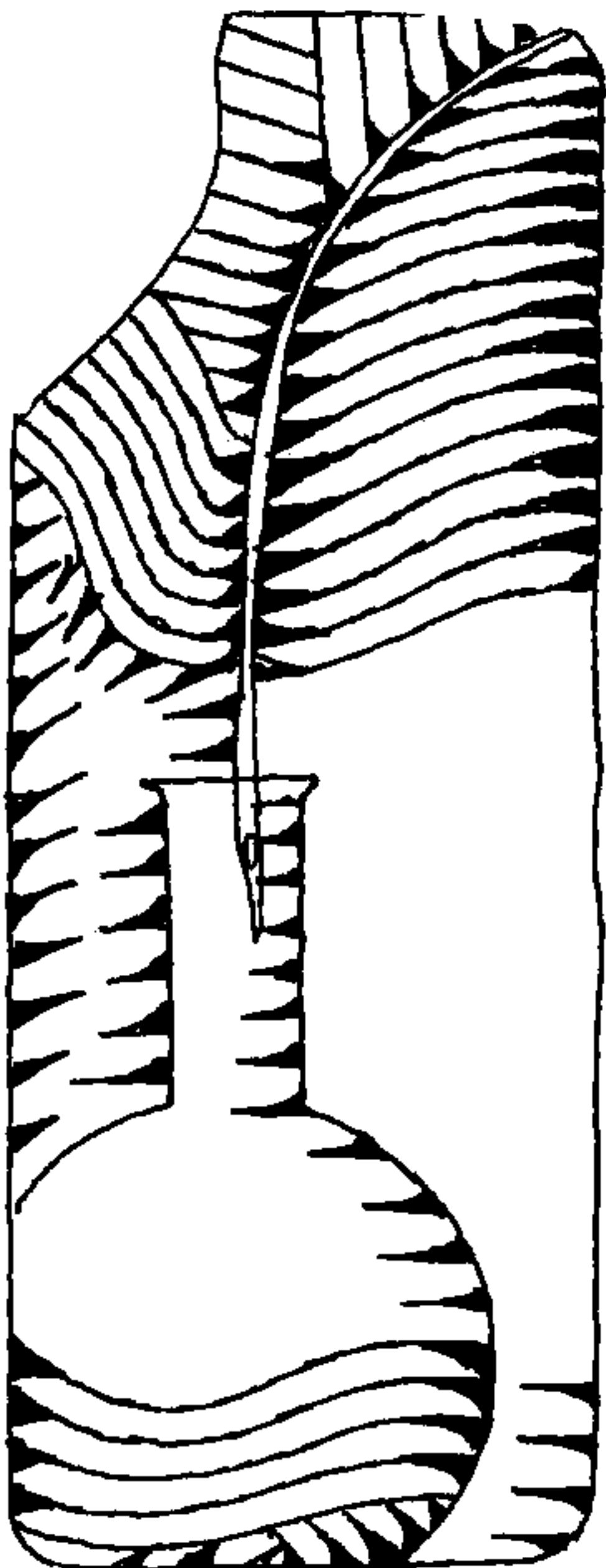
شرط انسان بودن متحرك بودن و موقت بودن است و چه خوب که چنین است و گر نه کیست که از چروك های پیری و آهسته روی و کندی این سن تعریف کند؟

دولت ویلسون کتاب سبزی انتشار داد که در آن درصد افزایش درآمد ناخالص ملی انگلستان را سه و نیم درصد در سال اعلام کرد و تذکر داد «که باید قسمت اعظم منابع درآمد انگلستان صرف صادرات و جایگزین کردن واردات بوسیله محصول های محلی شود» و نکته بسیار مهم این که در این کتاب یادآور شده که «مصرف نباید افزایش یابد».

وسخن برسر حرف آخر کتاب سبز انگلستان است.

در این ده ساله اخیر «کینس» صاحب نظریه بسیار مهمی در علم اقتصاد شناخته شد و پیروی از نظریات او يك نوع پیروی از «مداقتصاد» روز تلقی می شد. اطرافیان رجالی چون کندی فقید و جانسون رئیس جمهور سابق امریکا از طرفداران او بودند.





بل سارتر نویسنده تأثر و رمان که معروفیت جهانی دارد و بیش از بیست سال هم با سیمون زندگی کرده همیشه با لحن تحقیرآمیزی از علم و تکنیک صحبت می کرده است. امروز این دانشمندان و علمای معاصر که با نظر مساعد و موافق به ادیبان نگاه نمی کنند و خند و شکافی که میان ادیبان و شاعران از يك طرف (علما و دسته دوم از سوی دیگر به وجود آمده) يك مسئله حاد روز در کشور های باصطلاح پیش رفته و متمدن بوجود آورده است .

اخیرآمردی بنام چارلزسنو که هم اهل علم و هم اهل ادب است این شکاف خطرناک میان «فرهنگ ادب» و «فرهنگ علم» را در کتابی مطرح کرده و در جستجوی ایجاد يك فرهنگ سوم برآمده که در آن جامعه شناسان ، تاریخ نویسان ، آمارگران جمعیت ، روانشناسان و معماران گرد هم آیند . این فرهنگ لازم سوم را وی بمنزله نیروی محرك و موتور اصلی در تمدن صنعتی بشر می داند و می گوید تمدن امروز تشنه يك نوع انقلاب در افکار و اندیشه ها بوده و مدعی است که در روزگار ما جهان تمدن به دو قطب

وقایع ماه مه و بحران مالی نوامبر سال گذشته حسابهای برنامه پنجم آن کشور را در هم ریخت. و اگر ارتباطی بین رقم پنج و شش در برنامه قائل باشیم باید بگوئیم که پیش آمده های سال گذشته این کشور در برنامه ششم نمی تواند بی تاثیر بماند. مخصوصا که طرح پرسروصدای تمرکز سرمایه گذاری ها در يك بانک دولتی در فرانسه که با آئینه التهاب جلو آمد مثل این که بکلی عقب رفته است . و اکنون در همان محافل اقتصادی فرانسه که با احترام و تکریم از کینس سخن می گفتند اکنون از «آزاد کردن ساختمان ها و مستغلات و آزاد کردن شاه راهها» و نوعی سپردن آن ها بدست مردم صحبت می کنند. و چون بدین جا رسیدیم با تذکر و یادآوری این نکته که سال گذشته معیار درآمد ناخالص ملی ما حدود ۱۲ درصد یود باید گفت: کشور های باصطلاح نمونه و توسعه یافته را چرا ملامت کنیم که دیروز از کینس پیروی می کردند و امروز راهی دیگر در اقتصاد پیش گرفته اند. چون بعضی از نحوه تفکر و استدلال ها و بعضی فلسفه ها که ممکن است زمانی خوب باشد ، زمانی دیگر البته کهنه می شود زیرا که زمان هست و انسان باید آن راهی را انتخاب کند که مناسب و مصلحت زمان است.

طمع دزد

شیرعلی آذری (نام جوانی ۲۱ ساله از اهل بجنورد) می گوید دو هفته به دنبال کار گشتم و کاری در خور توانائی خود پیدا نکردم او درونك بخانه ای رفت و مال گیری را بسرقت برد. اما باین دزدی هم اکتفا نکرد و وقتی پس از فراغت از فکر تخت خوابی در آن خانه دید با خود گفت بگذار از این هم مجانی و بلاعوض استفاده کنم و دزدی را کامل کنم . از قضایا تخت بسیار راحت بود و دزد موفق هم بخواب راحت فرو رفت. اما از بخت بد او کسی که او را بیدار کرد خود صاحب خانه بود باتفاق ژاندارمها که بكمك آمده بودند! راستی که طمع زیادی همه جا بد است حتی در دزدی که خود از جمله بدترین است.

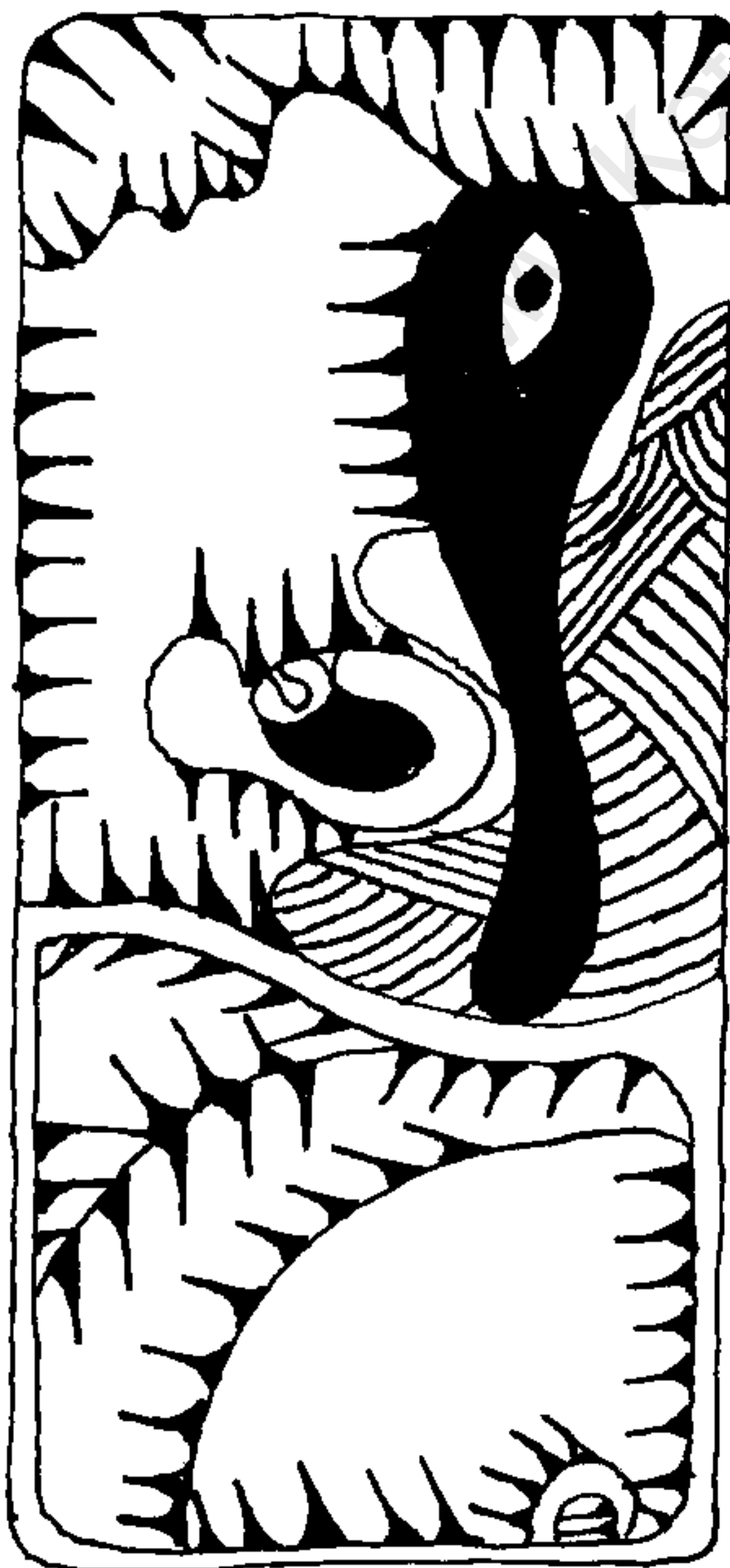
دو فرهنگ یا فرهنگ سوم ؟

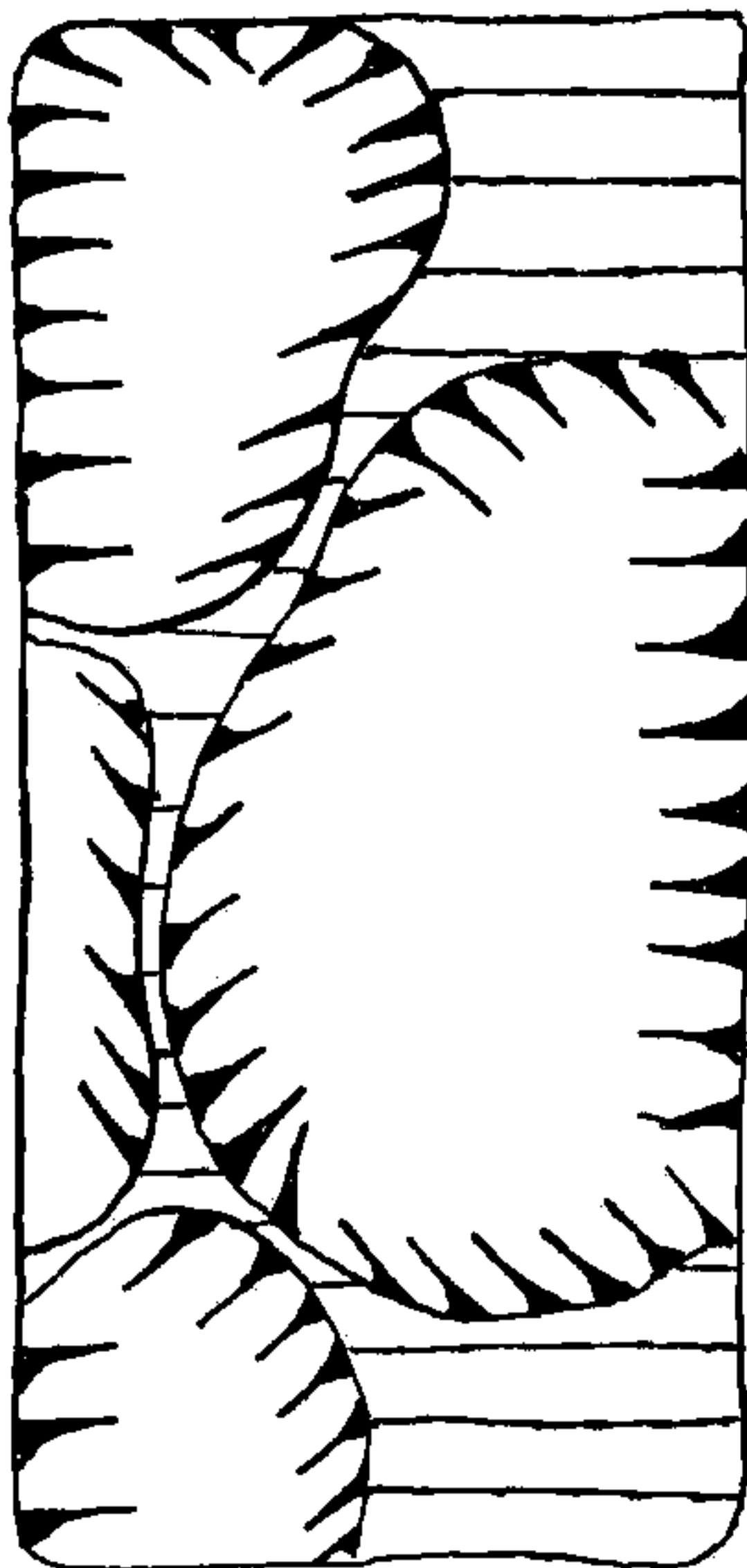
در خاطرات خانم سیمون دوبوار مذکور است که ژان

عقیده کینس این است که در هر جامعه ای برای آن که هیچکس بی کار نماند می بایست بهر قیمت شده سطح تقاضا را پاب پای ازدیاد پول در بازار بالا برد و درآمد ناخالص ملی را که اسیر سیاست های محافظه کارانه است آزاد ساخت . میتوان گفت که معالک متحده امریکا هم از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶ از این سیاست پیروی کرد و اگر چه در آغاز تعداد بیکاران را از ۶٫۷ درصد توانست به ۳٫۸ درصد پایین آورد اما بلافاصله با دو مشکل دیگر روبرو شد که یکی کسری توازن پرداخت ها در سال ۱۹۶۷ بود دیگری بالارفتن قیمت ها در سال ۱۹۶۸ در تمام امریکا که تا پنج درصد در این سال بالا رفت. و برای آنکه جلوی بالا رفتن قیمت ها گرفته شود. دولت جانسون بدون توجه به عوامل روانی که اکنون در مصرف نقش بسیار مهمی را بازی می کند اضافه مالیات ده درصد را وضع کرد . این مالیات بجای این که سدی در مقابل مصرف بوجود آورد موجب شد که امریکائی از ذخیره خود استفاده کنند و مصرف خود را تقریبا در همان سطح که بود نگاهدارد

دولت کارگری انگلستان هم مانند امریکا (آنچنانکه از کتاب سبز برمی آید) مثل این که دیگر از «فرضیه کینس» نمی خواهد پیروی کند . تا آنجا که باتوجه باین کتاب سبز توسعه اقتصادی را (بجای چهار درصد که در سال ۱۹۶۸ برآورد کرده بود) می خواهد به سه درصد در سال ۱۹۶۹ محدود کند و بجای آن انتظار دارد مازادی در توازن پرداخت ها بدست آرد. و عجب این که مادام باربارا کاستل که می گویند سخنانش در حزب کارگر فعلا بسیار نافذ است آن قدر جلو رفته که پیشنهاد کرده مخصوصا در امر اعتصاب اختیارات سندیکای انگلستان محدود گردد. در این کتاب سبز که بعضی آن را «برنامه دوم» انگلستان می دانند ، نکته مهم دیگر دیده می شود و این است که آن افزایش سالانه متوسط درآمد ناخالص ملی هم ممکن است با توجه به وضعیت صادرات انگلستان سریع تر یا کندتر شود .

اما برنامه فرانسه که باید ششمین آن تدوین شود و گروهی از اقتصاد دانان تهیه کننده آن که از نظریات کینس پیروی می کنند چه آینده ای خواهد داشت ؟





اما نکته مهم دیگری در سخنان این شخص قابل توجه و بسیار مهم باید تلقی شود و آن اینکه او مدعی است این انستیتو اخیراً موفق به کشف یک نوع هیبرید جدید سیب زمینی شده که در مقابل آفات نباتی مقاوم است و با استفاده از آن می‌توان محصولی سه‌برابر محصول معمولی سیب زمینی بدست آورد.

شک نیست که چنین کشفی توجه همه کشاورزان جهان را از جهت صرفه جویی در مصرف سموم نباتی و بازدهی محصول جلب خواهد کرد و اگر این گفته ثابت گردد، هند خواهد توانست نه تنها بازار سیصد میلیون روپیه جنوب شرقی آسیا را در دست گیرد بلکه راه بازارهای اروپا - و کسی چه می‌داند؟ شاید آمریکا را - هم برای مصرف هیبرید نویافته خود باز کند.

خوب وقتی ژاپن بتواند در بازار صنعتی اروپا و آمریکا راه یابد، چه دلیلی هست که هند نتواند در بازار کشاورزی جهان راه پیدا کند و چرا ما ایرانی‌ها هم نتوانیم با تحقیق و جستجو، ثمره این نوع تحقیق‌ها را در کشورمان مورد استفاده قرار دهیم؟

و چه بهتر که سه وزارتخانه کشاورزی و تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی و منابع طبیعی هم هر چه زودتر نظر خود را در این مورد برای کشاورزان و مصرف‌کنندگان ایران بگویند.

اگر جنسی فراوان شد قیمت آن؟

باز در همین اطلاعات بود که در سال جاری باریش باران‌های مداوم و برف در تهران ذخائر عظیمی به صورت آبهای زیرزمینی و پشته‌های برف در کوهساران انباشته شده و اداره هواشناسی ایران اعلام کرده که در مدت شش

مثل : هزینه‌های گوناگون محافظت و هزینه‌های افراد مراقب، هزینه‌های محل اشغال شده و سرمایه اولیه و هزینه‌های دیگر...

باید این رقم حاصله (اگر آنرا بدست آورند) یک نوع بیدار باش تلقی گردد برای سایر دستگاه‌های ملی و دولتی که آن‌ها هم در انبارهای خود شاید اجناس و اشیاء بیهوده و بی‌مصرف داشته باشند که هزینه حفظ و نگاهداری آن‌ها جزء تراز نامه‌های آن‌ها همه ساله عرضه می‌گردد و شاید هم که هم اکنون هزینه‌هایی بابت نگاهداری این نوع اجناس و محافظت آن‌ها و جا و انبار و غیره پرداخت شود...

هند و سیب زمینی

انستیتوی «مرکز تحقیقات در باره سیب زمینی» موسسه‌ای است هندی که به‌وسیله دکتر. پوشکارن - در شهر سیملا هند اداره می‌شود - روز پنجم اسفند (بنابر خبر رویتر) این دکتر گفته است که هندوستان می‌تواند بذر سیب زمینی مورد نیاز جنوب شرقی آسیا را (که اکنون به حدود سیصد میلیون روپیه هندی بالغ می‌گردد و تا بحال از هند وارد می‌شده) برآورد.

او علاوه کرده است که سیب زمینی باید مقام شایسته‌ای در خوراک مردم هند بدست آورد و تنها به عنوان سبزی که فعلاً در هند متداول است، مصرف نگردد. (فراموش نکنیم که اکنون هندوستان غذا باندازه کافی ندارد) مصرف کنونی سرانه سیب زمینی هند چهار کیلو و مصرف اروپا یکصد تا دویست کیلو است.

من نمی‌دانم مصرف سرانه سیب زمینی در ایران چقدر است؟ و خوشحال خواهم شد اگر وزارت خانه‌ای که آقای گودزی وزیر تولیدات و مواد مصرفی آن هستند صورت مصرف سیب زمینی را در پنج سال اخیر و پیش بینی آن را برای پنج سال بعد در اختیار عامه مردم بگذارد که بدانیم در جدول جهانی ما در چه محلی قرار داریم. اما این سخن دکتر پوشکارنات را هم می‌توان یک سفارش و هم یک توجه و هم یک ارائه طریق به حساب آورد که البته در حدود مسؤولیت کسانی است که این‌گونه وظائف را بر عهده دارند.

تقسیم گشته قطب روشن فکران ادبی که خودشان را اغلب «روشنفکر» می‌خوانند و قطب علما و دانشمندان و قیزیک دانان که برای روشن فکران حساب قائل هستند.

باز می‌گویند که دانشمندان و علما و فیزیک دانان و ریاضی دانان اغلب خبر از شرایط انسانی واقعی ندارند و ناچار خوش بین ظاهری هستند و اینها معتقدند که روشن فکران ادبی کوتاه بین‌اند و بسیار هم بی‌طرف نسبت به سایر مردمان و تنها چیزی که می‌خواهند و می‌طلبند همان لحظه آنی و فوری زندگی است.

اما آیا سئو خواهد توانست در این فرهنگ سوم خود هم ادبا و هم دانشمندان را گرد آورد؟ اگر بتواند شاید یک مشکل بزرگ دیگر جهان کنونی ما حل شود.

بیمه دانشجویان

هیجده هزار دانشجوی دانشگاه تهران طی قراردادی که بین شرکت بیمه ایران و دانشگاه مبادله شد بیمه شدند.

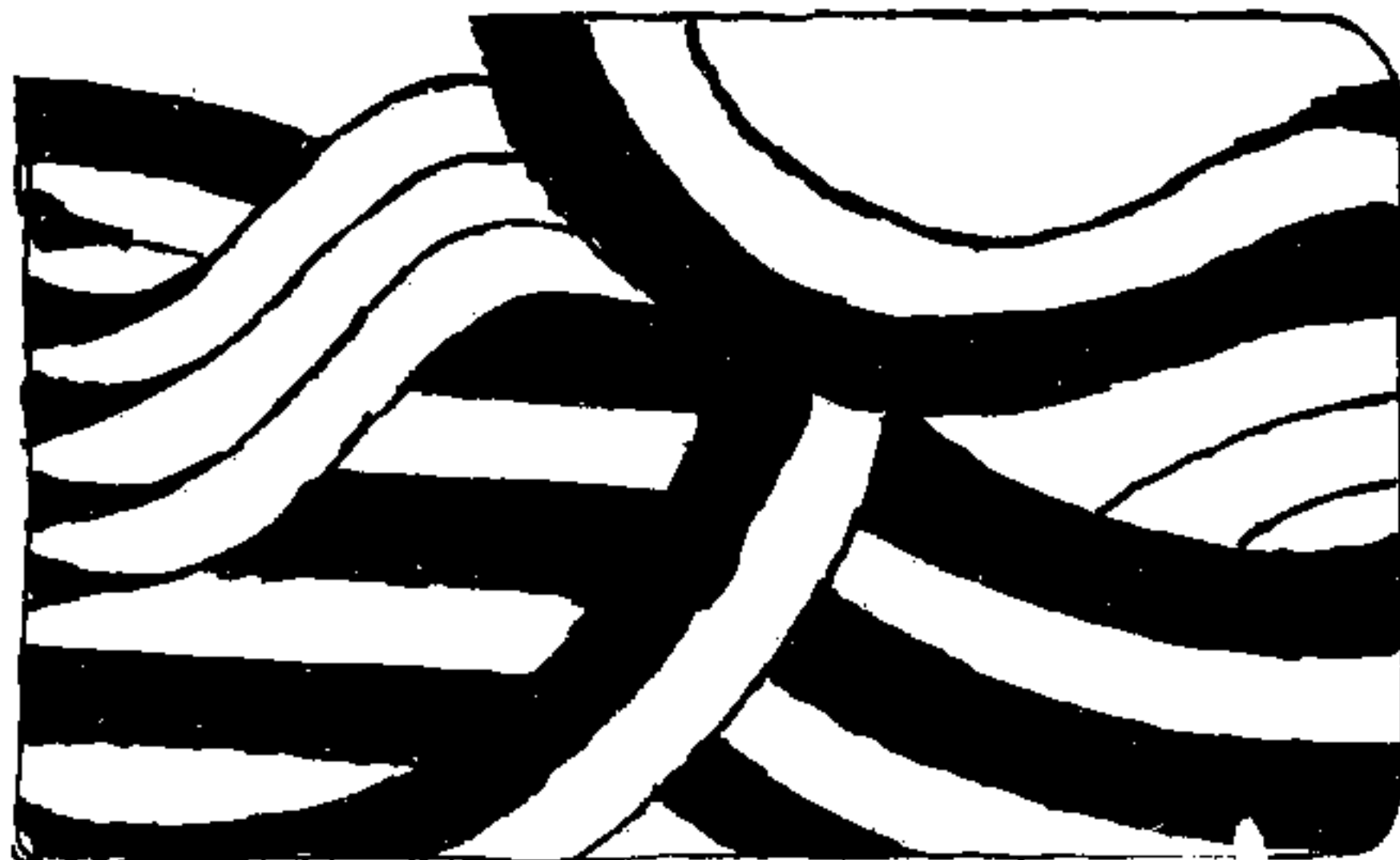
این قدم قابل تقدیر است، اما اگر همه دانشجویان کشور قرار است بیمه شوند و با قرارداد، آیا از پیش حساب و معلوم کرده‌اند که قرارداد با هر موسسه و مدرسه و دانشگاه و تشکیلات دانشجویی چقدر وقت مسئولین بیمه و دستگاه‌های دیگر را برای این تشریفات خواهد گرفت؟

برای لوکوموتیو زمان تراز

بالاخره فکری کردند

راه آهن دولتی بالاخره تصمیم گرفت تعدادی از لوکوموتیوهای زمان تزاری خود را بفروشد. تاریخ ورود این لوکوموتیوهای بخاری را که بین خط جلفا و تبریز کار می‌کرده تا ۱۹۰۹ مسیحی، یعنی شصت سال پیش ذکر می‌کنند.

گویا بعضی از این‌ها در جنگ دوم جهانی وقتی ایران پل پیروزی شد هم مورد استفاده قرار گرفته است. اما حالا بفکر افتاده‌اند که این‌ها را برای مصرف در ذوب آهن تحویل دهند. این فکر البته بجا است. اما چه خوب بود حساب می‌کردند که هزینه نگاهداری آن‌ها از تاریخی که مورد استفاده قرار نگرفته‌اند تا امروز که می‌خواهند آنرا تحویل دهند چقدر شده است؟ (البته هزینه از هر حیث و از هر جهت



ماه گذشته ۲۶۰ میلیون باران در تهران باریده است .

در علم اقتصاد قانونی هم هست که وقتی جنسی زیاد شود باید به فکر ارزان شدن آن برآیند. ولی یکی دو هفته قبل باز در اخبار بود که وزارت آب و برق بهای اشتراك آب را از هر متر مربع ۷۵ ریال به حدود ۱۲۰ ریال بالا برده است. بنابراین اگر آب فراوان شده طبق علم اقتصاد (قدیم) آیا نباید ارزانتر شود؟ و ۱۲۰ هم از ۷۵ نمی شود کمتر باشد. بهرحال اگر در صحت هیچ يك از این خبرها نتوان تردید کرد حداقل این است که باید در باره نظر باصطلاح اقتصاددانان که گفته اند «وقتی جنسی زیاد شد باید بفکر ارزان شدن آن بود.» تردید کنیم. و افسوس بخوریم به آن همه وقت های تلف شده در کلاس های اقتصاد که چرا مطالب را طوری تدریس کردند که امروز نمی توان آن را با واقعیت های زمان درست تطبیق داد .

خانواده یا مدرسه

آقای علی اکبر کسمائی مدت هاست مطلبی را با عنوان مساله ای بنام جوانان دنبال می کند . نوشته های این نویسنده که من از آغاز با آن آشنائی و الفت یافته ام همیشه برایم دل نشین بود. دیروز نوشته هایش بدل می نشست و امروز اندیشه هایش فکر آدم را همان اندازه بخود مشغول می دارد که دل آدم را و این نشانه يك نویسنده موفق ، موفق در نفوذ در فکر و دل آدمیان است .

در شماره اخیر فردوسی می نویسد :

خانواده کشت گاهی است که نخستین پدر های شخصیت آدمی در آن نشاندہ می شود پایه های این شخصیت آدمی در نخستین پنجسال یا هفت سال عمر هرگونه نهاده شود در سال های بعددشوار است که آن را از بنیاد دگرگون ساخت .

و بعد علاوه می کند :

«ثابت شده است که مدرسه بقدر خانواده در تربیت طفل تاثیر دارد . زیرا نخستین و آخرین کارمدرسه آموختن است و حال آنکه خانواده دوشخص شخص موثر است و آنقدر که خانواده در چگونگی این شدن تاثیر

دارد ، مدرسه ندارد . و سپس از کارشناسان آموزش و پرورش نقل می کند که گفته اند « سهم مادر در تاثیر بر تکوین اخلاقی کودک معادل شصت درجه و سهم نزدیکترین دوست کودک پنجاه و هشت درجه و سهم پدر چهل درجه است و حال آنکه سهم معلم پیش آهنگی که بیشتر از هر معلم دیگر در پرورش کودک تاثیر دارد بیست درجه و سهم معلم عادی فقط و فقط هشت درجه است ...»

تذکر وی در این زمان که کشورمان پله های ترقی را یکی در میان می پیماید شایان توجه بیشتر است .

در جهت فکر کسمائی از او رخصت می خواهم علاوه کنم که طبق آخرین تحقیقاتی که گروهی کارشناسان درباره آموزش و پرورش کرده اند پایه های شخصیت طفل از دو سالگی نهاده می شود و بنا براین نظر وی در تاثیر خانواده در طفل البته بسی موثرتر و از زمانی پیشتر خواهد بود .

راستی چرا برای ساختن و پرداختن شخصیت طفل های آینده هیچگونه پایه گذاری و هیچگونه پی ریزی در اذهان و افکار نمی شود ؟ چرا با این همه وسائل انتقال فکر که خوشبختانه در ایران امروز بوجود آمده و هر روز قوی تر و شعاع عمل آن بیش و بیشتر می شود از عکس های متحرك و با صدا گرفته تا رادیو و مطبوعات بطور منظم و مجهز در این راه گام های لازم را بر نمی داریم ؟

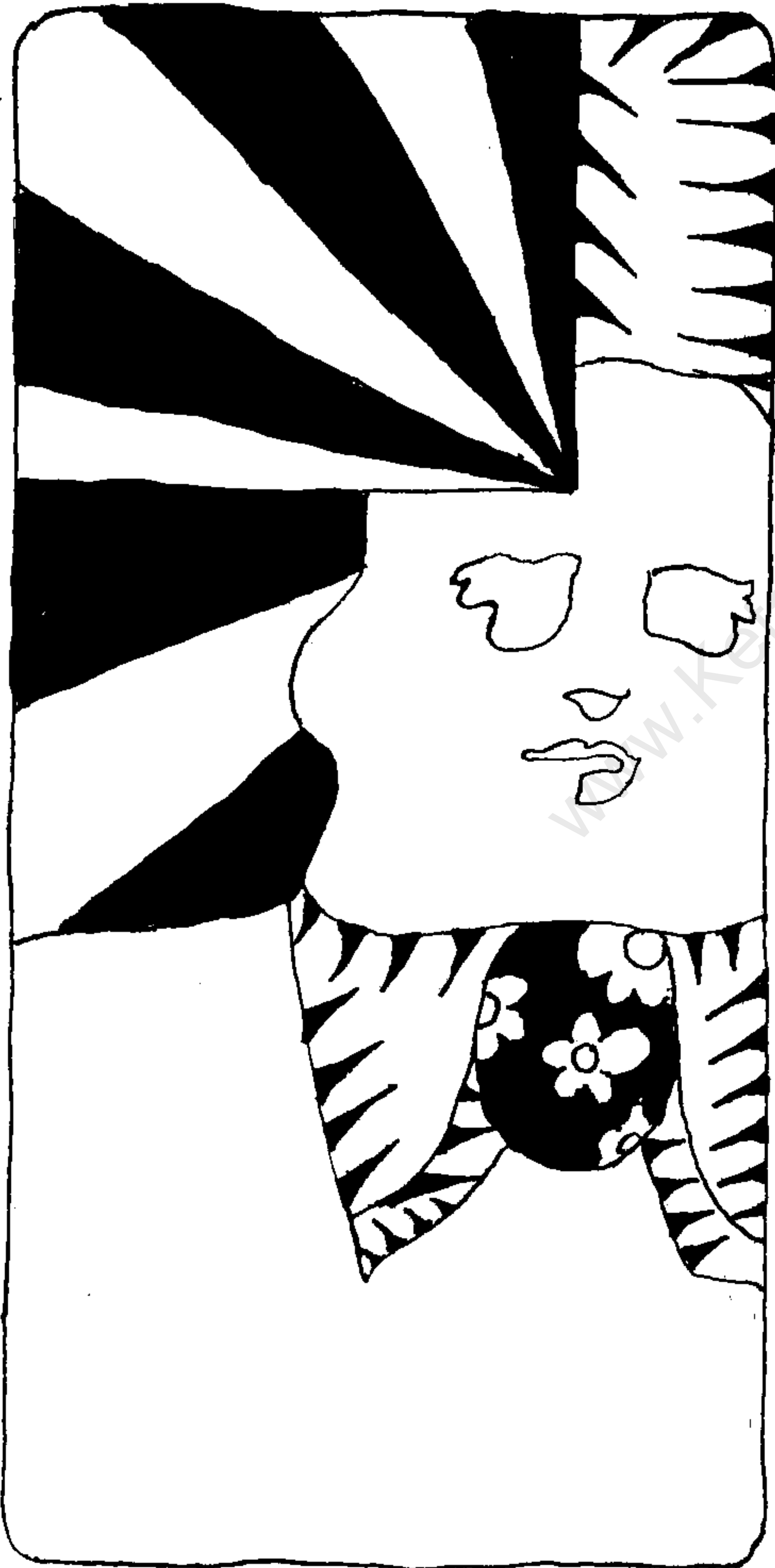
در این سه میلیون و نیم طفل و نوجوانی که اکنون در مدارس مشغول درس خواندن هستند اثری که از خانواده های خود دارند بالاترین و عمیق ترین است و خوبی و بدی ، کزی و کاستی خوش اخلاقی و بد اخلاقی آن ها اثری یا آثاری است که تربیت خانواده در آن ها حك کرده یا بجای گذاشته است .

چه خوب بود اگر دستگاههای مسؤول که بحق نگران طرز فکر و عکس العمل آینده بچه های امروز و جوانان فردا هستند در این باره طرحی می ریختند و قدمهایی بر می داشتند .

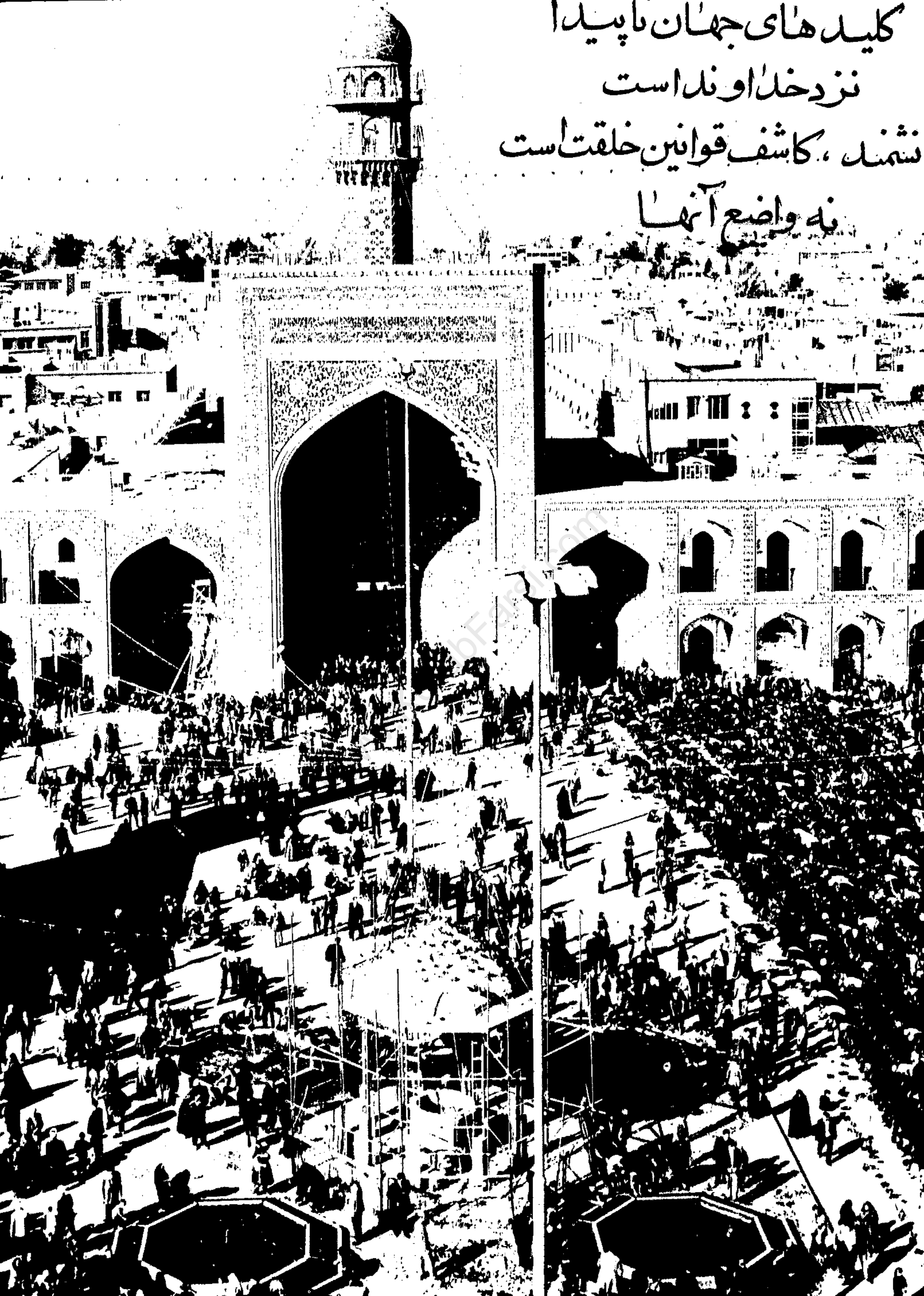
و چه بهتر بود اگر دستگاههای آموزشی و پرورشی و تعلیماتی

کشور در این راه با پدران و مادران و اولیاء اطفال همکاری و هم آهنگی و هم گامی منظم و مرتب کرده و یا برنامه ای اصولی بوجود می آوردند و آن ها را روشن می کردند و راه های درست را به آن ها می نمودند . (واگر هم در این جهات اقداماتی کرده اند و من نمی دانم باز چه خوب است آن کار ها را هم با مردم در میان بگذارند .)

خوشه چین



کلید های جهان با پیدا
نزد خداوند است
نشدند ، کاشف قوانین خلقت است
نه واضع آنها



علم و دین

گفتگو با آقای محمد محمدی

رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی

- دین اسلام دین فطرت است و چیزی خارج از نهاد آدمی و خلاف مقتضای آفرینش بر او تحمیل نمی‌کند.
- علم هم چیزی جز جستجوی منظم و منطقی و مستمر برای کشف راز آفرینش و استفاده از آن نیست.
- مسامحه در اجرای بعضی از دستورها را نباید به بی‌دینی تعبیر کرد.
- در سرزمین خوزستان دارالعلم جندی شاپور دایر بوده که در آن علم طب مبتنی بر روش علمی تجربی تدریس می‌شده و بسیاری از پزشکان معروف عصر اول اسلامی از این دارالعلم فارغ التحصیل می‌شده‌اند و در آن دوره هریک از یاران پیغمبر که بیمار می‌شد آن حضرت وی را به مراجعه به ابن حارث توصیه می‌فرمود، با آنکه حارث هم به اسلام نگرویده و به دین سابق خود باقی مانده بود.
- هنگامی هم که مسلمانان به ترجمه علوم زمان خود از زبان‌های فارسی و سریانی و یونانی و هندی به زبان عربی پرداختند نه تنها این عمل را مخالف دین خود نمی‌شمردند بلکه آنرا خالی از ثواب اخروی نیز نمی‌دانستند.
- راه صحیح و طبیعی هم نخست خوب شناختن معنی و موضوع حقیقی و سپس آشنا ساختن نسل جدید است به آن.
- باید سعی شود کسانی که با امور مذهبی و معارف اسلامی سرو کار دارند علاوه بر آموختن علوم و معارف اسلامی در سطح عالی با روش‌های علمی و فلسفی عصر هم آشنا و از یک فرهنگ عمومی وسیع بهره‌مند و از جهان بینی خاصی برخوردار گردند.
- همین ناآشنایی با کار گذشتگان است که در این طبقه نسبت به فرهنگ گذشته این کشور ایجاد بیگانگی می‌کند.
- در اسلام گرفتن مزد برای بیان مسائل و احکام دینی و همچنین برای فتوی دادن حرام است.
- دانشکده الهیات مؤسسه‌ای است جداگانه با برنامه خاص که بر طبق نظام دانشگاهی بوجود آمده و برنامه‌های آن بر این اساس پی‌ریزی شده که علوم و معارف اسلامی با روش‌های علمی دانشگاهی تعلیم شود و مورد بحث و تحقیق قرار گیرد.
- شماره کتابهایی که در موضوع‌های مختلف از فقه و مبانی حقوق اسلامی و فلسفه و کلام و تفسیر و رشته‌های مختلف فرهنگ اسلامی و ادبیات فارسی و عربی و موضوع‌های متفرق دیگر تاکنون منتشر شده متجاوز از ۱۵۰ مجلد می‌باشد.
- کلیدهای جهان ناپیدا نزد خداوند است و کسی جز او به آن آگاه نیست خداوند به آنچه در خشکی و دریا است عالم است و برگ‌های از درختی جز با علم خداوند نمی‌افتند.

یک عارضه خارجی.

تلاش - دین اسلام با کسب علم و دانش نه تنها مخالفتی ندارد بلکه مروج کسب علم و معرفت است پس چه عواملی باعث شده که بعضی از مردم بویژه نسل جدید بین علم و دین جدایی و تضاد قائل می‌شوند؟

محمدی - اگر چنین چیزی باشد علت آن جز بی‌اطلاعی از معنای علم و دین و حدود و قلمرو هریک از آنها چیز دیگری نمی‌تواند باشد. اظهار نظر در اموری که جزء امور دینی بشمار می‌رود و در اثر تعدد رشته‌ها و گسترش موضوعات و قوف بر هریک سالیان دراز درس و بحث لازم دارد و همچنین بیان عقیده در مسائلی که در قلمرو علم است آنهم در عصری که علوم چنان عمق و گسترش یافته‌اند که تمام عمر یک دانشمند هم به تحقیق در کوچکترین رشته‌ای از رشته‌های متعدد آن کفاف نمی‌دهد کار فنی و بسیار پیچیده‌ای است. این کار به این سادگی نیست که بتوان به این صورت درباره آن اظهار نظر نمود چه رسد به آنکه راجع به تضاد آن دو صحبت کرد. گاهی بعضی از تحصیل کرده‌ها که در رشته‌ای از رشته‌های علمی معلوماتی کسب کرده‌اند بمحض آنکه با مسأله‌ای خارج از حدود معلومات خود برخوردند و آن را با معلومات خود ناسازگار پنداشتند آنرا مخالف علم قلمداد می‌کنند گویی که علم فقط محدود

تلاش - بنظر شما آیا امروز چنانکه باید و شاید مردم به دستورهای دین مبین اسلام پای بند هستند و در اجرای اوامر دین کوتاهی نمی‌ورزند؟

محمدی - مردم دودسته هستند: اکثریت عظیمی که به دین علاقمندند و حتی الامکان از دستورهای دینی پیروی می‌کنند، و دسته بسیار قلیلی که زیاد به اجرای شعائر مذهبی پای بند نیستند. و این امر هم اختصاص به امروز یا دیروز و به جامعه مسلمان و غیر مسلمان ندارد. در همه دوره‌ها و در همه جوامع چنین بوده و هست، منتهی در عصر حاضر این امر بمقتضای تحولاتی که در زندگی اجتماعی انسان بوجود آمده به شکل بارزتری جلوه گر می‌شود. و بطور کلی این را باید گفت که در این بدینی که امروز راجع به عقائد دینی مردم ابراز می‌شود و مسامحه عده قلیلی را در اجرای دستورهای دینی نموداری از سستی عقاید یا بی‌دینی مردم می‌پندارند خیلی مبالغه شده. مسامحه در اجرای بعضی دستورها را نباید به بی‌دینی تعبیر کرد حتی خود بی‌دینی هم عارضه‌ای است که گاهی در اثر علل و عواملی در بعضی جامعه‌ها و یا در طبقه‌ای از جامعه‌ای بروز می‌کند و وقتی آن علل زائل یا ضعیف شد این عارضه هم زائل یا ضعیف خواهد شد. چون دین یک خاصیت فطری و طبیعت اصلی بشر است نه

به معلومات خود آنها می شود همچنانکه بسیاری از اهل دین و حتی برخی از گویندگان و نویسندگان دینی هم هرچه را خارج از حدود عقاید خود بشنوند بی درنگ تخطئه می کنند و هرچه را در کتابی بنام حدیث و روایت بیابند و یا از زبان این و آن بشنوند آن را به عنوان حقایق ثابت اسلام نقل می کنند و هرچه را بنظر خود خلاف آن یافتند آنرا مخالف دین می شمارند اگرچه يك حقیقت ثابت علمی باشد . اگر بتوان تضادی تصور کرد بین این دو گونه معلومات ناقص و نارسا است والا در واقع چنین تضادی وجود ندارد. و اینکه بگفته شما نسل جدید بیشتر به این تضاد قائل هستند این هم بدان علت است که هنوز این دسته از نسل جدید که چنین عقیده ای را به آنها نسبت می دهید یا فرصت آنرا نیافته اند که در باره علم و دین اطلاعات صحیح و کافی ببندوزند و یا برای فرار از مسؤولیت و شانه خالی کردن از قیود اجتماعی خود را به چنین بهانه ها دلخوش می سازند. تلاش - عقیده شخصی شما در این مورد کدام است ؟

محمدی - این مطلبی نیست که به عقیده شخصی مربوط باشد . این يك واقعیت است که علم و دین دارای دو قلمرو متفاوت هستند که نه تنها فرض تضاد بین آن دو نمی رود بلکه برای پیشرفت انسان باید مکمل یکدیگر باشند . چون صحبت از اسلام است از همین دین مثال بزنیم : آنها که در این دین مطالعات صحیح و عمیق دارند معتقدند و از کتاب و سنت هم جز این بر نمی آید که دین اسلام دین فطرت است : معنی دین فطرت این است که انسان را به اموری دعوت می کند که خصوصیت خلقت و فطرت خدادادی خودش او را به سوی آنها می خواند و چیزی خارج از نهاد آدمی و خلاف مقتضای آفرینش بر او تحمیل نمی کند . علم هم چیزی جز جستجوی منظم و منطقی و مستمر برای کشف راز آفرینش و استفاده از آن نیست ، دانشمند می کوشد که با منطق علمی پابرجا و استوار قوانینی را که در طبیعت حکم فرماست کشف کند و از راه کشف همین قوانین پیوسته بر معلومات خود درباره این جهان بیفزاید و از معلوم به مجهول راه یابد و معلومات خود را برای بهتر زیستن در خدمت بشریت گذارد بنابراین دانشمند هم کاشف قوانین خلقت است نه واضع آنها و با این ترتیب فرض تضاد بین علم و دین همانطور که گفتیم ناشی از آن است که یا دین را چنانکه باید نشناخته ایم و آنرا خارج از قلمرو خودش به کار می بریم و یا اینکه منطق واقعی علم و میدان عمل آن را تشخیص نداده ایم و یا هر دو را . در اینجا باید به این مطلب توجه داشت که هر چند علوم تجربی در عصر ما گسترش عظیم یافته و به رشته ها و شعبه های متعدد و متنوع تقسیم شده ولی این بدان معنی نیست که همه این علوم در عصر ما بوجود آمده و در زمان های قدیم و از آن جمله در زمان

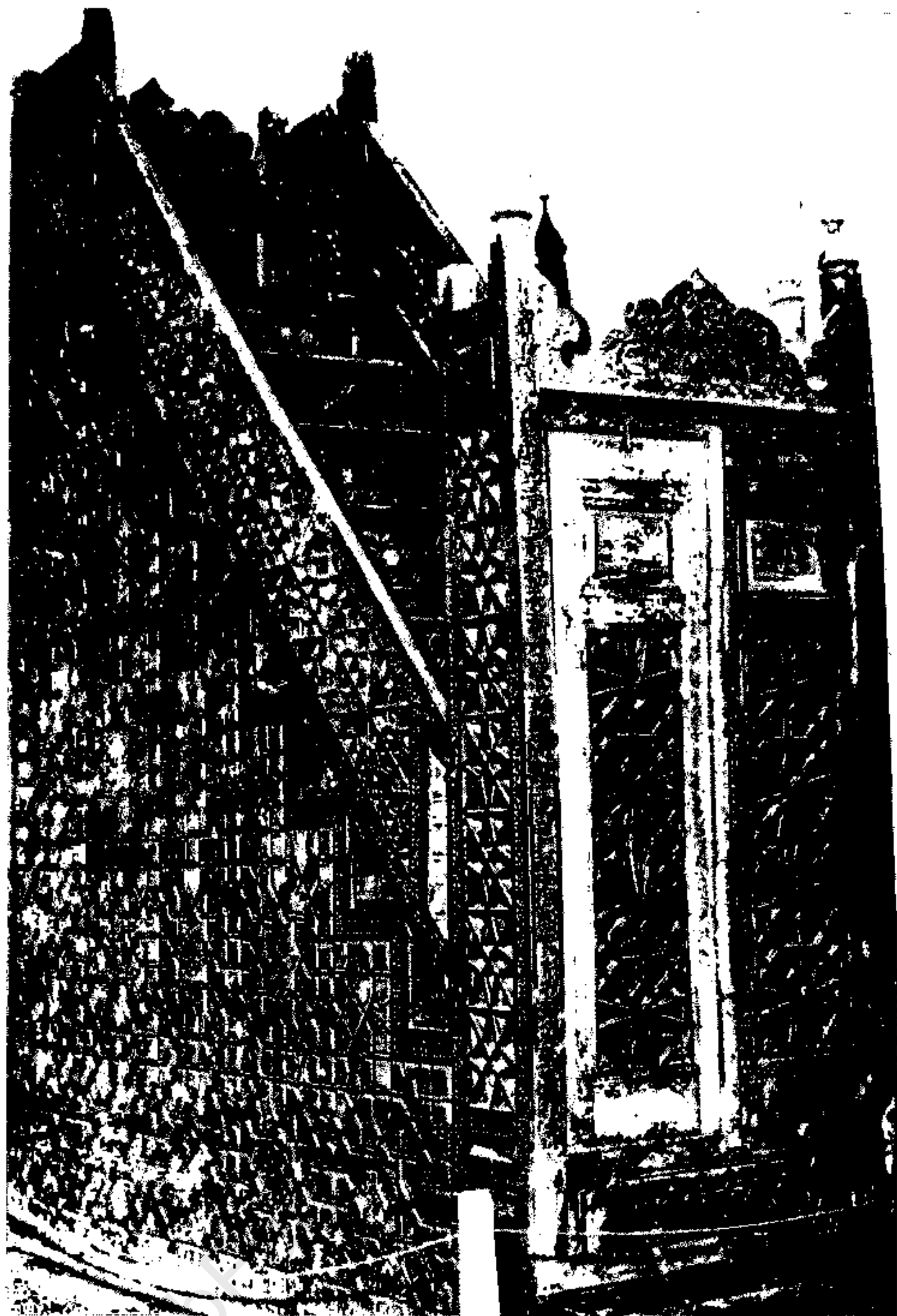
پیغمبر اکرم چیزی که بتوان آنرا با اصطلاح امروز علم نامید وجود نداشته است . در آن دوره هم رشته هایی از علم مانند پزشکی و نجوم و ریاضیات که شاید روش آن از نظر گاه علمی پابرجاترین و استوارترین روشهای علمی باشد و همچنین رشته های دیگر وجود داشته اگر بعضی از رشته های علمی چندان برخوردی با زندگی مردم عادی نداشته باری علم پزشکی که خود یکی از مهمترین علوم تجربی است با مردم سروکار داشته و مورد استفاده و معروف بوده است . در همان زمان در ایران و در همسایگی عربستان یعنی در سرزمین خوزستان دارالعلم جندی شاپور دایر بوده که در آن علم طب مبتنی بر روش علمی تجربی تدریس می شده و بسیاری از پزشکان معروف عصر اول اسلامی از این دارالعلم فارغ التحصیل می شده اند . و یکی از آنها حارث بن کلهه طبیب معروف عرب است که اصلش از طائف بود و پس از فراغ از تحصیل مدتی هم در ایران بکار پزشکی پرداخت و از این راه مال و منالی هم بدست آورد و زنی هم در ایران گرفت و سپس به زادگاه خود بازگشت و این در دوران زندگانی پیغمبر اکرم بود و در آن دوره هر يك از یاران پیغمبر که بیمار می شد آن حضرت او را به مراجعه به ابن حارث توصیه می فرمود ، با آنکه حارث به اسلام هم نگرویده و بدین سابق خود باقی مانده بود . غرض از ذکر این مثال بیان این مطلب است که در تمام دوران زندگی پیغمبر اکرم چیزی که دلالت کند بر اینکه آن حضرت بین آنچه خود تعلیم می فرمود با آنچه دانشمندی پزشک یا غیر پزشک از راه تجربه و آزمایش در قلمرو دانش خود بیان می داشت تضادی دیده باشند یا مسلمانان را از مراجعه به آنها و استفاده از علمشان منع فرموده باشند وجود ندارد بلکه عکس آن ثابت است . و هنگامی هم که مسلمانان ترجمه علوم زمان خود از زبان های فارسی و سریانی و یونانی و هندی بزبان عربی پرداختند و در طی یکی دو قرن قسمت اعظم علوم «شناخته شده» آن عصر را بزبان خود نقل کردند نه تنها این عمل را مخالف دین خود نمی شمردند بلکه آنرا خالی از ثواب اخروی نیز نمیدانستند و اگر در نظر بگیریم که بیشتر بزرگانی که در عالم اسلام در علوم عقلی و تجربی سرآمد روزگار شده اند خود از علمای دین بوده اند از پیدا شدن چنین نظری دایره به تضاد دین و علم که شما به آن اشاره فرمودید تعجب خواهیم کرد .

تلاش - با چه وسائلی می توانیم این روحیه ناهنجار را در افراد مزبور به صلاح درآوریم و چه راه هایی بنظر شما مفیدتر و عملی تر است و زودتر ما را به مقصود می رساند ؟

محمدی - چون علت پیدا شدن چنین عقیده ای که در واقع گمانی بیش نیست و شما آنرا به «روحیه ناهنجار» تعبیر می کنید همانطور که گفتیم جهل نسبت به مفهوم صحیح علم و دین است بنابراین راه صحیح و طبیعی

برای اصلاح آن هم نخست خوب شناختن معنی و موضوع حقیقی این هر دو لفظ و سپس آشنا ساختن نسل جدید است با آن و با روشهای علمی و دینی و قلمرو هر يك از آن دو . و این هم وظیفه ای است که در درجه اول بر عهده متصدیان امور علمی و دینی و کسانی است که در این امور صاحب نظر و مؤثر شناخته شده اند . باید از يك طرف سعی شود کسانی که با امور مذهبی و معارف اسلامی سروکار دارند علاوه بر آموختن علوم و معارف اسلامی در سطح عالی با روشهای علمی و فلسفی عصر هم آشنا و از يك فرهنگ عمومی وسیع بهره مند و از جهان بینی خاصی برخوردار گردند و این امر پیوسته مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد که به همان نسبت که علم و دانش عصر پیشرفت می کند و فرهنگ عمومی گسترش می یابد و سطح اطلاعات مردم بالا می رود به همان نسبت هم کسانی که متصدی امری از امور دینی را بر عهده دارند از لحاظ علمی در سطح بالاتری قرار گیرند و سرمایه یی کافی از فضیلت و اخلاق ببندوزند تا این هماهنگی با پیشرفت جهان همواره حفظ شود . در این مورد مخصوصا باید به این امر کمال توجه بشود که هر چند وظیفه اصلی يك عالم دینی استنباط احکام است از اصولی که در دست دارد و تصرف در آن اصول برای وی جایز نیست ولی وسعت معلومات عمومی و شناخت روشهای علمی و آشنایی با تحولات اجتماعی و سیر فکری و فلسفی دنیای حاضر و درك صحیح تاریخ تحولات علوم و از آن جمله همین علوم و معارف اسلامی اثر بسیار سودمندی در کیفیت استنباط احکام و بیان آنها دارد . اگر دوفقیه را تصور کنید که هر دو علوم و معارف را که طبق سنتهای جاری برای استنباط احکام ضروری است به يك میزان آموخته باشند و هر دو از نظر موازین فقهی شایستگی استنباط احکام را یافته باشند ولی یکی از آنها در همین دایره محدود مانده و از آنچه خارج از این دایره و ماوراء این معلومات در جهان گذشته یا می گذرد بیگانه مانده و در خود و عالم خود فرو رفته باشد ولی دیگری علاوه بر این معارف از علوم دیگری هم که مکمل آنها است برخوردار شده و سیر علمی عصر را دریافته و از تحولات فکری و فلسفی و اقتصادی دنیای حاضر مطلع شده و احیاناً جهان خارج از این محدوده را هم دیده و با طرز زندگی ملت های دیگر هم آشنا شده باشد مسلماً زاویه دید آن دو نسبت به يك مسأله یکی نخواهد بود و در نحوه استنباط آنها بدون آنکه از اصول انحرافی حاصل شود تفاوتی نخواهد بود و همین تفاوتها است که پایه اصلی تحول و پیشرفت است .

پس اگر بخواهیم آنچه را که شما در نسل جوان روحیه ناهنجار میخوانید به صلاح درآوریم از يك طرف باید سعی کنیم که متصدیان امور دینی و مذهبی در چنین سطح علمی و اجتماعی قرار گیرند و از طرف دیگر



دیگری داشتند به این کار هم می پرداختند و برای این کار خود مزدی دریافت نمی داشتند چون زندگی آنها از راههای دیگری تأمین میشد، ولی هرچه زمان پیش رفت بتدریج علوم و معارف اسلامی هم گسترش یافت و رشته های متعدد تقسیم گردید و استنباط احکام مستلزم فرا گرفتن مقدماتی از علوم و معارف مختلف گردید و امور دینی مردم هم توسعه یافت بطوریکه لازم گردید کسانی باشند که منحصر وقتشان صرف فرا گرفتن این علوم گردد و در آن مجتهد و صاحب نظر شوند و بکار تدریس این علوم و امور دیگر مذهبی پردازند از اینجا بود که مانند سایر رشته ها و کارهای اجتماع که برای تحصیل و یا تصدی آنها طبقات خاصی بوجود آمده بود برای تحصیل علوم دینی و تصدی امور شرعی و مسائلی که وابسته به آن شده بود نیز طبقه خاصی بوجود آمد که طبقه روحانیان و متصدیان امور شرعی باشند، ولی یک تفاوت در این میان هست و آن اینست: کسانی که رشته های دیگری از علوم و فنون را می آموزند و همان رشته را حرفه خود قرار می دهند می توانند از آن راه زندگی خود را تأمین کنند و این امر در نظر جامعه ناپسند نیست هر چند مزدی که برای کار خود دریافت می کنند خیلی بیش از تأمین مخارج آنها باشد، ولی درباره کسانی که بتحصیل علوم و معارف اسلامی می پردازند و تصدی امری از امور دینی را حرفه خود قرار می دهند به حکم همان سابقه برای جامعه خوش آیند نیست که این کار را وسیله کسب معاش قرار دهند، و حق هم همین است، ولی از این امر غفلت شده که اگر بنا هست افرادی باشند که به تحصیل علوم دینی و معارف وابسته به آن به شرحی که گذشت پردازند و در این راه عمری صرف کنند و با سرمایه یی کافی از علم و فضیلت و اخلاق به بیان مسائل و احکام دینی و ارشاد مردم پردازند ضرورت دارد که زندگی آنها هم از راه صحیح و مطمئنی تأمین شود، وضع فعلی و منابعی که اکنون برای معاش این طبقه هست غیر کافی و ناپایدار و نا منظم است باید این کار هم مانند همه امور جامعه براساس ثابت و مطمئنی استوار گردد و در آن نظم و ترتیبی بوجود آید که نه تنها زندگی این طبقه را تا حد یک زندگی معقول و معتدل با همه نیازمندیهای آن تأمین کند بلکه مدارج ترقی آنان و طی مراحل مختلفی را که به تناسب سوابق کار و شایستگی علمی و اخلاقی خود باید طی کنند نیز تضمین نماید، و بدین ترتیب مقام اجتماعی آنان در سطحی که در خور کار آنان است تثبیت شود، بدین ترتیب جوانان با استعداد و فاضل به تحصیل این علوم و معارف رغبت بیشتری نشان می دهند و موسساتی هم که عهده دار

محمدی - این مسأله دو طرف دارد که اگر بخواهیم بانظر انصاف به آن نگاه کنیم باید هر دو طرف آن را بررسی کنیم و گمان می کنم هم که گاهی به صورت انتقاد بیان می شود و به قول شما شهرت دارد ناشی از آن است که غالباً به یک طرف این قضیه توجه می شود، در این مورد یک طرف قضیه در اسلام گرفتن مزد برای بیان مسائل و احکام دینی است که آنها و همچنین برای فتوی دادن حرام است و این اصل همیشه در بین علمای اسلام متبع و جاری بوده و در حال حاضر هم هست و اگر کسانی خلاف این رفتار کنند خلاف اصول دینی رفتار کرده اند (البته نباید همه امور را که ما امروز بر حسب عرف و عادت در ردیف امور مذهبی می شمیریم از این قبیل دانست) و اما طرف دیگر قضیه مسأله تأمین معاش کسانی است که به امری از امور دینی و یا به تحصیل معارف اسلامی و یا به سخنوری منبری یا به کار دیگری از این قبیل اشتغال دارند که آیا تأمین زندگی آنان از چه محل و چگونه باید باشد. در اینجا یک توضیح باید اضافه شود و آن اینکه در اسلام شغل و حرفه خاصی که از راه آن درآمدی کسب شود برای تصدی امور دینی وجود نداشته، در زمان پیغمبر اکرم و پس از آن زمان تا مدتی موضوع یاد گرفتن و بیان احکام دینی کار ساده یی بود و کسانی که خود شغل و حرفه

باید توجه شود کسانی که در رشته های علمی به تحصیل می پردازند، با معارف اسلامی و آنچه به علوم قدیمه معروف شده و خود رکن مهمی از فرهنگ تاریخی ایران می باشد آشنا شوند و در ضمن دروس خود به ارزش واقعی آنها پی ببرند و این را بخوبی بدانند که علمای گذشته این سرزمین در هر یک از این رشته ها خدمات ذیقیمتی بعلم و فرهنگ جهان کرده اند و بدانگونه که بعضی از بی خبران گمان می برند کار آنها بی ارج و مایه نبوده است، چون همین ناآشنایی با کار گذشتگان است که در این طبقه نسبت به فرهنگ گذشته این کشور ایجاد بیگانگی می کند و این بیگانگی است که موجب قدرناشناسی می گردد و در نتیجه از یک سوشکافی بین گذشته و حال پیدامی شود که در شأن ملتی همچون ملت ایران با سابقه درخشان فرهنگی که دارد نیست، و از سوی دیگر فاصله یی در طرز تفکر علمای رشته های مختلف بوجود خواهد آمد که از لحاظ حفظ تعادل روحی و فکری جامعه مفید نمی باشد.

تلاش - پیامبر بزرگ اسلام هرچه از تعالیم عالیه دینی به مردم می آموخته به صراحت می فرموده «برای این کار خود از شما پاداشی نمی خواهم» پس چرا شهرت دارد که بعضی و مخصوصاً کسانی که به تحصیل معارف اسلامی مشغولند و سخنوری منبری هم دارند برخلاف این اصل عمل می کنند.

تعلیم و تربیت آنان هستند خواهند توانست در بالا بردن سطح علمی آنها قدمهای مؤثری بردارند و اگر به این امر توجهی نشود به تدریج جوانان با استعداد و آنها که در رشته های دیگر امید موفقیتی دارند به رشته های دیگر روی می آورند و از آنجا که این امور تعطیل بردار نیست خواه ناخواه کار بدست کسانی خواهد افتاد که استعداد و یا تحصیلات کافی ندارند و برای تصدی چنین امور تربیت صحیح نیافته اند، البته منظور از این بیان دفاع از کسانی که انجام وظائف دینی را وسیله مال اندوزی و کسب جاه و مقام کرده و یا می کنند نیست چون دنیا طلبی از راه دین در هر شریعتی مذموم است بلکه چون مطلبی را مطرح نمودید لازم بود که از جهات مختلف مورد گفتگو قرار گیرد. تلاش - آیا دانشکده الهیات و معارف اسلامی به عوض حوزه های علمی قدیم تاسیس یافته و هدف آن چیست؟

محمدی - دانشکده الهیات به عوض هیچ موسسه علمی قدیم یا جدید تاسیس نیافته بلکه موسسه ای است جداگانه با برنامه خاص خود که بر طبق نظام دانشگاهی بوجود آمده و برنامه های آن بر این اساس پی ریزی شده که علوم و معارف اسلامی باروش های علمی دانشگاهی تعلیم شود و مورد بحث و تحقیق قرار گیرد. در سی و چند سال پیش که این دانشکده با دانشگاه تهران بوجود آمد هدف از تاسیس آنرا این ذکر کرده اند که «علوم و معارف اسلامی را از زوال و اندراس حفظ کند و کسانی در این دانشکده تربیت شوند که هم حافظ موارث گذشته باشند و هم سعی کنند که با عصر جدید همگام و همعنان گردند و به همین جهت برنامه دروس این دانشکده هم به صورتی تنظیم شد که هر دو مقصود را بر آورد، البته از آن هنگام تاکنون در جامعه ایرانی تحولات بسیاری روی داده و به خصوص در این چند ساله اخیر که در نتیجه انقلاب سفید ایران چهره اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران عوض شده و این کشور به دوران جدیدی قدم گذارده قهراً از نظر هماهنگی با پیشرفت هایی که در سایر شؤون زندگی مردم حاصل شده برای موسساتی هم که عهده دار امور تعلیماتی و تحقیقاتی کشور هستند مسائل تازه ای پیش آمده که به حکم ضرورت باید در هدف و برنامه کار آنها هم تحولی متناسب و هماهنگ با سایر رشته ها بوجود آید و خوشبختانه منشور انقلاب آموزشی این فرصت را در اختیار این موسسات گذارده و ما هم با الهام از روح مترقیانه این منشور با مطالعه و بررسی دقیق بر طبق مقتضیات روز و احتیاجات کشور برنامه جامعی برای تحول اساسی این دانشکده و تنظیم دروس و سایر فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی آن در نظر گرفته ایم که بتدریج باتهیة نمودن وسائل

آن بمورد اجرا گذاشته می شود، آنچه در تنظیم این برنامه و مشخص ساختن هدف آن راهنمای ما بوده این است که دانشکده الهیات و معارف اسلامی در اجتماع پیشرفته ایران چه وظیفه ای را باید بر عهده گیرد و دانشجویان آن در رشته های مختلف چگونه آماده شوند که بهتر بتوانند به هدف های انقلاب سفید ایران خدمت کنند، البته این نکته را هم باید در نظر داشت که تحول موسسات علمی کار یک روز و دو روز نیست و نتیجه گیری از این تحول هم وقت و زمان لازم دارد. تلاش - تاکنون دانشکده شما چه کتاب هایی چاپ و منتشر کرده، آیا در باره اینکه تعالیم دینی با مطالب علمی تضادی ندارد هم کتابی منتشر شده و اگر جواب مثبت است چند نمونه آن را نام ببرید و اگر نکرده علت چیست؟

محمدی - کتاب هایی که از طرف دانشکده و یا بوسیله استادان این دانشکده ضمن انتشارات دانشگاه و یا خارج از دانشگاه چاپ شده بسیار است و شاید شماره کتاب هایی که در موضوع های مختلف از فقه و مبانی حقوق اسلامی و فلسفه و کلام و تفسیر و رشته های مختلف فرهنگ اسلامی و ادبیات فارسی و عربی و موضوع های متفرق دیگر مربوط به این رشته ها بوسیله استادان این دانشکده تاکنون منتشر شده متجاوز از ۱۵۰ مجلد باشد، و اما اینکه در باره این مطلب که تعالیم دینی با مطالب علمی تضادی ندارد نیز کتابی منتشر شده باشد با این عنوان کتابی بیاد ندارم و شاید علت اینکه در این باره کتابی تألیف نشده این بوده که ضرورتی برای چنین کاری احساس نمیشده.

تلاش - آیا کسانی که در این دانشکده به تحصیل معارف اسلامی مشغولند غیر از مسائل دینی و اخلاقی چیز دیگری هم به مردم باید تعلیم دهند یا نه؟

محمدی - دانشکده الهیات دارای چهار رشته است و دانشجویان هر رشته ای پس از فراغ از تحصیل به کار هایی که متناسب با آن رشته باشد می پردازند، این چهار رشته یکی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی و دیگر فلسفه و حکمت اسلامی و سوم فرهنگ اسلامی و چهارم ادبیات عرب است، از فارغ التحصیلان این دانشکده عده ای که در لباس روحانیت هستند به کار های شرعی و تدریس علوم دینی و یا به وعظ و تبلیغ اشتغال می ورزند و عده ای دیگر که از جوانان دیپلمه هستند و طبق مقررات دانشگاه با مسابقه انتخاب می شوند بتناسب رشته ای که تحصیل کرده اند در دستگاه هایی که به وجودشان احتیاج هست به کار می پردازند.

تلاش - عده ای می گویند تمام علوم از رطب و یابس در قرآن هست به نظر شما منظور از این علوم چیست خواهش دارم در این مورد توضیحی علمی بدهید.

محمدی - چنانکه از کلمه رطب و یابس که در سؤال خود به کار بردید بر می آید ظاهراً منظور شما از این سؤال اشاره به مطلبی است که بعضی گمان کرده اند که از این عبارت «ولارطب ولایابس الافی کتاب مبین» که در قرآن کریم وارد شده استفاده می شود، در صورتیکه چنین مطلبی از این عبارت مستفاد نیست، این عبارت تنه آیه ای است که اصل آیه این است «وعنده مفاتیح الغیب لایعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تنسقط من ورقه الا یعلمها و لاجه فی ظلمات الارض و لارطب ولایابس الافی کتاب مبین» این آیه از آغاز تا انجام آن در بیان این مطلب است که علم خداوند همه کائنات و همه حوادث را چه کوچک و چه بزرگ و چه در عالم غیب یا شهود شامل می شود و هیچ چیز در عالم از حیطه علم خداوندی خارج نیست معنی تحت اللفظ آیه چنین است «کلید های جهان ناپیدا نزد خداوند است و کسی جز او به آن آگاه نیست خداوند به آنچه در خشکی و دریا است عالم است و برگی از درختی جز با علم خداوند نمی افتد و نیست دانه ای در تاریکی های زمین و نه تر و خشکی جز در کتابی آشکار» و مقصود از تر و خشک خداوندی شمول است و مراد از کتاب مبین هم چنانکه بسیاری از مفسران نوشته اند لوح محفوظ است که گویند تمام آنچه در علم خداوند بگذرد در آن لوح ثبت باشد و بعضی دیگر آن را کنایه از علم خداوند دانسته اند و در هر حال خارج از این معانی نیست اینکه بعضی «کتاب مبین» را قرآن مجید ترجمه کرده اند صحیح نیست، ظاهر عبارت چنین ترجمه ای را بر نمی تابد و دلائل دیگری هم آنرا تأیید نمی کند. همین لفظ با همین کیفیت در آیه دیگری هم وارد شده که از آن هم بخوبی معلوم میشود که مقصود از آن قرآن مجید نیست آن آیه این است: «و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین» که معنی تحت لفظی آن این است «هیچ جنبنده در زمین نیست جز آنکه بر خداوند است روزی او و خداوند زیستگاه و کوچگاه آن را می داند هر یک در کتابی آشکار» که در اینجا هم باز گفتگو از شمول علم خداوند است.

تلاش - بنظر شما اکتساب و اتخاذ تمدن جدید با تمام ره آورد های آن ماینتی با دین دارد یا نه؟

محمدی - این سؤال خیلی کلی و مبهم است چون خیلی چیز ها است که به تمدن ارتباط ندارد، اگر مقصود شما از تمدن جدید وره آوردهای آن آثار و افکاری است که مبتنی بر علم و دانش و ثمره کار و کوشش بشر در راه پیشرفت زندگی است و نتیجه آن هم همین پیشرفت هایی است که در رشته های مختلف علم و صنعت امروز مشاهده می

شود که اکتساب آن نه تنها با دین مبینی ندارد بلکه اگر با بینش و بصیرت صورت گیرد و به جای خود به کار رود موجب پیشرفت هدف های دین نیز خواهد بود .
تلاش - سوابق کار و تحصیلات جنابعالی چه بوده ؟ چه سفر هایی به خارج کرده اید ؟ در کدام دانشکده تدریس فرموده اید .

محمدی - من تحصیلات مقدماتی و قسمتی از تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران و قسمت دیگر آنرا در خارج انجام داده ام کار من هم از آغاز تا امروز به استثنای سه چهار سال آن که در وزارت فرهنگ عنوان مشاور تعلیماتی داشته ام صرفاً دانشگاهی بوده که نیمی از آن به تدریس در دانشگاه تهران و نیم دیگر به تدریس در دانشگاه های لبنان گذشته است ، سفر های خارج من علاوه بر کشورهای عربی خاور میانه به کشورهای اروپائی بوده و از بین کشورهای هائی که مسافرت کرده ام در خاور میانه شهر بیروت محل کار های دانشگاهی من بوده و در اروپا نیز در شهر های لندن و پاریس و رم مدتی را برای مطالعه گذرانده ام ، دانشگاه هایی که در آنجا تدریس کرده ام غیر از دانشگاه تهران عبارتند از دانشگاه امریکائی بیروت و دانشگاه دوئتی لبنان .

تلاش - ارتباط دین با زندگی امروزی ما را از جهت فکری و عمل چطور می بینید ؟
محمدی - البته امروز ملت ایران يك دوران تحول سریع را طی میکند و معمولاً در چنین دوره ها گاه اتفاق می افتد که همه مظاهر اجتماعی يك نواخت و بيك سرعت تحول نمی یابند و به این جهت گاهی ناهماهنگی هایی به چشم می خورد که در نتیجه آن پیوند های سابق سست به نظر میرسد ولی در واقع چنین نیست و بامقایسه با جوامع مشابه بسیار جای امید است که این ارتباط هم از لحاظ فکری و هم عملی پیوسته پایدار بماند .

تلاش - آیا می شود هم متدین واقعی بود و هم منطبق با پیشرفت های امروز ؟
محمدی - نه تنها می شود هم متدین واقعی بود و هم منطبق با پیشرفت های امروز بلکه باید و ضرورت دارد که چنین بود تاریخ نشان نداده که ملتی بتواند آزاد و سرفراز زنده بماند و با پیشرفت زمان خود همگام و همعنان نباشد .

تلاش - افرادی که از این دانشکده فارغ التحصیل می شوند چه نقشی را باید در زندگی يك ایرانی بازی کنند ؟
محمدی - همان نقشی را که يك فرد تحصیل کرده دانشگاهی باید در خدمت به مردم ایفا نماید .

تلاش - آیا آنها از طریق تعلیم یا وعظ و خطابه می توانند زندگی خود را تأمین کنند ؟

محمدی - البته بعضی از آنها که قبلاً هم در همین رشته ها بوده اند پس از فراغ از تحصیل به همین کار ادامه میدهند و غالباً از این طریق توانسته اند زندگی خود را تأمین کنند و مقام علمی و اجتماعی شایسته ای هم کسب کنند ، ولی بقیه دانشجویان و بخصوص آنها که دیپلمه هستند ترجیح میدهند به کار دیگری بپردازند که آتیة آنها بهتر تأمین باشد و این می رساند که تنها تربیت افراد شایسته در هر رشته ای کافی نیست باید تشکیلاتی هم وجود داشته باشد که از آن افراد در همان رشته استفاده نماید .

تلاش - آنها در چه مؤسساتی می توانند وارد کار شوند ؟

محمدی - در همان موسساتی که احتیاج به کسانی داشته باشند که راجع به حقوق و فلسفه و فرهنگ اسلامی و زبان عربی اطلاعات جامع داشته باشند . وزارت دادگستری می تواند از فارغ التحصیلان این دانشکده برای رشته های قضائی و دفاتر اسناد رسمی و

محاضر شرع و غیره ، و وزارت آموزش برای تدریس ادبیات و زبان عربی و تعلیمات دینی و اخلاقی استفاده کنند و در حال حاضر که روابط با کشورهای اسلامی و عربی روز بروز توسعه می یابد وزارتخانه هایی همچون وزارت امور خارجه و اطلاعات و فرهنگ و هنر بخوبی می توانند از فارغ التحصیلان این دانشکده برای مأموریت های خود در کشورهای عربی و اسلامی استفاده نمایند و همچنین است سایر دستگاه هایی که در همین زمینه ها احتیاجاتی داشته باشند .

تلاش - تا به حال از دانشکده شما چند نفر فارغ التحصیل شده اند و در کجاها کار می کنند و چه حقوقی میگیرند ؟

محمدی - برای آمار قطعی فارغ التحصیلان این دانشکده باید به دفاتر دانشکده مراجعه کرد ، ولی بطور اجمال می توان گفت که تا به حال شاید متجاوز از دو هزار نفر از این دانشکده در رشته های مختلف بانیل به درجات لیسانس و فوق لیسانس و دکتری فارغ التحصیل شده اند و در قسمت های مختلف امور مملکتی وارد خدمت شده اند و امروز در همه رشته های مختلف امور اجتماعی و اداری این مملکت افراد برجسته ای از فارغ التحصیلان این دانشکده می توان یافت ، از روحانیان و وعاظ معروف و قضات و استادان و دبیران یا کسانی که در مقام های عالی اداری و سیاسی خدمت می کنند .
تلاش - آقای محمدی از پاسخ هایی که دادید سپاسگزاریم .

تولد آقای محمد محمدی بسال ۱۲۹۰ بود. ایشان تحصیلات خویش را در دانشکده علوم معقول و منقول و دانشگاه امریکائی بیروت به پایان رسانید .

آقای محمد محمدی خدمات دانشگاهی خود را در سال ۱۳۲۴ با سمت دانشیاری شروع نمود و در سال ۱۳۲۸ به مقام استادی زبان و ادبیات عرب در دانشکده معقول و منقول و دانشکده ادبیات ارتقاء یافت و از آن تاریخ تا اواخر سال ۱۳۳۵ علاوه بر سمت استادی معاونت دانشکده علوم معقول و منقول را هم برعهده داشت .

در سال ۱۳۳۵ از طرف دانشگاه تهران و دانشگاه لبنان به ریاست کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لبنان انتخاب و اواخر همان سال به لبنان عزیمت نمود و تا آخر ماه سال ۱۳۴۹ که برای تصدی ریاست دانشکده الهیات به ایران مراجعت نمود در آن کرسی بادمه خدمات علمی و دانشگاهی خود اشتغال داشت .

آقای محمدی در اواخر آذر ماه سال ۱۳۴۶ به سمت رئیس دانشکده الهیات منصوب شد. آقای محمدی از طرف حضرت رئیس جمهور لبنان به دریافت نشان درجه اول ملی لبنان نائل گردید .

آقای محمد محمدی استاد تمام وقت دانشکده الهیات و معارف اسلامی با حفظ سمت استادی سرپرستی دانشکده الهیات و معارف اسلامی منصوب شد .

مؤلفات و تحقیقات آقای محمدی بقرار زیر است :

آقای محمدی ۱۲ جلد کتاب به زبان فارسی و هفده کتاب و رساله هم بزبان عربی تألیف کرده است .

مکمل مجموعہ

در ماده دوم دولت افغانستان متعهد شد که علاوه بر انهاریکه جاری بود و هست نهر دیگری احداث و حتی تعمیر ننماید .

در سایر مواد این قرار داد فرعیات مساله مورد توجه قرار گرفته بود .
این قرارداد مورد تصویب مجلس شورای ملی ایران قرار گرفت ولی مجلس افغانستان از تصویب آن خودداری کرد .

بعد از این تاریخ نیز برای حل این مساله بفرنج گاه و بیگاه راههایی فرض شده است که تاکنون هیچیک به نتیجه قطعی نرسیده اند . بهر صورت نمایندگان دو کشور مرتب در حال تبادل نظر هستند تا سرانجام راهی برای این مشکل بزرگ بیابند و چنین امید می رود که به زودی سوء تفاهم هارا پایان داده فرصتی برای حسن تفاهم بیشتر پیش آورند .

دلتای هیرمند

رود هیرمند پس از طی مسافتی در حدود ۱۲۰۰ کیلومتر در خاک افغانستان در کهنک

به خاک ایران وارد می شود و آن را با نامهای سیستان و پریان پهن دشت زرخیز سیستان در بر می گیرد . پهن دشتی که در گذشته یعنی آنزمان ها که آب به مقدار کافی در این رودخانه جریان داشت انبار غله ایران نامیده می شد و اکنون به سبب بی آبی چهره اش تب آلود گشته ، غمزده و اندوهناک به فراموشی گرویده است .

دلتای هیرمند که سیستانش می نامیم جلگه وسیعی است بمساحت ۱۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع که مردمش با آنکه در طول حیات تاریخی چند هزار ساله خود بار ها با عوامل نامساعد طبیعت و حملات و فشار های تاراج گران خارجی جنگیده اند هرگز آبادانی مرز و بوم خود را فراموش نکرده ، هر بار پس از رهایی از گرفتاریهای جنگ و ستیز به نیروی ایمان و بردباری و با اتکاء به استعداد شگرفی که در نهاد فرد فردشان نهفته است به آبادانی سرزمین آبا و اجدادی خود پرداخته ، بر رونق آن افزوده اند .

این سرزمین مردخیز قهرمان پرور که خاطرات تابناک و افتخار آمیز پهلوانان و دلاوران باستانی را در ما زنده می کند در گذشته «نیمروز» نامیده می شد وجه این تسمیه آنست که طبق محاسبات نجومی گذشتگان وقتی آفتاب بر نصف النهار این منطقه می تابید تمام دنیای معلوم روزگار باستان چه پیش از ظهر و چه بعد از ظهر چونان نیم روز بود .

و اما اینکه چرا نامش را به سیستان برگرداندند : بدین دلیل است که سیستان از کلمه سیوستان مشتق و سیو بمعنای مرد است و در نتیجه سیوستان سرزمین مردان معنی میدهد .

از دیگر عقایدی که در مورد نام این

سرزمین کهن گفته شده اینست که سیستان از سجستان یا سگستان آید و آن مخفف سگزستان میباشد که از نام کوهی رفیع بنام سگز گرفته شده است . گویند دلیر پهلوان ایران ، رستم دستان نیز زادگاهش در این کوه بود و بهمین دلیل ویرا رستم سگزی نیز نامیده اند . ضمناً سگزی یکی از هفت زبان پارسی است که اکنون متروک است .

موقعیت جغرافیائی سیستان

جلگه پهناور سیستان در مشرق یا کشور دوست و برادر افغانستان همسایه است و رودخانه پریان خط مرزی را معین می نماید . شهرستان زاهدان در جنوب این دشت وسیع قرار دارد .

در غرب دامنه این دشت وسیع بی دریغ تا کویر لوت صاف و هموار گسترده شده است . در گوشه ای از این دیدگاه کوه «خواجه» یا «رستم» آرام و غمگین ، به طور منفرد به ارتفاع ۹۰۰ متر از سطح دریای آزاد باشکوهی بس چشم گیر جلوه گری می کند .

شمال سیستان به دریاچه هامون یا سیستان منتهی می شود که مساحتی در حدود ۱۸۰ کیلومتر مربع دارد . عمق این دریاچه به طور متوسط ۱۰ متر است و مقدار آب آن در فصول مختلف تغییر میکند . اهالی سیستان بوسیله قایقهای مخصوصی که از نی ساخته می شود و «توتن» نام دارد در روی دریاچه به صید مرغابی می پردازند .

اطراف دریاچه سیستانرا نیزارهایی فرا گرفته که جای تعلیف احشام است . هر سال برای آنکه دوباره این نیزارها سبز گردد ساکنین کنار دریاچه نی های خشک شده سال قبل را آتش میزنند و منظره ای چنان زیبا و بدیع ترسیم می کنند که بتصور نمی گنجد ، منظره ای دل انگیز و تکان دهنده از دریایی به آتش کشانده شده ... و این تابلویی شگفت انگیز و جاودانه از سیستان است ، جایی که دریا در آن آتش می گیرد !

اوضاع جوی

گرچه سیستان منطقه ای گرمسیر است و حد اکثر درجه حرارتش در تابستان به ۵۳ درجه سانتیگراد می رسد ولی به علت وزش باد در زمستان این درجه حرارت گاهی تا ۹ درجه زیر صفر تقلیل می یابد .

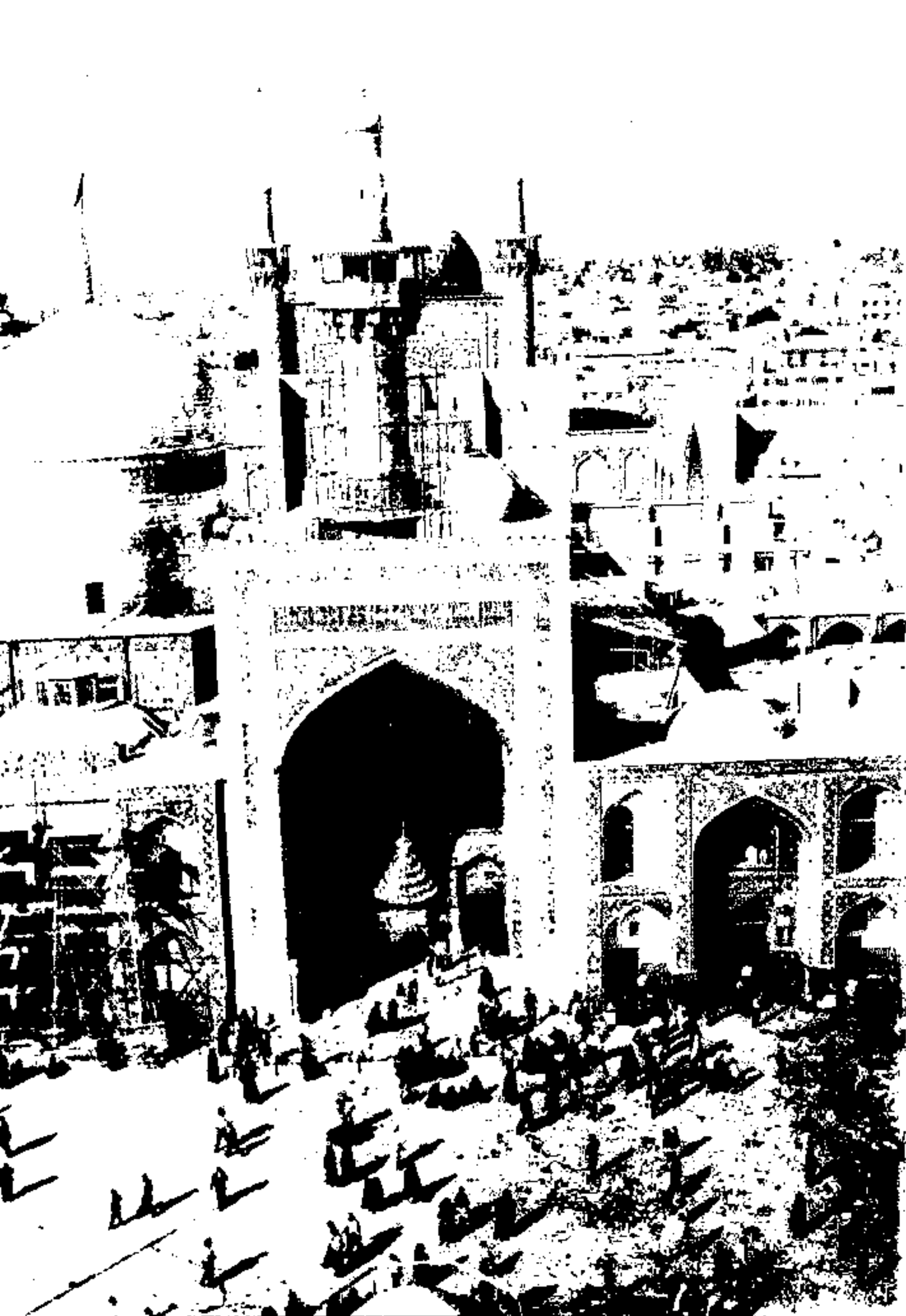
مقدار متوسط رطوبت در بهار ، تابستان و پائیز ۳۰ الی ۳۵ درصد ، در زمستان ۸۵ درصد و میزان بارندگی ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر در سال است .

در تابستان باد های شدید موسمی سیستان که به باد های ۱۲۰ روزه معروف است با سرعتی در حدود ۶۰ تا ۸۰ کیلومتر در ساعت از جهت شمال غربی به جنوب شرقی باعث جریان ریگهای روان می گردد و فرسایش بیشتر زمینهای سیستانرا که پوشیده از رسوب





خانم ایران نارویی دختر سردارنظرخان و نماینده زنان استان سیستان و بلوچستان مربوط به مقاله



مشهد ، صحن مطهر حضرت



تهران ، ساختمان بانک کار



اردبیل ، ساختمان شیروخورشید



بازار مسگرها

های سنوآتی رودخانه هیرمند شامل درصد زیادی از ماسه های بادی است سبب می شود . جریان ریگهای روان به مزارع ، شبکه انهار ، و خانه های مردم در قراء و قصبات آسیب فراوان وارد می سازد . مبارزه با این بلای خانه برانداز از کار های اساسی مردم سیستان بوده و هست . این مردم شجاع برای جلوگیری از عوارض این باد ها یا درختکاری کرده اند و یا با استفاده از نی های نیزارها نوعی دیوارهای حفاظتی مخصوص ، که درمحل « تنک » (به کسراول) نامیده می شود ، در مقابل جریان این ریگها به وجود آورده اند که عمل باد شکن و در عین حال تثبیت ریک روان را به عهده دارد . بدینجهت است که نویسنده کتاب تاریخ سیستان میگوید : « شرایط آبادانی سیستان بر سه بند بستن نهاده آمد : بستن بند آب ، بستن بندریک و بستن بند مفسدان . هرگاه که این سه بند اندر سیستان بسته باشد اندر همه عالم هیچ شهر به نعمت سیستان نباشد . »

آبیاری

رودخانه هیرمند تنها منبع آب سیستان است و بجز این رود که برای کشت ، شرب مردم و دام مورد استفاده قرار می گیرد هیچ استخر و منبع آب و چشمه ای در این منطقه وجود ندارد . چون به علت وجود آب زیر زمینی تلخ و شور در نزدیکی سطح زمین ساختن آب انبار ، استخر و نظایر آن غیر ممکن می باشد . سیستان از این نظر بامشکلات فراوانی مواجه است .

اراضی سیستان فقط به وسیله آبیاری مشروب می گردد و چون سطح استهنگام طغیان رودخانه این خطر پیش می آید که آب همه جا را فرا گیرد و خسارات هنگفتی به وجود آورد .

برای جلوگیری از این مشکل در طول ساحل رود اهالی سیستان با نظارت سازمان آبیاری سیستان سد هایی از گل و لای و چوب گز ساخته اند که به « گوره » معروفند . مرمت و نگهداری این سدها که در طول ساحل رود می سازند از مصالح مشترك عامه مردم است زیرا گاهی فقط يك شكاف باعث می شود آب همه جا را فرا گرفته ویرانی غیر قابل جبرانی پدید آورد . چنانکه طغیان آب در سال ۱۳۲۸ يك دوره چند ساله بی آبی منجر شد و در طی این سالها نواحی وسیعی از نیزارها و مراعات خشکید و فقر و فاقه دامن گیر عموم مردم سیستان شد .

در گذشته برای بالا آوردن سطح آب رودخانه های سیستان و پریان نیز از همین سدهای گزی استفاده می شد و هر سال چندین بار زارعین سیستان طبق سنت قدیمی با خودیاری «حشر» اقدام به قطع اشجار گز و حمل آنها به محل بستن بندهای گزی می کردند اما این بندها با اولین طغیان رودخانه دستخوش سیلاب می شد و باز زارعین خستگی ناپذیر سیستانی الزاماً ساختن بند دیگری را آغاز می کردند . اما چون بستن بندگری علاوه بر اینکه کار دائمی و طاقت فرسایی برای مردم بود باعث انهدام جنگلهای طبیعی و زیبای گز نیز می شد . اداره آبیاری وقت در سال ۱۳۳۰ اقدام به ساختن سدهای انحرافی بتونی در بستر رودخانه سیستان نمود .

این سدها که درمحل « کهک » و « زهک » نامیده میشوند از جمیع جهات ساختمانی به دست مهندسین مجرب ایرانی ساخته شده اند .

سد کهک در يك کیلومتری مرز ایران و افغانستان ساخته شده است و با بالا آوردن سطح آب در رودخانه سیستان به کانال آذر که از این قسمت رودخانه منشعب می شود آب رسانی می کند . این کانال قسمتی از اراضی بخش معروف میان کنگی را مشروب می نماید . میان کنگی یکی از مهمترین تقسیمات

چهارگانه سیستان است که در شمال شرقی این منطقه قرار دارد . سه بخش دیگر عبارتند از : « شهرکی » ، « ناروئی » ، « شیب آب » و « لشت آب » .

سد زهک در دوازده کیلومتری سد کهک ساخته شده است و بدو کانال شهر و طاهری آب رسانی می نماید .

کانال شهر در ساحل راست رودخانه سیستان کلیه اراضی واقع در « پشت آب » و « شهرکی » را مشروب و کانال « طاهری » در ساحل چپ اراضی بخش « شیب آب » و « ناروئی » را آبیاری می نماید .

دهانه های آب گیر و آب بخش سدهای کهک و زهک به موازات ساختمان سدها احداث شده و عملیات تکمیلی آنها در سال های ۳۶ تا ۳۸ انجام گرفته است . سد کهک ۱۰ دریاچه و سد زهک ۸ دریاچه دارد .

فاضل آب رودخانه سیستان در مسیر اصلی رودخانه به گودالهای هامون هیرمند منتهی می شود . این گودالها که در شمال و غرب جلگه سیستان قرار دارند مرکب از سه گودال به نامهای « سنجولی » در مغرب ، « سابوری » در شمال و « پوزک » در شمال شرقی سیستان می باشند . در سال های کم آبی این سه گودال بصورت سه دریاچه منفرد و مجزا از همدیگر و لی در سالهایی که طبیعت بخل نورزد و کریمانه زمستانی پر برف و باران عطا کند به علت زیاد شدن آب رودخانه هیرمند این هر سه دریاچه به یکدیگر پیوسته دریاچه هامون را تشکیل می دهند .

در سالهای استثنایی یعنی آنهنگام که جریان رودخانه با سیلابهای سهمگین و بزرگ (نوح کلان) توأم است پس از اتصال این سه دریاچه مازاد آب از منتهاالیه جنوبی هامون سنجولی به مسیر خشکه رود قدیمی و معروف « شيله » وارد و از جهت شمال غربی راه منتهاالیه جنوب شرقی افغانستان را پیش گرفته به گودال « زره » (به کسراول و دوم) سرازیر می گردد .



طغیان هیرمند معمولاً از اواسط اردیبهشت ماه آغاز میشود و تا اوایل تیرماه ادامه دارد و در این هنگام است که می‌توان چهره واقعی سیستان را با همه صداقت و خشونتش نگرست. برای تنظیم شبکه قدیمی آبیاری سیستان در سال ۱۳۴۰ سازمان آبیاری سیستان تأسیس شد. این سازمان در طی چند سالی که از آغاز فعالیتش می‌گذرد با تنظیم شبکه انهار، دهانه‌سازی انهار، جلوگیری از تلفات آب در مسیر و به‌سازی محیط مساعی ارزنده‌ای از خود نشان داده‌است.

این سازمان به موازات اجرای شبکه آبیاری جدید سیستان نسبت به تحکیم و احداث دیوارهای حفاظتی طرفین رودخانه سیستان اقداماتی به این شرح انجام داده‌است:

۱- در سال ۱۳۴۵ احداث ۱۳۱۹۰۰ متر مکعب گوره.

۲- در سال ۱۳۴۶ پس زدن ۷۴۸۵۴ متر مکعب خاک کانال آذر و تقویت ۲۷۷۵۰ متر مکعب گوره و نیز احداث ۷۲۳۶۰ متر مکعب گوره‌های شاه‌نهر «طاهری» و «لخشک».

۳- در سال ۱۳۴۷ در طول ۱۵۰۰ متر از گوره‌های «کندرک» ۱۵۰۰ متر مکعب خاکریزی و ۲۴۶۶۱ متر مکعب دیگر از گوره‌های قابل تعمیر را مرمت کرده‌است.

۴- همچنین به اراضی بلند که در اثر پائین افتادن بستر رودخانه در دوره بندهای گزی و پس از آن بی‌آب شده بود، با تأسیس سه ایستگاه پمپاژ مجهز به یازده دستگاه موتور پمپ ده اینچی، آب رسانی نموده‌است.

در ناحیه «چوتو» واقع در کنار رودخانه پریان به علت پایین بودن سطح آب رودخانه سابقاً امکان آبیاری نبود ولی حدود ۱۴۰۰ هکتار در این منطقه باید به هر قیمت شده آبیاری و کشت شود.

بنابراین از سال ۱۳۴۱ شروع به نقشه برداری شد و سپس یک دستگاه پمپاژ در این منطقه به وجود آمد و سپس کشاورزانی که به علت عدم کشت این مناطق آماده مهاجرت بودند ماندند و اگر بعضی از آنها به مهاجرت رفته بودند به این منطقه بازگردانده شدند و به آن‌ها یاد دادند که چگونه باید برای نصب موتور پمپ و استفاده از آب رودخانه عمل کرده و از این اراضی بهره‌برداری کنند.

بر اثر جریان ریگهای روان، که در این منطقه یکی از بلیات طبیعت است، در حدود ۴۰۰ هزار متر مکعب از کانال «آذر» که سابقاً حفر شده بود ولی ریگهای روان آن را مسدود و غیر قابل استفاده کرده بود مجدداً خاک برداری شد و بار دیگر کانال آذر قابل استفاده گردید.

این کانال حدود ۳۰ هزار هکتار از زمین‌هایی را که در بخش «میان‌کنگی» سیستان است مشروب می‌نماید. قسمت دیگر اراضی میان‌کنگی را شاه‌نهر «گل‌میر» (به فتح اول) که از رود مرزی پریان استفاده کند آبیاری می‌کند.

برای آنکه کشاورزان بتوانند هر چه زودتر نهرهای فرعی را مجدداً احیا کنند به آن‌ها وام‌هایی داده شد و سپس اقدام دیگری هم به عمل آمد و آن این بود که مسیر نهرهای «ابراهیم آباد»، «ده‌بارانی»، و «اکبرآباد» را تغییر دادند و شاه‌نهر «ملکی» را نیز لایروبی نمودند که طول مجموع این نهرها بالغ بر ۵۷ کیلومتر می‌گردد. هم‌اکنون کلیه نهرها و شاه‌نهرهای سیستان سالانه لایروبی می‌شود و در مقابل سیل‌های بهار رودخانه‌ها اقدام به خاکریزی به حجم ۳۰۰ هزار متر مکعب در طرفین رودخانه سیستان شده‌است، به منظور آن که اراضی بخشهای «شیب‌آب» و «پشت‌آب» سیستان محفوظ باشد.

در زابل یک مهمانسرا به مساحت ۱۲۵۰ متر مربع با تمام وسائل بوسیله سازمان آبیاری ساخته و آماده‌ی پذیرائی مهمانان است.

شاید این یکی از زیباترین ساختمان‌هایی باشد که در دورافتاده‌ترین نقاط کشور بنا کرده‌اند.

سازمان آبیاری سیستان برنامه‌هایی نیز برای آینده این منطقه طرح کرده‌است که بعضی از آنها هم‌اکنون در دست اجرا می‌باشد و بقیه نیز بزودی برای اجراء آماده خواهد شد.

از جمله برنامه‌های در دست اجرای این سازمان می‌توانیم شبکه جدید آبیاری از اراضی بخش «میان‌کنگی» سیستان را در سطح ۲۵ هزار هکتار نام ببریم. طبق برنامه می‌باید بستر انهار در این شبکه کاملاً اسفالت شده تا از تلفات نفوذی آب در مسیر جلوگیری گردد. برای این منظور تاکنون مطالعات اولیه، تهیه نقشه‌های اجرایی، پیاده کردن نقشه‌ها در روی زمین، خاکبرداری به حجم ۳۵۰ هزار متر مکعب در طول ۲۵ کیلومتر از مسیر انهار فرعی و اصلی انجام شده‌است.

کشاورزی

بیشتر زمینهای سیستان تا قبل از اصلاحات ارضی خالصه بود. تاریخ خالصه‌های سیستان از نخستین سالهای سلطنت ناصرالدین شاه آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۱۱ ادامه می‌یابد. در آن سالها خالصه سیستان را به سرداران و سرشناسان محل اجاره می‌دادند ولی چون سرداران و کسان دیگری که اراضی خالصه را در تصرف داشتند قدمی در راه حاضرخیز کردن زمینهای سیستان برنداشته، در حق رعایا اجحاف کرده و از پرداخت مال‌الاجاره نیز بدولت امتناع ورزیده بودند تصمیم گرفته شد خالصه‌های سیستان را بین کشاورزان تقسیم کنند. با این ترتیب می‌توان گفت که تقسیم اراضی در سیستان در دو مرحله انجام شده است مرحله اول در سال ۱۳۱۲ و مرحله تکمیلی آن با اجرای قانون اصلاحات ارضی در سالهای ۴۲ تا ۴۵. در طی این سالها تمام زمینهای سیستان را که بالغ بر ۱۹۷،۷۶۲ هکتار و تعداد ۵۹۵ ده بود نقشه برداری شد و ۱۳۷۲۶۵ هکتار زمین مزروعی بین ۳۷،۲۴۴ کشاورز

تقسیم گردید.

هم‌اکنون کشاورزان در نهایت علاقه و پشتکاری قابل تحسین روی زمینهای خود کار می‌کنند به‌طوری که در طی مدتی کوتاه چهره زندگیشان عوض شده و قوه خریدشان بالا رفته‌است.

متأسفانه آب رودخانه سیستان در موقع کشت بسیار کم است و گاهی حتی به اندازه بذر پاشیده شده هم برداشت نمی‌شود و گرنه سیستان با روح کار و فعالیت که در مردمش نهفته است می‌تواند دوباره به همان صورت اول که انبار غله ایران نام داشت بازگشت کند.

علاوه بر مقدار زمین زراعتی که در بالا ذکر شد سیستان استعداد کشت حداقل دویست هزار هکتار دیگر اراضی مزروعی دارد که به علت کمبود آب این اراضی خشک و لم‌یزرع باقی مانده‌است. در حقیقت می‌توان گفت سطح کشت در سیستان مستقیماً تابع مقدار آب هیرمند است.

نوع کشت در سیستان آبی بوده و محصول عمده آن گندم و جو است.

سطح کشت گندم ۶۰ تا ۶۵ هزار هکتار است و زراعت به طریق نیمه مکانیزه انجام می‌گیرد.

اگر در تابستان آب باشد امکان تهیه محصولات صیفی از قبیل هندوانه و خربزه، ماش، ذرت، لوبیا و ارزن نیز از لحاظ اقلیمی فراهم است.

گاه در اثر کمبود آب مردم سیستان اقدام به کشت محصولاتی چون زیره می‌کنند که به آب کمی نیازمند است.

در منطقه «پشت‌آب» و «شیب‌آب» باغ‌هایی در حدود ۵۰۰ هکتار وجود دارد که بهترین انگور یا قوتی بی‌دانه را در مناسبترین فصل عرضه می‌کند. دیگر از محصولات این باغ‌ها می‌توانیم سیب دو رنگ و آلورا نام ببریم. قسمت عمده این محصولات در سیستان و مقداری هم در بلوچستان به مصرف می‌رسد. در دو ساله اخیر مقداری نیز به مشهد و تهران حمل شده‌است.

با توجه به محصولات کم در آمد فعلی سیستان که قسمت اعظم آنرا گندم و جو تشکیل می‌دهد و نیز استعداد منطقه سیستان برای کشت پردرآمدی چون خشخاش که احتیاج به آب کمتری دارد زارعین سیستان انتظار دارند در این موقع که بنا به مصالح عمومی مملکت کشت خشخاش در سطح محدود و کنترل شده مورد نظر است امکان تجدید کشت خشخاش در این منطقه فراهم آید.

کشت خشخاش در سیستان تا قبل از شهریور ۱۳۲۰ آزاد بود و کشت کاران به خصوص در بخشهای شیب‌آب و پشت‌آب و میان‌کنگی تریاک کاری مفصلی داشتند و اداره دارائی محصول آنان را خریداری می‌کرد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ نیز از سال ۱۳۲۵ تا سال ۱۳۳۲ در بعضی قراء سیستان مبادرت

به کشت خشخاش میگردیده است. اما در سال ۱۳۳۳ با آنکه در بعضی قراء کشت قابل توجهی شده و محصول آن در شرف جمع آوری بود بدستور دولت تمام زراعت خشخاش محو گردید.

واینک با تصویب لایحه کشت خشخاش امید میرود صدور اجازه کشت زیر نظر اداره اصلاحات ارضی ولو بمقدار محدود باین منطقه از کشور نیز داده شود چون این امر در ازدیاد درآمد سرانه مردم تاثیر بسزائی خواهد داشت. و هرگاه سهمیه ای برای کشت خشخاش در سیستان منظور نشود بیم آن می رود که ورود تریاک قاچاق از افغانستان بعزت و سعز و اختلاط مرز نشینان غیر قابل جلوگیری باشد.

دامپروری

در سیستان دامداری بطریقه مدرن وجود ندارد. دامداران برای تغلیف احشام خود بیشتر از حاشیه نیزارها استفاده میکنند گاهی نیز برای مدت کوتاهی بکوههای اطراف قائنات میروند.

تعداد احشام در سیستان بدینقرار است: گوسفند بین ۲۴۰ تا ۳۰۰ هزار راس، گاو و گوساله ۲۵ تا ۳۵ هزار، الاغ ۸ هزار، شتر ۵ هزار و اسب بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ راس است.

میزان شیر يك راس گاو بطور متوسط در دوره شیردهی ۶ لیتر و میزان پشم سالیانه هر گوسفند بطور متوسط يك کیلو میباشد. تعداد طیور خانگی یعنی مرغ و بوقلمون بین نیم تا يك میلیون است. نگهداری سایر طیور مرسوم نیست.

ضمنا در اطراف دریاچه هامون بمیزان زیاد نوعی مرغابی وجود دارد که بآن چور میگویند و ساکنین نواحی هامون که بخانواده صیادان معروفند با داشتن پروانه شکار میتوانند بصید آنها بپردازند.

در رودخانه سیستان و دریاچه هامون نیز يك نوع ماهی یافت میشود که گوشتی ظریف و پرتنی دارد و غذای مطلوب اهالی سیستان را تشکیل میدهد. این ماهی فقط بمصرف اهالی سیستان میرسد و گاهی بمقدار کم ببلوچستان نیز حمل میشود.

چون آب دریاچه سیستان در تابستان گرم است ماهی هادر اواسط بهار به بالای رود در افغانستان مهاجرت کرده و همانجا تخم ریزی میکنند. متأسفانه برای جلوگیری از اینکار و نیز پرورش ماهی در نیزارهای دریاچه سیستان تاکنون هیچ اقدامی نشده است.

راه

تنها راهی که سیستان را بسایر شهرستانها وصل میکند راه زابل - زاهدان است که در ۱۸ فرسنگی زابل بسه راه زابل، زاهدان، بیرجند وصل میشود. این راه بعزت موقعیت طبیعی و مساعد نبودن زمین با وجود زحمات پی گیر و مداوم مامورین اغلب خراب است و استفاده از آن با سختی انجام میگردد.

در سه ساله اخیر برای ارتباط روستاها بیکدیگر راههایی بوسیله وزارت آبادانی و مسکن و با نظارت مهندسین مشاور ساخته شده که در بهبود وضع زندگی روستائیان از نظر اقتصادی و کشاورزی نقش موثری داشته است. این راهها عبارتند از:

۱- زابل - کوه خواجه بطول ۳۶ کیلومتر

۲- دهمیر و زهک و کهک بطول ۳۷ کیلومتر

۳- زابل - خمر بطول ۳۱ کیلومتر
علاوه بر راههای ساخته شده فوق برای سال ۱۳۴۸ نیز سه رشته راه فرعی دیگر پیشنهاد شده که در صورت تصویب، شبکه راه فرعی سیستان تقریباً کامل و موجبات راحتی روستائیان فراهم خواهد شد.
ضمنا در برنامه چهارم ساختن راه زابل - بندان که مستقیماً زابل را به راههای خراسان





و تعدادشان بمیزان آب و وسعت دریاچه و ثابت بودن حاشیه هامون بستگی دارد .
پیشه و حرفه

چون سیستان منطقه‌ای کشاورزی و ترانزیتی است حرفه ۸۰ درصد سکنه آن کشاورزی توام بادامداری است . ۱۵ درصد نیز فقط باموردامداری اشتغال دارند و حرفه بقیه که شهر نشین هستند داد و ستد است . این داد و ستد ها ، جمع آوری بهره محصول محل مانند روغن ، پشم ، کرک ، قالی ، قالیچه ، گوسفند و گاو و حمل آنها به بازار های داخلی و در عوض وارد کردن کالا های مورد نیاز اهالی چون برنج ، عدس ، پارچه ، سیمان و نظایر آنها را شامل میشود .

تعلیم و تربیت

در زمینه های فرهنگی نیز سیستان روز بروز با گامهایی محکم و پی در پی به پیش میرود هم اکنون در سیستان ۸۹ دبستان و ۳ دبیرستان پسرانه ، ۱۱ دبستان و ۲ دبیرستان دخترانه ، ۴۱ دبستان سپاهی دانش ، يك آموزشگاه حرفه‌ای و يك دانشسرای مقدماتی دایر است .

تعداد دانش آموزان دبستان ها ۱۴۸۲۶ نفر است و در دبیرستان ها و آموزشگاه حرفه‌ای و دانشسرای مقدماتی جمعا ۲۱۵۹ نفر بکسب دانش مشغولند .

بهداشت

از بیماریهای بومی که در سیستان بیش از سایر امراض رواج دارد میتوان سل را نام برد . برای پیش گیری از این بیماری اداره مبارزه با سل تاسیس شده است که چون کاملاً مجهز نیست بیماران را سرپائی معالجه کرده و بآنها دارو میدهد .

دیگر امراض نیز چون تراخم ، کچلی ، در مرکز بهداشت درمان و پیش گیری میشود مرکز بهداشت ، اداره مبارزه با سل ، و اداره ریشه کنی مالاریا با اضافه يك درمانگاه بهداشتی و يك درمانگاه سازمان شاهنشاهی در شهر زابل دایر هستند و قرار است در آینده خیلی نزدیک دو بیمارستان ۲۰ تختخوابی و ۴۰ تختخوابی که ساختمان آن پایان رسیده است نیز در این شهر افتتاح گردد .

در دهات زهك ، تیمور آباد ، محمدآباد و ادیمی سپاهیان بهداشت بخدمت مشغولند و در قراء دوست محمد و قلعه نو نیز درمانگاه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی دایر است .

جامعه شناسی سیستان

۱۷۳۷۷۳ نفر جمعیت سیستان سه ایل معروف و بزرگ را به نام های ناروئی ، سارانی و سرابندی تشکیل میدهند . بقیه طوایف سیستان که رقم آنها بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ تخمین زده شده است از این سه ایل

وصل مینماید پیش بینی شده است . این راه علاوه بر آنکه ۲۰۰ کیلومتر از طول راه فعلی خواهد کاست موجبات عمران اراضی بسیار مستعدی را کددر مسیر واقع است و آمادگی و استعداد آنها وسیله هیئت اعزامی مهندسین مشاور صریحا تأیید شده فراهم خواهد کرد . از همه مهمتر پس از ساختن این راه سیستان از بن بست خارج میشود و این موضوع تأثیر شگرفی در اقتصاد منطقه خواهد داشت .

کارخانه ها و صنایع

در دهسال گذشته حتی يك کارخانه در تمام منطقه وسیع سیستان بچشم نمی خورد اما امروز وجود کارخانه هایی که در زیر شرحتان خواهد رفت روشنگر پیشرفت چشم گیر این منطقه دورافتاده از کشور عزیز ماست :

۱- دو کارخانه یخ سازی با ظرفیت ۱۰ تن و ۳ تن که احتیاجات شهر و قسمتی از دهات مجاور را تأمین میکند .

۲- دو کارخانه موزائیک سازی

۳- يك کارخانه چوب بری

۴- سه کارگاه آهن سازی

۵- صدوپنجاه کارخانه کوچک گندم آرد کنی . نکته قابل توجه در مورد این ۱۵۰ کارخانه اینست که سنك این آسیاها بوسیله افراد متخصص محلی با ترکیب خاصی از سیمان ساخته میشود و مقاومتش برابر با سنك طبیعی است .

۶- دو کارخانه شیر پاستوریزه که توسط ایتال کنسولت یکی در شهر و دیگری در قریه خمك ساخته شده است اما متأسفانه باینکه با کمی توجه این دو کارخانه قابل بهره برداری و استفاده است فعلاً از آن استفاده ای نمیشود .

۷- هشت کوره آجر پزی غیر هوفمن با ظرفیت ۲۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ آجر .

و از همه مهمتر اینکه سیستان با استفاده از نی های دریاچه هامون آمادگی احداث کارخانه های بزرگ برای تهیه مقوا ، کارتون و فایبر دارد و اگر روزی ، که امید میرود زیاد دور نباشد ، این کارخانه در این منطقه بکار افتد با تولید کار و ثروت بازیگر نقش مهم و تازه ای در زندگی دلیر مردان سیستانی خواهد بود .

امادر مورد صنعت ، گرچه در سیستان صنایع ماشینی وجود ندارد ولی با خیرگی ولذت می توانیم کارهای دستی و زردوزی و صنایع ظریف سیستانی را در کنار انواع قالی و قالیچه های خوش نقش و نگار که بوسیله صنعتگران با ذوق و ماهر و قالی بافان چیره دست و مجرب ساخته و پرداخته شده است مشاهده نمائیم .

کارگاه های قالی بافی بیشتر فرم زمینی و بافنده قالیها زنان شیردل روستائی هستند . از جمله صنایع دیگری که در سیستان رواج دارد حصیر بافی است که یکی از صادرات جالب و موثر میباشد . این حصیر ها از نی های نیزار هامون بافته می شود



يك موتور پمپ در كنار هيرمند نرديك مرز



يكی از خانه های زابل

۷ - كشتارگاه .

۸ - گورستان .

اکنون با بررسی مطالب فوق در مورد سیستان، این پهن جلگه‌ای که در گوشه دوری از ایران عزیز ما واقع گشته است، و با اتکاء برامیدی راستین میتوان انتظار آینده‌ای پرفعالیت را داشت و گرچه گذشت زمان برای آرزو ها کند در نظر می‌آید، لیکن امید بر آینده‌ایکه سرزمینی را خوشبخت سازد همیشه جاوید وابدی است .

قبر دوازده امام است و آنگاه است که مردم برای زیارت و گرفتن حاجت حتی از نقاط دور بار سفر می‌بندند و باشتاب خود را بقبر دوازده امام می‌رسانند ! و همینطور امام رضا و حضرت عباس و غیره .

مردم سیستان دو نوع غذای مخصوص خود نیز دارند که یکی کشك نام دارد واز ماست و آرد گندم و مقداری ادویه تشکیل شده است و دیگری گندم شیر که از گندم و شیر درست میشود .

مرکز سیستان

مرکز فرمانداری سیستان شهر زابل است این شهر در قدیم حسین آباد نام داشته است. نزدیکترین شهرستان بشهر زابل، زاهدان مرکز استان یازدهم است که ۲۱۶ کیلومتر فاصله دارد . فاصله زابل تاتههران ۱۸۲۸ کیلو متر و اختلاف ساعتش ۲۱ دقیقه است. یعنی وقتی تهران ظهر است در زابل ۲۱ دقیقه از ظهر گذشته است .

جمعیت شهر زابل ۱۹۵۲۵ نفر است : ۹۹۲۸ نفر مرد ، ۹۵۹۷ نفر زن در ۳۸۸۷ خانوار .

زابل دارای شبکه لوله کشی آب مشروب و نیز يك كارخانه برق بقدرت تولیدی ۸۵۰ کیلووات است .

در این شهر فقط چهار خیابان آسفالت وجود دارد و آسفالت بقیه خیابانها در دست اقدام است . شهر زابل یکی از بهترین شهر های ایران از نظر خیابان بندی است .

ضمنا برنامه عمرانی پنجساله زیر نیز برای شهر زابل طرح ریزی شده است که امید می‌رود بپایاده کردن آن زابل نیز از نظر شهر سازی در شمار دیگر شهر های پیشرفته ایران قرار گیرد :

۱ - آسفالت خیابانها .

۲ - تامین آب آشامیدنی .

۳ - دیوار سازی شهر و ایجاد میدانهای زیبا .

۴ - ساختمان چند کتابخانه .

۵ - ایجاد جنگلهای مصنوعی در اطراف شهر و همچنین پارکهای عمومی و پارک کودک .

۶ - آتش نشانی .

منابعی که در تهیه مقاله « سیستان » مورد استفاده قرار گرفته است

- ۱- تاریخ سیستان به تصحیح ملك الشعراء بهار
- ۲- كتاب پهلوی نشریه مخصوص موسسه اطلاعات
- ۳- مالك و زارع در ایران تالیف دکتر لعتون، ترجمه منوچهر امیری
- ۴- روابط سیاسی ایران و افغانستان تالیف احمد توکلی
- ۵- راهنمای شهرستان ها زیر نظر ابراهیم اصلاح مربانی
- ۶- نشریات وزارت آب و برق
- ۷- برهان قاطع
- ۸- قسمتی از اطلاعات تیسار سپهبد جهانبانی و اداره پنجم سیاسی وزارت امور خارجه
- ۹- مشاهدات شخصی و گفتگو ها با مردم سیستان

منشعب میشوند .

محل اقامت ناروئها در دهستان ناروئی و شهر کی است . سارانها در بخش میانکنگی زندگی میکنند و سرابندی ها شیب آب و پشت آب را محل سکونت خود قرار داده‌اند. زندگی در سیستان گرچه متشکل از تیره های مختلف است ولی بهر صورت يك زندگی روستائی است و اشتراك مساعی زیر نظر رؤسای طوایف در موارد خاص از قبیل کارهای دسته جمعی (گوره بندی، لای روبی) وجود دارد .

در مواقعی که اختلاف و منازعه بین طوایف پیش آید معمولاً اعضای يك تیره یا يك طایفه بخاطر حفظ شخصیت قومی خود بكمك يكديگر می‌شتابند و در این راه حتی از گذشتن جان خود نیز دریغ ندارند. اصولاً این عشایر مشکلات داخلی خود را بطریق كدخدا منشی حل میکنند و حتی الامكان میکوشند تابسراجع قضائی مراجعه نمایند . این روستا نشینان اغلب چادر نشین هستند و بزبان فارسی بالهجه سیستانی که بعضی از لغات آن شکسته است صحبت می کنند .

مذهب بیشتر سیستانیها شیعه اثنی عشری است و فقط عده کمی دارای مذهب تسنن (حنفی) میباشد . سنی ها بحضرت علی اعتقادی بینهایت دارند و شیر خدا می خوانندش . سوگند حقیقی اهل تسنن «زن طلاق» است چون وقتی مردی بگوید : «زن طلاق» دیگر زنش برای ابد براو حرام خواهد شد . سنی های سیستان مانند شیعه طلاق رسمی ندارند .

در مورد تولد ، عروسی و مرك نیز عشایر سیستان عقاید خاصی دارند . وقتی زنی وضع حمل کرد بچه اش را برمیدارد و تاشش روز بجائی می‌رود که هیچکس نتواند براو دست یابد چون معتقد است بچه اش را نباید شش بزند ! یعنی اگر بچه اش تاشش شش نمرد دیگر نخواهد مرد .

بوقت عروسی هر خانواده روی دخترش قیمتی میگذارد که داماد مجبور است تمام این بها را بپردازد و اگر پرداخت این پول حتی دهسال بطول انجامد دختر و پسر حق دیدن يكديگر را ندارند .

هرگاه کسی در بین این عشایر بمیرد بعد از دفن جسد تاجهل روز در کنار قبر چادر می‌زنند و عزاداری میکنند . بعد از يكسال مجلسی برپا کرده از عزرا بیرون می آیند در این هنگام باصطلاح محلی میگویند سالشان را زدند !

زیارتگاه های مردم سیستانی نیز موضوعی جالب و شنیدنی در بردارد و آن بدین ترتیب است که مثلاً شخصی در خواب دوار ، امام را می‌بیند فوراً در کنار درختی يك چهار دیواری درست میکند و میگوید اینجا



فانتزی

خانه و بچه

از : م . آ

مثلی است که میگوید : زن بلاست اما هیچ خانه‌ای بی بلا مباد .

مدتی بود که يك غده گوشتی در پس گردن عیال پیدا شده بود و او در باره آن خیال های گوناگون می کرد . مبادا سرطان باشد . هرچه می گفتم بابا این غده نمی تواند سرطان باشد به خرجش نمی رفت و ناراحت بود .

مختصر ، رفت نزد طبیب او هم قرار گذاشت که عمل شود و ایشان دو روزی در بیمارستان بستری شوند تا نتیجه آزمایش غده هم معلوم شود . همینکه کار باینجا رسید عیال ترسش گرفت و نمی خواست برود . ما ایرانی ها هنوز از عمل و بیمارستان می ترسیم و فکر می کنیم که هرکسی عمل کرد و یا به بیمارستان رفت یعنی متعاقبش بایستی به گورستان برود . بهر حال ما راضی اش کردیم که برود و دو روزی در بیمارستان بخوابد . باز هم دودل بود که خانه چه می شود ، بچه ها را چکار کنیم ؟ گفتم بابا این

بهرتر است . ما که رفتیم ، هر بدی از من دیدی حلال کن و بعد يك يك بچه ها را در آغوش گرفت . (ما چهار بچه داریم بزرگه کلاس پنجم و دومی کلاس سوم و سومی کلاس اول دبستان است و آخری و ته تغاری هم نزد مامانش .)

گفتم : نه ، این طور نمی شود همگی با تو خواهیم آمد بچه ها یا الله پاشین مامانو ببریم پخ پخ بکنند ! بچه ها هم که حاضر رفتن به مدرسه بودند کتاب هایشان را برداشتند و براه افتادیم . یکی یکی آن سه دبستانی را دم مدرسه پیاده کردیم و بعد رسیدیم به بیمارستان . عیال را بردند به اتاق عمل و من با سوسن سه ساله برگشتیم بخانه ...

سوسن دایم می پرسید بابا حالا که مامارو پخ پخ می کنند ماما دیکه نمیداد خونه ... می گفتم : نه ، میداد . و تسلی اش می دادم ...

رسیدیم بخانه آستین ها را زدم بالا مشغول کار شدم . اول رختخواب ها را جمع کردم . عجب کار مشکلی بود ! خوب یه جورری روبراهش کردم . بعد مشغول جارو شدم . کمرم درد گرفت و بعد گردگیری چه کار خسته کننده و لوسی بود و سوسو هم دایم بدنالم می آمد و هی سؤالات عجیب غریب از من می کرد و هر دفعه که جوابش را نمی دادم بهانه می گرفت و گریه می کرد - مامانمو میخوام ... مجبور می شدم

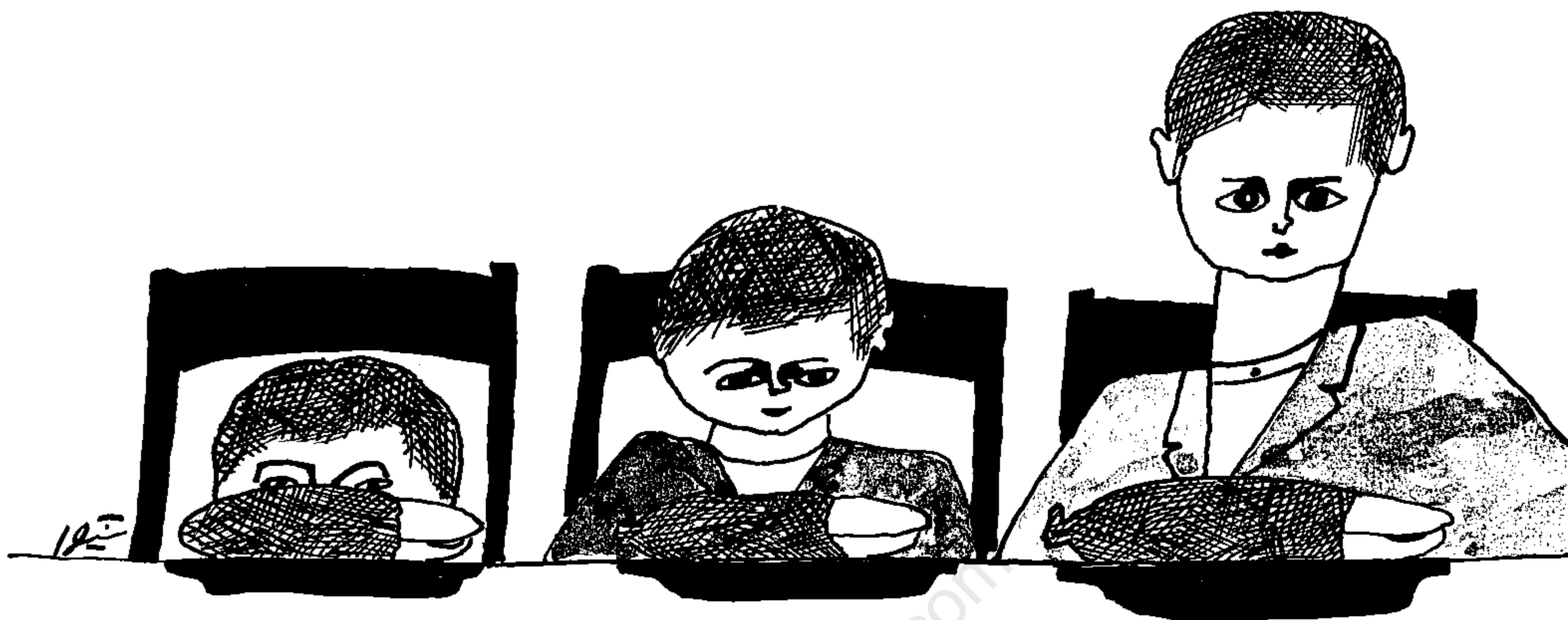
که چیزی نیست من دو روز مرخصی می گیرم خانه را اداره میکنم ، کاری نداره . کارخانه با من . شما زن ها فکر می کنید که کار های خانه مشکل است ، بچه داری هنر می باشد . ما مرد ها هم شعور داریم و از عهده این گونه کار ها هم برمی آئیم . زلم اعتراض می کرد که تو در روز فقط چند ساعتی بچه ها را می بینی دانی چه ناراحتی ایجاد می کنند ، چه ادعا هائی دارید ؟!

گفتم : ای بابا یعنی از ادعای جناب رئیس اداره هم بدتر و بیشتر است او هم بد خلقی هائی دارد که بایستی با آن ساخت زبانش را بایستی فهمید - زبان رئیس بغیر از زبان تو و من است - شاید فهمیدن زبان بعضی هاشان از زبان جن هم مشکل تر باشد چند سالی با آنها وجورو واجورشان سر کرده ام ، با این بچه ها هم کنار خواهم آمد .

بهر حال عیال را دیدم که شب در گوشه ای نشسته و دارد چیزی مینویسد . تعجب کردم زیرا کمتر دست به کاغذ می برد . صبح که آماده رفتن به بیمارستان شد پاکتی بدستم داد و گفت : اگر برگشتم در این پاکت آخرین حرفم را خواهی خواند .

خندیدم : گفتم زن حسابی تو برای این عمل کوچک که از کشیدن دندان هم ساده تر است وصیت کرده ای ؟

قدری سرخ شد و گفت : نه وصیت بآن معنی که نیست ولی خوب انسان آماده باشد



بود ...
داشت کفرم در میآمد... خودداری کردم
و بخود گفتم که نپایستی عصبانی بشوم ...
این کاری است که «عیال» سالی به دوازده
ماه با آن روبرو بود ... آیا من نمیتوانم
دو روز این کار را بکنم ؟
عصر ، بچه ها خسته از مدرسه آمدند و
همه گرسنه بودند . چای و بیسکویت بهشون
دادم گفتند ، که ماما هر روز نون کره برامون
حاضر می کرد . بعد پرسیدند که آیا شام
چی می خوریم از همان ناهار سوخته ظهر ؟
گفتم : نه ، براتون ساندویچ می خرم ...
آن ها مشغول نوشتن و خواندن دروس خود
شدند و من رفتم و برایشان ساندویچ
خریدم ... شب يك يك بچه ها رو شستم و
خواباندم . ساعت ۱۱ شده بود و رفتم توی
رختخواب ... از بس خسته و کوفته شده
بودم خوابم نمی برد ...
مختصر سرما را درد نمی آورم فردا
ظهر هم ساندویچ خورديم ...

ساعت ۵ بعد از ظهر بود که عیال از
بیمارستان برگشت نمی دانید بچه ها چقدر
خوشحال شدند ... چطور سر و صورت
مادرشان را می بوسیدند و قربان صدقه اش
می رفتند . معلوم بود که از پذیرائی این
دو روز پدرشان چندان دل خوشی نداشتند
از شما چه پنهان حقیر هم دل خوشی نداشتم
و با میل میدان را خالی کردم ...

دویدم به آشپزخانه ... آب کته تموم شده
و برنج سوخته بود بیفتك ها را هم که در
ماهی تابه گذاشته بودم ذغال شده بود ...
بچه ها شروع کردند به جیغ و داد
کردن که بابا نتوانستی یه ناهار پیزی ... ما
گشمنونه حالا چی بخوریم ...
گفتم غصه نخورین ... برنج و گوشت
و سیب زمینی ها رو ریختم توی ظرف زباله
چند تخم مرغ درست کردم آوردم سر
سفره ...
بچه ها با این که گرسنه بودند از آن
نخوردند . قر زدند که ما نیمرو دوست
نداریم ... گفتم ... عیب نداره پاشین بریم
ساندویچ بخریم ... چند تا ساندویچ خریدم
دادم دستشون با كمك پسی واینا خوردند و
رفتند مدرسه ...

دیر کرده بودند ...
برگشتم بخانه ... ظرف های ناهار رو
شستم . مدتی طول کشید تا دیگی که غذایش
سوخته بود پاك شد ...
سوسن اومد آستینمو کشید بابایا «ایی»
دارم گفتم : خوب برو دیگه ... گفت نه تو
باس بیائی منو بشوری ... من که بلد نیستم
بشورم ...

از صبح مثل سك کار کرده بودم ...
ناهار هم که چیزی حسابی نخورده بودم
ساندویچ هم شد غذا ؟ و از همه بدتر این
سوسن دایم دنبالم میآمد و هی سؤال می
کرد ... هی گریه می کرد ... هی گشنه اش

کارهارو ول کنم ، بغلش کنم ویه چیز
بدم بخوره . آه خدا این بچه چقدر میخوره
هیچ نمیدونستم یه تکه پارچه دادم دستش
گفتم تو هم بیا گردگیری کن . بعد رفتم
آشپزخانه زنم گوشت و سبزی و سیب زمینی
و پیاز اینا خریده توی یخچال گذاشته
بود .

سیب زمینی هارو پوست کندم . سوسن
که حوصله اش سر رفته بود اومد کنار من
ایستاد که گشمنه . گفتم صبر کن الان برات
سیب زمینی سرخ می کنم ...
شروع کردم به خورد کردن پیاز ها ،
اشك از چشمانم سرازیر شد . سوسن ترسید
و شروع کرد به گریه کردن و تسلی دادن ...
که بابا تترس مامان میاد ... دلت برات تنك
شده ؟ ... واسه این گریه می کنی ... ؟
گفتم : نه ، ازین پیاز این طور شد ...
ولی او باور نکرد ...

قدری برنج را هم ریختم که کته درست
کنم ، و گذاشتم روی اجاق گوشتها را هم
کوبیدم که بیفتكش کنم و انداختم توی
ماهی تابه . ساعت ۱۲ شده بود و الان بچه ها
از مدرسه می آیند و هیچ چیز هم حاضر
نیست . زنك در به صدا درآمد . نفتی بود .
گفتم بیا بخاری هارو پرکن . همراه او
میرفتم و راهنمائیش می کردم تا کارش تمام
شد و رفت . برگشتم به آشپزخانه ... دوباره
صدای زنك . این بچه ها بودند فریاد زدند
بابا ... بوی سوخته میاد ... چی روسوزوندی ؟ ..

بحثی در باره اجرای نمایشنامه «یرما» و تأثیر ایران

گفتگوئی با پری صابری و چند ناقد تأثیر

«آقایان شاملو و رویائی که خودشان عهده‌دار معرفی لورکا در ایران بوده‌اند يك اشتباه بزرگ کرده‌اند و آن این که تصور کردند که شعر و درام یکی است ، حال آن که شعر در درام حلقه زنجیری است به منظور بازگوئی احساس ماجراونه يك عامل مستقل . تجزیه تحلیل‌هایی که شد هیچکدام واجد صلاحیت نبود حتی افرادی هم که می‌توانستند تجزیه و تحلیل صحیحی از این کار بکنند . نکردند . در روزنامه آیندگان نوشتند که فاجعه یرما فاجعه زنی است که از سردمزاجی شوهرش مینالد . این يك تحلیل کاملاً پرتی است.»

«نمایش یرما يك نمایش رئالیستی نیست که ما بخواهیم آنرا از دیدگاه رئالیسم‌نگاه کنیم . آثار لورکا در حقیقت تلفیقی است از درام موسیقی و شعر ، گریز به مرزهای تخیل و وهم»



«یرما» يك نمايشنامه از «فدريكو كارسپالوركا» مدت ۲ شب در تاريخ ۱۱ و ۱۲ ديماه در تالار رودكي روي صحنه آمد ، اين نمايش بخاطر آنكه اولين كار يك گروه تاتر ايراني در تالار رودكي بود و نيز بخاطر آن كه اولين اجراي يك نمايش از «لوركا» بود سر و صدای بسياري در محافل هنري و جرايد برپا كرد و نقد هائي در باره آن شد . براي آنكه از اين نقد ها و نيز از شناخت خانم پري صابري به عنوان كارگردان و خانم خوروش ، شهناز جابري زاده ، پروين دولتشاهي و لاله تقيان (مناسفانه همه بازيگران حضور نداشتند) به عنوان بازيگر و از نظر هاي حميد سمندريان به عنوان يك كارگردان تاتر ، در مجموع يك نتيجه به دست بياوريم . گفتگوئي با بازيگران و كارگردان نمايش يرما ترتيب داديم . در اين گفتگو به برخي از نقد ها پاسخ هائي داده شد . طبيعي است كه ديگران نيز مي توانند اگر پاسخي دارند عنوان كنند .



● حميد سمندريان : بعضي از منتقدين ما در حقيقت طفيلي اسم كساني هستند كه روي صحنه جان مي كنند . نقد در ايران مونتاژ زير كانه اي از مقوله هاي پراكنده است .

تلاش - مي خواستم قبل از اين كه به بحثها و نقدهائي كه درباره نمايشنامه يرما ، آخرين كارمان در مطبوعات و محافل هنري شد ، به پردازيم كمي از زبان خودتان درباره اين نمايش بشنويم . شما چگونه برداشتي از نمايش داشتيد و چگونه اين برداشت را به تماشاجي القاء كرديد ؟

صابري - نمايش «يرما» دو جنبه دارد يكي روال داستاني آن است كه در قالب ساده نمايش بعنوان ماجرا مطرح مي شود : ماجرا در اين نمايشنامه ، فاجعه نازائي است . يرما زني است كه مي خواهد بارور شود و نمي شود و در مقابل اين نازائي عصيان مي كند كه اين عصيان در پايان منجر به ارتكاب يك قتل مي شود . يرما شوهرش را كه مي بايست يك عامل بارور كننده باشد ولي نيست ، به قتل ميرساند اين روال داستاني نمايش است . ولي به نظر من به نمايش نبايد خيلي ساده نگاه كرد چرا كه لوركا حرفهاي خودش را در قالب داستاني نمايش مي ريزد . به اين معني كه به نظر من ، اگر خيلي كلي بخواهيم در اين باره حرف بزنيم ، اين نمايش كلامي است در باره «شكست در آفرينش». آدم باروري كه در يك محيط باير گير مي كند و در مقابل اين سد و اين زمينه باير عصيان مي كند هرچند عصياني آلوده به ياس و محكوم به شكست كه در نقطه اوج منتهي مي شود به يك قتل . در مسير و بحران هاي اين فاجعه حرف هائي را كه يرما مي زند شايد درد هاي لوركا ي شاعر باشد . از زبان يرما : چقدر خار ، چقدر مزرعه خار - بر اين قلمرو غم هيچگاه زيبائي گذر نمي كند . و هيچ بانگي از اين آستانه اندوه سفر نمي كند و ...

نمايش ضمنا يك روال سمبوليك دارد گرچه داستان نمايش يك رويداد ساده روزمره است ولي در واقع همه نمايش يك روال سمبوليك است . شخصيت يرما يك سمبول است . اسم يرما به مفهوم يك زن نازا سمبول است .

تلاش - مي گوييد كه نويسنده با آوردن يك زن نازا ، يك محيط باير را مي خواسته خلق كند ؟ صابري - بله ، محيط بايري را معرفي مي كند كه شايد محيط خود شاعر بوده است . شاعر كه خود بارور است و مي خواهد به ثمر برسد ولي نمي تواند و عصيان پيش مي آيد . اين به نظر من روال پنهاني نمايش است و آنچه براي من جالب بود دين اين عصيان بود در قالب عصيان يك زن روستائي كه بارور نمي شود . اين عقیده من بود ، نمي دانم دوستانم چه مي گویند .

تلاش - خانم خوروش شما كه يرما را بازي کرده ايد ، يرما را چگونه شناختيد ؟ خوروش - من پيش از اين بازي ، لوركا را درست نمي شناختم . اولين بار كه توانستم او را بيشتر به شناسم از طريق بحثي بود كه با خانم صابري كرديم و حرفهائي كه ايشان درباره لوركا زدند .

تلاش - خوب خودتان چطور؟ آيا به همه اين حرفها رسيديد و تجزيه و تحليل شخصي از آن كرديد ؟

خوروش - بله ، البته .

تلاش - نازائي يرما را بالاخص و نازائي

● پري صابري : ما در ايران منتقدي نداريم كه ابتدا بتواند كار را تجزيه و تحليل كند و بعد حرفهاي خودش را بزند . منتقد نمي تواند براي اولين بار وارد سالن شود ، نمايشي از لوركا ببيند و شروع به انتقاد كند . اين نقد نيست ، بلكه كاري است در حد يك تماشاجي و تماشاجي حق دارد كه بگويد : من نمايش را پسنديدم يا نپسنديدم و سر آخر هم كه مي زند و يابين كه نمي زند . ولي كسي كه به عنوان يك منتقد مدعي بررسي نمايش مي شود و نظرات خودش را در جرايد منعكس مي كند بايد كاملاً آگاه باشد و مسؤليت اجتماعي خودش را سرسري نگیرد . بايد در مرحله اول اطلاعات وسيعي داشته باشد و آنچه كه براي ما واقعا جاي تاسف بود اين بود كه البته نه تمام نقدها بلكه اغلب آنها كاملاً از مرحله پرت بود . خانمي را به عنوان منتقدي بينم كه امروز كارش را از دست داده و بلافاصله نقد هنري نويس مي شود . حال آن كه در لحظه اي كه هنر دارد كم كم بصورت نياز در اجتماع ما مطرح مي شود وجود منتقدين آگاه ، لااقل در حد آشنائي اوليه با هنر ، ضروري است و اين مسؤليت به گردن ارباب جرائد است كه ستونهاي هنري را به دست هرنابلدی نسپرند . راستي فكر نمي كنيد كه اگر همين سخاوتمندي و بي متدي كه در انتخاب مفسرين هنري بكار مي رود ، در انتخاب مفسرين سياسي هم بكار مي رفت ، چه الهم شنگه اي پيا مي شد ...

چيزي . كه براي من خيلي جالبست ، مساله حسدي است كه درباره اين نمايش بر راه افتاده و عقده ها تر كيده ، براي اين كه در کشور ما تالارهاي نمايشي زيادي وجود ندارد تالاري به اسم تالار رودكي ساخته شد كه چلچراغ هاي فراواني دارد . و همين مساله است كه عده اي را ناراحت کرده است و مي گویند كه چرا در تالار رودكي ؟ اين عده فكر مي كنند كه اين يك كعبه اي بوده كه ما كفار رفتيم .

طبیعت محاط برشاعر را چگونه درك كردید ؟

(صابری حرفم را می برد)

صابری - من فكر می كنم هر هنرپیشه ای در قالب کاراکتری که نویسنده خلق می کند محبوس است و نمی تواند شخصیتی خارج از حدود کار نویسنده ارائه دهد و از محیطی که نویسنده برایش می سازد بیرون بیاید يك هنرپیشه باتمام قدرتش مجبور است که این حدود را حفظ کند و تمام کش و قوسهای نقش را در قالب اصلی پیاده کند و تمام نکته های تاریکشی را پیدا کند و در نظر بگیرد. این به نظر من وظیفه هر هنرپیشه است. فكر می كنم خانم خوروش هم از این راه می توانست جلوه های کارش را القاء کند.

چون درست است که نقاش برای خلق يك اثر از رنگهای بیجان استفاده می کند و هر جا که خواست می تواند آنها را بکار گیرد ولی کار کارگردان غیر از این است برای این که کارگردان از عوامل زنده و جاندار استفاده می کند و هر عاملی با شخصیت خاص خودش وارد کار می شود.

تلاش - مساله هم همین است برای این که هنرپیشه يك زمینه های قبلی دارد که عبارتند از احساس اندیشه و آگاهی ...

صابری - بله ، و به همین دلیل است که يك نقش اگر به عهده دو نفر گذاشته شود حتما بادو جلوه مختلف ولی مشابه ارائه می شود . برای این که به هر حال نقش از صافی وجود هنرپیشه می



صحنه ای از نمایشنامه یرما

گردد . خوروش - به همین دلیل من گفتم که صرفنظر از آگاهی های قبلی که منظورم همان احساس و اندیشه و آگاهی بود...

تلاش - از رهبری بگذریم ، مسیر بحث را تغییر میدهد. ببینیم به بینیم ، جدا از تاثیرات کارگردان ، وقتی خود هنرپیشه بانقشاش مواجه می شود ، چه می کند و چه احساسی دارد ؟

شما خانم خوروش در یرما چه احساسی داشتید ؟

خوروش - من در یرما شخصیت يك زن روستائی را حس كردم که به جز محیط خانه و بارور شدن بچه دار شدن چیزی نمی خواهد ، به این نتیجه نمی رسد ، و از طرفی چون نمی خواهد از مرد دیگری بارور شود ، به سرنوشت خود گردن می نه.

تلاش - منظور من از این سؤال بیشتر این بود که هر شخصیت در قالب يك محتوی نمایشی بازتابها و انعکاس هایی در محیط خودش دارد و اگر بازیگر نقش این زن نازا در کار خودش نتواند محیط بایر را با انعکاسهای خودش تقویت کند طبعا در کارش موفق نخواهد بود.

شما می گوئید که خلق محیط بر عهده کارگردان است ، محیط را که نویسنده خلق می کند.

خوروش - رهبری هر هنرپیشه با کارگردان است . منتها هنرپیشه هم می تواند از قدرت خودش استفاده کند و رهبری کارگردان را در کار خویش تنظیم کند و توسعه بدهد.

تلاش - این که طبیعی است .

خوروش - هنرپیشه ، صرفنظر از آگاهی های قبلی اش ، مثل يك عروسك است در دست کارگردان. صابری - مثل عروسك خیمه شب بازی که نه ،

صابری - (رشته صحبت را می برد) این ظاهر امر است : یعنی ما می توانیم كاملا اكتفا كنیم به این که قالب داستانی نمایش این است .

تلاش - حال ببینیم چه فكر هایی پشت این روال داستانی وجود دارد.

صابری - كشف فكر پشت این روال مسؤلیتی است که به کارگردان محول گردیده است .

کارگردان يك آب و هوای خاص را در نمایش می بیند و سعی می کند با قدرت و احساس خودش این آب و هوا را زنده کند : باعامل هنرپیشه ، بانور ، لباس ، دکور ، و کلیه عواملی که در صحنه بکار گرفته می شود.

تلاش - شما این مساله را مطرح کردید و من به یاد ایرادی افتادم که از کار شما کردند . گفته شد که ادراك شما از نمایش به فكر نویسنده نزدیک نبوده و یا با روال کلی کارهای نویسنده هماهنگی نداشته است . چه جوابی در مقابل دارید ؟

صابری - ببینید این جا يك انتقاد و گله شدید دارم. لورکا برای اولین بار در ایران روی صحنه می آید . یعنی این اولین نمایشی است که از لورکا معرفی می شود ، البته در ایران ، این که گفتید راه ما درست نبوده ...

تلاش - نه ، به این صورت نه ، بلکه گفته شده که نزدیک نبوده است.

صابری - بهر حال ، آن کسی که این حرف را می زند . لازم است که آثار نمایشی نویسنده را دیده باشد و یا خوانده باشد و بعد بتواند به نزدیکی یا دوری کار ما به فكر نویسنده ایراد بگیرد. من به این آگاهی شك می كنم ، با استناد به حرفهائی که راجع به این نمایش زده شد.

تلاش - نمایش لورکا را نمی دانم ولی شعر لورکا در ایران برای جماعت كتاب خوان چندان نا آشنا نیست .

صابری - شعر بادرام صددرصد فرق دارد : اشتباه بزرگی هم که هم اکنون روشنفکران مادراند می کنند همین است: آقایان شاملو و رویائی که خودشان عهده دار معرفی لورکا در ایران بوده اند يك اشتباه بزرگ کرده اند و آن این که تصور کردند که شعر ودرام یکی است ، حال آن که شعر در درام حلقه زنجیری است به منظور بازگوئی احساس ماجرا و نه يك عامل مستقل . مثلاً فرض كنیم که شعری در يك جلسه شعر خوانی خوانده شود و همان شعر هم در قالب درام پیاده شود ، اینجا دیگر شعربه مفهوم شعر خوانی معنی ندارد. شعر در اینجا باید اجرا شود باتمام شدتایش که در هر لحظه درام هست . این که من می گویم آشنائی ندارند منظورم عدم آشنائی بادرام است. تجزیه تحلیل هائی که شد هیچکدام واجد صلاحیت نبود حتی افرادی هم که می توانستند تجزیه و تحلیل صحیحی از این کار بکنند. نکردند. در روزنامه آیندگان نوشتند که فاجعه یرما فاجعه زنی است که از سرد مزاجی شوهرش مینالد . این يك تحلیل كاملا پرتی است. اگر ما به همین تحلیل قانع شویم . اصلا نفهمیده ایم که لورکا چه می خواهد بگوید . و منتقدی هم که این حرف را می زند اگر پایه تجزیه تحلیل نمایش را بر چنان بنائی بگذارد

دیگر باقی حرفهایش برای من قابل توجه نیست . هرچند که بگویم که نمایش درست اجرا شد یا نه؟ یعنی مقدم بر بررسی نحوه اجرای نمایش ، باید تجزیه تحلیل درستی از آن بشود تا بررسی در نحوه اجرا اصولا بتواند مطرح باشد.

تلاش - با این حساب شما در حد فهم کار بر منتقدان ایراد می گیرید ؟

صابری - اول و مقدم بر همه من فکر می کنم که باید برداشت درست از نمایش وجود داشته باشد و بعد حرفی برای اجرا پیش بیاید . مثلا یکی از ایراد هائی که گرفته شد این بود که « اجرا يك مرتبه زبان عامی و ساده زنان روستائی تبدیل به شعر می شود » این ایراد از لحاظ اجرا وارد نیست . برای این که این در ساختمان وجود داشته است . نمایش یرما يك نمایش رئالیستی نیست که ما بخواهیم آن را از دیدگاه رئالیسم نگاه کنیم . آثار لورکا در حقیقت تلفیقی است از درام موسیقی و شعر ، گریز به رمزهای تخیل و وهم . لورکا در کارهایش بی پروا و دلهره آور وهم و حقیقت را با باهم مخلوط می کند و نباید نمایشنامه را به صورت نمایش های رئالیستی دید .

تلاش - یکی از ایراد های دیگری که گرفته شد این بود با این که در نمایش کاملا مشهود بود که شیوه کار رئالیستی نیست ، معذرا شما برای اجرا از عوامل رئالیستی استفاده کرده اید ؟

صابری - همان طور که گفتم آثار لورکا مخلوطی است از لحظات مختلف وهم و حقیقت و ما محکوم و مقید لحظات درام هستیم .

تلاش - یعنی نمایش يك روال به خصوص و واحد ندارد ؟

سمندریان - کسانی که از این سبکها حرف می زنند به نظر من حتی خودشان سبکها را نمی شناسند . از رئالیسم اسمی شنیده اند و از شیوه های دیگر نیز همین طور و نمی دانند که چه هست . و نمی دانند که بعضی نمایش ها شیوه مشخصی ندارد .

تلاش - آقای سمندریان ، مواظب باشید که این حرفها همه نشر خواهد شد .

سمندریان - مهم نیست ، منم می گویم برای این که نشر بشود .

صابری - اتفاقا همین طور هم هست . برای این که ما در ایران منتقدی نداریم که ابتدا بتواند کار را تجزیه و تحلیل کند و بعد حرفهای خودش را بزند . منتقد نمی تواند برای اولین بار وارد سالن شود ، نمایشی از لورکا ببیند و شروع به انتقاد کند . این نقد نیست ، بلکه کاری است در حد يك تماشاچی و تماشاچی حق دارد که بگوید : من نمایش را پسندیدم یا نپسندیدم و سر آخر هم کف می زند و یا این که نمی زند . ولی کسی که به عنوان يك منتقد مدعی بررسی نمایش می شود و نظرات خودش را در جراید منعکس می کند باید کاملا آگاه باشد و مسؤولیت اجتماعی خودش را سرسری نگیرد . باید در مرحله اول اطلاعات وسیعی داشته باشد و آنچه که برای ما واقعا جای تاسف بود این بود که البته نه تمام نقدها بلکه اغلب آنها کاملا از مرحله پرت بود . خانمی را به عنوان منتقد می بینم که امروز کارش را از دست داده و بلافاصله

نقد هنری نویس می شود . حال آن که در لحظه ای که هنر دارد کم کم بصورت نیاز در اجتماع ما مطرح می شود وجود منتقدین آگاه ، لااقل در حد آشنائی اولیه با هنر ، ضروری است و این مسؤولیت به گردن ازباب جرائد است که ستونهای هنری را به دست هر نابلدی نسپرند . راستی فکر نمی کنید که اگر همین سخاوتمندی و بی مندی که در انتخاب مفسرین هنری بکار می رود ، در انتخاب مفسرین سیاسی هم بکار می رفت ، چه الم شنگه ای بپا می شد ... بلا بدور ! ...

تلاش - این گفتار چندان تازه ای نیست . ما بخاطر نداشتن سنت تاتری ، سنت نقد تئاتر هم نداشته ایم .

سمندریان - آنوقت شاید همین خانم منتقد که اگر بروشور نمایش را در اختیار نمی داشت می توانم بگویم عاجز از يك کلمه نوشتن بود . دیگر بی خبر و بی خیال در نقدش نمی نوشت که « لورکا و کارش خشن است اما نه به این شدت » . اینجا باید بگویم : تو از کجا لورکا را می شناسی ؟ مثل این می ماند که من درباره لورکا بوزیه بزرگترین آرشیو دنیای صحبت کنم و از او انتقاد کنم . من او را نمی شناسم و نمی توانم درباره کارش اظهار نظر کنم . این همان وازدگی هاست که باید بهر ترتیب بیرون داده شود . بعضی از منتقدین ما در حقیقت طفیلی اسم کسانی هستند که بروی صحنه جان می کنند . يك کسی بوده به اسم « فدریکو گارسیا لورکا » خوب . يك کسی هم پیدا شده به اسم « پری صابری » که نمایش لورکا را با هزار مکافات روی صحنه آورده است . چهار نفر بازیکن هم که به هر حال یا سابقه در این کار داشتند و یا نه ، برای آن کار کردند . حال کسانی که دچار وازدگی هستند و خودشان دستشان به هیچ جا بند نیست به محض این که کاری بروی صحنه می آید بهر ترتیب خودشان را می رسانند و از شهرت کار استفاده می کنند .

تلاش - خوب ، اینها که همه اش مقداری تعارف و مجامله بود . لازم است که بحث درباره جزء جزء کار را شروع کنیم . ایراد های دیگری هم از کار شما گرفته شده است ، اگر این ایرادها را برکار شما نمی گرفتند و صرفا از کارتان تعریف می کردند آیا بازهم بهمین ترتیب حرف می زدید ؟

صابری - مساله در تعریف کردن تا تکذیب کردن نیست . من نقدی را هم نشانان می دهم که سر تا پا تعریف بود ولی تجزیه و تحلیل درستی از نمایش در آن نبود . من نمی گویم که چرا بد میگویند و یا چرا خوب ، بلکه من می گویم که مقدما باید برداشت درستی در کار باشد . و می گویم که اگر آدم آگاهی بیاید و انگشت روی ضعف کار ما بگذارد ، برای ما آموزنده است و منتقد باید به مسؤولیت اجتماعی خودش پی ببرد و نقش رهبر و سازنده را بازی کند نه بی خبر و مخرب . اصولا بحث بر سر نقد موافق یا مخالف نیست . مساله آگاهی منتقد و برداشت صحیح اوست از کار برای این که هر کاری که روی صحنه بیاید نمی تواند درست قابل تائید باشد .

تلاش - این که طبیعی است و از طرفی « نقد » که فقط ایراد گرفتن نیست .

صابری - بله و شکافتن و پیدا کردن و شناختن است . این کار منتقد است .

تلاش - یکی از ایراد هائی که بر کار شما گرفته شد ، این بود که غیر از خانم فخری خوروش و خانم عصمت صفوی ، بقیه بازیکنان شما بسیار جوان بوده اند و از کم تجربگی شان ایراد گرفته می شد .

صابری - قبل از این که دوستانم در این مورد حرفی بزنند ، من می خواهم نظرم را به عنوان يك کارگردان بگویم . می دانید در « یرما » مسؤولیت کار صدد صدبعده خود « یرما » است . یرما بعنوان شخصیت اول زن نمایش يك کاراکتر استثنائی و تیپیک است . يك سبیل است بایک خواست استثنائی ، در مقابل او دیگری هم هستند .

تلاش - بهر حال از آن ها صرف نظر که نمی شود کرد ؟

صابری - نه ، ولی رشد خیلی زیادی ندارند . در این جا نقش یرما مشابه تصویر يك قله است . نسبت بیک رشته تپه ماهور . با این وصف بچه ها در همان رشد خیلی کم کاراکترها بخوبی وظیفه شان را انجام دادند . در کارشان موفق بودند . مثلا خانم « شهناز جابری زاده » در نمایش « یرما » رل يك دختر ۱۹ ساله را بازی می کرد و حال آن که خودش ۲۱ سال دارد . من فکر می کنم ایشان حتی دوسال هم تاخیر سنی دارد .

تلاش - نه ، وقتی مساله جوان بودن بازیگر پیش می آید ، يك ترتیب سنی مورد نظر نیست ، بلکه منظور بیشتر تجربه است و بیشتر درك خود بازیگران است ، نه حتی طول مدت دوران بازیگریشان .

صابری - مساله سن که شوخی است ، ولی شما باید ببینید که « شهناز » در این رل چه کرده است مقدما باید دید که استخوان بندی این نقش چه بوده و او توانسته در این استخوان بندی رشد کند یا نه ؟

تلاش - بگذارید مقدما ببینیم که ایشان چه گرفته اند ؟ پیش از این که به فرد در نمایش برسیم و راجع به فرد بودن او حرفی بزنیم ، آتمسفر محاط بر فرد را در نظر بگیریم . چه هر کدام از افراد در آن آتمسفر رشد می کنند و بالا می آیند و نقشی دارند . چه این که اگر این طور نباشد می شود که خیلی ساده از آنها صرف نظر کرد . روی این اصل نقاشان را باید مطالعه کرد . تئاتری که گرفته اند و تئاتری را که توانسته اند القاء بکنند . سمندریان - لازمه این مطالعه ، تجزیه و تحلیل فرد است از متن نمایش .

دولت شاهی - اجازه می فرمائید من به شخصه از شناخت خودم از یرما و نقشی که داشتم حرف بزنم .

تلاش - خواهش می کنم . صابری - ایشان خانم پروین دولت شاهی هستند و عهده دار نقش دولورس و يك زن رختشوی بودند و نقش دابل داشتند .

دولت شاهی - متاسفانه آنها که ما را در کارمان کم تجربه دانسته اند برداشتی بسیار ضعیف از نمایش را داشته اند ، حتی پائین تر از يك محصل مدرسه ، نمونه نقد زن روز ، اگر شناختی از



خورش

سالن و محل های نمایشی آیا جا دارد که کارهای درجه اول و دوم و سوم در تالار برجسته ای که طبعا جای کارهای برجسته تر است ، اجرا شود ؟ (همه باهم) - درجه بندی بر چه اساسی است ؟ (نامفهوم)

تلاش - به بینید ، در این میان هیچ نظر شخصی درباره این مساله وجود ندارد . فقط مسایل را مطرح می کنیم و بعد اگر شد به نتیجه ای می رسیم و اگر نه که هیچ . اعتراض باشد برای بعد . صابری - (بچه ها را دعوت به سکوت می کند) . ببینید ، این حرف برای هر گروهی که برای اولین بار به عنوان گروه تئاتر ایرانی روی صحنه تالار رودکی ظاهر می شد ، پیش می آمد باردیگر حتما وضع به این شدت نخواهد بود چرا که دیگر اولین نیست .

سمندریان - به عنوان اختتام این مطلب من ناچارم يك نکته را تذکر بدهم که تالار رودکی اصولا سالی است که از نظر چگونگی ساختمان مقدار زیادی مخرب کار تئاتر است . لطمه به اجرا میزند . سقف بسیار بلندی دارد و عدم ارتباط صحیح صحنه و سالن اینها همه اش باعث می شود که ارزش کار به مقیاس زیادی پایین بیاید . اگر همین نمایش در يك سالن دیگر اجرا می شد ، به مراتب قوی تر از آنچه اجرا شد میشد . تالار رودکی ممکن است برای باله یا اپرا خوب باشد ولی برای تئاتر مطلقا بد است .

تلاش - خانم صابری ، هوشنگ حسامی درباره شما گفته است که اصولا دید تاتری ندارید .

صابری - حرف زدن بدون منطق خرجی ندارد . شاید هم يك نفر برگشت و گفت منتقدی را که اسم بردید اصولا بی سواد است . اثبات یا رد چنین حرفی چندان هم ساده نیست و اصولا معیار سنجش معتبری هم نیست چون بهر حال او آدم زیرکی است ، او بروشور ما را به دقت می خواند (البته این بار متأسفانه ما در بروشورهايمان به علی خیلی کم به تجزیه و تحلیل پرداخته ایم) . بعد این

دهید ؟

صابری - نه ، ولی منتقدین در مقابل آن درجه بندی ، به این تشویقها چگونه پاسخ خواهند داد ؟ شاید خلق را کور می بینند و خودشان را بینا و برتر .

جابری زاده - در مورد سن بازی کنان هم باید بگویم که همگی از نظر من جوان بودند .

تلاش - تجربه چطور ؟

جابری زاده - قبول ندارم . برای این که همه آن بچه ها چند سالی در کار تئاتر دست داشتند . اگر واقعا ایرادی روی کم تجربگی بازیکنان داشتند ، می بایست مشخص کنند و توضیح بدهند . نه اینکه فقط حرفش را بزنند . این فقط غرض ورزی است . تلاش - شما تجربه را به مدت کار تمبیر کردید ، آیا این می تواند کافی باشد ؟

جابری زاده - چرا ، چرا .

خورش - تازه يك مساله دیگر : ما در ایران هنرپیشه زن نداریم . تعدادشان خیلی کم است . صابری - همان طور که می دانید در نمایش پرما همه کارها به دوش زن هاست و فقط دو مرد در آن بازی می کنند .

خورش - این زن ها را از کجا می خواستیم بیاوریم ؟

صابری - من یکبار هم گفتم که در ایران تئاتر هنوز به آن صورت جدی اش مطرح نشده ، گرچه دارد می رود که مطرح شود ، اما هنوز نشده و در این کار يك عده جوان پرانرژی می آیند و کار می کنند ولی بعد مسایل دیگری برایشان پیش می آید که ناچارند تئاتر را رها کنند . از این رو ما در ایران هنرپیشه پر تجربه خیلی نداریم .

تلاش - خانم لاله تقیان ، شما در برابر این حرف منتقدین چه می گوید ؟

تقیان - نمی دانم ، راستش شاید ظاهر من خیلی بچگانه باشد ولی شخصا هیچ جور احساس بچگی نمی کنم .

صابری - خانم تقیان سال چهارم دانشکده هنرپیشگی هستند .

تقیان - آنها از تجربه چه می خواهند ، غیر از يك بازی خوب ؟ از بازیها که ایرادی گرفته نشد ، پس اصولا طرح مساله بی تجربگی بی ربط است .

صابری - بله ، یعنی هرکسی را باید در مسیر نقش اش بررسی می کردند و آنگاه این نظر را می نوشتند . همین جوری که نمی شود که ...

تلاش - یکی دیگر از ایرادها اجرای این اثر در تالار رودکی بود ، به این معنی که ...

صابری - (حرف را می برد) چیزی که برای من خیلی جالبست ، مساله حسدی است که درباره این نمایش براه افتاده و عقده ها ترکیده ، برای این که در کشور ما تالار های نمایشی زیادی وجود ندارد تالاری به اسم تالار رودکی ساخته شد که چلچراغهای فراوانی دارد . و همین مساله است که عده ای را ناراحت کرده است و می گویند که چرا در تالار رودکی ؟ این عده فکر می کنند که این يك کبه ای بوده که ما کفار رفتیم و ...

تلاش - کمبود سالن در تهران خیلی وقت است که حس می شود . و سؤال اینجاست که با کمبود

لورکا (زندگیش را آثارش را اوج هنرش را و انقلاباتی که در خودش بوده و انقلاباتی که در محیط بیرونی اش بوده و هیجانهای را که داشته بشناسیم) داشته باشیم می فهمیم که منظور لورکا از مطرح کردن و نوشتن «پرما» تنها تراژدی يك زن عقیم نبوده است و اگر منتقدی چنین برداشتی کرده باشد زهی تأسف .

تلاش - این که در رد برداشت دیگران بود ، حال بگویند خودتان چه برداشتی داشته اید ؟ دولتشاهی - لورکا در این اثر ، پیش از پرداختن به روال داستانی نمایش ، می خواسته که از اجتماع خودش حرف بزند ، دردهای خودش را و حرفهایی را که خودش می خواسته در اجتماعش بزند و نتوانسته ، خفقان خودش را و محیط زندگیش را از زبان پرما بازگو می کند ، عصبانی است در مقابل عدم آزادی اش .

تلاش - شما از آن چه که محاط بر لورکا بوده چه می دانید ؟ چون این برای تجزیه يك نمایش لازم است . شناخت محیط نویسنده و خفقانی که ازش حرف می زنید .

دولتشاهی - من آنچه را که لازم داشتم به دست آوردم . موقعیت فردی و اجتماعی لورکا را و این که نمی توانسته حرفهایش را بزند ...

صابری - ببینید ، نیازی به دانستن این دقایق و لحظات اجتماعی ، به آن شدت که شما می گوید نیست . محیط را خود بخود در اثر می توان حس و لمس کرد .

تلاش - یعنی شما به ساختن يك طرح کلی قناعت می کنید ؟

صابری - پرما بازده فاجعه يك عصبان است و عصبان هم همیشه در مقابل يك سد پیش می آید ، ما این سد را می بینیم .

دولتشاهی - می گویند که هنرپیشه ها کم تجربه هستند . من به شخصه مدت ده سال است که در کار هنرپیشگی و گویندگی هستم . از مدرسه شروع کردم و اکنون سوم دانشکده هنرهای زیبا (هنرپیشگی) هستم . منتها در کشور ما تا يك نفر به اوج نرسد ، شناخته نیست .

صابری (ناگهان) - اگر نمایش اینقدر بد بوده ، پس چطور مردم این همه از آن استقبال کردند .

تلاش - بیایید اساس را بر سلیقه عوام نگذاریم . گاهی مردم برای يك نمایش خوب یا بد به يك اندازه کف می زنند .

- (همه باهم و بیشتر صدای شهاز جابری زاده شنیده می شود)

نه اصلا این حرف را نزنید .

خورش - به قدری استقبال مردم در تشویق هایشان منعکس است که حد ندارد . من پانزده سال است که کار تاتری می کنم .

صابری - البته این تنها ملاک نیست ، ولی نباید یکبار هم آنرا کنار گذاشت ، چون نمایش خالی از تماشاگر مفهومی ندارد .

جابری زاده - وقتی که پرده بسته می شود و هنرپیشه می رود که گریمش را پاک کند از روی همین تشویق هاست که می تواند کارش را بررسی کند .

تلاش - شما معیار را فقط همین قرار می-

تجزیه و تحلیل مختصر را می‌گیرد و با تجربه و تحلیلی که شاملو از مقاله لوئی بارو ترجمه کرده است ترکیب می‌کند. لغات این دو تحلیل را باهم مونتاژ می‌کند و نتیجه را بنام برداشت شخصی خودش از نمایش ارائه می‌دهد.

سمندریان - و مجموع نقد او مونتاژ زیرکانه‌ای است از بروشورما .

صابری - اینجا باید گفت که منتقدی که نمایش را می‌بیند باید خالی از هر برداشت خارجی بوده و سعی در داشتن يك درك جدید و شخصی از نمایش باشد. حسامی نقدش را لغت به لغت مونتاژ می‌کند.

تلاش - پس نقد به نظر شما بیش از آن که نقد باشد ، مونتاژ است ، بله ؟

صابری - همیشه این طور نیست ، خیلی‌ها هم این طور نیستند . بعضی نقدهای شخصی هم وجود داشته است. مثلا نقدی را که در «ژورنال دو تهران» خانم «شهلا پناهی» نوشتند نقد جالبی است برای این که فضای فکری دارد و برداشتی که شده برداشت يك منتقد است بایک دید دقیق وزیرکانه در برخورد با نمایش و درک معانی «میزانسن» بالخطات درام و تطبیق این دو عامل . به عنوان مثال ، اگر در اوج درماندگی یرما «لباس سیاه» برتن وی بوده است ، منتقد متوجه شده است که این يك عامل کمکی برای تاکید حالت روانی «یرما» است و چنانچه در اوج حادثه ، خورشید بزرگ و سرخی بر صحنه درخشیده است ، منتقد این خورشید را نه به عنوان يك عامل مستقل و احتمالا تزئینی نگریسته است ، بلکه به ارتباط این عامل با موقعیت خاص دراماتیک صحنه توجه کرده است.

خوروش - در حالیکه مثلا در زن روز نوشته شده است (از روی نوشته زن روز می‌خواند) «افخری خورش در مجموع بازی خوبی ارائه می‌دهد اما در جهت عاطفی او نتوانسته بود «آرامش» برسناژ یرما را آنچنان که باید به وجود بیاورد...» صابری - این حرف اصلا به کلی پرت است . درست مثل این که جلوی يك بنده خدائی گیتار بزنی خیال کند صدای نقاره می‌آید.

خوروش - من می‌خواهم از کارگردان بپرسم که یرما می‌توانسته «آرامش» داشته باشد ؟ آن طور که من یرما را حس کردم و شناختم یرما مطلقا نمی‌توانست آرامش داشته باشد.

جابری‌زاده - تنها چیزی که یرما ندارد آرامش است.

خوروش - زندگی یرما از اول شروع نمی‌شود بلکه از دوران ماقبل عصیان شروع می‌شود و هیچ آرامشی وجود ندارد.

تلاش - خوب شد این موضوع پیش کشیده شد . درباره بازی شما خانم خورش ، گفته شد که شما همه هیجانها و جوششها را ابتدا بیرون می‌ریزید و برای لحظه عصیان دیگر جوششی ندارید.

صابری - صحنه‌های طوفانی یرما تازه پس از گذشت بیش از نیم نمایش شروع می‌شود یعنی فقط در تابلوی چهارم و در ابتدا تماشاگر فقط با یرما آشنا می‌شود. دردش به صورت اشاره هائی پیش

می‌آید ، اصلا جائی برای انفجار ندارد. اولین لحظه انفجار این عصیان در تابلوی چهارم از شش پرده نمایش است اینجا تازه عصیان شروع می‌شود ولی به صورت جرقه های يك مجلس آتش بازی که هرکدام بانمودی مستقل ولی کامل و پی درپی به اوج میرسد . پس جوشش های ابتدائی به صورت حاد اصولا وجود ندارد .

تلاش - یکی از حرفهائی که زده شد این بود که یرما زیاد خرج برداشته است ؟

صابری - این گفته را اگر به حساب تنگنظری بگذاریم متین‌تر است. بهر حال ما خودمان هنوز نمی‌دانیم که یرما چقدر خرج برداشته ولی آنها از

کجا توانسته‌اند این خرج را تخمین بزنند. شاید چون اسلاید های رنگی داشت و چشمگیر بخش شد چنین توهمی را ایجاد کرده است.

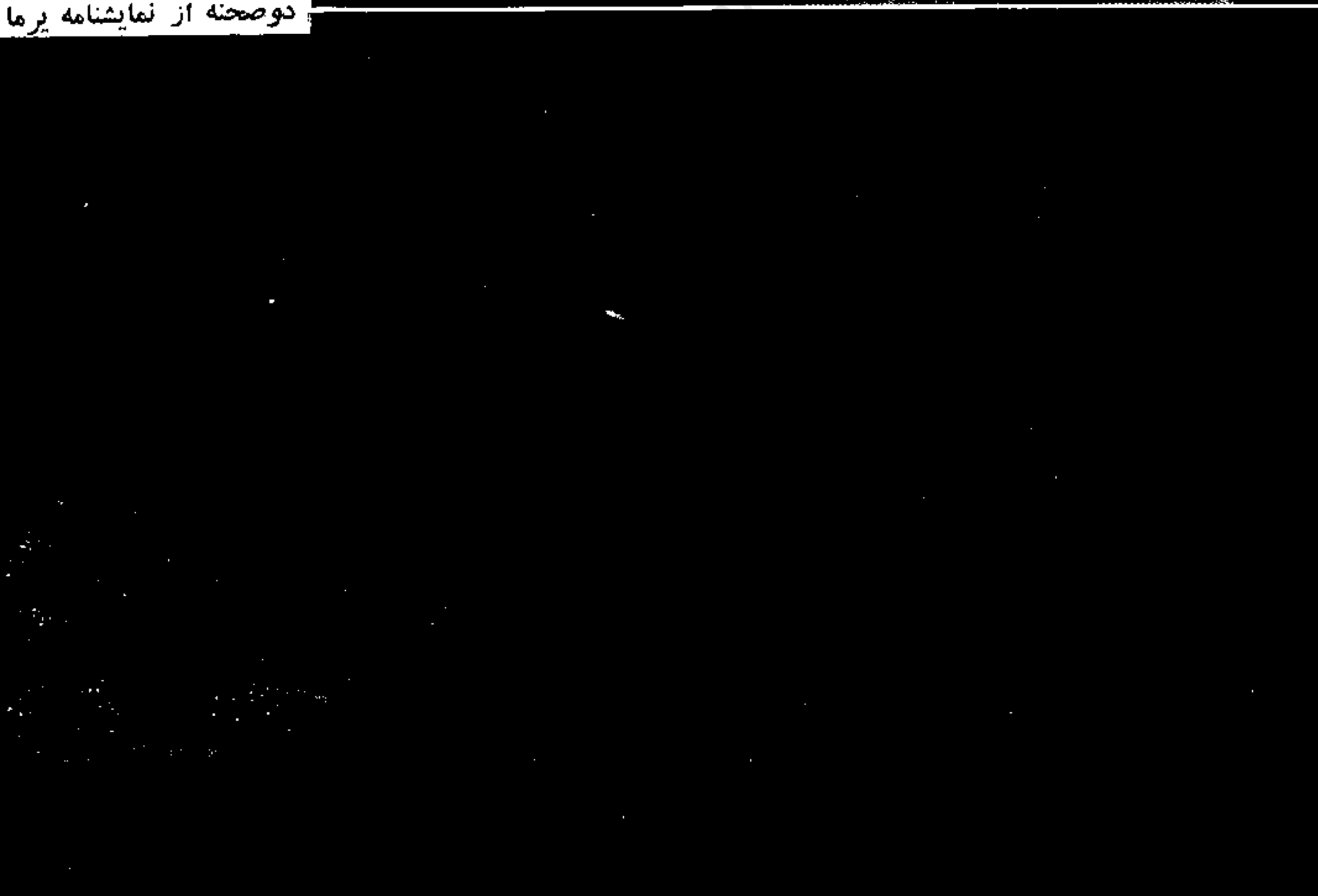
تلاش - به عنوان حرف آخر چه دارید بگوئید ؟ صابری - راستش...

سمندریان - هیچ حرفی حرف آخر نیست ، ولی فرصت می‌خواهد.

تلاش - خانم صابری از شما و همکارانتان خیلی ممنونیم که فرصتی دادید تا در نشستی دوستانه این مساله را بررسی کنیم .



دو صحنه از نمایشنامه یرما





يك جلوه فوق العاده عجيب ماده كه در دریاهای اولیه بر روی کره خاکی پدیدار شده است

حیات،

کنترل و بالاخره هدایت می‌کند. افقهای این «میدان هوشی» به‌طور روز افزونی در پدیدارها و فعل و انفعالات علوم طبیعی جلوه گر می‌شود. بشر امروز شاهد تصورات و ایده‌های بدیع‌تر، و ناظر جلوه‌های نوظهورتری از عالم هستی است تقریباً هر روز مفهومش از معانی زمان، مکان، ماده، انرژی و بالاخره حیات بر اثر کشف‌های تازه در علوم طبیعی تغییر می‌کند. بحث‌های کپرنیک، تئوریهای داروین، و نیز افکار فروید - درباره خودشناسی انسان - در مقابل دریافت‌ها و پیشرفت‌های امروزی علم نجوم، زیست‌شناسی، فیزیک، مکانیک و سایر علوم مربوط چون قطره‌یی است به‌دریا، تازه بنا به گفته یکی از صاحب‌نظران «از پهنه بی‌منتهای دانش، ما فقط چند ریگی برداشته‌ایم».

علم امروز براساس ساختمان فعلیش بشر رادر سه دنیای نظری و مفهوم کلی جای داده و مطالعه می‌کند یکی دنیای کهکشانی است که در پدیدارهای آن براساس تئوری نسبیت بحث میشود. دیگری اتم، که با تئوری کوانتوم Quantum بیان می‌گردد و در بین این‌ها (کهکشانی و اتم)، حیات که مبنای تشریحش بر تئوری تکامل است (البته مرزهای مصوره بین این سه دنیای دانش کاملاً مصنوعی و قراردادی و به خاطر پیروی از متد ویژه تحقیق

گاهی در گفتگوها به عباراتی از قبیل «بشر قرن بیستم»، «دنیای عصر جدید»، «دنیای غرب یا شرق»، «زمان ماوراء تجدد» و غیره اشاره می‌شود که هر یک مفهوم بخصوصی را از نظر گوینده بیان می‌کند و معنی خاصی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. در نتیجه عدم تفهیم و تفاهم کامل در بین گوینده و مخاطب، هر یک از ما بر مبنای دریافت‌های خاصی که از محیط فیزیکی، روانی، عاطفی، و اجتماعی خویش داریم خود را به محلی یا گروهی و یا زمان و دوره‌یی مربوط می‌نماییم تا مرجع مناسبی برای ارضاء کشش‌های خویش بیابیم.

بعضی را عقیده بر آن است که مکان و زمان بشر امروز را عبارات بالا بیان نمی‌نماید، بلکه می‌شود گفت که بشر امروز در جوف پاکتی غیر مرئی مملو از افکار و ایده‌هایی که کره زمین را احاطه کرده است زندگی می‌کند. آنچنانکه «تیل هارد شاردین» در سال ۱۹۵۹ اشاره می‌کند «اگر یکی از ساکنان مریخ به زمین بیاید اول چیزیکه ملاحظه می‌کند رنگ آبی دریاها و یاسبزی جنگل‌ها (و ممکن است خوانندگان گرامی اضافه کنند «دود خفه کننده شهرها») نیست بلکه فسفر سانس عجیب افکار و ایده‌ها است که در هر گوشه در گرداگرد زمین چشمک می‌زند. این مسکن امروز ما است، یک منطقه فروزان از هوش که جهت تکامل انسان‌های فردا رادرك،

است، مع هذا بخاطر بهتر فهمیدن بیان نظریه‌های علمی و آنچه مورد موافقت دانشمندان در مورد موقعیت علم امروز است ایجاد این مرزها، ضروری و مفید می‌باشد (در دنیای کهکشان‌ها پای کوشش و خیال در درک واقعی اندازه عالم هستی ابتدا در این حیرت سست و سپس شکست خورده ولی امیدوار بر کرسی سؤال می‌آساید. چشم تصور در طرح عظیم کائنات چهار بعد می‌بیند. افق‌های خیالی عالم خلقت (اگر بتوان چنین عبارتی بکار برد) خمیده و گسترش همجانبه می‌باشد، اولی جهت اندیشه رابضی بینهایت میکشاند و دومی فرض ابتدا و انتها را پنداری بی‌حاصل می‌شمارد. آنچه را که «عالم» می‌نامیم از بلیونها کهکشان تشکیل یافته و هر کهکشان شامل میلیونها ستاره است. کهکشانی که خورشید را در بر دارد مثل یک چرخ فتری با بازوهای متعدد است. خورشید و خانواده‌اش (از جمله زمین) در یکی از این بازوها خانه کرده است. ستاره‌ها از مجموعه‌هایی از گرد و گاز متولد می‌شوند و در جهات مختلفی به تکامل میرسند و بالاخره هنگامی که انرژی‌شان را از دست دادند می‌میرند. خورشید ما تقریباً پنج بلیون سال قبل متولد شده است و طبق محاسبات نجومی تقریباً تا پنج بلیون سال دیگر نور و انرژی میدهد. در همین نظریه عمر این عالم را تا پانزده بلیون سال تخمین می‌زنند. از آن طرف در دنیای میکروسکوپی، میدانیم که ماده از اتم تشکیل یافته است. خود اتم متشکل از هسته و الکترون است. رفتار الکترون‌ها نوعی است که باید براساس جلوه‌گری‌های ذرات و امواج بیان گردد صدور و پخش انرژی از اتم در جریان مداوم اما بسته و غیر مداومی است که کوانتا نامیده می‌شود. هنوز محدودیت‌های زیادی در مشاهده سیستم این ذرات میکروسکوپی وجود دارد، لذا پیش‌بینی‌هایی که می‌شود براساس حساب احتمالات است. علم امروز موفق بکشف عناصری شده است که دارای عمری کوتاه و ساختمانی بسیار پیچیده‌اند. فاصله زمانی ایجاد و اعلام این عناصر چنان کوتاه است که اجازه فراهم نمودن سیستم و ترتیب مطالعه آنها را فوق‌العاده دشوار کرده است. اما، حیات، یک جلوه فوق‌العاده عجیب‌ماده که در دریا‌های اولیه بر روی کره خاکی پدیدار شده است. طی میلیون‌ها سال درجات تکاملش را از طریق تغیر و تحول، جهش و بالاخره انتخاب اصلح پیموده و اقسام موجودات زنده‌یی را که امروز در اطراف خود می‌بینیم بوجود آورده است. در دوره‌های اخیر زمین‌شناسی تکامل مغز و سایر دستگاه عصبی در دسته‌یی از جانداران بنام انسان خواص خود شناسی، افزار سازی، و بکار بردن زبان ایجاد کرده است. آینده این تکامل بر روی کره زمین دیگر تحت کنترل نزاع‌های کورکورانه نیروهای ارگانیست نیست بلکه بطور روز افزونی این تکامل تحت سلطه نیروهای «روانی-اجتماعی» مخلوق خود بشر قرار می‌گیرد.

علوم طبیعی و فیزیکی امروز نه‌نهایی است و نه مطلق. علم امروز «حقایق» را مثل یک بافتنی از مدل‌های دائماً متغیر و یا ساختمان‌های هوشی و عقلی دینامیک می‌بیند که فقط تصویری تقریبی از جهان «واقعی» را ترسیم می‌کند. دانشمندی که امروز پدیدارهای علمی را مورد مطالعه قرار میدهد نمی‌تواند کاملاً «ابزکتیو» باشد زیرا بوسیله روش مطالعه انتخابی و آماری که در تجزیه و تحلیل این مطالعه بکار می‌برد عقیده‌اش را در نتیجه مشاهداتش بطور غیر مستقیم دخالت میدهد حتی اگر مدل انتخاب شده کاملاً ریاضی باشد عینی بودن و حتمیت صد درصد آن را نمی‌توان ضمانت کرد. چون بالاخره ریاضیات هم از ساخته‌های ذهن خود بشر می‌باشد. قضایا و اصول ریاضی ابدی نبوده بلکه

استنباط‌های مشروط افسان است و براساس دریافت‌های محدود او است. البته انسان باید خشنود باشد که دست و پایش برای تحقیق و کاوش در جهان نامحدود باز است ولی نباید انتظار آسایشی را که در نتیجه کشف «حقایق مطلق» حاصل می‌شود داشته باشد.

بنابراین علم جدید را می‌شود فقط یک حقیقتی منتخب و التقاط شده از چندین سیستم ممکن فکر دانست که بوسیله آن بشر موقعیتش را در کائنات تفسیر می‌کند، تفسیرهایی که انسان‌ها در گوشه و کنار عالم خلقت از پدیدارهای موجود می‌کنند آن‌ها را بهم نزدیک و یا از همدیگر دور مینمایند همین دوری و نزدیکی‌ها است که فرهنگ‌های مختلف و اقوام متفاوت بوجود می‌آورد.

باید توجه کرد که هنر و ادیان مختلف را هم میتوان راه‌های تفسیر و تعبیر پدیدارها و ارتباطات بشر با کائنات دانست. هنر و گرایش‌های دینی از کوشش‌های اولیه بشر برای بیان ارتباطات او با عالم خلقت بوده و می‌باشد منتهی روش‌های هنر و دین براساس بینش‌های شخصی و فردی، وحی، الهام و بالاخره تصورها و ترجمه‌هایی است که بشر از پیغامها و علائم طبیعی مینماید تا آنجایی که در بحث‌های علمی به فرضیه‌هایی که هنوز باثبات نرسیده‌اند، اما مورد قبول هستند، مراجعه می‌شود هنر و ادیان و علوم باهم دارای زمینه‌یی مشترک می‌باشند زیرا همه، قبول اصولی به اثبات نرسیده را لازم می‌شمارند.

هریک از این سه: هنر، دین و علم را می‌توان یک سیستم علائمی دانست که بدان وسیله زندگی بشر در فرهنگ و کلتور مخصوصی هدایت می‌شود. فرضیه نظم جهان برای هر سه موضوع با معنی است و احتمال دارد که با در نظر گرفتن سوابق تاریخی هدفها، ارزش‌های اجتماعی و آرزوهای بشر ادیان مختلف تفسیرهای علمی پدیدارهای طبیعی و فیزیکی را قبول کنند، مخصوصاً اگر در این تفسیرها به رابطه انسان با جهان خلقت نه تنها بوسیله علائم، بلکه بوسیله اعمال ظاهری هم توجه شود. علم ممکن است نتواند چراها و علل اصلی پدیدارها را آنطوری که علوم دینی در نظر دارند بیان کند و یا نتواند ارزش‌ها، تصورات و الگوهای را که هنر می‌آفریند بوجود آورد ولی علوم فیزیکی و طبیعی می‌توانند ما را در بدست آوردن این حس کمک کنند که ما بدنایبی تعلق داریم که بشر در آن نه تنها بشکل یک ارگانیسم زندگی می‌کند، بلکه بصورت یک شخصیت فرهنگی و سمبلی جلوه‌گر می‌شود. علم بطور قابل ملاحظه‌یی به این دنیای سمبلی و فرهنگی کمک کرده و در این راه به ادامه تقدیم اعانه‌ها و هدایایش بشکل معانی و مفاهیم تازه و کشفیات جدید خواهد پرداخت و بالاتر از همه امکانات توسعه بینش بشر را در شناخت خود و رابطه‌اش با طبیعت بیشتر خواهد کرد. در طی این راه بی‌پایان مسافرت دسته‌ها و گروه‌های مجزا نه تنها امکان ناپذیر است بلکه کوششی بی‌ثمر خواهد بود. نتیجه این می‌شود که معرفت بشر از خود و شناسایی عالمی که قرارگاه او را از هر طرف احاطه کرده است وقتی به بالاترین درجه امکان می‌رسد که همه افراد خانواده زمین، دست از کشمکش‌های فامیلی بکشند و همه با یکدیگر در جستجوی آب حیات برآیند.

اگر از ما بزرگترها گذشته است، بگذارید سعی کنیم که نوباوگان مشغول به تحصیل و متحیر در دنیای عجایب طبیعی را به وسیله آشنایی با علوم برای چنین سفری آماده کنیم.

محمد علی بطحانی - استادیار دانشگاه میسوری
سنت لویی - میسوری آمریکا



۹
۲
۱/۱
۱

« آن خشت بود که پر توان زد »

داود پیرنیا
در باره
رهی معیری
حرف می زند.

رهی معیری غزل سرای نام آور معاصر در گذشت، و ما بهتر دیدیم بجای هر نوشته‌یی در مورد او با داود پیرنیا بنشینیم و شادروان معیری را از چشم او ببینیم. داود پیرنیا این خادم بزرگ موسیقی ایرانی که دوست بسیار نزدیک رهی است سال‌ها با وی در راه پیشرفت موسیقی ایرانی می‌کوشید و تا پایان نیز در کنار او باقی ماند.

تلاش — می‌دانیم که شما برای نخستین بار در ۱۲ سال پیش، با ابتکار خود اقدام به تجدید شکل و روش، در موسیقی قدیم ما کردید و آگاهیم که به همت شما بود که موسیقی ایرانی و سازهای آن گونه‌یی علمی و هماهنگ تغییر شکل داد و نیز شما بودید که بسیاری از شاعران با ذوق و استعداد را بیاری طلبیدید حال ممکن است بگویید که اولین بار «رهی» را کجا دیدید و چگونه؟ و نخستین شعری که در اختیار شما گذاشت چه نام داشت؟

پیرنیا — قبلاً، از این که به سؤالتان پاسخ دهم از این که مرا در راه حفظ موسیقی ایرانی، خدمتگزار شمرده‌اید سرافرازم و از این جهت بخود می‌بالم. از نظر من موسیقی جزئی از ادبیات ملتی است و چنان که بسیاری از متفکران گفته‌اند، موسیقی بیان روح یک ملت است و اما راجع به شادروان «رهی معیری»، من شاید بیش از سی سال است که او را می‌شناختم ولی طبع او را وقتی آزمودم و به شخصیت هنری و کاردانی او وقتی پی‌بردم که افتخار خدمت در دولت داشتم. در همان اوان هم حفظ موسیقی یکی از هدف‌های من بود بنابراین از دولت وقت تقاضا کردم که از انقراض و زوال موسیقی ملی، به هروسیله که ممکن



شود جلوگیری نماید و در آن اوان مخصوصا بعد از جنك جهانی موسیقی جاز غربی و آهنگ های ییگانه همه جا را فرا گرفته بود و من با ترتیب دادن کنسرتی از اعضای موسیقی ملی این خدمت را آغاز کردم . شادروان خالقی آهنگی ساخت و پس از آن که آهنگ را شنیدم از شادروان رهی معیری خواهش کردم که ترانه آنرا بسازد ، این ترانه و آهنگ به قدری در شب کنسرت به دل ها نشست که به زودی ورد زبانها و چاشنی مجالس هنری شد .

تلاش - آهنگ چه نام داشت و در چه مایه ای بود ؟

پیرنیا - این آهنگ در مایه افشاری بود و نامش «آتشین لاله» . خوب بخاطر دارم که خوانندگان در حین اجرای برنامه مقدار زیادی گل لاله در دست داشتند و به حضار تعارف می کردند که این ابتکار بسیار بنظر حضار پسنیده آمد . در همان شب بود که به ذوق هنری رهی پی بردم و همین که به دعوت آقای نصرت الله معینیان به رادیو رفتم هدف خود را دنبال کردم و پس از چندی از همکاری مرحوم خالقی و مرحوم رهی بهره مند گردیدم .

تلاش - آیا استفاده برنامه گلها از رهی فقط برای سرودن ترانه ها بود ؟

پیرنیا - شاید از بیانات من این طور استنباط شده باشد که فقط قصد من حفظ موسیقی ملی بوده ، نه . چون منشاء شعر و موسیقی هردو یکی است یعنی هر دو بیان احوال دل اند . وقتی کمر خدمت به موسیقی بسته شد پرواضح است که باید در حفظ اشعار خوب سرایندگان ایران کوشید و به دین جهت بود که بسیاری از شاعران متقدم و متوسط و متأخر را که اکثریت ملت ایران نمی شناختند ، بتدریج معرفی کردیم و مخصوصا همت گماشتیم که ترانه ها از ابتذال بدرآید و اشعاری متناسب از نظر مفهوم و آهنگ با موسیقی تلفیق شود . آنچه می توانم درباره اثر انکار ناپذیر رهی معیری در برنامه گلها بگویم این است که قبل از دوران تصدی آقای معینیان تصنیف به حال زار و تبااهی افتاده بود بطوری که شاعر با استماع یکی دوبار آهنگ ساخته شده ، آهنگ را در نظر می گرفت و به اصطلاح خودشان «معری» می گفت و سپس آن «معری» را تبدیل به شعر می کرد که اکثر اوقات مایه آهنگ ابداء ارتباطی با شعر سروده شده ، پیدا نمی کرد و گاه هم ترانه از نظر صنعت شعری وتشبیهات بسیار پیش پا افتاده و مبتذل به نظر می آمد ، که سرسختی آقای معینیان و دقت آقای نیرسینا و انتقاداتی که از ناحیه دیگران می شد و به خصوص سروده های رهی در برنامه گلها سرمشق غیرقابل انکاری بود که موجب شد شعر بیش از آهنگ پیشرفت کند و از ابتذالی که بدان دچار شده بود ، بدرآید .

غزل های رهی رنگ تازه بی به موسیقی مابخشیده بود . گاه از او می خواستم که غزلی بسراید که با مفهوم تصنیفی که ساخته بود متناسب باشد و این کاری بس دشوار بود ، چون سرودن غزل يك كار اداري نیست که در پشت میز اداره شاعر بنشیند و شعر بگوید و اگر به این نکته که عرض می کنم توجه کنید ، صعوبت کار آشکارتر می گردد .

شعر که بیان حال دل است وقتی به دل می نشیند که از دلی برخاسته باشد نه این که بر حسب دستورمانند

گزارش در پشت میز اداره انشا گردد . معذلت رهی از عهده این کار برمی آمد .

تلاش - آقای پیرنیا خیلی ها عقیده دارند که شما به زوایای تاریك شخصیت باطنی و درونی رهی معیری بیش از دیگران آگاهی دارید و نیز از مسائل مبهم زندگی او که نامکشف مانده است ، باخبرید . حال که جسم او از ما دوری گرفته ولی یاد او در ما فریاد می کشد برای ما حرف بزنید و او را آن چنان که بود و آن چنان که شما شناخته اید بشناسانید .

پیرنیا - برای این که جواب صریح و صحیح به این سؤال داده باشم لازم می دانم مقدمه از شخصیت و اخلاق او سخن بگویم .

رهی يك هنرمند واقعی بود ، او هنرمندی بود که حجب و حیا ، ادب و نزاکت ، خوش رویی و تواضع در نهادش نهفته بود و در گفتار و کردارش چه در معاشرت خصوصی ، چه در زندگی اداری مؤدب بود . کردارش متین ، با وقار ، و گفتارش همیشه سنجیده و آمیخته با احترام بود و بدین سبب است که یقین دارم اشخاصی که او را شناخته اند و نظر خاصی ناشی از بخل و حسد نسبت به او نداشته اند همگی با این فکر و داوری من متفق القولند . با توجه به این نکات می توانم به جرأت بگویم طی دهسال که با من همکاری می کرد دریافتیم که او معنویات را به مادیات مرجح می دارد . و در این جا باید مثالی ذکر کنم: در این دوران دهساله همکاری هیچ وقت از دستمزد با من صحبت نکرد و هرچه برای او حواله صادر می کردم با امتنان قبول می کرد .

رهی حسود نبود بدین معنی که اگر برای کمک به او از سراینده دیگری کمک می خواستم ، یعنی آن هم موقعی که کمیت برنامه های گلها مورد نظر قرار گرفته بود ، اظهار ناراحتی نمی کرد و می گفت حق دارید . «آن خشت است که پرتوان زد»!

از دیگر خصایل رهی باید بگویم که رهی موجودی بود عاشق پیشه و اگر این خصلت در نهادش بوده هیچگاه سخن موزون و منظومش بدان پایه نمی رسید که نویسنده توانا و چیره دست و منتقدی چون «دشتی» او را در اقتفاء لبك سعدی کامیاب می شمرد و سروده هایش را يك دست و منسجم و پخته به شمار می آورد .

مانند این بیت :

گه شکایت از گلی ، گه شکوه از خاری کنم
من نه آن رندم که غیر از عاشقی کاری کنم
این اقرار خود اوست مبین این که در اقتفاء حافظ هم رفته است و تمایل او را به سبك هندی نیز می رساند .

مه روشن میان اختران پنهان نمی ماند
میان شاخه های گل مشو پنهان که پیدایی
بیانی زیبا با نازك خیالی در سبك هندی ولی
دور از پیچیدگی های نامطبوع آن شیوه .
تلاش - به زندگی رهی اشاره نکردید ؟

پیرنیا - آنچه که در این ده سال همکاری با رهی فهمیده ام اینست که او اوقات خود را روز ها چند ساعتی در کتابخانه سلطنتی به مطالعه می گذرانید و سپس باستودیوی گلها می آمد و به تنهایی چند آهنگ گوش می کرد . پس از آن به منزل می رفت . پس از مختصر استراحتی به مطالعه دیوان شعرا می پرداخت

و شعر می گفت و از غروب دیگر تعلق به خود نداشت و تمام شب ها را با دوستانش می گذرانید و مجلس با حضور رهی شکل دیگری به خود می گرفت. همه جا مقدمش را عزیز می داشتند ، حضور او موجب وجد و حال می شد .

تلاش - اشعار رهی ، به مامی گوید که او «زن» را نه فقط ستایش می کرد ، بلکه این موجود اثیری را جوهری از زندگی می شناخت. آیا به نظر شما این افکار فقط زاییده تخیلات او بود ، یا این که به راستی او شیفته این موجود ناشناخته بود و اگر چنین است چرا هرگز زنی را به همسری نگرفت و بتنهایی زندگی کرد ؟

پیرنیا - من تا آن حد بازندگی خاص و خصوصی او آشنا نبودم یعنی تا بدین حد با او آشنا نبودم . شاید چنین فکر می کرده و شاید هم چنین فکری ، جاذبه ای در او ایجاد کرده بود که زن ها به طرف او می گرویدند. حال این گرایش بر اثر ادب و نزاکت او بوده و یا صدای گرم او و یا اشعار لطیف و دلنشینش و یا این که صفت مجلس آرای و صباحت منظر او درباره زن ، هیچوقت با من بحثی نکرد . ولی روزی در پاسخ سؤال من که چرا در اغلب اشعارش نام گل را می برد گفت: «منظور و معشوق را همیشه به گل تشبیه کرده ام. و لغتی از این لغت بهتر که مقصودم را رساتر بیان کند، نیافتم.» شاید زن در نظر او از نظر لطافت و زیبایی، چون گل بوده است .

از طرف دیگر این نکته را باید یادآور شوم که در تمام دنیا مخاطب شاعران زن بوده است و این را نمی توان به رهی ایراد گرفت . اما رهی هم مانند بسیاری از شعرای عرفانی ، دبستان عشق ورزی را با زن پیموده است ، تا بدان جا که بتواند مکنون دل را خطاب به معشوق لایزال یکتا ، بیان کند . اما این که چرا با تمام این کیفیات ازدواج نکرده ، پاسخی را بیاد می آورم که روزی بسؤالم داد ، گفت : «میل ندارم در زندگی من و مادرم ، کس دیگری داخل شود.» حال این جواب تا چه اندازه از روی صمیمیت و حقیقت بوده ، نمی دانم .

تلاش - نویسنده ای رهی را چهارمین غزل سرای بزرگ ایران خوانده و نیز شاعری از معاصران ، او را رباینده بیت از این و آن دانسته . حال که او در میان ما نیست می توان بدآوری نشست و راستی ها را نشان داد . و این کار بعهده شماس است که حق دوستی را ادا کنید و بگویید آنچه را که شاید دیگران نخواهند گفت ؟

پیرنیا - پرواضح است که هر هنرمندی در بدو کار از هنرمندی دیگر سرمشق می گیرد ، تمام نقاشان بزرگ دنیا اول از کار هنری بسیار ساده ای سرمشق گرفته اند و سرانجام بجایی رسیده اند که روی پای خود ایستاده و بیان کیفیات دل خود را با ریختن رنگهایی به صفحه بیرنگ و ایجاد سایه و روشن آن تجسم بخشیده اند . رهی هم پرواضح است که بدو از شعر دیگران اقتباس و استقبال کرده تا جایی که توانسته است خود شخصیتی پیدا کند و از تشبیهات و ارسال مثل های دیگران دوری جوید و به تشبیهات بکر پردازد . شاید سال ها بگذرد و نظیر رهی را ایران بخود نبیند .

تلاش - آقای پیرنیا همه می دانیم که شما با

همکاری افرادی چون روح الله خالقی و رهی معیری انقلابی در موسیقی سنتی ما به وجود آوردید و آن را از حسیض بر اوج نشانیدید . بفرمایید امروز که خود از محیط هنری ما کناره گرفته اید و نه روح الله خالقی و نه رهی معیری هیچیک در میان ما نیستند موسیقی سنتی امروز ما را در چه حالی می بینید و سرنوشت آن چه خواهد شد ؟

پیرنیا - این انقلاب تنها بدست یاری خالقی و رهی معیری نبوده است . بسیاری از هنرمندان هستند چون : بهادر یگانه ، معینی کرمانشاهی و از موسیقی دانان : جواد معروفی ، خالقی ، علی تجویدی ، عبادی ، کسائی ، جلیل شهناز و عده ای دیگر که با همکاری خود مرا سرفراز داشته اند . عقیده دارم اگر از وجود همین اشخاصی که باقی هستند به درستی استفاده شود می توان از زوال موسیقی ایرانی جلوگیری کرد و هم چنین از هنرمندی ناظران مطلع و با ارزشی چون مهرتاش و عبدالرسولی و عده ای دیگر که کاملاً در موسیقی ایران وارد هستند ، ولی هیچگاه خودشان را معرفی نکرده اند ، باید استفاده کرد تا از نشر و پخش موسیقی چندرگه ای که به غلط موسیقی اصیل ایرانی نامیده می شود جلوگیری شود .

تلاش - ممکن است در این مورد بیشتر توضیح بدهید ؟

پیرنیا - می دانید که امروز بسیاری از دهقانان در اکناف کشور رادیو ترازیستوری دارند و چه بسا در موقع شخم زدن رادیو را به شاخ گاو خود می بندند. این آهنگ های حرامزاده ، که نمی دانم چرا بیشتر در يك بیات اصفهان «من در آورد» ساخته می شود و حتی بگوش دهقان و پسر دهقان و جوانان دیگر می رسد ، چه نتایجی از خود بیادگار خواهد گذاشت ؟ کوچکترین نتیجه اش این است که این ساخته ها جایگزین آهنگ های اصیل ایرانی می شود و به خصوص که عده ای پیدا شده اند که بر آهنگ تام و تمام خارجی ، کلامی فارسی جایگزین می کنند و خیال می کنند که خدمتی به موسیقی ایرانی کرده اند . نکته ای دیگر که در این موقع لازم است صریحاً بگویم خصیصه های موسیقی ایرانی را که عبارت از ربع پرده است حذف می کنند و یا بقول خودشان تملیق می برند بدون این که بدانند چه اثر وخیمی برای موسیقی ایرانی در بردارد و این مانند آن است که شعر عرفانی حافظ را بدهند بارون خاچاطوریان اجرا کند ...

تلاش - آقای پیرنیا سپاسگزاریم .



باید زنگ‌های

خطر

برای زبان شیرین فارسی

جدا

به صدا

در آید

ای وای این جلای مغرها چه بلای پرخرج و کم درآمدی است .
بازماندگان ما که هنوز متولد نشده‌اند نه آنچه را که پدران ما می‌فهمیدند حالی می‌شوند و نه آنچه را که ما بدان صحبت می‌کنیم خواهند توانست بخوانند .
نابسامانی زبان یکی از دلایل بی‌شمار فرار مغرها می‌گردد .
برای ترقی ایران و زبان ایرانی واقعاً لازم است که استخوان خورده کرده لغاتی را که در حال حاضر همه بدان خو گرفته‌ایم نابود کنیم .

نامه‌ای از : مظفرپر توماه - دانشجوی فیزیک
ذره‌ای دانشگاه ویسکانسین ، ایالات متحده
آمریکا

تلاش عزیزم :

خواهشمندم نوشته زیر را برای اطلاع
هموطنان و دوستان پیشرفت ایران عزیز
در مجله پر تلاش خود درج کنید ، باشد که
این مطالب برای آن‌ها که علاقه‌مند هستند
مفید افتد .

چندی قبل شماره یازدهم (تیر و مرداد
سال ۱۳۴۷) آن مجله گرامی را که ارزنده
تر و دلچسب‌تر از شماره‌های گذشته بود ،
دریافت کردم . برای من درست وصف کردنی
نیست که از دریافت این بوی‌امید که از وطن
می‌رسد ، چقدر خوشحال شدم ، اما شاعر اصل
ایرانی «باباطاهر» شرح خوشحالی مرا چنین
بیان کرده است :

«نسیمی کربن آن کاکل آیه

مرا خوشترزبوی سنبل آیه

چو شوگیرم خیالت را در آغوش

سحر از بستم بوی گل آیه»

با اشتیاق تمام مطالب تلاش را می‌خواندم
که به مقاله آقای حسن ستم‌دیده (مظلوم)
زیر عنوان «ایران و ایرانی در مقدمه ابن
خلدون» رسیدم . علاقه به وطن مرا برانگیخت
که با وجود کمی فرصت و طول آن نوشته
قبل از اتمام آن برنخیزم . اما افسوس
آن نوشته حقیقتی تلخ را همچون آینه بر من
نمایان کرد .

نویسنده مثل عده زیادی از هموطنان
ایرانی عزیزم که علاقه‌ای ظاهری به ایران



حقیقت را از جلو چشم آن ها پنهان کرده و آن ها را به تك روی و كج نظری گماشته، سخن رانده بود.

او بدون توجه به این واقعیت که دنیای امروز دنیای برادری و همکاری با مردم دیگر در راه بهتر زیستن و در صلح و صفا بسر بردن می باشد، به گفتاری نابهنگام از «فردوسی» که به نظر من هیچ بستگی و هم آهنگی با گفته های «ابن خلدون» بزرگ نداشت اشاره کرده بود.

برای توجه بیشتر، نویسنده محترم آن نوشته، لازم می دانم یاد آور شوم که: اولاً: تمام آن چه که ابن خلدون در آداب خوردن اعراب نوشته و آقای مظلوم به آن اشاره کرده باقی مانده از دوره جاهلیت بوده و هیچ اثری و انعکاسی در روش آنان بعد از تایش نور حقیقت در قالب دین اسلام و دستور های خدائی آن ندارد.

ثانیاً - معنی جزدوك را نویسنده از خود در آورده و اصولاً چنین لغتی بآن معنی و مفهوم در کتاب مقدمه ابن خلدون موجود نیست.

ثالثاً - کژدم یا در لفظ اصلی «عقرب» در زبان عرب دوره جاهلیت، معانی متعدد داشته و بهیچوجه معلوم نیست که آنها لغت فوق را بهمان معنی که ما امروز میدانیم استعمال می کرده اند چنانچه این موضوع نادیده گرفته شود و چنین مینگاریم که آن مردم کژدم می خورده اند نباید از نظر دور داشت که کژدم با سوسمار که فردوسی صرفاً بخاطر بافتن شعرهایش بکار برده از حشرات تاختندگان تفاوت دارد. مطمئن هستم که آقای ستمدیده از این تفاوت با خبر هستند.

رابعاً - بفرض آنکه گفته بی اساس فردوسی که در ذهن اکثر ایرانیان امروز رسوخ کرده پذیرفتنی باشد و باور کنیم که اعراب در زمانی که شاهنشاهی ساسانی یا هخامنشی را داشتیم و یا در زیر چکمه سربازان اسکندر خونخوار جان می سپردیم، شیر شتر و سوسمار می خوردند. خوب مثلاً که چه آیا منطق و استدلال صحیح اجازه می دهد که اعراب را صرفاً برای این عادت در خوردن تخطئه کنید و حق زندگی بآنها ندهید؟ این بدون تردید از منطق ایرانی بسیار بدور است و بر عکس، در واقع باید آن ها را برای استقامتشان و برای توانائی و پشتکارشان ستود، که از چنان وضعی که فردوسی می خواهد نکبتبار ترین اوضاع جلوه بدهد، با کمک ملت های دیگر خود را به عظمت دوره طلائی اسلام رسانیدند. آیا همان اندازه که توانستند ملت هایی آنچنان متفاوت و دور از هم را نظیر ایران و شام و طرابلس و مصر و مراکش و اسپانیا، با هم هماهنگ کنند و با همکاری و همزیستی با سابقه دست های خلاق آن مردم را بهم پیوندند کافی

برای اثبات آن نیست که آنها در حقیقت پیغامی نجاتبخش برای انسانها با خود ارمغان آوردند؟

آنها که حقیقت را از نظر دور نمی دارند اقرار خواهند کرد که تمدن های باصلاح پیشرفته امروزی همگان از چنین نعمتی محروم بوده و هستند. هنوز نیم قرن پیشتر از پیدایش حکومت های بر اساس نظر «مارکس» نگذشته که در هوای آن اینهمه خون و خونریزی در دنیا بپا گشته است.

استعمار اسپانیا و پرتغال در کمتر از سه قرن درهم ریخت. استعمار انگلیس با تمام اثرات بعدی آن دیری نپایید. استعمار ایتالیا و آلمان و فرانسه در مقایسه با پایداری تمدن اسلامی و وحدت ملت ها در پرتو آن. در يك چشم بهم زدن فرو ریختند، درست است که شماره ای از این استعمار گران در زمانی کوتاه سرزمین های زیادی را در اشغال قوای خونخوار و نابود کننده خود داشته اند و صحیح است که انگلستان در نیم قرن پیش ادعا می کرد که «خورشید هیچگاه در حیطه اقتدارش غروب نمی کند اما حقیقت آن است که هیچکدام از آن فرمانروائیها در هیچ زمان به وسعت و همبستگی ملتها در امپراطوری اسلامی نرسیده اند و نخواهند رسید.

متأسفم که باید به آقای مظلوم یاد آور شوم که نه بالا بودن سطح تمدن ظاهری ملتی نظیر یونان یا روم به آن ملت اجازه تجاوز به کشورهای دیگر نظیر ایران می دهد، و نه پایین بودن سطح هنر یا آداب غذا خوردن ملتی دیگر نظیر عرب یا مغول آن ها را از ترقی و کشور گشائی باز می دارد. من بسیار متحیرم که با وجود تمام خرابیها و فساد اخلاق و فساد زندگی که مغول برای ما به ارمغان آورد، هیچگاه ستمدیده ای پیانمی خیزد که لغات بازمانده از ترکان مغول را که در زبان فارسی امروز بکار می روند، مقولوب کنند. گوئی دلیل آن باشد که دلدادگان به تمدن مغرب زمین نمی خواهند با توهین به مغول و تاتار که تا قبل امپراطوری روم پیشرفته دستاویزی برای خواری و کم داشت دل سپرده خود یعنی تمدن روم بیافرینند! چه اگر رومیان و وارثان تمدن آن ها یعنی فرانسه و انگلیس و آمریکا سخنی چند علیه مغول و تاتار ندارند چه جای آنست که ایرانی به اعتراض برخیزد!

این روش را تنها آن ها بر می گیرند که می گویند «آن چه استاد ازل گفت بگو، می گویم»: چون در ادبیات اروپائی و آمریکائی چندان سخن بر ضد ترکان تاتار نرفته است، و بر عکس به اعراب بخاطر مسلمان بودن آنها از هیچگونه هتاک و ناهنجاری خود داری نشده، این طوطیان بی ابتکار درست گفتار یاوه سرایان متعصب صلیبی را به فارسی ترجمه می کنند! و بی

خبرانی نظیر آقای مظلوم هم که مدروز را تعقیب می کنند از یاد کردن سوسمار خوردن اعراب بموقع و بی موقع اباء ندارند! و بخود، به آن دلیل، اجازه می دهند که زبان مادری مرا که در طول بیست و چند سال به آن خو گرفته ام دستخوش هوی و هوس خود کنند و لغات شیرین و نیمه رسای آن را باواژه هایی که اکثرایی مایه و نارسا هستند متزلزل و مخدوش نمایند.

مثلاً آقای مظلوم در لیست واژه های خود که در پایان نوشته اش آورده، «آمادگی» را بجای استعداد گذاشته است. باید خاطر نشان کنم که آقای مظلوم ممکن است آماده برای گفت و شنود با سخنوران فارسی باشد ولی تنها این دلیل نمی شود که او واقعا استعداد این کار را داشته باشد.

دلیل بر این ادعا کاملاً روشن است، چه سخنور، با تعریف فرهنگ لغت، آن کسی است که گفته یا نوشته او برای خواننده اش مفهوم باشد، و حال آن که اگر نوشته آقای مظلوم را به يك دانشجوی تازه دانشگاه تهران بدهید بزحمت آن خواننده از آن نوشته سر در می کند.

آنوقت عده ای دیگر که در پی آب گل آلود می گردند سر در آورده دانشجوی بی گناه را به بیسوادی متهم می کنند. کسی نیست یاد آور شود که: جانم او در عرض دوازده سال تحصیلش زبان «فارسی» می خوانده و نه زبان اوستائی و یا سانسکریت مرده و غیره! ...

دروازه نامه ای که تحت عنوان «فرهنگ واژه های تازه» آقای مظلوم بنام خود در آخر نوشته اش آورده، گذشته از آن که (۹) واژه نظیر آموزشگاه و بنیاد که سالیان دراز است همراه با مدرسه و اصل یا اساس که واژه عربی برابر آنهاست بکار می رود و هیچ تازگی ندارند! دونکته اساسی دیگر قابل توجه است:

۱ - درازاء بر گرداندن یا بهتر بگویم مخدوش کردن ۶۶ واژه فارسی متداول به پارسی من در آورده، آقای مظلوم فقط و فقط يك واژه اروپائی را بزبان خود برگردانیده است که به روشنی «بریکسوگرائی» ایشان گواه است!

۲ - از میان ۶۶ واژه ای که از فارسی به پارسی برگردانده شده، ۲۵ واژه هر يك ترکیبی از دو یا سه لغت دیگر بوده و به این ترتیب بجای آن که از زحمت خواننده و نویسنده بکاهد بر عکس کار هر دو نفر را دشوار تر می کند. مثلاً برای «معتقد» ترکیب «باور دارنده» که هم طویل و هم منفصل است، آورده شده است.

بقیه ۶۶ واژه بجز قسمتی از آن که چنان که گفتم تازگی ندارد اکثرانارسا و ناموزون هستند. مثلاً، «خود کامگی» ممکن است

بزور بجای «استبداد» بکار برود ، اما «استقلال» دیگر مفهوم نزدیک به خود کامگی ندارد ، و سازنده واژه باید از این مطلب آگاه باشد .

گذشته از آن ، لغت بسیار زیبا و رسای «دقیق» باد و واژه «ترکیبی» «خردنگر» و «ریزنگر» برابری داده شده ، که هیچکدام به زیبایی اصل نیست . بدون شك چنان چه آقای مظلوم تعصب خشک ضد عرب خود را چند ثانیه کنار بگذارند و به الفاظ متداول در فارسی روز دقیق شوند بخاطر خواهند آورد که لفظی بنام «موشکاف» هم در زبان ما موجود است که کار خردنگر و ریزنگر و در صورت لزوم دقیق را همه با هم یکسره می کند !

با وصف این که آن چه را که ابتداتصمیم به نوشتن داشتم نوشتم ، اجازه بدهید قسمتی از مخاطرات و مضار این چنین تزلزل و هرج و مرج در پذیرفتن و نگهداری لغات را همراه باراهی برای گریز از آن پیشنهاد کنم .

قبلا برای آنکه از نارسائی نوشته هائی که بر اساس کینه توزی نابجا با اعراب و پیروی کور کورانه از تمدن ماشین و ترس از قدرت مغرب زمین است مثالی زده باشم چند سطر از نوشته خود آقای مظلوم را که در دسترس دارم میآورم : آنجا که در باره ترجمه و انتشار مقدمه این خلدون مینویسد :

«... بفارسی برگردانده شد و با سرمایه بنگاه ترجمه و نشریات»

«در دو کتاب پراکنده شد و چنان با پیشواز و روی آوری کتاب دوستان روبرو شد که هم اکنون چاپ دوم آن از نیمه گذشته است». اگر بخاطر بنگاه ترجمه و نشر کتاب نبود «در دو کتاب پراکنده شدن» در حله اول چنین میرساند که شیرازه دو کتاب از هم گسیخته و اوراق آن ها از هم پراکنده شده اند . کمی بیشتر دقت چنین وانمود می کند که مطالب ترجمه شده کافی برای پر کردن دو کتاب نبوده و بنا بر این مطالب در صفحات کتاب ها بطور پراکنده درج گردیده اند ... گذشته از آن بدین چرب زبانی که خاص زندگی ماشین غرب است توجه کنید: «چنان با پیشواز و روی آوری کتاب دوستان روبرو شد ...» اگر چنین بود از سال ۱۳۳۶ تا سال ۱۳۴۷ یعنی در طی یازده سال میبایست بیشتر از دو سه بار کتاب ها تجدید چاپ می شدند ، چرا باید نویسنده محترم ، خود و استاد گنابادی را با این الفاظ گول بزند و تجدید ناتمام چاپ را در طول مدت یازده سال دلیل بر استقبال بی سابقه کتاب دوستان بشمارد . من آن کتاب ها را ندیده ام ، امیدوارم آن کتاب ها پر از لغات من در آورده نباشد ، و اگر نه باید زنگهای خطر برای زبان شیرین فارسی جدا بصدا در آید . یکی از آسیب

هائی که چنین نابسامانی بزبان و کشور ما وارد کرده و خواهد کرد اینست که اولاً افرادی را که در داخل ایران به بیسوادی متهم می شوند چون دلیل آن درست همان است که از آن سخن رفت رغبت میابند که بهر وسیله و با هر مکافات از وطن خارج شده در دیاری دیگر به تحصیل ادامه دهند . بدون قطع این فکر که در وطن آن ها را به بیسوادی می خوانده اند ، این گروه بتدریج از ایران و ایرانی بودن دلسرد شده کمترین بهانه ای آنها را از ایران برای مدت طولانی دور خواهد کرد و آنوقت همه شکوه می کنیم که ای وای ، این «جلای مغزها» چه بلای پر خرج و کم درآمدی است . این گروه اگر چه نمی بایست از جا در رفته و استقامت خود را بخاطر آن تهمت نابجا از دست دهند اما در ازاء زبانی متزلزل که هر دو پانزده سال یک سری لغت جدید عرضه می کند که باید جانشین لغات گذشته بشود زبانی بین المللی نظیر فرانسه یا انگلیسی را با آغوش باز می پذیرند و بدون شك ترقیات و شگرفیهای آن زبان چشم آنها را خیره می کند آنها که از کودکی در فکرشان فرو کرده اند که زبان فارسی زبانی بیگانه برای ایرانیان است با خود می گویند خوب حالا که پدر و مادر من بزبان بیگانه صحبت می کنند چه جای آنست که من آنقدر متعصب و خشک باشم بیگانه بیگانه است چه عربی چه انگلیسی و فرانسه و روسی ، و البته آن که زبان روز است بیشتر جلب توجه می کند و فردای آن روز است که فرزندان این گروه هم زبانی غیر از فارسی صحبت خواهد کرد . و این زنجیره ادامه میابد تا آنجا که بازماندگان ما که هنوز متولد نشده اند نه آنچه را که پدران ما می فهمیدند حالی می شوند و نه آنچه را که ما بدان صحبت می کنیم خواهند توانست بخوانند .

بادر نظر گرفتن این واقعیت که نابسامانی زبان یکی از دلائل بی شمار «جلای مغزها» می گردد باید گفت که برای ترقی ایران و زبان ایرانی واقعا لازم نیست که استخوان خرد کرده لغاتی را که در حال حاضر همه بدان خو گرفته ایم نابود کنیم و بجای آن واژه های تازه و نامفهوم بسازیم چه این واژه ها که اکنون در فارسی متداول هستند ، اکثرا مفاهیم عربی خود را از دست داده ، یا در زبان عربی امروز اصلا استعمال نمی شوند و یا اگر استعمال می شوند برای رساندن مفاهیم متفاوت دیگر بکار میروند . دستور بکار بردن آن ها بهیچوجه آن نیست که در عربی موجود است . و بنابراین زبان زبان هاست و نه زبان بیگانه چه ما مفهوم مخصوص از هر لغت داریم و بر صاحب دلان آشکار است که معنی و مفهوم با ارزش است و نه قالب و ریشه قالب . گذشته از همه اینها عموم زبان های زنده امروز دنیا دارای لغاتی هستند که یا از یک

ریشه و اساس قدیمی گرفته شده و یا در اثر برخورد ها و تماس با ملل و زبان های دیگر در آن ها وارد شده است . بعنوان نمونه در کشور های عربی زبان برای آنچه که ما «برق» می خوانیم لغت فارسی «کهربا» بکار برده می شود . و تاکنون کسی با تعصب در صدد تعویض آن با لغتی عربی بر نیامده است . مثل دیگر زبان انگلیسی است . این زبان دارای هزاران لغت است که از لاتن بدون تغیر و کسر گرفته شده است . هزاران لغت ریشه و پایه یونانی دارند ، و هر روز دانشمندان لغات تازه ای از یونانی و لاتن عاریه کرده برای مفاهیم جدید بکار می برند . نظیر این رادریست شناسی ، گیاه شناسی و «سرگذشت انسان» بخوبی و آسانی می توان پیدا کرد . بسیاری از واژه های انگلیسی از فرانسه که خود تقریبا بهمین وضع است اخذ شده اند . و تعداد زیادی از آلمانی و رومی و سایر زبان های دیگر در آن موجود است . حتی لغات زیادی از ریشه های فارسی و عربی و ترکی در انگلیسی امروز موجود است . اگر بنا بود دانش پژوهان انگلیسی هر کدام جداگانه هر نسل به سلیقه خود قسمتی از این لغات را به زبان محاوره ای روزشان برگردانند نه خود مردم انگلیسی زبان می توانستند زبان خود را که از نظر دستوری و املاء نارساترین و بی قاعده ترین زبان است خوب یاد بگیرند و نه سایر مردم دنیا را می توانستند باین آسانی به پذیرفتن آن تشویق و راضی کنند .

مردم روم و یونان و فرانسه برای مردم جزایر بریتانیا ، در مقام مقایسه بیگانه تر و ستیزه جوتر از اعراب نسبت به ایران بودند و اگر آنها هم طرز فکر آقای مظلوم و همراهان او را داشتند می بایست تاکنون تمام واژه های یونانی و لاتن از زبان انگلیسی خارج می شد . اما برعکس این مردم آنچه را که گرفته بودند نگهداشتند و هنوز هم از انعطاف و سازندگی ریشه های یونانی و رومی بدون هیچ احساس شرم و خجالت استفاده می کنند .

بهیچوجه با مثال اخیر نخواستم بگویم که سرمشق و نمونه کار ما همواره پایه این نیروها و این تمدن ها باشد ، ولی چه خوبست که از کارهای بهتر این مردم که سرترقی آنها را پی ریزی کرده است اقتباس کنیم و نه صرفا از کار های ، تودل بروی آنها مثل لخت و عور در کوچه و خیابان گشتن و مثلاً شب ژانویه تا سحر بیدار ماندن و یا حقه بازی و دغل کاری کردن که جز ضرر برای اجتماع ما ثمری ندارد .

بی گمان آقای مظلوم و خوانندگان مقاله ایشان در تلاش متحیر خواهند شد که بدانند مردم کشوری نظیر امریکا که من سالیان دراز دور از وطن را در آن بتحصيل گذرانده ام نه بخاطر متهم شدن به بیسوادی در ایران بلکه برعکس چون دانشجویی رتبه اول از دانشسرای عالی سابق فارغ التحصیل شدم -

عاداتی خیلی عجیب تر و عقب مانده تر از عرب دوران جاهلیت دارند .

برای نمونه در قبال سوسمار خوردن اعراب که چنانکه گذشت ماخذی صحیح ندارد باید به خرچنگ و مارخوردن این مردم اشاره کنیم . عده ای در جنوب ایالت متحده حتی لاک پشت هم می خوردند و این حقیقتی محض است . در ایالت ویکنسین یک نوع موش درختی که دم کلفتی دارد ، غذائی لذیذ برای میهمانی های شنبه و یکشنبه شمار می رود .

البته این را همه می دانند که خوردن خرچنگ و حلزون و سایر نرم تنان جزوی از آداب و رسوم و تمدن غرب است و مسلما در بین خوانندگان تلاش کسانی پیدا خواهند شد که مرا در این یادآوری ممکن است به کوتاه نظری متهم کنند ، و حتی مرتجع بخوانند .

در ازاء شیر شتر که به تصدیق تمام پزشکان عصر جدید و شیر شناسان جز از نظر ترکیب در صد مواد تفاوتی با شیر حیوانات دیگر نظیر گاو و گوسفند و خر و خوک و غیره ندارد . مردم این کشور که خود را شایسته وارث بودن برای تمدن های بزرگ می خوانند از خون خوک دلمه ماندی درست می کنند که در اعیاد و یکشنبه ها آن را می خوردند ، دل و روده هر بیننده بی اختیار با استفراغ بیرون می ریزد ! ...

این مردم را تنها به خاطر عادات کثیفشان در خوردن ، البته نمی توان محکوم کرد ، آنچه برای ما کثیف و مستقذر است برای آن ها و یا گروه دیگر ممکن است دلپذیر باشد . اما در قبال خوی برادری و هم زیستی و مساوات که اعراب اشاعه دادند اینها چه می کنند ؟

هموطنان سیاهپوست خود راهیچ ارزش قائل نشده عده زیادی از مرتجعین حتی آن ها را انسان بحساب نمی آورند . یک نژاد از نژادهای بشر بکلی فدای توسعه طلبی و جنگجویی آن ها شد .

بجز عده کمی از سرخ پوستان بسومی آمریکا که در مکان های انگشت شمار ، مثل حیوانات نایاب که در باغ وحشها نگهداری می شوند ، مواظب می گردند ، اثری از این نژاد نمانده و نه تنها از این عمل اجداد خود شرم ندارند حتی با ساختن صحنه های اغراق آمیز به آن جنگجویها هنوز هم افتخار می کنند . در واقع قسمتی از پول خود را از راه تهیه فیلم های متعدد از این صحنه های دروغی و بی اساس درمی آورند . اگر اعراب جزئی از این خصائص را داشتند از من و آقای مظلوم به اشکال اثری بود که اکنون با هم در حقیقت و عدالت اعراب مجادله کنیم . پوشیده نیست که با وصف این که تاثیرات نامطلوب بمبی که در هیروشیما منفجر کردند هنوز از بین نرفته است ، توسعه طلبی گروهی از این مردم هنوز هم در چهار گوشه جهان

زبان کشیده و هر روز دهها نفر طعمه هوی و هوس آن ها و خود خواهیشان می گردد ، و آمریکایی تنها چنین نیست ، بلکه همه قدرتهای اروپائی ها هم دارای همین خصائص و مظالم هستند . آنوقت زبان و رسوم آن ها را پذیرفتن ، در کارهایشان اعتراض نکردن ، مذهب و اماکن مقدسه خود را به اعمال آن ها باختن و بالاتر از همه ترجیح لغات زبان آن ها بر لغات فارسی ، ننگ است ، ننگی خطرناک و نابود کننده ، گناهی نابخشودنی و یک خیانت علنی به وطن و جانبازان آن .

که باید جلو آن راهرچه زودتر گرفت ، چه ماهی را هروقت از آبگیری تازه است . افرادی نظیر آقای مظلوم می توانند خدمتی سودمند به ایران و ایرانی انجام دهند . امانه از راه فرسوده کردن و تقلیب لغات موجود و آشنا بلکه از راه فهمیدن و در نتیجه ساختن مفهوم های در قالب جدید برای لغات اروپائی و آمریکائی که هر روز دهها واژه از آن بفارسی وارد و بدون حک و اضافه با همان طرز تلفظ و حتی اکثرا با همان الفبای اصلی پذیرفته می گردند . کمترین که خود آقای مظلوم لغاتی نظیر کازموپالیتست (مرزناشناس) را پذیرفته و چون از مفهوم حقیقی لغت درست سردر نیاورده آنرا درواژه نامه خود نگنجانیده است .

خوبست یادم نرود دلیل این را که در ابتدای این مقال آقای مظلوم را ستم دیده یاد کردم بیان کنم بنظرم اگر ایشان به خود اجازه می دهند که نام دانشمند بزرگی نظیر «ابن سینا» را به «فرزند سینا» بدل کنند من هم به خود اجازه می دهم که اسم مظلوم او را به زبانش برگردانم و حال آن که به احترام رادمرد مسلمان و عرب « حسن

علیه السلام» آن اسم را شایسته دانستم که دست نخورده بگذارم و نیز لازم است گفته شود که داشتن لغات متعدد برای یک مفهوم شایسته است و زبان را غنی و رسا می کند و اتفاقا بعضی از واژه ها نظیر انگیزه و آموزشگاه و غیره ، که چنان که گذشت ابداع و ساخته آقای مظلوم نیست . شایسته آن هستند که در زبان شیرین فارسی بکار روند اما نباید برای همیشه علت را دور گذاشت و انگیزه را بکار گماشت .

در ظرف سال های اخیر آنقدر لغات خارجی در زبان ما وارد شده است که واقعا سهل انگاری درباره آن ها و تعویض کلمات موجود در قبال آن ها نه تنها بیش از این صلاح نیست ، بلکه کاملا مایوس کننده می باشد .

مثلا جناب آقای مظلوم ممکن است بفرمائید لغاتی مانند ، فیزیک ، مکانیک و دینامیک و استاتیک و امثال آن چه کلماتی هستند که بدون کسر و اضافه حتی جوانان دبستانی و دبیرستانی ایران مجبور به استفاده از آن شده اند؟ و اصولا آیا این لغات شایسته باقیماندن در زبان شیرین فارسی هستند؟!

آیا می خواهید پای روی این حقیقت بگذارید که لغات فوق به مراتب بیگانه تر و ناآشنا تر از واژه های نظیر مدرسه و قاضی و علت ، برای فارسی زبانان هستند ؟

در خاتمه تشخیص برابر بودن و مفید بودن لغات فارسی زیر را که به اصل آن ها در پایان خواهد آمد در اختیار خوانندگان عزیز تلاش می گذارم . و به امید دریافت شماره های بعدی تلاش ، کارمندان محترم آن و خوانندگان امیدوارش را به خدای بزرگ می سپارم .

هیجان چه ، هیجان	EXCITON	اکسیتون
کهریا چه منفی - منفیچه	ELECTRON	الکترون
کهریا - برق	ELECTRICITY	الکتریسیته
فعلایت	ENERGY	انرژی
فعلایت جنبشی	KINETIC ENERGY	سینتیک
فعلایت مکانی	POTENTIAL ENERGY	پتانسیل
فعلایت ذاتی	REST MASS ENERGY	رست ماس
کهریائی	ELECTRIC CHARGE	بار ، باراج الکتریکی
جریمه	POTENTIAL	پتانسیل -
الته جریزه	POTENTIAL DROP	پتانسیل دراپ -
		(دکتر امین)
شبنجه هسته	PROTON	پروتون -
شبنجه - کهریا چند مثبت	POSITRON	پزیترون -
سه لاجه	TRITON	تریتون -
صدایوسن - صدایگر	TELEPHONE	تلفون -
دزدوسن - دزدگر	TELEGRAPH	تلفگراف -
نوردوسن - نورگر	TELEVISION	تلویزیون -
دولاجه	DEUTERON	دوترون -
چرخش	SPIN	سپین -
نورچه	PHOTON	فوتون -
صدایچه	PHONON	فونون -
مرزناشناس	COSMOPOLITON	کازموپولیتون
خشت اول یابسته	GRAVITON	گوانتم - (بسته)
جاذبه چه ، جاذبه	GRAVITON	گراویتون -
سیکچه	LEPTON	لیتون -
میانیچه	MESON	مزون -
آهنربائی - مغناطیسی	MAGNETISM	مگنتیسم -
آهنرباچه	MAGNON	مگنون -
آهنرباچه بهر *	BOHR* MAGNETON	مگنون بهر *
حرکت (دکتر جناب) جنبش حرکت	MOMENTUM	ممانتم -
حرکت مغنطیسی	MOMENT OF INERTIA	ممان اینرسی -
موج کاهربائی با برقاطیس (دکتر مصباح)	ELECTROMAGNETIC	موج الکترومگناتیک -
خشنجه ، خشنچه	NEUTRON	نوترون - خشنچه
سنگین چه ، سنگینچه	HYPERON	هایپرون

* نیل بهر (BOHR N) متولد ۱۸۸۵ دانشمند معاصر
دانشگاهی نو فیزیک نوهای جدید.

به خاطر

سبب قرمز



که حالا آفتاب هم روش افتاده بود و رنگ دیگری بهش داده بود .. کتابشو ریخت کنار درخت و از اون بالا رفت .

هرچقدر به سبب قرمزه نزدیک تر میشد دلش بیشتر مالش میرفت انگار جاروی تر روی شیکمش میکشیدند !

درست موقعی که دست دراز میکرد تا سبب را بچینه صدای درکوچه 'که باز شده بود بگوشش خورد ، سربرگردوند و چشاشو فرو کرد تو چشای زن صابخونه ! زن صابخونه مثل شیر زخمی به طرف درخت حمله کرد !

دلش هوری توقسه سینه اش پائین ریخت ! از رو شاخه لیز خورد و چند تا شاخه تو صورتش فرورفت

مثل توپ خورد کف حیاط ! تا صورت خون آلودش را برگردوند کفش زن صابخونه رو پیشونیش نشست سرش گیج رفت و کنار درخت ولو شد !

رضا داوری ... تهران

میخورمت ! آخ اگه بچنگم بیفتی !
هر موقع پشت پنجره اتاقشون که بجای شیشه با کاغذ روغنی مزین شده بسود ، می نشست و بحیاط خیره میشد اگر خوب دقت میکردی چشش فقط و فقط رو درخت سبب و باونی که میخواست ، بود !
اصلا هر موقع باون نیگا میکرد احساس میکرد که گرسنه اش شده ... !

اونروز هم مثل همیشه وقتی از مدرسه برمیگشت ، ابتدا نگاهش را با حسرت باون سبب قرمزه دوخت ، دلش مالش رفت .. بی اختیار بدرگاه اتاق صابخونه خیره شد ...

نعلنك های زن صابخونه تو درگاه نبود .. برق يك لبخند رولباش چمبك زد ! زیر لب غرغر کرد : « صابخونه نیست ، جونم جون باید کارشو بکنم اگه خونه بود حتما نعلنك هاش تو درگاه ولو بودند ... در اتاقش هم بسته است ... همین الان میام بالا .. آها .. صبر کن کفشامو دربیارم ! »

در حالیکه نیگاه مشتاقش همچنان به سبب قرمزه بود کفشاشو در آورد اون موقع زیباترین چیزها در نظرش اون سبب بود

دلش میخواست یه دونه از اون سبب های قرمز نوك درخت مال اون بود و این خواست وقتی اوج میگرفت که چشمش میافتاد به بزرگترین سبب اون درخت که دردورترین نقطه آن درخت بود و باو چشمك میزد .

اما هر موقع دوسه قدم از حد معمول بیشتر بدرخت نزدیک میشد بانك زن صاب- خونه از توی درگاه بلند میشد که :

— آهای زیردرخت رفتی چیکار؟
آنوقت او با ناکامی انگار که یه سطل آب لجن روسرش خالی کرده اند چشم از اون سبب قرمزه برمیداشت و بز ن صابخونه نیگا میکرد و بیهوده یه ذره رحم و شفقت در او می جست ، بعد محکم دماغشو بالا میکشید و با دست کثیفش سرشو میخاروند و از درخت دور میشد .

روز و شب نقشه میکشید : « اگه یه روز گیرم بیافتی نمیخورمت ، میذارمت رو طاقچه اتاق و تماشات میکنم ! ولی نه اگه زن صابخونه بیاد تو اتاقمون ترو می بینه ! خوب بهش میگم خودمون خریدیم ... اما باز نمیشه ، اون خوب میدونه که ماهشتمون گروی نه مونه ! همیشه بهش كلك زد ... اصلا



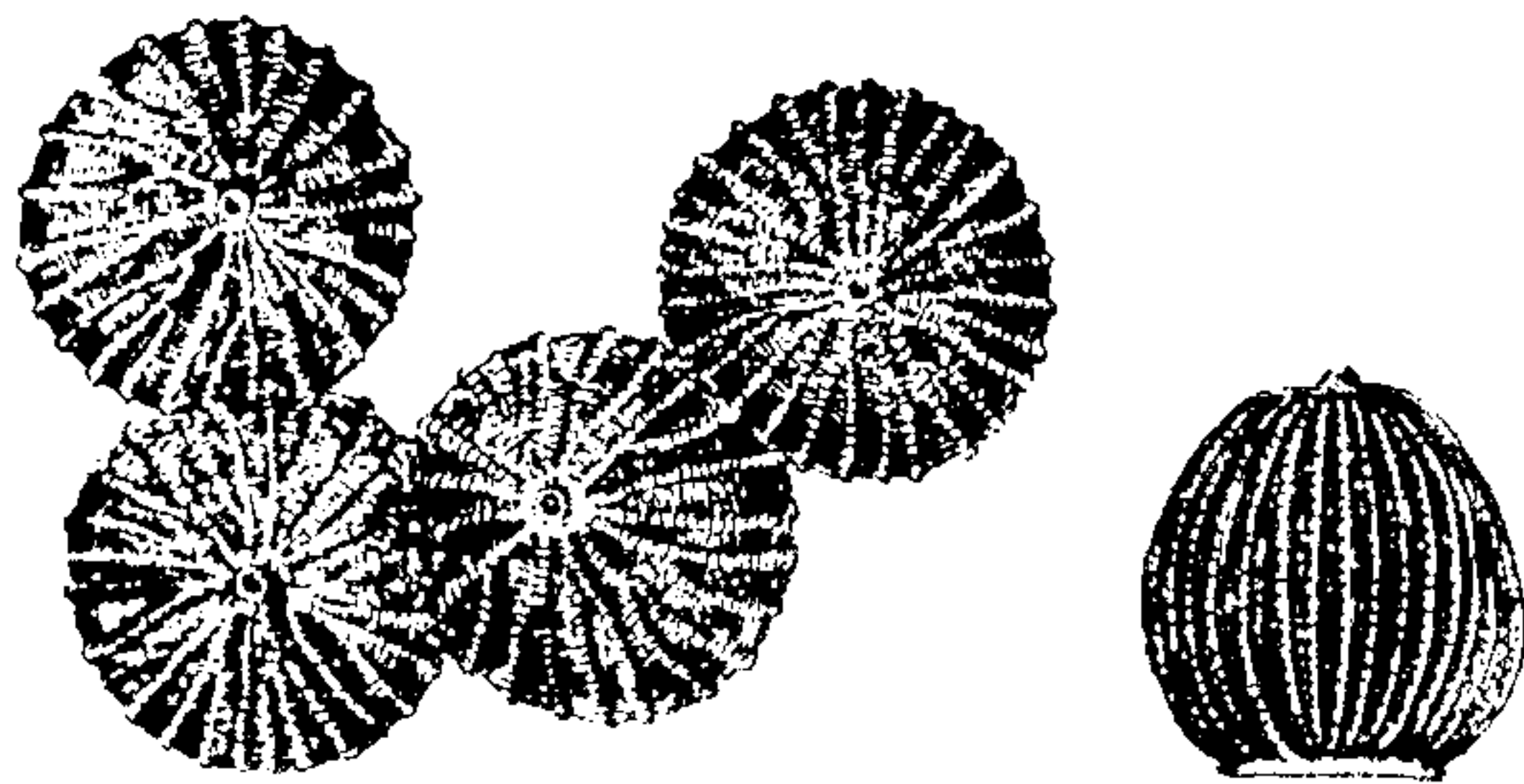
نوشته : عبدالله عبدالهی

طلای سفید ما

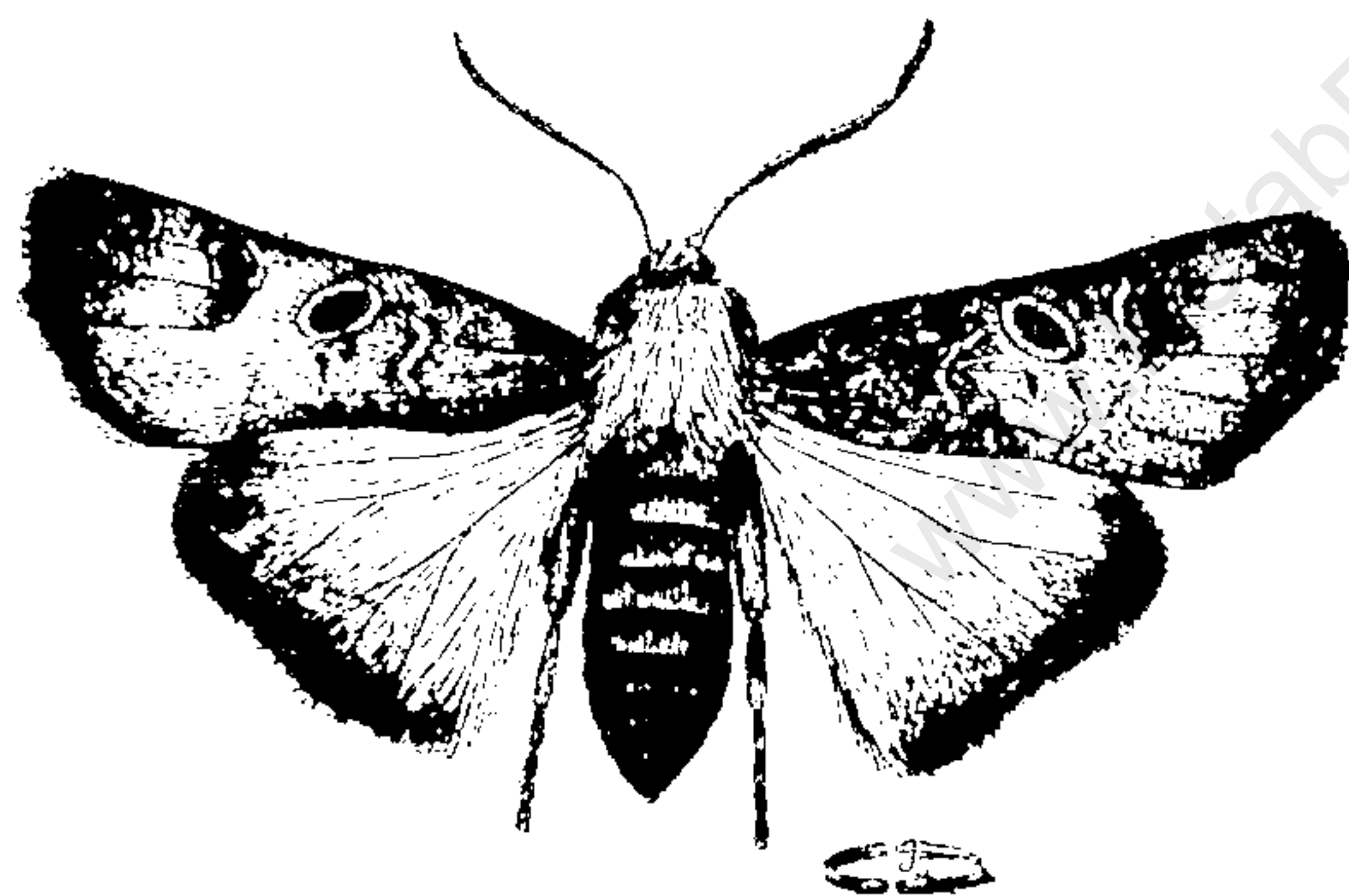
در گرگان و دشت به تلت سود سرساری که از راه کشت بنه عابد کشتکاران می شود
بی دری اقدام به کشت چندین ساله این محصول می نمایند و نادانسته به طور وحشتناکی از حاصل خیزی
زمین کاسته موجب برور امراض فراوان گیاهی و فرسودگی خاک می گردند و لذا تظلیل ارقام
برداشت شده در هر سال چشمگیر است .

بسه در ایران ماهی ماه ساله و از جامه ادب سرانی
می باشد . از قدیمی ترین انواع بافته شده کت درجه اول
ماکستان بدست آمد چنین بر می آید که تاریخ کشت آن به
سه هزار سال قبل از میلاد می رسد . در ایران سه ایرانی
هائی بسیار قدیم در سواحلی خلیج فارس کشت می کنند
هرودوت در کتاب تاریخ خود بار کشتکار بنه در سواحلی خلیج
فارس و هندوستان بحث کرده است و هندوستان کشت را در این
منطقه دانسته است . مستوفی مورخ ایرانی ایران قرن هشتم
قمری در تاریخ خود کشت سه را در حدود ساوه و راهبرمز
نموده می نماید . در طبق امار سازمان خوار و بار جهانی

در سال ۴۵-۴۶ خسارتی معادل ۵۰۰۰۰ تن به محصول پنبه ایران به علت طغیان آفت وارد گردید .
در سال ۱۳۴۰ که از نظر برداشت پنبه سال خوبی بوده است بطور متوسط هر هکتار (۱۲۵۰) کیلووش بدست آمده است . در صورتی که در همان سال در اسرائیل این رقم بالغ بر ۳ تن بوده است .



تخم کرم قوزه



پروانه کرم قوزه

(F.A.O) از ۱۶۳۶۰۰۰۰۰ هکتار زمین ایران فقط ۲۱ میلیون هکتار قابل کشت است و در حال حاضر تنها ۶۸۰۰۰۰۰ هکتار آن هر سال به طرق آبیاری و دیم کشت می شود و مابقی اراضی به حال «آیش» باقی می ماند . از ۶۸۰۰۰۰۰ هکتار قابل کشت ۴۰ درصد آن آبی و ۶۰ درصد دیگر دیم است . در سال ۱۳۲۰ زمین های آبی در حدود ۲ میلیون هکتار بوده که اکنون به بیش از ۳ میلیون هکتار می رسد . در حال حاضر ۳۷۰۰۰۰۰ هکتار اختصاص به کشت پنبه دارد . در طی ۲۵ تا ۳۰ سال (از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۴۰) سطح کشت بیش از سه برابر توسعه یافته است .

مراکز تولید :

مراکز تولید پنبه در ایران در درجه اول سواحل دریای خزر و مخصوصاً مازندران و گرگان و دشت می باشد که ۶۸ درصد سطح کشت پنبه ایران در این ناحیه متمرکز شده است . خراسان در درجه دوم قرار دارد .

مهمترین مناطق کشت پنبه در استان دوم : گرگان و دشت شامل کبابکلا ، جویبار ، بابل ، بابلسر ، یازوار ، ساری ، نکاه ، پهنر ، بندر لنگر ، کردکوی ، گرگان ، فاضل آباد ، علی آباد ، شاه پسند ، شندودر استان خراسان : سبزوار ، دره لار ، ترب جام ، نیشابور ، مشهد ، کاشمر ، بجنورد ، اسفراین ، تربت حیدریه و در شاهرود و سمنان و دامغان و آذربایجان شرقی و غربی (دشت مغان ، ارسباران جلغا ، ماکو ، ایروان و غلی) می باشد .

در اصفهان ، یزد ، شیراز ، داراب ، فسا ، جهرم و هم چنین رابعین ، کرمان ، ساوه ، زرند ، قم و خوزستان به علت وجود باد های مخصوص و کرم خاگردار با وجود مساعد بودن سایر عوامل زراعی توسعه چندانی ندارد . در قسمت جنوبی شرقی کشور نیز کم و بیش پنبه کشت می شود .

اهمیت اقتصادی پنبه :

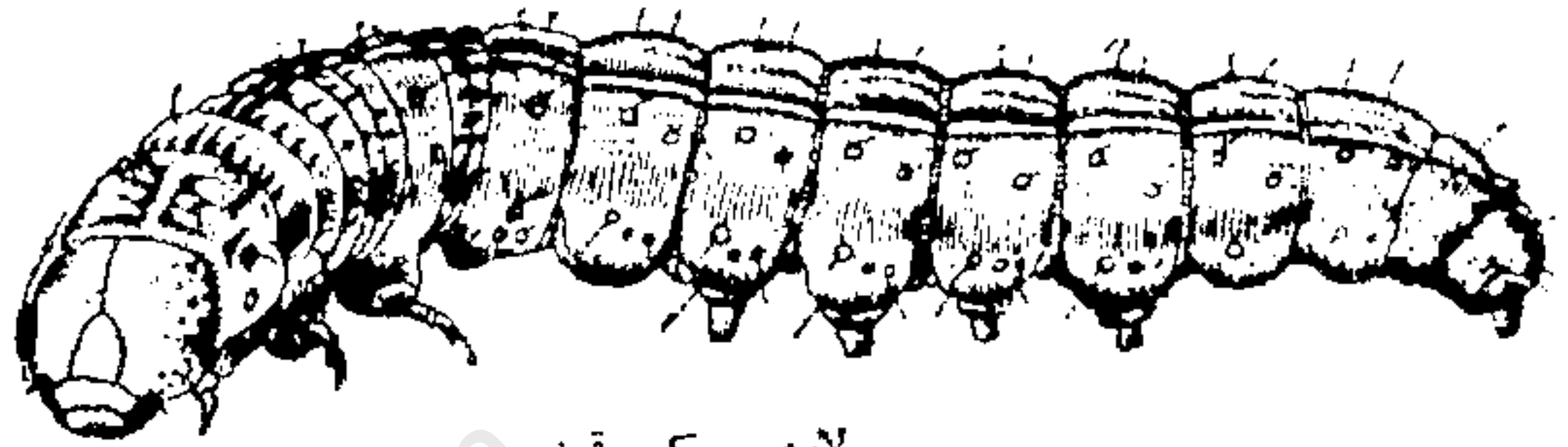
در آردی که از زراعت پنبه سالیانه عاید ایران می شود متجاوز از پنج میلیارد ریال است . نیمی از آن در کارخانه های داخلی به مصرف می رسد و بقیه به خارج صادر می شود . بنا بر این سودی که از این راه وارد کشور می شود سالیانه بیش از ۲۵۰۰ میلیون ریال است . علاوه بر سود از تخم پنبه نیز استفاده زیادی می شود . از کرکهای تخم پنبه سلولز تولید می نمایند . به موازات تولید پنبه کارخانه های چندی از جمله پنبه پاک کنی ، ریسندگی ، بافتنی ، روغن کشی و مایون سازی در ایران دایر است و نتیجه آن نیز به مصرف تغذیه دام و کود می رسد . پس از نفت پنبه زردترین رقم صادراتی کشور را تشکیل می دهد . بی دلیل است که طلای سفیدش نامیده اند . در جدول زیر ارقام مربوط به تولید ، مصرف داخلی و سطح تحت کشت از سال ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶ تا سال ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ آمده است .

سال	تولیدات (به تن)	صادرات (به تن)	مصارف داخلی (به تن)	زمین تحت کشت (به هکتار)
۱۳۳۵-۱۳۳۶	۷۰۰۰۰	۳۸۰۵۱۲	۴۱۲۸۸	۲۵۳۰۰۰
۱۳۳۶-۱۳۳۷	۷۷۰۰۰	۴۴۹۴۵	۳۳۰۵۵	۳۰۰۰۰۰
۱۳۳۷-۱۳۳۸	۸۶۶۰۰	۳۹۰۵۸۰	۵۳۰۲۰	۳۱۰۰۰۰
۱۳۳۸-۱۳۳۹	۸۱۱۴۹	۳۹۶۸۸	۴۱۴۶۱	۳۳۰۰۰۰
۱۳۳۹-۱۳۴۰	۹۹۳۳۸	۵۴۷۷۶	۴۴۵۵۱	۳۳۰۰۰۰
۱۳۴۰-۱۳۴۱	۱۱۵۶۵۳	۵۹۰۰۹	۵۶۶۴۴	۳۴۰۰۰۰
۱۳۴۱-۱۳۴۲	۹۳۶۴۳	۴۵۰۰۰	۴۸۶۴۳	۳۶۰۰۰۰
۱۳۴۲-۱۳۴۳	۱۲۴۶۳۴	۶۳۳۷۴	۶۱۲۶۰	۳۷۰۰۰۰
۱۳۴۳-۱۳۴۴	۱۲۱۳۴۲	۶۸۵۲۸	۵۲۸۱۴	۳۷۰۰۰۰
۱۳۴۴-۱۳۴۵	۱۵۱۹۳۹	۹۶۹۶۱	۵۴۹۷۸	۳۷۰۰۰۰

از مقایسه ساده اماراتی دو رقم ذکر شده ، نتیجه می شود در صورت به کار گرفتن وسایل تکنیکی و رعایت صحیح کلیه اصول علمی کشاورزی تا چه میزان می توان مقدار تولید را بالا برد و در آمد حاصله تا چه حد در اقتصاد مؤثر خواهد افتاد . در صورت منظور داشتن اصول زیر که بطور مختصر خواهد آمد ، امکان تولید دو یا سه برابر میزان فعلی حاصلی است .

تجربه نادر :

بذر خوب ، بیش از سایر عوامل زراعی موجب برداشت محصول کافی می گردد و چنانچه در تهیه بذر احتیاط لازم معمول نگردد ، زحمات زارعین به هدر می رود . بدین که کشت می شود باید تمام خواص لازم برای رویش سریع و سالم را دارا باشد .



لارو - کرم قوزه

بنا بر این اولین خاصیت مهم بذر خاصیت قوه نامیه آن است که قبل از توزیع باید مطالعه شود . بذر هایی که قوه نامیه آن بیش از ۹۰ درصد باشد عالی است و ۸۰ درصد باشد خوب است ولی کمتر از ۷۰ درصد جهت کشت توصیه نمی شود .

بذر هایی که کرکهای آن گرفته شده باشد ، زود تر سبز می شود . قبل از کشت پنبه مخصوصا در منطقه مازندران ، کرگان ، و دشت باید بذر ها را بر علیه امراض قارچی ضد عفونی نمود . موسسه اصلاح بذرونهال در سالیان اخیر بذر هایی که نسبت به امراض مقاوم باشند تهیه نموده و توزیع می نماید .

انتخاب زمین :

به طور کلی پنبه در اکثر زمین های ایران به خوبی به عمل می آید ، زمین های رسی و شنی ، شنی ورسی و بخصوص هوموسی مانند زمین های کرگان ، گنبد ، مازندران و داراب بهترین زمین برای زراعت پنبه می باشد . از نقطه نظر شوری ، پنبه در زمین هایی که شوری زیادی نداشته باشد ، کار کرد نسبتا خوبی دارد .

آماده کردن زمین :

چون پنبه دارای ریشه عمیق می باشد ، زمینی که بدین منظور اختصاص می یابد ، باید نرم و در عین حال بنهم پیوسته و دارای عمق مناسب باشد . بنا بر این شخم عمیق یا بزره همراه با سوسل خاک تحت الارض را با خاک سطح الارض که خاک زنده است مخلوط می نماید و چون بتدریج عمق خاک زراعی بیشتر می شود و خاک مرده در اثر تکثیر میکروارگانیسم به خاک زنده و فعال تبدیل می شود . در ضمن در نقاط کم آب (به خصوص اراضی که به طور دیمی عمل می نمایند) زمین در طول فصل زمستان مقادیر زیادی آب در خود ذخیره می نماید و در تابستان گیاه کمتر از بی آبی لطمه می بیند .

در اواخر زمستان و اوایل بهار پس از اتمام بارندگی و هنگامی که زمین گاو و گاوگردید یک شخم سطحی زده و به وسیله دیسک خاک را نرم می نمایند تا در اولین فرصت

و به محض مناسب شدن شرایط کاشت مبادرت به کشت شود . در ضمن شخم بهاره دالانهایی که سفید کرم قوزه در خواب زمستانی تولید می نماید از بین می برد و بدین وسیله در تقابل آفت نیز مؤثر می افتد . بهترین موقع کاشت پس از رفع سرمای آخر فصل و در بهار در حرارت ۱۲ تا ۱۴ درجه می باشد . هر چه پنبه را زود تر بکارند در فصل ملایم دیام وقت بیشتری برای ادامه رشد حاصلی شود . قبل از شروع آبیاری باید اسباب قنات های مختلف را در حالت نرمه ای در زمین خارج شده و آبی و بیش حسن می شود . زمین ترش ، کمتر از آفتاب دوزان موسمی گرمای شدید صدمه می بیند . چون پنبه را ۲۰-۲۵ روز پس از کشت خاک می بایست و کافی در شرایطی که خطر حمله آفات وجود داشته باشد و وسیله آفات حیوانی رفع آن موجود نباشد ، دوباره ۱۰-۱۵ روز پس از آب آبیاری اول خاک می بایست . به علت فاصله دار بودن بوته های پنبه دلف های هرز در شرایط اخیر رشد می نمایند و حتی گاهی ممکن است بر بوته پنبه هنگام آبیاری زمین آن حالت مرده ، لذا دفع علف های هرز و حسن آن کاملاً ضروری است و چون حداقل مایستی سه بار تکرار شود .

اصلاح و تقویت زمین :

به طور کلی سبزی های ایران از نظر فیزیکی و

سیمبایی متنوع است و احتیاج هر می به اصلاح و تقویت دارد . راه های اصلاح و تقویت زمین عبارتند از : آبی و تناوب ، مصرف کود های حیوانی ، سبز ، شیمیایی .

۱- به طور کلی آبی و تناوب کشت یک محصول در یک قطعه زمین به طور مداوم کار درستی نمود و باعث طغیان آفت ، امراض ، ضعف زمین و سایر عوامل نامساعد می گردد . در کرگان و دشت به علت سود سرشاری که از راه کشت پنبه عاید کشتکاران می شود بی در پی اقدام به کشت چندین ساله این محصول می نمایند و نادانسته به طور احتیاطی از حاصل خیزی زمین کاسته موجب بروز امراض فراوان گیاهی و فرسودگی خاک می گردند و لذا تقابل ارقام برداشت شده در هر سال چشمگیر است . در حوزه کرگان مزارعی دیدمی شود که بیش از ۱۵ سال پنبه در آن کشت شده و حداقل ضرر ، آلودگی ۸۰ درصد بوته ها به امراض قارچی می باشد .

۲- کود حیوانی - چنانچه کود حیوانی در دسترس و استفاده از آن مقدور باشد نه تنها فقر زمین را جبران می نماید بلکه خواص فیزیکی آن را نیز اصلاح می نماید . در نتیجه ذخیره آب در زمین بهتر انجام شده و ریشه ها بهتر رشد نموده و بالاخره محصول بیشتری عاید زارعین می گردد .

۳- کود سبز - کود سبز را می توان در تناوب غله و پنبه داخل زمین نمود و پس از برداشت غله به کشت آن اقدام کرد . معمولاً از شبلیله ، شیدر ، یونجه استفاده می نمایند که در عین حال زمین را از نظر مواد آلی تقویت می نماید .

۴- کود شیمیایی : چنانچه کود های شیمیایی با روش صحیح و پس از انجام آزمایش های خاک شناسی به زمین داده شود ارزاترین و عملی ترین راه تقویت زمین و ازدیاد محصول است .

ازت : تقریباً در تمام نقاط ایران کمبود ازت در مزارع مشاهده می شود و به طور خلاصه علائم آن ضعف و کمی رشد بوته ها و تمایل رنگ برگ ها به زردی و سرانجام ریزش قبل از وقت برگ ها می باشد . کودازته را مخصوصاً در مزارعی که آبیاری می شود باید به تدریج به زمین داد . زیرا در اثر

آبیاری کرم در آب بسته شده و به اعماق که ریشه بدان دسترسی ندارد، می رود.

فستق: در زمین هایی که کمبود فسفر به چشم می خورد ریشه های جوان با کندی تمام است. رسیدن بذر ها و الیاف ریشه به تنوی و به طور کامل انجام نمی گیرد و محصول نیز در بررس نخواهد بود. عموماً کودهای فسفر مراباد در اواخر بهمن ماه یا اوایل اسفند به زمین داد که به موقع تجزیه شده و تمام استفاده کامل از آن گردد.

بناس: کبکود بناس باعث ایجاد لکه های زرد رنگ و سپس قهوه ای سوخته ای در سطح برگ می گردد.

آن سوختگی در حاشیه برگ ها شش دارد و در انجمام تمام برگ را می پوشاند و در موارد شدیداً برگ ها ریخته و در نتیجه نوزاد ها قبل از موقع طبیعی در حالی که هنوز مارس حساس به سرما خواهد شد، باید توجه داشت که کرم بناس را باید فقط پس از انجام ازمایش و قلعی بودن کبکود این عنصر به زمین داد. چنانچه حال طریقی اکثر خاک های ایران از لحاظ بناس غنی است.

آفات پنبه:

در جنوب کرم خاردار، عسلک، کرم قوزه، کرم پرومیدینه می شود که هر ساله خسارت شدیدی به مزارع می وارد می یابد و باید به طور پی گیری و مداوم و به موقع در دفع آن ها کوشید.

در شمال کشور (مارندران، گرگان، دشت) کرم قوزه، کرم خاردار، کرم کارادرینا، کرم سرشاخه خوار، کرم پشته آفات مهم می باشد.

کرم قوزه: آلودگی به وسیله کرم قوزه از اوایل خرداد شروع می شود و فعالیت نسل دوم آفت که همراه با سمات لارو کارلوریامی باشد تا اوایل تیر ماه شدت می یابد. پس از آن تا اواسط بهار شدت آلودگی کاسته می گردد. مجدداً در اواخر تیر و اوایل مرداد فعالیت نسل بعد آغاز شده و شدت پیدا می کند و حداکثر آلودگی در اواخر خرداد ماه خواهد بود که شدت آلودگی به ۹۵ درصد می رسد و پس از آن قوس فرولی طی می کند و تا اواخر مهر میزان آن به حدی می رسد که قابل توجه نمی باشد. در صورت آگاهی از سیر زندگی پروانه و اقدام به موقع در دفع آن، خطر چندانى



قوزه آسیب دهنده و کرم قوزه روی آن

آفات پنبه و کرم قوزه

در بر ندارد. پروانه عموماً در روی پرشهای انتهایی گله جوان و شاداب نیز باشد بموازات ر گیر گهای گله تخم گذاری نموده و بسته به درجه حرارت از چهار تا ۷ روز تخم ها شروع به تفريق می نمایند. با تعیین نسبت در صد آلودگی به نسبت موقع سم پاشی هنگام تفريق است. چید لارو کوچک بوده و نسبت به سم نیز خیلی حساس می باشد.

کرم خار دار: در تابستان سال ۱۳۵۵ طغیان کرم خاردار در شمال، خصوصاً در آلودگی و گرگان دیده شد. و خسارت حاصله همان طور که رفت ۱۱۰۰۰۰ تن محصول و مبلغ آن بیشتر از ۲۰۰۰ میلیون ریال بود. که با مبارزه زمستانی که در همان سال و سال بعد با از بین بردن بوته های پنبه انجام گردید از شدت آن به طور معتدلی کاسته شد و امسال تنها در اواخر فصل یعنی شهریور ماه و اوایل مهر در اطراف کسب و در آن دیده شد. مبارزه با کرم خاردار باید بطوری که سریع تعقیب شود چه در غیر این صورت خسارت ناشی از آن غیر قابل پیش بینی است.

کرم کارادرینا و سرشاخه خوار در صورت مبارزه با کرم قوزه خطر چندانى در بر ندارد.

کنه وشته، تنها در صورت به کار بردن سموم تماسی و کوارشی جهت دفع کرم قوزه و خار دار و کارادرینا، کنه وشته طغیان می نماید و اکثر زارعان بعثت مصرف جنوی در پور و عدم اطلاع در بکار بردن سم جذبی با «پستاتساک» که جهت دفع مکیده ها (کنه وشته) خود سبب طغیان کنه وشته می شد که سرر زیادی در برداشت محصول وارد می نماید. عاریط طغیان این دو آفت در طرفین جادهایی که از بندر گر به گرگان و «خان به بین» به شاه پسند متصل می گرد مشاهده می شود و خسارت ناشی از آن حنان که رفت زیاد است و در صورت به کار بردن سم جذبی با سموم تماسی و کوارشی همچگونه خطر طغیان نمی رود.

امراض پنبه:

در شمال کمتر مزرعه ای را خواهد یافت (بخصوص مزارعی که در آن آبیاری می شود و تناوب زراعی رعایت نمی گردد) که «به بوته میری» مبتلا نباشد. شامل آن فارجهای قذازایم - ورنی سیلیسیوم و ریزوکتینامی باشد. امراض باکتریایی نیز در شمال دیده می شود. در جنوب کمتر امراض قارچی دیده می شود. چنان که در بالا نیز ذکر گردید انجام تناوب زراعی و تهیه بذر مقاوم در تقلیل این بیماری بسیار مؤثر است.

منا بر این انتخاب بذر خدب و مقاوم نسبت به امراض، و انتخاب زمین مناسب، آماده نمودن آن به طور صحیح و کاشت به موقع و آبیاری به اندازه لازم - در مناطقی که آبیاری می شود - و انجام دادن و چین و رعایت تناوب تعریت زمین به وسیله کف های حیوانی و ششایی و نیز دفع به موقع آفات - البته با رعایت کلیه اصول بهداشتی و برداشت به موقع و صحیح می تواند در آمد زارعان را به مقدار بسیار زیادی بالا برد و به اقتصاد کشور نیز کمک قابل توجهی نماید.

در امر سم پاشی و مبارزه با آفات لازم است دقت کافی به عمل آید. زیرا بدفعات دیده شده که به علت عدم آشنایی کشاورزان و کارگران کشاورزی با ابتدایی ترین وسایل استفاده ای و تکنیکی آماده کردن سموم خطرات زیادی را بر آنان ایجاد شده است. بدین معنی که این اشخاص دچار مسوومیت های حاد و مزمن گردیده و گاهی نیز حنان خود را از دست داده اند. در این مورد به نظر می رسد که باید اشخاص آموزش دیده به عمل آورد. تا از پس آمدن اینگونه خطرات برای کشاورزان و کارگران کشاورزی جلوگیری به عمل آید.

زبان برگها

از : غلامرضا صاحب قلم

سعدی شاعر و سخنور بزرگ ایرانی هفتصد سال پیش گفته است :

برك درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفترست معرفت كردگار

حيوانات يا علف خوارند يا گوشت خوار و باز حيواناتي كه از گوشت آن ها تغذيه مي شود علف خوارند. و اغلب علف خواران از برگ گياهان تغذيه مي نمايند. و برگ است كه كليه مواد غذايي را كه مي گندود در اختيار ساير قسمت هاي گياه مانند ساقه و ميوه و دانه قرار مي دهد. و تقريباً قسمت اعظم فعل و انفعالات فيزيكي و شيميايي را برگ انجام مي دهد. گياهان سه عنصر اصلي : اكسيژن - هيدروژن - و كاربن را از هوا جذب مي نمايند. و هميشه بدليل وافر در اختيار دارند و بنا بر اين مورد بحث ما نيست ولي شش عنصر اصلي : آزوت ، پتاس ، فسفر ، آهن ، منگنز و كوكرد را بوسيله ريشه از خاک جذب مي نمايند.

علاوه بر عناصر فوق كه عناصر اصلي مي باشند عناصر فرعي ديگري نيز مورد احتياج گياهان مي باشد كه در درجه اهميت قرار دارند و عبارتند از بور ، آهن ، منگنز ، موبدين ، مس و روي

عناصر دسته دوم را در واقع مي توان ويitamin هاي گياهان ناميد كه به مقدار خيلي جزئي مورد احتياج گياهان مي باشند و زيادي آنها در خاک باعث مسموميت گياهان مي گردد.

كمبود و زيادي هريك از عناصر فوق باعث بروز علائم و آثاري در قسمت هاي مختلف گياهان مخصوصاً در برگها مي گردند و با شناختن آن علائم مي توان در صدد رفع كمبود برآمد و عنصر لازم را بخاك رسانيد.

اگر خاكي را صد درجه حرارت بدهيم و بعد مورد كشت و آرمایش قرار دهيم زندگي گياهان در چنين خاكي امكان پذير نيست. پس خاک يك محيط مرده نيست و داراي انواع بشماري موجودات ذره بيني است بنام ميكرواورگانيم (۱). در يك گرم خاک از ۲۲ تا ۲۵ ميليون باكتري موجود است و از يك تا دو ميليون پروتوزوئتر. (۲) و از نيم تا يك ميليون آهك (۳) موجودات فوق در تجزيه مواد و بقايای گياهان و حيوانات در خاک موثر مي باشند. و آزوت آلي موجود در بافت هاي گياهان و حيوانات به آزوت آمونياكي و نيتريك قابل جذب تبديل مي نمايند.

اكسيژن - نيدروژن - كرين - ماده سبز رنگ برگها (۴) كاربن موجود در گاز كربنيك هوا را بوسيله حرارت و نور آفتاب تجزيه و جذب مي نمايد. بالا فاصله گلوسيدها و مواد قندي و نشاسته تشكيل مي گردد. و بنا بر اين برگها در تاريخي ماييل به زردی و بالاخره به سفیدی شده و به ازبين رفتن گياه منجر مي شود.

آزوت - فقط تعداد كمي از گياهان مي توانند از آزوت استفاده كنند و آزوت را در غده يي از ريشه جمع آوري و ذخيره نمايند. خانواده يونجه از اين نوع گياهان هستند. و به همين دليل است كه زراعت در زميني كه قبلاً يونجه كاشته شده است پرحاصل مي گردد و روي اين اصل است كه بين كشاورزان رايج است كه مي گویند :

«يونه زمين را پر قوت مي نمايد.»

در بقيه نباتات آزوت جذب شده از خاک توليد مواد آلومينوئیدی مي نمايد كه در ازدياد محصول تاثير عمده دارد. و ماده سبز رنگ گياه نيز يك ماده آزوته است و همين مواد است كه در حيوانات توليد آلومين حيواني (گوشت)



كمبود فسفر و بيماري غويالی

كمبود آزوت در سوي

می نماید. و در مراتبی که حیوانات از غلفهای کم قوت تغذیه نمایند با وجود کثرت علوفه کم گوشت و لاغر می مانند. در بالا ذکر شد که گیاهان فامیل یونجه ذخیره زیادی از مواد آذوتی دارند و روی همین اصل است دامهایی که از یونجه تغذیه می نمایند چاق و پر گوشت می باشند.

گیاهان در مقابل کمبود آذوت خاک حساسیت آنی و شدید دارند. در مواقع کمبود آذوت برگها زرد رنگ می باشد و ساقه ها باریک و کوتاه و بی دوام و شکننده است. و مواقعی که آذوت خاک زیاد باشد قسمت های وسطی برگ برگها برآمدگی پیدا می کنند و هم چنین زیادی آذوت باعث خشکیدن گیاه می گردد. بقایای حیوانات و گیاهان دارای آذوت آلی می باشد که بوسیله موجودات ذره بینی تجزیه و قابل جذب می گردد. آذت معدنی نیز بصورت نیترات و پسا آمونیاکی است که آذت نیتراتی سرعت قابل جذب است و آذوت آمونیاکی به تدریج جذب می شود.

برای جبران کمبود آذوت خاک اوره و یا نیترات دو آمونیم بخاک می دهند. که جذب نیترات دو آمونیم خیلی سریع است و بعد از دوسه روز زردی و ضعف برگها برطرف می شود.

فسفر - آسید فسفریک برعکس آسید کلریدریک و آسید اوریک و آسید اوگزالیك بحالت آزاد در بافت های گیاهان موجود نمی باشد. آسید فسفریک همیشه با يك باز مخلوط است.

در نسوج مختلف گیاهان مخصوصا در دانه و مغز و در استخوان بندی حیوانات فسفر موجود می باشد. و در هسته سلول های نباتی همیشه فسفر و آذوت موجود می باشد. (۳) چنانچه خاکی از لحاظ فسفر فقیر باشد حیواناتی که از علوفه چنین زمین تغذیه نمایند دارای استخوان بندی ضعیف

خواهند بود. فسفر باعث تقویت ریشه ها و گل دادن و جوانه بستن گیاهان است. و هم چنین وجود فسفر باعث زودرسی میوه ها نیز می گردد. و در مورد کمبود فسفر برگ حالت رنگ سبز تیره پیدا می کند.

آسید فسفریک در خاک بحالت فسفات تری کالسیك و فسفات دو مانیزیم و فسفات دو آمونیم و فسفات دو فرمی باشد. ممکن است فسفات بشکل:

۱- فسفات تری کالسیك

۲- فسفات بی کالسیك

۳- فسفات مونو کالسیك

باشد.

آرد استخوان خیلی غنی از مواد فسفوری است و لسی جذب آن به کندی صورت می گیرد.

بهرتر است برای اخذ نتیجه بهتر به خاک، سودسوپر فسفات تریپل یا فسفات آمونیوم بدهند.

پتاس - پتاس باعث تقویت ریشه و ازدیاد مواد قندی و نشاسته ایست و عمل جذب ماده نرینه گیاه را تسهیل می نماید و مخصوصا در چغندر قند باعث ازدیاد مواد قندی و در سبب زمینی باعث زیادی و درشتی محصول می گردد. و هم چنین باعث مقاومت گیاه در مقابل امراض و حوادث حوی است.

کمبود آن در سبب زمینی باعث می شود که حاشیه برگ ها رنگ قهوه مایل به زردی پیدا نماید. و در بعضی گیاهان میان برگها لکه های قهوه ای پیدا می شود.

کودهای پتاس شیمیائی عبارتند از کلور دوپتاس. نیترات دوپتاس، سولفات دوپتاس. و مرغوبیت کودهای پتاس به کمی و زیادی اوکسیدانیدر پتاس بستگی دارد. آهن - در تولید ماده سبزینگی گیاه تاثیر مهمی دارد



کمبود منیزیم در مرحله اول



کمبود منیزیم در مرحله دوم



کمبود منگنز در زرد آلو

و روی همین اصل است درموارد کمبود آهن برگ های انتهایی شاخه ها اول شروع به زردی و بعد رنگ پریده و سفیدی می گردند و اگر کمبود آهن در خاک شدید باشد گاهی مخصوصاً در درخت کلابی لکه های قهوه ای نیز در حاشیه برگ ها تولید می شود.

در خاک های ایران که آهک زیاد دارد، جذب آهن گاهی به اشکال صورت می گیرد.

برای کمبود آهن امروزه سکا سترن

به پای درختان می دهند و بعد از ۱۵، ۲۰ روز علائم کمبود آهن برطرف می شود.

بور - در کمبود بور شکل میوه (سیب و کلابی) تغییر پیدا می کند و گاهی لکه های چوب پنبه در سطح میوه تولید می شود.

مانگانز - در تشکیل ماده سبزینه گیاه تاثیر دارد و کمبود آن باعث تولید لکه های قرمز یا خاکستری روی برگ ها می شود.

آهک - چون ارامی ایران از لحاظ آهک خیلی غنی است کمبود آهک در ایران مطرح نیست. در مورد کمبود آهک برگ بعضی از درختان بریدگی هایی در کناره های برگ تولید می نمایند.

برای کمبود مواد و عناصر فرعی گیاهان امروزه کودهایی وارد بازار شده است که با آب مخلوط نموده و با سمپاش روی برگ درختان می پاشند.

P.H. خاک - امروزه خیلی از P.H. خاک صحبت می شود. P.H. یعنی خاک خنثی است و اگر P.H. خاک کمتر از ۷ باشد نشان دهنده آسیدی بودن خاک است. (بسیار تعداد زیادی از یون های نیدروژن در حال جذب و بیشتر از ۷ نشان دهنده قلیایی بودن خاک است. قابلیت جذب مواد شیمیایی و فعالیت باکتریها در خاک هایی که P.H. بین ۶-۷

باشد، بسیار آسان و مناسب است.

لزوج کود دادن به زمین: اگر از يك قطعه زمین يك تن گندم برداشت کنیم.

۲۳ كيلو آزوت

۱۳ كيلو فسفر

۱۳ كيلو پتاس برداشت کرده ایم.

سیبی که از درخت می چینیم دارای مواد معدنی و ویتامین ها می باشد. و اگر در عوض به زمین کود ندهیم رفته رفته کم قوت شده و در نتیجه درختان باروری خود را از دست می دهند.

کودهای طبیعی - بطوری که می دانیم مقدار عناصر در کره زمین ثابت است و کم و زیاد نمی شود و از زمین به نبات و از نبات به حیوان و از حیوان به زمین در گردش است. بنابراین اصل بقایای حیوانات می توانند کمبود مواد غذایی زمین را جبران نمایند.

پهن یکی از بهترین کودهای طبیعی است که دارای:

۳۴ - ۴۵ در هزار آزوت

۱۳ - ۲۵ در هزار آسید فسفریک

۳۵ - ۵ در هزار پتاس می باشد.

بعلاوه پهن در بهبود وضع فیزیکی خاک نیز مؤثر است و باعث نرمی و پوکی آن می گردد.

هوموس (۱) از بقایای پوسیده حیوانات و گیاهان تشکیل می شود. باعث نرمی و قابل نفوذ بودن خاک می باشد و در خاک های فاقد هوموس عمل تنفس ریشه به سختی انجام می گیرد.

پهن و هوموس در خاک محیط مناسبی برای رشد و نمو موجودات میکرواورگانیزم (۲) بوجود می آورد.

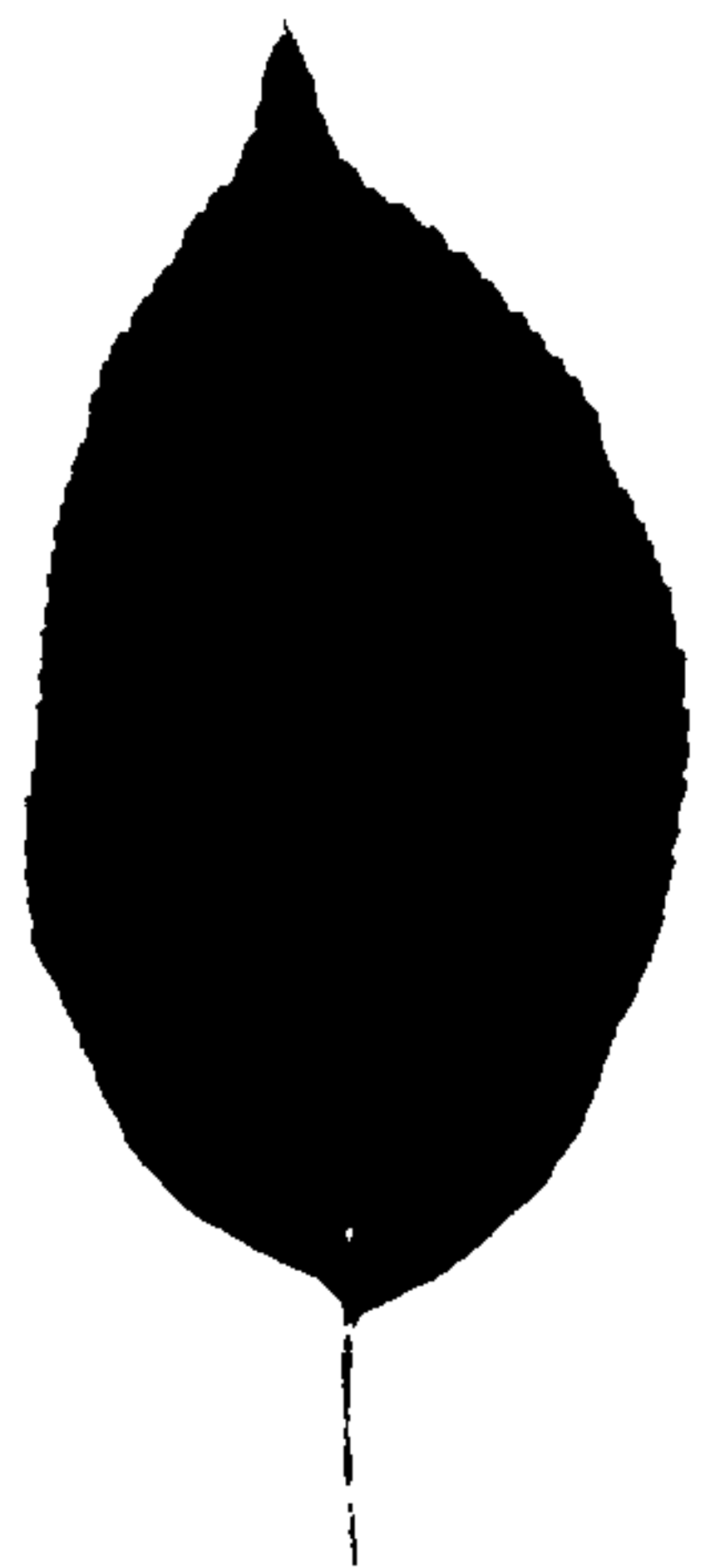
موقع کود دادن - کود را به دو صورت اصلی و سرک می توان داد. کود اصلی را قبل از کاشت و در حین تهیه زمین



کمبود آهن در برگ درخت به (مرحله دوم)



کمبود آهن در برگ درخت گیلاس (مرحله اول)



کمبود پتاس در برگ درخت سیب

به خاک می‌دهند. و در مورد درختان بهتر است در اسفندماه قبل از باز شدن جوانه‌ها بدهند. ولی کود سرك را در حين نمو گیاهان برای تسريع در رشد و باروری می‌دهند. معمولاً کود آزوتی را بحالت سرك و کودهای پتاس و فسفوری را به حالت اصلی بزمین می‌دهند.

تعیین مقدار کود مناسب برای هر يك از نباتات بحت طولانی است. مثلاً برای گندم و جو یا بیه در زمین‌های متفاوت از ۴۰ کیلو تا ۹۰ کیلو در هکتار متغیر است.

در مورد درختان باید کود را در حاشیه سایه‌انداز درخت شكل دایره به عمق ۲۰، ۲۵ سانتی‌متر در عمق خاک نمایند. و برای خاک باغچه‌ها برای ۱۰۰ متر مربع زمین ۷۰۰ کیلو کود شیمیایی کافی است.

و برای گلستان‌های گل برای هر کیلو وزن خاک گلستان دو گرام کود شیمیایی مخلوط منظور نمایند. و برای کود سرك ۷۰۰، ۶۰۰ گرام کود شیمیایی را با بیست لیتر آب مخلوط نموده و هر ۱۵ روز يك مرتبه پای گلستان بدهند.

برای گل‌های بوته‌مانند روز ۸۰، ۵۰ گرام کود شیمیایی مخلوط را در سایه انداز پای بوته بدهند و این عمل قبل از شروع فعالیت بهاره انجام گیرد بهتر است (اوایل اسفندماه).

شناسایی کودهای شیمیایی - معمولاً کودهای شیمیایی

اصلی از سه عنصر: آزوت، فسفر و پتاس تشکیل شده است مثلاً وقتی می‌گویند: ۱۴، ۱۴، ۱۴، یعنی

بطور مساوی ۱۴ درصد آزوت، ۱۴ درصد فسفر و ۱۴ درصد

پتاس دارد. وقتی می‌گویند ۲۰-۲۰-۲۰، یعنی ۲۰ درصد

آزوت و ۲۰ درصد فسفر دارد ولی فاقد پتاس می‌باشد.

گیاه که يك موجود زنده است مواد شیمیایی را به

تدریج جذب می‌نماید و باید به تدریج در اختیارش

قرار گیرد و اگر قدری بی‌احتیاطی شود و بیشتر از مقدار

لازم بدهند برای گیاه مضر است. و به اصطلاح می‌سوزانند.

و همیشه در مورد مصرف کود شیمیایی احتیاط را باید رعایت

نمایند که کود به مقدار کم و در دفعات متعدد در اختیار گیاه

قرار گیرد.



کمیود پتاس در فیکوس



کمیود آهن در درخت گلانی (مرحله سوم)

((سحاب)) مردی که با ۲۷ ریال شروع بکار کرد



- در خارج از ایران کار ما را می‌شناسند و بر آن صحنه می‌گذارند
- یا وجود امکانات و کارمند صمیمی می‌توانیم آنچه را که نداریم و از خریدنش عاجزیم خودمان برای خود بسازیم .
- «اطلس ایران» تنها کاری است که می‌تواند ارزش واقعی این نوع فعالیت ها را نشان دهد .
- در هر مرحله از زندگی دشواریهایی وجود دارد که انسان را از پرداختن به خواست های حقیقی اش باز می‌دارد ولی به هر حال فرصتی برای تفکر درباره آنها و رسیدن به آن پیش خواهد آمد . فقط نباید ناامید شد.
- گرچه در هر کدام از مراحل ، دشواری های فراوانی وجود داشت با این وصف هیچگاه در ورطه تردید انجام شدن یا نشدن کار نیفتادیم.
- تاکنون قریب پانصد نقشه و نشریه تهیه کرده ایم و تعداد نسخ نشریات ما از چهل و پنج میلیون متجاوز است .
- مشکلات مالی هنوز دست و پاگیر موسسات غیر انتفاعی است .
- به علم جغرافیائی و بطور کلی به مباحث جغرافیائی در ایران با این که یکی از اصولی ترین ارکان علمی و تاریخی است ، توجه نشده است و حتی به اندازه علم نجوم هم مورد تحقیق قرار نگرفته است .
- تنها تقاضائی که داریم این است که ترتیبی داده شود تا بتوانیم این کتاب عظیم را چاپ و منتشر کنیم و دیگر هیچ .

نیازهای اجتماعی همیشه به وجود آورنده یک رشته امکانات و مسایل تازه اجتماعی هستند. این گونه نیازها و به دنبال آن ، آن دسته امکانات تازه، در یک آن زاده نمی‌شوند بلکه نیازمند گذران یک دوره تاریخی‌اند.

مسایل مربوط به جغرافیا در ایران شاید تا آن حد که لازم بود، مورد توجه قرار نگرفته است و به همین جهت تعجب‌آور نیست که منابع خارجی مربوط به مسایل جغرافیای ایران قوی‌تر و جامع‌تر از منابع داخلی باشد. نیاز در این مرحله به وجود می‌آید، مرحله بعد جدی گرفتن این موضوع و دنبال کردن آن است. برای آشنا شدن با این نیاز و نیز شناخت امکانات به وجود آمده گفتگویی با مهندس «عباس سحاب» بانی موسسه جغرافیائی و کارتوگرافی ترتیب داده ایم.

تلاش - تاریخ تهیه این نقشه چه وقت بود ؟
 سحاب - در حدود ۳۰ سال پیش . بعد از این
 که این نقشه آماده شد تازه متوجه شدم که مشکلات
 و دشواریهای این مسیر چه اندازه است و اینجا نیز

سحاب - روز اولی که این مؤسسه تشکیل شد بیش از یکی دو نفر نبودیم ولی اینک در حدود ۲۲ نفر در این مؤسسه مشغول کار هستند . يك نکته قابل ذکر است و آن این که آنچه کار را در این مؤسسه پیش می‌برد ، يك نوع ایمان و علاقه ضمنی است و حتی بیشتر ، يك نوع الفت فامیلی است . در مورد وسایل وامكانات تکنیکی باید بگویم که گرچه مؤسسه کارهایش را در سطح متری ترین مؤسسات جغرافیایی دنیا انجام می‌دهد اما از امکانات تکنیکی آنان بهره‌مند نیست. نکته جالب این جاست که ما يك وسیله لازم نقشه‌کشی که قیمت آن در حدودنود تا صد هزار تومان می‌شد در این مؤسسه و به کمک افراد همین سازمان درست کرده‌ایم که قیمت آن در حدود چهار هزار تومان تمام شد. ابزار کار ما را ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین وسایل تشکیل می‌دهد و استطاعت گسترش این امکانات را در حال حاضر نداریم. من فکر می‌کنم با این امکانات و کارمندان صمیمی ما آنچه را که نداشته باشیم و نتوانیم بخریم می

عراق، عربستان سعودی، ترکیه، کویت، اندونزی، قبرس بامتن های فارسی، انگلیسی، عربی، فرانسه، مالایایی. تهیه نقشه جامع و مفصل خاورمیانه و همچنین تجدید نظر در چاپ و تعویض تدریجی آنها به مقیاس ۱:۱۰۰,۰۰۰.

۵- تهیه نقشه به مقیاس بزرگ از شهرهای

تهران ، اصفهان ، شیراز و نقاط دیگر.

۶- فراهم آوردن مقدمات چاپ اطلس ناحیه‌یی از یکایک کشورهای خاورمیانه به‌سه متن فارسی، انگلیسی و زبان کشور مورد نظر.

۷- نقشه‌های علمی و آموزشی و تاریخی از کشور ایران (نقشه‌های تاریخی از زمان داریوش کبیر تا سلسله پهلوی در متجاوز از سی‌نوع مختلف، نقشه‌های علمی درباره زمین‌شناسی، خاکشناسی، زلزله، رستینها، رودخانه‌ها، جغرافیای ارضی، شکار، کشاورزی، دامپروری، صنایع، کارخانه‌ها، مردم‌شناسی، ایلات و طوایف، زبان و لهجه‌ها، آثار تاریخی، باستان‌شناسی، خطوط ارتباطی و راه‌ها و مطالب دیگر.

۸- نقشه مفصل ایران به مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰ و اندازه ۱۸۰×۱۸۰ سانتیمتر در شش قطعه ۶۰×۹۰ سانتیمتری با متجاوز از پانزده هزار اسم.

۹- تهیه‌سری نقشه‌های آموزشی بقطع ۶۰×۹۰ سانتیمتری و تجدید نظر کلی در چاپ آنها در پنج قاره و ایران در هشت نوع مختلف.

۱۰- تهیه و چاپ نقشه‌های رستنی‌ها و استفاده از زمین از یکایک قاره‌ها بسو متن فارسی و انگلیسی.

۱۱- تهیه و چاپ نقشه‌های اقتصادی (از یکایک قاره‌ها).

۱۲- تهیه نقشه زمین‌شناسی و تکنیک از چهار قاره آسیا، اروپا، آفریقا، آمریکای شمالی.

۱۳- تهیه نقشه‌های استانی و شهرستانی در ۲۶ نوع مختلف بطور کامل و مفصل.

۱۴- چاپ و انتشار نقشه آموزشی جهان‌نما به اندازه بزرگ ۲۶۰×۱۴۵ سانتیمتری به متن فارسی و فراهم آوردن مقدمات چاپ نقشه‌های آموزشی بقطع بزرگ.

۱۵- تهیه اطلس جهان و افغانستان برای نونهالان کشور برادر و همجوار ما افغانستان.

۱۶- برگزاری چهار نمایشگاه بزرگ جغرافیایی در تهران، اصفهان، آبادان و نمایشگاه بین‌المللی جغرافیا در دانشگاه تهران با شرکت بزرگترین سازمان‌های جغرافیایی گیتی.

۱۷- برگزاری نمایشگاه اسناد تاریخی و جغرافیایی خلیج فارس و ارائه بیش از یک‌هزار سند تاریخی، جغرافیایی از دویست سال قبل از میلاد مسیح تاکنون به اکثریت قریب به اتفاق زبان‌های دنیا و اثبات این که نام پرافتخار خلیج فارس از ابتدای تاریخ تا دنیا باقی است به آب‌های جنوب کشور عزیز ما اختصاص داشته و خواهد داشت.

۱۸- تشکیل کتابخانه عظیم و جمع‌آوری بیش از دوازده هزار جلد کتاب، مجله، اطلس راهنما و نشریات جغرافیایی دیگر از سراسر گیتی.

تلاش - برنامه کارتان برای آینده چیست؟ و چه می‌خواهید بکنید؟

سحاب - برنامه آینده ما تکمیل یک سری نقشه‌های «توریستی» است که این نقشه‌ها ضمناً کمک مؤثری برای چاپ «اطلس بزرگ ایران» نیز

به حساب می‌آید. اینک از این سری ده استان تهیه گردیده است و بقیه استان‌ها نیز باید تهیه و تکمیل شود. هدف دورتر و بالاتر ما چاپ «اطلس ایران» است. و من به شخصه فکر می‌کنم که بعد از چاپ و نشر این کتاب است که ارزش واقعی کارما تجلی کند. برنامه دیگر ما تجدید نظر کلی در نقشه‌هایی است که قبلاً تهیه گردیده، چرا که این نقشه‌ها عموماً برای آموزش چندان مناسب نیستند و به اصطلاح جنبه آموزشی آن ضعیف‌تر از سایر جنبه‌هاست. غرض از این تجدید نظر این است که این نقشه‌ها ضمناً بابرنامه‌های آموزشی هماهنگ گردد و قابل استفاده حتی در سطح دانشگاهی باشد. دیگر از برنامه‌های ما تهیه اطلس برای کشورهای هم‌جوار است. البته یک مرحله از این کار یعنی تهیه یک اطلس برای کشور افغانستان بنابه سفارش دولت افغانستان انجام گردیده و طبعاً این کار ادامه خواهد یافت تا جایی که بتوانیم

ناامید شد. اما من در مورد خودم باید بگویم که در هر مرحله از زندگی‌ام، آرزوی من این بوده است که «اطلس بزرگ ایران» را بتوانم در زمان حیاتم چاپ و نشر کنم. این کتاب با مشخصاتی که خواهم گفت اگر چاپ شود، من به شخصه دیگر آرزویی ندارم.

تلاش - این اطلس چگونه است، شامل چه بخش‌هایی است؟

سحاب - بگذارید قبلاً مقدمه‌یی برایتان بگویم و بعد راجع به این اطلس صحبت کنیم. می‌دانید به علم جغرافی و به طور کلی به مباحث جغرافی در ایران با آن که یکی از اصولی‌ترین ارکان علمی و تاریخی است، توجه نشده است و حتی به اندازه علم نجوم هم مورد تحقیق قرار نگرفته است. در صورتی که باید پذیرفت که «جغرافی» اگر هم‌پای نجوم نباشد از آن کمتر هم نیست. به جهت همین عدم توجه به جغرافی، طبعاً ماخذ



یک اطلس کامل از تمام خاورمیانه تهیه و نشر کنیم.

تلاش - از نقشه‌های «توریستی» گفتید، این سؤال بدهم رسید که کار شما در امر «توریسم» در ایران چه اندازه مؤثر بوده است؟

سحاب - می‌دانید که یک «توریست» بیش از هر چیز یک راهنما لازم دارد و کار ما نیز از آغاز براساس راهنمایی «توریست»‌ها بوده است. می‌توانید حدس بزنید که تهیه نقشه‌های توریستی تاچه حد در امر توریسم در ایران مؤثر بوده است. یک قسمت دیگر از برنامه‌های ما این است که کوشش کنیم تا شاید بتوانیم کره‌های جغرافی درجه اولی تهیه و در ایران چاپ کنیم.

تلاش - چه آرزویی دارید؟

سحاب - راستش در هر مرحله از کار و زندگی دشواری‌هایی وجود دارند و همین‌ها هستند که آدم را از تفکر درباره خواست‌های حقیقی‌ش باز می‌دارد. ولی به‌هر حال فرصتی برای تفکر درباره آن‌ها و رسیدن به آنها پیش خواهد آمد فقط نباید

و اطلاعات جغرافیای ملی و بومی‌ما نیز بسیار کم و ضعیف است. این ضعف اطلاعاتی حتی برای ایران شناسان نیز محظوراتی پیش می‌آورد. شاید از همین رو بود که این فکر رفته رفته در من قوت گرفت که تهیه یک اطلس کامل ایران بی‌شک یکی از ضروری‌ترین برنامه‌های فرهنگی است. یک مساله دیگر این که اغلب کشور‌های دنیا اعم از متمدنی، در حال رشد و رشد نیافته و غیره برای شناسایی و ایجاد شناخت نسبی برای کشورشان دست به تهیه اطلس‌هایی زده‌اند و برای من به عنوان یک ایرانی که در این کار دستی دارد کشنده بود که ایران با آنهمه سوابق درخشان تاریخی و فرهنگ باستانی از داشتن چنین ماخذی محروم باشد.

این اندیشه در من آن قدر بالا گرفت که ما در کنار سایر کارهای جاری موسسه و هم‌پای دیگر برنامه‌هایمان دست به تهیه و تکمیل این اطلس زدیم.

از مشخصات این اطلس این که : اطلس در پنج جلد بزرگ است. جلد اول مربوط است به جغرافیای تاریخی ایران در سه قسمت شامل نقشه های تاریخی ایران از هزاره دهم قبل از میلاد تا امروز، شامل مراحل مختلف تحولات ایران، تغییرات مرز و بوم آثار باقی مانده از دوران های مختلف تاریخی در ایران با عکس ها و اسلایدها و توضیحات کافی درباره ارزشهای تاریخی و وضعیت تاریخی این باقی مانده ها و نیز شامل جغرافیای حکومتی ایران، اطلاعات جغرافیای ایران در زمان حکومت سلسله های مختلف، شجره نامه ها و اطلاعات تاریخی مربوط به هر کدام از سلسله ها و پادشاهان به تفصیل تا امروز.

جلد دوم مربوط به نقشه های تاریخی و آثار و اسنادی است که از مآخذ خارجی تهیه گردیده است قسمت سوم اطلاعات کلی باستانشناسی ایران است که به تاریخ عمومی بستگی دارد و با کمک «پرفسور واندنبرگ» تهیه گردیده است. گو این که ما از اطلاعات تمام ایرانشناسان بهره گرفته ایم مع الوصف ایشان و دوتن استاد ایرانی، آقای دکتر گنجی و مرحوم دکتر کیهان بیش از دیگران به ما در این زمینه یاری کردند. در هر حال جلد دوم این اطلس مربوط به جغرافیای طبیعی ایران است که شامل خاکشناسی، آبشناسی، زمینشناسی، و عوارض مختلف زمینی و غیره در ایران است. جلد سوم مربوط به جغرافیای انسانی و اقتصادی است که شامل نژادها، قومها و تیره ها و غیره و مسائل اجتماعی و انسانی و نیز شامل اطلاعات اقلیمی و اقتصادی ایران از نظر کشاورزی صنایع و غیره است. جلد چهارم مربوط است به اوضاع استانی و تقسیمات کشوری به تفکیک که شامل بررسی عمومی استانها شهرستانها، شهرها و سایر اطلاعات است.

و جلد پنجم که در نوع خود بی سابقه است و تاکنون هیچ کشوری در دنیا تهیه نکرده است، مربوط به (ثمرات انقلاب سفید) است. این کار بی سابقه شامل تحولات فرهنگی، انسانی و اقتصادی در جزء به جزء تمام مناطق کشور است با توضیحات و آمارهای کامل و ترسیم پراکندگی های جغرافیایی شامل سه بخش: مرحله اول و دوم و سوم انقلاب. گرچه این کتاب در شمول مجموعه اطلس ایران آمده است ولی من شخصا معتقدم که عظمت این کار و اهمیت آن، آن را به صورت جامع ترین کتابی که ممکن است در این گونه زمینه ها تهیه شود، در خواهد آورد.

در ازای تهیه این اطلس که در نوع خود شاید بی نظیر باشد، تنها تقاضایی که داریم این است که ترتیبی داده شود تا بتوانیم این کتاب را چاپ و منتشر کنیم و دیگر هیچ. البته باید این موضوع را تذکر داد که پولی که بابت این کتاب پرداخت شود، نه تنها در خدمت یک وظیفه فرهنگی و ملی به کار گرفته می شود، بلکه می توان گفت که این پول به فاصله دوماه بعد از انتشار برگشت خواهد شد، منتها این حجم زیاد نیازمند مخارج سنگینی است که از عهده ما خارج است. هرچند

مؤسسات خارجی حاضرند که این اطلس را چاپ کنند ولی میل دارم و صمیمانه می گویم که این اطلس در ایران و با امکانات و حمایت افراد ایرانی چاپ شود. این موضوع است که می تواند مبین پیشرفت های اجتماعی ما در این زمان باشد.

تلاش - آیا تاکنون با مؤسسات جغرافیایی و کارتوگرافی خارج از ایران نیز ارتباط هایی برقرار کرده اید؟

سحاب - بله اکنون ما با پانصد و یا شاید هم کمی بیشتر از مؤسسات جغرافیایی دنیا مبادله و ارتباط داریم و در چند کشور خارجی مثل افغانستان، آلمان، سوئیس، انگلستان، اتریش و ایالات متحده نماینده فروش داریم که نشریات ما را پخش می کنند و ضمناً نمایندگی چند موسسه بزرگ جغرافیایی دنیا را در ایران داریم.

تلاش - آیا با مؤسسات جغرافیایی ایران هم ارتباط دارید؟

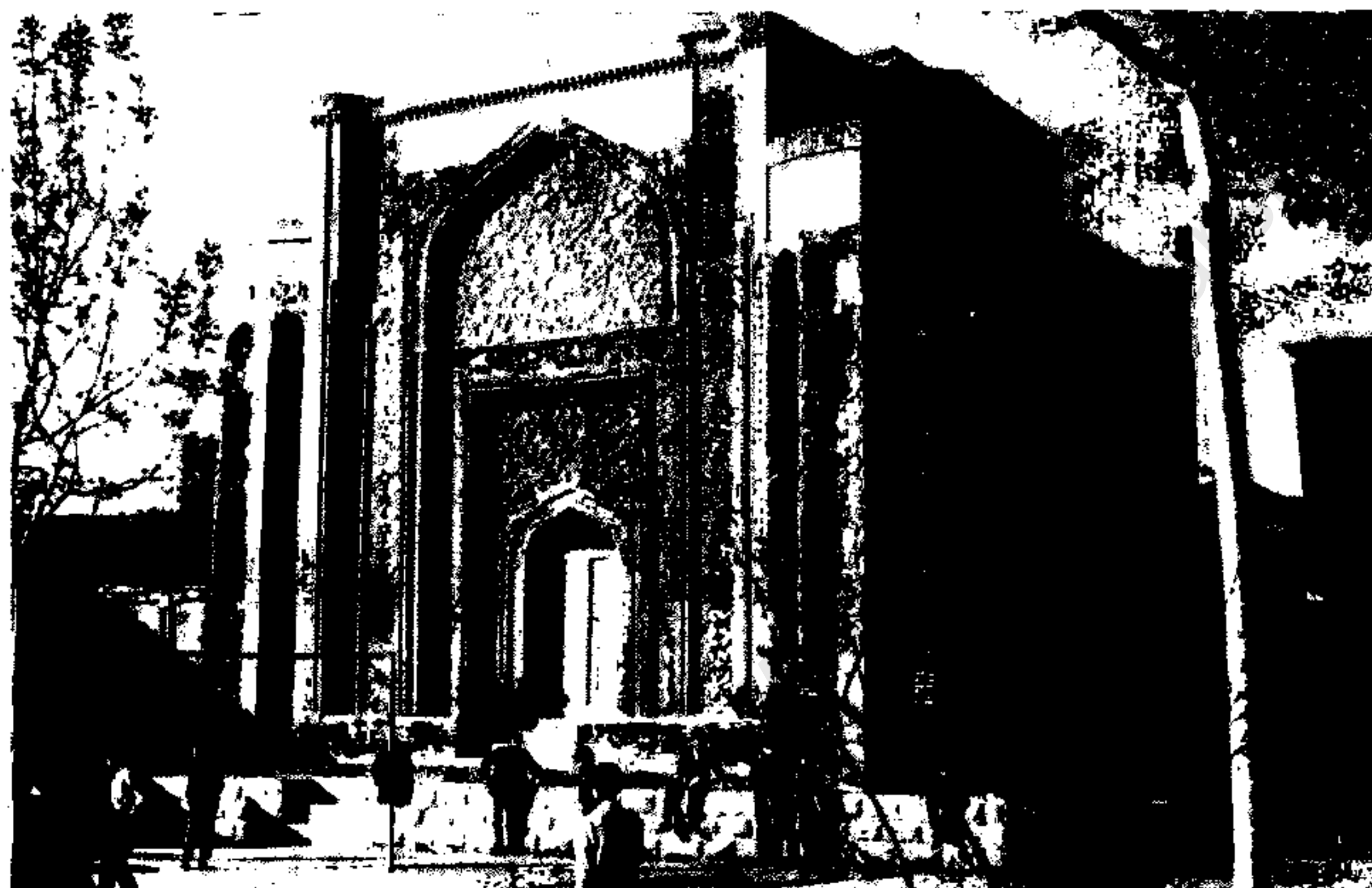
سحاب - بله از میان این گونه سازمانها ما با سازمان جغرافیایی کشور، سازمان نقشه کشی دانشگاهها و نیز دانشگاههای نظامی روابط خوبی داریم.

مطمئناً شما هم می دانید که گرداندن کار این چنین موسسه ای مستلزم صرف مخارج سنگینی است و چون موسسه به تنهایی قادر به تامین همه مخارج نیست. لاجرم باید سازمان هایی باشند که با کمک های مالی خود راه را برای ما هموار کنند اما باید بگویم که به جز یک شرکت که حسن ظنی نسبت به این سازمان دارد، سازمان کمک دهنده دیگری نداریم. تصدیق می کنید که به این ترتیب ادامه دادن به کار چه اندازه دشوار است.

به هر حال مشکلات مالی هنوز دست و پا گیر این موسسه غیر انتفاعی است. ولی ما کار بزرگ خودمان را ادامه می دهیم.

تلاش - حالا کمی از خودتان بگوئید. از زندگی و تحصیلات ...

سحاب - به طور خلاصه در سال ۱۳۰۰ در قصبه فم (Fam) تفرش متولد شدم. مقدمات علوم را در سن چهار پنج سالگی در تفرش نزد یکی از علمای دینی خواندم. در تهران در مدرسه کمالی ابن سینا و اشراف تحصیلات ابتدایی و متوسطه را گذرانیدم. تحصیلات عالی را در دانشکده کشاورزی کرج به انجام رساندم گرچه رشته تحصیل



گنبد علویان

به کاری که هم اکنون به آن اشتغال دارم چندان مربوط نیست مع هذا علاقه من به این فن تا آن درجه بود که توانستم در این رشته تا آنجا که ممکن بود پیش بروم.

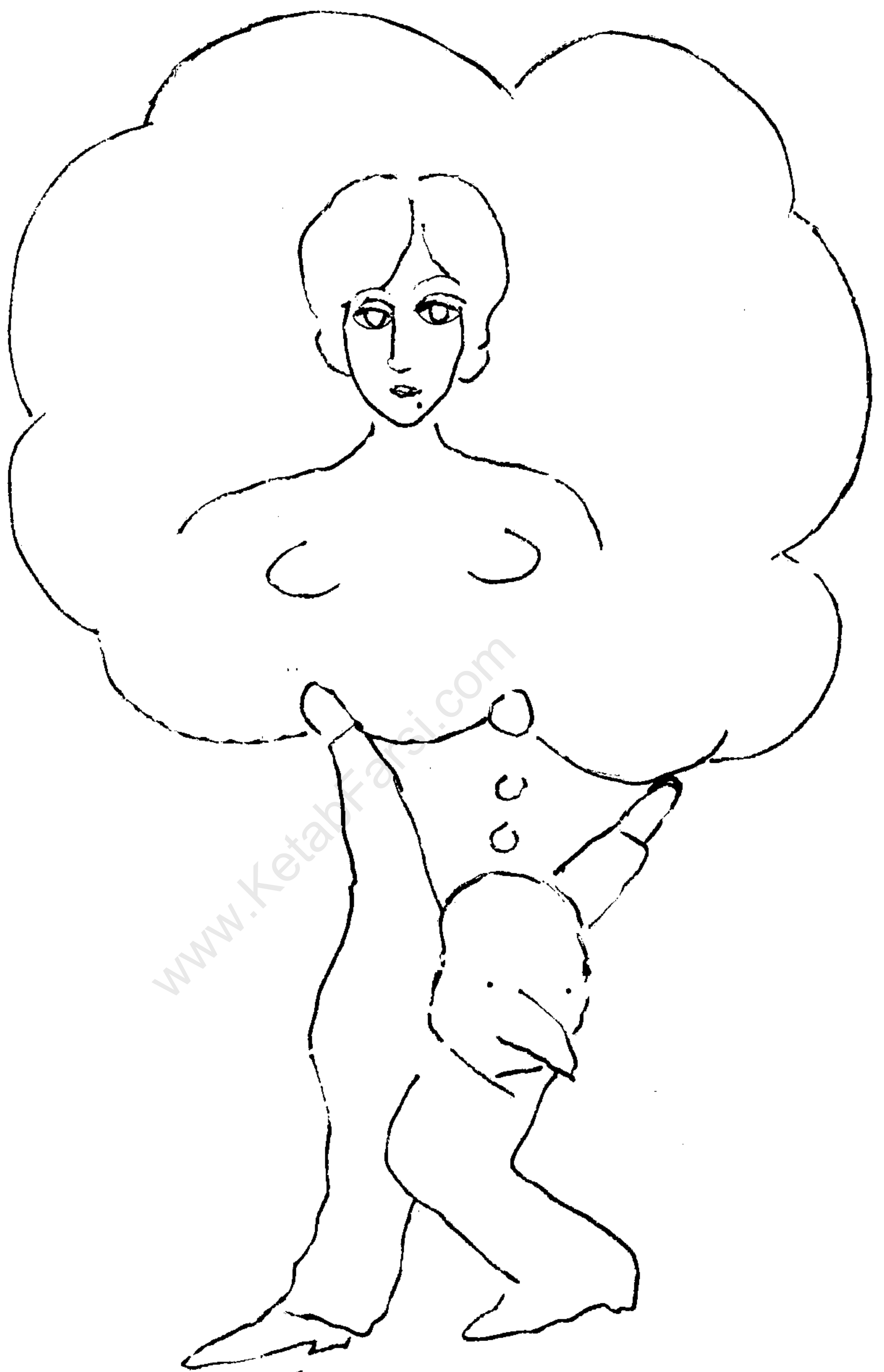
تلاش - بسیار متشکرم و امیدوارم که روزی همه آرزوهایتان جامه عمل بپوشد.

سحاب - من هم متشکرم و امیدوار.

تلاش - اینک با چه مشکلاتی دست بگریبانید؟ سحاب - یکی از مشکلات ما این است که هنوز موفق نشده ایم که خودمان را و کارمان را به مردم بشناسانیم، و هنوز مردم و مؤسسات به ارزش کاری که ما می کنیم واقف نیستند. این در حقیقت یکی از مشکلات اساسی ما است. حتی می توانم بگویم که آن اندازه که در خارج از ایران کار ما را می شناسند و بر آن صحنه می گذارند، در ایران جدی تلقی نمی کنند.

یکی دیگر از مشکلات اساسی ما نداشتن یک چاپخانه مستقل است. تصدیق می کنید که چنین کاری نیازمند دقت و وسواس بیش از اندازه است و این دقت انجام نمی گیرد مگر با داشتن یک چاپخانه شخصی.

دشواری عمده دیگر ما ضعف بنیه مالی است.



عاشق بیچاره چه سخت بی لوسی فراموش کند، و حال آنکه خاطره
مُوق را همیشه با خود حمل می‌کند.

« آخون جمله از زبان یک رمان‌نویس »
صفحه پنجاه و نهم

نوشته همادانش

امامزاده‌ای در شهر تهران

ایمان درختی است که ریشه آن یقین و شاخه آن پرهیزکاری و شکوفه آن

شرم و میوه آن سخاوت است.

راستی ایمان چه معجزه‌ها می‌کند.

- چنین روایت دارد که این درختان عمری به دیر سالی امامزاده و تا حدود هفتصد سال دارند.
- سبزی خوردن می‌خواهی؟ بیا این هم‌دهشاهی بقیه پولت...
- ایمان و روحانیت در همه دلها ریخته‌شده
- روی ضریح را با پارچه‌های مخمل سبز و لاله‌های قدیمی و مقداری اشیای عتیقه دیگر پوشانده‌اند.
- صدای اذان دل هر مسلمانی را می‌لرزاند و بی‌اختیار او را به اندیشه وحدانیت وامی‌دارد.

مسافتی راه است تا امامزاده یحیی .
تعجب من در این نواحی بیش از همه
از وجود این همه زن و بچه هست .
بازارچه نسبتاً تمیزی است ولی همچنان
بازارهای دوره گرد بازارچه را قدم به قدم
احاطه کرده‌اند .
بازارچه پر از نور برق است . چشمانم
یکی پس از دیگری به مغازه‌های قصابی ،
بقالی ، لحاف دوزی ، سینی های خرما ،
شکرپنیر ، مردك جفجفه‌ای و باز بازارهای
دوره گرد ، مردهای معمم و زن‌های چادر
به سر می‌افتد .
از کنار درخت چناری می‌گذرم که از
کهن‌ترین و عظیم‌ترین درخت های تهران
و ری سابق است .
يك چنار دیگر و یکی دیگر همه تناور
و ستبر .
جلو یکی از درختها مردی با لباس
و چهره‌ای روستایی نشسته و دسته های
سبزی می‌فروشد .
او انگار که برمسندی تکیه دارد ،
پشت به درخت داده و نرم نرمك می‌گوید :
— آی سبزی قرمه ، سبزی پلو... سبزی
صحرايي .



گویا تهران ما حالا خیلی خیلی متجدد
شده و می‌تواند یکی از پایتخت های قشنگ
دنیا باشد .

در تهران خودمان با ساختمان‌های بلند
غول پیکر ، با کارخانه های عظیم ، باثون
های جادویی ، با دختران مینی ژوپ‌پوش
با سالن‌های مد ، با کاباره‌های پر جنجال و
با پیکره های دیدنی در وسط میادین بزرگ
که خلاصه تجدد و تمدن تاببخ خرخره‌اش
را چسبیده ، زندگی های دیگری هم وجود
دارد که بسی از این زندگی های پر زرق و
برق بدور است .

در همین تهران گاهی کمی آن طرفتر
در کوچه‌ای ، بازارچه‌ای و یا خانه‌ای ، زندگی رنگ
و شکل دیگری بخود می‌گیرد که آدم را به
سختی دچار حیرت می‌کند .

برای نمونه بیهیکی از این محلات و امامزاده
ها می‌رویم که از نظر من که در تهران
متولد شده‌ام و تقریباً با همه جای آن آشنائی
نزدیک دارم تازه و دیدنی است .

شبی در امامزاده

پنجشنبه شبی از ماه رمضان و نزدیکی
های افطار است .

من راهی یکی از قدیمی ترین محلات
تهران شده‌ام .

اطراف فروشنده‌های دوره گرد تعداد
زیادی زن جمع شده‌اند که چادرهای سیاه
و خال خالی به سردارند .



مرتب تکرار می کند .
 زنگ صدایش تو گوش مشتریها می پیچد
 و نگاه هر رهگذری را به سوی خود جلب
 می کند .

صحبت کردن با او در میان این انبوه
 جمعیت تا حدی مشکل است . ولی مصرانه
 تاریخچه درخت را از او می پرسد و او...
 بسی عامیانه که من بناچار کلامش را
 تغییر می دهم و می نویسم میگوید :
 - چنین روایت دارد که این درختان
 عمری به دیرسالی امامزاده و تا حدود هفتصد
 سال دارند .

بعد به پلاکی روی درختی که خودش
 کنار آن نشسته اشاره می کند و ادامه می
 دهد :

- همانطوری که این جا نوشته شده این
 درخت سالها پیش بر اثر حادثه ای سوخت و
 در حالی که کسی باور نمی کرد درخت
 سرپا بماند ، دوباره از نو شاخ و برگ داد.
 این لکه ها اثر همان سوختگی است .
 حالا هم بعضی مردم دخیل آن می شوند
 و مراد می خواهند .

سرش را پایین می اندازد و مشغول
 پرداختن به مشتری می شود .
 آی سبزی قرمه .. سبزی صحرايي . يك
 قرون بده ...

سبزی خوردن می خواهی ؟ بیا این هم
 دهشاهی بقیه پولت ...
 خودم را جلو درسیاه و بزرگ آهنی
 می بینیم که در امامزاده است مرد معممی
 زمره کنان تسبیحی را در دست می چرخاند
 از او می گذرم .

کنار حوض حیاط امامزاده گروهی
 مشغول وضو گرفتن هستند
 ایمان و روحانیت در همه دلها ریخته
 شده

کفشهایم را به دست پسرک جوانی که
 پشت پیشخوان کفشداری ایستاده می سپارم.
 او می گوید که محصل سال ششم ریاضی
 دبیرستان است و ساعات بیکاریش را در
 اینجا به کفشداری می گذراند و درآمدی
 دارد . خدمه بارگاه که بر سر
 سفره افطاری نشسته اند وقتی می فهمند ما
 خبرنگار هستیم از ما استقبال می کنند و من
 بر سر سفره آن ها که متشکل از چای ، نان
 و خرما و پنیر است می نشینم .

صدای آه و فغان از داخل حرم مرا نیز
 به هیجان می آورد . و هیجانزده زنان و
 بچه هایی را می بینم که دست و سرو چادرو
 سینه خود را برای تبرک به ضریح می مالند.

روی ضریح را با پارچه های مخمل سبز و
 لاله های قدیمی و مقداری اشیای عتیقه دیگر
 پوشانده اند .

قسمتی از داخل آن نیز پر از اسکناس های

نذری دوتومانی تا بیست تومانی و هم چنین
 پول خرد است .

از دوسه تا پله پایین می روم و وارد
 اطاقك دیگری می شوم که مقبره امامزاده
 محمد پسر امامزاده یحیی است در گوشه و
 کنارزنها و بچه ها سفره هایی را که می گویند از آن
 حضرت رقیه است احاطه کرده اند .

اندوهگین از بقیه بیرون می آیم . هوا
 خیلی تاریك شده و همچنان اهالی دررفت
 و آمدند و روز دیگری وقتی هوا روشن

است برای تهیه عکس ، راهی امامزاده
 عبدالله می شویم .

خورشید نیم روز پائیز درست بالای
 گنبد رنگارنگ هشت ضلعي و کاشی کاری
 شده بقیه ایستاده است و انگار او هم نیایشی
 دارد .

در این موقع روز امامزاده خلوت تر
 است .

برگهای خشك شده درخت های کهنسال
 چنار تا آخرین زاویه حیاط کشیده شده و

صدای اذان دل هر مسلمانی را می لرزاند
 و بی اختیار او را به اندیشه وحدانیت
 وای می دارد من هم چنین احساس می کنم.
 مسجد امامزاده که سوی دیگر حیاط قرار
 گرفته نسبتا شلوغ است و مردان و زنان



درخت چنار چند صدساله در کنار امامزاده

بیشماری با روحانیت کامل آنجا نماز می گزارند .

توی خود امامزاده زیر سایه عرفان محض انعکاس نور خورشید در سقف های آینه کاری شده رنگها و روشنائی جادویی بوجود می آورد که هر زائری را ناخود آگاه مجذوب می کند .

داخل حرم به زنی بر می خورم که روی زمین چمباتمه زده و ندبه می کند . کنارش می نشینم .

— مادر چرا اینطور گریه می کنی مگر چه شده ؟

نگاه غمگین خود را به من میدوزد و باز گریه می کند .

دلم بدرد می آید و دیگر باره سؤال را تکرار می کنم آخر چه شده بگو ؟

— معلوم می شود پسر کوچکش به بیماری خطرناکی دچار شده که دکتر ها او را جواب کرده اند و او حالا برای شفا گرفتن به امامزاده پناه آورده صمیمانه اشک میریزد و مومن است که خواسته اش برآورده می شود چون قبلا نیز شفای يك دخترش را که مبتلا به بیماری فلج بوده از آقا گرفته . نگاهش می کنم و او که گویا شك را در نگاهم می خواند باز به کارش می پردازد .

هو ... هو ... هو ...
راستی ایمان چه معجزه ها می کند .
در آیه ای از قرآن کتاب آسمانی آمده است .

الایمان شجرة اصلها الیقین وفرعها التقی و نورها الحیاء و ثمرها السخاء
ایمان درختی است که ریشه آن یقین و شاخه آن پرهیز کاری و شکوفه آن شرم و میوه آن سخاوت است .

خلاصه در زندگی باید به کس ، چیزی و یا جایی ایمان داشت .

ایمان مشقات زندگی را سبک و سهل تر می کند و مردمان مصیبت دیده این دیار های تنگ و خفه جنوب شهر تهران نیز چنین مومنانند که گاهی بعضی آدم ها به ایمانشان حسرت می خورند .

در حالیکه این ایمان و اندوه مردمان وجودم را اثباته از زیر سنگ نبشته سردر امامزاده می گذرم و برای دومین بار آن را می خوانم .

مخفی نماند که بقعه متبرک امامزاده یحیی و امامزاده محمد که اصل آن در قرن هشتم هجری از خشت ساخته شده بود در اثر سوانح در سال ۱۳۱۸ شمسی منهدم گردید ، خوشبختانه مرقد مطهر قریب یکمتر زیر خاک به صورت اصلی محفوظ ماند سردابه بعضه نیز در عمق چهار متری زمین محفوظ بود تا در سال ۱۳۲۰ شمسی بنا به امر شاهانه اقدام به تجدید ساختمان بقعه متبرک گردید و از روی نقشه اصلی بنای قبلی مجددا ساخته شد .

این شعر نیز در آخر سنگ نبشته اضافه شده است :

بنای بقعه شهزاده یحیی بعد ویرانی
به پایان آمد اکنون با هزاران عز و جاه وافر
نظر کن بر ضریح و بر رواق و صحن
چون خلش یکی بنگر به دقت بر بنای موزه و دفتر

در انساب بیهقی مذکور است که :

«زوجه آن بزرگوار دختر عمه سلطان سنجر بن ملکشاه بوده می فرماید و شنیدم که سلطان سنجر وارد شد بر عمه خود و از او خواش نمود که حاجتی از من بخواه گفت حاجتم آن است که فرزندان دختر من که از عزالدین علوی است احترام و تعظیم ایشان کنید از این جهت سلطان سنجر اولاد عزالدین یحیی را مقدم می داشت بر بزرگترین اولاد سلجوقیه .»

در انساب بیهقی دیگر باره آمده است که :

«شنیدم از ثقات که شرف الدین پدر عزالدین یحیی چند دختر داشت و هیچ پسر نداشت پس زمانی که عیالش حامل شد شبی پیغمبر خدا را در خواب دید و عرض کرد یا رسول الله عیالم حامله می باشد اسم این طفلی که در شکم اوست چه بگذارم حضرت فرمودند که اسمش یحیی باشد و شرف الدین از خواب بیدار شد و گفت خوشحال شدم که این حمل پسر می باشد اسم او را باید یحیی بگذارم و حال آنکه تا آن زمان در نسب طایفه ما یحیی نبود پس بعد از وضع حمل او را یحیی نام گذاردند به جهت فرمایش پیغمبر (ص) پس بعد از آنکه خوارزمشاه او را شهید نمود سر فرمایش پیغمبر ظاهر شد و فرمایش آن حضرت اشاره بسوی این مطلب بوده که این طفل را آخر الامر مثل یحیی پیغمبر شهید می نمایند .»



خیال با آدم چه ها که نمی کند؟

رقم سیزده (۱۳)!

باقر رضا پور حمور - سپاهی دانش دوره دوازده



مرد سیگارش را روشن کرد و از اتومبیل پیاده شد. در حالیکه ترس عجیبی که با آن آشنایی کامل داشت قلبش را می فشرد بطرف مغازه روان شد به آرامی در را گشود و به نجوی سلام کرد، یگراست بطرف صاحب مغازه رفت و گفت آقا من يك عدد کراوات با پوست می خواهم مغازه دار چند عدد کراوات با پوست جلو او گذاشت و از هر کدام جداگانه تعریف کرد. مرد حس کرد تنش گرم می شود. و کم کم دارد عرق می کند بالاخره انگشت روی یکی از کراواتها گذاشت و گفت این خوب است و قیمتش را پرسید مغازه دار بدون معطلی گفت: بیست و شش تومان قلب مرد تکان سختی خورد و با خود گفت بیست و شش یعنی دو تاسیزده پول را پرداخت و خدا حافظ نمود. احساس عجیبی باو نهیب زد که قدمهایش را بشمارد يك دو ... یازده ... سیزده تا کنار اتومبیلش درست سیزده قدم بود. اتومبیل را روشن نمود دور زد و بطرف خانه اش روان شد وقتی که بکوچه پی که با ذغال روی آن نوشته بودند «کوچه سیزده خانه» رسید بطرف کوچه پیچید جلو خانه اش ترمز کرد شماره ۱۱+۲ که روی پلاک خانه اش بود باو دهن کجی می کرد غیظش گرفت تف محکمی بزمین انداخت و در را باز کرد برای چند صدمین بار فاصله در خیاط تا پای پله ها را شمرد درست سیزده قدم بود و بعد هم سیزده تا پله را پیمود و با تاقش رفت. با اینکه هوا سرد بود خیس عرق شده بود و احساس خستگی می کرد پنجره اتاق را باز کرد و بروی بالکن آمد چند تا گنجشك روی درخت حیاط جيك جيك می کردند آن ها را شمرد سیزده تا بودند. عصبانی شد و گلدان کوچکی را که کنار بالکن بود بطرف گنجشكها پرتاب نمود. گنجشكها پریدند و گلدان با صدای



فردا نروم» «مادر گفت» آخر فردا «سیزده بدر» است و خوب نیست آدم مسافرت برود. مرد ترسید ولی به آن ها گفت دیگر سیزده برای من مفهومی ندارد و فردا خواهم رفت .

اتومبیل بطرف تهران می رفت و مرد آهنگی را با سوت می زد رادیو اتومبیل را روشن کرد «سیزده بدر سال دگر ، بچه بغل خونه شوور» . مرد کیف کرد و فکر کرد بچه مهری حتما خوشگل می شود کنار جاده سبز بود و مردم اینجا و آنجا نشسته بودند می گفتند و می خندیدند بچه ها سرو صدا می کردند و از میان سر و صدا کلمه سیزده بگوش مرد خورد دوباره ترسید حس کرد تنش گرم می شود ولی اهمیت نداد . در جایی چند نفر دختر قشنگ داشتند سیزه ها را گره می زدند مرد بعاتد همیشگی اش آنها را شمرد درست سیزده نفر بودند سعی کرد باسوتی که برای دختر ها زد ترس خود را بریزد ولی نشد از دختر ها دور شد اما صورت و حرکات آن ها را در آینه ماشین می دید . ناگاه صورت یکی دختران تغییر کرد و ترسناک گشت . مرد يك لحظه باتمام توجه به صورت دختر که در آینه بود متوجه گشت . گویی چیزی وجود ندارد اتومبیل از جاده منحرف شد و پس از چند معلق به ته دره سرنگون گشت مرد از ماشین به بیرون پرت شد و حس کرد مایع گرم و لزجی بصورتش میریزد . با آرامی چشمهایش را باز کرد و به آسمان نگاه کرد چند کلاغ در دور و برش در پرواز بودند فکر کرد می خواهند چشمانش را بدر آورند بی اینکه خودش بخواند آن ها را شمرد سیزده تا بودند .

قرار داشت ناگاه دید سیزده تا از خودش در آینه هستند و باو می خندند و میخندند و می کنند . با مشت به آینه کوبید . آینه درهم شکست حالت خفقان به مرد دست داد . سرش گیج رفت و روی کف اتاق افتاد . فضای اتاق پر از عدد ۱۳ شد هوا از سیزده پر شده بود او سیزده ها را نفس می کشید . از پنجره اتاق سیزده نفر مثل خودش که صورت هایشان مسخ شده بود با اتاق آمدند قطعات شکسته آینه را برداشتند و باو حمله کردند . دست در گلویش می گذاشتند و با دندان و ناخن گوشت تنش را می کنند . فریاد می زد و سعی می کرد آن ها را از خود دور کند . سیزده ها تغییر شکل دادند . بصورت پدر و مادر درآمدند و نیز دکتر در آمدند که او را معاینه می کرد سیزده تا پدر سیزده مادر و سیزده تا دکتر . یکی از سیزده تا تنک آب سرد را بصورتش ریخت . سیزده ها رفتند و از هر کدام يك نفر بجای ماند . پدر ، مادر و دکتر شنید که مادر می گفت : بچه ام داره از دستم میره یه فکری بکن و پدر گفت چه فکری ؟ قدری نیم خیز شد و با حالتی ترسناک پرسید : رفتند ؟ لعنتی ها بالاخره اینها منو می کشند . دکتر و پدر و مادر سعی کردند باو بفهمانند که سیزده ها وجود ندارند . بلکه این خود اوست که آن ها را می آفریند . دکتر می گفت این ترس تو از سیزده آخر سر قاتل تو خواهد شد . و مادر گفت پدر و مادر مهری موافقت کردند راستی چه دختر قشنگی ! مرد فکر کرد بله خیلی قشنگ است . وقتی قدری حالش جا آمد خودش هم فهمید که بی خود از سیزده می ترسد و فکر کرد سیزده هم عددیست مثل عدد های دیگر مادر رشته افکارش را پاره کرد و گفت تو باید پس فردا به تهران بروی مهری منتظر است و مرد غریب (?) «چرا

گوشخراشی خرد شد . فکر کرد لابد سیزده تکه شده است ولی جرأت نکرد برود و آنها را بشمارد . ناگهان صدای زنك اخبار در حیات طنین انداخت مرد فکر کرد حتما پدر و مادرند . آن ها چند روز پیش بخواستگاری مهری رفته اند و قرار است امروز برگردند صدای زنك اخبار بطور مقطع ادامه داشت بدون اینکه خودش بخواند شمرد . درست سیزده بار زنك خورده بود . در را باز کرد مامور اداره برق بود گفت سلام آقا . وی قبضی را بطرف مرد نزدیک آورد ، قبض کار کرد برق است . دیروز فراموش کرده بودم بدهم بخد متتان مرد عصبانی شد و گفت چرا سیزده دفعه زنك زدید فکر می کنید من از سیزده می ترسم ؟ مامور برق با تعجب او را نگاه کرد و گفت «ولی من فقط يك بار زنك زدم» و پیش خودش فکر کرد حتما زیادی خورده . «خیلی خوب» مرد گفت و بشدت در را بهم کوبید . قبض را باز کرد لبخندی زد مثل اینکه سیزده دست کشیده است ولی نه شصت و پنج تومان قدری فکر کرد آه درست پنج سیزده تا . بر فور قبض را پاره کرده و یزمین ریخت و بعد مثل دیوانه ها تکه های آن را از زمین جمع کرد و شمرد سیزده تکه بود با عجله بطرف اتاقش دوید و روی کاناپه دراز کشید سرش را در میان دستهای گرفت و نالید : خدای من آخر این سیزده لعنتی از جان من چی می خواد ؟ باز هم سیزده ها به مغزش هجوم آوردند . در سال یک هزار و سیصد و سیزده دنیا آمده بود . متزلزل در کوچه «سیزده خانه» بود و پلاک خانه اش ۱۱+۲ بود . چند سال بود که یقه پیراهنش سی و نه یعنی سه تا سیزده بود . فاصله در حیات تا پای پله ها درست سیزده قدم بود از سیزده پله بالا می رفت تا با تاقش می رسید . خواست لیوانی آب بیاشامد . لیوان در جلو آینه

دوتا

ساقه چناری



اهمیت و ارزشمندست ، باید زندگی رادر رفاه بگذرانند و مورد تأیید جامعه هنر دوست قرار گیرند اما باید پذیرفت که در سرزمین هنر خیزما نسبت به این هنرمندان گمنام آن چنان بی اعتنایی می شود و آن چنان این هنر از یاد رفته است که گویی این هنرمندان عروسکهای کوکی هستند که هر بامداد دستی آنان را به کار می اندازد تا در تمامی روز انگشتانشان گران ترین قالی ها را به وجود آورد . چرا؟

این همه ظلم و بی اعتنایی نسبت به این گروه هنرمندان بی نام ، نشانی از بی حرمتی نیست به گروهی دیگرست . اما آن چه فاطمه می گفت همه حکایت عشق بود . عشق به آن چه می آفریند . عشق و غرور به آن چه عرضه می کند . او در حالی که گرانها ترین قالیچه ابریشمی را می بافت در جواب ما که پرسیدیم «فاطمه خانم ، دلت نمی خواست این قالیچه مال خودت بود و به زیرپای خودت می انداختی ؟» گفت : «آقامن اگر این قالیچه را برای خود می داشتم آن را به دیوار اتاق گلین ام آویزان می کردم و هر روز از دیدنش لذت می بردم» .

زن انگشتانش را نگاه می کرد . و دستانش را که عجولانه تار ها را در هم می بافت و چهل سال به جز جعبه ها . تاسوعاو عاشورا . همه روز صبح روی تخت می نشست و شعری را که مادرش به او در کودکی یاد داده بود زمزمه می کرد:

دخترم ، نگاه بکن ، نگاه بکن
زندگی توی قالیه
شوهرت منتظره
زندگی توی قالیه
کودکت منتظره
زندگی توی قالیه
دخترم ، نگاه بکن ، نگاه بکن
زندگی توی قالیه

و اینك اقتصاد ایران برپایه هایی استوار است که یکی از مهم ترین آنها صادرات فرش به نقاط مختلف جهان است . مادر شهرهای بزرگ با قالی های کاشانی و کرمانی که دستباف فاطمه های پنجاه ساله و طرح های نصرالله خان هاست مشهوریم .

آگاهانه می دانیم که تمام نگارگران و بافندگان که هنرشان چونان قالی بافی پر

خانم فاطمه صفاری داشت فرش می بافت . گفتیم حوصله داری يك كمی حرف بزنیم درباره قالی و قالی بافی ؟ گفت : « من هم قالی می بافم و هم حرف می زنم » و بعد در جواب اینکه چطور قالی بافته می شود گفت :

« ... همین طور نخ را یکی از رو یکی از زیر « خانه » رد می کنیم و بعد از آن « بود » درشت را از وسط نخ می گذرانیم و « شانه » می زنیم و آن وقت روی این بود درشت بود ریزه را رد می کنیم و باز شانه می زنیم و به این ترتیب قالی بالا می آید ... »

تلاش - نقشه را حفظ می شوی یا اینکه باید پشت سرهم به آن نگاه کنی ؟

فاطمه - چشممان از روی قالی به نقشه و از نقشه به قالی است . باید آن را نگاه کنیم و از طرف راست نقشه خانه به خانه طرح را روی قالی پیاده کنیم .

تلاش - چند جور قالی و با چند طرح می توانی ببافی ؟

فاطمه - هر جور که باشد می توانم ببافم . هر چه روی نقشه باشد روی قالی پیاده می کنیم و برای ما فرقی ندارد . فقط مزدها فرق دارند . قالی باف مثل بچه‌یی است که به مدرسه می رود اگر درسش را بلد باشد می تواند آن را بگوید و تعریف کند .

تلاش - تا به حال چند تخته قالی بافته‌ای ؟

فاطمه - حسابش را ندارم . از بچگی قالی بافته‌ام . شاید هزار تا ...

تلاش - تا به حال برای خود هم قالی بافته‌ای ؟

فاطمه - نه خیر . ما نمی توانیم روی این ها

بنشینیم - این ها اسم کاشی رویشان است ... متری ... تومان . شاید هم بیشتر ارزش دارد . این ها را برای مردم می بافیم .

تلاش - قالی بافی را از کجا یاد گرفته‌ای ؟

فاطمه - در کاشان پیش استاد رفتم . خیلی پیش ، شاید پنجاه سال پیش بود .

تلاش - روزی چند رج می بافید ؟

فاطمه - از این خط درشت تا آن خط درشت (روی نقشه) ۱۰ رج است که هر ۱۰ رج را « يك خانه » می گوئیم . قالی باف درجه اول روزی يك خانه می بافد .

تلاش - همه گره ها يك اندازه است ؟

فاطمه - باید يك اندازه باشد . وگرنه قالی صاف و یکدست نیست .

تلاش - انگشت‌های شما حسابی عادت کرده و خیلی تند می بافید .

فاطمه - پنجاه سال است که قالی می بافم . باید هم عادت کرده باشم . شما ۱۰ دقیقه نمی توانید بنشینید و ببافید از سر انگشتان خون می آید .

تلاش - گره هارا چطور صاف می کنی ؟

فاطمه - با مقراض (قیچی) آن ها را می چینم و بارج های گذشته یکدست می کنم .

تلاش - این قالی که الان می بافید چه طرحی دارد ؟

فاطمه - این قالیچه گل و پته‌یی ۳×۴ است .

تلاش - برای بافتن این قالیچه چه قدر مزد می گیرید ؟

فاطمه - روی هم رفته نه صد تومان .

تلاش - چند وقت طول می کشد ؟

فاطمه - من روی طرح های اصلی و قسمتهای

مهم کار می کنم و نقش و نگار روی نقشه را پیاده می کنم بعد جاهای دیگر را که ساده تر است ، شاکرد پشت سرم پیاده می کند همه این ها وقت می خواهد و طول می کشد . صاحب کار هم می گوید هرچه زودتر بهتر . برای خودم هم همین طور ... شاید دو ماه تا سه ماه طول بکشد .

تلاش - خودت این قالی را که می بافی دوست داری ؟ دلت نمی خواهد زیربای خودت و مال خودت باشد ؟

فاطمه - چرا ... به آن عشق دارم ولی نمی توانم آن را بخواهم اگر مال خودم باشد نمی اندازمش زمین ، مثل تابلو روی دیوار آویزان می کنم .

تلاش - این خانم دخترتان است ؟

فاطمه - بله . يك دختر بزرگ هم دارم که رفته شوهر ، و الان تهران است .

تلاش - حتما به دخترانت هم خودت قالی بافی یاد داده‌ای ؟

فاطمه - بله . رسم این است که وقتی بچه‌ها پنج ساله شدند بنشینند و یاد بگیرند .

تلاش - (خطاب به دختر خانم فاطمه صفاری) چند سال است که قالی بافی می کنید ؟

مالیه صفاری - خیلی وقت است . از بچگی ، ولی مثل مادرم تند دست نیستم .

تلاش - بین بافت دست مرد و زن از نظر لطافت و ظرافت فرقی هست ؟

عالیه - نه از نظر ظرافت فرقی نیست . چون همه کار می کنند و دست ها عادت دارند . ولی زن ها بیشتر در این کار هستند تندتر می بافند .

چوب نیزه جزو ساختمان قالی است که بین دو نخ جلو و عقب قرار می گیرد . خانه به نخ

جلو و نخ عقب گره می خورد و بعد پودر بزرک و پس از آن بود ریزه روی آن می آید و سپس شانه می خورد . دو دست کاملاً هماهنگ نخ ها را می گیرند و گره می زنند و یکدست پایین آمده، با چاقو دنباله نخ را می برد و این حرکات متوالی یک صدای متناوب و مقطع بوجود می آورد کاری که از ماشین انتظار داریم در این جا به صورت بسیار طبیعی تر انجام می شود . صنعتی که پشت سطح ظاهری آن حس و لطافت است . نه روغن و فلز ... آقای علی عدالت نقشه قالی و پشم (خانه) و نخ (چله) آن را تهیه می کند و به کارگران قالی باف می دهد که قالی ببافند . از آقای عدالت پرسیدیم :

چند سال است که فرش تهیه میکنید ؟
عدالت - ۵۰ سال است . پدر من یکی از اولین و معروفترین قالی بافان کاشان است .
تلاش - شما خودتان بافنده هم هستید ؟
عدالت - نه . اصلاً قالی نمی بافم .
تلاش - بافندگی بلد هستید ؟
عدالت - نه خیر . زمان بچگی یاد گرفتم ولی حالا دیگر از یادم رفته است .
تلاش - پس چطور می فهمید که يك فرش است ؟
خوب است یا بد ؟

عدالت - چشم عادت کرده . حتی اگر يك گره را دو گره بزنند می فهمم . کار بد مغز ندارد و گل و بته ها بالا و پایین می شود .
تلاش - اصولاً چند طرح برای قالی در دنیا هست ؟

عدالت - انواع و اقسام طرح ها هست که از همه معروفتر یکی ترنج و محراب است و یکی کف ساده و نقش وسط (ترنج) که لچک و حاشیه دارد و یکی هم عکس دار .
تلاش - از نقشه های حاضر استفاده می کنید یا اینکه خودتان طرح می دهید ؟
عدالت - نقشه آماده است و ما از بین آن ها به سلیقه خودمان انتخاب می کنیم .

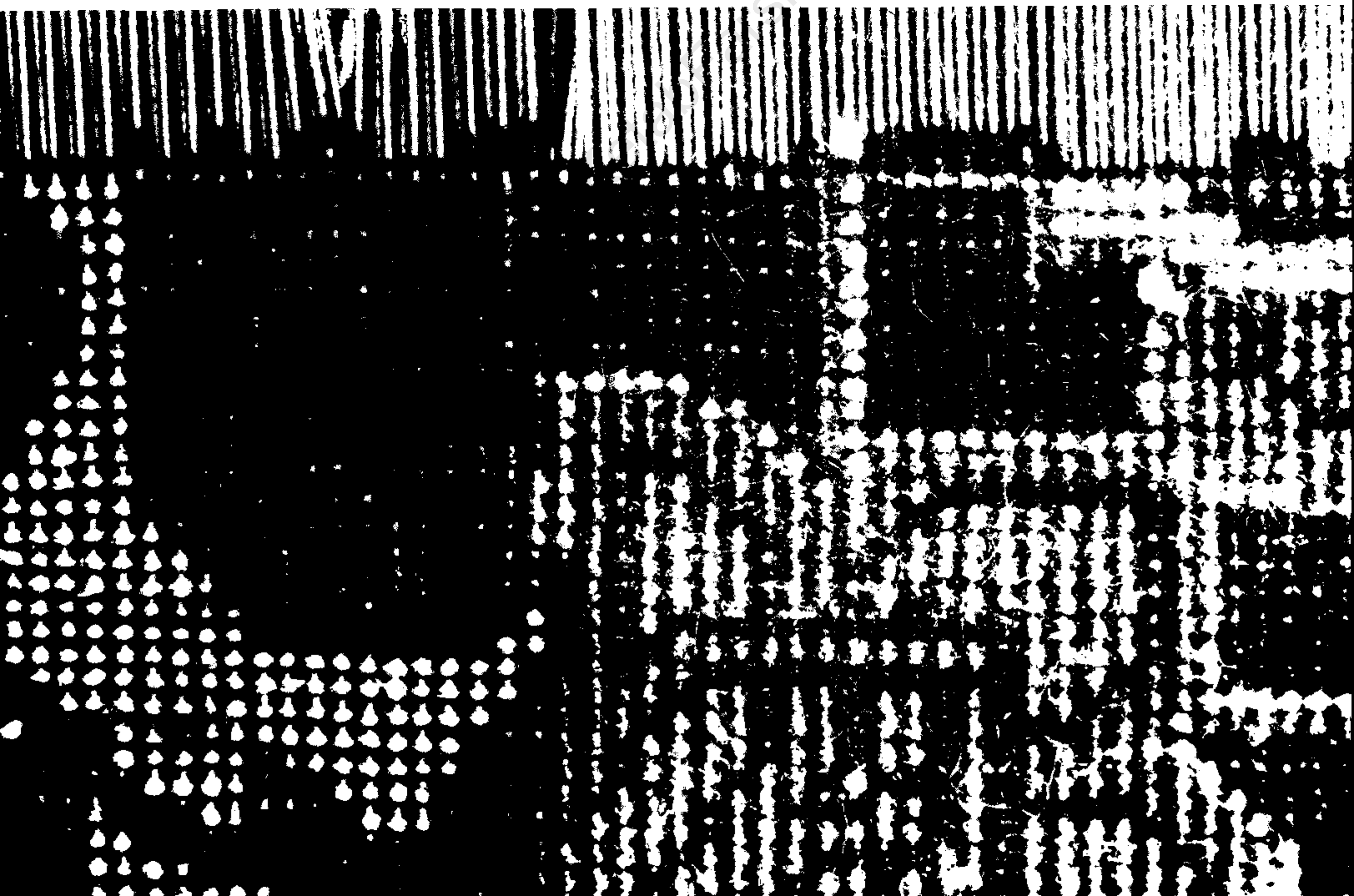
تلاش - نقشه ها چه چیز فرش را نشان می دهد و شما از آن ها چه می فهمید ؟
عدالت - ببینید ، نقشه روی يك کاغذ شطرنجی است که ۱۹×۲۴ خانه دارد و هر خانه ده رج است روی ۲ عدد از این کاغذ شطرنجی ها يك چهارم نقش قالی کشیده می شود و بقیه قالی به صورت قرینه بافته می شود .

تلاش - قیمت بهترین این نقشه ها چقدر است ؟
عدالت - از پانزده تومان تا ۳۰ تومان است .

گرانترین نقشه ها ۳۰ تومان است .
تلاش - در حال حاضر بهترین طراح نقشه های فرش کیست ؟

عدالت - در نوع ترنج و محراب . میرزا نصرالله خان نقاش زاده استاد است که هفتاد ساله هستند و مناسفانه در چند سال اخیر بیمار بوده اند . ایشان در حدود ۵۰ سال است که نقشه فرش می کشند و در این راه خیلی زحمت کشیده اند . آقا محمد صفی و آقای محمد افسری - (که هم فرش می بافند و هم نقشه عکس دار فرش می کشند) هم خیلی استاد هستند . آقای افسری گرانترین قالی های عکس دار را می بافند و بهتر از او در نوع قالی عکس دار کسی را نداریم . آقای حسین فیروزان هم در رشته طرح « افشان » و « گل و بوته » و « شکارگاه » استاد است .

تلاش - این ها که نام بردید آیا تحصیلات نقاشی کرده اند ؟
عدالت - نه خیر همه آن ها عمل کرده اند و تجربه دارند ...
تلاش - آیا طراحان نقشه قالی بافندگی هم بلد هستند ؟
عدالت - غالباً بلد هستند ، ممکن است زیاد ماهر نباشند ولی بالاخره کسی که نقشه را می کشد



باید بلد باشد که کجا گره می خورد و چطور باید شانه زده شود .

تلاش - معیار شما در پرداخت مزد به قالی باف چطور است و آیا برای نقشه های مختلف مزد ها فرق می کند یا خیر ؟

عدالت - مزدی که می پردازیم بستگی به رج دارد . در کاشان به چهل رج يك گره می گوئیم و هر ۱۶ گره يك ذرع است که بنا به وضع بازار ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان مزد می دهیم . البته برای قالی های عکس دار و تزئینی خیلی بیشتر یعنی از ۷۰۰ تومان تا ۹۰۰ تومان مزد می دهیم . قالی ابریشمی هم که دیگر جنبه تشریفاتی دارد و استثنائی است .

تلاش - بالاترین دستمزدی که شما به کارگر قالی باف داده اید چه قدر بوده است ؟

عدالت - ذری هزار تومان هم داده ام ولی رویهمرفته بیشتر ۴۰۰ تومان مزد می دهم .

تلاش - رنگ زمینه قالی و قسمتهای مختلف را شما انتخاب می کنید ؟

عدالت - نه ، رنگ روی نقشه معلوم است . خانه (نخ پشمی) را می دهیم به رنگرز تا مطابق رنگ نقشه رنگ کند و بعد از آن می دهیم به قالی باف ها .

تلاش - شما چند کارگر بافنده دارید ؟

عدالت - در حدود سی نفر می شوند که بیشتر زن هستند .

تلاش - آیا شما برای آن ها کارگاه ساخته اید ؟

عدالت - نه . آنها ضمن کار در منزلشان . قالی هم می بافند .

تلاش - مزد آن ها را اول کار می پردازید یا آخر ؟

عدالت - به کارگر خوب اول پول می دهیم . این بستگی به نوع کارگر دارد به هر حال باهم کنار می آییم .

تلاش - محل فروش قالی در تهران است یا در کاشان ؟

عدالت - ما در کاشان می فروشیم و بعد بیشتر قالی هایی که ما فروخته ایم به تهران و سایر شهرستانهای ایران حمل می شود .

تلاش - اصولا رنگ شیمیایی با رنگ طبیعی گیاهی چه فرقی دارد و شما از کدام نوع استفاده می کنید ؟

عدالت - رنگ گیاهی بعد از ۲۰ سال مثل روز اول زیبا و شفاف است و عوض نمی شود در صورتی که رنگ شیمیایی بعدا عوض می شود . رنگ گیاهی تغییر نمی کند و برای همین فروش خوب دارد و به خارج از ایران هم صادر می شود . در حالیکه رنگ شیمیایی بازار خوب ندارد و اصولا وقتی می خواهند فرشی را صادر کنند ، برای آینده از رنگ آن مطمئن شوند که ثابت است آنرا دواشور می کنند .

استاد نصرالله خان نقاش زاده را که از اولین طراحان فرش کاشان است در منزلش ملاقات کردیم ، در حالیکه به سختی بیمار بود و حال مساعدی برای گفتگو نداشت ، ولی به هر حال با جملات

مقطع و کوتاه و بریده ، حرف هایی زدند که جالب بود .

نصرالله خان نقاش زاده - یکسال و نیم پیش ، يك نقش فرش از طرف وزارت فرهنگ و هنر از من خواستند من هم طرح کردم و فرستادم . نقشه مربوط به تشریف فرمایی شاهنشاه به مجلس بود يك قالی ۱۱×۱۱ بود و طرح من ۳۵ خانه داشت ، زمینه تزئینی هم داشت ...

حاج عبدالکریم احمدی از بغداد با خانواده اش به خراسان و بعد به قم ، پاساژ امجدی می رود . من طرح قالیچه حضرت امیر را که سفارش کرده بود برایش درست کردم و از روی همان طرح قالیچه ، يك قالی هم برای خودم ساختم ، که به دیوارم زده ام و شما آن را می بینید ...

تلاش - تا به حال چند نقشه و طرح قالی تهیه کرده اید ؟

نصرالله خان - نمی دانم - از حساب بیرون است ، من مبتکر ترنج و محراب هستم .

تلاش - از چند سال پیش این کار را شروع کردید ؟

نصرالله خان - ۵ سال ، شاید . از پیش پدرم حاج آقا حسن یاد گرفتم که در این کار استاد بود .

تلاش - از طرح های معروفتان کدام است ؟

نصرالله خان - همان طرح ترنج و محراب ...

تلاش - استاد شما خودتان قالی بافی می دانید ؟

نصرالله خان - می دانستم ولی کار نمی کنم ... حالا ممکن است یادم رفته باشد .

تلاش - از فرش هایی که شما طرح آن را داده اید به خارج از ایران هم رفته است ؟

نصرالله خان - بله . صادراتی هست . تمام

طرح های ترنج و محراب صادراتی است . روی يك فرش آن شعر حافظ را که می گوئید :

اگر آن ترك شیرازی به دست آرد
دل ما را

به خال هندویش بخشم سمرقند و
بخارا را

نقش کردم و به خارج رفته ...

تلاش - طرح هایتان را به چه کسانی می دهید ؟

نصرالله خان - می فروشم ، به اشخاص مختلف . حالا دیگر شاگردان من خودشان استاد شده اند طرح های مرا کپی می کنند . طراحان فرش کاشان همه شاگرد من بوده اند .

تلاش - استاد شما چند سال دارید ؟

نصرالله خان - ۸۰ سال دارم .

تلاش - برای طرح هر نقشه چقدر پول می گیرید ؟

نصرالله خان - ورقی است ، ورقی ۱۹×۲۴ خانه ... البته نقشه تا نقشه هم فرق می کند از ۲۰ تومان تا ۴۰ تومان ...

تلاش - همه جور طرح تا به حال کشیده اید ؟

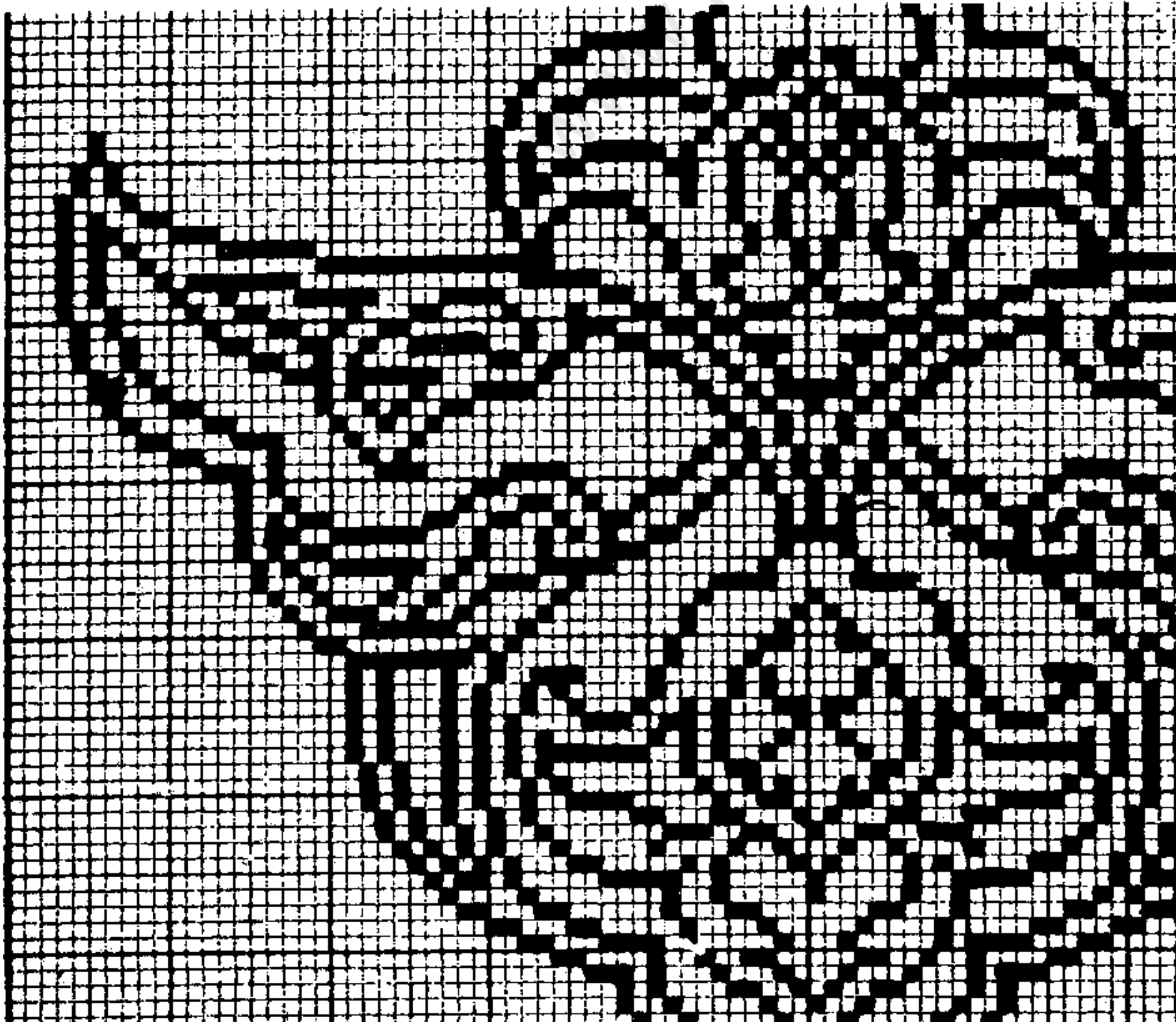
نصرالله خان - بله ، گل بته ، ترنج محراب ،

عکس ... البته هر شهر و منطقه یی يك طرح مخصوص دارد ، مثل طرح ترکمن خراسان و بلوچ و تبریز ...

تلاش - با شرکت فرش ایران هم قراردادی دارید ؟

نصرالله خان ، بله سابقا طرح هایی به آن داده ام ، ولی حالا دیگر همکاری ندارم ، خسته شده ام . می خواهم استراحت کنم .

ترکش کردیم و از خدا سلامت او را خواستیم ...



«زری» بز دائی جواد

نوشته : ابوالقاسم فقیری



آورد باز اخلاقش تغییر نکرد . باز همان
آش بود و همان کاسه و همان عوالم مخصوص
که برای دیگران بیگانه مینمود .
دایی هر وقت سرحال بود حرفهای
خوشمزه می زد ، و همه را میخنداند .
مخصوصا وقتی در جلد ملا ترمه کلیمی
می رفت ، روده تو دل کسی نمی گذاشت
رو بهم رفته لحش گرم بود و خوش صحبت
می کرد . وقتی هم عجبانی میشد شمر به آن
شمریش خلودارش نبود .
آنروز درست تنک ظهر بود ناهار را
شروع کرده بودیم که دایی وارد خانه شد ،
بزی هم بدنالش بزهاج و واج باطراف می
نگریست و هر لحظه نگاهش جایی خیره می
ماند . سرانیز بدنش سفید یکدست بود و
چشمانش زیبایی مخصوص داشت . درست مثل
اینکه در چشمانش سرمه کرده باشند . شاخ
هایش از دو طرف کمان کرده و تقریبا بهم
آمده بود . دایی گفت : ازش خوشم آمد ،
همین امروز خریدمش . من از چیزی که
خوشم نیاد بدستش میارم ، اگه هم دستم
بهش نرسید حسرتش تو دلم برای همیشه می
مونه ، راستی اسمشو «زری» گذاشتم ، می
پسندید ؟
ما که حرفی نداشتیم که بز نیم از این

دایی جواد از خانه بیرون می رفت و
تنک غروب خسته و کوفته به خانه می آمد .
دایی اجاره دار بود . زراعت می کرد . عادت
داشت که کار روزانه اش را هر روز برای
اهالی خانه تعریف کند و بعد از مدتی مثلا
ما می دانستیم که گندمها چقدر رشد کرده اند
و در چه قسمت زمین بیشتر سبز تراست .
چون بهار از راه می رسید شادی دایی
بیشتر می شد . همچون بچه ها خوشحالی می
کرد ، می گفت : برکت تو زمینه ، روزی
هم تو زمینه ، درآمد می خواهی بیا و زراعت
کن ، از يك تخم هفتاد ، هشتاد تخم محصول
برداشت کن ، هیشکه مثل زمین باوفانیست ،
برخلاف آدم ها محبت که بهش بکنی جوابت
و محبت می ده .
میدونی خوب که بهش رسیدی ، بارور
تر میشه .
دایی عاشق کارش بود و بز زمین چون
محبوبی عشق میورزند .
مادر بزرگ معتقد بود : که اگر باندازه بی
که بز میش می رسید بز و بچه اش می رسید
خدا و پیغمبر هم ازش راضی بودند و لسی
زن دایی برای دایی در حکم يك ابزار
بود دایی هر وقت میلش می کشید بجانبش
می رفت . وقتی هم يك پسر کاکل زری برایش

گذشته کی می توانست روی حرف دایی حرفی بزند . همه زری را برسمیت شناختیم و از آن به بعد زری در خانه ما ماندگار و روزی رسید که شد عزیز دل همه . مادر بزرگ می گفت : «دایی جواد در جوانی عاشق دختری بود بنام «زری» که طفلکی جوونمرك شد حالا بخاطره اون اسم بزرش را زری گذاشته که یاد اون را در دلش حفظ کرده باشه»

زری از همه بزها قشنگ تر بود ، اگر هم نبود ما او را این طور میدیدیم . صدایش که می کردی گوشه اش را راست می کرد . جست و خیز کنان بطرف آدم می آمد و از سروکول آدم بالا می رفت . بعدها عادت کرد . که دست بدهد وقتی می گفتند زری خانم دست بده یکی از دست هاشو جلو می آورد . بعضی وقت ها هم روی پاهایش بلند میشد . سرش را میجنباند و دور حیاط راه می رفت و کلی همه را میخنداند .

دایی ، زری خانم ، زری خانمی می گفت که بیا و بین آن وقت زنش حسودیش می شد . شنیدم که می گفت «کاشکی من جای بزرش بودم .» نصف بیشتر قند قندان روزانه خوراك زری بود . البته دور از چشم مادر بزرگ ، ولی مگر چاره می شد کرد ! همه زری را دوست می داشتیم و زری هم ماها را و این رابطه ناگستنی بود . يك زنگوله نقره یی هم دایی برایش خرید . آن وقت راه که می رفت صدای زنگوله اش در حیاط می پیچید . اولها زری را در حیاط زیردرخت زری که به دیوار تکیه داده بود میبستند ولی بعد ها او را آزاد گذاشتند . توی حیاط می گشت . گاهی هم نزدیک به درگاه اتاق می ایستاد و توی اتاق نمی آمد . بعضی وقت ها هم پوزه درازش را میان دو دوستش قرار می داد و همان جا می خوابید و نگاهش رابه اتاق میدوخت برای یکماهی دایی زری را بگله یی که محل کارش بود ، برد . هنگامی که بازخانه برگرداندش همه با تعجب دیدیم که شکم زری ورم کرده و بالا آمده است ، آن وقت فهمیدیم که زری باربرداشته و آبستن است ، و از این که بچه زری را میدیدیم خوشحال شدیم . پستانهایش که شل و ول بودند کم کم مایه دار می شدند و شکل می گرفتند چشمانش حالی مخصوص بخود گرفته بودند ، که زیباتر مینمود . سنگین راه می رفت و وقار خاصی داشت ، از جست و خیزش دیگر خبری نبود . بیشتر اوقات همان زیر درخت رز خوابیده بود و بگوشه یی ذل می زد . گویی میاندیشید به آینده اش و به بچه اش که می زاید .

مادر بزرگ که همیشه و در هر کاری اظهار عقیده می کرد می گفت : حتما «جومولو» (دوقلو) چهاره ، من حاضرم شرط به بندم . دایی هم بهش موافق بود ولی کسی مادر بزرگ را به شرط بستن دعوت

نکرد . زری این آخریها به نفس نفس افتاده بود و بزور خودش را بزمین می کشید . مثل اینکه درد می کشید . آروز آفتاب داشت پاورچین پاورچین از دیوار شمالی خانه ، خودش را بالا می کشید که صدای یع یع زری ملتمسانه بلند شد .

ما بارها صدای زری را شنیده بودیم ولی آنچه که اکنون بگوشمان می رسید . شباهتی به صدای زری نداشت فریادی بود گویی التماس می کرد . بالای سرش که رفتیم صدایش قطع شد . مادر بزرگ باتمسخر گفت :

زری خانم داره باد می خوره چشمتون روشن ، حالا دیگه باید بدنبال ماما برید خنده بلب های هیچ يك از ما نشست . همه نگران زری بودیم و شب از راه می رسید و سیاهی شب همه جا گسترده می شد .

چراغ را روشن کردیم دایی که تازه از راه رسیده بود وقتی زری را دید گفت : «مشکل بتونه آسون بزاد ، اگه کاری دستش نده شانس آورده .» و بعد ما را به اتاق فرستاد و خودش بالای سر زری نشست . از داخل اتاق او را مینگریستیم که با تأثر به زری نگاه می کرد ، بعد چپق دسته نقره یی اش را بیرون آورد . چپق را چاق کرد که بکشد و زری هنوز یع یع کرد . به مادر بزرگ گفتم «حالا چه میشه ؟»

گفت : «می خواهی چه بشه ؟ میزاد دیگه ، تقصیر ندارید چون هرگز ندیده اید .»

داشتم خواب زری و بچه اش را می دیدم که یکهو از خواب پریدم به بیرون نگاه کردم هوا تاریک بود ولی آتش چپق دایی را می شد دید بلند شدم سراغ دایی رفتم ، زری مثل اینکه دیگر رمقی نداشت سرش را روی پایش گذاشته و گویی بچشمانش اشك نشسته بود . به دایی می نگریست . و شکمش سخت بالا و پایین می رفت . دایی گریه می کرد . گفتم : دایی گریه می کنی ؟

گفت : میبینی که گریه میکنم دلم براش میسوزه ، کارش زاره ، شاید بچه تو دلش مرده باشه ؟

منکه همانموقع نگاهم بشکم زری بود ، دیدم چیزی لول خورد بطرفی رفت . گفتم : نه دایی بچه اش زنده است ؟ بعد صدای یع یع زری بلند شد . حرکتی بخود داد . دردش زیاد شده بود داشت بخود می پیچید که دو پای سفید شسته و رفته ازش خارج شدند . دایی فریادی از خوشحالی کشید گفت :

«بین داره مادر میشه ، بچه اش هم باید مثل خودش باشه» آن وقت دیدم که صورت دایی از هم باز شد . اندیشیدم که بزغاله اش اطراف زری میدود ، پستانش را بدنجان می گیرد شیر می خورد . از سرکولش بالا میرود این

طرف و آن طرف جست و خیز می کند سرانجام به این فکر افتادم که دایی بچه زری را بمن خواهد داد . برایش يك زنگوله نقره یی خواهم خرید از صحرا برایش علف خواهم چید ، کلی ذوق کردم و بانتظار بچه زری نشستم .

لحظات ، ما را بجا می گذاشتند و می رفتند از بزغاله زری خبری نبود . بازهم غم را دیدم که در صورت دایی دست کاری می کند .

دایی با تاسف گفت : نه ، این دیگه برای ما مال نیست . حالا دیگه همه اطراف زری جمع بودیم . اضطراب و انتظار به لب های ما مهر سکوت زده بود و تنها مادر بزرگ بود که بی تشویش حرف می زد بین پاهاش بگیر بکش رو بخودت ؟ دایی همین کار را کرد سر بزغاله پیدا شد . بعد هم تمام هیکلش دایی او را کنار زری روی زمین گذاشته بزغاله سفید بود ، بالکهای سیاه در پیشانی اش . بزغاله ضعیف بود و بخود می لرزید . کمی که ماند از جا آرام بلند شد . درست مثل سببی بود که با زری نصف کرده باشند .

زری به بچه اش مینگریست ولی قادر بحرکت نبود بعد يك جفت پای دیگه از زری خارج شد این پاها سیاه بود دایی به توصیه مادر بزرگ او را هم بیرون کشید . رنگ بدنش سیاه بود بالکهای سفید در پیشانی اش دایی گفت : به چنین بزهایی «بزچال» می گویند حالا دیگه زری دراز افتاده بود . آنوقت یادم بقصه «شنگول منگول و دسته گل» افتاد و فداکاری مادرشان ، ولی اینجا جای دسته گل سبز بود که مادر بزرگ رشته اندیشه ام را برید .

— تا حروم نشده سرش را ببر ؟
— ولی دایی گفت : نه این کار را نمی کنم ، دلم میسوزه چطور راضی بشم ؟
— مادر بزرگ که خشمگین مینمود گفت : «این دیگه برای ما بز میشه من گفتم و رفتم خود دانید .»

همانموقع زری حرکتی بخود داد ، چشمهایش را باز کرد ، روی پاهای ناتوانش که بسختی می لرزیدند بلند شد و با زبان زبرش شروع کرد به پاکیزه کردن تن بزغاله ها . بدن بزغاله چون مخمل می درخشید و چشم را خیره می کرد کارش تمام شده بود دوباره دراز کشید . پلکهایش رویهم رفت در حالی که آخرین وظیفه مادری خویش را بانجام رسانیده بود . حالا دیگر خاطری آسوده داشت ، دیدم که رنگ سیمایش باز شد .

لرزشی در دست و پایش پیدا شد و بعد برای همیشه آرام شد .

زری مرده بود . بزغاله ها با کنجکاوی به اطراف مینگریستند . همه مان بغ کردیم و چون داغ دیده ها برلاشه زری گریستیم .

خانم وزیر جواب بدهید

گفتگونی با دکتر فرخرو پارسای وزیر آموزش و پرورش اولین زن ایرانی که به مقام وزارت رسید

● این فرصت را دارم که عناصر اداری را تاحدی از دخالت در کارهای فنی منع کنم.

● به هیچ وجه نباید دروس را به شاگرد تحمیل کرد، بلکه باید زمینه مساعد فکری برای او بوجود آورد که بدون جبر و تنبیه با علاقه و اشتیاق، خود بدنبال فراگیری (برود).

● اگر بچه‌ای بفهمد برای یاد گرفتن تاریخ از چه راهی باید استفاده کند، دیگر از خواندن و فراگرفتن درس تاریخ این قدر عذاب نخواهد کشید که در دل، آرزو کند یکاش هیچ واقعه مهمی در دنیا اتفاق نیفتد، چرا که چند صفحه به کتاب تاریخ افزوده می‌شود.

● باید اول از بچه‌ها یک شخصیت حقیقی ساخت، بعد آموزش از راه رادیو، تلویزیون، سینما و کتاب کار بسیار آسانی خواهد بود.

● باید گفت که وزارت آموزش و پرورش نمیتوانست با آن حجم کار به تنهایی به همه امور رسیدگی کند.

● این عده را که ما استخدام می‌کنیم بنام آموزگار سپاهی مشغول کار می‌شوند و دیگر در خدمت وزارت جنگ نیستند این عده ملبس به لباس‌های مخصوص هستند که از بقیه آموزگاران تمیز داده شوند. تاکنون ۴۳۰۰۰ نفر سپاه دانش به روستاها رفته‌اند و از این عده ۱۷۰۰۰ نفر به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمده‌اند.

● دختران سپاهی که تعدادشان به ۲۰۰۰ نفر می‌رسد اکنون در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها مشغول دیدن دوره تعلیماتی هستند.

● اگر در یک ماده درسی اکثر شاگردان نتوانستند نمره بیاورند این نقص معلم است نه شاگرد.

● بدست آوردن معیار کار شاگرد و معلم هر دو است نه شاگرد تنها



تلاش — می‌گویند طرح‌ها و پروژه‌های مختلفی از طرف کارشناسان ایرانی و خارجی برای عوض شدن روش تعلیم و تربیت در ایران تسلیم وزارت آموزش و پرورش شده ولی متأسفانه اکثر این پروژه‌ها به بعضی جهات پیاده نشده . حال که به این مقام رسیده‌اید باتوجه به فعالیت‌هایی که شما در امور اجتماعی به‌خصوص پرورش نونهالان و دانش‌آموزان دارید و باتوجه به این‌که سال‌های زیادی است که در آموزش و پرورش خدمت می‌کنید و حتی قبل از این‌که به مقام وزارت برسید ، معاون این وزارتخانه بودید ، چه تصمیمی در مورد اجرای این پروژه‌ها و عوض کردن روش تعلیم و تربیت و برطرف کردن مشکلات مالی و همین‌طور کمبود دبیر و معلم گرفته‌اید ؟

دکتر پارسای — باید عرض کنم ، بله ، این موضوع تاحدی صحیح است و متأسفانه نه تنها وزارتخانه ما بلکه تمام وزارتخانه‌ها گرفتار چنین مشکلاتی بوده‌اند چرا که اصولاً کارهای فنی در مملکت ما تا قبل از انقلاب آموزشی تحت الشعاع امور اداری قرار می‌گرفت . یک متخصص برای بوجود آوردن یک طرح و یا پروژه و یا ماکت آن وقت زیادی صرف می‌کرد ، با علم به این‌که بعضی از این طرح‌ها و ترها واقعا مفید و قابل استفاده بود ، ولی چون بایک اشکال اداری مواجه می‌شد ، انجام نمی‌گرفت . حالا این اشکال تراشی یا واقعا قانونی بود یا غیر قانونی ، و به این ترتیب تمام زحماتی که آن مهندس یا کارشناس کشیده بود از بین می‌رفت . تمام خوشبختی من این است که بعد از انقلاب آموزشی به این سمت منصوب شدم و این فرصت را دارم که عناصر اداری را تاحدی از دخالت در کارهای فنی منع کنم .

به این جهت من برنامه کارم را به دو قسمت تقسیم کرده‌ام : ۱ — رسیدگی به مسائل اداری که فکر می‌کنم در تمام وزارتخانه‌ها تقریباً یکسان است ، چرا که هر مؤسسه و اداره‌ای احتیاج به یک کارگزینی ، حسابداری و قسمت‌های دیگر برای کارکنانش دارد و همین‌طور قسمت‌های فنی برای تهیه طرح‌ها و ترتیب عوامل اجرای آن . این دو قسمت نباید هیچ ارتباطی با یکدیگر پیدا کنند . به این ترتیب در سازمانی که به وزارت آموزش و پرورش دادم بطور کلی واحد مالی و بودجه را از واحد‌های مطالعاتی و آموزشی جدا کردم این جدایی به این صورت است که اگر یک طرح آموزشی در شورای معاونین قبول شد واحد مالی یا اداری حق ندارد آن را موکول کند به تصویب قوانین یا مقرراتی که قبل از آن وجود نداشته و یا این‌که برای یافتن راه مناسب و پیاده کردن آن تر تعلل ورزد . تلاش — خوب باتوجه به این مساله که کارها و امور اداری مانع پیشرفت پروژه

ها می‌شود چه نقشه‌ای دارید که از این کار جلوگیری کنید .

دکتر پارسای — به طور کلی به نظر من مرکز ، وزارتخانه محل قدرت‌نمایی اداری برای استان‌ها نیست بلکه باید یک مرکز فنی باشد . به این ترتیب که طرح‌ها و پروژه‌های مفید و قابل استفاده در مرکز تصویب شود و به استان‌ها ارجاع گردد . بهمین جهت طی تصویب نامه‌ای که در آذر ماه به استان‌ها ابلاغ کردیم ، حدود کار رؤسای استان‌ها و وسعت بیشتری یافت و اختیارات زیادی بآنها داده شد و خوشبختانه جلوی گله عده‌ای از هم‌کاران فنی مانگرفته شده ، چرا که بعضی معلمین ما معتقدند که نباید تحت فرمان رئیس مدرسه که یک کارمند اداری است کار کنند ، در حالی که کار این دو گروه اصلاً به هم ارتباطی ندارد ، چون رئیس مدرسه باید امکانات لازم مثل میز و نیمکت و محیط مناسب فراهم کند و معلمین در شرایطی که مدیر دبستان بوجود آورده بکار خویش مشغول شوند و اصولاً کار این دو طبقه از لحاظ فنی به هم مربوط نیست . برای مثال می‌بینم آموزگاران هستند که حدود سابقه و معلوماتشان خیلی زیادتر از رئیس مدرسه است و کوشش من این است که بین این دو دسته ، که هر کدام در حد خودشان قابل احترام و در کارشان متخصص هستند ، مناسبات بهتری بوجود آورم تا در نتیجه این تفاهم ، طرفین مشکل گشای یک دیگر باشند .

تلاش — از رکن اصلی یعنی دانش آموزان سخنی به میان نیاوردید ، بنابراین بما بگویید برنامه درس شاگردان چرا تا این اندازه متغیر است ؟

دکتر پارسای — فراموش نشود که هدف از بوجود آوردن چنین تشکیلاتی اصولاً برای آماده نمودن کودکان برای زندگی بهتر در آینده است . باید در نظر داشت که برنامه‌های آموزشی هر مملکتی دائماً باید در حال تغییر و ارزش یابی باشد . یک کتاب درسی که امروز مورد استفاده قرار می‌گیرد باتوجه به سرعت ترقیات علمی ممکن است حتی برای سال آینده کاملاً مفید و قابل استفاده نباشد .

بنابراین علاوه بر این‌که وظیفه ما زمینه سازی ذهن دانش آموز برای پذیرش علوم مختلف است ، موظفیم علومی را باو یاد دهیم که بتواند از آن استفاده کند . فلسفه من در مورد آموزش اطفال براین مبنا قرار گرفته است که به هیچ وجه نباید دروس را به شاگرد تحمیل کرد بلکه باید زمینه مساعد فکری برای او بوجود آورد که بدون جبر و تنبیه باعلاقه و اشتیاق خود بدنبال فراگیری برود . من همیشه سعی کرده‌ام معلمین را متوجه این امر مهم بکنم و باید تمام برنامه‌های تعلیماتی و تربیتی براین پایه استوار شود . باید شاگرد را از

ابتدا آماده کنیم که دارای نظم فکری باشد و همین طور تفاوت کارهایی که بازده آن دیر برمی‌گردد با کارهایی که فوراً از آن نتیجه حاصل می‌شود باو یاد دهیم . باو بگوئیم که اصولاً برای رسیدن به هدف‌هایش از چه وسایلی استفاده کند و چه چیزهایی برای پیش برد امور زندگی لازم دارد . ما اگر بتوانیم در دوره ابتدائی این مسائل را به کودکان یاد دهیم مطمئناً آموزش خیلی سریعتر و آسان تر خواهد شد . یعنی اگر بچه‌ای بفهمد برای یاد گرفتن تاریخ از چه راهی باید استفاده کند دیگر از خواندن و فرا گرفتن درس تاریخ این قدر عذاب نخواهد کشید که در دل آرزو کند یک‌کاش هیچ واقعه مهمی در دنیا اتفاق نیفتد چرا که چند صفحه به کتاب تاریخ افزوده می‌شود . معلم باید به شاگرد بفهماند که هدف از درس خواندن چیست و برای رسیدن به این هدف باید از چه راهی استفاده کند .

تلاش — خانم پارسای تاکنون برای عملی شدن گفته‌های شما طرحی پیاده شده است ؟

دکتر پارسای — بله ، مثلاً روشی که این روزها برای یاد دادن درس ریاضی به کار برده می‌شود نمونه روشنی است . این طرح به این صورت اجرا می‌گردد که آموزگار حل مساله‌ای را به شاگرد می‌دهد و از او می‌خواهد که برای آن صورت بنویسد . این کار برعکس آن چه که در گذشته بود انجام می‌شود طبیعی است که هر بچه‌ای برای این حل ، یک نوع صورت می‌نویسد ما از این کار چند نتیجه می‌گیریم :

اولاً صورت مساله را دانش آموز مطابق ذوق و سلیقه خود می‌نویسد و بدین ترتیب آموزگار ذوق و استعداد شاگرد را می‌فهمد . بعلاوه وحشت دانش آموز برای حل مساله از بین می‌رود و گذشته از این‌که یک نظم فکری برشاگرد محیط می‌شود ، یک همکاری و تبادل نظر صمیمانه هم بین شاگرد و معلم بوجود می‌آید .

تلاش — بعضی از بچه‌ها فکر می‌کنند در این دنیا قادرند به تنهایی و یا باتکیه به زور بازو زندگی کنند . آیا وزارت آموزش و پرورش به فکر یافتن راهی هست که صحیح و منطقی زندگی کردن را به کودکان یاد دهد ؟

دکتر پارسای — بله ، وزارت آموزش و پرورش در این فکر هم هست و بدین علت است که در این وزارتخانه شورائی بوجود آوردیم به نام شورای عالی امور تربیتی ، لازم است در اینجا متذکر شوم علیاحضرت شهبانو برای ایجاد چنین شورائی خیلی مرا تقویت و تشویق فرمودند . شورای تربیتی تمام اموری را که به نظم فکری ، ایجاد همکاری ، قدرت حافظه و قدرت فراگیری کودکان کمک می‌کند مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهد و نتیجه مطلوب را به مدارس ارائه

می‌دهد. افرادی که در این شورای شرکت دارند اغلب از سازمان‌های ملی مثل سازمان پیش‌آهنگی، سازمان شیر و خورشیدسرخ، کانون پرورش فکری کودکان و سازمان‌های مختلف هنری هستند. البته پروژه‌هایی که در این شورای تصویب می‌شود به مدارس ارجاع می‌گردد. این برنامه از یک جهت جنبه اجباری دارد چرا که باید شاگردان حتما در این فعالیت‌ها شرکت کنند از یک جهت هم اختیاری است، چون در انتخاب نوع فعالیت آزادی دارند.

آرزوی من این است که شاگرد یک کتاب متحرک نباشد و همان طور که در طول مدت تدریس به شاگردان می‌گفتم که وقتی وارد جمعی می‌شویم از ما نخواهند پرسید که فرمول گازها برحجم چیست یا حل مسائل منحنی چگونه است بلکه معیار قضاوت آنان، رفتار و گفتار ماست. بعقیده من باید اول از بچه‌ها یک شخصیت حقیقی ساخت، بعد آموزش از راه رادیو، تلویزیون، سینما و کتاب کار بسیار آسانی خواهد بود.

تلاش - چند سالی می‌شود که شایع است وزارت آموزش و پرورش می‌خواهد دوره ابتدائی و متوسطه را تقلیل دهد در این باره نظر شما چیست آیا با آن موافق هستید و آیا اصولا این پروژه پیاده می‌شود؟

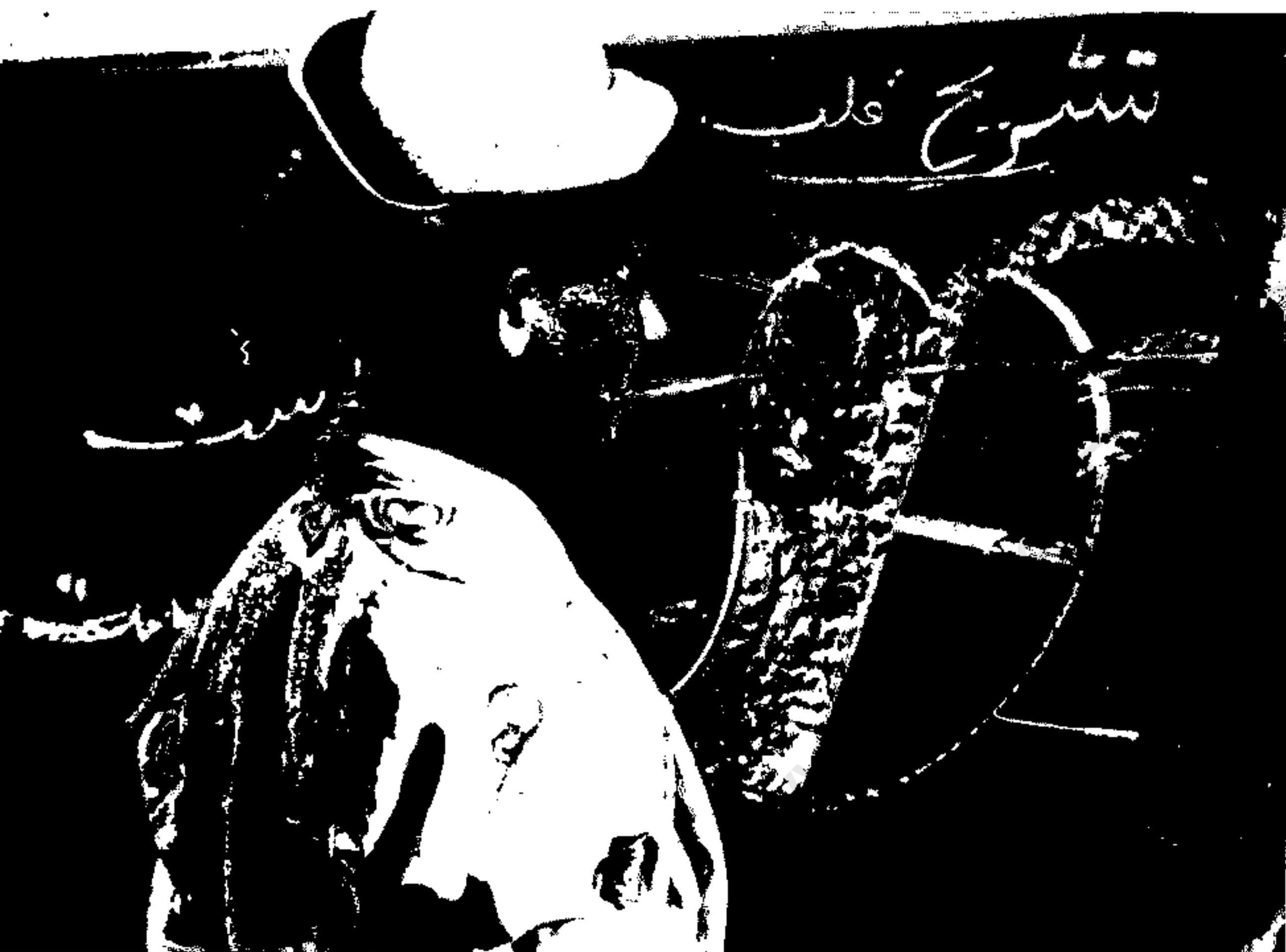
خانم پارسای - نظام جدید آموزش و پرورش در ۳ مرحله اجرا می‌شود مرحله اول که ۳ سال آن اجرا شده و سال چهارم آن در حال تدوین است و مطابق این نظام دوره ابتدائی ۵ ساله خواهد بود که در این دوره ما سعی می‌کنیم آموزش و پرورش برچند اصل استوار شود یکی اصل تربیتی بدین ترتیب که از نیروی فکری دانش آموز استفاده کنیم تا بتواند با نظم و دقت بیشتری کار کند. در این مرحله آموزش ابتدائی کودک خواندن و نوشتن و مبادی اولیه ریاضی و حتی آموختن هنر‌هایی که ذوق و سلیقه‌ای در آن دارند و به موازات تربیت روحی و فکری تقویت جسم کودک و یاد دادن ورزش‌ها و بازیهای مختلف باوبرای تربیت بدنی، بعد از این ۵ سال یک دوره ۳ ساله‌ای خواهد بود که از نظر وزارت آموزش و پرورش اهمیت فراوانی دارد. که به آن دوره راهنمایی می‌گوئیم. که سعی می‌کنیم علاوه بر آموزش کودک او را در کارگاه‌هایی کاملا آزاد بگذاریم در نتیجه دانش آموزان به طرف کار‌هایی می‌روند که دوست دارند و می‌توانند در آن پیشرفت کنند. ما در این کارگاه‌ها به نصب وسایل مکانیکی اکتفا نخواهیم کرد بلکه کتابخانه و کتاب‌های مختلف نیز جزء کارگاه خواهد بود. همین طور مجالس سخنرانی، کارگاههای موزیک و کارهای دستی برای این که ببینیم کودکان به کدام دسته از این کارها رغبت نشان می‌دهند. مشکلی که به وجود می‌آید این است که آن

صفحه شصت و ششم

کاری را که بچه به طرفش می‌رود با آنچه که ذوق و سلیقه‌اش می‌خواهد وفق نمی‌دهد. مثلا در این آزادی دانش آموز ممکن است به طرف کارهای دستی برود و عملا معلم می‌بیند که در این رشته ذوق و استعدادی ندارد برعکس می‌تواند ساعت‌ها در کتابخانه بنشیند و یک کتاب ادبی و یا ریاضی یا علمی را مطالعه کند و باین ترتیب راهنمایی او آسان خواهد شد. این دوره ۳ سال است. و ما باید برای این دوره معلمینی تربیت کنیم که واقعا واجد تمام شرایط یک معلم خوب باشند به اضافه این که قلبا باید به کارشان ایمان و اعتقاد داشته باشند، بعد از این دوره ۳ ساله یک دوره متوسطه ۴ ساله وجود دارد که دروسش به ۳ قسمت تقسیم می‌شود یکی دروس نظری مثل ریاضی، طبیعی، ادبی، و یکی دروس عملی که شامل تمام رشته‌های

۱۳۴۷ در اختیار وزارت آموزش و پرورش گذاشته شده بود برای کلبه برنامه‌های تدوین شده کافی بود و آیا در سال ۱۳۴۸ بودجه بیشتری برای این وزارتخانه در نظر گرفته شده است در صورتی که جواب شما مثبت است بنا بگوئید چه طرح‌های تازه‌ای دارید که می‌خواهید در این برنامه از آن استفاده کنید

خانم پارسای - سؤال شما را باید در دو قسمت جواب دهم یکی در مورد برنامه‌های آموزش که دائما در حال تغییر و تبدیل است و حتی برنامه ۵ ساله و ۴ ساله و ۳ ساله راهنمایی را هم که ماعنوان کردیم از نظر متن برنامه مرتبا در تغییر خواهد بود اما از نظر پیش‌بینی افرادی که در طی یک برنامه عمرانی تحصیل خواهند کرد ماهیچه مورد گله سازمان برنامه‌هستیم چون از برنامه‌ای که برای توسعه



این کودک عشایری طرحی از داخل قلب کشید که مایه شگفتی خانم دکتر پارسای گردید

حرفه‌ای می‌شود و متوسطه هنری که شامل تمام رشته‌های هنری می‌شود در این جا تصمیم داریم رشته دیگری بنام تربیت معلم درست کنیم که اگر دیدیم در کودکی ذوق معلمی وجود دارد هدایتش کنیم به کلاس‌ها. این اصول روش جدیدی است که برای تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش در نظر گرفته است. فعلا ۳ سال ابتدائی آن عملی شده و بتدریج پیش خواهد رفت و ما فکر می‌کنیم در سال ۱۳۵۰ اولین کلاس راهنمایی مان تشکیل شود و فعلا مشغول تربیت معلم برای این دوره هستیم.

تلاش - آیا برنامه جدید طول‌المدتی برای تعلیم و تربیت در نظر گرفته‌اید یا باز هم مطابق معمول هر سال از طرح‌ها استفاده می‌شود. آیا بودجه‌ای که در سال

کارهای تعلیماتی و تربیتی مملکت برای ماتعین می‌شود پافرا تر می‌نهییم و این گناه ما نیست چرا که مردم استقبال می‌کنند چنانکه اختلاف پیش‌بینی ما با حقیقت در برنامه سوم نزدیک ۷۰۰ هزار تن دانش آموز بود یعنی بر تعدادی که به طور تقریبی برای دبستان‌ها در نظر گرفته شده بود تا باسواد شوند در طول چهار سال ۷۰۰ هزار نفر اضافه شدند به طور مثال در مورد بودجه سال ۴۸ و برنامه چهارم باید بگوئیم که برای ما در طی ۵ سال ۴۰۰۰۰ هزار نفر سپاهی دانش پیش‌بینی شده بود در حالیکه ما در اولین سال برنامه چهارم از وجود یازده هزار سپاهی استفاده کردیم و این اختلاف فاحش به خاطر استقبال مردم بود و ماسعی داریم که از استقبال مردم کمال استفاده را بکنیم.

در برنامه چهارم پیش‌بینی شده است که امور مالی مدارس ابتدائی به شهرداری‌ها واگذار شود، نه این که صد درصد از بودجه شهرداری استفاده شود، ولی با کمک مالی دولت و شهرداری امور مالی دبستان‌ها تأمین گردد و چون مردم هم در این تأمین سهم خواهند بود در نتیجه ممکن است بین مردم نقاط مختلف رقابتی بوجود آید که سبب پیشرفت کار آموزشی شود. در نتیجه تعلیمات عمومی نظری را به مردم واگذار می‌کنیم و ما بیشتر هم خود را صرف کارهای حرفه‌ای می‌کنیم باید بگوییم که به مدارس غیر دولتی با روش صحیحی کمک خواهیم کرد. همین طور کمک‌های قابل توجهی هم به محصلین با استعداد و بسی بضاعت خواهند شد و دولت خود را در مورد کمک به این طبقه ملزم می‌داند. فکر می‌کنم این طرح تا آخر برنامه پنجم به طول بیانجامد و کار عمده ما تعلیم معلم است، چرا که فکر می‌کنم ساختن مدرسه و میز و نیمکت را هر کسی می‌تواند انجام دهد ولی تربیت و تعلیم معلم کار هر کسی نیست و من کوششم بیشتر بر پایه تربیت معلم است به خصوص که منظور ما تربیت و تعلیم همه مردم است یعنی تربیت معلم برای کودکان استثنائی، تربیت معلم برای کودکان معمولی و دبیرستان‌ها و همین طور افرادی که نقص عضو دارند یعنی کرها و لالها و افراد کم‌هوش.

تلاش - خواهش می‌کنم بگوئید رابطه وزارت آموزش و پرورش با وزارت علوم چگونه است، آیا اختلاف نظر هائی در امر آموزش ابتدائی و عالی بین طراحان و گردانندگان این دو دستگاه وجود دارد؟ با توجه به اینکه کار شما ساختن زیربنای تعلیمات عالی جوانان است.

خانم پارسای - باید عرض کنم که وزارت آموزش و پرورش در حقیقت مادر بسیاری از وزارتخانه‌هاست مثل وزارت فرهنگ و هنر سازمان اوقاف و وزارت آموزش عالی. اما قبول بفرمایید که در گذشته برای وزارت آموزش و پرورش جز رسیدگی به ۵۰۰ مدرسه و یک دانشسرای عالی و دانشگاه تهران که یک نهال نو سال بود مسؤولیت دیگری وجود نداشت در آن دوره اداره چنین موسساتی برای وزارت آموزش و پرورش امکان داشت چون حوزه کارش به صورت کنونی گسترده نبود اما در چند سال اخیر تنها تعداد شاگردان دبستان‌ها به چهار میلیون نفر رسیده و ما در دبیرستان‌ها ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر دانش آموز داریم تعداد دانشجویان بالغ بر ۵۰۰ هزار نفر شد، می‌توانید تصور کنید که کادر اداری و تعلیماتی باید چه حجمی بخود بگیرد. ناگزیر و بدون شک در هر تحولی برای یک عده ناراحتی بوجود می‌آید حتی انسان وقتی بنا به میل و علاقه خود خانه جدیدی می‌خرد در موقع

اسباب کشی از خانه قدیم یک مقدار انس و عاطفه احساس می‌کند که در نتیجه مستلزم ناراحتی روحی او می‌شود ولی باید توجه کرد که این ناراحتی موقت است موقع جدا شدن وزارتخانه‌های فوق از وزارت آموزش و پرورش مقداری ناراحتی برای اشخاص به وجود آمد ولی باید گفت که وزارت آموزش و پرورش نمی‌توانست با آن حجم کار به تنهایی به همه امور رسیدگی کند و با توجه به این که فعلاً در مملکت بیش از ۱۰ تا ۱۲ مدرسه عالی وجود دارد و با وجود این که تا حدی در امور داخلی استقلال دارند (که وزارت علوم موظف به رسیدگی کار آنهاست) برای ما که موظف به رسیدگی به کارهای بیش از ۳۰ هزار مدرسه هستیم طبیعی است که نمی‌توانستیم مسؤولیت دانشکده‌ها را هم بعهده بگیریم چرا که به کار هیچ یک از این دو قسمت نمی‌رسیدیم بنابراین این جدائی یک امر کاملاً ضروری بود و اگر این جدائی بوجود نمی‌آمد همان طور که تصمیم گرفته شده بود می‌بایست یک قسمت کاملاً مجزا بوجود بیاید و کاملاً روشن است که نمی‌توانست وظایف خود را به این خوبی انجام دهد.

اما در مورد همکاری بین وزارت آموزش و پرورش و وزارت آموزش عالی معتقدم باید چنین همکاری و رابطه‌ای وجود داشته باشد، چه شخص من و وزیر علوم بخواهیم و چه مایل به این همکاری باشیم، ولی خوشبختانه تفاهم کامل برقرار است و همکاری ما توسط شورائی است که با همکاری مشترک ما و وزارت علوم بوجود آمده و طرح‌هایی که برای آموزش آماده می‌گردد تحت نظارت هر دو موسسه تصویب می‌شود از طرف دیگر ما مجبوریم برای تربیت معلم باهم همکاری داشته باشیم. آموزش معلم از یکطرف وظیفه وزارت علوم است و استخدام و استفاده از تجربیات معلم با ماست. خوشبختانه در سایه این تفاهم که اکنون در حد کمال است. با این که مواد آئین نامه شورای مذکور تمام شده من به طور خصوصی هفته‌ای یکی دوبار با آقای وزیر علوم و کارشناسان هر دو وزارتخانه به گفتگو در مورد کارها می‌نشینم و چون هدف ما یکی است بنابراین اختلافی پیش نمی‌آید.

تلاش - بما بگوئید در حال حاضر چند هزار سپاهی در ایران مشغول کار هستند آیا تاکنون آماری از نتیجه کار سپاهیان دانش گرفته شده است؟ خواهش می‌کنم نتیجه کارها را در اختیار ما بگذارید. ضمناً اخیراً شنیدیم که وزارت آموزش و پرورش تصمیم گرفته سپاهیان دانش را استخدام کند و در نتیجه اختلاف‌هایی بوجود آمده. در این مورد چه پاسخی دارید؟

خانم پارسای - همان طور که می‌دانید اصولاً سپاهیان دانش افرادی هستند که برای خدمت نظام وظیفه احضار می‌شوند

عده‌ای از این احضار شدگان که تعدادشان بستگی به احتیاج وزارت آموزش و پرورش دارد به این وزارتخانه منتقل می‌شوند که عده‌شان به طور تقریبی سالیانه در حدود ۹۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر است و در دو نوبت یکی در فروردین و یکی در مهر ماه به وزارت آموزش و پرورش فرستاده می‌شوند. این عده ۶ ماه دوره تعلیماتی می‌بینند. برای سپاهیان در این مدت تعلیمات ضروری نظامی و تعلیمات آموزشی تعیین شده که انجام می‌دهند این عده شبانه روزی هستند و تحت کنترل مستقیم آرتش اداره می‌شوند. بعد از این ۶ ماه وزارت آموزش و پرورش به موجب قانون آن‌ها را مأمور آموزش در دهات مختلف می‌کند. از سال ۱۳۴۲ که این طرح تصویب شد تعداد سپاهیان که به روستاها رفته‌اند به ۴۳۰۰۰ نفر رسیده است باید به اطلاعات برسانم که ما سالیانه ۱۰۰۰۰ سپاهی به روستاها می‌فرستیم که به استخدام وزارت آموزش و پرورش در نمی‌آیند و فقط در سال حدود ۲۰۰۰ الی ۴۰۰۰ نفر را استخدام می‌کنیم. این استخدام به این صورت انجام می‌گیرد که کار سپاهیان در مدت خدمتشان ارزیابی می‌شود یعنی صفات و اخلاق و رفتار و طرز تدریس و تربیت شان مورد دقت و تحقیق قرار گرفته می‌شود و اگر در این موارد نقاط مثبت داشته باشند و خودشان هم طالب استخدام در وزارت آموزش و پرورش باشند ما آن‌ها را استخدام می‌کنیم در خاتمه خدمت به هر سپاهی یک دفترچه داده می‌شود که به رفتار، طرز تدریس، تربیت، چگونگی مواجه شدن آنان با روستائیان و محبوبیتی که در میان روستائیان کسب کرده‌اند، نمره داده‌ایم سپاهی می‌تواند حتی به نمرات ما اعتراض کند که مثلاً در این مورد شما چرا این نمره را به من داده‌اید و ما دلیل کافی در اختیارش می‌گذاریم. این عده را که ما استخدام می‌کنیم بنام آموزگار سپاهی مشغول کار می‌شوند و دیگر در خدمت وزارت جنگ نیستند. این عده ملیس به لباس‌های مخصوص هستند که از بقیه آموزگاران تمیز داده شوند تاکنون ۴۳۰۰۰ نفر سپاه دانش به روستاها رفته‌اند و از این عده ۱۷۰۰۰ نفر به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمده‌اند. دختران سپاهی که تعدادشان به ۲۰۰۰ نفر می‌رسد اکنون در مرکز استان‌ها و شهرستان‌ها مشغول دیدن دوره تعلیماتی هستند. به موجب قانون تعیین محل خدمت به عهده خودشان خواهد بود و در موقع ثبت نام محل اقامت خویش را تعیین می‌کنند. خوشبختانه بیش از ۱۰۰۰ نفر از این عده داوطلب خدمت در روستاها شده‌اند و اگر هم خواستند در بخش‌ها و شهرستانها خدمت کنند از نظر ما هیچ اشکالی ندارد چرا که از وجود سپاهیان دانش مرد در روستاها استفاده می‌کنیم.

وحشت دانش آموز از امتحان پایه و اساس درستی ندارد. مگر این که فکر کنیم اعتمادی که باید به کار خود داشته باشد وجود ندارد و به همین علت است که عده ای از شاگردان در مورد امتحان تا این اندازه نگران و نا آرام هستند. ولی باید بگوییم متأسفانه بچه ها و خانواده ها هم اصرار بی خود دارند که بچه ها گواهی به دانستن چیزی کنند که واقعا از آن بی اطلاع هستند. خانواده ها نباید فراموش کنند که همه دانش آموزان دارای يك استعداد مساوی نیستند مثلاً درسی را يك دانش آموز در طول ۳ ماه می تواند یاد بگیرد و دیگری حتی قادر نیست در طول ۹ ماه بیاموزد و اصرار هم دارند که این دو دسته حتما در يك موقع امتحان بدهند و هر دو هم باهم موفق شوند. ولی در برنامه های جدید تصمیم داریم فرصت بیشتری برای امتحان دادن به دانش آموز بدهیم و حتی در سال های گذشته ماده ای در قانون بود که اگر شاگردی در سه یا چهار ماده تجدیدی بیاورد، مردود است. این قانون را من بکلی از بین بردم و به این صورت در آوردم که اگر دانش آموزی از مجموع نمراتش بتواند معدل ده بیاورد قبول است منتهی از هر چند که درس نمره کمتر از ده آورده باشد تجدید است و باید در امتحانات تجدیدی شهریور شرکت کند. برای این که بنظر من ۳ ماه برای یاد گرفتن وقت زیادی است و انصاف نیست

در برابر این جمع گروهی هم هستند که مشوق کارها و خدمات شما باشند؟
دکتر پارسای - درست است که در بعضی از مواقع شاید اندك خستگی، از توقعات مردم، در ما بوجود آید اما مردم همراه توقعاتشان امکانات زیادی بماندهند. در سال گذشته من حساب کردم مردم چه با پرداخت عوارض شهرداری چه با دادن خانه و زمین و وسایل کار آموزش و پرورش بمانده اند و می توان گفت يك سیستم کار وزارت آموزش و پرورش را تقلیل داده اند. این همکاری گذشته از این که خستگی را از بین می برد احساس مسئولیت بیشتری در ما بوجود می آورد حالا وقتی ما به دهی قدم می گذاریم مثل سابق مردم طلب جو، گندم و پول نمی کنند، بلکه طالب مدرسه و معلم و حمام و وسایل تعلیم و تربیت برای بچه هایشان هستند. برای مثال یکی از سپاهیان دانش که دوره خدمتش تمام شده بود برای من نوشت که «مردم به من اجازه نمی دهند از شهر خارج شوم چون معتقدند که بین رفتن من و آمدن سپاهی تازه وقفه خواهد افتاد و در نتیجه بچه های ما از درس خواندن عقب می مانند». این سپاهی نوشته بود: «مردم حاضر شده اند خودشان حقوق مرا بدهند تا زمانی که سپاهی دیگری بجای من بیاید». من فکر می کنم این همان انقلابی است که شاهنشاه آریامهر طالب آن بوده اند.

تلاش - بسیاری از خانواده ها نگرانی شدید خود را از بردن دختران به شهرستان ها به عنوان سپاهی دانش ابراز داشته اند. این عده از پدران و مادران معتقد هستند که هنوز وضع اجتماعی ما اجازه نمی دهد که يك دختر تنها به روستا یا شهری غریب برود و بدون سرپرست و به تنهایی مدت یکسال در آن نقطه زندگی کند و به کار تدریس مشغول باشد و دلیل شان این است که این کار موجب انحراف اخلاقی دخترانشان می شود. حال با توجه به این عقیده شما چه اقداماتی می خواهید انجام دهید؟

خانم پارسای - ببینید دختران به هیچ وجه ملزم به انجام این کار نیستند یعنی دختری که نمی خواهد کار دولتی بکند یا قصد ازدواج دارد می تواند از این خدمت صرف نظر کند ولی اگر کسی بخواهد وارد کارهای دولتی بشود و از مزایای کارهای دولتی بهره مند گردد مجبور است کاری را هم که دولت از او می خواهد انجام دهد. ولی مطلب دیگری که باید بگوییم این است که ما امسال مجموعاً با سپاهیان بهداشت در حدود ۱۰۰۰۰۰ داوطلب داشتیم که فقط ۲۸۱۵ نفر را از طریق قرعه کشی برگزیدیم و بقیه را معاف کردیم در حالیکه بقیه داوطلب بودند و اگر می خواستیم احضار اجباری کنیم، با توجه به تعداد دختران دیپلمه، از ۱۹۰۰۰ نفر هم متجاوز می شدند. مسئله دیگر این که آیا خانواده هایی که از این وضع گله می کنند خانواده همین دختران هستند و یا کسانی هستند که نگران آینده دختران خویش می باشند و می ترسند بعد از این که دخترشان دیپلمه شد، احضار شود. ولی مساله این است که ما در بسیاری از روستا ها و شهر ها نیاز شدید خود را به آموزگاران دختر احساس می کنیم چرا که ذاتاً زنان بهتر می توانند در کار مواجهه با کودکان و تعلیم و تربیت آنان دقت و پیشرفت کنند و موفق باشند. خوب ما متوجه این مساله هم هستیم که يك دختر تنها

را به روستا نفرستیم. نه از این نظر که این دختر سپاهی امنیت ندارد بلکه از این جهت که ممکن است نتواند این تنها زندگی کردن را پذیرا شود چون جوان است. بنابراین برای روستا ها ما از يك اکیپ دختر سپاهی استفاده می کنیم که به اتفاق يك سرپرست به روستا ها بروند. آنها روز ها به تدریس در نقاط مختلف مشغول خواهند بود ولی همه در يك جا و باهم زندگی خواهند کرد.

تلاش - عده ای از پدران و مادران از وضع تعلیم و تربیت و تدریس آموزگاران ناراضی هستند. آنها معتقدند که وزارت آموزش و پرورش نتوانسته آنطور که باید و شاید وظیفه و مسئولیت خویش را انجام دهد. آیا گفته این عده که به نظر آدم های افراطی می رسند، صحت دارد و آیا



کودکان عشایری بهنگام سرود خواندن

که ما این امکان را به آنها ندهیم و ۱۵ ماه از زندگی او را بگیریم. من در گفتگویی که با معلمین داشتم به آن ها گفتم اگر در يك ماده درسی اکثر شاگردان نتوانستند نمره بیاورند این نقص معلم است نه شاگرد و گذشته از این امتحان بدست آوردن معیار کار شاگردان و معلم هر دو است نه شاگرد تنها امیدوارم تفاهم بهتری بین شاگرد و معلم بوجود آید.

تلاش - خانم دکتر پارسای بماند بگوئید آیا روش مخصوصی در کار داشتید که باعث رسیدن شما به این مقام شد یا این که

دکتر پارسای - من تصور می کنم

عوامل و اتفاق هائی سبب گردید که شما از مقام دبیری به مقام وزارت برسید ؟

دکتر پارسای - باید عرض کنم که خیلی از مسائل در مملکت ما باور نکردنی نبود از جمله تحولات اخیر مملکت که ایران را از صورت فتودالیه بیرون آورد . البته منهم بنابر همان رسوم قدیمی تصور نمی کردم که این امکان برایم بوجود بیاید برای این که در سال های قبل از انقلاب بزرگترین سمت آموزشی برای يك زن ریاست يك موسسه فرهنگی یا دبیرستان بود . در مورد این که من بدلیل لیاقت و کارم به این منصب رسیدم و یا این که يك زنی می بایست به این جا می رسید ؟ ممکن است از آقای نخست وزیر سؤال کنید اما در این جا من يك جمله از فرمایشات شاهنشاه را در هنگام شرفیابی حضور ایشان می گویم که فرمودند : «وزیر شدن شما از این جهت نبود که مامی خواستیم زنی به این مقام برسد ، بلکه از این جهت بود که خواستیم شخصی که در کار آموزش و پرورش وارد است و خدمت خود را در تمام سنوات خدمتش در این زمینه انجام داده بعهد بگیرد و چه بهتر که این مقام را به زنی بدهیم که بصورت يك مادر در مورد تعلیم و تربیت بچه ها فعالیت کند .»

ضمناً باید عرض کنم که از هیچ نوع صمیمیت و پشتیبانی که اغلب بین جوان ها از آن بنام پارتی یاد می شود برخوردار نبودم . در ۴۶ سال قبل چون مادرم مطالبی در مورد تساوی تربیت پسر و دختر در روزنامه ای که مال خودش بود نوشت از تهران تبعیدش کردند ولی این فکر در وجود او از بین نرفت و کوشش کرد فرزندان را طوری تربیت کند که همیشه به آن معتقد بود . امروز هم که گاهی از کم پیشرفتی کارها ناله می کنم به من می گوید: « شما باید افراد حق شناسی باشید برای این که من زمانی بخاطر این که گفتم يك دبستان برای دختران بوجود بیاورید تبعید شدم و امروز که تو دختر من هستی آموزش و پرورش مملکت را بدست داری بنابراین باید ثابت کنی که زن و مرد واقعا باهم فرقی ندارند.» باید توجه کرد که مساله ننگه داشتن شغل مهمتر از بدست آوردن آنست چرا که بعد از بدست آوردن هر کار برای حفظ آن سمت و بهبود آن امر باید در آن ابتکار ، کوشش ، دقت و بردباری بخرج داد . بسیاری از اشخاص در دوران های گذشته با استفاده از عوامل گوناگون صاحب مناصب مختلف شدند ولی نتوانستند آن کار را برای خودشان نگه دارند . بنابراین باید به جوان ها بگویم که پارتی و پشتیبان شما بایستی کار شما و فعالیت شما باشد و اگر بدون استحقاق شغلی بدست آورید و لیاقت نداشته باشید که آنرا حفظ کنید نخواهید توانست با وجود هزار پارتی هم موفق باشید . در مورد انتخاب شدنم

برای نمایندگی مجلس باید بگویم که مشوق من در این راه بیشتر شاگردانم و خانواده های آن ها بودند به این جهت باید بگویم که امروز در مملکت من تنها زنی نیستم که می توانم این مقام را داشته باشم و دختران جوان تحصیل کرده امروز امید بیشتری برای احراز مقام های بالا دارند .

تلاش - آیا کمیته ملی پیکار بایسوادى يك کمیته مستقل است یا تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش اداره می شود و اصولاً این کمیته با وزارتخانه شما چگونه رابطه ای دارد ؟

دکتر پارسای - پیکار با ییسوادى یکی از کار هائی است که قبلاً هم به عهده وزارت آموزش و پرورش بوده است و باید باشد امروز هم با این که کمیته پیکار بایسوادى وجود دارد مجریانش مامورین و عوامل وزارت آموزش و پرورش هستند و جز این نمی تواند باشد . چرا که يك کمیته ملی قدرت مالی و اداریش اجازه نمی دهد که عناصر زیادی را استخدام کند و علاوه بر این نمی توان پولی را که از طرف مردم پرداخت می شود صرف پرسنل کرد . اصولاً کار پیکار با ییسوادى وظیفه ای است بگردن خود مردم و باید همه مردم کوشش کنند تا هموطنانشان با سواد شوند . و ما باید از صرف نیرو و انرژی برای کسانی که سوادشان از نظر اقتصادی برای مملکت مثر نیست خودداری کنیم مثلاً چه لزومی دارد که ما يك مرد یا زن ۵۰ ساله را با سواد کنیم با علم به این که خود او هم میلی به این آموختن ندارد . ما باید بیشتر متوجه طبقه فعال و آینده ساز باشیم یعنی به تعلیم افرادی بپردازیم که بین ۶ تا ۳۵ سال دارند . مساله دیگری که در یونسکو هم به آن اشاره شد موضوع مبارزه با ییسوادى همراه با آموختن حرفه است که در ایران پیاده شد و دو سال از فعالیتش می گذرد . یونسکو در این مورد ایران را مملکت نمونه اعلام کرد . منظور از این پروژه آموختن سواد برای انجام بهتر و بهبود حرفه است که به آن سواد سود بخش اطلاق می کنیم . یعنی سوادى که در رشد اقتصادی مملکت هم تاثیر دارد . مرکز کار مبارزه با ییسوادى حرفه ای در اصفهان و دزفول است و بعهد وزارت آموزش و پرورش است . سواد سود بخش نتیجه بهتری دارد چرا که ما به کسانی که بطور مطلق خواندن و نوشتن را یاد می دهیم بعد از مدتی چون با آن کاری انجام نمی دهند فراموش می کنند . ولی سواد سود بخش معلومات حرفه ای را زیاد می کند و کاملاً لازم و ضروری است و امیدواریم سال آینده که این طرح مورد ارزشیابی جهانی قرار می گیرد ما مملکتی موفق و سر فراز باشیم و بتوانیم آنرا در تمام مملکت تعمیم دهیم . این مساله در کمیته پیکار با ییسوادى که منهم عضو آن هستم مطرح

است . باید روش واحدی را انتخاب کرد نه این که اگر من به اندازه کافی سواد دارم به پیشخدمت خانه ام برسم و او را هم از این نعمت بهره مند کنم . کمیته معتقد است که باید از روش واحدی استفاده شود ، چرا که این يك کار عمومی و دسته جمعی است ولی قبل از این که مادر مورد پیکار با ییسوادى کوشش کنیم باید کوششمان بر این باشد که خانواده ها ، بچه های بین ۶ تا ۱۰ سال را حتماً به مدرسه بفرستند و اگر این کار را انجام ندهیم از يك طرف ما افراد ۳۰ ، ۳۵ ساله را با سواد می کنیم از طرف دیگر با نرفتن بچه ها به مدرسه بر تعداد بی سوادان افزوده می شود .

تلاش - خوب حال از خودتان بگوئید .

چطور شد که با درجه دکترای طب در وزارت فرهنگ استخدام شدید .

دکتر پارسای - من شاگرد دانشسرای مقدماتی دختران بودم و در اولین دوره ای که برای معلمی از دختران استفاده کردند ، شرکت کردم از بین ۵۴ نفر ۱۵ نفر انتخاب کردند و من هم جزو آن عده ۱۵ نفری دوره دانشسرای مقدماتی را دیدم . بنابراین من حتی در آن موقع هم بفکر کار معلمی بوده ام و بعد از اتمام دوره دانشسرای مقدماتی چون شاگرد اول شدم و مطابق قانونی که شاگرد اول ها به دانشسرای عالی فرستاده می شدند من هم به دانشسرای عالی رفتم و بعد از اتمام دوره دانشسرای عالی و اخذ مدرک در رشته علوم تجربی بنام دبیر در وزارت فرهنگ استخدام شدم ، تصمیم گرفتم به تحصیلاتم ادامه بدهم و چون در زمینه تحصیلاتم بالاتر از لیسانس در آن زمان در تهران موسسه ای نبود به اجبار به دانشکده طب رفتم . ولی هرگز فکر نکردم که این تحصیلات برای آن است که زمینه کارم را عوض کنم یعنی دوره پزشکی را فقط برای بیشتر شدن معلوماتم در زمینه تدریس انتخاب کردم و ادامه دادم بعد از گرفتن دکترای عده ای از دوستان و همکلاسان من معتقد بودند که کار آموزش را رها کنم و در وزارتخانه دیگری شروع بکار نمایم چون مزایای مادی قابل توجهی نصیب من می شد ولی من هرگز حاضر به این کار نشدم ، امروز می بینم جوانانی که خیلی زود محل کارشان را عوض می کنند و با کوچکترین مزیتی که يك موسسه دیگر به آن ها می دهد کار قبلی را رها می کنند . این کار باعث می شود که در هیچ حرفه ای آدم شناخته شده ای نشوند و در نتیجه هیچ يك از روسا و کارفرمایان نخواهند دانست که این جوان چه استعدادی دارد و تا چه اندازه لیاقت دارد و باین ترتیب همیشه در مشاغل آزمایشی خواهند بود بدون آنکه نتیجه ای از این بدست آورند ، باینجهت است که ثبات در کار و عقیده بنظر من یکی از بزرگترین مسائل برای پیشرفت در کار اداری است .

کارگردان برنامه زنگوله‌ها حرف می‌زند

صداهاى جوان و حرکات تازه در

واريته استودیو «ب»

گفتگو با فرشید رمزی

- پیش از این به خاطر کم بودن تعداد گروه‌ها ، مساله انتخاب مطرح نبود .
- يك برنامه تلویزیونی در صورتی موفق است که يك عده بیننده علاقه‌مند داشته باشد.
- يك مقدار قید و بند موجود در موسیقی سنتی سبب رکودهایی در این رشته شده بود.
- جوان‌ها در موسیقی سنتی مایه‌بانی برای حرف زدن نداشتند .
- ابتدا چون نیاز به يك زبان جدید پیش آمد و چون این زبان در فرهنگ ماهیچگونه سابقه‌ای نداشت طبعاً مقدار زیادی تقلید از غرب پیش می‌آید .
- نحوه ارائه واريتهاها مهم‌تر از محتوی آن است .

مقدمه

تلویزیون نزدیک‌ترین وسیله ارتباط جمعی به خانواده‌هاست و از این رو فرهنگ عمومی تلویزیون لازم است که به فرهنگ عمومی خانواده‌ها نزدیک باشد . تلویزیون ملی ایران در راه نزدیک کردن این دو فرهنگ گامهایی برداشته است .

در میان برنامه‌های تلویزیونی به برنامه‌هایی بر می‌خوریم که بیشتر برای گروه خاصی تهیه می‌شود. ما از برنامه مربوط به جوانان یعنی از برنامه موسیقی متداول میان جوانان آغاز کردیم. «واريته استودیو ب» ، که بقول کارگردان آن يك تریبون آزاد برای هنرمندان جوان است و در مجموع میان جوانان تهرانی برنامه موفقی بنظر آمده است. از همین رو با فرشید رمزی تهیه کننده و کارگردان «واريته استودیو ب» به گفتگو نشستیم .

جوانان در موسیقی سنتی ما زبانی برای حرف زدن نداشتند . شکسته شدن این فرم و قید و بندها ، زبانی بوجود آورد که با آن جوانان نیز حرفهایشان را بتوانند بزنند و نیز زبانی بود که خودشان می‌توانستند به راحتی بفهمند. تلاش — پس این موسیقی را شما زبان جدیدی می‌دانید که با آن يك رشته حرفها گفته شود ؟

رمزی — بله ، در ایران امروزه با آن که تحولاتی در فرم موسیقی انجام گرفته ولی موسیقی متداولی که مورد بحث است اصالت خودش را از دست نداده است . به این خاطر نمی‌شود گفت که زبان پرتی است بلکه زبان جدیدی است که از کلامهای موسیقی سنتی استفاده می‌کند . گرچه زمینه‌هایی هم هست که این مقدار اصالت را هم ندارد و صرفاً تقلیدی است .

تلاش — شروع این تحول چگونه بود؟ آغاز کار فقط تقلید از غرب بوده یا آن که يك نوع نیاز سبب این تحول بود؟

رمزی — شروع کار به هر دو عامل مربوط می‌شود . به این معنی که ابتدا نیاز به يك زبان جدید پیش می‌آید و چون این زبان در فرهنگ ماهیچگونه سابقه‌ای ندارد ، طبعاً مقدار زیادی تقلید از غرب پیش می‌آید. البته ابتدا بصورت تقلیدی است ولی بعدها در مسیری می‌افتد که ممکن است راه درستی هم باشد . و بعد از آن مساله به صورت جدی دنبال می‌شود و سرانجامی پیدا می‌کند .

تلاش — در این میان موسیقی اصیل چه می‌شود ؟

رمزی — می‌دانید ، اینها همه شروعی است برای رسیدن به این چنین هدفی ، یعنی

تلاش — می‌بینم که موسیقی متداول بین جوان‌ها و خیلی از طبقات مردم ناگهان فرم‌ش را از دست می‌دهد و به ترتیب دیگری بروز می‌کند . آقای «فرشید رمزی» شما که اینک دست اندر کار این چنین موسیقی‌ای هستید، این تحول را چگونه می‌بینید و علل این تحول را چه می‌دانید ؟

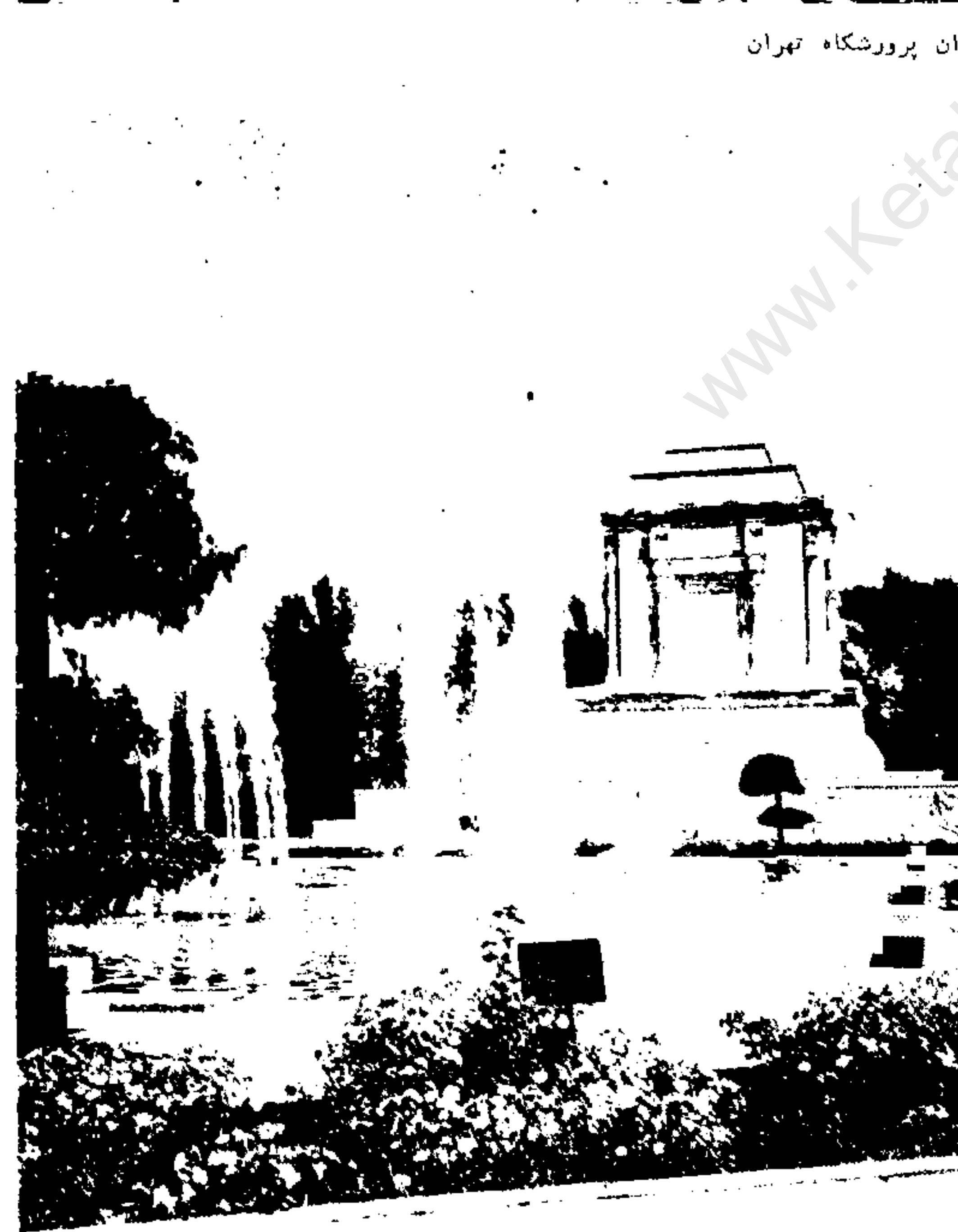
رمزی — این تحولات در محدوده خاصی صورت گرفته است و بیشتر در محدوده‌ی مسایل مربوط به جوان‌ها ، این تحول را می‌شود احساس کرد. يك مقدار قید و بند موجود در موسیقی سنتی سبب رکودهایی در این رشته شده بود و شکسته شدن این قید و بندها ، طبعاً داشتن فرمهای جدیدی را ایجاب می‌کرد.



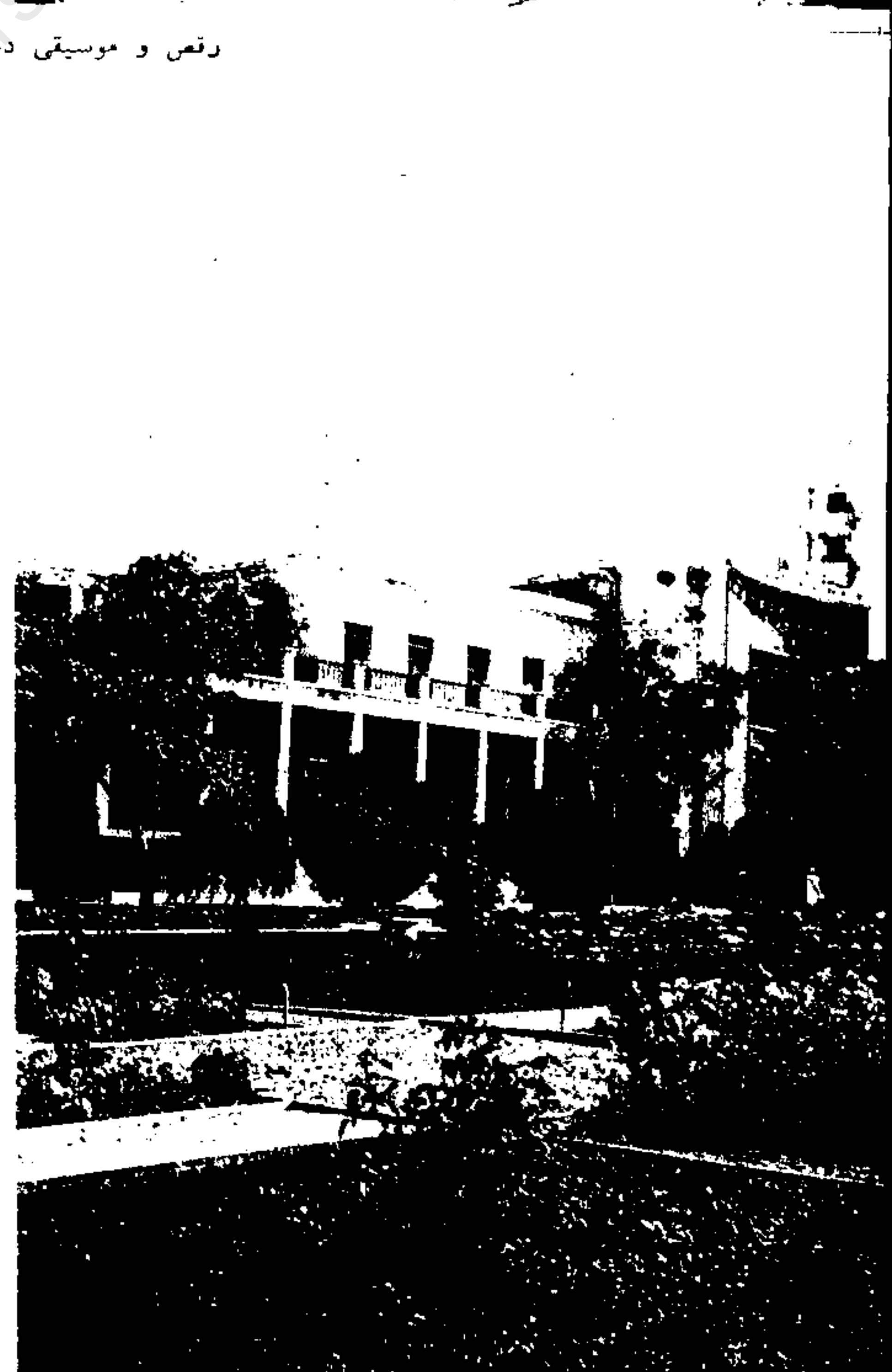
واريته استودیو «ب»



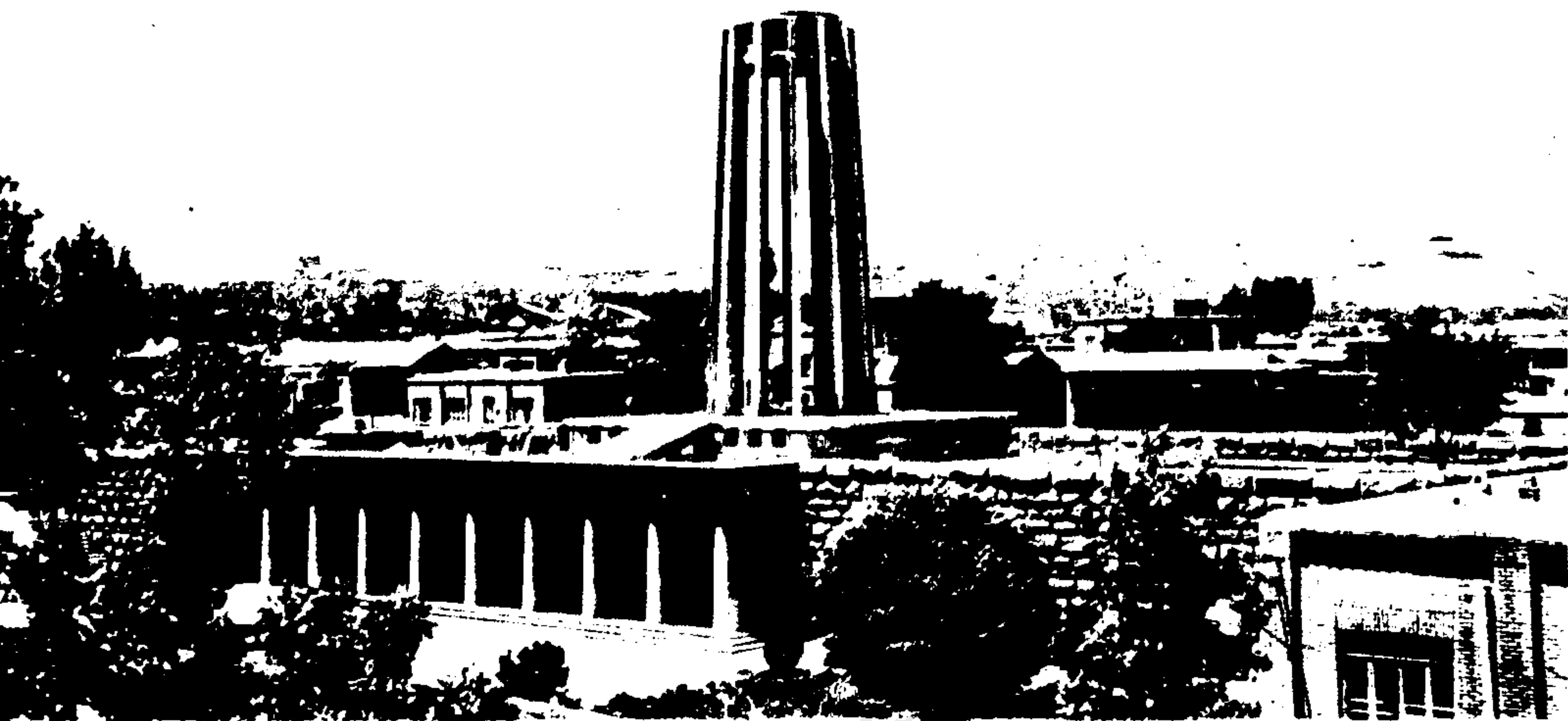
رقص و موسیقی دختران و پسران پرورشگاه تهران



آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی - طوس خراسان



تبریز ، ساختمان استانداری



صبح همدان و آرامگاه ابوعلی



میدان شهرداری



کناره رودخانه چاچرود

که دوباره از این محتوی درمی آید و بافرم نوینش به موسیقی اصیل می پردازد .
تلاش - یعنی که استفاده از تکنیک غربی برای گویاتر کردن زبان موسیقی ایرانی ، مقصودتان اینست ؟

رمزی - در ابتدا همیشه همین طور است . اول مساله بصورت لازمش مطرح می شود و بعد پی گیریهای مداوم سبب ایجاد يك زمینه می شود که در آن همه جور امکانی می شود پیدا کرد . و اینجا این مطلب به این صورت پیش می آید که در آن کوشش هایی می شود . ریشه هایی از آن به دست می آید و مقایسه هایی انجام می شود و نتیجه این می شود که يك زبان کاملاً جدید موسیقی لاقل برای جوانان ساخته و پرداخته می شود .

تلاش - شما از بیننده ها و دوستان برنامه هایتان و میزان رضایت آنها آماری دارید یا نه ؟

رمزی - راستش ، تا آن جا که من خبر دارم تمام جوان ها با این برنامه موافقت . و به نظر من يك برنامه تلویزیونی در صورتی موفق است که يك عده بیننده علاقه مند داشته باشد . چون نمی شود که همه بیننده ها را از همه برنامه ها را راضی نگاهداشت . بخصوص برنامه هایی که مربوط به موسیقی است و موسیقی هم اصولاً مساله ای است که مربوط به سنتها و سلیقه ها می شود .

تلاش - تا آن جا که من میدانم در شهرستانها برنامه های شما با استقبال خوبی مواجه نشده . چه جوابی دارید ؟

رمزی - برنامه هایی که در ابتدا برای شهرستانها پخش شد ، يك جنبه آزمایشی داشت که البته از نتایجی که به دست آمد برای تهیه يك سری برنامه مخصوص شهرستان ها استفاده شده است . و مدتی است که برنامه های مخصوصی نیز برای آنها تهیه و فرستاده می شود .

تلاش - چه عاملی سبب شد که تلویزیون به فکر تهیه این چنین برنامه هایی بیفتد ؟

رمزی - راستش بیشتر بخاطر این بود که زمینه ای باشد برای ارائه کاریک دسته از جوان هایی که در این کار آماتور بودند و استعداد های خیلی درخشانی هم داشته اند . بیشتر بخاطر ایجاد يك تریبون برای ارائه کار جوانان آماتور بود .

تلاش - تلویزیون ملی ایران از لحاظ گروه های موسیقی جاز چه کمبودهایی دارد ؟
رمزی - موسیقی جاز که نه ، ...

تلاش - خوب ، همین موسیقی دفرمه شده ، از این لحاظ چه کمبودهایی دارد ؟

رمزی - می دانید ما نوازنده خیلی کم داریم . چند نفری هم که هستند چندان در کوران کار نیستند . خارج از کادر تلویزیون گروه هایی هستند که می آیند و کار می کنند منتها در مورد این گروه ها هم شرایط خاصی وجود دارد ، که طی آن کارشان کنترل می شود و سخت گیری هایی در مورد نحوه ارائه

کارشان ، اعمال می شود .

تلاش - در این مورد تاکنون چه گروه هایی را معرفی کرده اید ؛ و در مورد کارشان سازندگی داشته اید ؟

رمزی - گروه هایی بودند که مدتی با ما کار کردند و آهنگ هایی هم برای ما ساختند . از این گروه ها می توان از گروه های « بلاك كتز » (Black Cats) ، گروه « تندرز » (Tunders) و گروه « شبح » نام برد .

تلاش - از میان گروه هایی که شما کار کرده اند و یابۀ طور کلی دارند کار می کنند ، چه گروه هایی را می پسندید ؟

رمزی - می دانید ، قبلاً برای دوستان این نوع موسیقی مساله انتخاب مطرح نبود . برای این که گروه ها خیلی کم بوده اند و طبعاً نمی شد از میان آنها یکی یا چندتا را انتخاب کرد و از کارشان استفاده کرد . ولی امروزه بخاطر این که نسبت به کارشان مسؤولیتی احساس می کنند و نیز گروه ها هم متعدد شده اند ، می شود کار يك یا چند گروه را بردیگران رجحان داد . من از میان گروه های گوناگون کار سه گروه : بلاك كتز (Black Cats) و « تندرز » Tunders و شبح را می پسندم . البته گروه « شبح » گروهی است که درهم این جا تشکیل شدند و گروه های دیگری هم هستند که بعدها به تدریج کارشان را ارائه خواهند داد .

تلاش - شما درباره مقایسه برنامه های خودتان با شو (Show) های غربی چه می گوئید ؟

رمزی - در نمایش ها و شوهای تلویزیونی غربی امروزه بیشتر محتوی برنامه ها مورد نظر است . این بخاطر آن است که آنها از مراحل مقدماتی تکنیک کار تلویزیونی گذشته اند . در حالی که در کار ما بیشتر نحوه ارائه کار مورد نظر است . به خاطر همین در کار ما از همه امکانات شناخته نشده و غیر متعارف تلویزیونی استفاده می شود در حالی که این امکانات برای آنها شناخته شده و متعارف است . از این رو به نظر من نمی توان این دو نوع کار را با هم مقایسه کرد .

تلاش - موفقیت این گروه ها را در آینده تاچه حد می توانید حدس بزنید ؟

رمزی - کار من این جا فقط کنترل يك سری شرایط است . یعنی گروه هایی که کار می کنند در اینجا باید تحت شرایطی قرار بگیرند . این شرایط برای بهبود کار خودشان است و طبعاً اثرات خوبی هم خواهد داشت . اما موفقیت این گروه ها بیشتر به خودشان و کاری که می کنند مربوط است و نتیجه هم بخودشان بازمی گردد .

تلاش - برای هر برنامه نیم ساعته شما چه مقدار وقت و پول صرف می شود .

رمزی - همان طور که گفتم بخاطر این که نحوه ارائه این گونه واریته ها از نظر من مهم تر از محتوی آن است ، لذا وقت

زیادی صرف آن می شود . مثلاً دکوراتور برنامه برای هر نیم ساعت برنامه حدود يك ماه کار می کند . اسکریت (قطع تصاویر) برنامه است که کار واقعاً مشکلی است و برای هر آهنگی که در برنامه است ، حدود پنج روز مداوم کار می شود . و از بودجه اش هم بخاطر این که ماهمه وسایل را آماده مصرف می کنیم ، خبری ندارم . ولی از نظر وقت می توانم بگویم هر نیم ساعت برنامه یکماه وقت می گیرد .

تلاش - چه مشکلاتی در کار شما وجود دارد ؟

رمزی - مشکلات که زیادند . اما اساسی ترینشان این است که کادر آنهایی که با ما کار می کنند ، یکنواخت و یکدست نیست . یعنی که هماهنگی کامل وجود ندارد . در حالی که در کارهای تلویزیونی خصوصاً در مورد این گونه برنامه ها هماهنگی کامل سبب ایجاد يك ریتم سریع در کار خواهد بود .

تلاش - برنامه تان برای کارهای آینده چیست ؟

رمزی - يك مقدار از برنامه ها است که بطور سفارشی تهیه می شود . همچنین من هم به شخصه يك مقدار طرح داده ام که فکر می کنم هنوز برای صحبت کردن درباره آن زود باشد . ولی مسلماً چندی بعد فرم وقیافه کار عوض خواهد شد و تغییرات عمده ای در این گونه برنامه ها پیش خواهد آمد .

تلاش - شما کارتان را چگونه و چه وقتی شروع کردید ؟

رمزی - در حدود ۹ سال است که بکار تلویزیون مشغولم . ابتدا متصدی تنظیم صدا و میکروفن ها (بوم) بوده ام . بتدریج به يك مقدار کارهای دیگر کشانده شدم . بانور و کار بادوربین ها آشنا شدم و رفته رفته به کارگردانی و تهیه برنامه ها آشنا شدم تا به امروز ...

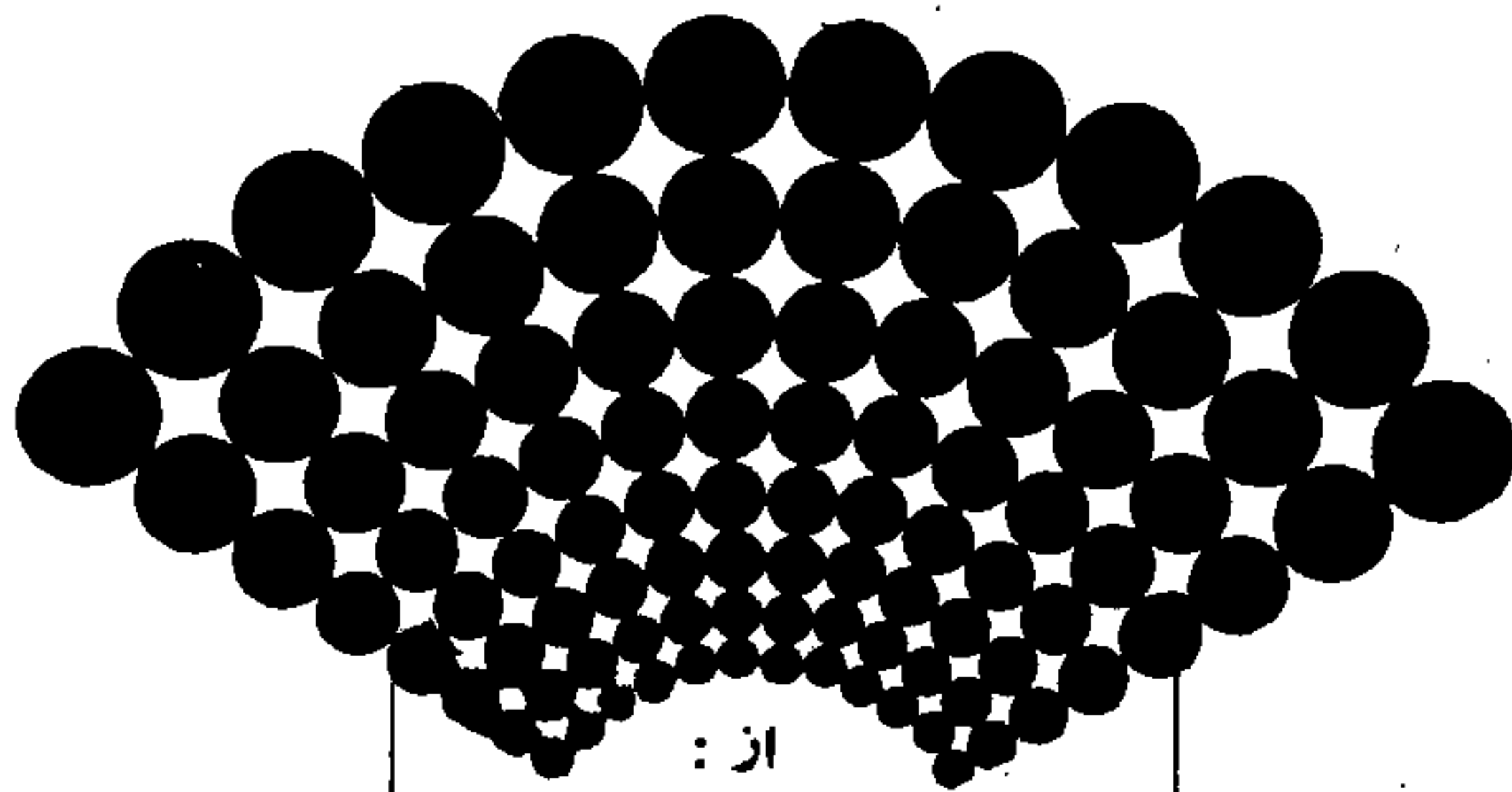
تلاش - چطور شد که بین همه برنامه ها به این گونه واریته ها کشانده شدید ؟

رمزی - در این جور برنامه ها یعنی واریته های این طوری ، تهیه کننده و کارگردان امکان استفاده از هر گونه امکانات تلویزیونی را دارد . برای این که در این گونه برنامه ها ، لحظه ها هریک ، يك نوع حرکت و استفاده از یکنوع تکنیک را ایجاد می کنند و این تنوع در این برنامه ها است که نظر مرا بخود جلب کرده است .

تلاش - شما در تهیه چه برنامه هایی غیر از این دو برنامه دست دارید ؟

رمزی - برنامه «زنگوله ها» و «واریته استودیوب» را شروع کردیم . استودیوب را اکنون هم تهیه می کنم ولی زنگوله ها را مدتی است گروه های دیگری می سازند که این هم در آینده نزدیکی مجدداً بخود من محول خواهد شد . البته این دو برنامه جدا از برنامه هایی است که دارم مثل ضبط برنامه های موسیقی کلاسیک و موسیقی اصیل ایرانی و غیره ...

تلاش - متشکریم آقای رمزی .



از :
سیمین ارجمند

آسایش

میان آنچه مرا به رستگاری می کشد
و آنچه به سیاهی
شکوفه های نور به دل می شکم
تا آینده
به لحظه ای کوتاه مبدل شود
و در آن لحظه من
کبوتر آواز سرگردانم را
به دانه ای شیرین
میهمان کنم

*

و در این رستگاری
شاید سیاهی به سپیدی روحم نشیند
و مائده ای گردد مهر
که از انجام تا به آغاز
و از آغاز تا به انجام
انتظار می کشد

جریان

گلدان روحم امروز
نشانه ای دیگر دارد
و جوانه ای دیگر

*

با این انتظار هم ، اما
نمی توان دل خوش کرد و بس نمود
شاید روز ، به صبوری باد و جوانه
جریان یابد

و تو

تنها در شب ، در يك شب پر آفتاب
خلاصه شوی

خاطره

باز هم باد
بایك جوانه
باز هم باد
از يك كودکی
میان دو بازوی باغ
شب کمین کرده است
و کالسه کی عصر
تا شامگاه

می خرامد

و ستاره در بازو های باغ
و ماهتاب بر بستر کالسه
بیدار می شود

ادامه

من از خار ها گفته ام
من از گل و آب
خاموش ماندم
پس باز می شوم
چونان شکوفه در باد ها
و عطر غریبی
در فضا می پراکنم
که مرد دیوانه بداند ، شب از کدام
سو است

و فریاد مکشد
و تا نور های صبح
ادامه یابد



طرح شاه لوله گاز ایران

مختصری راجع به موافقتنامه ایران و شوروی درباره تحویل گاز طبیعی

طبق موافقتنامه تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۶۶ ایران تحویل گاز طبیعی را بمقادیر پیش‌بینی شده بمدت ۱۵ سال از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ تامین مینماید. در مقابل قیمت گاز تحویلی، دولت شوروی علاوه بر موارد مذکور در موافقتنامه های بازرگانی معتبر بین دو کشور ماشین آلات و تجهیزات ضروری برای ایران را تامین و تحویل خواهد داد. شرکت ملی نفت ایران و موسسه سایوز نفتخیم پروم اکسپورت بعداً پیمانی بین خود در مورد تحویل گاز منعقد کرده و همچنین سازمان های دولتی و خصوصی ایران و سازمان های بازرگانی شوروی برای تحویل ماشین آلات و کالاهای دیگر توافق خواهند نمود. بنابراین قیمت گاز طبیعی برای بازرداشت اعتبار ۲۷۰ میلیون روبلی شوروی و بهره آن و قیمت ماشین آلات وارده بمصرف خواهد رسید. در سال ۱۹۸۰ یعنی پنج سال قبل از انقضای مدت اعتبار موافقتنامه ایران و شوروی برای تمدید آن برای ده سال دیگر و تعیین شرایط تمدید مذاکره خواهند نمود و بعداً نیز بهمین ترتیب عمل خواهد شد.

شرح کلی طرح شاه لوله گاز ایران

طرح شاه لوله گاز که بمنظور رساندن گاز طبیعی به شهرهای ایران و صدور باتحاد جماهیر شوروی میباشد شامل قسمت های اصلی زیر است:

— شبکه جمع آوری گاز در مناطق نفتخیز جنوب با کمپرسورها و ماشین آلات مربوط.

— دستگاه های تصفیه بمنظور بهبود کیفیت گاز از لحاظ مواد اسیدی و آب.

— قطعه یکم خط شاه لوله گاز از جنوب تا حدود ساوه بقطر ۴۲ اینچ.

— قطعه دوم خط شاه لوله گاز از حدود ساوه تا آستارا بقطر ۴۰ اینچ.

— طول تقریبی دو قطعه مزبور رویهم در حدود ۱۱۰۰ کیلومتر میباشد.

— انشعابات اصفهان — کاشان — قم و تهران و انشعاب جدید ۱۶ اینچی شیراز.

— ایستگاه های تحویل و شبکه های توزیع گاز در شهرهای چهارگانه فوق و دستگاهها و تاسیسات مربوط بآنها.

این طرح بعنوان يك طرح عمرانی از طرف دولت بتصویب رسیده است و شرکت ملی نفت ایران از طرف سازمان برنامه مأمور اجرای آن میباشد.

در مرحله اول اجرائی طرح در نظر است از گاز های حاصل از استخراج نفت خام در مناطق فارس و کنگ و مارون و آغاچاری استفاده بعمل آید. دستگاه بازیافت ئیدروکربن های سنگین در این مناطق توسط شرکت های عامل نفت ایران نصب خواهد گردید و گاز خشک تصفیه نشده توسط نیروی محرکه کمپرسور به دستگاه های تصفیه رانده میشود.

گازهای نفتی هیدروکربنهای سبک هستند که بشکل گاز یا محلول در سایر هیدروکربنهای سنگین تر در مخازن زیرزمینی یافت میشوند در هر دو صورت گاز خامی که بدست می آید معمولاً شامل گازهای سبک مانند متان و اتان و گازهای سنگین تر نظیر پروپان و بوتان است. گازهای سبک که در اصطلاح گاز طبیعی خوانده میشوند در درجات حرارت بالا قابل تبدیل بمایع نیستند بدینجهت باید توسط لوله و تحت فشار شهرها و مراکز مصرف رسانده شوند.

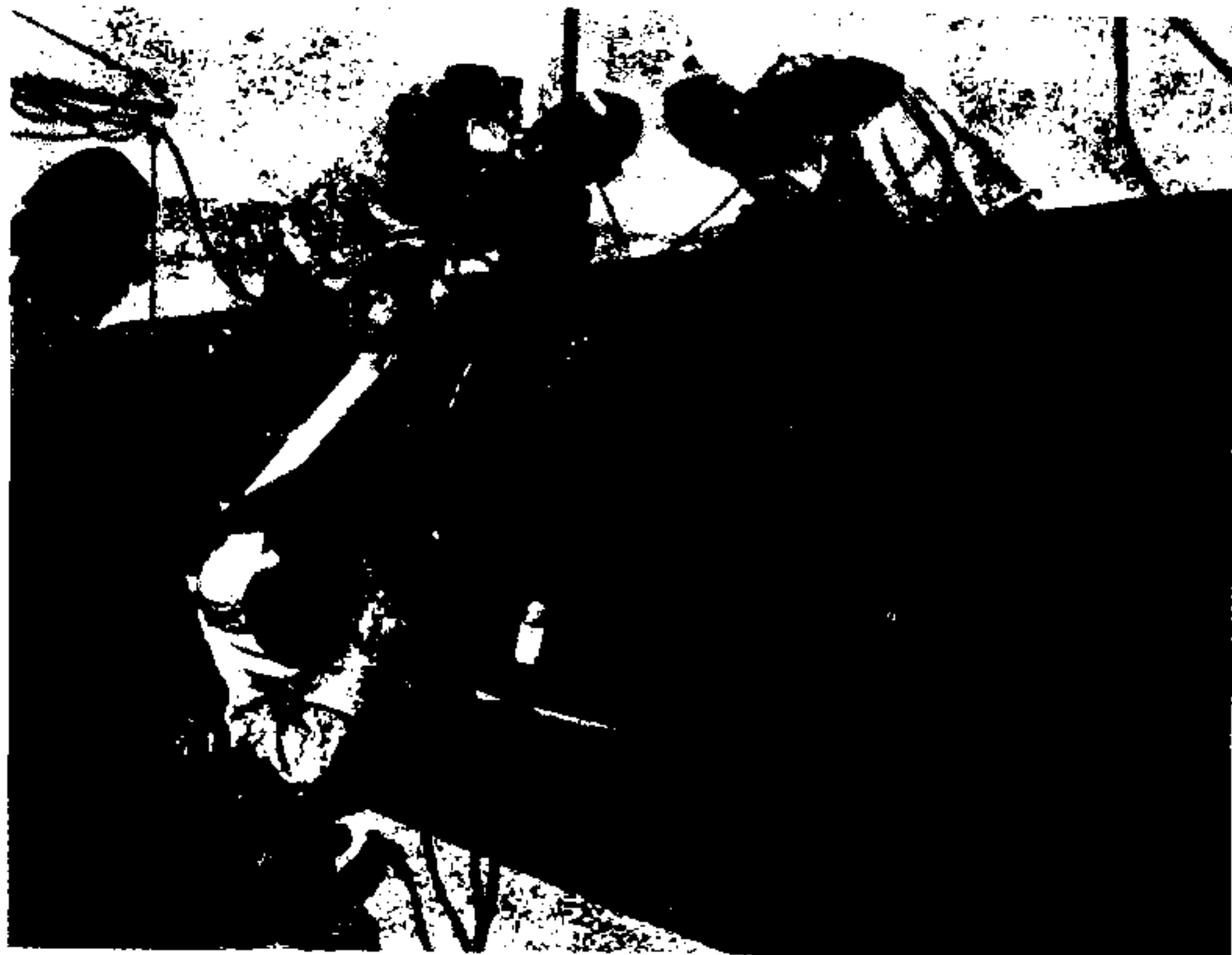
گازهای سنگین تر را تحت فشار تبدیل بمایع نموده و در بطریهای مخصوص بنام گاز مایع (L.P.G.) در منازل و غیره مصرف مینمایند.

بدیهی است که گاز طبیعی بعلت هزینه ارزان حمل و نقل و عدم لزوم استفاده از بطریهای مخصوص ارزانتر از گاز مایع بدست مصرف کنندگان میرسد.

تاریخچه طرح شاه لوله گاز ایران

از دیاد مصرف انرژی در ایران طی سال های اخیر و امکانات انتقال گاز طبیعی ارزان قیمت بنقاط دور دست برای مصارف صنعتی سبب شد که طرح های مختلفی درباره استفاده از گازهایی که همراه با استخراج نفت خام در مناطق جنوب تولید و سوزانده میشود مورد توجه شرکت ملی نفت ایران قرار گیرد. در بین طرح های مختلف، پروژه احداث خط لوله ۴۶ اینچی سرتاسری برای رسانیدن گاز مناطق جنوب تهران — اصفهان — قم و کاشان مورد مطالعه قرار گرفت. همزمان با اتمام مطالعه پروژه فوق مذاکرات مربوط به همکاری اقتصادی و فنی بین دولت شاهنشاهی ایران با اتحاد جماهیر شوروی منجر بعقد موافقتنامه ۱۳ ژانویه سال ۱۹۶۶ گردید که شامل کمک های فنی و اقتصادی شوروی برای اجرای طرح های ذوب آهن، ماشین سازی و احداث خط شاه لوله گاز سرتاسری میباشد.

مطالعات اقتصاد مهندسی نشان داد که تلفیق طرح رساندن گاز به شهرهای ایران و طرح تحویل گاز به اتحاد شوروی منافع قابل ملاحظه ای از نظر اقتصادی در بر دارد بنابراین يك پروژه کلی بنام طرح شاه لوله گاز ایران برای دو منظور فوق در نظر گرفته شد.



هنگام جوشکاری لوله های ۴۲ اینچی شاه لوله گاز این محل تا تصفیه خانه گاز بیدبلند ۵۹۳ کیلومتر فاصله دارد

خطوط لوله گاز ایران

در این دستگاهها مواد زائد گاز مانند H_2S و CO_2 از گاز جدا شده و گاز تصفیه شده به خط اصلی منتقل میگردد. محل نصب دستگاههای تصفیه در مجاور ده بید بلند در ۲۰ کیلومتری آغا جاری و نزدیک رود مارون خواهد بود. گاز پس از تصفیه در همین محل فشرده شده و در خط اصلی ۴۲ اینچی به حرکت درمیآید و در فاصله ۷۸ کیلومتری بید بلند نزدیک تنک پیر زال بار دیگر فشرده شده و نزدیک پناه و به اولین ایستگاه محرکه خط که مجهز به کمپرسورهای ساخت شوروی خواهد بود میرسد. فشار کمپرسورهای محرکه گاز در بید بلند و ایستگاه تنک پیر زال در حدود ۱۰۶۰ پوند



برای پنج مربع میباشد که بتواند گاز را از مرتفع ترین نقطه مسیر در ارتفاع ۲۵۰۰ متری عبور داده به ۱۲۵ کیلومتری فاصله آغا جاری برساند.

تعداد ایستگاههای خط لوله اصلی برای حداکثر ظرفیت (۱۰) ایستگاه خواهد بود و قدرت نصب شده مورد لزوم در حدود ۵۰۰۰۰۰ اسب بخار پیش بینی میشود. در مرحله اول نصب واحدهای محرکه خط در پنج ایستگاه مورد لزوم می باشد در خط لوله اصلی ابتدا از ۱۵ واحد ۱۰۰۰۰ کیلوواتی کمپرسور شوروی استفاده بعمل خواهد آمد که مالا به ۳۴ واحد افزایش خواهد یافت. سوخت این توربین ها گاز طبیعی خط لوله بوده و فشار خروجی کمپرسورها در حدود ۱۰۳۰ پوند برای پنج مربع (معادل ۷۳ اتمسفر) خواهد بود.

حمل گاز برای شوروی در سال ۱۹۷۰ در حدود ۶۳۰ میلیون فوت مکعب در روز خواهد بود که بتدریج تا سال ۱۹۷۴ به ۱۰۵۰ میلیون فوت مکعب افزایش خواهد یافت. علاوه بر آن، سیستم مزبور قادر خواهد بود که در سال ۱۹۷۰ در حدود ۲۰۰ میلیون فوت مکعب گاز به شهرهای شیراز، اصفهان و تهران برساند و این رقم در سال ۱۹۷۹ به ۶۵۰ میلیون فوت مکعب در روز افزایش مییابد که شامل سوخت کمپرسورها و توزیع در شهرهای قم و کاشان و دهات اطراف آن نیز میباشد. قدرت نهائی حمل گاز در این طرح ۱۶۵۰ میلیون فوت مکعب در روز معادل تقریباً ۱۶۵ میلیارد متر مکعب گاز در سال میباشد. طرح شاه لوله از نظر ظرفیت نیروی حرارتی گاز معادل یک پالایشگاه ۲۷۵۰۰۰ بشکهای در روز یعنی سه برابر پالایشگاه تهران و ۷۰ درصد پالایشگاه آبادان میباشد.

اجرای طرح به دو مرحله تقسیم شده است. در مرحله اول که از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۰ بطول خواهد انجامید کلیه تجهیزات و وسایل و دستگاههای لازم برای تامین گاز در سال ۱۹۷۰ نصب خواهند شد. بعلاوه محدودیت اعتبارات ارزی فعلاً این قسمت از طرح جهت تامین گاز در سال ۱۹۷۰ اجرا خواهد شد. در این مرحله ارسال گاز به شوروی و تامین گاز برای صنایع بزرگ در ایران مورد نظر میباشد. مرحله بعدی اجرای طرح بمنظور افزایش قوه محرکه که با نصب کمپرسورهای اضافی و افزایش ظرفیت دستگاههای بازیافت گاز مایع در مناطق نفتخیز و دستگاه تصفیه گاز و توسعه شبکه توزیع گاز در شهرهای ایران واحداث مخازن گاز انجام خواهد گردید. هزینه سرمایه گذاری برای مرحله اول اجرای طرح جهت تامین گاز در سال ۱۹۷۰ در حدود ۴۵۰ میلیون دلار برآورد شده است که تقریباً نصف آنرا سازمان برنامه نقداتیاده مینماید و بقیه به ارز و روبل از منابع زیر تامین گردیده است.

الف - مبالغ ارزی از اعتبارات انگلیس

و فرانسه و آلمان و ژاپن و آمریکا و هلند تامین شده است که شامل بودجه کارخانجات لوله سازی اهواز نیز میباشد.

ب - دولت شوروی معادل ۲۶۰ میلیون روبل اعتبار برای طرحهای ذوب آهن و ماشین سازی و طرح شاه لوله اختصاص داده است که از آن در حدود ۷۰ میلیون روبل برای طرح شاه لوله منظور گردیده است که برای خرید ۳۴ واحد توربو کمپرسور از شوروی و پرداخت هزینه های نصب و ساختمان لوله اصلی در قطعه کوه نمک تا آستارا و کوه نمک تا تهران بکار برده خواهد شد.

اعتبارات فوق کلاً بتدریج بمصرف احداث طرح میرسد. طرح شاه لوله بعنوان یک طرح عمرانی از طرف دولت بتصویب رسیده و شرکت ملی نفت ایران از طرف سازمان برنامه مامور اجرای آن میباشد. برای عملیات طراحی و مهندسی و نظارت بر ساختمان طرح و تهیه کالا قراردادی با گروه مهندسی مشاور آی مک منعقد گردیده است که زیر نظارت مستقیم شرکت ملی نفت ایران وظایف فوق را برای کارهای مربوط به سیستم جمع آوری گاز و خط لوله اصلی تا کوه نمک و خطوط فرعی اصفهان و قم و کاشان و سیستم توزیع گاز در سه شهر فوق و شهر تهران انجام دهد. وظیفه گروه آی مک همچنین شامل طراحی و نظارت بر اجرای تلی کمیونیکاسیون محافظت کاتدی خط در قطعه شمال نیز میشود. طبق قراردادی که با موسسه نفت خیم پروم اکسپورت شوروی مبادله شده کارهای طراحی و مهندسی قطعه شمال از کوه نمک به تهران و کوه نمک به آستارا توسط موسسه فوق انجام می شود. اکثر کارهای ساختمانی این دو قطعه و نظارت بر اجرای آن نیز بعهده شوروی میباشد و شرکت ملی نفت ایران در اجرای آن با گروه شوروی همکاری نزدیک بعمل می آورد.

درآمد حاصل از فروش گاز

چنانکه قبلاً شرح داده شد براساس قرارداد بین دولتی ایران و اتحاد جماهیر شوروی گاز تحویلی به شوروی در مرز آستارا از قرار هر هزار متر مکعب ۶ روبل (۶۶ دلار) قیمت گذاری شده است. لذا با توجه به حجم گاز تحویلی به شوروی درآمد حاصل در ۱۹۷۰ در حدود ۴۱ میلیون دلار خواهد بود که در سال ۱۹۷۴ به حدود ۶۹ میلیون دلار بالغ میگردد و از آن پس چنانچه تحویل گاز به شوروی طبق برنامه انجام گیرد بهمین مبلغ ثابت خواهد ماند. درآمد حاصل از فروش گاز به شوروی در مدت ۱۵ سال قرارداد در حدود ۹۵۰ میلیون دلار برآورد میگردد و در آمد حاصل از فروش گاز در داخل کشور بادر نظر گرفتن تعرفه مقدماتی فروش گاز و پیش بینی مصرف از ۹ میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ شروع و به ۴۳ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ بالغ میگردد. مجموع درآمد فروش گاز در داخل و خارج کشور در مدت ده سال

اول در حدود ۸۸۰ میلیون دلار پیش بینی میشود که ۷۰ درصد آن حاصل از فروش گاز به شوروی و ۳۰ درصد از فروش در داخل کشور عاید خواهد شد.

احتیاجات طرح از لحاظ فولاد و مسائل حمل و نقل

احتیاجات فولاد طرح در حدود ۴۵۰۰۰۰ تن میباشد که در حدود ۳۵۰۰۰۰ تن آن بشکل لوله از خارج سفارش شده و در حدود ۱۰۰۰۰۰ تن آن در ایران تهیه خواهد شد. برای انجام این کار قراردادی با شرکت تورنس آمریکا برای احداث دو واحد لوله سازی در اهواز منعقد شده است. اکثر ورق های فولادی تخت و نواری برای تولید لوله در ایران از منابع آلمان و فرانسه و ژاپن تامین میگردد. حجم کلی کالا که بایستی برای طرح شاه لوله در مرحله اول حمل شود در حدود ۴۰۰ میلیون تن کیلومتر میباشد. بزرگترین و سنگین ترین قطعات کالا مربوط به دستگاه تصفیه میباشد که در حدود ۱۶۰ تن و ارتفاع ۹۷ فوت میباشد. یک واحد توربو-کمپرسور شوروی در حدود ۱۶۵ تن وزن دارد و سنگین ترین قطعه قابل حمل آن در حدود ۴۶ تن میباشد. شیرهای خط اصلی و دستگاههای باز و بسته کردن آن هر یک در حدود ۳۰ تن وزن دارد و ارتفاع آنها در حدود ۶ متر است. حجم زیاد کالا و برنامه فشرده ای که در پیش است تشکیلات منظمی برای حمل دریائی و تخلیه بار و حمل زمینی کالا را ایجاب مینماید. یک اسکله در بندر شاهپور برای تخلیه کالای طرح شاه لوله اختصاص یافته است همچنین در بندر پهلوی و آستارا و جلفا و خرمشهر تجهیزات و ترتیب کافی برای تخلیه و حمل کالا ایجاد گردیده و در برخی موارد لازم شده است که تاسیسات خاصی برای پیاده نمودن وسائل سنگین از کشتی بوجود آید و حتی در برخی موارد پل های مخصوص و حتی جاده برای حمل چنین وسائلی احداث شده است.

خلاصه ای از پیشرفت کار

مدت اجرای مرحله اول طرح ۱۶۷۵ روز از تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۴۴ تا ۹ مهر ماه ۱۳۴۹ پیش بینی شده است. این برنامه براساس رساندن گاز به شهر تهران در اوایل سال ۱۹۷۰ و تحویل گاز به شوروی در اواخر همین سال میباشد.

طراحی و مهندسی و تدارکات کالا طبق برنامه ادامه دارد. ارزش کالاهای سفارش شده تا این تاریخ ۱۳۰ میلیون دلار از ارزش کل ۱۷۵ میلیون دلار و معادل ۷۳ درصد میباشد و معادل ۳۷ درصد از ارزش کل مصالح بایران حمل گردیده است بطور خلاصه پیشرفت کار ساختمانی بشرح ذیل میباشد.

الف - لوله گذاری در سیستم جمع آوری گاز شامل لوله های ۱۶ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۰ اینچی و ۴۳ کیلومتر از خط اصلی ۴۲ اینچی (جمعا ۱۳۰ کیلومتر) بوسیله شرکت ویلیام

برادرز آلمان خاتمه یافته است .
ب - ساختمان سه ایستگاه کمپرسور در
آغاجاری بوسیله شرکت آنترپوز ادامه
دارد .

ج - پیشرفت کار در ۱۷۳ کیلومتر از
خط اصلی از رودخانه مارون تا کوههای
زاگرس (۲۱۶ کیلومتر از بید بلند) طبق
برنامه ادامه دارد. لوله گذاری در ارتفاعات
زاگرس شامل عملیات مشکل و مستلزم ترتیبات
خاص بوده است . اکثر لوله های ۴۲ اینچی
پس از جوشکاری مضاعف (جوشکاری دو
لوله ۱۲ متر به یکدیگر) از راه یا سوج
بوسیله تریلر های مخصوص و یکمک تراکتور
از نقاط صعب العبور عبور داده شده در مسیر
لوله ریشه میگردند . هموار سازی مسیر خط
در این ارتفاعات مستلزم بریدن کوهها و
حمل ماشین آلات لوله گذاری با وسائل
مخصوص میباشد . نزدیک به نیمی از عملیات
جوشکاری این قطعه پایان یافته است .

د - پیشرفت کار در ۴۰۸ کیلومتر قطعه
۴۲ اینچی از کوه نمک بطرف زاگرس
بوسیله شرکت آنترپوز طبق برنامه های اصلاح
شده ادامه دارد . همچنین ساختمان خطوط
فرعی گاز ۶ اینچی سراج و کاشان بوسیله
شرکت نامبرده در دست اتمام است .

ه - گروه شوروی که مسئول ساختمان
قطعه ۴۰ اینچی کوه نمک - آستارا و خط
فرعی گاز ۳۰ اینچی از کوه نمک به تهران
هستند کار های ساختمانی خود را شروع
نموده اند . ماشین آلات و کادر فنی شوروی
بتدریج بایران وارد شده و ۴ اردوگاه در
طول مسیر قطعه شمال احداث شده است .

حمل لوله برای گروه نامبرده از محوطه
خورزنگی که محل انبار نمودن لوله های
خریداری شده از خارج و در نزدیکی بندر
شاهپور واقع است ادامه دارد .

و - تدارک تجهیزات و کادر فنی
شرکت انگلیسی کاستن پرس برای ساختمان
تاسیسات تصفیه گاز در بید بلند آغاز
شده است .

بطور کلی اکثر پروژه های مرحله اول
طرح شاه لوله باستانهای قطعه کوه نمک -
آستارا تا اوایل سال ۱۹۷۰ خاتمه خواهد
یافت .

ساختمان مرحله دوم طرح که شامل
نصب تعداد بیشتری ایستگاه تقویت فشار
جهت سیستم جمع آوری گاز و خط میباشد
از اوایل سال ۱۹۷۰ شروع خواهد شد و پس
از اتمام ، احتیاجات حمل و توزیع و صدور
گاز پیش بینی شده برای سال ۱۹۷۹ را
تامین خواهد نمود .

سازمان طرح

چون وظایف سنگین و فوری این طرح
اجازه نمیداد که آنرا در سازمانهای موجود
شرکت ملی نفت ایران بمرحله اجرا درآورد
بنابراین تشکیلاتی در خارج از کادر موجود
شرکت ملی نفت ایران بنام کادر نظارت

طرح شاه لوله گاز ایران ایجاد گردید که
مسئولیت آن با اینجانب است .
کادر نظارت دارای یک هیئت عالی
کنترل طرح با مشارکت آقایان زیر میباشد .
- رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل
شرکت ملی نفت ایران .

- مدیر عامل سازمان برنامه
- رئیس کل بانک مرکزی
- سرپرست طرح شاه لوله گاز
- هم آهنگ کننده طرح

علاوه بر این بمنظور آنکه وقفه ای در
عملیات مختلف اجرایی این طرح ایجاد نشود
کمیته هم آهنگی طرح با مشارکت آقایان زیر
مسئولیت اجرایی طرح را بعهده دارند .

- هم آهنگ کننده طرح شاه لوله گاز
- هم آهنگ کننده طرح (شورویها)
- هم آهنگ کننده طرح (مهندسین
مشاور ایمک)

تامین نیروی انسانی برای عملیات اجرایی
و ساختمانی خود مسئله ایست بسیار بفرنج و
پیچیده و با توجه به آنکه در فاصله بین
۱۹۶۷ و ۱۹۷۱ اکثر طرحهای عظیم کشور
مانند ذوب آهن - ماشین سازی - سه طرح
پتروشیمی - یک پالایشگاه در شیراز - نو
سازی پالایشگاه کرمانشاه و کارخانجات جدید
دیگری که بایستی احداث گردند اشکال تامین
نیروی انسانی بیشتر مشهود میگردد .

در چنین شرایطی اهمیت و عظمت طرح
شاه لوله گاز و فشرده بودن و کوتاه بودن
مدت اجرای آن ایجاب نموده است که کادر
نظارت از بین شایسته ترین و فعال ترین
کارکنان صنعت نفت انتخاب گردند . این

سازمان بموازات پیشرفت طرح تکامل پیدا
نموده و در حال حاضر تعداد کادر آن به
۷۵ نفر رسیده است . تامین نیروی انسانی
بیشتر بعلت در دسترس نبودن افراد واجد
شرائط و عدم امکان آموزش افراد جدید

در مدت کوتاه اجرای طرح میسر نگشته و
در نتیجه کادر نظارت با مسئله کمبود نفرات
روبرو بوده است . بدیهی است که با این
وضع طبعاً فشار کار روی نفرات موجود

زیاد بوده و در مدت اجرای طرح بکرات
بعضی از افراد کادر نظارت پس از ساعات
اداری اجباراً جهت جبران کمبود نفرات
بکار فوق العاده اشتغال داشته و احتمالاً ممکن
است انجام کار به این ترتیب تا پایان طرح

ادامه یابد .
بمنظور اجرای طرح تاکنون ۲۳ قرارداد
اصلی با مقامات یا مشاورین شرقی و غربی و

داخلی امضاء شده و ۱۰ قرارداد اصلی دیگر
بتدریج تهیه و امضاء خواهد شد .
دربین قرارداد های امضاء شده بطور

مثال گروه مهندسین مشاور ایمک که مسئولیت
مدیریت و طراحی و مهندسی قطعه ۱ و
نظارت بر ساختمان آنرا بعهده دارند دارای

۱۱۰ نفر کارمند در ایران - ۱۵۰ نفر در
لندن بوده و خود با بیش از ۲۳ موسسه یا

مشاورین قرارداد فرعی جهت اجرای وظایف
فوق دارد . کارهای ساختمانی قطعه یکم بعلت
محدودیت اعتبارات موجود در اروپا به سه
مقاطعه کار اصلی یعنی آنترپوز - ویلیام برادرز
و کاستن پرس محول شده است .

شرکتهای ساختمانی غربی مزبور در جنوب
ساوه هم اکنون قریب ۲۰۰۰ نفر در خدمت
دارند که ۱۷۰ نفر آنها خارجی هستند و
علاوه بر این هریک با تعدادی مقاطعه کار
داخلی و خارجی قرار داد فرعی دارند .

برای اجرای طرح در قطعه ۲ - قسمت بین
ساوه تا آستارا - و انشعاب تهران موسسه گیر
و گاز شوروی که مرکز آن در کیف میباشد
مسئول طراحی و مهندسی قطعه ۲ و انشعاب
تهران و ایستگاههای کمپرسور شوروی در
طول خط و ایستگاه اندازه گیری آستارا
میباشد .

وزارت گاز شوروی مسئول عملیات
ساختمانی قطعات و ایستگاههای فوق بوده و
گروه مخصوصی از شورویها نیز مسئول
نظارت بر عملیات فوق از طرف شرکت ملی
نفت ایران میباشد .

واحد های توربو کمپرسور خط اصلی
و ضمائم آن در کارخانجات توربین سازی
لنینگراد ساخته میشود و طراحان و مهندسین
آن کارخانه جهت ایجاد هم آهنگی با
مهندسین مشاور ایمک در لندن و مهندسین
کادر نظارت در تهران تماس دارند .

قرارداد خرید توربو کمپرسورهای فوق
و سایر قرارداد های مربوط بشوروی با
موسسه نفتخیم پروم اکسپورت شوروی امضاء
شده است .

برای اجرای ساختمان قطعه ۲ نیز مانند
قطعه ۱ تعدادی مقاطعه کار محلی برای حمل
لوله و امور ساختمانی با مقاطعه کار اصلی
شوروی همکاری دارند .

برنامه ریزی و مسائل مدیریت
طرح شاه لوله گاز مجموعه ایست از طرح
های مختلف که هر یک به تنهایی در مقیاس
جهانی پروژه ای بزرگ محسوب میگردد .

بمنظور هم آهنگ کردن فعالیت های
مختلف یک طرح عمرانی ملی به چنین عظمت
بایکدیگر و باخط مشی های دولت و شرکت
ملی نفت ایران از یکی از تکنیک های مدرن

برنامه ریزی (CPA (Critical Path Aanalysis
استفاده شده است . شبکه کار (Network)

طرح شاه لوله که براساس این فن و باکمک
کامپیوتر تهیه شده است بزرگترین شبکه
کار پروژه های صنعت نفت و گاز حال حاضر
در دنیای غرب است .

نه تنها عظمت این طرح بلکه عوامل
خاص آن مسائل بفرنج مدیریت و هم آهنگی
و برنامه ریزی را ایجاد نموده است که در
طرحهای پیشین نظیر آن سابقه نداشته است .

برنامه مقدماتی طرح که در مراحل
طراحی با ۱۸۰۰۰ فعالیت شروع شده است
اکنون شامل ۲۵۰۰۰۰ فعالیت مختلف بوده

و در مراحل نهائی طرح به ۳۵۰۰۰۰ فعالیت بالغ خواهد گردید .

بعنوان مثال امضاء يك موافقتنامه اعتباری بوسیله سازمان برنامه ، طراحی مقدماتی يك توربو کمپرسور در کیف شوروی ، تولید مصالح عایق پیچی در آمریکا ، خرید ورق فولادی از انگلستان و حمل لوله از ژاپن هر کدام يك فعالیت محسوب میگردند .

فعالیت های طراحی ، مهندسی ، تدارکات و ساختمانی طرح با تکنیک ذکر شده در فوق برنامه ریزی و هم آهنگ میشوند . قرارداد های ساختمانی براساس شبکه کارتنظیم میگردند . برای مثال پیمان ساختمان تاسیسات تصفیه گاز در دریید بلند براساس يك شبه کار که بالغ بر ۵۰۰۰ فعالیت میباشد بین طرح شاه لوله و پیمانکار مورد توافق قرار گرفته است . در این شبکه کار تاریخ و مدت اجرای هر فعالیت مشخص شده است . پیشرفت کار بر اساس شبکه تنظیم شده تعیین و گزارش می گردد . بعلاوه اینکه يك فعالیت هرچقدر به تنهایی کوچک باشد ممکن است موجب تاخیر کلیه کار ها گردد کنترل دقیقی روی پیشرفت کلیه عملیات انجام میگیرد و در صورت تاخیر و یا بروز اشکالات در انجام يك فعالیت مراتب فوراً به اطلاع کادر نظارت می رسد و اقدامات عاجل برای رفع آن بعمل می آید . بسیاری از فعالیت های طرح در تمام مدت اجرای طرح بحرانی محسوب می شوند ، بدین معنی که تاخیر آنها حتی برای مدت بسیار کوتاهی از نظر طرح غیر ممکن است . کنترل و نظارت دقیق بمنظور حصول اطمینان از اجرای بموقع این فعالیت ها بوسیله مهندسین مشاور و کادر نظارت انجام میگیرد . برای مثال کنترل نرخ لیره ، اعتصاب در کشور فرانسه ، بسته شدن کانال سوئز و یا اشکالاتی که صنعت فولاد يك کشور بخصوص در مورد ساخت ورق های فولادی X 60 با آن مواجه شد عوامل عمده ای بودند که در برنامه های تدارکات ، کشتیرانی ، ساختمان و بهره برداری طرح تاثیر داشته اند . علاوه بر اینها برنامه ریزی طرح شاه لوله با عوامل کثیر دیگری که از نظر کلی جلب توجه عموم را ندارند لیکن تاثیر آنها در فعالیت های طرح همچنان عمیق است مواجه بوده است .

بالتبعیه برنامه های طرح شاه لوله بایستی در عمل تغییر یافته و ترمیم شوند . تغییراتی که بعلاوه عوامل غیر قابل پیش بینی بوقوع پیوسته در وضع مالی موثر بوده است که خود موجب مسائل بفرنج و گرفتاری های زیادی برای شرکت ملی نفت ایران و سازمان برنامه شده است . فعالیت هایی که طبق برنامه کامپیوتریزه شده بموقع انجام نشوند مسائل مهم مدیریت و هم آهنگی ایجاد مینمایند بعنوان مثال در يك نقطه از شبکه کار در سال گذشته مدیریت طرح با مسائل ذیل یکجا مواجه بوده است .

— هم آهنگ نمودن فعالیت های مشترک

طراحی بین گروه های فنی شوروی (که مسؤول طراحی واحدهای اصلی توربو کمپرسور خط اصلی میباشد) و مهندسین مشاور (که عهده دار طراحی ساختمان سیستم فرعی کمپرسور خانه ها میباشد) بمراحل مشکلی رسید . بعلاوه آشنا نبودن هر گروه از روش متداول طراحی واستاندارد های رایج گروه دیگر ، شیوه کار براین بود که طی مذاکرات مفصلی که در تهران — لندن — مسکو و کیف بین نمایندگان طرح شاه لوله گروه شوروی و مهندسین مشاور انجام میگرفت روش های متداول در شرق و غرب برای طرفین تشریح میگردید و با ارائه نمودن نتایج تحقیقات و تاریخچه تاسیسات ساخته شده طرفین روی روش بخصوصی قانع شده و توافق حاصل میشد . این روش که تنها راه تلفیق و جوش دادن تکنولوژی شرق و غرب بود و برای اولین بار برای پروژه های باین عظمت انجام میگردید مستلزم وقت زیادی بوده مسائل مشکلی را پیش میآورد . از همه مهمترینکه برآورد های صحیح برنامه ریزی و عوامل زمانی بآسانی میسر نبود . نتیجه این بود که تغییرات زمانی و تاخیر هایی که عنداللزوم در نتیجه گیری مذاکرات بوقوع می پیوست مستلزم تغییرات دیگری در برنامه های دیگر طراحی و مهندسی و تدارکات طرح شاه لوله که از طریق مهندسین مشاور و کارخانجات سازنده غربی انجام میگرفت میگردید .

از جانب دیگر تغییراتی که لدی الاقتضا در اختصاص دادن منابع گاز برای سالهای آتی به طرح شاه لوله در حوزه قرارداد بوسیله شرکت های عامل نفت ایران داده شد موجب تغییرات و اصلاحاتی در طراحی و مهندسی و تدارکات سیستم جمع آوری گاز گردید . یکی از این تغییرات در مقادیر و اندازه های لوله های فولادی بود که مقداری از آنها از کارخانجات اروپائی و ژاپنی خریداری شده بود و جهت مقادیر دیگر که در کارخانه لوله سازی اهواز قرار بود ساخته شود . ورق های تخت سفارش شده و در حال حمل بود . طبق موافقت نامه های اعتباری از کشورهای اروپائی کالا هایی که از هر کشور اعتبار دهند خریداری میگردید بایستی به نسبت معینی از ردیف های مختلف مصالح سفارش میشد . این امر نه تنها عامل مهمی در انتخاب يك کالا و سازنده از هر يك از کشور های فوق محسوب میگردید بلکه در بعضی موارد مقادیر ورق فولادی و لوله از هر کشور را تعیین و دیکته مینمود . با در نظر گرفتن اینکه بعضی اندازه های لوله در کشور معینی ساخته نمیشود تعادل سفارشات و برنامه های تدارکاتی در وضع بسیار بفرنجی قرار می گرفت . بسیاری از مسائل متالورژی که در مورد فولاد X 60 در کارخانجات لوله سازی اهواز پیش آمد کرد برای اولین بار تکنولوژی لوله سازی را با چنین دشواری

هائی مواجه نمود و موجب تغییراتی در برنامه های تدارک لوله و ورق گردید .

همزمان با این گرفتاریها عوامل دیگر از قبیل بسته شدن کانال سوئز ، لزوم تقلیل پرداخت های نقدی در سال ۱۳۴۷ ، تاخیر کار گروه شوروی بدلائلی که قبلاً بآن اشاره شد باعث میگردید که اساس و عوامل برنامه ریزی تغییر یابد . کلیه تغییراتی که در برنامه های طرح بوقوع می پیوست جنبه های زمانی و مالی داشت و در بسیاری از موارد بایستی تصمیمات لازم و خط مشی های واقع بینانه ای در قالب محدودیت ها و مشکلات موجود اتخاذ و در مورد آنها با دولت و سازمان برنامه و بانک مرکزی در مدت بسیار محدود و اکثراً فوری مشورت میشد .

در اینجا لازم است اشاره ای به وجه تمایز این طرح با سازمانهای ستادی و بسا سروسسی دیگر از نظراصول پنجگانه مدیریت ، یعنی برنامه ریزی (Planning) سازمان دادن (Organising) تامین نیروی انسانی و پرسنل (Staffing) سرپرستی (Directing) و بالاخره کنترل و نظارت (Controlling) بنمایم . در سازمانهای دائمی ستادی و سروسسی واحد های مختلف وظایف متمایز از هم دارند و در اکثر موارد هر يك هدف های مخصوصی را دنبال مینمایند و در بسیاری اوقات هم آهنگی نزدیک واحد های مختلف ممکن است ضروری نگردد و یا اثرات عدم هم آهنگی بحد زیادی زیان بخش نباشد در حالیکه در سازمان این طرح فعالیت های کادر نظارت شرکت ملی نفت ایران و واحد های مهندسین مشاور و موسسات تخصصی بین المللی دیگر همه برای رسیدن به هدف های مشترکی که در شبکه کار طرح مشخص شده تنظیم میگردند و بالتبعیه هم آهنگی بسیار نزدیکی بین کلیه قسمت های طرح ضروری است و سرپرست و هم آهنگ کننده طرح عنداللزوم بایستی از جزئیات و نتایج کلیه فعالیت های طرح مطلع باشند . این خود نمودار نحوه اتخاذ تصمیم نیز میباشد زیرا هر تصمیمی که بمرحله اجرا درمیآید بایستی نه تنها در جهت هم آهنگ کردن فعالیت های طرح بلکه بایستی در قالب محدودیت ها و خط مشی های کلی مدیریت در سطح دولت و شرکت ملی نفت ایران نیز باشد .

از سخنان مهندس سعید نقوی

جنگلی

تازه بیدار شده بود که او فرسنگ ها از خانه اش فاصله داشت... و از دور سواد جنگل پیدا بود... آه چه سرزمین زیبایی، درختان تنومند انبوه و سبز، و از قفس کاه گلی آدمیزادگان نه نشانی و نه اثری.

بی جهت نبود که می گفتند پدر بزرگ پدر بزرگ پدر تا آخر عمرش هم گاهگاهی بیاد جنگل آه می کشید.

با احتیاط بدرون جنگل قدم گذاشت. چند پرندۀ روی اولین درخت نشسته بودند و نگاهش می کردند و بعد دیگر حیوانات کوچک و بزرگ روی زمین، روی درخت ها و لابلای بوته ها سرگرم بودند و بیگانه اش می پنداشتند و او تا آن زمان هیچ يك را ندیده بود...

تشنه شده بود و خسته، کمی آب از کنار نهر کوچک جنگلی نوشید، کمی خوابید، چه آرام... اما گاهگاه ترس برش می داشت. گفته بودند جنگل جای امنی نیست. گفته بودند که راست است که جنگل مکلن آزادی است اما برای این آزاد زیستن باید ستیز کرد. شیرها، پلنگ ها حمله می کنند. شیرها، پلنگ ها، پلنگ ها... پیش خود فکر می کرد که يك شیر چه قیافه ای دارد. یعنی واقعا آن قدر وحشتناک است که می گفتند؟

اما اثری از این ها پیدا نبود شب ها روز می شد. هفته ها ماه و ماه ها سال. آه چه خوب بود، بی منت بی غم... تنها ته ته های دلش اندوه مبهمی حس می کرد. دلش تنگ شده بود. دوست داشت آزاد در جنگل زیست کند اما دلش در هوای دیگران پر می زد. آن ماده قشنگ که آن گونه آرزومند نگاهش می کرد یاد آن چشم ها و آن نگاه ها، دلش را بدر می آورد.

کلافه شده بود، یارای آن نداشت که خود را از آن وسوسه برهاند. عاقبت راه قفس کاه گلی آدمیزاده را در پیش گرفت. يك سپیده دم لطیف بود. با خود ساخته بود که می رود و از دور بایشان تماشا می کند عموها، عمه ها، خاله ها، دایی ها، برادرها، خواهرها، دوست ها و آن ماده قشنگ و بعد بی آن که بگذارد ببینندش باز می گردد و آزاد زیست می کند.

و از دور سواد دهکده پیدا بود. همان دور ها ایستاد. آن قدر که بتواند ببیند و نبینندش...

بچه چوپانی بی خیال از کنارش گذشت. حتی نگاهش هم نکرد شاید نشناختش، شاید اصلا ندیدش.

نه آدمیزاده کاری بکارش نداشت. دلش می خواست می توانست نزدیک تر برود اما احتیاط می کرد و نمی رفت.

چند آدمیزاد هم از دور پیدا بودند اما کاری به کارش نداشتند بزودی آن ها را نزدیک تر دید. نزدیک تر... خواست برگردد پشت سرش هم چند نفر بودند خواست بستیزد و فرار کند اما ریسمانی به گردنش پیچ خورد. خواست حمله کند، ریسمان دیگری به پایش پیچید. و دو ریسمان را به هم بستند و آن قدر کشیدند که دیگر نمی توانست تکان بخورد. خوار و حقیر شده بود و راندندش بسوی قفسی کاه گلی در کمال زبونی...

دخترک کوچکی که گیس های بافته اش را با مهره های کوچک قرمز و آبی به هم بافته بود و پیراهن بلند گلدار برتنش بود از برادرش که شلواری گشاد و سیاه و خاک آلود برتن و چوبی در دست داشت می پرسید:

چرا این طور کردند؟

و برادر چوبدستش را تکان داد و گفت: آخر او جنگلی شده بود. جنگلی...

نوشته مریدانی دکتر سپاهی در آستارا

دوستانش گنگ می نگرستندش و بر آرزوی محال او اندوهگین بودند... پدرش یاد می کرد که پدر بزرگ پدر بزرگش را از جنگل آورده بودند. با تلاشی سخت در حلقه محاصره گرفته بودندش و بعد ریسمانی ضخیم به شاخ هایش پیچیده بودند و چون باز هم در هوای آزاد تقلا کرده بود يك پایش را به شاخی بسته بودند. آن گونه که دیگر یارای تکان خوردنش نبود.

آدمیزاده عجب مکار بود و چه راه هایی می دانست. سخن کوتاه. اسیرش ساخته بودند و چاره نبود.

بعد آورده بودندش و غذا و آب داده بودند. هیچ نمی فهمید اگر آدمیزاده ظالم بود و مکار و حيله گر پس چرا مهربان شده بود. هنوز از پیچ و خم تزویر سر در نمی آورد. اسیر محبت کرده بودند پدر بزرگ پدر بزرگش را... و بعد از زمانی کوتاه دو قطعه چوب بر او بسته بودند به کاری سخت در مزرعه کشاندندش و سرچوب ها در دست آدمیزاده. او زاده جنگل بود و به مزرعه عادتش می دادند اما او چه می دانست گمان داشت که وقتی غذایش می دهند باید کمکشان کند. آدمیزاده مهربان را کمک باید کرد. دیگر کم کم خاطرات جنگل برای پدر بزرگ پدر بزرگش را گاه گاه که می اندیشید آهی می کشید. اما راستی چه فایده داشت زندگی بر هراس جنگل هر زمان شیری، پلنگی، بیری قصد جانش می کردند. این جا آدمیزاده محافظتش می کرد، غذا می داد، تیمارش می نمود. نه هراسی، نه اندوهی. فقط گاه گاه آهی در خیال آن پوست سفید خالدار که ماده بی طنز بود.

روزگاری بعد آدمیزاده مهربان، برای پدر بزرگ پدر ماده بی آورده بود سفید خالدار، عینا مثل «آن» که دلش برایش پر می زد. تازه این يك شاید قشنگ تر هم بود.

بعد پدر پدر بزرگ پدر و بعد پدر بزرگ و بعد پدرش. نسل به نسل به دنبال هم به دنیا آمده بودند و او چقدر خاله و عمه و عمو و دایی و فرزندان و فرزند فرزندان... و همگی در خانه آدمیزاده به دنیا آمدند و آدمیزاده هم چنان مهربان بود.

و قصه پدر بزرگ پدر بزرگ را همه چون افسانه بی سینه به سینه نقل میکردند. پدر بزرگ آزاد جنگلی را... اما همه عقیده داشتند که خانه آدمیزاده بهتر است و جنگل جای امنی نیست. حتی عمو بزرگ ها هم که سنی از آنان گذشته بود همین عقیده را داشتند اما او... خودش هم نمی دانست چرا این همه آرزوی جنگل را داشت.

دوستانش گنگ می نگرستندش و بر آرزوی محال او اندوهگین بودند. مادرش التماس کرد پدرش پرخاش، عموها نصیحت، رفیقان خواهش و رقیبان لبخندی تمسخر آلود و خواهران غمزده اشک می ریختند و آن ماده قشنگ که پنهانی نگاهش می کرد چقدر آرزو داشت که این خیال خام از سرش بیرون رود. اما هیئات، سودی نداشت يك سپیده دم لطیف بهاری که هوا را مه گرفته بود خود را آزاد کرد، کسی راه براو نیست. اصلا کسی اعتنايش هم نکرد. آدمیزاده مهربان و میهمان دوست از خواب سنگین شبانگاهی.



قهوه خانه ها

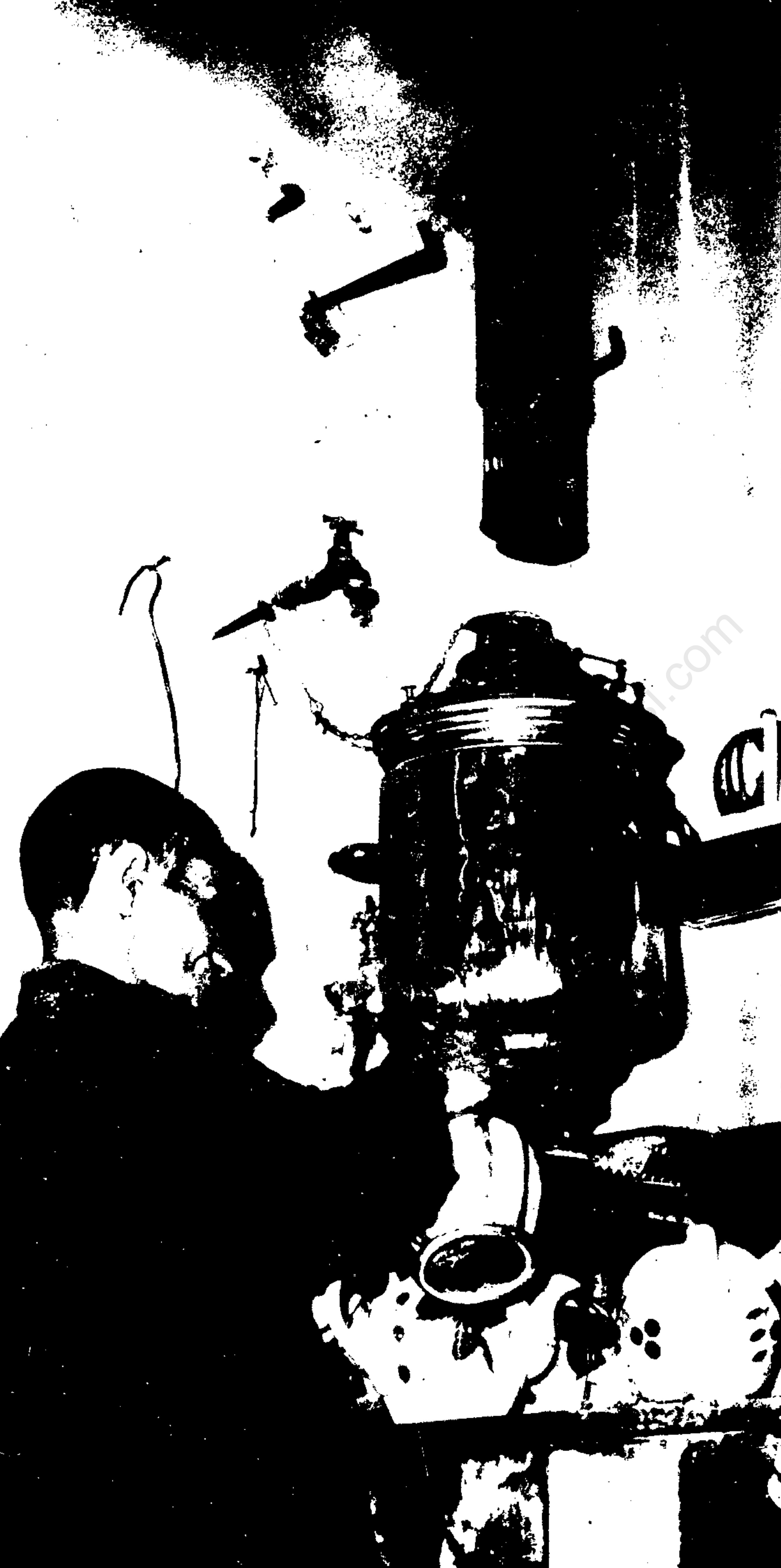
● قهوه خانه نشین ، امروز حیرت زده برنامه های ارکستر سمفونیک «متروپولیتن» و باله «گایانه» را از تلویزیون تماشا میکند .

امروز تلویزیون جای نقال نشسته ، قهوه چي ، نقد و افساط هم که شده ، يك تلویزیون می خرد تا با این شهر فرنك قرن بیستم چند قوری چای بیشتر به فروش برساند .

قهوه خانه یکی از این میراثهای فراموش شده کهن است و آنچه که امروز قهوه خانه اش می نامیم چهار دیواری مسقفی است که گروه مشخص و معینی از افراد این مملکت در آن جمع می شوند و ضمن نوشیدن يك دو استکان چای رفع خستگی می کنند .
در حالیکه روزی قهوه خانه یکی از محافل اسم و رسم دار این مملکت بود و با مراسم متنوعش نقالی و سرودم بستن هایش و هزار فوت فن دیگرش ساعت ها موجبات شغف و سرور خاص و عام را فراهم می کرد .
اما امروز تلویزیون جای نقال نشسته ، قهوه چي ، نقد و افساط هم که شده ، يك تلویزیون می خرد

قهوه خانه نشین ، امروز حیرت زده برنامه های ارکستر سمفونیک «متروپولیتن» و «باله گایانه» را از تلویزیون می بیند . زیر سقف همین قهوه خانه ، سال ها پیش نقال ها با آب و تاب داستان در آتش رفتن سیاوش ، جنگ رستم و سهراب و رسیدن اسکندر به سرچشمه آب ظلمات را با هنرمندی نقل می کردند و شنوندگان را از قیل و قال دنیای خشن مادی به سرزمین طلایی افسانه ها می برد
ما معتقدیم که باید به ترتیب شده تمام سنت های ملی را که از یاد ها رفته باز بیاد آریم و در یاد داشته باشیم که وارث میراث های بزرگ فرهنگی و قومی هستیم و شرط انصاف نیست که برای میراث پدرانمان قدر و ارج قایل نشویم . قهوه خانه





هم یکی از این میراث هاست که غبار تمدن امروزی بر چهره‌اش نشسته و شاید بیرزد اگر مورد تحقیق و بررسی قرار بگیرد ... قهوه‌خانه و مراسم متنوعی که در آن انجام می‌شده تاکنون کمتر مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و اصولاً در خصوص قهوه‌خانه کمتر ملاک و سندی در دست است که به استناد آن بتوان چگونگی پیدایش و آداب و رسوم این محفل را مورد مذاقه و مطالعه قرار داد.

قهوه‌خانه ابتدا محلی بوده برای صرف قهوه و بعد ها جای جایگزین قهوه شده است فرهنگها و لغت نامه های مختلف به معانی گوناگونی واژه ، قهوه‌خانه را ثبت کرده‌اند :

قهوه در «اقراب الموارد» و «فرهنگ نظام» به معنی «خمر» و در فرهنگ «آندب راج» شراب‌ودر «منتهی‌الارب» به معنی «می» آمده است . مرحوم دهخدا در لغت‌نامه خود درباره کلمه قهوه می نویسد :

«... که اصل این گیاه از افریقا واز منطقه سودان است و از آنجا در حدود قرن چهارده (۱۴) و پانزده (۱۵) میلادی به سرزمین های عرب برده شده و سپس این ماده از طریق هندوستان به قاره جدید حمل گردیده است ...»

اما همان طور که از مفاد فرهنگ های گوناگون در خصوص کلمه قهوه مستفاد می شود ، باید گفت که قهوه کلمه‌یی است عربی و دارای ریشه مشخصی نیست و آن طور که از روایات و داستان های عرب بر می‌آید در حدود قرن نهم هجری در عربستان و خاصه در مکه اماکنی جهت دم کردن و نوشیدن قهوه وجود داشته که به این اماکن بیوت القهوه (قهوه خانه) می گفتند . قهوه در اواخر قرن نهم هجری از طریق سوریه و مصر به ایران آورده شد و این زمان تقریباً مقارن با توسعه و بسط تصوف در ایران بود و چون یکی از خواص قهوه زایل کردن خواب و از بین بردن خستگی است ، صوفیان این ماده را برای شب زنده داری ها و مراقبه های خود مورد استفاده قرار دادند .

بعید به نظر نمی رسد که رواج قهوه در بین عامه مردم از همین طریق باشد و باز دور از ذهن نیست که مبداء رواج را در ایران از کشور همسایه ترکیه بدانیم زیرا که در زمان سلطنت سلطان سلیمان خان قانونی (معاصر با شاه طهماسب اول) قهوه‌خانه‌های متعددی در ترکیه وجود داشته که مرکز تجمع صوفیان ، شعرا و هنرمندان بوده است .

تا قبل از دوره صفویه هیچ گونه آثار و شواهدی که دال بر وجود قهوه‌خانه در ایران باشد به دست نیامده است ؛ لیکن درآوان سلطنت شاه اسماعیل چند قهوه‌خانه در نقاط مختلف ایران خاصه در پایتخت

شاهان صفوی دایر گردید و در زمان شاه عباس صفوی بر تعداد قهوه خانه ها و افراد قهوه خانه نشین افزوده شد و در اکثر شهر های ایران مانند قزوین و خاصه در اصفهان قهوه خانه های متعددی ساخته شد . در اصفهان غالب قهوه خانه ها در اطراف قصر شاهی و چهار باغ متمرکز بود و از این تاریخ به بعد قهوه خانه ها مرکزی شدند برای تبلیغ و ترویج تصوف و تجمع سران قوم و شعرا و هنرمندان که در ضمن دیدار دوستان و صرف قهوه و شرکت در بحث و گفتگو، از مراسمی که در قهوه خانه ها اجرا می شد، مانند : نقالی ، سخنوری ، مشاعره ، شطرنج ، تخته نرد و رقص استفاده می کردند.

ساختمان قهوه خانه : قهوه خانه سابقا عبارت از سالن بزرگی بود که در وسط آن حوضی وجود داشت و این حوض به طریقی در وسط قهوه خانه ساخته می شد که همیشه دارای آب روان باشد .

در اطراف حوض سکوهایی (مصطبه) به ارتفاع یک متر وجود داشت که محل نشستن مشتریان قهوه خانه بود . بین حوض و سکو ها فاصله نسبتا زیادی جهت اجرای بعضی از مراسم مانند رقص و نمایشنامه احداث می شد . در هر قهوه خانه غرفه مخصوصی به نام شاه نشین جهت سلاطین و شاهزادگان وجود داشت . سقف قهوه خانه ها گنبدی شکل بود و معمولا هر قهوه خانه دارای چند سقف ضربی (گنبدی) بود که به وسیله ستونهایی از تیر چوبی نگهداری می شد که سکوی زیر هر یک از این سقف ها را طاق نما می گفتند و طاق نما های مجاور غرفه شاهی، مخصوص رجال و معتمدین بود . هر قهوه خانه محلی به نام «سردم» (به فتح سین و دال) داشت که مخصوص نقال یا مرشد و یاسخنور قهوه خانه بود و کف سکوی آن با پوست بره و یا پوست حیوانات دیگر مفروش میشد . تمام دیوار های قهوه خانه مزین بود به عکس ها و تصاویر مختلفی از پیشوایان دین، شاهان و پهلوانان و آلات درویشی و علامت مخصوص هفده صنف از اصناف را بطور خاصی روی دیوار قهوه خانه می آویختند . سخنوران در قهوه خانه ها معمولا از سر سپردگان صوفیه بودند و هر سخنور باید که از طریق کار و کوشش امرار معاش می کرد و هیچگاه نباید به تن پروری و تنبلی عادت نماید و دست تکدی که مذموم می دانستند برای امرار معاش بسوی کسی دراز کند .

آویختن علایم مخصوص بعضی از اصناف، خود نشانه آن بود که سخنور دارای شغل و مقام اجتماعی خاص است . علایم اصناف هفده گانه به این ترتیب بود که ابتدا علامت مخصوص یکی از اصناف را که کوچکتر تهیه شده بود به دیوار قهوه خانه می آویختند ، و سپس بین نشان صنف اول و دوم تکهایی پوست (پوست بره یا آهو) می گذاشتند بدین

ترتیب این علایم به وسیله تکهایی پوست از هم جدا و متمایز می شد .

این هفده صنف با علایم مخصوص خود عبارت بود از : ۱- نانوا (تصویر تکهایی نان) ۲- سلمانی (تیغ) ۳- پهلوان (یکی از آلات ورزش) ۴- قصاب (یکی از ابزار کار) ۵- پالان دوز (یکی از ابزار کار) ۶- نعلبند (نعل) ۷- سقا (پیاله آب) ۸- پاره دوز (نخ و سوزن) ۹- چارودار (گوسفند) ۱۰- لوطی (یکی از ابزار کار) ۱۱- درویش (کشکول یا تبرزین) ۱۲- مرده شور (لیف و صابون) ۱۳- روضه خوان (منبر) ۱۴- بوجار (الك) ۱۵- چاووش (یکی از ابزار کار) .

۱۶- قهوه چی (یکی از وسایل قهوه خانه) و آخر از همه (پوست) نشان کرسی بابا (پوستی که مرشد قهوه خانه و یا سخنور روی آن می نشیند) .

در زمان صفویه قهوه خانه ها رونق بسیاری داشت و مورد عنایت شاهان صفوی و بخصوص شاه عباس بود و فقط گروه معدودی از افراد که اعتبار و شخصیت آن ها مورد تایید درباریان بود ، اجازه دایر کردن قهوه خانه را داشتند .

هر قهوه چی در قهوه خانه خود معمولا چند جوان خو برو که غالبا از جوانان ارمنی، گرجی و چرکس انتخاب می شدند ، جهت امور مختلف قهوه خانه استخدام می کرد که برخی از این جوانان امور پذیرایی از مشتریان را عهده دار می شدند و بعضی دیگر که زیباتر و آراسته تر بودند یا موهای بلند و لباس های رنگارنگ جهت سرگرمی حاضرین در قهوه خانه به رقص و پایکوبی و اجرای نمایش های مختلف می پرداختند . بهمین مناسبت بعضی از قهوه خانه ها میعاد گاه و مرکز برای جمال پرستان زیبا پرست به شمار می رفت . در زمان شاه عباس قهوه خانه ها مرکزی بودند برای تجمع شعرا و هنرمندان . به طوری که بسیاری از شاعران و هنرمندان هر روز ساعتی چند در قهوه خانه ها اجتماع می کردند . اشعار خود را می خواندند و یا بحث های هنری مطرح می نمودند . شاید به قول میرحیدری شاعر که گفته :

مراد قهوه (خانه) بودن بهتر از بزم شهان باشد که اینجا میهمان را منتی بر میزبان باشد . برخی از شاعران چنان مجذوب قهوه خانه می شدند که داروندار خود را در قهوه خانه خرج می کردند . چنانکه نقل است شاعری به نام «مینای نجفی» یکصد تومان پولی را که شاه عباس به او اعطا کرده بود یک شب در قهوه خانه خرج کرد . همان طور که اشاره شد، در زمان شاه عباس در غالب شهرهای ایران خاصه قزوین و اصفهان قهوه خانه های متعددی دایر گردید .

از قهوه خانه های معروف اصفهان که بیشتر مورد عنایت شاه صفوی بود ، قهوه خانه

های بابافراش ، حاج یوسف ، طوفان و بخصوص باباشمس تیشی را می توان نام برد، که شاه عباس آنرا به خرج خود دایر نموده بود و قهوه چی آن «باباشمس» قبلا در شیراز معرکه گیری می کرد و چون در امر نوازندگی و خوانندگی تبصر خاصی داشت هنگامی که وارد اصفهان شد آوازه اش به گوش شاه صفوی رسید و همان طور که اشاره شد ، شاه عباس برای او به خرج خود قهوه خانه ای دایر نمود ، که در بعضی از اوقات شاه از میهمانان خود در این قهوه خانه پذیرائی و بار عام می داد . گذشته از آن این قهوه خانه میخانه ای هم داشت که حتی در ایامی که میخوارگی قدغن بود معدودی از شراب خواران حق داشتند که از میخانه باباشمس استفاده کنند و معمولا این افراد دارای علامت و یا مهری بودند که با نشان دادن آن به داروغه ایمنی می یافتند . همانطور که اشاره شد ، شاهان صفوی در بعضی اوقات از میهمانان داخلی و خارجی خود در قهوه خانه ها پذیرایی می کردند . از آن جمله پذیرایی شاه عباس در یکی از قهوه خانه های اصفهان از سفرای هندوستان و اسپانیا و عثمانی و روسیه و چند شخصیت انگلیسی و روسی بود که شرح آن پذیرایی را سفیر اسپانیا در سفرنامه خود چنین نقل کرده است :

«شب پنجشنبه هفتم ماه رجب ، خان عالم سفیر نورالدین محمد جهانگیر پادشاه هندوستان و دن گارسیادوسیلوا فیگوه را سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا و سفیران عثمانی و دولت روسیه و جمعی از کشیشان عیسوی در معیت شاه به یکی از قهوه خانه های اصفهان رفتند . شاه عباس در یکی از طاق نماها بر روی زمین نشست ، سفیران هندوستان و اسپانیا را هم که از دیگران محترم تر بودند ، در کنار خود نشاند و چون سفیر اسپانیا نمی توانست مثل ایرانیان روی زمین بنشیند به دستور شاه صندلی برای نشستن او آوردند و در طاق نمای مجاور هم سفیر مسکو و منشی اش جای گرفتند . نماینده انگلیس هم که در آن روز منزلت و اعتباری نداشت با همراهان خود در طاق نما های دورتری نشستند . سپس چند بچه رقص زیبای گرجی و اصفهانی و چرکس با لباسهای زنانه به صدای دایره و چهارپاره به رقص و پایکوبی برخاستند و از میان ایشان دو بچه رقص اصفهانی و چرکسی از دیگران بهتر می رقصیدند ، پدر بچه رقص اصفهانی که خود مهره بازی و بندبازی می دانست ، با حرکات دست و سرو گردن ، رقص بچه خود را اداره می کرد .

به گفته سفیر اسپانیا حرکات این دو بچه رقص از حرکات زنان هم زنانه تر بود . در همان حال پیش شاه و سفیران سفره کوچکی گسترده ، شاه چند لقمه بی خورده ولی سفیران یا به سبب سیر بودن و یا به علت آنکه صرف طعام را در چنان محلی مناسب شأن و مقام خود نمی دانستند چیزی



نخوردند. سفیران حتی از آشامیدن قهوه هم که شاه بدست جوانان خوبروی قهوه‌خانه در فنجانهای طلایش ایشان می‌نهاد خودداری کردند و فقط به می‌گساری قناعت نمودند. شاه با ایشان به سلامتی پادشاهان هریک از کشورهای مربوط شراب خورد و پس از شستن دست و دهان خود با آفتابه لگن‌زربین با دستمالی که همیشه به کمر داشت دست و صورت خود را خشک نمود و به اتفاق میهمانان خود قهوه‌خانه را ترک کرد.» (نقل از کتاب زندگی شاه عباس - تألیف نصرالله فلسفی - جلد دوم)

ورودچای به قهوه‌خانه : ورود چای به

وجود داشت، که نجبا و اشراف در آنجا ضمن نوشیدن چای شطرنج نیز بازی می‌کردند» به گفته این سفیر شطرنج بازان ایرانی در بازی شطرنج ماهرتر از شطرنج‌بازان روسی بودند. این سفیر در سفرنامه خود می‌افزاید که «ایرانپان برك چای را آنقدر در آب می‌جوشانند تا رنگی سیاه پیدا کند و سپس آنرا با بادیان و رازیانه و شکر می‌آمیزند و می‌نوشند و معتقدند که برای سلامت مزاج بسیار مفید است. به همین سبب برای هرکس که بدیدارشان رود، فنجانی چای می‌آورند. چای راچندان داغ می‌خورند که در دست نگه داشتن فنجان‌های چینی یا نقره کار دشواری

خاصه خلیج فارس نفوذ و سلطه‌یی بهم‌زدند به ایران آورده شد و بعضی نیز با توجه به واژه ترکی توتون ورود این ماده را به ایران از طریق کشور ترکیه (عثمانی) می‌دانند ولی چون سند معتبری در این خصوص در دست نیست به هیچ يك از اقوال فوق اعتماد نمی‌توان کرد.

تقریباً می‌توان گفت که پس از گذشتن نیم قرن از ورود توتون به انگلستان این ماده به ایران نیز آورده شد و مورد استقبال اهل قهوه‌خانه قرار گرفت و معروف است که می‌گویند شاه صفی از زمره کسانی بود که خیلی زود به چیق کشیدن عادت کرد و برای



قلیان زلب تو ، بهره‌ور می‌گردد
نی در دهن تو ، نیشکر می‌گردد

برگرد رخ تو ، دود تنباکوچیست
ابری است که برگرد قمر می‌گردد

قهوه‌خانه و جایگزین شدن آن به جای قهوه را باید در زمان صفویه دانست پس از رواج چای در ایران سوداگران تاتار و ازبک از ختا و چین و خاور دور به ایران می‌آوردند. این ماده بزودی توانست در قهوه‌خانه‌ها جای قهوه را بگیرد و در زمان شاه صفی خوردن چای در قهوه‌خانه بسیار معمول بود.

به طوری که سفیر فردریک هلشتاین که در سال ۱۰۴۶ هجری به ایران سفر کرده است، در سفرنامه خود می‌نویسد: «گذشته از قهوه‌خانه در اصفهان اماکنی نیز مانند قهوه‌خانه جهت صرف چای (چای‌خانه)

است. از این‌رو غالباً فنجانها را از چوب یا نی می‌سازند و بر آن روپوشی از مس، نقره و یا طلا می‌کشند تا گرمی چای دست نوشنده را آزار نرساند.» (نقل از: کتاب زندگی شاه عباس - تألیف نصرالله فلسفی - قسمت دوم)

چیق و قلیان در قهوه‌خانه : از چگونگی آوردن توتون و تنباکو به ایران اطلاع‌چندانی در دست نیست بعضی معتقدند که توتون و تنباکو پس از کشف آمریکا از طریق جنوب ایران به دستیاری پرتقالیها و انگلیس‌ها که در زمان صفویه در نواحی جنوبی ایران

پر کردن و به اصطلاح چاق نمودن چیق خود مامور خاصی برگزید.

اما قلیان از آغاز رواج چیق به ایران کشیدنش در بین مردم و خاصه اعیان و درباریان معمول و متداول گشت و آنطور که از نام قسمتهای مختلف قلیان (سرقلیان، میانه، میلاب) مستفاد می‌شود می‌توان گفت که قلیان ساخته خود ایرانیان است.

پس از رواج قلیان و چیق دودکشان در ایران به دو دسته تقسیم شدند. جمعی که معمولاً از اعیان و درباریان بودند قلیان را انتخاب کردند ملایان و افراد مذهبی چیق را

دستور او هر روز صبح ملایی به قهوه‌خانه می‌رفت و ضمن گفتن چند مساله دینی ازجا برمی‌خاست و به حاضران می‌گفت که دیگر وقت کارست و بدنبال کار روید ...»

چون دوره بعد از صفویه مقارن با مبارزات میهنی بود مردم مجال و فرصت چندانی برای رفتن به قهوه‌خانه نداشتند. از اوایل دوره نادری قهوه‌خانه بکلی از رونق افتاد و کمتر مورد توجه مردم قرار گرفت. تادر زمان سلطنت آغامحمدخان قاجار به علت نبودن وسایل تفریح و محدودیت های پیش از حد، مردم دنبال اماکنی گشتند که ساعتی چند از اوقات فراغت خود را در آنجا به گفتگو و درد دل بپردازند. از این رو قهوه‌خانه



مجددا رونق و رواج یافت و قهوه‌خانه‌های متعددی در اماکن مختلف تهران پایتخت آقا محمدخان دایر گردید و باز کم کم قهوه‌خانه شهرت گذشته خود را بدست آورد. قهوه‌خانه در زمان ما گرچه هنوز موجودیت خود را حفظ کرده ولی با قهوه‌خانه‌های قدیم تفاوت زیادی دارد. از آن همه مراسم که در قهوه‌خانه‌ها اجرا می‌شد آثار بسیاری برجای نمانده است.

قهوه‌خانه امروز فقط مرکزی است برای نشستن و جای خوردن و گپ زدن عده‌ای و احیانا خوردن دیزی و کشیدن قلیان. از قهوه‌خانه‌های معروف کنونی که تا حدودی رنگ و روی دیرین خود را حفظ کرده‌اند می‌توان قهوه‌خانه بازارچه مروی، قهوه‌خانه عباس تکیه، قهوه‌خانه بازارچه سعادت، قهوه‌خانه گندروزی دفتر و قهوه‌خانه صابون‌پزخانه را نام برد.

نوشته عباس رهبری

منابع

- ۱- اقرب الموارید ۲- آندراج ۳- فرهنگ نظام ۴- منتهی‌الارب ۵- لغت‌نامه دهخدا ۶- تاریخ عالم آرای عباسی ۷- زندگی‌نامه عباس جلد دوم نصرالله فلسفی ۸- سفرنامه تاورنیه ۹- بولتن دانشکده علوم اجتماعی ۱۰- المنجد.

کردند. البته نقالان این افسانه‌ها را به سلیقه خود تغییراتی می‌دادند و به صورت طوماری می‌نوشتند و گاه شفاها و گاه از روی طومار نقل می‌کردند.

از نقالان معروف دوره صفوی یکی ملامونس معروف به یکه سوار رامی‌توان نام برد که در نقل شاهنامه تبحر خاصی داشت و مورد لطف شاه عباس بود و دیگر ملاشکوهی شاعر اصفهانی و عبدالرزاق قزوینی که از نقالان معروف عصر صفوی بشمار می‌رفتند.

از نقالان بنام دوره قاجار حاج حسین بابای مشکین است که در داستان های شاهنامه دخل و تصرف کرده و روایات و افسانه‌های الحاقی چندی به آن افزوده و طوماری ترتیب داده‌است که مورد استفاده نقالان بعد از او قرار گرفته است.

سخنوری: دیگر از سرگرمی های قهوه‌خانه سخنوری بود که خود نوعی مباحثه و مناظره به شمار می‌رفت. اغلب مطالبی که سخنور در قهوه‌خانه عنوان می‌کرد بیشتر جنبه دینی و عرفانی داشت و گاه بامشتریان قهوه‌خانه در خصوص مساله مطرح شده به مباحثه و مشاعره می‌پرداخت و در بعضی اوقات در محفل قهوه‌خانه چنان شور و انتهایی به وجود می‌آورد که تا سپیده دم برنامه مشاعره و مباحثه بین مشتریان ادامه می‌یافت. گاهی اوقات سخنوران به تنهایی با بیانی رسا و گیرا بعضی از مسایل دینی و عرفانی را در قالب بحر طویل‌هایی بیان می‌کردند. سخنوران اکثرا از حلقه صوفیان بودند و یکی از صفات بارز آن‌ها این بود که هیچگاه از طریق در یوزگی تامین معاش نمی‌کردند و حتی برنامه خود را در قهوه‌خانه‌ها افتخاری انجام می‌دادند و برای سخنوری در محفل قهوه‌خانه پول و یا هدیه‌ای دریافت نمی‌داشتند.

گذشته از نقالی و سخنوری تفریحات دیگری نیز در قهوه‌خانه‌ها اجرا می‌شد. مانند اجرای نمایشات مختلف در صحنه‌ی قهوه‌خانه فاصله بین حوض و سکوها که معمولا بدها تاتوسط دسته‌یی بنام تقلیدچی اجرا می‌شد و گاهی نیز انجام مراسمی مانند کشتی خرس با انسان، نمایش پرده‌هایی از واقعه کربلا، رقص و پایکوبی در قهوه‌خانه‌ها مرسوم بود. گذشته از این مراسم تفریحات دیگری از قبیل شطرنج، نرد و تخم مرغ بازی نیز بین اهل قهوه‌خانه‌ها معمول و متداول بود.

البته هر کدام از مراسم فوق دارای تشریفات خاصی بود که بررسی آن‌ها از حوصله این مقال خارج است.

قهوه‌خانه از اواخر دوره شاه عباس صفوی اندک اندک قدر و اعتبار گذشته خود را از دست داد.

تاورنیه جهانگرد فرانسوی در سفرنامه خود مینویسد: «شاه عباس چون دریافت که مردم در قهوه‌خانه‌ها به گفتگوهای سیاسی و دولتی می‌پردازند و ممکن است که این گفتگوها به توطئه و آشوب منتهی گردد به

برگزیدند. جالب توجه این بود که افراد مذهبی خاصه ملایان برای درازی چپ‌خود اهمیت خاصی قائل می‌شدند، بطوری که اگر در مجلسی برای ملایی، چپ‌ کوتاهی می‌آوردند سخت موجب ناراحتی او می‌شد. کشیدن چپ‌ و قلیان در بین مردم و خاصه اهل قهوه‌خانه رواج داشت تا این که قریب ۱۰۰ سال پیش سیکار از طریق روسیه وارد ایران شد و کم کم جایگزین قلیان و چپ‌ گردید.

گردانندگان قهوه‌خانه: امور پذیرایی در قهوه‌خانه معمولا به عهده چند نفر بود که هر يك دارای کار مشخصی بودند. این چند نفر عبارت بودند از: چای فروش و صاحب قهوه‌خانه که به قهوه‌چی معروف است. پای سماوری که مامور ریختن چای در استکان بود، وردست که استکان های خالی را پیش پای سمار می‌گذاشت، پادو که مامور رساندن توصیه‌ها و سفارش های قهوه‌چی بود، بازار رو که امر اخیریچای و قند و توتون را عهده‌دار بود، قندی که (کار خرد کردن قند را به عهده داشت). سرچاق کن که (قلیان و چپ‌ را چاق یعنی آماده کشیدن می‌کرد). وغالبا این افراد ابتدا کار خود را از شغل های کوچکتر مانند جارچی‌یی و جارو کشی شروع می‌کردند و به تدریج به مقام پای سمار و وردست می‌رسیدند.

سرگرمی های قهوه‌خانه: قهوه‌خانه منحصرأ محل صرف چای و یا قهوه نبود، بلکه محفلی بود که غالبا اختصاص به افراد بصیر و روشنفکر داشت و اغلب هنرمندان و افراد با ذوق قهوه‌خانه را تنها پاتوق خود و محل مناسبی برای مطرح کردن بحث‌های مختلف (هنری، علمی، دینی و عرفانی) می‌دانستند گذشته از این مباحث که در غالب قهوه‌خانه‌ها صورت می‌گرفت هر قهوه‌خانه برای جلب مشتری، برنامه‌هایی هم در ضمن پذیرائی عرضه می‌کرد.

نقالی: داستانرایی و افسانه سازی از جمله هنرهایی است که در قهوه‌خانه تکامل یافته و عمده داستانها و افسانه‌های متداول امروز، روزی از دهان نقالی با آب و تاب نقل شده و از محفل قهوه‌خانه به محیط خارج برده شده و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل گشته‌است.

نقال یا قصه گوی قهوه‌خانه معمولا دارای صدای خوشی بود و شبها وقتی که قهوه‌خانه از مشتریان پر می‌شد نقال آغاز سخن می‌کرد و داستان خود را توأم با صحنه سازی های جالبی عرضه می‌نمود. نقالان داستانها را به صورت دکلمه (با حرکات دست و سروگردن و گرفتن قیافه های مختلف) بیان می‌کردند. پرواضح است که نقل داستان به این شکل بیشتر بدل‌شونده می‌نشت. نقالان افسانه‌هایی را که در قهوه‌خانه ها نقل می‌کردند، غالبا از افسانه‌های حماسی فردوسی، اسکندرنامه، نظامی، حسین کرد شبستری، بهرام‌نامه و هرمن‌نامه انتخاب می‌

آموزش در دستگاهها

قسمت اعظم نیازمندیهای مردم بخصوص در کشور ما توسط سازمانها و دستگاههای دولتی برآورده می شود . حسن جریان امور دستگاهها و ادارات دولتی در صورتی میسر است که افراد شایسته و لایق عهده دار کارها باشند . اگر در انتخاب کارمندان و تعلیم آنان برای قبول مسئولیتها و انجام دادن وظایفی که برعهده دارند دقت کافی به عمل نیاید و روش صحیحی وجود نداشته باشد بیشك دستگاهها قادر نخواهند بود وظایف

صفحه شانزدهم

خود را به نحو احسن انجام دهند . آموزش کارمندان با توجه به متعدد بودن مشاغل سازمانی ورده ها و صنفهای متفاوتی که در هر دستگاه وجود دارد مطلب ساده پی نیست و نمی توان آنرا مستقل و مجزا از سایر عوامل سازمانی و اداری در نظر گرفت . چنانچه طرح و اجرای برنامه های آموزشی توام با اتخاذ روش علمی و خط مشی پرسنلی نباشد هیچگاه نتیجه مطلوب به دست نخواهد آمد . بستگی آموزش و خط مشی پرسنلی سازمانها به حدی است که مطلقا نمی توان یکی را مجزا و منفرد از دیگری در نظر گرفت و برای آن برنامه علیحده ای تنظیم کرد . لهذا باید در اینجا به طور اختصار معنی خط مشی پرسنلی را بیان کرد .

به طور کلی مجموعه مقررات و روشهایی را که از آن برای نیل به هدفهای دستگاه استفاده می شود خط مشی می نامند . خط مشی پرسنلی و اداری نیز در این بیان گنجانده می شود و می توان آنرا به صورت زیر تعریف کرد :

خط مشی پرسنلی عبارتست از اتخاذ روش های صحیح به منظور استفاده کامل از نیروی انسانی و به وجود آوردن زمینه مساعد برای امکان تفویض اختیار و قبول مسئولیت از طرف کارمندان و جلوگیری از تمرکز کارها و رفتار عادلانه و تامین رضایت و به طور خلاصه پیروی از روشهای علمی در مورد امور استخدامی و پرسنلی . بنا به تعریف فوق خط مشی پرسنلی يك سازمان را می توان در چهارچوب زیر خلاصه کرد :

(۱) انتخاب و استخدام شایسته ترین افراد با روش صحیح و متد علمی از طریق تستهای مختلف در دوشاخه اصلی مسائل ذاتی و اکتسابی ، مسائل ذاتی از قبیل تستهای (روانی ، هوش ، حافظه ، نیروی جسمی و امثال آن) و مسائل اکتسابی به منظور بدست آوردن میزان معلومات کارمندان مورد نیاز .

(۲) آموزش و تربیت کارمند قبل از شروع به خدمت

(۳) آموزش پس از استخدام و در طول خدمت

(۴) انتصاب و ترفیع عادلانه از نظر رتبه و حقوق دریافتی و مقام براساس سوابق خدمت ، مدارج اداری ، گذراندن دوره های آموزشی و شایستگی و لیاقت کارمند .

(۵) پرداخت دستمزد متناسب با در نظر گرفتن کلیه شرایط و عوامل شغلی .

با توجه به موارد فوق وابستگی امر آموزش به خط مشی پرسنلی به خوبی روش می گردد . ولی باید دانست که اجرای مواد پنجگانه بالا به سهولت در دستگاههای دولتی قابل اجرا نیست و محتاج به مطالعات و تحقیقات مقدماتی و به دست آوردن آمار و اطلاعات لازم در زمینه های مختلف اداری است تا بتوان به اتکای آن روش صحیح خط مشی

پرسنلی را به معنای واقعی و علمی امروز اتخاذ نمود و در غیر اینصورت نسبت به هیچيك از استخدامها و برنامه های آموزشی و ضرورت یا عدم لزوم آنها نمی توان اظهار نظر منطقی و صحیح کرد . برای نیل باین منظور و بدست آوردن آمار مورد نیاز روشی معمول است که آنرا طبقه بندی مشاغل ترجمه کرده اند و این اصطلاح معنی علمی خاصی پیدا کرده است . برای انجام طبقه بندی ، مشخصات شغلی تمام مشاغل سازمانی در رشته های مختلف اداری ، فنی ، صنعتی ، بازرگانی و غیره بوسیله پرسشنامه هایی جمع آوری و رده بندی می گردد . چون در اینجا بحث اصلی آموزش و شناساندن وابستگی آن به سایر عوامل اداری است از بحث طولانی در باره تجزیه و طبقه بندی مشاغل صرف نظر و فقط اشاره مختصری به آن می شود . پرسشنامه های فوق الذکر پس از جمع آوری توسط متخصصان و کارشناسان امور اداری مطالعه و تجزیه و رده بندی می گردد اطلاعاتی را که از این پرسشنامه ها منظور نظر است و باید از آن استخراج شود می توان به شرح زیر خلاصه نمود :

(۱) تعیین میزان و نوع احتیاجات نیروی انسانی

(۲) استخراج و تعیین وظائف هر يك از مشاغل سازمانی

(۳) میزان تخصص و نوع آموزش مورد نیاز برای هر طبقه و هر شغل سازمانی

(۴) میزان دشواری و سایر مشخصات و شرایط شغلی

(۵) شرایط لازم برای احراز هر يك از مشاغل سازمانی از نقطه نظر تحصیلات ، سوابق خدمت ، مدارج اداری و غیره .

پس از بدست آوردن اطلاعات فوق بسادگی میتوان نقاط ضعف یک دستگاه را از نقطه نظر نیروی انسانی ، تعداد نفرات ، و یا تراکم کارمندان در يك قسمت ، به خوبی تشخیص داد و برنامه های آموزشی را براساس آمار و اطلاعات فوق تهیه و تنظیم کرد نفرات زاید هر قسمت را ضمن دایر کردن دوره های آموزشی مورد نیاز به قسمتهایی که احتیاج به کارمند بیشتری دارند اعزام و در صورتی که باز هم به نفرات بیشتری احتیاج باشد با در دست داشتن اطلاعات کافی ، در باره اینکه کارمندان جدیدالاستخدام چه مشخصات و معلوماتی را باید دارا باشند و چه نوع آموزشی را قبل از شروع به خدمت باید ببینند ، مبادرت به استخدام نمود . در چنین شرایطی انتصابات به طور طبیعی بر پایه استحقاق و کفایت کامل صورت خواهد گرفت . دستمزد عادلانه برای مشاغل سازمانی و رده های مختلف تعیین خواهد شد . تبعیض و اعمال نظر در انتصابات از بین خواهد رفت . با صرف حداقل بودجه پرسنلی حداکثر استفاده از نیروی انسانی به عمل خواهد آمد . شرایط

رضامندی کارمند، با از بین رفتن تبعیضات و به وجود آمدن يك محیط سالم برای نشان دادن ابتکار و لیاقت، به وجود خواهد آمد. کارها به دست افراد کارداران سپرده خواهد شد و دستگاهها خواهند توانست وظایف خود را به نحو احسن و در اسرع وقت انجام دهند و موجبات رضایت مردم و ارباب رجوع را فراهم نمایند. متأسفانه باید قبول کرد که در دستگاههای اداری ما با وجود کوششهایی که در این زمینه به عمل آمده تاکنون نتیجه کاملی حاصل نشده است.

شاید آنچه فوقاً ذکر شد توانسته باشد آموزش در دستگاههای دولتی را به معنای حقیقی امروز و وابستگی آنرا به سایر عوامل اداری روشن کرده باشد. البته اهمیت موضوع به حدی است که مطالب فهرست وار بالانمی تواند بیان رسایی برای ادای حق مطلب باشد. و اما اصل موضوع به طور کلی آموزش در سازمانهای بزرگ و دستگاههای مختلف اعم از دولتی و غیر دولتی، مساله ایست که به عوامل بیشتری بستگی پیدا می کند و بر حسب نوع و طبیعت و مقتضیات هر سازمان شکل خاصی به خود می گیرد و به همین جهت نمی توان برای تمام سازمانها يك برنامه تنظیم کرد. ولی آنچه که ذیلاً بآن اشاره می شود اصولی است کلی که تقریباً در تمام دستگاهها یکسان و مشترك است، و هر دستگاه و سازمانی با توجه به هدف و کیفیت کار خود میتواند آنرا به عنوانی خط اصلی کار خود منظور دارد.

برای این کار امکاناتی که دستگاهها می توانند از آن استفاده نمایند شرح زیر خلاصه می شود:

(۱) تاسیس آموزشگاههای اختصاصی و تربیت نوآموز:

این سیستم گران ترین و در عین حال با ارزشترین نوع آموزش است. تاسیس آموزشگاههای اختصاصی کم و بیش در مملکت ما رایج و در همه جا نتایج بسیار نیکویی از آن گرفته شده است.

(۲) دوره های آموزشی کوتاه مدت برای عده زیاد کارمندان:

از این سیستم معمولاً در موقع تاسیس يك واحد بزرگ یا توسعه الزامی و غیر مترقبه يك دستگاه استفاده می شود.

مثلاً در جنگ جهانی دوم برای گسترش وسیع ارتش و تبدیل کارخانه ها و صنایع سنگین به کارخانه های تهیه کننده در بعضی کشورها از این روش استفاده شد. برای تکمیل این آموزش حتماً باید از آموزش ضمن کار استفاده نمود.

(۳) آموزش ضمن کار:

این سیستم که در حقیقت مکمل آموزش های قبلی است پس از گذراندن دوره های آموزشی فوق الذکر زیر نظر متخصصان و

رئیس مستقیم کارمند صورت می گیرد. مساله حائز اهمیت آنکه پس از معرفی کارمند برای خدمت و کارآموزی متخصصان و رؤسای قسمتها از تعلیم رموز و ریزه کاریهای فن خودداری می کنند و یا قادر نیستند آنچه را که می دانند بیان نمایند. در اینصورت عمداً یا سهواً مطالب ناقص و نادرستی به کارمند آموخته می شود و برای همیشه در مغز او باقی می ماند. بهر حال کارآموزی ضمن خدمت آموزشی لازم ولی غیر کافی است و هیچگاه نباید به آن اکتفا نمود.

(۴) پرداخت کمک هزینه تحصیلی:

برای آنکه دستگاهها بتوانند نفقات مورد نیاز خود را به موقع در اختیار داشته باشند از این روش استفاده می شود. به این ترتیب که به دانش آموزان مدارس حرفه ای مورد نظر یا دانشجویان دانشگاه، کمک هزینه تحصیلی پرداخت می شود تا پس از اتمام تحصیل در آن موسسه استخدام شوند. این روش به داوطلب استخدام اجازه می دهد که بداند بعد از اتمام تحصیل در کدام موسسه مشغول خدمت خواهد شد و با راهنمایی آن مؤسسه سعی خواهد کرد که نسبت به دروس و موادی که در آینده با آنها سروکار خواهد داشت توجه بیشتری کند و همچنین چون بعضی از دستگاهها اعم از دولتی و یا غیر دولتی با پرداخت دستمزد های بالاتر قدرت جلب بیشتری دارند باعث می شوند دستگاههایی که بودجه و استخدام آنها مشمول محدودیتهایی است نتوانند در موقع لزوم و گسترش سازمان نفقات مورد نیاز را استخدام کنند. با این روش از پیش آمد مزبور می توان جلوگیری کرد.

(۵) تحصیل کارمند ضمن خدمت:

بسیار دیده می شود که کارمندان با تسهیلاتی که از نظر حضور و غیاب برای آنان فراهم میشود پس از استخدام بتحصیلات خود ادامه میدهند. این عمل در صورتی میتواند برای دستگاه مفید باشد که تحصیلات کارمند در رشته ای مطابق با احتیاجات و نیاز فنی و تخصصی دستگاه باشد و در غیر اینصورت جز بالا رفتن هزینه پرسنلی نتیجه دیگری نخواهد داشت.

(۶) طی مدارج اداری:

در حقیقت باید ارتقاء احراز تدریجی مشاغل سازمانی را يك نوع آموزش دانست و هیچگاه نباید کارمندی که مدارج پائین تر را طی ننموده است به مشاغل سازمانی بالاتر منصوب نمود. این عمل گذشته از اینکه به علت کمی تجربه و عدم آشنایی کامل کارمند فسادها و خرابیها بیار می آورد باعث دلسردی سایر کارمندان و مقاومت منفی آنها می گردد.

در مملکت ما باید خدمت خارج از مرکز و طی مدارج اداری در شهرستانها را نوعی آموزش دانست و برای آن اهمیت

فراوان قائل شد و حتی الامکان کارمندان جدید را در سالهای اول استخدام با برنامه صحیحی به شهرستانها اعزام کرد و طی مدارج اداری بالاتر را در مرکز منوط به خدمت در شهرستانها گرداند. چه در دستگاه های دولتی مشاهده می شود کارمندان که در شهرستانها سابقه خدمت دارند از نظر تجزیه و تحلیل مسایل اداری و تسلط بر کارها و وظایفی که برعهده دارند قابل قیاس با صاحبمنصبانی که پارا از دروازه تهران بیرون نگذارده اند نیستند.

طرح برنامه های آموزشی

برنامه های آموزشی با همکاری رئیس آموزش و رئیس امور اداری و پرسنلی هر قسمت منطبق با احتیاجات و توسعه های آتی دستگاه صورت می گیرد. طرح و تنظیم برنامه های آموزشی نباید مستقلاً از طرف سازمانهای اداری و آموزشی صورت گیرد و برای اینکار باید رؤسا و مسؤولان قسمتها را که کارمندانشان تحت تعلیم قرار خواهند گرفت شرکت داد و آنها را به مفید بودن برنامه های آموزشی معتقد کرد و برای نظرات آنها ارزش قائل شد. رؤسای قسمت ها می توانند یکی از کارمندان خود را موظف کنند که برای تنظیم برنامه های مورد نیاز بطور دائم با مقامات آموزشی در تماس باشند و در صورت گسترش کار حتماً باید نماینده ثابتی از طرف اداره آموزش با رؤسای قسمتها در طرح برنامه های آموزشی همکاری و مشارکت کنند.

روش مطالبی که در طرح و تنظیم برنامه های آموزشی باید مد نظر قرار گیرد به شرح زیر است:

(۱) چه نفراتی باید تعلیم داده شوند.

این نفرات باید با همکاری روسای قسمتها تعیین و معرفی شوند، یکی از عوامل مؤثری که می تواند در نشان دادن نقاط ضعف دستگاه از نظر نیروی انسانی و تعیین نفراتی که باید آموزش داده شوند به ما کمک کند همان طبقه بندی مشاغل است.

(۲) چه چیز باید تعلیم داده شود.

در اینجا مساله شرح وظایف مدون رل اساسی را برعهده خواهد داشت. وقتی شرح وظایف هر يك از مشاغل سازمانی در دست بود بر طبق آن می توان برنامه های آموزشی مورد نیاز را برای هر طبقه از کارمندان تنظیم کرد.

(۳) چه کسانی باید تعلیم بدهند.

تعلیم دهندگان از بین متخصصان و کارمندان خبره و بصیر دستگاه انتخاب می شوند. باید توجه داشت که تنها تخصص در فن کافی نیست. فن تدریس خود هنری است و مثل هر هنر دیگر احتیاج به نبوغ و استعداد و گذراندن دوره آموزشی خاص دارد.

(۴) چه وقت و چه مدت و در کجا باید تعلیمات داده شود.

قبلا باید مرکز آموزشی را مجهز نمود که حتی الامکان انجام تعلیمات در يك محل متمرکز باشد تا در موقع لزوم با توجه به حجم مطلبی که باید آموخته شود بتوان از آن استفاده کرد.

۵) لوازم و ابزار مورد نیاز

يك مرکز آموزشی باید مجهز به کلیه دستگاههایی که کارمندان بعدا با آنها سرو کار پیدا خواهند کرد باشد و هیچگاه نباید دستگاههایی را که در حین بهره برداری هستند برای آموزش بکار برد. معرفی کارآموز و کارمند جدید به قسمت های مختلف

بسیار اتفاق می افتد که نفرات جدید و نوآموزان بدون گذراندن حتی کوتاهترین دوره آموزشی و اطلاع از کار و میزان دستمزد و سازمان دستگاهی که در آن استخدام شده اند به کارگمارده می شوند. پر واضح است در چنین شرایطی احتمال آنکه شغل کارمند مورد رضایت او نباشد زیاد است و عدم رضایت کارمند از شغلی که بر عهده دارد مطلبی نیست که معایب آن احتیاج به تفسیر و توضیح داشته باشد. بهر حال در مورد فردی که به عنوان کارمند جدید وارد خدمت می شود، به خصوص در روزهای اول، باید نهایت دقت و مراقبت را به کار برد. چهارم برخورد های اولیه برای همیشه در مغز کارمند باقی می ماند و طرز فکر، روحیه، علاقمندی کارمند پیریزی می شود. هر قدر در ماههای اول استخدام دقت و مراقبت بیشتری به عمل آید و شوق و روحیه سالم در کارمند ایجاد گردد اجرای برنامه های آموزشی ساده تر و بهره برداری از نیروی انسانی بهتر امکان پذیر خواهد بود.

وظایف يك سازمان را در بدو استخدام کارمند می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱) اطلاعات کلی و عمومی که کارگزینی باید به کارمند جدید بدهد از قبیل میزان حقوق و مزایا، رتبه، ترفیع، اضافه حقوق، تاریخچه دستگاه، دیسپلین، انتظار دستگاه از کارمند و انتظار کارمند از دستگاه، توسعه های آتی همچنین فروشگاه، بهداری، سرویس ایاب و ذهاب، باشگاه، تیمهای ورزشی، اتحادیه و سندیکا، کافه، قریا، پارکینگ و امثال آنها. بهتر است این اطلاعات قبلا در «بروشورهای» آماده و در اختیار کارمند جدید قرار داده شود.

۲) اطلاعاتی که در يك جلسه و یا يك مصاحبه کوتاه توسط نماینده اداره آموزش به کارمند جدید داده می شود (برنامه های آموزشی، رابطه بین گذراندن دوره های تخصصی و ترقی کارمند همچنین تعیین استعداد و علاقه کارمند در شاخه های مختلف) همه از وظایف حتمی ادارات آموزش به شمار می رود.

۳) اطلاعاتی که توسط رئیس مستقیم

قسمت به کارمند جدید داده می شود.

قبل از هر چیز کارمند عینا مانند عضو جدید يك باشگاه یا کانون باید مورد استقبال و خوش آمد قرار گیرد و به سایر رؤسای قسمتها که کارمند جدید با آنها سروکار خواهد داشت معرفی شود. همچنین توضیح در باره مقررات و نظامنامه های داخلی، انضباط اداری، معرفی همکاران، نشان دادن سایر وسایل و امکاناتی که کارمند در اختیار خواهد داشت از قبیل قفسه، اطاق لباس کتی، آبخوری و امثال آن و از همه بالاتر شناساندن شغل سازمانی، مسؤولیتها و اختیار که کارمند خواهد داشت از وظایف رئیس مستقیم کارمند جدید است. در اینجا یاد آوری می شود که شرح وظایف مدون از جمله مسأله ای است که حتما باید از طرف رئیس کارمند جدید تشریح شود. بهر حال ماههای اول استخدام حائز اهمیت خاصی است چه مسأله آموزش و پرورش کارمند مطرح است و همانطور که گفته شد قسمت اعظم موفقیت در برنامه های آموزشی و پیشرفت و ترقی کارمند، امانت و درستی و همه چیز او بستگی کاملی به هفته های اول استخدام دارد. در حقیقت کارمند جدید در بدو استخدام تحت تاثیر يك آموزش نامرئی قرار دارد و رفتار رؤسا و همکارانش در او برای همیشه اثر می گذارد. بنابراین، آموزش نامرئی را باید دید و شناخت و آن را مهار کرد و برای آن با دقت زیاد برنامه های لازم را تنظیم کرد.

هیچگاه نباید فراموش کرد که آموزش تنها برای کارمند جدید نیست بلکه امری است مستمر و باید با پی گیری دائم آن را دنبال نمود به خصوص که در دنیای امروز علم و صنعت به سرعت در حال پیشرفت و تغییر و تکامل است و باید کارمندان را در طول خدمت با شرکت دادن در سمینارها، کنفرانسها، انتشار بروشور، نمایش فیلم و تنظیم برنامه های آموزشی در جریان پیشرفت علم و ترقیات روز گذارد. در این مورد رؤسای قسمتها مسؤولیت سنگینی در زمینه ترقی دادن معلومات کارمندان خود از طریق ادارات آموزش دارند. رئیس آموزش هر دستگاه باید تسلط کافی به مسائل اداری و پرسنلی داشته باشد. علوم اداری را بمعنای علمی امروز بدانند و از سیستمها و امکانات مختلف آموزشی که در دنیا متداول است مطلع و آگاه باشد تا بتواند در طرح و تنظیم برنامه های آموزشی يك راهنمای خوب و در اجرای آنها يك مدیر با اطلاع و با تدبیر باشد.

ضمانت اجرای برنامه های آموزشی

اجرای برنامه های آموزشی احتیاج به حمایت عالیه ترین مقام هر دستگاه دارد. اگر این پشتیبانی وجود نداشته باشد مسلما نتیجه مطلوب از اجرای برنامه های آموزشی

به دست نخواهد آمد و به تدریج به صورت يك امر زاید و پرخرج درمی آید. مقام مسؤول هر دستگاه با پی رؤسای امور اداری و پرسنلی خود را موظف کند که به منظور تحقق بخشیدن به این امر حیاتی نکات زیر را رعایت کنند:

۱) گذراندن دوره آموزشی را باید در ترقی و ترفیع و مزایای کارمند تاثیر داد و در انتصابات، کسالی که دوره های تخصصی را گذرانده اند مقدم دانست.

۲) از انتصاب افرادی که دوره های آموزشی و تخصصی را گذرانده اند در پست هایی که خارج از تخصص آنهاست خودداری کرد.

۳) همچنین باید برای عناوین تخصصی عینا مثل عناوین اداری ارزش و مزایای مادی و اداری قائل شد تا متخصصان و کارمندان فنی ادامه خدمت و تعقیب رشته تخصصی خود را باعث عقب افتادگی خود تصور نکنند که از قسمت فنی بکادر اداری فرار کنند. این توجه موجب می شود از اتلاف سرمایه های برای تعلیم و تربیت کارمندان به کار می رود جلوگیری به عمل آید.

نتیجه - برای آنکه با صرف حداقل هزینه حداکثر استفاده از نیروی انسانی به عمل آید راهی جز انتخاب خط مشی صحیح پرسنلی و آموزش کارمندان وجود ندارد. آموزش، کارمندان را قادر می کند که با مهارت و سرعت بیشتری وظایف محوله را انجام دهند.

آموزش، از میزان ضایعات، خرابی ماشینها و آلات و ادوات، سوانح و خطرات حین انجام کار، اتلاف نیروی انسانی می کاهد.

آموزش، از میزان نارضایتی کارمندان، خبیتهای مکرر و دل سردی در کار جلوگیری می کند.

آموزش، انتقال کارمند را سهل و آسان می کند.

آموزش، افراد گمنام ولی کاردان را از توده کارمندان بیرون می کشد و استعداد آنها را پرورش می دهد.

آموزش، به دستگاه اجازه می دهد انتصابات خود را بر مبنای استحقاق و غایستگی قرار دهد.

آموزش، راه اعمال مدیریت صحیح، تفویض اختیار، تقسیم کار، پرداخت عادلانه دستمزد را برای دستگاه می گشاید. آموزش، «منوپولسم» را در دستگاه از بین می برد.

آموزش، راه را برای اصلاحات و برکناری افراد ناصالح و جانفین کردن افراد صالح هموار می کنند و خلاصه آگاه آموزش تحقق بخشیدن به انقلاب اداری و به ثمر رساندن آنرا سهل و آسان می کند. مهندس حسین جلی

((قلاش))

پروژه کویر لوت را

مجدداً مطرح میکند



مقدمه

آقای مهندس هومان فرزاد با مقاله علمی خود در باره «پروژه هرمز» نظر بسیاری از صاحب نظران و دانشجویان را به تاز و پروژه خود جلب کردند. در چند نامه، نظرات موافق و مخالف ایشان بدست ما رسیده که در زیر منعکس است. ما این عقاید و آراء و نظرات را به چاپ می‌رسانیم. باشد که از این برخورد عقاید میوه‌ای نصیب مردمان کشورمان گردد.

خط انتقال نیرو

مورد گفتگو است



نقشه ایستگاه برق جرز و خط انتقال نیرو

- آیا پروژه ارزش مخارج لازمه را دارد؟
- آیا قادر خواهیم بود که این مخارج را تحمل کنیم؟
- آنچه از همه مهمتر بنظر میرسد مشکل فنی و مالی است.
- قیمت خرید دستگاههای لازمه از (۹۰) دلار برای هر کیلووات بیشتر خواهد شد و یا رویهم رفته در حدود (۹۰۰) میلیون دلار. به این مبلغ بایستی حقوق مهندسیین کارگران و متخصصین را نیز اضافه نمود. اغراق نیست اگر بگوییم که بیش از یک میلیون دلار خرج نیروگاه خواهد شد.
- اگر شما بتوانید شبکه به این بزرگی را با حداقل یک میلیون دلار تمام کنید کار بسیار خوبی است
- برآورد کوشش های امروز ما بایستی پایگاههایی قوی برای آیندگان باشد تا آنها بتوانند با اطمینان از آن شالوده ها، برای ساختن ایران بزرگتر و بهتری استفاده کنند.

- پروژه ای به این عظمت چگونه می تواند بدون مطالعه قبلی روبراه شود؟
- شما اصرار دارید که نیروگاههای اتمی ایجاد کنید.
- من جدی تعجب کردم که شما چرا این راه را انتخاب نکردید؟
- نتایج این پروژه چیست؟
- آیا راه دیگری برای انجام اینکار وجود دارد و یا از راه دیگری ممکن است همان نتایج را بدست آورد؟

را از این دانشگاه دریافت خواهم نمود. تجربه کاریم بشرح زیر است:

در حدود سه سال و نیم برای Foxboro Co. با سمت مهندس الکترونیک مشغول کار بودم. مسئولیتیم بیشتر در دیزاین Process Instrumentation

و کمپیوترهای مخصوص بود. از سال ۱۹۶۶ تا به حال در اداره آب و برق شهر لوس آنجلس مشغول کارم. سال اول را در قسمت Project Design گذراندم که خیلی با پروژه های اداره و طرز اجرای آن آشنا شدم. بعد به قسمت (دیزاین) توزیع گاه های برق منتقل شدم و اکنون مسئول قسمت مطالعات مخصوص این قسمت هستم. وظیفه گروه من مطالعه و ارزیابی بیشتر پروژه هایی است که در اداره ما اجرا می شود. بعضی مواقع با پروژه هایی بسیار بزرگ روبرو می شوم که ارزش حیاتی برای شهر لوس آنجلس دارد. اطلاعاتی را که ما بدست می آوریم باید از هر نظر قابل قبول و اعتماد باشد.

خوشبختانه من توانسته ام علم و عمل را باهم بیاموزم. مطالبی را که درباره پروژه هرمرز نوشتم تمام مبنی بر تجربه من در این قسمت است. قطعا اشتباهات زیادی در آن وجود دارد که اگر مایل به انتشار آن بودید می توانید آنرا تصحیح کنید.

با تقدیم احترام - عبدالرسول محقق زاده

سردبیر محترم تلاش

اجازه بدهید از این ابتکاری که در انتشار تلاش نشان می دهید به شما تبریک گویم. مدتها بود که خیال تبریک گفتن به شما را داشتم ولی متأسفانه جامه عمل به خود نمی پوشید. یکی از عللی که به عملی نشدن مکاتبه با تلاش کمک می کرد، ضعف قدرت بیان من به فارسی است. متأسفانه در اثر نداشتن تمرین، کلماتی که خوب بتوانند مقصود مرا بیان کنند از یادم رفته و بیشتر اوقات این حس باعث عقب کشیدن و بفراموشی سپردن مطالبی جالب، از جمله مکاتبه با مجله محترم تلاش می شود.

برای جواب به آقای مهندس فرزاد مجبور شدم چند کلمه بی انگلیسی بکار برم علت آنست که معنی فارسی آن ها را نمی دانم. بعضی از کلمات فنی را مجبور شدم به انگلیسی بنویسم که مکمل فارسی باشد. اگر مطالبی که در زیر در باره پروژه هرمرز خواهد آمد ارزش انتشار در مجله تلاش را ندارد لطفاً آنرا به آقای مهندس فرزاد بدهید.

اکنون با اجازه شما، خودم را معرفی می کنم.

در سال ۱۹۶۴ درجه مهندسیسم (Bsee) را در الکترونیک دریافت نمودم و اکنون مشغول تحصیل در رشته برق (Power) در دانشگاه جنوبی کالیفرنیا هستم. در ماه ژوئن ۱۹۶۹ Msee

نویسندگان این عقاید و آراء عبارتند از:
۱- عبدالرسول محقق زاده، مهندس الکترونیک از دانشگاه جنوبی کالیفرنیا، آمریکا
۲- داریوش شاهزاد، دانشجوی دانشگاهی شهر آخن، آلمان
۳- ناصر گل سرخی، وزیر منابع طبیعی
۴- اسفندیار یگانگی، نماینده مجلس شورای ملی

برای محاسباتش استفاده می‌کند. نمی دانم کدام مدل ۳۶۰ مورد استفاده شرکت نفت است ولی هر کدام که باشد براحتی می شود این پروژه را روی آن تحت مطالعه قرار داد و بدون صرف وقت زیاد نتایج جالبی بدست آورد. بدست آوردن اطلاعات لازم قبل از شروع پروژه امری است ضروری.

۱- مشکلات فنی

مطالعه و اظهار نظر در باره این پروژه احتیاج به اطلاعات کافی جغرافیایی ایران و وضع ناحیه های مورد بحث، به طور دقیق، دارد. چون با پروژه بسیار بزرگی روبرو هستیم قسمت های مهم آنرا می توان به طور کلی مورد بررسی قرار داد. فرض کنیم که جزر و مد موجود در تنگه هرمز قادر به تولید ۱۰ میلیون کیلووات برق باشد. قبل از آن که وارد مطلب شوم لازم می دانم يك تصحیح جزئی روی یکی از منحنی های ارائه شده آقای مهندس فرزاد بنمایم.

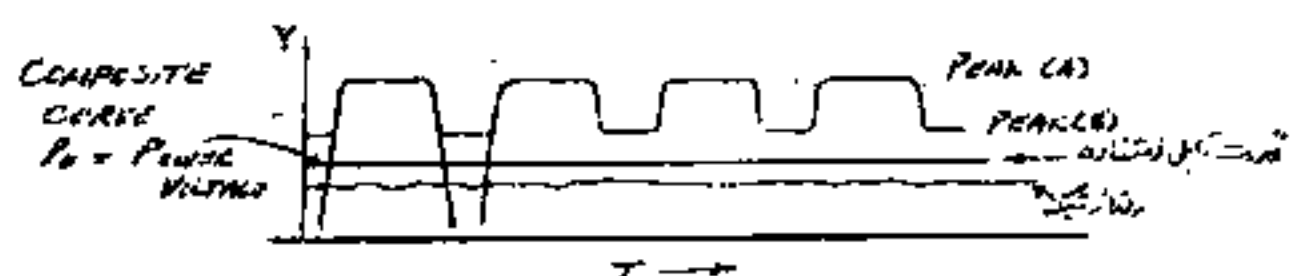


قدرت قابل استفاده نیروگاه آن جایی که در این منحنی نشان داده شده نیست. آن چه نشان داده شده نیرویی است که احتمالا از ژنراتور ها و هایدروالکتريك پلانت ها، حاصل خواهد شد. چون:

$$P_0 = \frac{E_s \times E_R}{X} \sin \delta$$

$E_s = \text{VOLTAGE}$ (تولید برق)
 $E_R = \text{VOLTAGE}$ (دریافت برق)
 $X = \text{IMPEDANCE}$ (مقاومت شبکه)
 $\sin \delta = \text{POWER ANGLE}$ (زاویه توان)
 $P_0 = \text{POWER}$ (توان)

نیروی قابل استفاده نیرویی است که در انتهای شبکه یا (Load-A2EA) وجود دارد.



جنبه های مختلفی در هر پروژه وجود دارد از جمله جنبه مالی و فنی. ممکن است گفته شود جنبه مالی پروژه کشوری مانند ایران با آمریکا و برخی کشور های پیش رفته قابل مقایسه نیست. ولی از نظر فنی این گفته درست نیست. قسمت مالی پروژه بستگی به مدت زمان لازم برای انجام پروژه، کاردانی مسئولین، لوازم مورد نیاز، وجود نیروی قابل مصرف و غیره دارد. يك کارداران خوب می تواند کاری را فرض کنیم دو روزه انجام دهد و حال آن که يك شخص کم تجربه ممکنست بیش از پنج روز را برای انجام همان کار صرف کند.

وقتی پروژه بی روی کاغذ آورده می شود صحبت سر **Event & Activity** است. چند روز طول خواهد کشید تا این کار به انجام برسد. این جاست که ضعف یا قدرت نیروی قابل مصرف اهمیت بسیار بزرگی خواهد داشت. در این باره می شود مدتها صحبت نمود ولی اگر جزئیات موجود در هر پروژه را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم متوجه خواهیم شد که در حقیقت پروژه هایی که در نقاط مختلف به مرحله عمل می رسند به طور کلی قابل مقایسه هستند. این مقایسه درست نخواهد بود اگر يك نسبت ۱:۱ بین دو پروژه (مثلا یکی در ایران و یکی در انگلستان) وجود داشته باشد. برای همه روشن است که طرز انجام کار، راندمان کار، تعداد ساعات و غیره در نقاط مختلف فرق می کند، بنابراین نسبت ۱:۱ اصولا نمی تواند وجود داشته باشد.

مطلب دیگر که لازم می دانم راجع به آن صحبت کنم، موضوع «وقت برای مطالعه نداریم»: است باعث تعجب است پروژه بی به این عظمت چگونه می تواند بدون مطالعه قبلی و برپا شود. بشر در خیال پردازی مهارت دارد. عملی بودن این خیالات تحت شرایط و محدودیت های موجوده مطلب دیگری است. به این دلیل است که شرکت های بزرگ بلیون ها دلار برای کمپیوتر و مطالعات مخصوص خرج می کنند. بهترین راه برای شروع هر پروژه آن است که با يك مطالعه دقیق روبرا شود. ناشیانه و بدون حساب و کتاب پراشتادن کار نادانان است. دنیای «سایپرینشن» عظمت و عملی بودن افکار انسان را به سادگی مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و بدون اتلاف وقت او را از عیوب افکارش با اطلاع می سازد. من می توانم ده ها مثل زنده در این قسمت بزنم که شخص خودم روی آن ها کار کرده ام. يك مثل جالب **Bolsa Island** است که حتی بودجه پروژه نیز از طرف حکومت آمریکا تعیین شد و ما هم سهم خودمان را تهیه کردیم ولی هیچوقت جامه عمل به خود نپوشید. دلیلش ساده بود. راه های دیگر و بهتری وجود داشت که ما می توانستیم آب و برق به وجود بیاوریم بدون آن که آنهمه پول خرج کنیم. چرا این راه ها را قبلا ندیدیم؟ برای این که بازاندازه کافی روی آن ها مطالعه نشده بود.

افکار عالی است ولی عملی و قابل قبول بودنش احتیاج به مطالعه دارد. اینطور که شنیده ام، آی بی ام در ایران شعبه بی باز کرده. گویا شرکت نفت نیز از ۳۶۰ - آی، بی، ام (I.B.M. 360)

پروژه بی که آقای مهندس فرزاد پیشنهاد فرموده اند بسیار جالب به نظر می رسد. استفاده از جزر و مد برای تولید انرژی مدتهاست که توجه مهندسین برق را جلب کرده است. فرانسه اولین کشوری است که این ایده را به مرحله عمل رساند و کارخانه تولید برق **Rance** در ساحل **Britany** را که مدتها روی آن مطالعه کرده بودند در ماه اکتبر ۱۹۶۶ بکار انداخت. مهندسین روسیه نیز مدتهاست که روی این نوع پروژه کار می کنند و يك کارخانه آزمایشی را نیز در خلیج کیسلایا (**Kislaja**) در دریای سفید برپا انداخته اند. ایالت مین (**Main**) نیز روی يك پروژه به اسم **Passamaquoddy** در ساحل **Fundy** برای ایجاد برق از جزر و مد مشغول مطالعه است.

همان طور که آقای فرزاد نوشته اند بیشتر مشکلات فنی این نوع پروژه ها حل شده. معذرت این نوع نیروگاه ها دارای مشکلات مخصوصی هستند که بستگی به مکان، آب و هوا و غیره دارد و آن ها را باید طبق نیاز و در محل مورد بحث حل کرد. آن چه که توجه مرا جلب کرد مشکلاتی است که پس از تولید برق وجود خواهد داشت، به اضافه آن که مقدار زیادی پول خرج تولید مقدار کمی برق خواهد شد. اصولا تولید برق با استفاده از جزر و مد، صرفه مالی خوبی ندارد. از نوشته آقای مهندس فرزاد این طور دریافت کردم که ایشان نگران بودجه پروژه نیستند. چگونه خیال دارند این پروژه را از نظر مالی تامین کنند برای من معمای است. قطعا دولت و یا وزارت آب و برق منبع بودجه خواهند بود. مشکل بودجه را فعلا به کنار خواهیم گذارد تا بتوان راجع به مشکلات دیگر صحبت نمود. آن چه از همه مهمتر به نظر می رسد مشکل فنی و مسأله است. قبل از آن که به شرح مشکلات فوق بپردازم لازم می دانم نکات زیر را یادآور شوم. اول موضوع مقایسه پروژه های ایران و سایر نقاط. به نظر من يك شخص عاقل باید از آموخته دیگران برای پیشرفت خودش استفاده کند. اگر از اشتباه دیگران نیاموزد امکان دارد که او نیز راه اشتباه را برای رسیدن به هدفش انتخاب نموده و این باعث عقب افتادگی از نظر زمانی و مالی خواهد شد که زیان آن قابل تحمل نیست. متأسفانه نمی توانم گفته آقای فرزاد را که «ما نیابستی این پروژه را با پروژه هایی که در روسیه و آمریکا انجام می شود مقایسه کنیم.» موافقت کنم. آن تجربه و آموخته کشورهای پیشرو است که باعث ترقی سایر کشور ها می شود. آن زمانی که خود آموزی وزنی داشت پشت سر افتاده و دنیای تخصصی جای دنیای علوم کلی را گرفته است. برای آن که يك پروژه ساده با موفقیت به انجام برسد باید از تجربه ده ها متخصص استفاده نمود. متخصصین خوب را کجا می شود پیدا کرد؟ آنجایی که پروژه های خوب با موفقیت به انجام رسیده است. در **Project Managment** يك گفته وجود دارد و آن این است:

A Good Project Manager, Usually Comes From a Successful Project

اگر **(A) Peak** مسطح قابل استفاده باشد ، چند ساعت بعد این سطح قدرت کمتری را دارا است . **(B) Peak**

طبق منحنی هایی که آقای مهندس فرزاد ارائه نموده اند ۸ ساعت در شبانه روز ماکزیم قدرت این نیروگاه سطح **(B)** است . اگر **Peak-Load** در این ساعت پیش آید و به نیروی **(A)** احتیاج باشد نیروگاه قادر به تولید آن نخواهد بود . بنابراین سطح قابل استفاده نمی تواند **(A) Peak** یا آن جایی که نشان داده شده است ، باشد . علاوه بر آن هر شبکه مقداری نیرو مصرف می کند **(Transmission Line Loss)**

و این نیرو را باید از نیروی تولید شده کم کرد تا نیروی قابل استفاده در انتهای خط را بدست آورد . آن **(x)** در مخرج فورمول ارائه شده مربوط به این قسمت است . هرچه شبکه طولانی تر باشد **(x)** بزرگتر **Po** کمتر خواهد بود . هرچه **(x)** بزرگتر باشد نیروی مصرف در شبکه بیشتر خواهد بود . بدین ترتیب محل صحیح نیروی قابل استفاده آن جایی است که در منحنی دوم نشان داده شده (خطی که با پیکان قدرت قابل استفاده رانشان می دهد) ایجاد دریاچه های کمکی در ارتفاعات و ریزش دادن آب آن برای تولید نیرو در ساعات فترت موضوع جالبی است . اتفاقاً در پروژه **Rance** نیز همین کار را کرده اند . ما نیز در **Castaic Project** برای تکمیل نیروی نیروگاه در ساعات فترت از **PUMP. Genrator** استفاده می کنیم . منتها در پروژه ما بیش از دو ساعت در شبانه روز از این دستگاه استفاده نشد . نمی دانم به عیوب تولید برق از این راه توجه شده است ؟ یکی از این عیوب را که من مایلم متذکر شوم اقتصاد تولید برق از این طریق است . برای آن که بتوان ۱۰ میلیون کیلووات برق تولید کرد باید ۱۵ میلیون کیلووات برق مصرف نمود . اگر مجبور شویم که ۸ ساعت در شبانه روز به این ترتیب برق تولید نماییم تصور نمی کنم از نظر مالی خیلی جالب باشد . به خصوص این که آقای فرزاد نوشته اند : «می توانید برق را صادر کنید» آیا فکر می کنید که به این ترتیب مقهوران خواهد بود برق را آنقدر ارزان تهیه کنید که حتی به خارج نیز صادر شود ؟

مطلب دیگر که پیداست تا حدی راجع به آن فکر شده نگهداشتن ولتاژ و فرکانس شبکه است . جیدی فکر می کنید می توانید شبکه ای که حداقل ۱۵۰۰ کیلومتر طول دارد و حامل حداقل ۵۰۰ کیلووات است به سادگی ثابت نگهدارید ؟ یکی از بزرگترین مشکلات شبکه های طولانی **Stability** است . برای آنکه بتوان راجع به این قسمت صحبت نمود طول شبکه بین هرمز - تهران را در نظر خواهیم گرفت . راه های مختلفی برای ثابت نگهداشتن ولتاژ و فرکانس شبکه وجود دارد که هر کدام به سهم خود عیوب و محسناتی دارند . یکی از موثر ترین راه های موجود برای ثابت نگهداشتن دستگاه آن است که شبکه را با یک ولتاژ زیاد به کار بیندازیم . ولتاژی که امروزه برای ۳۰۰ یا ۴۰۰ کیلومتر معمول است ۵۰۰ کیلووات

می باشد .

اگر مسافت خیلی طولانی باشد (لطفاً به جدول ارائه شده مراجعه فرمایید) جریان مستقیم بهترین و ارزانه ترین راه است . من جدی از این که شما این راه را انتخاب نکرده اید تعجب کردم . در اینجا سعی خواهد شد که هر دو راه مورد بررسی قرار گرفته عیوب و معاسن آن نشان داده شود .

الف (AC) یا جریان متناوب .
۱- ۵۰۰ کیلووات - اگر این ولتاژ را انتخاب کنید ثابت نگهداشتن آن کار مشکلی خواهد بود . برای **Stability** مجبور خواهید بود در طول راه نیروگاه هایی داشته باشید که به شبکه وصل شوند . شما اصرار دارید که نیروگاه های اتمی ایجاد کنید . نمی دانم شرایط لازم و ضروری را برای ایجاد چنین نیروگاه هایی در بین راه دارید ؟ تا آن جایی که من از وضع آن نواحی اطلاع دارم چنین شرایطی وجود ندارد . به علاوه خرج این نیروگاه ها (به فرض آن که شرایط لازم برای درست کردنشان وجود داشته باشد) خیلی زیاد خواهد بود و از نظر اقتصادی قابل قبول نیست . اصولاً می توان از نیروگاه هایی که برای اثبات شبکه ایجاد می شود بیش از ۱۰ میلیون کیلووات برق تهیه نمود با خرج بسیار کمتر و نیروگاه ها نیز می توانند نزدیک شهر باشند .

ترانسفورمر را می توانید به راحتی برای این ولتاژ خریداری کنید ولی **Circuit Breaker** و **Disconnect Switch** شاید هم **Insulator** را باید برای شبکه شما و طبق احتیاج شما درست کنند . «دیزاین» شبکه های طولانی در نقاط معین پیچیدگیهایی دارد که گاهی اوقات باید از خیرش گذشت . در این جاست که باید وضع جغرافیایی ناحیه را خوب دانست . خواهش دارم برای اطلاعات بیشتر در این مورد به **Line Design Based on Direct Strokes**

که می توان در کتابها یا مجلاتی که راجع به نیرو صحبت می کنند پیدا نمود مراجعه فرمایید . پس از مطالعه متوجه خواهید شد که با در نظر گرفتن مقاومت زمین (در ناحیه عبور خط) ثابت نگهداشتن شبکه و **Outages /≠ of Mile/Year** که بستگی به «دیزاین کرایتریای» شبکه دارد به جز با خرج گراف قابل حصول نیست . پس این راه از نظر مالی و فنی قابل قبول نیست .

۲- ۷۵۰ کیلووات و یا ۱۰۰۰ کیلووات - در سال ۱۹۶۵ اولین شبکه ای که ولتاژ هفتصد و سی و پنج کیلووات را حمل می کرد در کانادا به کار افتاد . این شبکه ۳۶۵ مایل طول دارد و قرار است پس از تکمیل رویه مرفته ۵۷۰۰ میلیون وات را به شهر **Montreal, Quebec** برساند .

American-Ele ctril-Powe قرار است یک خط با طول ۱۰۶۰ مایل را با ولتاژ ۷۶۵ کیلووات در سال ۱۹۷۲ بکار اندازد . ولتاژ هزار کیلووات را هنوز نتوانسته اند مورد استفاده قرار دهند . امید است که تا سال ۲۰۰۰ مشکلات این ولتاژ حل شود . فرض کنیم شبکه هرمز را می توان با ۷۶۵ کیلووات به کار انداخت . دستگاه های مورد نیاز برای این ولتاژ قیمت سرسام آوری را دارند . به علاوه چون

Reliability دستگاه های تازه ای هستند شان کم است . باید مقدار زیادی پول خرج کرد تا جلو تمام یا بهتر بگویم بیشتر احتمالات را گرفت . لابد خوانندگان مایلند پرسند پس این شرکت هایی که پول خرج پروژه شان می کنند و با این ولتاژ های آزمایش نشده کار می کنند با شبکه ملی چه فرقی دارد ؟ جواب این است که تنها فرقی در موجود بودن امکانات برای دو طرف است . مثلاً اگر امریکن الکتریک پاور دوتا از خط هایش از بین برود **Back-Up System** بسیار نیرومندی دارد که جای نیروی از بین رفته را پر کند و حال آن که اگر **Back UP System** خط هرمز از بین برود **Back UP System** وجود ندارد . باید معطل ماند تا خط را درست کنند و یا خط ها نصف نیروی موجود حمل کنند .

ماکزیم نیروی را که می توان با شبکه های طولانی عمل نمود محدودیتی دارد . این حد تابع **Surge Impeacedn** شبکه است . هرچه این مقاومت زیاده تر باشد نیروی قابل صدور کمتر خواهد بود . این باعث آن خواهد شد که خطوط بیشتری را برای رساندن نیروی تولید شده داشته باشیم و یا آن که مقدار زیادی پول خرج **Compensation** بنماییم . مطالعات نشان می دهد که ولتاژ خیلی زیاد به سادگی قابل کنترل نیست . مثلاً با وجود آن که ۵۰۰ کیلووات مدتهاست مورد استفاده قرار گرفته هنوز **CB** که دارای قدرت لازم برای باز کردن خطی که دچار اشکال شده **Faulte** **Dline** براحتی نمی شود پیدا نمود . شرکت های تولید کننده دستگاه های برق ادعا می کنند که می توانند نیاز شرکت های برق را هر اندازه هم که مشکل باشد برآورده کنند . این گفته در صورتی صحت دارد که شرکت برق بتواند در عرض یک سال پول لازم را به شرکت تولید کننده دستگاه بپردازد .

اگر این راه را انتخاب کنید ممکن است بتوان از تعداد نیروگاه های یدکی کم کرد ولی در عوض مجبورید مقدار بیشتری پول برای **Design** و **Development** دستگاه های لازم برای شبکه ملی خرج نمایید . چون دستگاه هایی برای این ولتاژ درست شده هنوز آنطور که باید کار خود را ثابت نکرده اند و قابل اعتماد نیستند به نظر من دستگاه هایی را باید در این شبکه عظیم به کار برد که سالم و قابل اعتماد باشد و یا آن که **Back-Up-System** خوبی ایجاد نمود . بنابراین این راه نیز موفقیت آمیز نخواهد بود .

ب : (DC) یا جریان مستقیم -
اقتصادی ترین راهی که می توان مقدار زیادی برق را از یک نقطه به نقطه ای دور دست فرستاد جریان مستقیم است . برای یک شبکه (دوجفت) که در حدود ۵۰۰-۶۰۰ مایل طول دارد

CB=Circuit Breker

قدوت شبکه را می توان از رابطه زیر حساب نمود .

$$P_m = \frac{KV^2}{Miles} MW$$

ولتاژ شبکه $KV =$ ماکزیم قدرت قابل دریافت $PM =$ این ادعا نتیجه سالها مطالعه است و نمونه زنده آن پروژیه به نام **Pacific Northwest-Pacific Southwest Intertie System**

می باشد که از شهر **Dalles** در ایالت **Oregon** شروع و در شهر **لوس آنجلس** خاتمه پیدا می کند. طول این خط ۸۳۵ مایل است و برق را می توان به هر دو طرف فرستاد. جریان مستقیم از نظر مالی و فنی با مقایسه با جریان متناوب امتیازات زیادی دارد. هر چند قیمت پروژه رویهم رفته زیاد است ولی باز هم میلیون ها دلار باره **AC** فرق دارد. به علاوه **System Stability** دیگر مورد بحث نخواهد بود:

عیب این راه چیست؟ هدف شبکه این است که تمام شهرهای بزرگ ایران را برق دهد (در صورتی که قادر باشد). متاسفانه با جریان مستقیم قادر به این کار نخواهید بود مگر آن که خرجهای بیشتری را متحمل شوید. جریان مستقیم برای آن که ثابت و قابل اعتماد باشد و ارزان هم تمام شود، باید از یک نقطه شروع و بیک نقطه ختم شود. **Tap off** روی شبکه **DC** قابل قبول نیست و باعث **Instability** شبکه و ازدیاد خرج خواهد شد. بنابراین یک شبکه را باید برای یک شهر ساخت و با آن که تمام برق را به یک ناحیه مرکزی فرستاد و آنرا تبدیل به جریان متناوب نمود و از آن جا به شهرهای دیگر فرستاد. اگر بتوان از شبکه های موجود برای حمل برق استفاده نمود کار توزیع خیلی آسان تر و خرج به مراتب کمتر خواهد بود. به فرض آن که شبکه های موجود قدرت حمل بار اضافی را نداشته باشند تغییر کابل کار زیاد مشکلی نیست به شرط آن که ولتاژ قابل تحمل باشد. به نظر من این راه می تواند جواب بیشتر مشکلات موجود را بدهد. در صورتی که مطالعات لازم روی آن بشود. انتخاب یک نقطه مناسب برای ختم شبکه از ضروریات این راه خواهد بود.

خلاصه مشکلات فنی:

- ۱- دور بودن محل تولید از شهرهای بزرگ.
- ۲- طولانی بودن شبکه که باعث اشکالات زیاد فنی خواهد شد.
- ۳- احتیاج مبرم به یک **Back UP System** خوب و ارزان.

- ۴- احتیاج به مطالعه بیشتر و دقیق تر روی این پروژه و جستجوی راه های دیگر برای ایجاد آب و برق و مقایسه آنها با پروژه هرمز.

مشکلات مالی

این عنوان ممکن است تا حدی گمراه کننده باشد. قسمت مالی پروژه در واقع اشکال نیست. فرض کنیم که بعد از مطالعات مقدماتی خرج پروژه تعیین شد. این مقدار اگر از نظر هیئت مسئولین و یا شخص مسؤول قابل قبول نبود آنوقت باعث اشکال خواهد شد. بعضی پروژه ها اصولاً از نظر اقتصادی قابل قبول و تحمل نیستند. علاوه بر آن شخص مسؤول پروژه باید پیش خودش به سؤالات زیر جواب بدهد و به نظر من باید جواب چنان قانع کننده هم باشد که نه

تنها خود او را راضی کند بلکه دیگران نیز با او توافق داشته باشند. از جمله سؤالات این است:

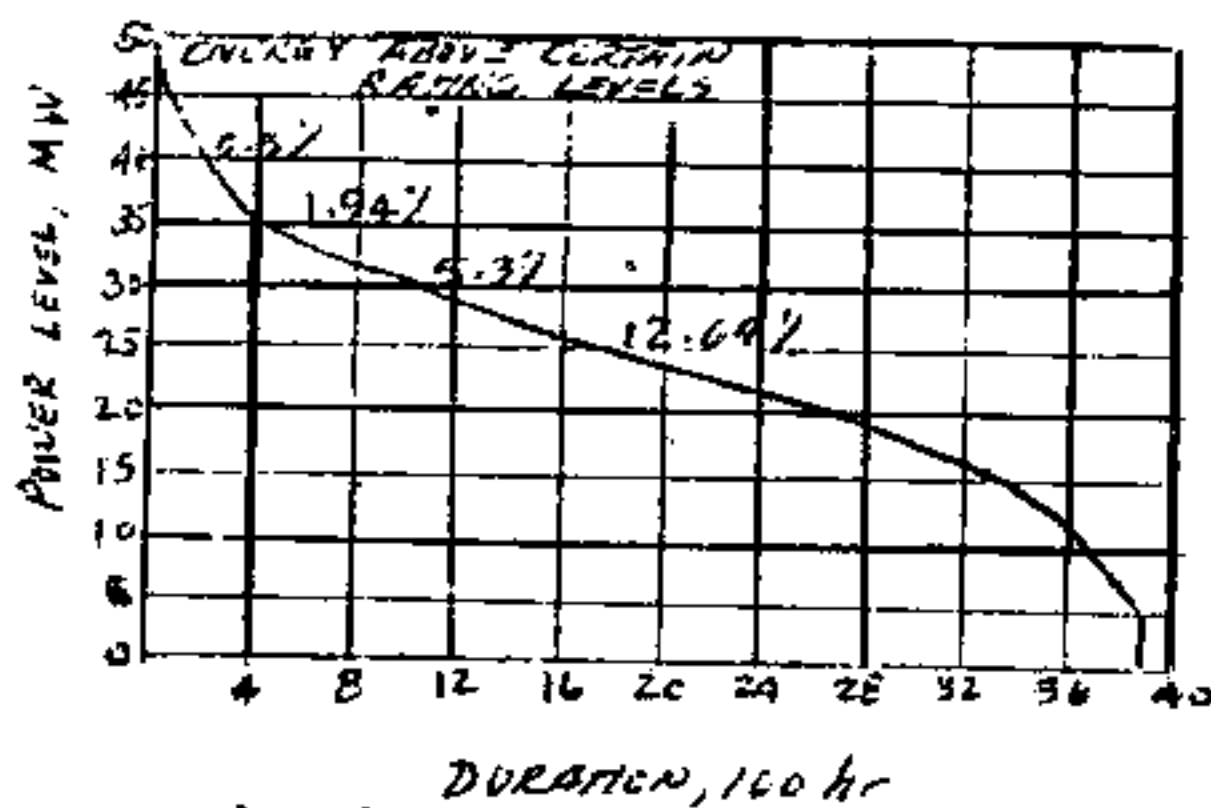
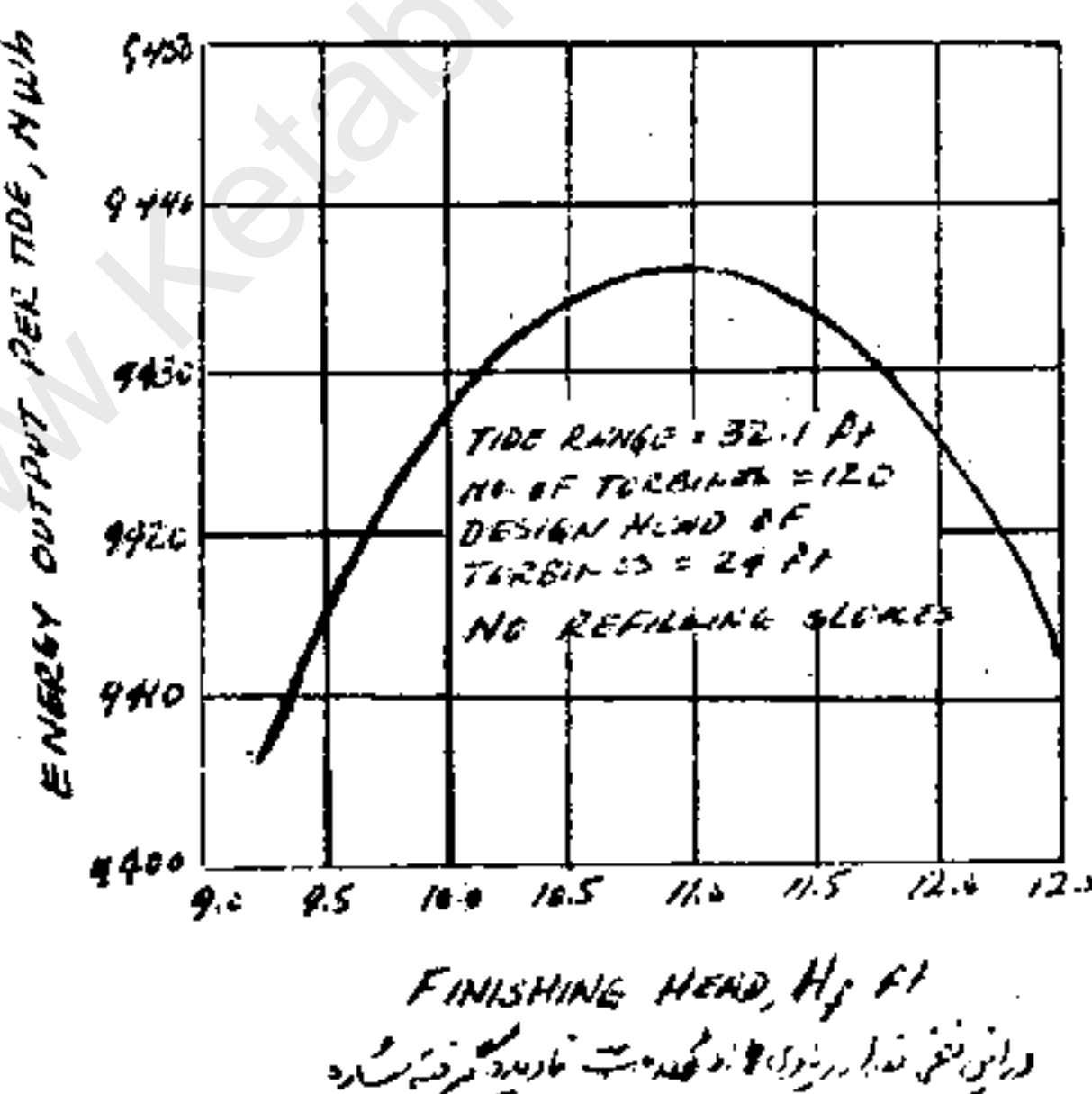
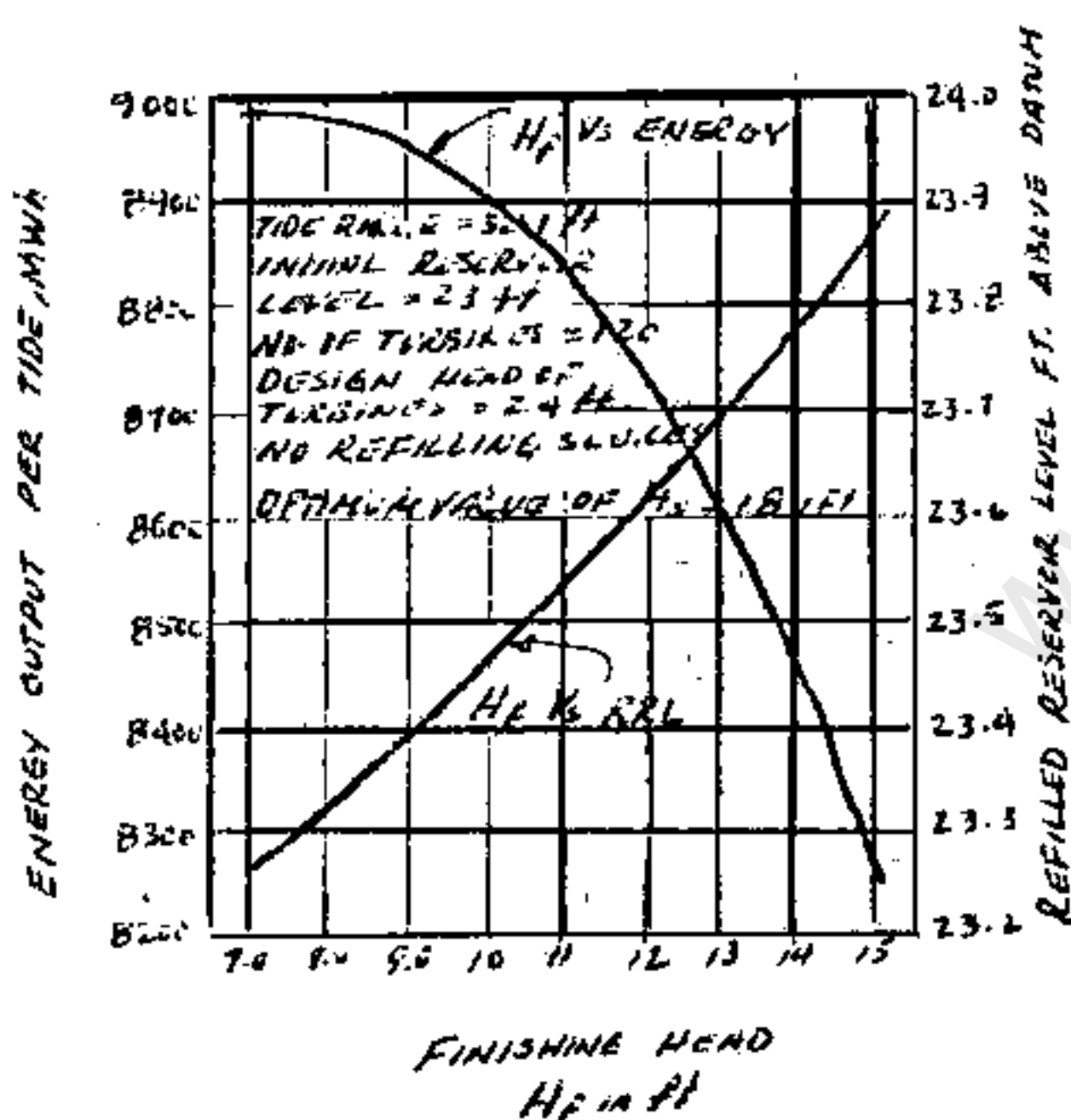
- ۱- نتایج این پروژه چیست؟
 - ۲- آیا راه دیگری برای رسیدن به این هدف وجود دارد و یا از راه دیگری ممکن است همان نتایج را بدست آورد؟
 - ۳- آیا پروژه ارزش مخارج لازمه را دارد؟
 - ۴- آیا ما قادر خواهیم بود که این مخارج را تحمل کنیم؟
- قسمت های هر پروژه، قبول و یا عدم قبولش بستگی زیادی به طرز تفکر رهبر پروژه و قدرت مالی شرکت یا دولت دارد. به فرض آن که مخارج این کار قابل قبول باشد، اشکالات دیگری وجود دارد که بنظر من باید خوب مورد مطالعه قرار گیرند.

نسبت خرج بین تولید (**Generation**) شبکه (**Transmission**) و توزیع (**Distribution**) در این پروژه تابع قانون کلی تولید و توزیع برق نیست. رابطه ای بین این سه قسمت وجود دارد بشرح زیر است:

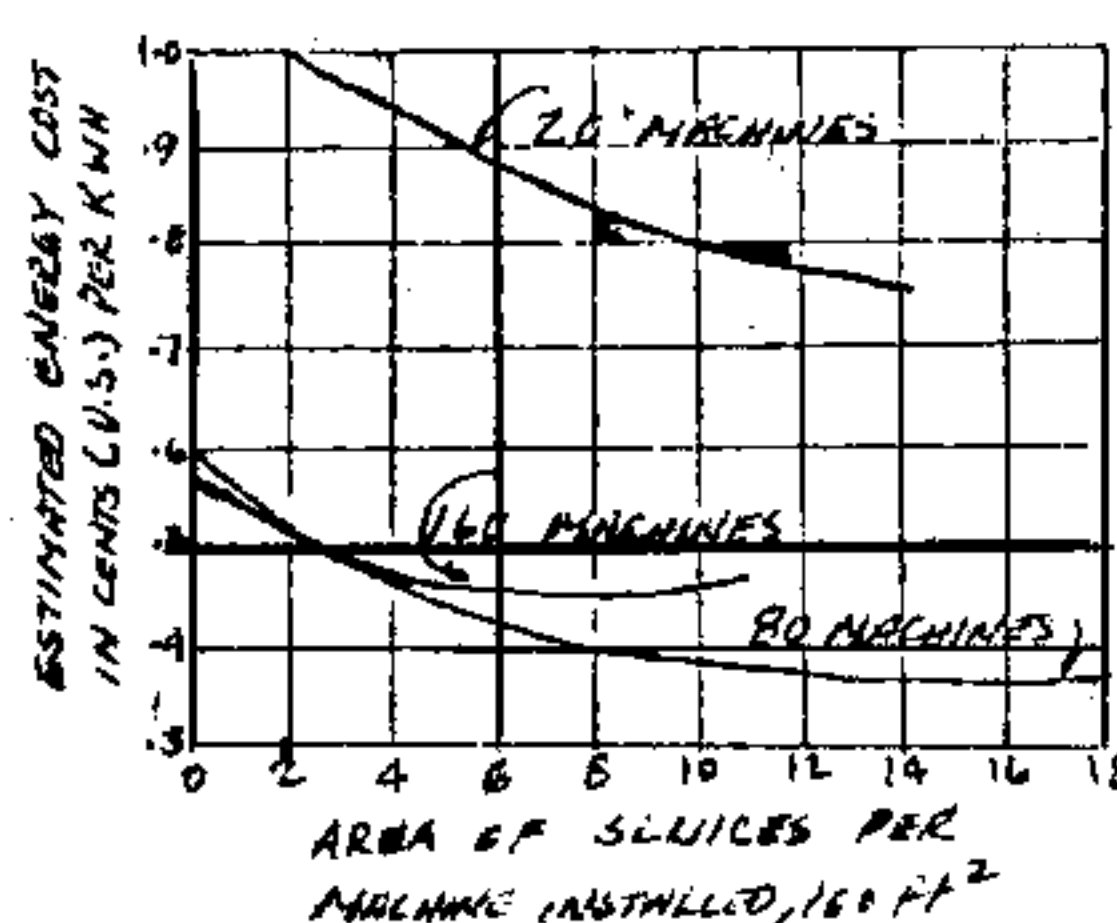
۴۰، ۲۰، ۴۰ و یا ۵۰، ۱۵، ۳۵. شرح این رابطه اینست: از تمام پولی که برای یک پروژه تولید و توزیع برق در نظر گرفته شده نباید بیش از ۱۵ درصد آن خرج شبکه شود.

در حقیقت هر چه این رقم کمتر باشد بهتر و پر منفعت تر است. پس از مطالعه مطالب زیر خوانندگان متوجه خواهند شد که این پروژه تابع این قانون نخواهد بود. برای آن که به عظمت مالی این پروژه پی ببریم به یکی دوتا پروژه های که خیلی شبیه آن است مراجعه کردم. اول پروژه ای است که در فرانسه به انجام رسیده است. به نام (**Rance Tidal-Power Project**) با ماکزیم قدرت ۲۴۰ میلیون وات و دوم پروژه **Grand Cooily Dam** با قدرت ۹۱۶۰ میلیون وات. **Rance** از نظر فنی درست شبیه پروژه هرمز است. از نوشته های آقای فرژاد پیدا بود که ایشان خوب از این پروژه اطلاع دارند.

متاسفانه ایشان مشکلات مالی این پروژه را اصلاً نادیده گرفته اند. برای روشن شدن خاطر خوانندگان قسمتی از نظریات آقای **Pierre Ailleret** معاون کارگردان کل الکتریسی دوفرانس را در باره (**Rance**) که در این نامه قید شده ضمیمه می کنیم. خوانندگان محترم ملاحظه می فرمایند که پروژه **Rance** آنقدر هم موفقیت آمیز نبوده است. در حقیقت هم اکنون نیز با وجود آن که کارهای مهم پروژه تمام شده هنوز اشکالات زیادی در این کار وجود دارد و ددرسهای زیادی برای مهندسین الکتریسی دوفرانس به وجود آورده است.



نمای تولید برق از ضرورت - یعنی نگویند فارسی ترجمه شده



در آمریکا آقای E.M. Wilson و M.C. Swales با حمایت و University of Sheffield SRC و Research Fund, University of Washington Seattle

مطالعاتی در باره تولید برق از جزرومد نمودند که در حدود ۸ ماه پیش نتیجه مطالعاتشان را منتشر کردند.

یکی دوتا از نتیجه‌هایی که در گزارش این آقایان چاپ شده بود، در طرح فوق دیده می‌شود. توجه فرمایید اولاً تولید برق از این راه به آن ارزانی که خیال می‌کنیم نیست. ثانیاً احتمال دارد که برای تولید نیروی لازم آنقدر توربین برای نصب در تنگه هرمز لازم است که ورود کشتی را به خلیج فارس مشکل خواهد نمود. مگر آن‌که آقای مهندس فرزاد راه بهتری برای تولید برق از جزر و مد داشته باشند. راه‌های شناخته شده از نظر اقتصادی قابل قبول نیستند. توجه فرمایید که با ۵۰۰ میلیون دلار و شاید هم کمتر ممکن است یک نیروگاه اتمی ظرفیت ۲۰۰۰ میلیون وات برق و در حدود ۱۵۰ - ۲۰۰ میلیون گالن آب شیرین در روز درست نمود. این نیروگاه می‌تواند نزدیک شهر نیز باشد که از نظر توزیع برق موضوع بسیار مهمی است.

نیروی تولید پروژه دوم (گراندکولی) تقریباً برابر پروژه هرمز است. در حال حاضر این نیروگاه قادر به تولید ۱۹۶۰ میلیون وات است. قسمت تازه‌بی قرار است به این نیروگاه اضافه

شود که قادر به تولید بیش از ۷۲۰۰ میلیون وات خواهد بود. این قسمت هر کیلوواتی ۱۰۸ دلار تمام خواهد شد.

این مبلغ خرج خرید و سوار کردن جنراتور هاست. از این تعداد ۸۰ درصد قیمت دستگاه و بقیه مزدکارکنان و غیره است. چون جنراتورهای هرمز دستگاه مخصوصی است قیمتش از جنراتورهای معمولی بیشتر است ولی می‌توانم قول بدهم که شبیه قیمت ماهی در بوشهر و تهران نخواهد بود. قیمت خرید دستگاه‌های لازمه از ۹۰ دلار برای هر کیلووات بیشتر می‌شود و یاروهم رفته در حدود ۹۰۰ میلیون دلار. به این مبلغ باید حقوق مهندسين، کارگران و متخصصین را نیز اضافه نمود. اغراق نیست اگر بگویم که بیش از یک میلیون دلار خرج نیروگاه خواهد شد.

شبکه - برای آن‌که محاسبه این قسمت راساده نمود فقط مسافت بین هرمز و تهران را در نظر می‌گیریم. قیمت شبکه‌هایی که من رویشان کار کرده‌ام برحسب کیلووات - مایل نشان داده شده. ارقامی که ذکر شده شامل مزد کارگر و قیمت دستگاه‌های مورد نیاز مثل سیم برق، تاور - اینسولیتور و غیره در حدود ۶۰ درصد ارقام ذکر شده است. تصور می‌کنم شما مجبور باشید همین قیمت و یا بیشتر برای خرید لوازم مورد نیاز شبکه هرمز بپردازید. خوبست یادآور شوم که ما بیشتر کالاهایمان را از اروپا خریده‌ایم و تا آن جایی که اطلاع دارم ارزانترین قیمت موجود است.

در این قسمت نیز سعی خواهد شد که خرج لوازم مورد نیاز را تعیین نموده و بعد خرج کارکنان را به آن اضافه کرد. طول شبکه از هرمز تا تهران در حدود ۸۰۰ مایل خواهد بود. اگر راه جریان متناوب را انتخاب کنیم خرج شبکه هر کیلووات - مایلی ۱۶۲ دلار خواهد بود و یاروهم رفته حدود ۳۰۰۰۰۰۰۰ دلار. از این مقدار حداقل ۶۰ درصد آن بهای لوازم مورد نیاز شبکه است و یا ۷۸۰ میلیون دلار. به این مقدار باید خرج مهندسين، کارگران، متخصصین، ترانک، تراکتور، و سایر دستگاههای مورد نیاز را اضافه نمود. اگر شما می‌توانید شبکه به این بزرگی را با حداقل یک میلیون دلار تمام کنید کار بسیار خوبی است.

در صورتیکه جریان مستقیم را انتخاب کنید خرج شبکه ۱۲۱ دلار برای هر کیلووات - مایل خواهد شد و یا حدود ۳۰۰۰۰۰۰۰ دلار و باز فرض کنیم در اینجا بیش از ۵۰ درصد آن خرج لوازم مورد نیاز نباشد بقیه خرج کارکنان است به عبارت دیگر بهای لوازم مورد نیاز در حدود ۵۰۰ میلیون دلار خواهد بود. در اینجا خوب است متذکر شوم که در ساختمان شبکه D.C. که ماروی آن کار می‌کردیم مقدار زیادی وقت صرف مطالعه و حل مسائل پیش بینی نشده، شد. خوانندگان عزیز باید توجه کنند که این شبکه Pacific Northwest-Pacific Southwest Intertie System

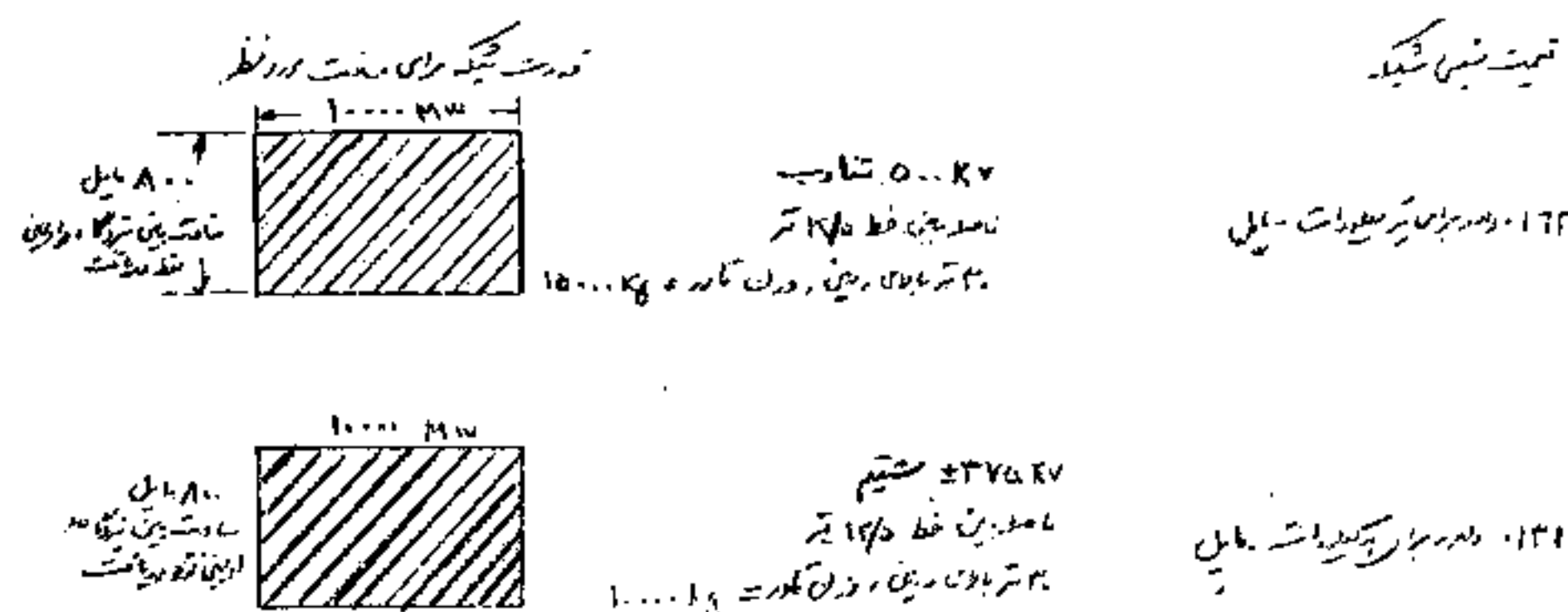
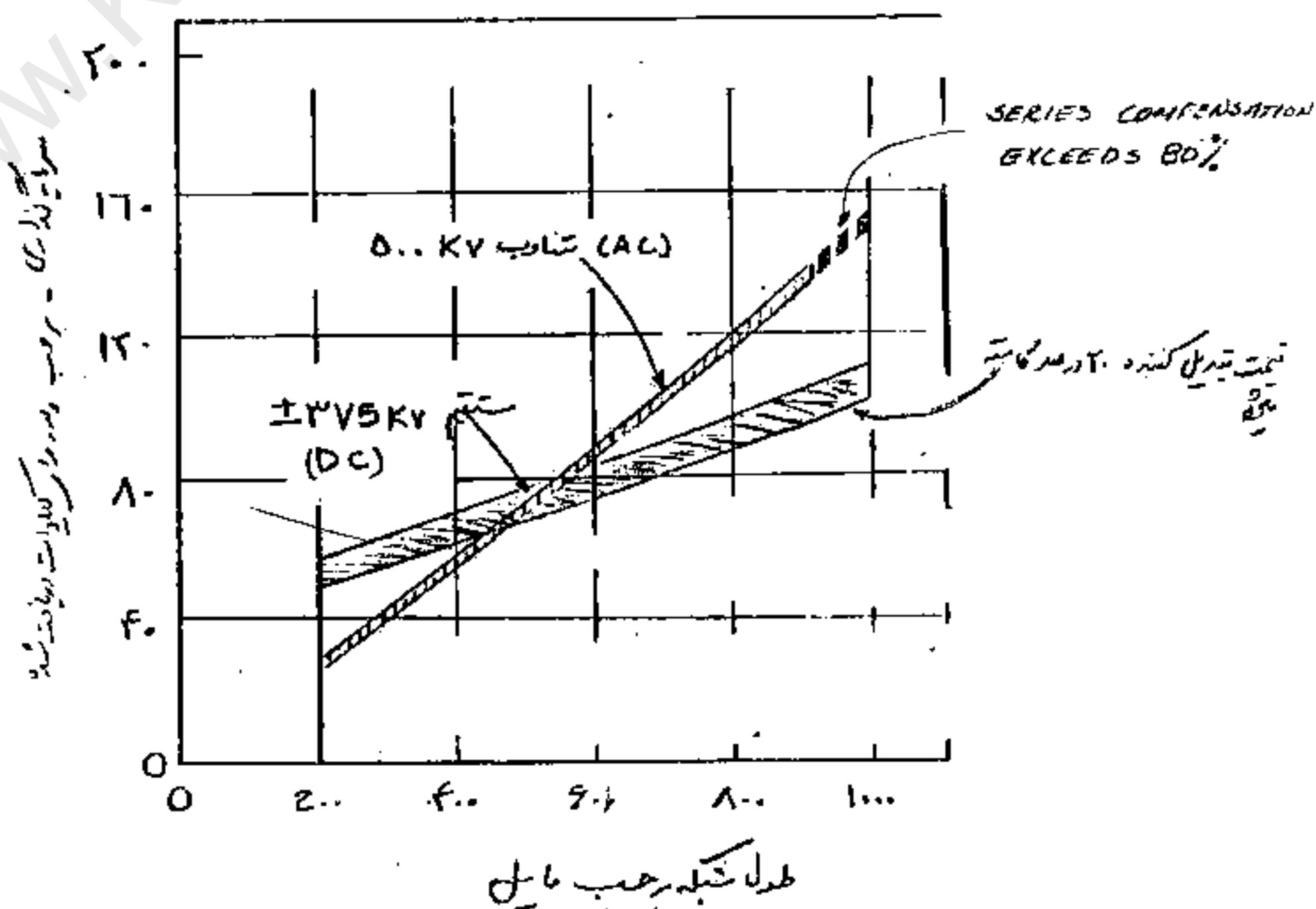
اولین شبکه طولانی است (۸۳۵ مایل) که در دنیا درست شده و مجهولات زیادی در آن وجود داشت که از بین بردن آن‌ها باعث اتلاف وقت اضافی شد. به این دلیل است که من فرض کردم ۵۰ درصد مبلغ ذکر شده بهای لوازم مورد نیاز است. امروزه بیشتر مشکلات D.C. حل شده و من احساس می‌کنم که بشود حتی با قیمت ارزانتر از آنچه در بالا ذکر شد نیز پروژه را تمام نمود. بهر صورت احساس می‌کنم ۵۰۰ میلیون دلار رقم نسبتاً درستی باشد و خیلی از واقعیات دور نیست.

خرج برگردن دریاچه:

برای اینکه بتوان بهتر راجع باین قسمت صحبت نمود احتیاج به اطلاعات بیشتریست. مثلاً:
۱- آب را از کجا به دریاچه خواهید ریخت.
۲- اختلاف بین دریاچه و دریا چیست و یا اختلاف سطح بین دریا و محلی که خیال دارید آب از آنجا بدریاچه بریزید؟
۳- چند تلمبه در نظر گرفته‌اید و با چه ظرفیت‌هایی؟

۴- چه حجمی را مجبورید برگردانید، در باره ایجاد دریاچه بدکی و تولید برق در مواقع احتیاج و یا هنگامی که آب ساحل منطقه به نقطه صفر می‌رسد از طریق جنراتور بدکی در قسمت مشکلات فنی صحبت کردم. هزینه این قسمت پروژه به سادگی قابل تخمین نیست برای اینکه به ارقام صحیحی برسیم باید از اطلاعات حاصله از هیدروگرافی استفاده نمود. علاوه بر اینکه این قسمت از پروژه مجبور است همیشه

مقایسه قیمت بین شبکه با جریان مستقیم و شبکه با جریان متناوب



با مقداری ضرر کار کنند احتیاج به میلیونها دلار برای ایجادش نیز خواهد بود .
 خوب اگر این ارقام را با هم جمع کنیم رقم بسیار بزرگی بدست خواهد آمد . این موضوعی بود که مرا جدی به فکر انداخت و باعث آن شد که بنشینم و با این وقت کمی راجع به پروژه هرمز اظهار نظر کنم . لابد خوانندگان محترم متوجه هستند که من راجع بتوزیع برق صحبت نکردم . برای صحبت در این باره صرفنظر از اینکه احتیاج داریم بدانیم که برق از کجا وارد شهر می شود مهم است بدانیم که از کجا می شود برق و آب را با قیمت مناسب وارد شهرها نمود . به نظر من پروژه هرمز از پرخرج ترین راههای موجود است . علاوه بر آن تناسب خوبی بین قسمت های مختلف آن وجود ندارد .

آنچه به نظر من صحیح می آید آنست که چند مهندس با تجربه دور هم بنشینند و راههای مختلف را برای ایجاد آب و برق مورد مطالعه قرار دهند ، از جمله پروژه هرمز را . اگر این راه از نظر اقتصادی و فنی قابل قبول باشد باید با مطالعه دقیق و ارقام قابل قبول آن را نشان داد . انتخاب جریان مستقیم بدون شك یکی از راههای است که می تواند خرج این پروژه را تا حدی کم کند و از نظر فنی اداره کردنش آسانتر است .

ایجاد نیروگاههای اتمی که قادر بتولید آب و برق هستند نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد . بسته بآنکه این طور نیروگاهها را در چه نقطه ای درست کنند احتمال دارد که از نظر مالی قابل قبول باشد . به علاوه چون نیروی مورد نیاز کم کم بالا میرود (Load Growth) ایجاد نیروگاه همزمان با نیاز نیرو امکان پذیر است بدون آنکه باعث مخارج اضافی شود .

مشکلات مالی را به شرح زیر خلاصه می کنم .

۱- مخارج گزاف نیروگاه (توربو- جنراتور) که بیش از يك بلیون دلار خواهد بود .
 ۲- شبکه .

الف - با جریان متناوب در حدود يك میلیون دلار (فقط فاصله بین تهران - هرمز) .

ب - با جریان مستقیم در حدود ۵۰۰ بلیون دلار .

مخارج اضافی :

۱- خرج ایجاد دریاچه کمکی که احتیاج به مطالعه بیشتر دارد .

۲- نیروگاه «هایدرو- پلانت» که بستگی به Peak (B) دارد .

۳- مخارج ایجاد نیروگاه های کمکی . می توان برای تثبیت شبکه و Back-UP از آنها استفاده نمود .

۴- احتیاج مبرم به يك مطالعه دقیق اقتصادی . بودجه لازم برای اجرای برنامه را می توان از يك بانک قرض نمود . هرچه مدت پرداخت طولانی تر باشد سود متعلقه به آن بیشتر خواهد بود و در نتیجه بهای تولید برق گران تر از آنچه تصور شده بود خواهد شد . وقتی نیرویی به این قدرت وارد شهرها می شود قطعا به توزیع

مصرف کند می تواند کمک گرانبهائی به آینده ایران بنماید .

تقلید از دیگران بدون دلیل و ارزیابی کامل ، باعث پیشرفت نمی شود . جنبش امروز اولین قدم در راه ایجاد ایران بهتر برای فرداست . بیایید دست بدست هم بدهیم و با هم طوری قدم به جلو برداریم که مطمئن باشیم که هر قدم که برداشته می شود با منطق و دلیل همراه است . تنها آن زمان می توانیم مطمئن باشیم که راهی را که می رویم به سوی ترقی و آینده بهتر خواهد بود . برآورد کوشش های امروزی ما باید پایگاههای قوی برای آیندگان باشد تا آنها بتوانند با اطمینان از آن شالوده ها برای ساختن ایران بزرگتر و بهتری استفاده کنند . به امید آن روز .

گاههای بیشتر و جدیدتر با ظرفیت های بیشتری احتیاج خواهد داشت . بسته به آنکه نیاز به برق با چه نسبت درصدی در سال اضافه شود ، ایجاد این توزیع گاهها باید همزمان با ایجاد نیرو پیش رود تا نیاز مردم برآورده شود . آب برای حیات و برق برای پیشرفت ، امری ضروری است . هرچه جمعیت زیادتر شود و کشور از نظر صنعتی پیش تر رود احتیاج به آب و برق زیادتر خواهد شد . آب و برق را باید همیشه بیش از نیاز موجود مردم تهیه کرد و همیشه باید مقدار تولید از مقدار احتیاج بیشتر باشد .

يك گروه با اطلاع که می تواند این احتیاجات را خوب به بیند و محلشان را تامین کند و پول مملکت را آنجایی که سود بیشتری خواهد داشت

Correspondence

The Rance—and After

To the Editor, WATER POWER

I read your editorial, "The Rance—and After," in the January 1967 issue of WATER POWER with a great deal of interest, particularly the last paragraph in which you assert that the operating results from the Rance "will determine whether the much more ambitious Iles de Chausey scheme is justifiable." I can only wonder that you were not aware of a talk given by Pierre Ailleret, Associate Director General of Electricité de France, in April 1966 at the Fuel Luncheon Club in London.

The opening sentence in Mr. Ailleret's talk is as follows: "Is it really interesting to speak about the Rance since, if it is the first power station to use tidal power, it will perhaps also be the last?" In this talk Mr. Ailleret points out that with the construction of a dam to link the Minquiers Rocks to Brittany and the Chausey Islands the resonance of the tide in the angle between Normandy and Brittany would be broken and its amplitude would drop so much that it would no longer be an economic proposition to harness its power. Indeed, according to Mr. Ailleret it now appears that studies conducted in France indicate an extremely limited applicability for tidal power because of the effect that a series of such dams would have on tidal amplitude and because of the increasing economic competitiveness of nuclear power.

It is distressing to find a responsible technical journal writing editorials that encourage misplaced optimism on the basis of outdated technical evaluation without having even troubled to check with responsible sources.

PHILIP SPORN,
 Chairman, System Development Committee,
 American Electric Power Company, Inc.

پروژه دریاهای کویر ، اقتصادی نیست

سر دبیر محترم مجله گرامی تلاش

در شماره های ۸ و ۱۱ سال ۱۳۴۷ آن مجله دو مقاله از آقای مهندس هومان فرزاد که اولی تحت عنوان «دریاهای کویر ایران پروژه است یا اظهار عقیده؟» و دومی «رابطه علمی و فنی بین دو پروژه احیای دریاهای کویر - تولید برق از تنگه هرمز» -

آیا این پروژه ها گران است ؟ «درج شده بود»

از آنجا که در مقاله های مزبور آقای فرزاد به جای طرح مسایل اصلی ساختمانی و اقتصادی بودن آنها و آوردن حداقلی از اعداد و ابعاد مربوط ساختمان ایندو که اصل ابتدایی و مسلم تهیه يك مقاله علمی در مورد يك پروژه مهندسی می باشد ، با قلمی شیوا به تعریف و ثنای طرح خود پرداخته و به التماس و قسم می خواهند توجه مقامات کشوری را به پروژه جلب نمایند ، اینجانب متذکر می شوم :

من که در سال آخر تحصیل مهندسی ساختمان در دانشگاه فنی شهر آخن آلمان فدرال هستم کوشش می نمایم با معلومات ناقصی که دارم و با توجه به هزاران کیلو متری که از مین غریز دورم و در اینجا نقشه ها و اعداد دقیق در این مورد در اختیار ندارم ولی با توجه به تجارب کشورهای دیگر در مورد طرحهای مشابه ، دلایل علمی خود را در مورد عملی نبودن طرحهای آقای مهندس هومان فرزاد از نظر اقتصادی بیان دارم .

تقاضا دارم اعداد این مقاله را تقریبی تصور فرمایید چه وسایل دقیقتر در اختیارم نیست و برای حداقل اولین محاسبه ساده $\pm 10\%$ چندان مهم نیست .

در این مورد روی فرمایش جناب آقای مهندس گل سرخی وزیر محترم منابع طبیعی که مرقوم داشته اند «اگر ضوابط اقتصادی مطرح نبود از لحاظ علمی انجام هرکاری امکان داشت» تکیه می کنم در مورد اقتصادی نبودن پروژه دریاهای کویر لازم به توضیح زیر است :

مطابق طرح آقای مهندس فرزاد و محاسبه ساده من روی جامع ترین نقشه یی که از ایران در دسترس من بود سطح دریاهای ایران در کویر در صورتیکه سطح آنها در ارتفاع ۸۰۰ متری از سطح دریاهای آزاد قرار گرفته باشد جمعا در حدود ۱۱۰۰۰۰ کیلو متر مربع می شود .

در صورتیکه عمق متوسط دریاهای ۳۰ متر بگیریم ، در حالیکه این دریاهای در اغلب نقاط خیلی بیشتر از این عمق دارند چه بگفته خود آقای فرزاد این عمق به ۱۰۰ متر هم میرسد .

حجم کل دریاهای :

$$\text{مترمکعب } 110000 \times 10^6 \times 20 = 2200000000000$$

صفحه نود و هشتم

کار انجام شده برای پمپ کردن آب به ارتفاع ۸۰۰ متری :
کیلووات ساعت

ارزش متوسط برق در ایران حداقل کیلووات ساعتی ۳ ریال است .
مخارج پمپ کردن يك مترمکعب بریال $4/35.3 = 1350$

مخارج ایجاد هر متر مربع سطح دریایه فقط و فقط از لحاظ مصرف برق پمپ ها :

$$1305.30 = 391/50$$

متر عمق متوسط ، مخارج پمپ يك متر مکعب

در این محاسبه تمام اعداد بحد اقل گرفته شده و مخارج سالیانه پمپ آب در اثربخیر و وزمین فرو رفتن در نظر گرفته نشده .

من نمیتوانم بفهمم از کجا آقای مهندس فرزاد در محاسبه خود به مبلغ ۱۰ ریال برای ایجاد هر متر مربع سطح دریایه که بعضی نقاط در آن ۲۰۰ متر عمق دارد رسیده اند؟
مخارج مصرف برق فقط یکبار پر کردن دریاهای

$$\text{ریال } 10^9 \times 43065 = 391050 \times 1100000$$

۴۳۰۶۵ میلیارد ریال که با قایسه با بودجه کل کشور در سال ۱۳۴۶ (ضمیمه دهمین شماره تلاش) ۲۷۴ (دویست و هفتاد و چهار میلیارد ریال) یعنی

$$\frac{43065}{264} = \text{سال } 156$$

فقط مخارج یکبار پر کردن دریایه تنها از جهت مصرف برق برابر صد و پنجاه و هفت سال بودجه کل کشور می شود که با مقایسه با بعضی از استدلالهای آقای مهندس فرزاد از جمله «اما عقیده شخصی اینجانب در مورد مخارج اجرای (پروژه دریاهای کویر ایران) این است که اجرای این پروژه نه تنها گران نیست ...» کمی مسخره بنظر می رسد :

مخارج سالیانه مصرف برق برای پر کردن دوباره دریایه بعمق يك متر در اثر تبخیر :

که با مقایسه با بودجه کل پنج ساله عمرانی چهارم کشور بعبارت ۴۸۰ (چهارصد و هشتاد میلیارد ریال) (تلاش شماره نهم صفحه ۱۰۷) بیش از سه برابر آن می باشد ، یعنی مساوی بودجه کل عمرانی ایران در طول پانزده سال !
متأسفانه موقعیت جغرافیایی و طبیعی ایران بنحوی است که بخار آب ناشی از دریایه های کویر که بفرض با هزینه یی چنین سنگین ایجاد شود ، مطابق تجربه بین المللی ادارات هواشناسی بطرف شرق خواهد رفت و با احتمال قوی بایران نخواهد بازید . کما اینکه در جنوب ایران دریاهای بزرگی چون خلیج فارس و بحر عمان وجود دارد در حالی که

برای پر کردن چنین حجم بزرگی در نظر می گیریم که پمپخانه بزرگی که بدون شك عظیمترین پمپخانه جهان خواهد بود (یکی از بزرگترین پمپخانه های جهان که جهت تامین برق شمال غرب آلمان فدرال در منطقه ویاندن کشور لکزامبورگ ساخته شده با داشتن ۹ عدد پمپ عظیم فقط در ثانیه ۱۸۹=۲۱۰۹ مترمکعب - آب را با ارتفاع ۳۰۰ متری میرساند) که بتواند ۱۰۰۰ متر مکعب از آب دریای عمان را در ثانیه با ارتفاع ۸۰۰ متری برساند ، در حالیکه هزار مترمکعب آب در ثانیه از مقدار آب متوسط سالیانه رودخانه های بزرگ ایران مثل سفید رود یا کارون بیشتر است . در حالیکه چنانچه محاسبه نشان خواهد داد فقط جهت تامین آبی که سالیانه حداقل تبخیر می شود احتیاج به پمپخانه بسیار بزرگتری داریم که به موازات پمپخانه اول دایما کار کند . مقدار آبی که سالیانه با پمپخانه اول بدریایه پمپ میشود :

$$\text{متر مکعب در سال } 39153601010 =$$

۱۰۰۰ - ۳۶۵ - ۲۴ - ۶۰ - ۶۰ (متر مکعب روز ساعت دقیقه ثانیه)
جمع کل سالها تا دریایه ها کاملا پر شود :

با در نظر گرفتن چنین مدتی طولانی ، حداقل ارتفاع آب تبخیر شده دریایه ها در شرایط جغرافیایی ایران سالیانه ۱۰۰۰ میلیمتر می باشد «کما اینکه این عدد را خیلی قلیل گرفته ام و مقدار تبخیر در کویر سالیانه از ۲۰۰۰ میلیمتر هم بیشتر است . بنابراین فقط مقدار آبی که سالیانه به جهت تبخیر دوباره بایستی بدریایه ، پمپ کرد» :

$$110000 \times 10^6 \times 10000 = 1100000000000$$

مترمکعب -

(متر ارتفاع)
(متر مربع سطح دریایه ها)

که خود رقم بسیار بزرگی است بعلاوه مقدار آبی که در سال بعثت شنی بودن کف دریایه بزمین فرو خواهد رفت نامعین است و بایستی با در نظر گرفتن گئولوژی Geologie زمین ، کف دریایه در محل اندازه گیری شود که آن مقدار هم بایستی سالیانه دوباره به دریایه پمپ شود . فقط مخارج مصرف برق پمپ کردن يك متر مکعب آن با ارتفاع ۸۰۰ متری بدون در نظر گرفتن مخارج بسیار سنگین تهیه ماشین آلات پمپخانه ها ، لوله ها ، کانال کشی ، سینل و استهلاک شدید تمام دستگاهها و لوله ها بخاطر نمک آب دریا و بدون در نظر گرفتن اصطکاک آب در لوله ها و کانال ها که متضمن پمپ کردن آب با ارتفاع بیشتر از ۸۰۰ متر می باشد بشرح زیر است :

توان پمپ آب :

$$U \text{ ضریب اصطکاک پمپ و موتور}$$

ژاپن و چین سرخ قرار خواهد گرفت ولی هنوز مقدمه‌ای جهت ساختمان این سد بزرگ که از لحاظ ابعاد شباهتی بسد باب هرمز دارد، بوجود نیامده.

نمونه دیگر عملیات سد سازی در جنوب غربی کشور هلند است معروف به طرح دلتا **Deltaplan** که طول چهار سد خاکی جمعا در حدود ۲۵ کیلو متر است و با اینکه پایه های سد حداکثر در عمیق ترین نقطه ده متر زیر دریا پی ریزی شده مخارج کل آن برابر (۵۵) پنجاه و پنج میلیارد ریال برآورده شده است. با مقایسه با بعد این پروژه می توان برای ساختن بی فایده سد باب هرمز حداقل پنج برابر این قیمت را در نظر گرفت. در شرایط فعلی که میهن ما بیش از هر چیز به آب شیرین جهت مصرف کشاورزی تابستانی و پاییزی احتیاج دارد و بعلاوه هر کیلووات برق بدست آمده جهت صنعتی شدن کشور و بهبود وضع دهات مورد لزوم است بهتر است بعوض چنین طرحهای پرخرج و کم مصرفی سدهای کوچکتر و ارزاتر بر روی رودخانه های داخلی بطور متوالی ساخته شود که سیلابهای بهاره را بعوض بدریاریختن با بشوره زار های داخلی سرازیر شدن کنترل کرده جمع آوری نماید تا در ماههای کم آبی تابستان از آب دریاچه های مصنوعی استفاده شود. منظور استفاده پیاپی از بستر يك رودخانه جهت ساختمان سدهای متوالی می باشد که علاوه بر جمع آوری تمام سیلاب بهاره يك رودخانه و معارف کشاورزی استفاده از نیروی برق جلوگیری از خسارات سبل بهبود آب و هوا و غیره دارد.

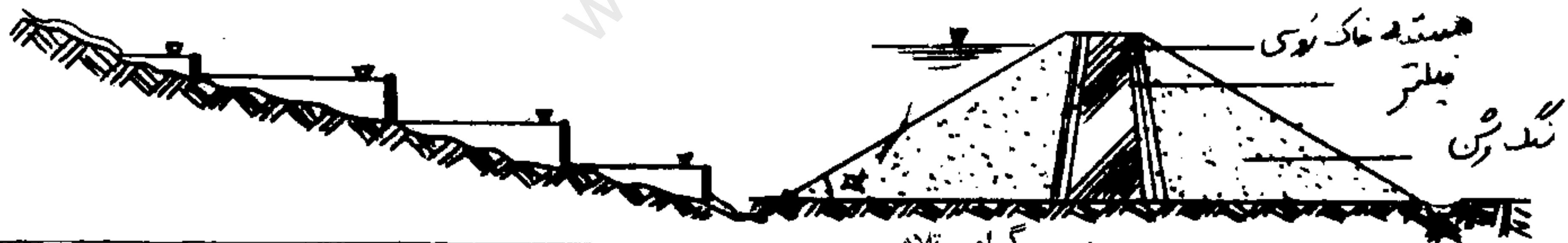
آقای داریوش شاهزاد

دانشجوی رشته ساختمان دانشگاه آخن

فرزاد کمال احترام را دارم چون لااقل فکر میکنند و میتوانند آینده و مشکلات آن را از دیدگاههای فنی و اقتصادی به بینند و واقعا نباید فراموش کنیم که دنیای متری امروز را همین جاه طلبی های فکری ساخته است. البته دلیل ندارد هر طرحی حتما اجرا شود ولی در هر صورت فکر کردن و نوشتن و منتشر ساختن افکار نو دلیل تحرك و تحول و زنده بودن اجتماع مملکت است و کمترین فایده آن این است که شما و بنده می توانیم از آن انتقاد کنیم و در فکر و جستجوی راه حل های بهتری باشیم توفیق کامل شما را از صمیم قلب آرزو مندیم. اطمینان داشته باشید مملکت مشتاقانه منتظر بازگشت شما است. بازگشت شما جوانان دانشمند و علاقمند سبب دلگرمی ما مسئولین اجرائی و پشتیبانی برنامه های وسیع عمرانی کشور است.

ناصر گل سرخی. وزیر منابع طبیعی

نامه سرکار را خواندم و از بحث محققانه و مستند شما بسیار لذت بردم جای کمال خوشحالی و مباهات است که جوان های دانشمند و عزیز مملکت تا به این اندازه به آینده مملکت و تحولات آن علاقمند میباشند. در مورد طرح انتقال آب دریای مکران و خلیج فارس به گودیه های مرکزی و جنوب شرقی ایران بنده عقیده داشته و دارم که اصولا اجرای چنین طرحی ضرورت ندارد و به راه های خیلی منطقی تر و آسان تر می توان مشکلات کشاورزی و حمل و نقل و آب مملکت را حل کرد و بدون شك با ضوابط اقتصادی زمان ما و شاید سالیان دراز آینده هم اجرای چنین طرحی ضرورت پیدا نخواهد کرد. شما هم با محاسبات دقیق و علمی خود اصولا آن را غیر ممکن تشخیص میدید ولی من به آقای



گرامی تلاش

تاکنون در ایران بروی هر رودخانه فقط يك سد ساخته شده است که به مرور زمان می شود برای ساختمان سد های جدید در تنگه های مناسب دیگر همان رودخانه اقدام نمود.

جهت ساختمان سد های جدید بهتر است از طریق متداول سد های سنگی و خاکی که در ایران هنوز مورد نظر نیست استفاده کرد که علاوه بر ارزانی نسبی، در مقابل زلزله نیز استحکامش بیشتر از سد های بتنی يك پارچه، مثل کرج است.

با تقدیم احترام داریوش شاهزاد
دانشگاه فنی شهر آخن آلمان غربی

در رشته آبیاری دارم میتوانم بجزأت اظهار نظر کنم که طرحهای فوق از هر حیث تازه و جالب توجه بوده و فعلا یکی از ارزنده ترین و امیدوار کننده ترین طرحهاییست که میهن عزیز ما برای مقابله با کم آبی عجیبی که در سال های آتیه با آن مواجه خواهیم بود نیازمند میباشد و شایستگی آنرا دارد که مورد توجه و بررسی دقیق مقامات علمی و اجرایی کشور قرار گیرد و یاری خداوند جامه عمل بپوشد.

با تقدیم احترامات
دکتر اسفندیار یگانگی نماینده مجلس شورای ملی

در شماره ۱۱ آن مجله مقاله علمی و فنی بسیار جالبی از آقای مهندس هومان فرزاد در توجیه دو پروژه «دریاچه های کویر» و «تولید برق از تنگه هرمز» مطالعه شد که بسیار جالب و امیدوار کننده بنظر رسید. با توجه به تحولی که از هر حیث در تمام شئون کشور ما برهبری شاهنشاه آریامهر مشاهده میشود میتوانیم انشاء این دو پروژه را حقیقتا یکنوع انقلاب فکری بدانیم که در جهت تکامل و نوسازی در کشور ما پدید آمده است.

با سی سال سابقه کار و مطالعات و بررسی های علمی و عملی خود در امر آبیاری و عشق بی پایانی که برای آبادانی این سرزمین



صفحه دهم

مقایسه که در اسکن هشتی به باز دیده می رود.

موسیقی زبان جهانی نیست

مصاحبه با هرمز فرهت
موسیقیدان جوان ایرانی

لازم می‌آید که جنبه علمی داشته باشد. جنبه های علمی در موسیقی اصیل ایرانی وجود دارد می‌ماند فقط استخراج آن .

تلاش - یعنی از جنبه های شخصی که خارج شد لاجرم باید باموازین علمی هماهنگ باشد. بله؟
فرهت - بله ، باید با اصول علمی توأم شود و همراه آن تراوشاتی که صرفا هنری اند ، تا بتواند به صورت يك اثر قابل ارائه کردن و قابل پذیرش باشد.
تلاش - پس بجای بکار بردن اصول علمی در موسیقی ایرانی از استخراج اصول علمی حرف می‌زنیم آیا استخراج این اصول و استفاده از آن در موسیقی ایرانی، این امکان را به وجود می‌آورد که موسیقی ما را به صورت يك زبان جهانی در آورد ؟

فرهت - اصولا موسیقی زبان جهانی نیست. این یکی از سوء تفاهم هائی است که وجود دارد. میدانید در موسیقی مخصوصا و بطور کلی در هنر مابایک سری مسایل قطعی سرو کار نداریم. در علم به اصطلاح Impiric Siences ما بایک چیز های قطعی سرو کار داریم که محلی برای اظهار عقیده ندارد . ۲ به اضافه ۲ می‌شود ۴ ، این جا دیگر اظهار عقیده هیچ مورد ندارد. ولی در امور هنری طبعا عقیده و سلیقه و این جور مسایل مطرح میشود و این جاست که ممکن است سوء تفاهمی در اصول مطلب پیش بیاید . از جمله این سوء تفاهم ها این ، که موسیقی يك زبان بین المللی است. اصلا اینطور نیست . هیچ جای دنیا اینطور نیست . پس چطور میتوان انتظار داشت که موسیقی ما زبان جهانی بشود و همه جا قابل پذیرش . اصولا چرا ؟

تلاش - پذیرفتن شاید نه ، اما مطرح شدن چی ؟

فرهت - که آیا میتواند مطرح شود یا نه ؟ بله میتواند . وبصورت فعلی اش هم میتواند . لازم نیست بلائی به سرش بیاوریم و کاریش بکنیم . همین طود که الان هست با يك مقدار آشنائی. اینجا ناگزیرم به يك سوء تفاهم معمول اشاره بکنم و آن این است که : خیلی از ایرانی هاو مخصوصا خیلی از موسیقیدانان کهنه کار ایرانی معتقدند که برای این که

تلاش - آقای فرهت. موسیقی ملی بسیاری از اقوام به صورت زبانی درآمده است که امکان اشاعه در تمام ملل را دارد. سؤال این است که آیا موسیقی اصیل ایرانی می‌تواند به این چنین زبانی در آورد ؟ این يك طرف قضیه است صورت دیگر این است که آیا می‌شود موسیقی اصیل ایران را با معیار های کلاسیک موسیقی دنیا، معیار های آکادمیک و علمی تطبیق داد و یا تلفیق کرد؟ و به صورت دیگر مطابق باموازین علمی موسیقی کرد ؟

فرهت - زبان علمی را نمی‌شود به چیزی داد. باید از خودش استخراج کرد. یعنی اصول علمی همیشه وجود دارند فقط بایستی کشف شوند. در موسیقی ایرانی هم قطعا همین طور است. پس نمی‌توانیم يك اصل علمی را بريك هنر تحمیل کنیم. بایستی اصول علمی را از يك هنرویا فرهنگ استخراج

زبان علمی را نمی‌شود به چیزی داد باید از خودش استخراج کرد .
آنچه در این موسیقی غربی گریزان می‌شود وجود صدا های مختلف در آن واحد و عظمت صداست .
اصولا موسیقی زبان جهانی نیست .
تلفیق روی و آواز به گونه شده محلی هم کمپوزیسیون غربی يك اثر تقریبا بازاری از آب در می‌آید .
از آن جهت موسیقی ملی در کمپوزیسیون اصولا غربی است ، باید به

طبیعتی و اندری .
اصولا کلا دو فرهنگ کار بسیار خطرناک است .
موسیقی غربی می‌تواند همراه بسیار با فرهنگ ایرانی باشد .
موسیقی ایرانی را از لحاظ کمپوزیسیون و اجرای آن با موسیقی غربی تطبیق داد و یا تلفیق کرد .
فرهت - اینطور نیست .
تلاش - چرا ؟
فرهت - برای این که جنبه های

است ، کاملا مخالفم . حزن حتی بهترین موسیقیدانان این تنوع در موسیقی هم میزند .

کرد. در موسیقی ایرانی هم جنبه های علمی وجود دارد. یعنی در هر هنری وجود دارد. هنر خالص معنایی ندارد. شما اگر در خیابان سوت بزنید ، همین طوری از خودتان ، آن هنر خالص است که انطباقی باموازین علمی هنر ندارد. هر چیزی که به يك صورت ترکیب شده و فرم یافته در بیاید و ارائه شود و بتواند جنبه جهانی بودن پیدا کند و حتی اگر بیش از يك نفر بتواند از آن استفاده کند ،

مقدمه
دکتر هرمز فرهت در تهران متولد شد . بعد از اتمام تحصیلات دبیرستانی برای ادامه تحصیلاتش در موسیقی به آمریکا رفت (۱۳۲۸) در سال ۱۳۳۳ از دانشگاه کالیفرنیا با اخذ لیسانس در رشته آواز فارغ التحصیل شد .
دکترایش را دریافت کرد . سه سال در دانشگاه «لانوک بیچ» و مدت چهار سال نیز در دانشگاه کالیفرنیا تدریس کمپوزیسیون میکرده است . سال ۱۳۴۶ به ایران آمد و به گفته خودش تجدید نظر در آوازی و آواز خوانی ایران

هم موسیقی ایرانی و هم موسیقی غربی را شناخت باید دوبار زندگی کرد. این طور نیست ، حرف بسیار مهمی است . شخصی که اهتمامی داشته باشد و بتواند خودش را به کنه مطلب برساند و کنجکاو داشته باشد و دنبال کند ، کاملاً می تواند نه تنها در يك عمر ، بلکه در يك چهارم آن هم موسیقی ایرانی و غربی هر دو را ، تا حدود قابل پذیرشی درك کند . من خودم تمام تحصیلاتم در موسیقی غربی بوده که از پانزده سالگی شروع کردم . ولی خوب وقتی که خواستم اطلاعاتی درباره موسیقی ایرانی کسب کنم و این فکر را دنبال کردم . دیدم که توانستم باندازه لازم اطلاع کسب کنم .

تلاش - آن طور که معلوم است . شما در موسیقی غربی مطالعه کرده اید ، در گرایش شما به موسیقی غربی چه رابطه هایی از موسیقی ایرانی وجود دارد . یا بطور کلی شناخت شما از موسیقی ایرانی چگونه است ؟

فرهت - در ابتدا هیچ نبود . من بار آمده يك محیط بودم که جوان ها بر علیه آنچه که وطنی بود ، مال خودشان بود ، طغیان می کردند . گرچه اکنون نیز همین طور است به خصوص در کشور های شرقی که اغلب تصور می شود که آنچه از غرب می آید صحیح تر است . بهر حال در آن زمان هیچ علاقه ای و آشنائی نسبت به موسیقی ایرانی نداشتم و از آن زمان من دنبال موسیقی غربی را گرفتم و آهنگ سازی خواندم ولی بعد از چندین سالی ، خاصه به دلیل دوریم از ایران ، توجهی زیاد به موسیقی ایرانی پیدا کردم . يك نوع توجه که اغلب در بین اشخاصی که از مملکت خودشان دور افتاده اند ، مخصوصاً دیده می شود . چون با آن دید دوری که دارند ، کم کم متوجه ریشه های خودشان می شوند . این حالات بر اساس تحولات شخصی نیست و من هم همین حالت را داشتم با اقامت طولانی در خارج ، بایک دید بیطرفانه به خودم نگاه کردم و متوجه يك سری ریشه های وطنی شدم . بدون وجود هیچگونه تعصب .

تلاش - در حال حاضر اطلاعات و شناخت شما از موسیقی اصیل ایرانی تا به آن درجه است که بتوانید از مایه های ایرانی در آثارتان استفاده کنید ؟

فرهت - بله ، اگر بخواهم می توانم .

تلاش - من فقط یکی از آثار شما را شنیدم ، پرلودوفوک دشتی تان را . ولی مقدار زیادی تکنیک موسیقی و ارکستراسیون غربی در آن دیدم و فقط مایه خیلی کمی از موسیقی ایرانی .

فرهت - بله ، تکنیک آهنگ سازی در آن قطعه صرفاً غربی است . فوکش در بعضی از کارهایم از جمله همان پرلودوفوک کوشش شده است که تم های مشخصی را از موسیقی ایرانی بگیرم و مخلوط کنم با تکنیک کمپوزیسیون غربی که این «تم» ها می توانند عواملی از ملودی باشند و یا مد های موسیقی ایرانی یا ضربهای مخصوص موسیقی ایرانی . البته به نظر من اینکار را باید به طرز خیلی نا آشکاری انجام داد . اگر خیلی واضح باشد ، احتمال گرایش به ابتذال آن زیاد خواهد بود . نه فقط در مورد موسیقی ایرانی ، بلکه اصولاً تکیه روی مطالب شناخته شده محلی در کمپوزیسیون غربی يك اثر تقریباً بازاری از آب در می آید . این حرف را درباره بسیاری از آثار ، از جمله بعضی از آثار موسیقیدانان روسی که از این قبیل کارها زیاد می کنند ، به گوش من و خیلی از موسیقی شناسان آثار سبکی هستند .

تلاش - این بخاطر استفاده صرف از موسیقی محلی است ؟ به نظر شما .

فرهت - استفاده از موسیقی محلی است به طرز خیلی آشکاری . در واقع می شود یکنوع ارانژمانی Arrangement از يك آهنگ محلی با يك لباس خیلی زرو زبور دار و در واقع ناشایست . مثل لباس شب دکولته ای که به تن يك دختر روستایی خیلی ساده کرده باشند . این است که استفاده از عوامل موسیقی ملی در کمپوزیسیون ها که اصولاً غربی است ، باید به طرز خیلی نا آشکاری باشد . یعنی در حدی باشد که فقط رنگی باشد ، در زمینه اصلی .

تلاش - یعنی متن اصلی و کلیت کار همان تکنیک و کمپوزیسیون غربی است ؟

فرهت - بله ، چون اختلاط کامل دو فرهنگ کار بسیار خطرناکی است .

تلاش - فکر می کنید چطور

می توان مردمی را که گرایشی به نوع خاص موسیقی ایرانی دارند ، ملودی مخصوص موسیقی ایرانی را می پستند و ضربها و ریتم های بخصوصش را ، به موسیقی به اصطلاح علمی آشنا کرد ؟

فرهت - مقصودتان از موسیقی علمی چیست ؟

تلاش - فرض فقط آن نوع موسیقی است که روی موازین پیش می رود و از يك تکنیک خاص و از يك سری روشهای متدیک استفاده می کند .

فرهت - پس منظورتان از موسیقی علمی ، موسیقی کلاسیک غربی است . من فکر می کنم که مردم عادی به آسانی می توانند با این نوع موسیقی آشنا شوند و استفاده کنند . گو این که عادتشان و سابقه شان متفاوت است . موسیقی کلاسیک غربی ، می دانید که يك دریاست . بقدری سبکهای مختلف و دوره های مختلف دارد که بدون شك اگر به طرز صحیحی معرفی شود ، تا حد زیادی قابل استفاده است . میشود طوری شروع کرد که زیاد موجب ناراحتی و نفرتشان نشود و در وهله اول تاحدی ابراز تمایل بکنند و بتدریج با انواع دیگر این نوع موسیقی آشنایشان کرد . خوب ، این يك کاری است که سازمانهای ارتباطی و فرهنگی از قبیل سازمان های رادیویی و تلویزیونی و وزارت فرهنگ و هنر بایستی بکنند . ولی با اینهمه هنوز خیلی مانده است اما مقداری آشنائی بوجود آمده است . و هرچه بگذرد میزان این آشنائی بیشتر می شود .

تلاش - اما موسیقی به نظر من يك مقدار ریشه های سنتی دارد و انسانی . از این رو خیلی سخت است که يك نوع موسیقی را از مردم گرفتن و خوراک از نوع موسیقی دیگری به آنها دادن . آیا این مساله را شما ضمن گفتن آن حرف در نظر می گیرید ؟

فرهت - البته منظور من این نیست که نوع موسیقی را به کلی از آنها بگیریم و موسیقی غربی را جانشین موسیقی سنتی شان بکنیم . این موسیقی می تواند همراه با آن موسیقی اضافه بر آن ارائه شود .

تلاش - اضافه بر آن ؟ ظرفیت محدودی باید برایش در نظر گرفت ؟

فرهت - بله ، از طرفی

مأمی دانیم که موسیقی ملی خودمان يك سری محدودیتهای خیلی جدی دارد . از لحاظ کمیت و حتی کیفیت . مخصوصاً از لحاظ کمیت موسیقی ملی ما محدودیتهای خیلی روشنی دارد و میزان تقاضا برای دریافت موسیقی هم اکنون بقدری زیاد است که چاره ای جز این که ارزشهای جدیدی به آن اضافه کنیم ، نداریم . گما این که همین طور هم شده ، منتها چیز های خیلی مبتذل و بقول شما «رها» اضافه شده که مطابق با اصول نبوده و اغلب کارهای سبک و مبتذل آمدند و این خلاء را پر کردند . این است که موضوع اضافه کردن است ، نه جانشین کردن .

تلاش - هم اکنون می بینیم که موسیقی غربی البته نه به آن صورت که مورد نظر شماست ، بلکه موسیقی سبکتری وارد موسیقی ایرانی شده و روی آن اثراتی گذاشته است و سنتهای موسیقی ایرانی هم مقداری از آن ها تاثیر گرفته است . می خواهم بدانم که این تاثیر پذیری تا چه حد است و موسیقی ما را به کجا بنظر شما می برد ؟

فرهت - این اگر ادامه پیدا کند ، به مرحله ای خواهد رسید که موسیقی ایرانی اصالت خودش را از دست خواهد داد .

تلاش - ظرفیت موسیقی ایرانی به این صورت که الان هست بنظر شما چقدر است ؟ و چقدر از حرفها را می شود در این موسیقی بیان کرد ؟

فرهت - خیلی کم . موسیقی ایرانی حدود بسیار واضحی دارد . این حدود همان طور که گفتیم هم از لحاظ کمیت است و هم از لحاظ کیفیت . از لحاظ کمیت این طور که ما آریه های موسیقی خیلی کم داریم . ما دوازده دستگاه داریم ، در واقع دوازده سیستم موسیقی داریم که اگر تمام آن ها را پشت سرهم قطار کنیم و مرتب اجرا کنیم مجموعاً دوازده ساعت موسیقی به ما می دهد . ولی خوشبختانه این دستگاه ها اغلب بدیهه سرایی می شوند . یعنی چیز های مشخصی نیستند و ثروت موسیقی ما هم در همین است . یعنی آن دوازده دستگاه الان دوازده ساعت برای شما اجرا می شود ، بار دیگر يك دوازده ساعت دیگر اجرا می شود . و این تنها عامل بقای این موسیقی

است. اگر بنا بود که فقط ۱۲ ساعت موسیقی می‌داشتیم که اصلاً قابل تحمل نبود. شما حساب کنید که يك قسمت از آثار یکی از هزاران آهنگساز غربی خیلی بیشتر از این مقدار است. مثلاً شما زمان اجرای سوناتای پیانوی بتهوون را در نظر بگیرید، بهراتب بیشتر از ۱۲ ساعت خواهد شد. حالا کار به سمفونی هایش، کورانت هایش، تریو هایش... نداریم. به بینید که چقدر موسیقی ما از لحاظ کمیت محدود است ولی بدیهه سرائی، جان تازه‌ای به این ۱۲ دستگاه موسیقی ایرانی می‌دهد. سبب رهایی از این حدود خیلی خیلی شدید می‌شود و ثروت موسیقی ما در همین است. ولی بهر حال محدود است. آخر چند بار می‌توان بیات ترک شنید؟ گو این که بیات ترک این با آن یکی فرق می‌کند، این بار بابار دیگرش فرق می‌کند ولی واقعا چند بار می‌شود در روز و در هفته، در ماه و در سال همایون شنید. (۱۲) شماره خیلی زیادی نیست، حتی اگر به قوه ۱۲ هم برسد. پس این از لحاظ کمیت، از لحاظ کیفیت هم محدود است. برای این که این موسیقی‌ای است که عوام مشخصی را می‌تواند بیان کند و تقریباً يك موسیقی خصوصی، خیلی انسانی و خیلی عارفانه است و متأسفانه این جنبه‌ها که جنبه‌های خیلی محترمی هم هست، امروزه زیاد مورد توجه نیست. موسیقی ایرانی را مردم از چه زاویه‌ای نگاه می‌کنند؟ به صورت يك وسیله تفنن. چرا موسیقی تحریم شده؟ چرا ایام سوگواری موسیقی قطع می‌شود؟ برای این که جنبه‌های

مطربی و تفریحی دارد. یعنی با عیش و عشرت توأم بوده. و حال این که آن جنبه را هم می‌تواند داشته باشد، چون موسیقی خیلی انسانی و خیلی عارفانه است و حتی خیلی روحانی است. ولی به آن از این دید نگاه نمی‌کنند. از جنبه‌های دیگر هم که نگاه کنیم می‌بینیم که از لحاظ کیفیت کمبودهای دیگری هم دارد. مثلاً این موسیقی جنبه دراماتیک ندارد. شما به هیچ وجه نمی‌توانید يك حالت تانسیون Tention شدت و درام در آن پیدا کنید. کما این که هر وقت نیازی به موسیقی دراماتیک داشته باشند، مثل نمایش‌های رادیونی که در بعضی لحظات آن حالت هائی باید تقویت شود، از موسیقی ایرانی استفاده نمی‌کنند. نمی‌شود. وقتی مثلاً صحبت از يك ازدحام است، چه درونی و چه بیرونی، موسیقی ایرانی زیاد نمی‌تواند کمک کند. درحقیقت موسیقی آرامی است. بیان آرامش عرفانی می‌تواند بکند. البته بیان عاشقانه دارد ولی جنبه هیچان، درام، شمت مطلقاً در آن نیست. تلاش - راجع به موسیقی محلی ایران که به نظر من جدا از موسیقی سنتی می‌شود، چه می‌گویند؟ چون شنیده‌ام که مطالعاتی روی این موسیقی کرده‌اید؟

فرهت - موسیقی محلی ایرانی خیلی با موسیقی شهری‌مان فرق دارد. در اصل فرق در تنوع است. چون موسیقی شهری ما موسیقی متنوعی نیست. محدودیتهائی دارد که متنوعی نمی‌کند. این مطلب را هم بگویم که این که می‌گویند موسیقی ایرانی يك موسیقی محزون است، کاملاً مخالفم. حزن در شعر

ایرانی است. و بقدری در ایران شعرو موسیقی توأم‌اند که حتی بهترین موسیقیدانان ایرانی هم این دو مطلب را از هم تفکیک نمی‌کنند. می‌گویند که موسیقی ایرانی خیلی محزون است. اینطور نیست. شما اگر به سه تار عبادی گوش کنید، اگر فرضا افشاری هم بزنند که ظاهراً محزون‌ترین دستگاه‌هاست، هیچ حزنی در آن پیدا نمی‌کنید. البته نمی‌گویم که موسیقی خیلی شادی است. شعر ایران در موسیقی ایرانی ایجاد حزن کرده است. و وقتی این دو باهم توأم می‌شوند طبعاً يك مقدار حزن در آن بوجود می‌آید.

آهنگهای محلی برخلاف موسیقی شهری ما تنوع بیشتری دارند. چون شرایط اقلیمی و نژادی در ایران بسیار متنوع است. طبعاً این تنوع در موسیقی هم اثر می‌گذارد. تفاوت دیگر این نوع موسیقی با موسیقی شهری داشتن ضربهای قوی است. چون می‌دانید که موسیقی شهری ما از لحاظ ضرب خیلی ضعیف است. در واقع ریتم مورد نظر است، خیلی خیلی محدود است. ردیف موسیقی ایرانی به طور کلی ضرب ندارد. ضرب مشخصی ندارد و اگر امروزه این مقدار ضرب را در آن می‌بینیم ظرف پنجاه، شصت سال اخیر برایش درست کردند، شاید به تقلید یا تأثیر از غرب. سازهای مختلف هم در موسیقی محلی دیده می‌شود که سبب تنوع این نوع موسیقی می‌شود. ولی به طور کلی موسیقی محلی چیز دیگری است. اختلافی از نظر ساختمان فواصل و حدهای موسیقی با موسیقی

شهری دارد. تلاش - آیا بنظر شما امکان تجدید رهایی‌های زیاده از حد موسیقی محلی وجود دارد؟

فرهت - من اعتقادی به دست درازی به این سرمایه‌ها را ندارم و به نظر من تنها کاری که اگر انجام شود، خیلی مفید خواهد بود این است که از نفوذ موسیقی شهری در موسیقی محلی جلوگیری شود. (و می‌دانید که رادیو الان به مقدار زیاد در روستاها بخش شده که موسیقی شهری از طریق آن به موسیقی محلی لطمه می‌زند.)

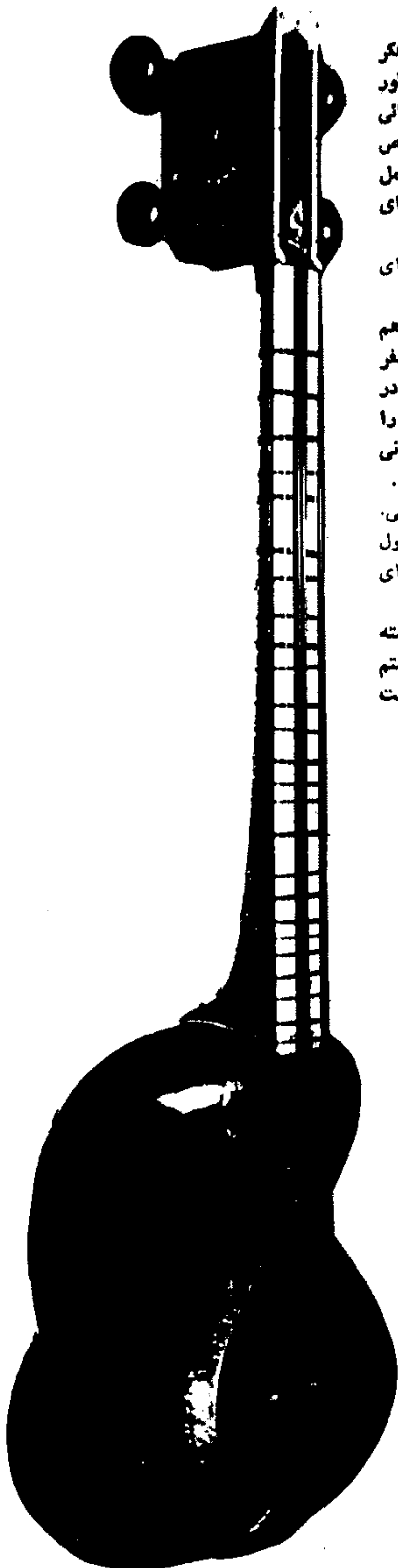
والا این که کسی بخواهد سرو سامانی به موسیقی محلی ایران بدهد، نه مفهومی دارد و نه عاقبتی. موسیقی محلی در همه جای دنیا يك چیز کاملاً بومی و آزادی بوده و لطف و اصالتش در این است.

تلاش - شما به شخصه در کدام يك از آثارتان از موسیقی محلی استفاده کرده‌اید؟

فرهت - در خیلی از کارهایم. از جمله راپسودی برای ارکستر بنام مازندرانی که از تم‌های مازندرانی استفاده کردم. البته از لحاظ تکنیک، کمپوزیسیون موسیقی غربی است. يكسویت برای پیانو، و مقداری دیگر که اکنون بخاطرم نیست.

تلاش - تاکنون چه قدر کار کرده‌اید و آثارتان تا حال در کجا اجرا شده است؟

فرهت - نمی‌دانم چون تعدادشان را اصلاً بیاد نمی‌آورم. ولی کارهای عمده‌ای که انجام داده‌ام، چند کار برای ارکستر نوشته‌ام،



تلاش - با این حساب نتیجه گرفته می‌شود که در آغاز کار باید با سلوها پیش رفت.

فرهت - بله ، و من فکر می‌کنم که وقتی موسیقی به طور سلو داده شود یا موسیقی هائی که براساس يك ملودی مشخص پیش می‌روند (هموفونیک) عکس‌العمل بهتری عاید می‌شود تا موسیقی‌های سمفونیک .

تلاش - برنامه کارتان برای آینده چیست ؟

فرهت - این است که باز هم آهنگ بسازم و البته گاهی هم سفر خواهم کرد برای ارائه کارم در خارج از ایران . تحقیق هایم را در مورد موسیقی محلی ایرانی دنبال خواهم کرد . و تدریس ...

تلاش - درباره نقد موسیقی می‌دانید که این کار در غرب متداول است . شما در این مورد چه برنامه‌ای دارید ؟

فرهت - اگر وقت داشته باشم چرا ، چند تائی هم نوشتم ولی برای این کار کمبود وقت دارم شاید بعدها ...
تلاش - ممنونیم .

کنید ؟

فرهت - آهنگسازهای موسیقی ایرانی را بهتر است وارد بحث نکنیم . این عنوان کمی بغرنج است . ولی صحبت از نوازنده ها که می‌شود من به شخصه آنهائی را می‌پسندم که موسیقی ایرانی را به طور اصیل و خالص اجرا می‌کنند . گو این که ممکن است سبک اجرا - هایشان مبتنی بر يك مقدار سلیقه های شخصی باشد ولی معهذالنهائی که تا حدود زیادی کارشان اصیل است ، مثل آقای عبادی ، یا کسائی و یا جلیل شهناز و آقای بهاری اینها فوق‌العاده هستند و از ثروتهای ملی ما هستند .

تلاش - شما در ایران ماندگار شدید، بله ؟

فرهت - بله .

تلاش - چکار می‌کنید ؟

فرهت - من برای تلویزیون ملی کار می‌کنم . برایشان آهنگ می‌سازم . کارهای تحقیقاتی در باره موسیقی می‌کنم و عضو شورای موسیقی نیز هستم و علاوه بر این در دانشگاه هم درس می‌دهم .

تلاش - درباره موسیقی متن برنامه‌های رادیو چه عقیده‌ای دارید ؟
و همان طور که می‌دانید موسیقی ایرانی نیست . راجع به این موسیقی ما چه می‌گویید ؟ و اصولاً بنظر شما آیا می‌تواند موثر باشد یا نه ؟
فرهت - موثر که طبعاً هست . چون هرگاه که دریافت مستقیم باشد ، وقتی انباشته شد ، اثری می‌گذارد .

تلاش - ولی يك مساله است . موسیقی متن برنامه‌ها وقتی از آسانترین موسیقی‌ها انتخاب شد ، طبعاً نمی‌تواند جهشی به وجود بیاورد ولی شاید موجب آشنائی شود .

فرهت - درست است . يك چیز دیسپلینه‌ای که نیست . ولی همین قدر که گوش عادت به این نوع موسیقی غریبه کند ، خودش نوعی کمک است . ولی آنچه که ایرانی را از موسیقی غربی گریزان می‌کند وجود صداهای مختلف در آن واحد و عظمت صداست . و برای ملتی که عادت به موسیقی سلو دارد (چون موسیقی ایرانی يك موسیقی سلو است) برایش پذیرش این نوع موسیقی پر سرو صدا (پلی فونیک) دشوار است . ولی موسیقی متن در این مورد همینقدر که ایجاد آشنائی می‌کنند ، مفید است .

يك سمفونی ، قطعات کوتاه برای ارکستر سمفونیک مقداری بترای ارکستر مجلسی ، سه کوارتت زهی ، تریو ، کارهائی برای آواز ، سونات پیانو و چند سويت برای پیانو ، آثار کورال برای کر .

اکثر کارهای من در آمریکا اجرا می‌شدند ... در «لوس آنجلس» و سایر شهرهای آمریکا .

تلاش - حال بیائیم و کمی سازمانهائی را که در ایران به کار موسیقی پرداخته‌اند ، نگاه کنیم . میدانید که تالار رودکی از بدو تاسیس تاکنون يك مقدار کار موسیقی کرده است . بگوئید که نظراتان درباره کار این دستگاه چیست ؟ و در شناساندن موسیقی در ایران چه مقدار مفید بوده است ؟

فرهت - به نظر من داشتن يك سالنی که مناسب باشد ، برای کنسرت ، باله و اپرا خیلی مفید است . کما این که يك جنبش بارزی از زمانی که این تالار باز شده حس می‌شود و تلافی برای این که درهای این تالار مرتباً باز بماند ، انجام می‌گردد . گرچه ممکن است این مقداری مصنوعی باشد و این کوشش برای این که این درها باز بمانند و این چراغها روشن ، نتیجه‌اش ممکن است اندکی گرایش به ابتذال پیدا کند . از این جنبه منفی که بگذریم در این کوشش‌ها بهر حال مقداری فعالیت های ارزنده هم وجود خواهد داشت و در مجموع به نظر من خیلی موثر بوده و خواهد بود .

تلاش - در مورد ارکستر سمفونیک تهران چطور ؟ و تا چه اندازه کارشان را تایید می‌کنید ؟

فرهت - در این مورد فکر نمی‌کنم که هیچکس با هر اندازه تعصب بتواند بگوید که ارکستر خوبی است . ولی داشتن يك ارکستر سمفونیک که ضمناً کوشش هائی هم دارد ، اثر های مفیدی خواهد داشت و من به شخصه امیدوارم که در آتیه ارکستر خوبی بشود و این امیدواری وجود دارد . در حال حاضر ارکستر درجه دومی است . ولی وجودش بسیار لازم است و کوششهایی که برای بهبودش می‌شود ، قابل تقدیر است .

تلاش - در مورد کارنوازندگان و آهنگسازان ایرانی چه نظری دارید ، کدامشان را تایید می‌

هنر و مغز الکترونی

ما اکنون در سطح بسیار عالی تری هستیم بزرگترین افکار سازنده در مراکز صنعتی وجود دارند

صاحب این افکار انقلابی خود ساخته يك فرهنگ بسیار قدیمی است . او ۴۹ سال پیش در تهران به دنیا آمد خودش می گوید بین ۲۸ تا ۳۰ سال پیش ، زیرا مایمونولا در تهران جشن تولد نمی گیریم .

«امروز بیشتر قابل قبول است که يك کتابخانه برویم تا يك موزه . روزگاری هنرمند به الهامات خود متکی بود ولی اکنون هنرمند احتیاج به نیروی تفکر و تعمق دارد . من مایلیم که مردم اندیشه را هنر به شناسند . «
«عصر الکترونیک یا برای بشریت رستگاری به ارمغان خواهد آورد و یا هیچگاه پدیدار نخواهد گشت . دشمن ما تعصبات دماغی ما علیه ماشین های الکترونی است . «

«مهمتر از همه این ماشین ها بسیاری از رنج ها را کاهش می دهند . رنج کشیدن انسانی نیست . آنگاه که ماشین می تواند به جای من رنج بکشد من به هیچ وجه مایل به تحمل رنج نیستم .
« ما میتوانیم افکار خود را توسعه بدهیم تا دریابیم که چه مقدار اطلاعات موجود است که می توان آن ها را در هنر بکار برد . «
«البته این مغز الکترونی است که انسان قرن حاضر را ایجاد خواهد کرد . «

« با کمک مغز های الکترونی میتوانیم آنقدر زیبایی یافرنیم که همه زیبایی های طبیعت در مقابل آن ها حقیر و ناچیز جلوه کند . «

هنگام ورود به منزل این شخص شما بامردی متبسم ، خونگرم ، بامو های سیاه و مجعد روبرو خواهید شد . دیوار های خانه اش از نقاشی های مدرن که اغلب آنها اثر دوستانش که عضو اجتماعات هنری محلی هستند ، پوشیده شده است . ناگهان پرسید :
زیبا هستند نه ؟

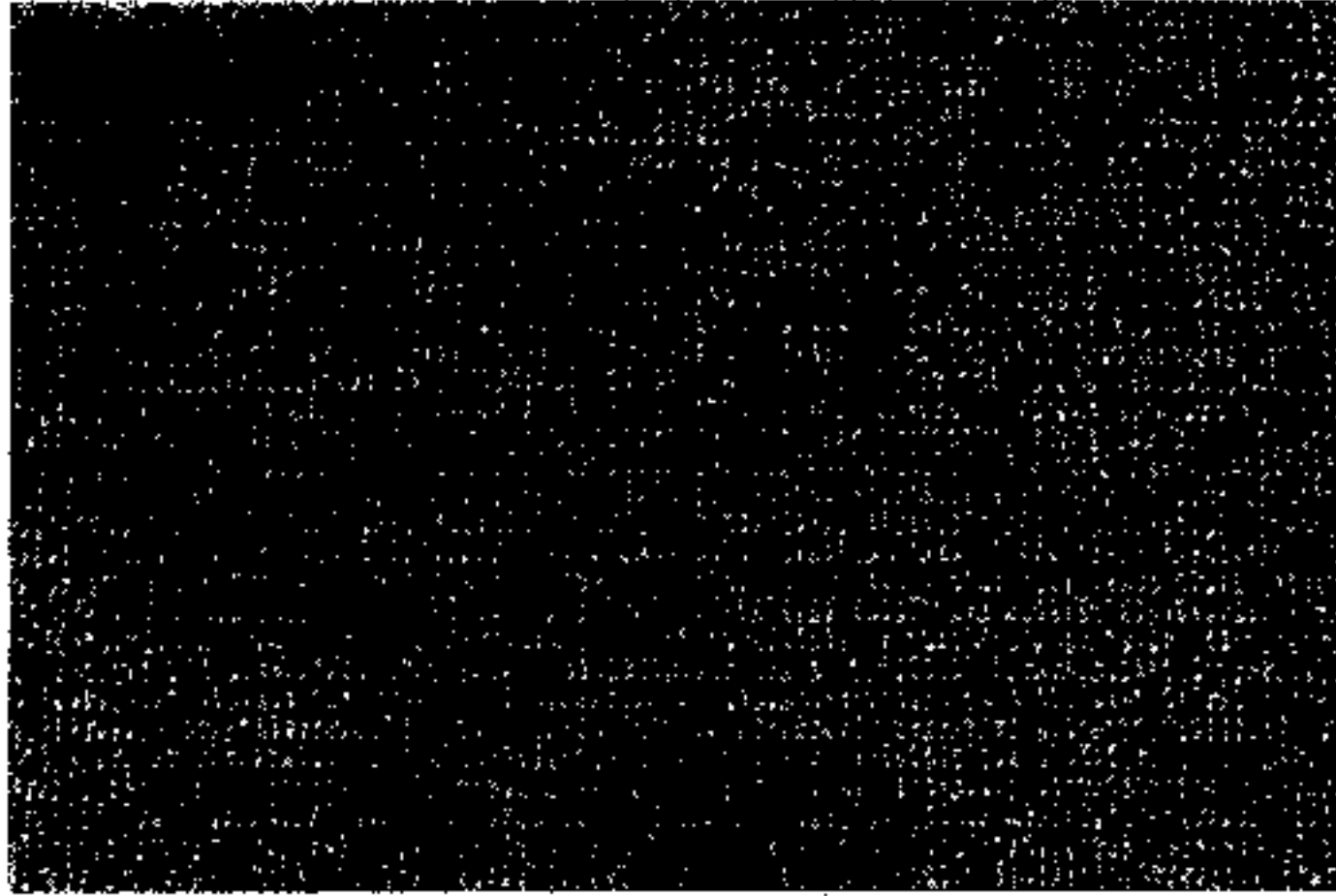
آنگاه آرماجانی در حالی که بادت به اطراف اطاق اشاره می کرد گفت : «خوب به آن ها نگاه کنید ، همه آنها در جستجوی اندیشه ای هستند . در ابتدا فقط يك اندیشه بودند ولی بعد به علت عوامل مکانیکی و خارجی تیره و کثیف شدند . امروزه اندیشه ها هنر به شمار می روند .

چشم های شما ناگهان در میان آن همد اثر ، بر روی يك تابلو — لبخند ژو کوند — که به رنگ قهوه ای است متوقف می گردد ، این تابلو اثر يك شمارگر الکترونی است . این مطلب را آرماجانی با رضایت ادا می کند ،

امسال ممکن است يك مغز الکترونی یکی از جوایز آکادمی هنری را تصاحب کند . هنرپیشه اصلی فیلم جهان در سال ۲۰۰۱ (راز کیهان) که یکی از موفقترین فیلم های سال بود ، يك مغز الکترونی بنام هال (Hal) است که دارای احساس نیز بود .

درک این مساله که ماشین الکترونی دارای احساس است مشکل بنظر می رسد ، مع ذلك هنگامی که «کیردولا» در کمال خونسردی ماشین «هال» را از برنامه خارج کرد و آن را از کار انداخت برای هال احساس دلسوزی بما دست داد .

حال برای رهایی از این احساس ناراحتی دست به دامان شخصی به نام «سیامک آرماجانی» که دوستانش او را «سیا» می خوانند (Sia Armajani) می شویم ، او شخصی است فیلسوف ، هنرمند انسان دوست ، معلم و بنیان گذار هنر مغز های الکترونی ، و با همه این احوال به هیچ وجه شخص غیر عادی نیست .



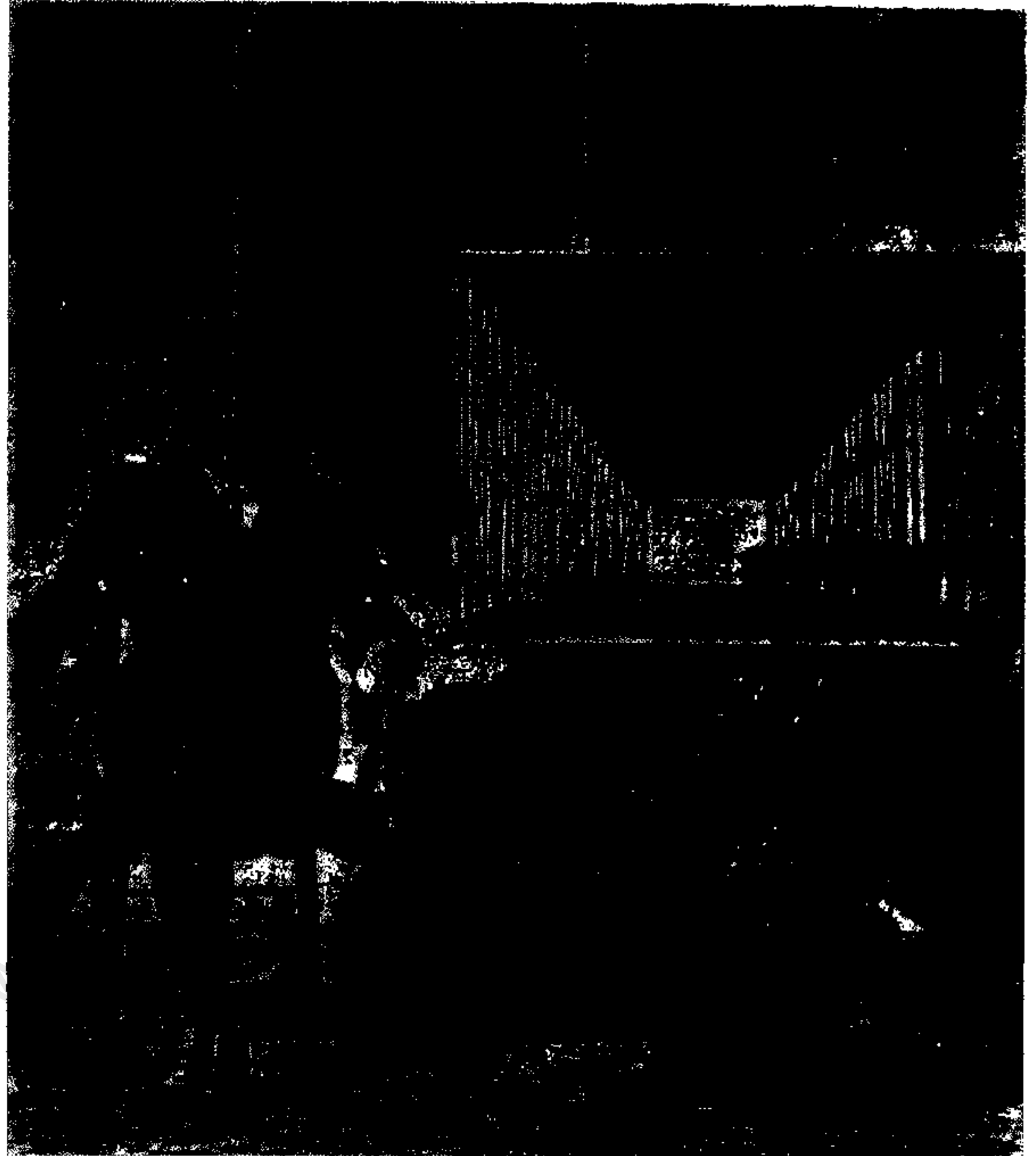
های معاصر در شهر شیکاگو به نمایش گذاشته شد و تمام ده هزار و پانصد قطعه يك شمارگر کهنه را درهم ریخت و همه آن ها را در خارج از جعبه اصلی ماشین بر روی هم سوار کرد. تا تمام بینندگان بتوانند يك شمارگر را در حین کار تماشا کنند.

آرماجانی می گوید که «هدف من شکل ظاهری آن نبود بلکه هدف من اندیشه بر روی هم گذاشتن قطعات آن شمارگر بود. نتیجه ظاهری فرعی از منطق علمی بود. آنچه مورد توجه بود ساختمان آن نبود بلکه نفس عمل بود.

او این ماشین را در ساعت ۱۱:۴۵ صبح روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۶۸ به کار انداخت، و در ساعت ۱۱:۴۵ روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۴ چراغ های این شمارگر روشن خواهد شد. هنر، محاسبه برنامه (پروگرام) لازم برای انجام دادن این عمل، و هم چنین تماشای فکر این شمارگر در حین کار بود.

آرماجانی در ضمن شمارگر را برای محاسبه اطلاعات لازم برای کار های عادی تری نیز به کار می برد. مثلاً ساختمان يك پل پاده رو که ممکن است تابستان امسال آن را بنا کند. مدل آن را می توان در اطاق نشیمن او یافت از آنجا که طول آن فقط ۲۲ متر و ارتفاع آن در یکی از دو انتهایش فقط ۱٫۲ متر می باشد ارزش علمی آن را بسیار ناچیز می کند. حال، دوباره آزمایش این مساله که يك چنین محاسبه یی امکان دارد مورد توجه است نه آنچه که نتیجتاً به چشم می خورد.

«تا چهار یا پنج سال قبل از يك اثر نقاشی، مجسمه هنری و یا سینمایی حداکثر لذت به دست می آمد ولی اکنون همه آن دیوار ها فرو ریخته است. فقط صحبت از



مهم آن نیست که چیزی آفریده شده است بلکه اصل آنست که اندیشه یی از شخصی به دیگری انتقال یابد.

از نظر آرماجانی این مساله تا اندازه یی به نمایشنامه «در انتظار گودو» شباهت دارد، که بعد از مدتی انتظار محض، پدیدار گشتن گودو اهمیت بیشتری پیدا می کند. عامل خلسه روحانی و کشف مراحل آن هنر شناخته می شود. به دوستان «لبخند ژوکوند» توضیح می دهیم که این لبخند ژوکوند نیست که دارای اهمیت است، بلکه این اندیشه که يك شمارگر الکترونی می تواند يك چنین اثری به وجود آورد مهم است.

سال پیش آرماجانی اثری را به نمایش گذارد که يك سال و نیم وقت صرف آن کرده بود این اثر يك شمارگر الکترونی بود که زیر وزبر شده بود. این اثر در موزه هنر

شخصی به نام فیلیپ جانسون از کمپانی کنترل داتا (Control Data) مدت یکسال بر روی برنامه ریزی (پروگرامینگ) آن مطالعه کرد. شانزده ساعت طول کشید تا شمارگر الکترونی این اثر را بسازد. این تابلو که ملاحظه می کنید دارای يك صد هزار سلول است.

همه این ها برای چیست؟ شما شانه خود را تکان می دهید. لئوناردو داوینچی این کار را با سرعت بیشتری انجام داد. به علاوه این کار قبلاً به وسیله دست انسان انجام شده بود اما در اینجا از نکته اصلی غافل هستید. آرماجانی با حوصله تمام می گوید: «هنر بر روی تئوری اطلاعات (Information) بنا شده است» بهترین اثر هنری آنست که حداکثر اطلاعات را در کوتاه ترین مدت ارائه دهد. لذا هنرمند امروزی باید هدفش اندیشه باشد نه شیئی

اهمیت خاصی قائل است .

به نظر او این کار شبیه به معماری است. هر آرشیوتکتنی می تواند يك ساختمان صد طبقه به سازه که بپایستد . ولی من بیش از این ها انتظار دارم . می خواهم که يك چنین بنایی زیبا نیز باشد، تا بر روی مردم اثر کافی بگذارد .»

«ما ماشین های الکترونی می سازیم ، و اکنون به امکانات آن ها نیز پی می بریم . من می خواهم که آن را زیباتر نیز بسازیم . آن طور که بستگی بیشتری نیز با موجودات انسانی داشته باشد . در فرهنگ چنین هنری وجود ندارد . بلکه فرهنگ یکی است، و آنهم فرهنگ زنده امروز»

«امروز بیشتر قابل قبول است که به يك کتابخانه برویم تا به يك موزه . روزگاری هنرمند به الهامات خود متکی بود ولی اکنون هنرمند احتیاج به نیروی تفکر و تعمق دارد . من مایلیم که مردم اندیشه را هنر به شناسند.» صاحب این افکار انقلابی خود ساخته يك فرهنگ بسیار قدیمی است . او ۲۹ سال پیش در تهران به دنیا آمد خودش می گوید بین ۲۸ تا ۳۰ سال پیش ، زیرا ما معمولاً در تهران جشن تولد نمی گیریم .

او پسر يك تاجر است و تحصیلات خود را تا سال اول دانشگاه در تهران انجام داد . همان روز ها عموی او که اینك رئیس کرسی تاریخ کالج ما کالستر **Maclester** می باشد قصد آمریکا کرد . پدر آرماجانی نیز مایل بود که فرزندانش در امریکازندگی کنند . در نتیجه آرماجانی و برادرانش که اکنون نیز در مینیآپولیس زندگی می کنند به آمریکا آمدند .

در سال ۱۹۵۹ به آمریکا وارد شد و در سال ۱۹۶۳ در رشته فلسفه از «کالج ما کالستر» فارغ التحصیل شد . و بعد «من يك هنرمند حرفه ای ، و بعد ها به زحمت صاحب يك استودیوی شخصی شدم»

اما سال ۱۹۶۸ سال بزرگی برای او بود . در این سال شروع به تدریس در مدرسه هنری مینیآپولیس کرد ، تابعیت آمریکاراپذیرفت و ازدواج کرد .

یادگارهای موطن او چند تخته قالی ایرانی و چند عکس قاب شده است که به دیوار های آشپزخانه آویخته شده است . بجز آن ها همه چیز خانه اش متعلق به قرن بیستم است . «عصر الکترونیک یا برای بشریت

رستگاری به ارمغان خواهد آورد و یا هیچگاه پدیدار نخواهد گشت . دشمن ما تعصبات دماغی ما علیه ماشین های الکترونی است.» آرماجانی بیش از آن که دارای فکر ماشینی باشد ، يك انسان دوست (اومانیست) واقعی است . اخیراً گروهی از رهبران اجتماعی شهر «جاکسون» (مینسوتا) به او مراجعه نمودند و عقیده او را برای تبدیل جاکسون به يك شهر نمونه قرن بیستم سؤال

کردند طرحی که او ارائه نمود نظر همه را به خود جلب کرد .

او می گوید : «تاکنون در این قرن ، ما شهرهای كوچك را ندیده گرفته ایم فکر می کردیم که آن ها هیچ چیزی ندارند که ارائه بدهند . ولی اکنون ارزش آن ها را در می یابیم . همه آن ها بنا به سنت دارای منافع و علائق مشابهی هستند . این نوعی احساس اجتماعی است . تنها اختلاف بین شهرهای كوچك و بزرگ مساله «اطلاعات» است مغزهای الکترونی انقلاب قرن را به وجود می آورند اما برخلاف انقلاب صنعتی این انقلاب مردم را بیکار نمی کند . بلکه ساعات کار مساوی ساعات فراغت می گردد»

«مهمتر از همه این ماشین ها بسیاری از رنج ها را کاهش می دهند رنج کشیدن انسانی نیست . آنگاه که ماشین می تواند به جای من رنج بکشد من به هیچ وجه مایل به تحمل رنج نیستم . این شعار کمپانی «آی . بی . ام» را تحسین می کنم که می گوید: «انسان باید فکر کند . ماشین باید عمل کند . برای اولین بار این امکان برای ما وجود دارد که ارزش انسانیت را درك کنیم . ما از تمامیت و کمال انسان صحبت می کنیم . آیا این بدان معنی است که يك انسان باید مثل سنگ در معادن زغال سنگ جان بسپارد؟»

«ممکن است پیرسید که این مسائل چه ارتباطی با هنر دارد ؟ ما آن افکار را که تعریف هنر چیست پشت سر گذارده ایم . همه چیز هنر است . اکنون سؤال این است که کدام هنر عالیتر است ؟ به عنوان يك هنرمند من می خواهم که از اشیاء بگذرم و از «اطلاعات» برای هنرم استفاده کنم . هدفم حل مشکلات نیست ، بلکه خلق مشکل است خلق اندیشه برای اندیشه است»

«من هیچ بستگی بین خودم و تاریخ هنر نمی بینم . آنچه مادر سال های بعد از ۱۹۷۰ انجام خواهیم داد با آنچه قبلاً به نام هنر انجام گرفته است هیچ ربطی نخواهد داشت . من «ضدنظم» (آنتی فرم) نیستم ولی ما می توانیم افکار خود را توسعه بدهیم تا دریابیم که چه مقدار اطلاعات موجود است که می توان آن ها را در هنر بکار برد»

«البته این مغز الکترونی است که انسان قرن حاضر را ایجاد خواهد کرد»

«مغزهای الکترونی هیچ چیز را از پیش درك نمی کنند و این بزرگترین حسن آن ها است . مساله خفقان آور احساسات برای آن ها مطرح نیست . هیچگاه به تجربه رجوع نمی کنند . همه چیز کنترل شده است . موزه های بزرگ تبدیل به مراکز گسترش اندیشه خواهد شد و با کمک مغزهای الکترونی می توانیم آن قدر زیبایی بیافرینیم که همه زیبایی های طبیعت در مقابل آن ها حقیر و ناچیز جلوه کند»

(مترجم: مرتضی زمانی)

هنر می شود . من يك هنرمندم ، نه يك مجسمه ساز یا نقاش و سعی می کنم که خودم را با زمان همگام سازم .»

«احساس فعلی من این است که اگر ما با صداقت به زندگی بنگریم ، با توجه به پیشرفت های علمی و فنی اغلب کار های هنری نابجا و نارسا هستند . آن ها نماینده زمان ما نیستند . يك روز هنگامی که با اتومبیل به طرف مرکز شهر می رفتم و به رادیو گوش می کردم شنیدم که فضا نوردان ماه را از دید خود از فاصله ۱۱۰ کیلو متری توصیف می کردند .»

در حالی که دست هایش را به اطراف باز می کرد و به نقاشی های متعدد اطلاق اشاره می کرد گفت : «خوب این ها برای گفتن چه دارند ؟»

«هنر باید پیشرفت کند سنت ها و احساسات آن را عقب نگه می دارد» سپس گفت : «اما هنر را با سنت کاری نیست . هنر فقط به تحول وابستگی دارد . ما اکنون دارای منطق جدیدی هستیم . يك شخص نمی تواند همه چیز را به طور مطلق قبول یا رد کند .»

«هنرمند باید با جهان خارج سر و کار داشته باشد . دیگر دنیای اکسپرسیونیسم انتزاعی نیست ، دیگر جای آن نیست که هنرمندان در «آتلیه» های خود بنشینند و احساس خود را عرضه کنند . این نامربوط است . ما اکنون در سطح بسیار عالی تری هستیم .»

به عقیده آرماجانی بزرگترین افکار سازنده در مراکز صنعتی وجود دارند .

او یکی از اعضای انجمن «آزمایش هایی در هنر و فنون» می باشد که ترکیبی است از دانشمندان و هنرمندان به رهبری بیلی کلور (Billi Kluver) متخصص اشعه لیزر ، و وابسته به مرکز تحقیقات تل تلفن و شخصی به نام روبرت راشن برگ **Robert Rusehenberg** يك هنرمند است . آرماجانی برای این ترکیب



س سیاهی دانش

آماده شدن برای صید ماهی در دریای خزر





نه دریغی برای دیروز و نه ترسی برای فردا

من نیز در اندیشه‌ام





بندر پهلوی

گردش بر روی کارون



نظم خرید آذوقه در روز برفی





پارک ولیعهد (جلالیہ)

بعد از ظهر لک لکھا

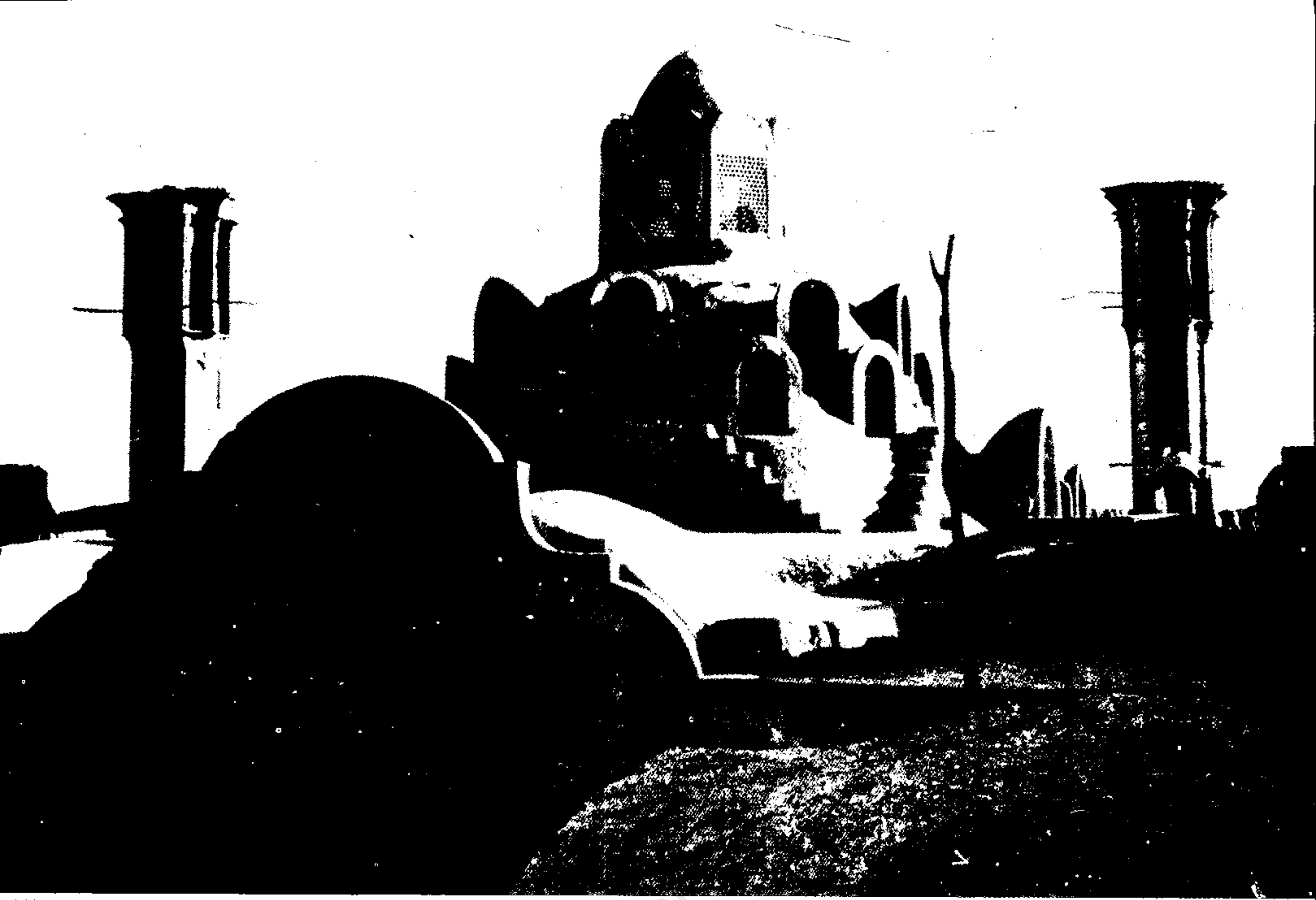




بگر وقت بازی است

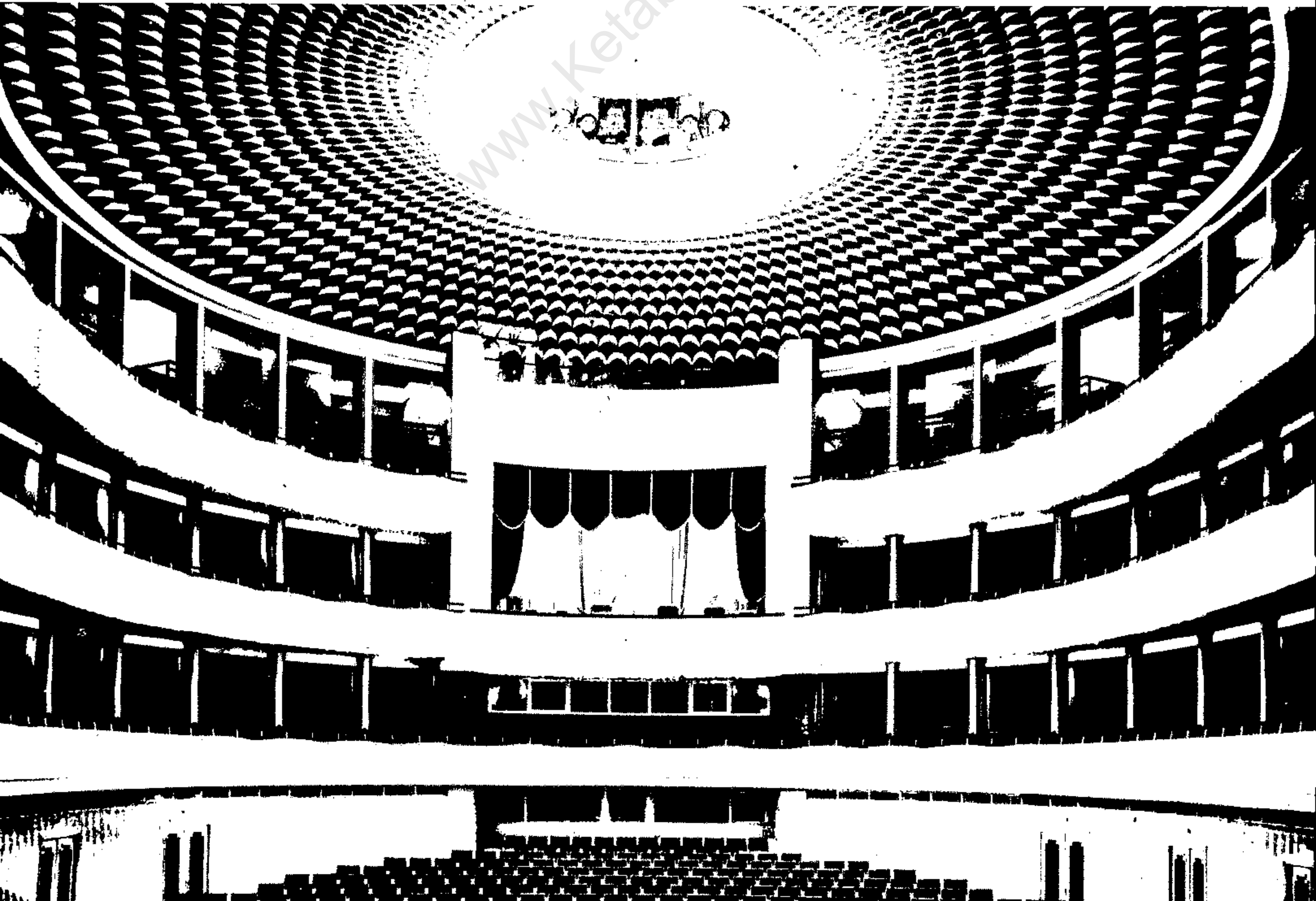


روشنی در برابر آئینه



يك منزل شخصی در كاشان

تالار رودکی





وقتی خورشید می‌خواهد غروب کند فانوسهای کناوه دریای خزر را دختران روشن می‌کنند.

قایقرانی در چمخاله (شمال)





میناتورهای قدیم ایران

فهرست رویدادها:

عنوان	صفحه
نطق نخست وزیر هنگام تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ به مجلس شورای ملی	۱۰۹
زنان	۱۱۱
تهیلات برای دانشجویان ایرانی	۱۱۱
کارخانه ذوب آهن	۱۱۱
باله	۱۱۱
سیما	۱۱۲
نقاشی	۱۱۲
نمایشگاه عکس	۱۱۳
تلویزیونها	۱۱۳
موسیقی	۱۱۴
شب شعر	۱۱۴
نویسندگان و مطبوعات	۱۱۵
تئاتر	۱۱۶
دفاع غیر نظامی	۱۱۷
افزایش تعطیلات نوروزی	۱۱۷
دارائی	۱۱۷
بانک ها	۱۱۷
گمرک	۱۱۷
دادگستری	۱۱۷
سمینار ها و کنفرانس ها	۱۱۸
پیش آهنگی	۱۱۸
اصلاحات ارضی	۱۱۹
بیمه اجتماعی روستائیان	۱۱۹
آرتش ، ژاندارمری ، شهربانی	۱۱۹
شهر و شهرداری	۱۱۹
روابط خارجی	۱۲۰
موافقت نامه ها	۱۲۰
رادبو	۱۲۰
جلب سیاحان	۱۲۱
پست و تلگراف و تلفن	۱۲۱
آب و برق	۱۲۱
راه	۱۲۱
تولیدات کشاورزی	۱۲۱
تربیت و بهشت	۱۲۱
منابع طبیعی	۱۲۲
بهداشت و درمان	۱۲۲
علوم و آموزش عالی	۱۲۲
تعاون	۱۲۳
آموزش و پرورش	۱۲۳
کار و کارگران	۱۲۳
سپاهیان انقلاب	۱۲۳
بیکار با بی سواد	۱۲۴
عمران و آبادانی	۱۲۴
زائران مکه	۱۲۴
شیر و خورشید سرخ	۱۲۵
کشاورزی	۱۲۵
بهداشت و درمان	۱۲۵
صادرات - واردات	۱۲۵
تولیدات	۱۲۵
ورزش	۱۲۶
کتاب	۱۲۷
تالار رودکی	۱۲۸
نفت	۱۲۹
سوم اسفند	۱۲۹
اقتصاد	۱۳۰
نمایشگاه آسیائی	۱۳۰
نخستین شهر صنعتی جدید ایران	۱۳۰
بیک تلاش	۱۳۱
دبدراری با داود رشیدی	۱۳۳
گفت و شنودی با رکن الدین خسروی	۱۳۴

نطق نخست وزیر به هنگام تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ به مجلس شورای ملی

● سالی که گذشت برای بسیاری از کشورها سال بحرانهای سیاسی و تزلزل و عدم ثبات داخلی بود و تشنجات منطقه ای و جنگهای داخلی آثار نامطلوبی در صحنه بین المللی ببار آورد.

● علاوه بر بحرانهای سیاسی و نظامی که اجتماعات جهان با آن روبرو شدند در سال ۱۳۴۷ وضع پولی کشورهای بزرگ صنعتی و هجوم برای خرید طلا دوبار جهانرا دچار بحران اقتصادی شدید ساخت. این وضع تا حدود زیادی از رشد و توسعه حجم بازرگانی جهان کاست و از جمله سبب شد که کشورهای در حال توسعه نتوانند درآمدهای صادراتی خود را که برای رشد سریع و بدون وقفه اقتصاد آنها جنبه حیاتی دارد بعد لزوم افزایش دهند.

● با اینکه پیش بینی شده بود که رشد کشورهای در حال توسعه جهان حدود «۳ درصد» باشد، اعلام میشود که در این شرائط نامساعد جهانی، کشور ما برهبری خردمندان پادشاهی که همگی کوشش خود را در راه اعتلای میهن مبذول داشته اند، فارغ از نگرانیها، پیشرفت بی سابقه خود را با رشد سالانه ای بیش از «دو برابر» آنچه که سازمان ملل «حد اکثر» برای دههی توسعه پیش بینی کرده بود، دنبال



آقای نخست وزیر بودجه سال ۱۳۴۸ را به آقای مهندس ریاضی تقدیم می کند

● در اواسط بهمن ماه لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور - که سومین بودجه متعادل مملکتی است که قبل از آغاز سال تنظیم یافته است - توسط آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر برای بررسی و تصویب به مجلس شورای ملی ارائه گردید. نخست وزیر هنگام تسلیم لایحه مذکور ضمن نطقی ابتدا از تمام ماموران کشوری، نیروهای نظامی، ماموران جمعیت شیر خورشید سرخ و کلیه طبقات مردم که در سامعه سیل خوزستان به یاری هموطنان آسیب دیده خود شتافته بودند سپاسگزاری کرد و در اینباره اظهار داشت: باید اذعان کرد که همکاری

بود. آقای نخست وزیر در ادامه اظهار داشت که این سفر طبق امر شاهنشاه آریامهر انجام پذیرفت و هر روز دوبار گزارش وضع و اقدامات انجام یافته تلفنی بعرض ایشان رسانده میشد که دستورات لازم را صادر فرمودند. دولت اطمینان دارد که برهبری شاهنشاه آریامهر که به فرد فرد ملت ایران و بتمام نقاط کشور علاقه پس فراوانی دارند، خواهد توانست برنامه های خود را در جهت رفاه بیشتر مردم عمل کند. آقای هویدا در این موقع آقای علی هزاره را بعنوان معاون نخست وزیر و رئیس دفتر مرکزی طرح و بودجه به مجلس شورای ملی معرفی کردند و آنگاه ضمن تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور به مجلس بیانات مشروحه باین شرح در باره اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و جهان ایراد داشتند:

بار دیگر این افتخار نصیب من شده است که لایحه بودجه کل کشور را به مجلس شورای ملی تقدیم کنم. لیکن قبل از بحث درباره بودجه سال ۱۳۴۸ لازم است اجمالا نگاهی به اوضاع عمومی جهان بینیم زیرا در عصر کنونی شرایط سیاسی و اقتصادی جهان آثار و عواقب خود را در خط مشی و کیفیت فعالیت های مناطق و کشورهای دنیا ظاهر می سازد.

سالی که گذشت برای بسیاری از کشورها سال بحران های سیاسی و تزلزل و عدم ثبات داخلی بود و تشنجات منطقه ای و جنگهای داخلی خاصه در منطقه عربی خاور میانه، خاور دور و آفریقا آثار نامطلوبی در صحنه بین المللی ببار آورد.

علاوه بر بحران های سیاسی و نظامی که اجتماعات جهان با آن روبرو شدند در سال ۱۳۴۷ وضع پولی کشورهای بزرگ صنعتی و هجوم برای خرید طلا دوبار دنیا را دچار بحران اقتصادی شدید ساخت. بسیاری از کشورهای صنعتی بزرگ برای برطرف ساختن کسری بودجه و مقابله با افزایش شدید قیمت ها و تعدیل کسری موازنه پرداخت های خود به سیاست های محدود کننده و ضد تورمی توسل جستند. این وضع تا حدود زیادی از رشد و توسعه حجم بازرگانی جهان کاست و از جمله سبب شد که کشورهای در حال توسعه نتوانند در آمد های صادراتی خود را که برای رشد سریع و بدون وقفه اقتصاد آنها جنبه حیاتی دارد بعد لزوم افزایش دهند، و با آنکه برنامه جهانی دهه توسعه از هشت سال پیش، امید های بسیار در مردم کشورهای در حال توسعه برانگیخته بود سال گذشته این حقیقت را بالاخره نشان

داد که حتی رسیدن به هدف رشد سالانه ۵ درصد در سال ۱۹۷۰ دیگر برای اکثریت قریب باتفاق آنان امکان پذیر نخواهد بود. رشد بیشتر این کشورها در حدود ۳ درصد در سال بود که افزایش ۲ الی ۳ درصد جمعیت در بسیاری از موازید اثرات محدود آنرا خنثی کرد. بدین ترتیب با آنکه کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان، خود با مشکلات و بحران های تازه روبرو بودند شکاف موجود بین آنها و کشورهای در حال رشد بیشتر و خطرناکتر شده و بر مسائل بیشتر رشد و توسعه این کشورها افزوده است. تعاضای جهانی که علیرغم ترقیات روز افزون فکری و همپنان گرفتار چنین مسائلی بفرنج و حل نشدنی است بی شک برای ما تاثیر آور و سخت است. باین همه می توان افتخار داشت که در این شرایط نامساعد جهانی کشور ما برهبری خردمندان پادشاهی که همه کوشش خود را در راه اعتلای میهن مبذول داشته اند فارغ از نگرانیها، کار سازنده و پیشرفت بی سابقه خود را با رشد سالانه ای بیش از «دو برابر» آنچه که سازمان ملل برای دهه توسعه پیش بینی کرده بود دنبال میکند و با بهره برداری از اصلاحات عمیق که اجتماع ایران را دگرگون کرده است از ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی بی سابقه ای برخوردار گشته است.

اکنون اجمالا به شرح عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۴۷ که اولین سال برنامه عمرانی چهارم کشور است می پردازیم. طبق ارقام مقدماتی پیش بینی میشود که رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۴۷ در حدود «دوازده درصد» خواهد بود که برابر با بهترین ارقام رشد دوران برنامه عمرانی سوم است. این رشد در شرایط ثبات نسبی قیمت ها بدست آمده و افزایش قیمت ها در حدود ۱۵ درصد برآورد میشود. باید متذکر بود که رشد قابل ملاحظه اقتصاد ایران توأم با ثبات نسبی قیمت ها برای بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان نیز کم نظیر است. این رشد بر اثر توسعه فعالیت ها و سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی و فعالیت های همه جانبه مردم پدید آمده و وضع مساعد کشاورزی هم با افزایش تولید ملی کمک کرده است.

افزایش منابع مالی بخش دولتی سهم بسزائی در توسعه فعالیت های آن داشت و همگام با تحرك قابل ملاحظه بخش دولتی سرمایه گذاری بخش خصوصی نیز در محیط اطمینان و اعتمادی که ناشی از ثبات سیاسی و تحولات اجتماعی کشور و نیز اتخاذ سیاست های مناسب و هماهنگ اقتصادی است توسعه یافت. بخش خصوصی با تهیلات

همه جانبه‌ای که از نظر اعتبارات و واردات کالا و خدمات برای آن ایجاد شده بود به سرمایه گذاری دامنند داری در زمینه های گوناگون تولیدی پرداخت. پیش بینی میشود که اعتبارات بخش خصوصی در سال ۱۳۴۷ نسبت به ارقام مشابه سال گذشته ۱۶ درصد افزایش یابد و واردات کالا و خدمات آن نیز ۲۴ درصد بیشتر شود. این نکته که سرمایه گذاری بخش خصوصی تقریباً برابر با سرمایه گذاری بخش دولتی میباشد میزان توسعه فعالیت های این بخش و نقش مهم آن را در اقتصاد کنونی ایران نشان میدهد. طی برنامه چهارم امکانات و فرصت های فراوان و روز افزونی در برابر بخش خصوصی قرار دارد و دور نمای فعالیت های بخش خصوصی روشن و امید بخش است. ایجاد صنایع سنگین به صاحبان سرمایه ها و کارفرمایان فرصت میدهد تا در دهه های جدید صنعتی مورد نیاز و وابسته صنایع سنگین سرمایه گذاری کنند و نقش برجسته خود را در توسعه تولید ملی ایفا نمایند. لکن ذکر این نکته را نیز لازم میدانم که بخش خصوصی در مقابل امکانات و فرصت هایی که از آن برخوردار میشود وظایف و مسؤولیت های بزرگی نیز دارد و مسؤولیت نیل به هدف های برنامه چهارم را نباید تنها برعهده دولت گذاشت و بخش خصوصی باید به وظایف و مسؤولیت های خطیر خود و اثرات عملیاتی که انجام میدهد در مجموعه اقتصاد کشور آگاه باشد و در هر مورد فعالیت های خویش را با اصول و ضوابط برنامه های عمرانی و سیاست های اقتصادی و پولی و ارزی مملکت تطبیق دهد.

توسعه فعالیت های اقتصادی رویه رفته در کلیه بخشها مشهود بود و انتظار میرود که تولیدات بخش کشاورزی نسبت به سال های اخیر افزایش رضایت بخشی داشته باشد. زیرا آثار و نتایج اقتصادی اصلاحات ارضی به تدریج ظاهر میشود و نقش خود را در رشد تولیدات کشاورزی و بهبود زندگی روستائیان ایفا میکند. تصویب قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستاجر بعنوان تکامل منطقی مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی بسیاری از کشاورزان ایران را صاحب زمین خواهد کرد.

از سوی دیگر تاکنون پانزده شرکت سهامی زراعی تشکیل شده است و این شرکت ها که از تقسیم زمین به قطعات غیر اقتصادی جلوگیری میکنند، امکان سرمایه گذاری دامنند در کشاورزی بزرگ مکانیزه و افزایش بازده تولید را در این رشته فراهم میازد. توسعه سریع

کشاورزی ایران تا حدود زیادی وابسته به ایجاد واحد های بزرگ کشاورزی است که هدف آن تولید کالا ها و محصولات کشاورزی برای بازار و تامین نیازمندی های روز افزون مراکز صنعتی و شهر ها میباشد. طی سال جاری اقداماتی در مورد ایجاد صنایع وابسته به کشاورزی شد و استقبال سرمایه گذاران خصوصی داخلی و خارجی از این طرح ها خاصه در خوزستان و برنامه هایی که در زمینه سردخانه ها، سیلو ها و بازاریابی تجارتی آغاز شده، امکانات وسیعی را برای تحریک کشاورزی ایران فراهم خواهد ساخت.

در سال ۱۳۴۷ رشد تولیدات صنعتی به روند سال های اخیر خود ادامه داد و فعالیت های مربوط به صنایع ذوب آهن، پتروشیمی و گاز، ماشین سازی و آلومینیوم که سیمای اقتصادی کشور را در گروگون میازد و به تحکیم استقلال اقتصادی ایران کمک میکند ادامه یافت. صنایع نفت نیز هم چنان نقش قابل ملاحظه ای را در توسعه فعالیت های اقتصادی ایفاء کرد و مذاکرات موفقیت آمیز ایران با شرکت های نفتی امکان استفاده هر چه بیشتر از این منبع درآمد را فراهم آورد.

سیستم پولی و بانکی کشور وسایل پرداخت مورد نیاز اقتصاد را تامین کرد و اعتبارات بخش خصوصی و دولتی همانند با توسعه فعالیت های اقتصادی گسترش یافت. برای تامین نیازمندی های اعتباری بویژه احتیاجات اعتباری بخش خصوصی نرخ بهره سبده های پس انداز و مدت دار افزایش داده شد تا مردم بتوانند درآمد بیشتری از پس انداز های خود بدست آورند و پس انداز های بیشتری برای سرمایه گذاری تجهیز شود و برای طرحهای تولیدی بکار رود. از طرف دیگر ضرورت داشت که حجم کل اعتبارات تحت نظم و کنترل باشد تا تقاضا برای اعتبار و امکانات اعتباری همانند شود و آثار نامطلوبی در زمینه قیمت ها و وضع ارزی بیار نیارد. برای تامین این منظور سیاست پولی تعدیل شد و نرخ تنزیل مجدد و سپرده های قانونی افزایش یافت لکن در عین حال برای نخستین بار امکاناتی فراهم شد تا بانک ها بتوانند افزایش سپرده های قانونی خود را بصورت اسناد و اوراقی که بانک مرکزی ایران تعیین میکند نگاهداری کنند و از این قسمت از منابع خود نیز درآمد هایی بدست آورند. در سال ۱۳۴۷ واردات کالا خاصه کالاهای سرمایه ای و واسطه که برای تامین سرمایه گذاری بخش خصوصی و اجرای طرحهای عمرانی دولت ضرورت دارد با سرعت قابل ملاحظه ای افزایش

یافت. مصارف ارزی پایایی آن بیشتر شد. در این سال منابع ارزی لازم برای اجرای طرحهای عمرانی و تولیدی بخش دولتی و خصوصی تامین گردید. بدیهی است که دولت همواره مراقبت کامل در برقراری تعادل وضع ارزی داشته و خواهد داشت.

طبیعت برنامه های بزرگ اقتصادی ایران چنان است که باید در تنظیم سیاست های اقتصادی پیوسته مراقب ایجاد تعادل های لازم خاصه در ورد وضع ارزی ثبات نسبی و قیمت ها بود.

در زمینه بازرگانی خارجی بر مبنای سیاست مستقل ملی به استفاده از بازار هایی که منافع کشور را تامین میکند بیشتر توجه شد و از این راه امکانات تازه ای برای اجرای طرحهای اقتصادی پدید آمد.

مسافرت های شاهنشاه آرپامهر به کشورهای خارجی و مذاکره با رهبران کشورهای دوست نه تنها در شناساندن ایران موثر بود، بلکه کمک بسیار ذقیقیتی هم به توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی خارجی ایران کرده است.

افزایش تولید ملی و توانایی پرداخت همراه با اجرای قانون جدید مالیات بر درآمد و کوششی که برای وصول مالیات ها شد منابع مالی دولت را از این بابت بالابرد چنانکه میزان مالیات مستقیم وصول شده در سال ۱۳۴۷ در حدود ۳۲ درصد نسبت به ارقام سال قبل بیشتر شد که به نوبه خود درخور توجه است.

با این بررسی اجمالی کاملاً مشخص است که عملکرد اقتصادی ایران در سال ۱۳۴۷ قرین موفقیت بوده و بیش از پیش موجبات افزایش سرمایه گذاری های بزرگ را در کشور فراهم آورده است. فروش اوراق قرضه ایران در آلمان فدرال با وجود شرایط دشوار بازار های پول و سرمایه نشانه ثبات اقتصادی کشور است.

در زمینه اجتماعی نیز طی سال ۱۳۴۷ موفقیت های قابل ملاحظه ای نصیب کشور شد که در دو مورد تاکیدی آن را لازم میدانم. منشور انقلاب اداری ایران راه نو سازی دستگاه های اداری، مملکت و تربیت مدیران کارآمد را برای اجرای برنامه های اقتصادی مشخص و معین ساخته است و تردیدی نیست که بدون اصلاح عمیق دستگاه های اداری رسیدن به هدف های بزرگ اجتماعی و اقتصادی ایران امکان پذیر نخواهد بود از اینرو منشور انقلاب اداری را هم برای عمل برای بر طرف کردن نواقص و نارسائی های اداری و روش ها و عادات مزاحم و دست و پا گیر و برای تحریک دستگاه های دولتی تا شرایط مناسبی برای انجام امور مردم و اجرای

برنامه های اقتصادی و اجتماعی کشور فراهم آید. اجرای منشور انقلاب آموزشی نیز برای تجهیز نیروی انسانی و تربیت کادر متخصصی از هر حیث مورد توجه دولت است و برنامه هایی که در زمینه اصلاح تعلیمات عالی و دانشگاه ها و برنامه ریزی صحیح آموزشی در کلیه سطوح آغاز شده است بایستی گریز دنبال خواهد شد و اولویت هایی که دولت در این زمینه بدان متعقد است نباید بر هیچکس پوشیده باشد.

اهمیت اجرای منشور انقلاب اداری و آموزشی در این است که باید کادر اداری و فنی متخصص مطلع دلسوز و لایق را به تعدادی که مورد نیاز برنامه های اجتماعی و اقتصادی کشور است فراهم آورد تا بتوان با اجرای صحیح برنامه ها از امکانات مالی کشور بهترین نتایج را بدست آورد.

ما در این عقیده خود راسخ هستیم که سرنوشت ملت ها و رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی آنها را در مرحله آخر انسان معین می کند نه ماشین و با پیروی از این اصل است که از هیچ کوشش و مبارزه ای دریغ نخواهیم کرد. تابگفته منشور انقلاب آموزشی پیشرفتهای سریع علم و فن را همواره در خدمت ارزش های بزرگ انسانی قرار دهیم.

در پایان بررسی وقایع سال ۱۳۴۷ اشاره به این نکته را نیز لازم میدانم که ملت ایران در این سال بر اثر قهر طبیعت لطمات ناگواری را گذراند. زلزله خراسان و سیل اخیر خوزستان و فارس خسارات فراوانی ببار آورد و ملی اقدامات سریع دولت و همکاری های صمیمانه مردم بمنظور ترمیم خرابیها آغاز شد و نوسازی منطقه زلزله زده خراسان با سرعت ادامه دارد و تذکر این نکته را نیز واجب میدانم که نهضت کمک های همه جانبه دولت و ملت به زلزله زدگان نشانه ای از هم بستگی مردم ایران است که کشور ما همواره از آن برخوردار بوده است.

سالی که گذشت در زمینه های عمده و اساسی اقتصاد ایران سال پر برکت و توام با موفقیتی بود. مراقبت کامل بر شرایطی که رشد اقتصاد ایران را امکان پذیر ساخت و نیز همکاری بخش خصوصی و دولتی موافق را که طبیعتاً در راه رسیدن به هدف های عالی اجتماعی و اقتصادی کشور پدید میاید به متاسی و سیمای بر طرف ساخت. لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ چنان تنظیم شده است که اولویت های اساسی منظور شود و از سوی دیگر وقفه ای در آهنگ پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشور پدید نیاید. قبلاً اشاره کردم که بعضی از کشور ها دچار بحرانیهای سیاسی و عدم ثبات داخلی

هستند که آثار و عواقب آن در روابط بین المللی تأثیر میکند. در این شرایط دولت شاهنشاهی ایران با آنکه بار ها حمایت و پشتیبانی خود را از ایجاد صلح و آرامش و همکاری بین المللی و عدم تجاوز و عدم مداخله در امور سایر کشور ها با قاطعیت اعلام داشته است، لکن مادام که خلع سلاح عمومی عمل نشده است تقویت نیرو های دفاعی کشور را ضروری میدانم. از این رو در تنظیم بودجه سال ۱۳۴۸ به نیازمندی های نیروی دفاعی توجه شد تا جامعه ایران بتواند در محیط صلح و آرامش و اطمینان به کوشش خلاق و مسالمت آمیز خود برای تامین یک زندگی مرفه و پایه گذاری زندگی بهتر برای نسل های آینده ادامه دهد در شرایط خاص جهانی که در آن زندگی میکنیم قدرت دفاعی و اقتصاد سالم لازم و ملزوم یکدیگرند و توجه به یکی و غفلت از دیگری عواقبی را بدنبال خواهد داشت که ناظر آثار تلخ آن در بعضی از کشور ها بوده ایم.

بودجه کل کشور در سال ۱۳۴۸ بالغ بر سیصد و سی میلیارد و سیصد و یک میلیون و سیصد و چهل و نه هزار ریال میباشد که در آن بودجه جاری بمیزان ۱۱۲۷ میلیارد ریال بطور متعادل تنظیم گردیده است. افزایش بودجه جاری سال ۱۳۴۸ نسبت به سال جاری در حدود یازده درصد است در باره بودجه جاری چند مطلب قابل ملاحظه و درخور توجه است اولاً در سال ۱۳۴۸ پرداخت کلیه اوراق قرضه دفاعی که سر رسید آن فرامیرسد تامین شده است. ثانیاً برای اجرای قانون استخدامی کشوری مبلغ سه میلیارد ریال اعتبار در نظر گرفته شده است. سر انجام باید باین نکته مهم نیز توجه شود که بودجه سال به شکلی تنظیم شده و اجرای آن را خاصه از راه تخصیص اعتبارات چنان در نظر گرفته ایم که اگر درآمد های بیشتری بدست آید مورد استفاده بودجه عمرانی قرار گیرد.

برنامه عمرانی چهارم هدف های اقتصادی و اجتماعی کشور را طی دوره پنجساله خود معین ساخته است و بررسی عملکرد سال ۱۳۴۷ نشان میدهد که اقتصاد ایران در نخستین سال برنامه عمرانی چهارم از هدف های متوسط سالیانه این برنامه پیشی گرفته است. برای اجرای هدفهای برنامه چهارم بودجه عمرانی سال ۱۳۴۸ بالغ بر ۹۷۶ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است. از این مبلغ ۸۷ میلیارد ریال مربوط به پرداخت های عمرانی است که در قانون برنامه عمرانی کشور تصویب رسیده است و ۱۱۰ در صد نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۴۷ افزایش نشان

میدهد. بی ریزی صنایع سنگین و سیاست صنعتی شدن کشور و استفاده از منابع معدنی که اکتشافات اخیر نوید آینده درخشانی را میدهد در سال ۱۳۴۸ ادامه خواهد یافت. از این رو قسمت قابل ملاحظه ای از اعتبارات عمرانی صرف صنایع ذوب آهن و گاز و پتروشیمی میشود و با توجه به رفوس برنامه عمرانی چهارم در سال آینده توجه خاصی به توسعه آب و برق و کشاورزی و هزینه های زیر بنایی خواهد شد.

لازم به تاکید است که دولت نسبت به اجرای به موقع طرحهای مربوط به صنایع سنگین امیدواری دارد و آنرا کاملاً لازم میدانم زیرا انجام این طرحها به تنوع صنوعات ایران و توسعه امکانات صادرات و بدست آوردن منابع مالی تازه برای برنامه های آینده کشور کمک خواهد کرد. از سوی دیگر اجرای موقع طرحهای مذکور که اساس برنامه عمرانی چهارم است سایر رشته های تولیدی و عمرانی را نیز بدنبال خود خواهد کشید و شرایط لازم را برای رشد همه جانبه و متعادل بخش های گوناگون اقتصاد فراهم میآورد.

ضوابط عمده دولت در تنظیم بودجه کشور علاوه بر تامین احتیاجات دفاعی، رشد سریع و مداوم اقتصادی، حفظ ارزش داخلی پول، حفظ موازنه پرداخت ها، بهبود مدیریت و کار آیی سازمان های دولتی و اجرای برنامه های آموزشی کشور بوده است و خواسته ها و احتیاجات بر اساس اولویت ها و با توجه با امکانات مالی کشور تنظیم گردیده است. تردیدی نیست که ایجاد جامعه مرفه و ارتقاء سطح زندگی مردم هدف اساسی کلیه فعالیت های اقتصادی و مهمترین ضابطه برنامه ریزی است. لکن فراهم آوردن شرایط لازم بمنظور پایه گذاری زندگی بهتر برای نسل های آینده نمی توان بدست فراموشی سپرد و وظیفه نسل کنونی آن است که هنگام تعیین سیاست های اقتصادی و هدفهای رفاه اجتماعی آینده را از نظر دور ندارد. توسعه و رفاه اقتصادی هر گز آن بدست نیاید و ضرورت دارد که انضباط مالی کاملاً رعایت شود.

امیدوارم بخش خصوصی نیز همراه توسعه فعالیت های خود این انضباط را که در وهله اول به سود خود این بخش است رعایت کند. و در بهبود کیفیت کالا ها و تقلیل قیمت ها سعی کافی مبذول دارد.

طی سال های اخیر گامهای موثری در بهبود تهیه و تنظیم بودجه برداشته شده است ولی موفقیت های بدست آمده فقط آغاز راه است نه پایان آن و در آینده نیز مانند گذشته سعی خواهد شد بودجه دقیق تر و کاملتر تهیه شود.

زنان

● زنان ایران در مراکز قانونگذاری قضاوت و مراجع سیاسی

● به مناسبت سالروز هشتم اسفند در تالار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران جشنی برگزار شد. در این مراسم کلیه اعضای سازمان زنان ایران، مقامات دانشگاهی و گروهی از شخصیت های مملکت شرکت داشتند.

خانم روحی دبیرکل سازمان زنان ایران در این مراسم پیام والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالی سازمان زنان ایران را باین شرح قرائت کرد.

فرا رسیدن هشتم اسفند را بهمه خواهران عزیزم تبریک میگویم.

شش سال پیش در اینروز بود که زن ایرانی برای نخستین بار به فرمان شاهنشاهی آرپامهر به حقوق سیاسی دست یافت و بدین ترتیب عصر نوینی در حیات زنان کشور ما آغاز گردید و زنان ایران در اداره امور مملکتی و تعیین سر - نوشت خود سهم و شریک شدند.

فرمان هشتم اسفند پیروزی و افتخار بزرگی برای همه خواهران گرامی به شمار میرود زیرا تساوی حقوق سیاسی زن و مرد در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز بهولت بدست نیامده و هنوز هم حتی در قلب اروپا نقاطی هست که زنان از حق شرکت در انتخابات مجالس قانون گذاری محرومند.

پایان محرومیت های سیاسی برای زنان که نیمی از جمعیت موثر و فعال مملکت را تشکیل میدهند در عین حال گام بلندی در راه تحکیم و تقویت نظام دموکراسی در مملکت بود زیرا بدین ترتیب نیمی از جمعیت مملکت که تا آن تاریخ رای و عقیده او در مسائل مهم مملکتی منشاء اثر نبود از این تبعیض رهایی یافت و از حقوقی برخوردار گردید که امروز در صف اول حقوق جهانی بشری شناخته شده است.

اینک که سالروز اعطای حقوق سیاسی بزنان ایران را با شادی و سرور جشن میگیریم پیشرفتهائی را که طی شش سال گذشته خواهران عزیز در فعالیت های مختلف سیاسی، اجتماعی، اداری، فرهنگی و دانشگاهی بدست آورده اند

نمیتوان نادیده گرفت. در این مدت با الهام از فرمان آزادیبخش هشتم اسفند زنان ایران در مراکز قانونگذاری قضاوت و مراجع سیاسی و مناصب مهم مملکتی راه یافتند و در همه فعالیتهای مملکتی خدمات قابل ملاحظه ای را آغاز کردند. زنان تاکنون در خدماتی که بمهدی گرفته اند شایستگی و لیاقت خود را کاملاً بشبوت رسانیده اند لیکن با توجه باین نکته که هنوز اکثریت مهمی از خواهران ما در فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت موثر نیافته اند زن ایرانی راهی طولانی و دشوار در پیش دارد، در این راه اساسی ترین و مهمترین وظیفه ما مبارزه با جهل و نادانی و ریشه کن ساختن بیسوادی در بین خواهران روستائین میباشد.

امروز در همه دنیا مفهوم کلاسیک دموکراسی که بر - اساس استقلال و آزادی فردی استوار شده بود بمعنای جدیدی گرایش مییابد که اصل مشارکت میباشد. طبق این اصل هر قدر دموکراسی بیشتر در بین مردم ریشه و نفوذ پیدا کند عده زیادتری از افراد ملت در گرفتن تصمیمات و اداره امور مختلف کشور خود شرکت و دخالت خواهند یافت، بنابراین من از همه خواهران عزیزم انتظار دارم که روح دموکراسی یعنی مشارکت موثر در گردش چرخ یک جامعه را بیش از پیش درک کنند و این نکته را نیز از نظر دور ندارند که خانواده همچنان مهمترین و اساسی ترین هسته جامعه ما بشمار میرود و مسئولیت های خواهران عزیز در فعالیت های اجتماعی و سیاسی نباید در انجام وظائفی که بعنوان مادر و نگهدار و حافظ و مربی خانواده دارند سستی و قصوری پدید آورد.

من اطمینان دارم یادآوری روز بزرگ هشتم اسفند در عین حال بخواهران عزیز امکان خواهد داد بیش از پیش به مسئولیتهای خود در پیشگاه انقلاب ایران بیاندیشند، تربیت جوانانی وطنخواه و مومن با احساس مسئولیت و وفاداری نسبت بانقلاب و ترقی و سر بلندی ایران مسلماً در راس وظایف زنان کشور ما قرار دارد. برای همه خواهران ارجمند در خدمت بایران و هدفهای جنبش زن ایرانی موفقیت های بیشتری آرزو میکنم.

تسهیلات برای دانشجویان ایرانی

وزارت امور خارجه اعلام کرد که برای دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا که مایلند تعطیلات تابستان ۱۳۴۸ خود را در ایران بگذرانند تسهیلاتی فراهم کرده و از جمله پرداخت قسمتی از بهای بلیط هواپیمای رفت و برگشت آنها را تقبل کرده است. بهای بلیط هواپیمای از نیویورک تا تهران و بالعکس پانصد و هشتاد و شش دلار و سی سنت است ولی برای کمک به دانشجویان ایرانی یکصد و بیست و پنج دلار آن از طرف وزارت امور خارجه پرداخت خواهد شد و دانشجویان فقط چهار صد و شصت و یک دلار و سی سنت پرداخت خواهند کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه اظهار داشت که دانشجویان میتوانند بهای بلیط خود را به مبلغ چهار صد و شصت و یک دلار و سی سنت توسط بستانگان خود در تهران به ریال به حساب شماره ۱۵۰ بانک ملی ایران شعبه ویلا و یا به دلار به نمایندگی سوئیس آیر در شهر واشنگتن ضمن ارسال چک تضمین شده پرداخت نمایند. دانشجویان ضمن گذراندن تعطیلات خود در ایران فرصت خواهند یافت تا از نزدیک پیشرفتهای ایران را نیز مشاهده نمایند.

«کارخانه

ذوب آهن زودتر از

موعد مقرر

در شرف اتمام است»

● مدیر عامل شرکت ملی ذوب آهن ایران اعلام کرد که هم اکنون چهارده هزار نفر از متخصصان و کارگران برای احداث کارخانه ذوب آهن ایران مشغول فعالیت هستند و در بیست و پنج نقطه کشور فعالیت های دامنه داری برای بدست آوردن مواد اولیه کارخانه در جریان است. آقای شیبانی که بمناسبت روز بیست و سوم اسفند و پایان نخستین سال



بازدید دانشجویان از تاسیسات ذوب آهن اصفهان

بنیانگذاری کارخانه آرپامهر بدست شاهنشاه در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی سخن میگفت اظهار داشت: هم اکنون در حدود نود درصد از کار های مربوط به ساختمان پایگاه بیاپان رسیده و ده درصد از کار های ساختمانی خود کار خانه نیز انجام شده است.

وی تاکید کرد که پیشرفت ساختمان کوره بلند کارخانه ذوب آهن و کارخانه تهیه کک از برنامه پیش بینی شده بیشتر است و در موارد دیگر کار ها بموجب برنامه پیش میرود.

گروه اکتشافی شوروی با هوایما و وسایل دقیق اندازه گیری سرگرم اکتشاف معادن آهن است و گروه های ایرانی نیز جستجو های خود را برای کشف معادن آهنک و سایر مواد معدنی دنبال میکنند.

آقای شیبانی در مصاحبه خود که با حضور روسای واحد های مختلف شرکت ملی ذوب آهن انجام میشد گفت، ظرفیت کارخانه ذوب آهن در مرحله اول ششصد هزار تن است و طراحی کارخانه به نحوی که ظرفیت آن تا چهار الی پنج میلیون تن قابل افزایش خواهد بود.

برای اداره تاسیسات ذوب آهن جمعاً باید ۷۰۰۰ نفر تربیت شوند که تعدادی از آنها در شوروی جمعی در هند و بقیه در ایران آموزش خواهند دید.

بطور کلی تعداد افراد مورد نیاز تاسیسات ذوب آهن حدود ۳۵۰۰۰ نفر تخمین زده شده است و برای سکونت کارکنان ذوب آهن شهر دویست هزار نفری آرپاشهر در کنار اصفهان در دست احداث است.

هفتاد هزار

اتومبیل!

● وزارت اقتصاد پیش بینی کرد که با توسعه سریع فعالیت های کارخانه های اتومبیل سازی کشور در سال ۱۳۵۱ که سال آخر برنامه عمرانی چهارم است هفتاد هزار وسیله نقلیه در داخل کشور تولید خواهد شد. امسال تولید سالانه کارخانه های اتومبیل سازی سی و پنج

هزار و ششصد و سی و هشت دستگاه خواهد بود. براساس گزارش که از طرف وزارت اقتصاد منتشر شده حاکیست که در حال حاضر سیزده شرکت با سرمایه ای نزدیک به پنج میلیارد ریال در کار ساختن انواع وسایل نقلیه از قبیل اتوبوس، کامیون، کامیونهای کوچک، جیب، سواری و غیره فعالیت دارند. پنجاه و دو درسدا قطعات اتومبیل های سواری و قسمت اعظم قطعات کامیونها و اتوبوسها در ایران ساخته می شود و پیش بینی میشود که تا پایان نیمه اول برنامه چهارم مرحله ساختن موتور و قسمتهای مهم دیگر در ایران آغاز گردد.

خرید گندم

● دولت ترکیه براساس همکاریهای عمران منطقه ای بیست هزار تن گندم مورد نیاز مناطق شرقی خود را از ایران خریداری کرد.

طبق اطلاع رسیده تاکنون دوازده هزار تن گندم از تبریز به ترکیه حمل شده و بقیه گندمها نیز بتدریج تحویل داده خواهد شد.

رادیو آنکارا ضمن انتشار این خبر گفت گندمهای خریداری شده از ایسرا ن نیازمندیهای منطقه شرقی ترکیه را تامین خواهد کرد. کالا های صادراتی ایران

● وزارت اقتصاد اطلاع

داد که در جریان مذاکرات بازرگانی ایران و مجارستان صورتی از چهل و شش نوع کالای صنعتی ساخت ایران در اختیار هیئت بازرگانی مجارستان گذاشته شد تا با مطالعه آن میزان صادرات کالای های صنعتی ایران به مجارستان در موافقتنامه تازه بازرگانی دو کشور منظور شود.

سخنگوی وزارت اقتصاد ضمن اشاره به افزایش صادرات کالای های صنعتی ایران به کشورهای اروپای شرقی گفت بطور کلی هدف اینست که در آینده سهم بیشتری از کالای های ساخته شده ایران به این کشور ها صادر شود و این هدف در مذاکرات ایران و مجارستان نیز دنبال خواهد شد.

بهمن منظور مشخصات ۹۱ نوع کالای صنعتی ایران از قبیل اتومبیل، یخچال، صنایع فلزی، کفش، تریکو و مصنوعات دیگر از طرف هیئت نمایندگی ایران در اختیار هیئت مجارستانی گذاشته شد.

صحنه ای از باله مدرن کابوس



انتشار اسکناس

● در دیماه بانک مرکزی ایران صد میلیون تومان اسکناس منتشر ساخت و باین ترتیب حجم اسکناسهای منتشره در سال جاری به سه میلیارد ریال رسید که چون در اردیبهشت ماه گذشته بانک یک میلیارد ریال از جریان خارج کرد بنابراین خالص انتشار اسکناس جدید ۲۰۰ میلیون تومان می شود لیکن محافل بانکی پیش بینی میکنند که در آخر سال خاصه اواخر اسفند ماه که پرداخت حقوق و عیدی کارمندان دولت به حد اعلای خود میرسد بانک مرکزی بین ۲ تا ۲۵۰ میلیارد اسکناس منتشر کند که جمع آن در سال ۱۳۴۷ به ۴ میلیارد ریال خواهد رسید در حالیکه باید دانست که از اواخر مهر ماه که بانک مرکزی نرخ تنزیل مجدد و نسبت سپرده بانکها را نزد خود تغییر داد و بالا برد حجم سپرده بانک ها که در اواخر مهر ۱۵۰۸ میلیارد ریال بود در پایان آبان ۱۶۰۴ در پایان آذر ۱۹۰۴ و در پایان دیماه به ۲۰۰۱ میلیارد ریال بالا رفت یعنی در واقع تقدیم بانک مرکزی بیش از چهار صد میلیون تومان افزایش یافت در غیر اینصورت بانک در سال جاری به اسکناس بیشتری نیاز پیدا مینمود.

باله

برنامه صحنه ای گروه باله ملی پارس گروه باله ملی پارس به رهبری عبدالله ناطقی دو شب در تالار نمایش دانشکده هنر های زیبا باله های زیر را اجرا کرد.

۱- «شیخ صنعان» با اجرای جدید توسط ناصر کاظمی در نقش شیخ نعمان بنفشه بهرامیان در نقش «دختر ترسا» و بهروز نادری - عبدالله ناطقی - مهدی انوشهر - آتش تقی پور در نقش مریدان شیخ.

۲- «کابوس» (باله مدرن با موسیقی الکترونیک) به طراحی ناطقی، اجرا توسط گروه باله و خود او.

۳- باله کلاسیک «عشق گمشده» با موسیقی از چایکوفسکی.

۴- باله «سیرک» با موسیقی کابالفسکی.

این باله نموداری است از اتفاقات و حوادثی که در سیرک اتفاق می افتد و بصورت باله تنظیم یافته است.



رویدادهای هنری

سینما

زن و تنهائش
● هوشنگ حامی و فریدون فرخزاد بیاری هم دست اندر کار تهیه فیلم سینمایی دوساعته‌ای شده‌اند. در این فیلم «آینه» (همسر لهستانی فریدون فرخزاد) - «فریدون فرخزاد» و فرخ حاجی به ایفای نقش خواهند پرداخت برای این فیلم نام «زن و تنهائش» انتخاب شده‌است و فیلمبرداری آن از نیمه فروردینماه ۸۸ آغاز خواهد گردید.



قصه دلها

● ناصر ملک مطیعی مشغول بازی در فیلمی است بنام قصه دلها که به کارگردانی جمال مجتهدی ساخته میشود. در این فیلم فریا خاتمی رل مقابل ملک مطیعی را بازی میکند و سایر بازیکنان عبارتند از: هوشنگ اوج، بندری، فریا بهشتی و ایران قادری.

آشنا بیا

● بهروز وثوقی پس از بازی در فیلم قهرمانان خود مترسده‌است که تهیه کننده فیلم باشد و فیلمی مطابق ذوق و میل خود بسازد. بهمین منظور، با تشریک مساعی عباس شاپور و با کارگردانی مسعود کیمیایی فیلمبرداری های مقدماتی را آغاز نمود. قرار است نقش‌های اول فیلم در دست بهروز وثوقی و پوری بنائی باشد. این دو اخیرا در فیلم دیگری بنام دنیای آبی نیز ایفای نقش نمودند.

آپولو - ۸

● انجمن ایران و آمریکا طی سه شب متوالی فیلم‌هایی که توسط سرتنان آپولو ۷ و ۸ در فضا از کره زمین، ماه و سیارات دیگر برداشته شده‌بود نمایش گذاشت. استقبال از این سری فیلم‌های بود که انجمن مذکور در نظر دارد مجددا نمایش این سری فیلم را تکرار نماید.

فیلمهای تجربی

● هفته فیلمهای تجربی آمریکا در انجمن ایران و آمریکا برپا گردید و طی چند شب چندین فیلم مستند از کارگردانان آمریکائی نمایش داده شد.

جولیتای ارواح

● فیلم جولیتای ارواح اثر فدریکو فلینی کارگردان ایتالیائی در کانون فیلم‌بندت دو شب نمایش درآمد. این فیلم باضافه چند فیلم دیگر مثل صحرای سرخ و بیگانه که بررور نمایش داده شدند توسط موسسه فرهنگی ایتالیا برگزیده شده بود.

گوگن نقاشی

● فیلم امپرسیونیست گوگن در کاخ مرکزی جوانان نمایش درآمد. در این فیلم که بزبان فرانسه نمایش داده شد زندگی و آثار پل گوگن

مود بر روی و تجلیل قرار گرفته بود. مقارن با نمایش این فیلم سه حلقه فیلم دیگر موسوم به نقاشهای قدیم رومانی نیز نمایش درآمد.

● عبدالله ناظمی سرپرست گروه باله ملی پارس چند وقتی است که فیلم‌های دبندی را برای نمایش در انجمن‌های فرهنگی خارجی در تهران انتخاب مینماید. این فیلم‌های کوتاه بیشتر پیرامون هنر باله دور میزند. از جمله این برنامه‌ها، نمایش فیلم‌هایی بود در انجمن روابط فرهنگی ایران و بریتانیا نظیر سی لید و وائس و له کورس.

● خاطرات یک عیار طوبی است از جواد ظهري فارغ التحصیل اولین دوره‌ی سینمایی فرهنگ و هنر. از این کارگردان جوان سه فیلم «سرزنش رسمی وگدا و بیجه‌ها و بعد از ظهر» را قبلا دیده بودیم. ذکر با هاشمی و لیلا بهادران و مهنای بازیگران نقشهای اصلی این فیلم هستند. طی فاصله بین انتشار شماره ۱۴ و شماره حاضر (۱۵)، تلاش، فیلم‌های زیادی در سینماهای تهران بروی پرده آمدند که ذیلا نام فیلم‌هایی که با توفیق تجارتي بیشتر روبرو شدند دهه میشود.

فیلمهای ایرانی

● «ازدواج ایرانی» با شرکت: کتابون، عارف. ● «خشم گولی» (رنگی) با شرکت: فردین، پوری بنائی. ● «جانی برای مردن پیدا کن» (رنگی) با شرکت: فاضلی، پاسکال پتی.



فروزان

● «دختر شاه پریان» با شرکت: فروزان، منوچهر وثوق. ● «الجنجال بول» با شرکت: شهین، سهرنیا، گرشا. ● «جهنم سفید» با شرکت: حبیبی، نیلوفر. ● «سالار مردان» با شرکت: ناصر ملک مطیعی، شهین. ● «پلی بسوی بهشت» با شرکت: آرمان، همایون. ● «بازی عشق» با شرکت: فروزان، ابراهیم خان. ● «دودخانه وحشی» با شرکت: پوری بنائی، ایرج قادری.

فیلمهای خارجی

● «یک چیز با ارزش» (رنگی) با شرکت: سیدنی پواتیه، راک هودسن. ● «رزی در سیسان» (رنگی) با شرکت: فرانک سیناترا، راکل ولس. ● «دنیای نو» (رنگی) با شرکت: کریستین دولارش-نینو کاستلانوو. ● «جاسوسی با دماغ سرد» (رنگی) با شرکت: لارنس هاروی. ● «اینترلود» (رنگی) با شرکت: اسکوارورنر. ● «معمای یک شب» (رنگی) با شرکت: ماریزامل، فیلیپ لروی. ● «بخط عشق یک سیاه» (رنگی) با شرکت: سیدنی پواتیه، اکی لینکلن. ● «لندوندهی برهنه» (رنگی) با شرکت: فرانک



فردین

(رنگی) با شرکت: راکل ولس.

● «سرانجام آنزلیک» (رنگی) با شرکت: میشل مرسیه، ربرت حسین. ● «اقترا» (رنگی) با شرکت: ژاک برل، امانوئل ریوا. ● «اضطراب» با شرکت: کاری گران، جون فوننین. ● «خانه خدا» (فیلم مستند) ساخته رضائی. ● «دود از اجتماع خشمگین» (رنگی) با شرکت: جولی کریستی. ● «۱۳ مرد خبیث» (رنگی) با شرکت: لی ماروین، ارنست بورگناین. ● «شب قهرمانان» (رنگی) با شرکت: چارلتون هستون، ماکزیمیلیان شل.

● «صف قاتلین» (رنگی) با شرکت: دیسن هارتین، آن مارگریت. ● «عشق و جنک» (رنگی) با شرکت: رابرت واگنر. ● «شکاف» (رنگی) با شرکت: جیم براون، ارنست بورگناین.

● «مری کم تجربه» (رنگی) با شرکت: سوزان بله شت، پیتر یوستینف. ● «ایاندولرو» (رنگی) با شرکت: دین مادین، راکل ولس.

● «سیم باریک» (رنگی) با شرکت: سیدنی پواتیه، آن بنگراف. ● «پنسک صورتی» (رنگی) با شرکت: پیتر سلرز. ● «امیان مرگ و زندگی» (رنگی) با شرکت: اورسلا آندرس، جان درک.

● «با گیتار من رفیق» (رنگی) با شرکت: ریگی شین، الگا آندرس. ● «آیا پاریس میسوزد» (رنگی) با شرکت: آلن دلون. ● «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» (رنگی) با شرکت: گرگ دوگلاس.

● «الجیسکا» (رنگی) با شرکت: موریس شوالیه، انجی دیکسون.

نقاشی

● پیل آرام از بیستم فروردینماه نمایشگاهی از آثار تازه پیل آرام در دالری سیحون ب نمایش در خواهد آمد. فورم نقاشی های پیل آرام ویژگی مخصوص بخود دارد. رویتسم!

● رضا تیمورخانی نقاش جوانی که بارها در تلاش کارهایش معرفی گردیده پس از شرکت در چند نمایشگاه دستجمعی در سال گذشته، در نظر دارد در سال آینده (سال ۸۸) نمایشگاه مستقلی از کارهای جدید خود ترتیب دهد. این نمایشگاه شامل تابلوهای ویژه‌ای است که او بایستک مستقلی آنها را پدید آورده و از جمله ترکیبات این تابلوها را استخوانهای دنده و دندان و فك و قلم کاو و گوسفند! شامل اند که بهرآم رنگ روی بوه قرار گرفته‌اند!



با همین مصالح «تیمور خانی» مجسمه‌های ساخته شده‌ای نیز دارد که قرار است در يك نمایشگاه مستقل دیگر مجموعه‌ای از آنها را بنمایش گذارد.

بهر حال بدعت تیمورخانی و نامی که برای سبك کار خود پدید آورده شاید سرآغاز ایجاد مکتبی دیگر بر مکتب های متعدد نقاشی گردد. چرا که تاکنون در تابلوهای مدرن از همه چیز به جز استخوان استفاده هنری گردیده است.

تیمور خانی نمونه‌ای از این نوع کار خود را در سال ۵۰ نیز در گالری «مس» به نمایش گذاشته بود.

آن مرکب که احساس را بیان میکند.

ترجمه از صفحه «هنری» روزنامه میسگان ایالات متحده آمریکا

در حالی که بیشتر مردم زیرجملات مورد علاقه کتابهای خود را با مرکب خط می‌کنند، هوشنگ ایروانی دانشجوی ایرانی دوره لیسانس با مرکب و قلم خود، گل، درخت و آبشار رسم می‌کند.

«ایروانی» احساس می‌کند که راه تازه‌ای برای ترجمه و تفسیر احساسات و هیجانات خود یافته‌است و آن استفاده از قلم معمولی و مرکب برای نقاشی و طرح است. با اضافه کردن کمی موم، وی به سهولت می‌تواند طبیعت زنده و مثلاً رنگهای ریزی را که در برگ دیده می‌شود از توخلاق کند.

از آنجایی که آقای ایروانی دوره مهندسی ماشین آلات کشاورزی را می‌گذراند، امکانات زیادی برای ملاحظه و مطالعه بر روی تمام مظاهر طبیعت دارد و آنچه را که



تصحیح میگرد
● در چهاردهمین شماره تلاش دواستاید رنگی یکی از «مقبره حافظ» و «دهقان افجهای» از آقای حسین اتابکی اشتباه بنام آقای ساسان حاذقی چاپ شده بود که بدینوسیله تصحیح میگردد.

تلویزیونها

تلویزیون ملی (کانال ۹)
انتظارهای بزرگ

● پس از نمایش فیلم «پی در پی گوشت نتردام» فیلم سریال دیگری بنام انتظارهای بزرگ آغاز گردید. این فیلم از زمان عظیم چارلز دیکنس نویسنده معروف انگلیسی اقتباس گردیده است. دیکنس این اثر را به سال ۱۸۶۱ نگاشته است. داستان ماجرای تکامل شخصیت جوان خود پسند و نادانی بنام «فیلپ» پیرپس است که زمانی او را بنام یک انگل اجتماع می شناسند اما گذشت ایام و حوادث از او مردی باثبات و با شخصیت و آزاد اندیش

عندلیبی در سال نو خواهد بود. وی در این سری کار جستجوی تازه ای را در پلاستیک و فلز آغاز کرده است.

نمایشگاه احداث مظفری (کاکاوندی)

● نمایشگاه جالبی از نقاشی های آس و آینه های دیواری از احداث مظفری در تالار هنر جدید گشایش یافت. در

این نمایشگاه طرحهای احداث مظفری بر روی سورت های بازی (آس) به نمایش گذاشته شده بود و هم چنین آینه های با دست ساخت. این نقاش جوان و مبتکر ترترین اسهای بازی پنحو دلخواه و زیبا از هنرهای قدیمه است که در اروپا بخصوص در سال های اخیر توجه بسیاری بدان شده است و «کارتهای بازی سورتالیسم» از بنام ترین کارتهای بازی است. در پاره این نمایشگاه گفته شد که تکخال دیگری بود از کار هائی که ژانر طباطبائی صاحب گالری جدید بر زمین می زند!

دومین نمایشگاه بروجنی

● بروجنی نیز در اسفند ماه نمایشگاهی از آثار خود برپا داشت. این دومین نمایشگاه بروجنی در سال گذشته است. وی احتمالا در تابستان آینده نمایشگاهی از آثار خود در پاریس ترتیب خواهد داد.

منوچهر شیبانی

● منوچهر شیبانی نیز پس از مدتها کناره گیری نمایشگاهی از تابلو های خود را در گالری می ترتیب داد. مدتها بود که شیبانی در زمینه نمایشگاه نقاشی به استراحت نشسته بود.

بهمن محصی

● بهمن محصی تازه ترین کار هایش را در گالری سیحون نمایش گذاشت. نمایشگاهش شامل طبیعت می جان است. یکی از نقاط امتیاز محصی در این نمایشگاه ماهیهای بودند که زنده و شکفت آفرین مینمودند.

ثریا النواب نقاش عراقی

● «ثریا النواب» نقاش جوان عراقی در سفری که به تهران کرد نمایشگاه کوچکی از تابلو های

اثر های هنری خود را عرضه کرده است. وی تاکنون در چند نمایشگاه دستجمعی و انفرادی در ایران و خارج آثارش را بنمایش گذاشته است.

هنرمندان واقع تگر رومانی

● بیش از ۷۰ تابلو از ۳۸ طراح و حکاک رومانی به کوشش کمیته دولتی فرهنگ و هنر رومانی و اداره کل روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر در موزه نوبنیاد ایران باستان به نمایش گذاشته شد. نقاشی های این نمایشگاه معرف بخشی از هنرمندان امروزی رومانی بود. آثار برخی از این هنرمندان در میان سایر کار های هنری کاملاً چشم گیر بود و از ویژگیها و نوآوری های جالب برخوردار. که از آن میان میتوان از سیلوی یوبه یاس، کورینا یو آنکلو، مارچل کی رنواکه، لومیان اولادیو، لیدیا میهایسکو ولادیسلا ثوفتس نام برد. انسانهای آهین طباطبائی

● در اسفند ماه انسانها و حیوانات آهین «ژانر طباطبائی» در یک نمایشگاه بار دیگر خود نمایی کردند.

جالب می آید به تصویر در می آورد.

او فقط هنگامی که به هیجان آمده نقاشی می کند و نمونه های بسیاری از هنرمندی خلق الساعه او که بین نیم ساعت تا یک ساعت و نیم برای تکمیل آن وقت گرفته است وجود دارد.

«ایروانی» در حالی که در میان تعداد زیادی از نقاشی های «مرکبی» خود ایستاده بود، گفت که بنظر خود من همیشه دارای هیجان و آمادگی کامل برای این گونه کار هستم.

فقط یکسال است که او نقاشی می کند اما تمایلات و استعداد هنری در خانواده او سابقه بسیار دارد. دوخواهر کوچک ترش هم در نقاشی و رنگ آمیزی تبحر بسیار دارند. اما بنظر ایروانی کار های آنها بیشتر فرم کلاسیک دارد.

نقاشی های ایروانی دارای عنوان نیستند. زیرا بنظر او هر نوع نامگذاری ممکن است اظهار نظر و برداشت های آزاد بینندگان را تحت تاثیر قرار دهد.



ژانر طباطبائی



مساله بالا را ایروانی این طور بیان می کند: شما اسم این نقاشی ها را چه می گذارید؟ هر کسی يك نوع احساس نسبت به نقاشی های من دارد و آنها را با چشم خود بطور متفاوتی می بیند، فکر نمی کنید انتخاب یک عنوان برای آن ها کار مشکل و یا لااقل نامناسبی باشد؟ مترجم: مرتضی زمانی

روئین پاکباز
● روئین پاکباز نمایشگاهی از آخرین کار های خود در تالار قدریز برگزار کرد. آثاری که در این نمایشگاه به معرض نمایش گذاشت ادامه ای همان کارهای قبل او بود.

آخرین آثار جودت
● پس از پایان نمایش آثار پاکباز، نمایشگاهی از آخرین نقاشی های محمدرضا جودت در گالری قدریز ترتیب یافت. آخرین نمایشگاه جودت نیز سال پیش در همین گالری برگزار شده بود.

نمایشگاه غربشاهی
● نمایشگاهی از آخرین آثار و تابلو های محمود غربشاهی تشکیل گردید. در این نمایشگاه نقاشی آخرین

نقاشی اش را در کاخ مرکزی جوانان ترتیب داد. النواب از نقاشان شناخته شده و جوان عرب است که همیشه تابلو هایش آبتیره و آبتیره فیکوراتیو است.

نمایشگاهی که مجله جوانان ترتیب داد

● نمایشگاه نقاشی مجله جوانان در گالری هنر جدید ترتیب یافت. در این نمایشگاه تابلو های نقاشی پیش ازسی نقاش جوان به نمایش گذاشته شده بود.

کار های نقاش ایتالیائی

● آنسلمو نقاش ایتالیائی تازه ترین نقاشی هایش را که در مدت ۶ ماه در ایران نقاشی نموده بود در تالار دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران به نمایش گذارد. وی تاکنون بیش از ۳۰ نمایشگاه در سراسر جهان داشته است و بعد از پایان کار نمایشگاهش راهی ایتالیا گردید.

عذرا عندلیبی

● عذرا عندلیبی نقاش جوان و مدرنیست در بهار سال ۴۸ تاز ترین آثار هنرش را بنمایش خواهد گذاشت. بعد از چند نمایشگاه در سال ۴۷ این اولین نمایشگاه فردی

نمایشگاه عکس

نمایشگاه عکس نرسی

● نمایشگاهی از آثار عکاسی جمشید نرسی برگزار شد که دومین نمایشگاه از کار های عکاسی او بود. نقاش در توجیه کار خویش در بروشور نمایشگاه نوشته بود:

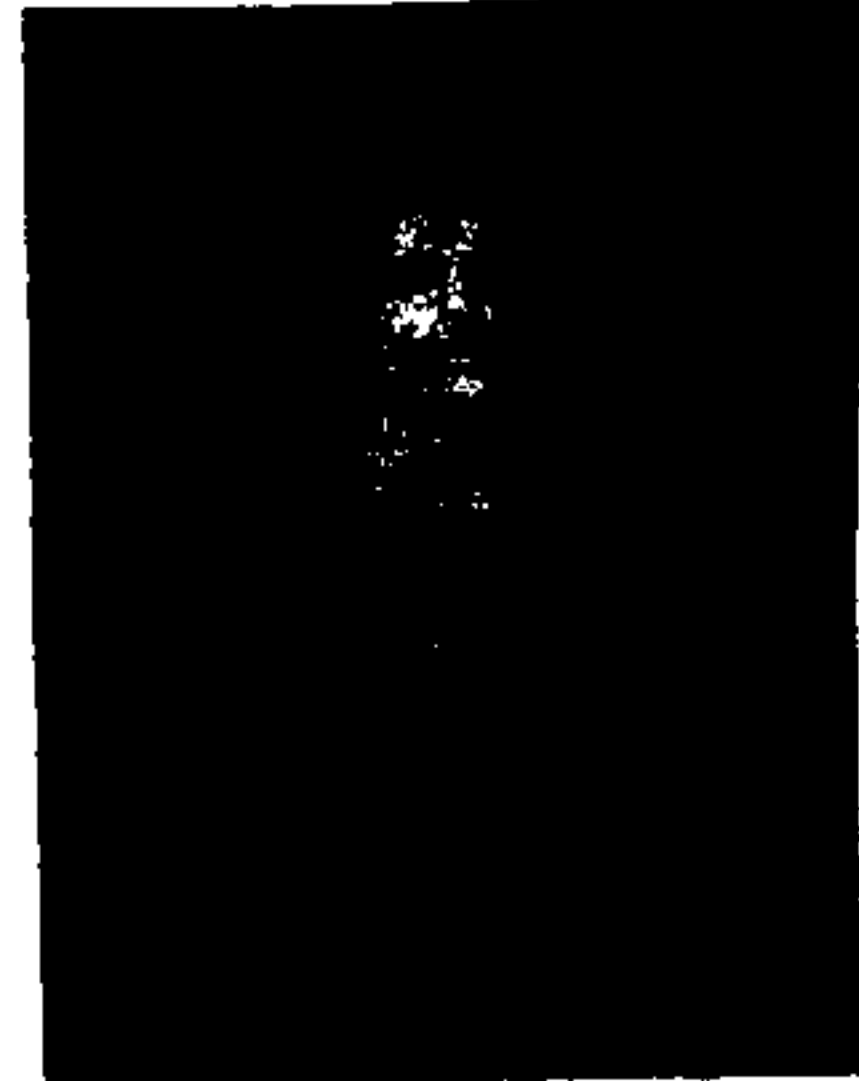
«این گفتگویی است بر عکاس و عکاسی، نه آنگچنان که از معنای ظاهری کلمه برمی آید، یعنی ثبت و برگردان شئی بر صفحه حساس زیرا که ما در تعریف شئی به خواصی از آن برمیخوریم که از آنجمله است قابلیت لمس و محدود بودن به حدود معین ولی در عکاسی برای ثبت این شئی قابل لمس و محدود، واسطه ای لازم است و این واسطه، همان نور است که خود، وجودی است به ظاهر بی وجود».

این نمایشگاه تحت عنوان «تجسسی در نور» ۲۲ نمایش درآمد.

میسارد. پپ در کودکی - که یتیمی است و نزد شوهر خواهر آهنگرش زندگی میکند به سه آرزو دل میبندد. این سه آرزو عبارتند از: به چنگ آوردن پول هنگفت، رسیدن به مقام شامخ و ازدواج با دخترکی بنام «استلا» دو آرزوی اول او ابتدا به فرجام میرسد اما دخترک شوهرش را میزند و او نیز با از دست دادن ثروت بیکاره با بی فرجامی آرزوهایش مواجه میگردد ولی در پایان داستان «پپ» بیکار شرافتمندانه ای روی آورده و نیز با استلای محبوب خویش که ازدواج بی فرجامی پشت سر گذارده است روبرو میشود عشقی تازه بین آنان پدید می آید.

این سریال تلویزیونی توسط شبکه بی بی سی (بنگله رادیو تلویزیون دولتی انگلستان) و به کارگردانی آلن بریجز ساخته شده است. مناظره شعرای قدیم و جدید

● تلویزیون ملی ایران بنابر درخواست انجمن پاسداران زبان پارسی که به تازگی به وسیله گروهی از رجال معاصر ادب تاسیس شده و هدف اصلی خود را مخالفت با شعر نو



هوشمند عقیلی

تلویزیون ایران (کابل ۳)

برنامه دوم تلویزیون ایران

● تلویزیون ایران در راه جلب رضایت آندسته از بینندگان خود که برنامه های عادی تلویزیون مورد پسند و رضایت آنان قرار نمیگرفت با همکاری کادر قوی و کار آزموده در زمینه های مختلف هنری و نویسندگی اقدام به تهیه برنامه های بنام «برنامه دوم تلویزیون ایران» نموده است. این برنامه در مرحله اولیه یک هفته در میان شبهای جمعه دقایقی بعد از نیمه شب آغاز خواهد شد و اولین برنامه آن تا چهار بامداد جمعه بطول انجامید.

مسئولان و تهیه کنندگان قسمت های مختلف این برنامه عبارتند از: در رشته موسیقی کلاسیک هوشنگ پروری، ریپرتاژ دکتر جمشید وحیدی در تاتر هوشنگ حسامی، سینما فریدون فرخزاد، اپرا و باله امامی، روانشناسی دکتر رشید پور، سیاسی اعتمادی.

کارگردان این برنامه آقای ذوالرباستین و مدیر تهیه آن آقای نیکذات هستند.

● برنامه جدید تلویزیون ایران که با استقبال بینندگان تلویزیون مواجه گردیده است برنامه پیوند میباشد که تهیه کنندنده و چهار اول آن نصرالله کریمی است. در اسفند ماه ۱۳۴۷ پخش سه برنامه پیوند در ساعت ۳۰ - ۲۹ موقتیت این برنامه را بثبوت رسانید. تم آموزنده و صحنه هایی از زندگی روز مره زن ها و مرد های جوان در دو صورت غلط و صحیح که بطرز جالبی توسط استاد (که اجراء این نقش را خود کریمی برعهده گرفته است) حک و اصلاح میکرد زمینه های موفقیت این برنامه را بوجود آورده است.

● پخش فوتبال
● تلویزیون ایران در روز دوم اسفند با پخش انحصاری مراسم مسابقات فوتبال جام دوستی که با شرکت تیمهای ملی پنج کشور شوروی، ترکیه، عراق، پاکستان و ایران جریان داشت گام تازه ای در جلب رضایت دوستداران ورزش فوتبال برداشت.

بازی فوتبال جام دوستی

این مسابقات همه روزه از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۰۰ بوسیله فرستنده سیار مستقیما از میدان امجدیه محل اجراء مسابقات پخش میگردد و ۲۴ ساعت بعد نوار ضبط شده آن از تلویزیون آبادان پخش میشود. قرار است کمی هائی از نوار های ضبط شده مسابقات جام دوستی از طرف تلویزیون ایران به تلویزیون های کشور های همسایه هدیه گردد.

● پیشواز نوروز
● یکسری واریته یکساعته بنام پیشواز نوروز برنامه های جدید و فصلی تلویزیون ایران بود که برای اولین بار امسال از آخر بهمن ماه اقدام به پخش آن گردید.

در این برنامه ها همانطور که از اسم آن پیداست شور و هیجان مردم در پیشواز عید بصورت های جدی و طنز آمیز منعکس بود و خوانندگان معروف چون ویگن، رامش، پیمان، رامین در آن شرکت داشتند.

تهیه کننده و کارگردان این سری برنامه ها دکتر جمشید وحیدی و مهندس مهدی ظهیری بودند.

● مسابقه بزرگ تلویزیون ایران

● به مناسبت ششم بهمن سالگرد پیروزی انقلاب سفید ایران، تلویزیون ایران مسابقه ای ترتیب داد که در نوع خود بیسابقه و جایزه آن یک دستگاه اتومبیل ساخت ایران بعنوان «ثمره انقلاب صنعتی ایران» بود. این مسابقه بدین شکل اجراء گردید که قسمتهای از نوشته های نثر و حکمیانه شاهنشاه آریامهر در فصول کتاب انقلاب سفید از تلویزیون پخش و از بینندگان خواسته شد تا بنویسند هر جمله مربوط بکدام فصل و قسمت از کتاب انقلاب سفید است. در این مسابقه نزدیک چهار هزار نفر شرکت داشتند و تحسین آمیز این بود که کلیه پاسخها صحیح بود و برنده اتومبیل که هفته اول اسفند بقید قرعه انتخاب گردید آقای میر غلامحسین مجد تیموری دانش آموز بود. این دانش آموز ممتاز و در کلیه سالیهای تحصیل خود رتبه اول را حائز بود.

● تغییرات فنی
● تلویزیون ایران پس از استفاده از تعطیلات ماه محرم در فروردین ماه تغییرات کلی در استودیو ها و سیستم پخش

خود خواهد داد این تغییرات در دو مرحله اول امکانات ضبطی استودیو با مستقل شدن دستگاههای ضبط استودیوهای «آ» و «ب» چند برابر خواهد شد.

● تغییرات دیگر تبدیل دستگاه فرستنده از سیستم آمریکائی ۵۲۵ خطی به سیستم اروپائی ۶۲۵ خطی می باشد و با نصب آنتن جدید تصویر و صدا که اکنون مدنیت در اسفهان مورد استفاده بینندگان قرار گرفته است با کیفیت بهتر و بیشتری عرضه خواهد شد.

● با برنامه حرف تو حرف که روز اول سال ۱۳۴۸ پخش خواهد گردید این برنامه موفق تلویزیونی صدمین برنامه خود را پشت سر میگذارد. بنیان اولیه برنامه حرف تو حرف آقایان پرویز صیاد و پرویز کاردان بودند که اینک در کابل ۹ برنامه اختاپوس را تهیه و اجراء میکنند.

این برنامه که در تاریخ تلویزیونی کشور از نظر دوام و کثرت تماشاچی مقام اول را پیدا کرده است از اول سال ۱۳۴۷ توسط دکتر جمشید وحیدی نوشته میشود و اجراء کننده موفق آن حسن خیاطباشی است که در نقش مهندس یبلی ظاهر میگردد. در برنامه حرف تو حرف از مسائل روز انتقاد میشود.

موسیقی

● گروه آواز خردسالان !
● گروه آواز خردسالان وین در اسفند ماه وارد تهران شده و دو برنامه در تالار رودکی اجرا نمود. این گروه که در اروپا به عنوان عالی ترین گروه آواز خردسالان شناخته شده، دو سال پیش نیز به دعوت انجمن فیلارمونیک به ایران آمد و دو برنامه جالب و فراموش نشدنی در تالار فردوسی دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران اجرا کرد. گروه آواز خردسالان وین دارای سابقه فراوانی است. این گروه در سال ۱۹۴۸ به فرمان امپراطور اتریش «ماکسیمیلیان اول» تاسیس شد تا در کلیسای سلطنتی هنگام نماز آوازه های مذهبی بخواند. غالب آهنگ سازان اتریشی وابسته به این گروهند.

● ژانت مارتینی لازاریان
● خانم ژ. لازاریان منتقد موزیک پس از یک سفر دو ماهه به اروپا به ایران بازگشت. خانم لازاریان از جمله اولین کسانی است که نوشته های او بادیگام خاص ارائه میشود.

● کلاوس دولدینگر
● کوارتت «کلاوس دولدینگر» برنامه کنسرتی در کاخ جوانان اجرا کرد. گروهی که برهبری دولدینگر برنامه خود را در کاخ اجرا نمودند عبارت بودند از هافمن بیانیست،

کاندل برگز نوازنده باس، کیسی نوازنده جاز و کلاوس دولدینگر که خود ساکسیفون می نواخت.

● کنسرت دو نقری پیانو
● خانم و آقای اندنبرگ

هنرمندان آمریکائی و نوازندگان مشهور پیانو یک برنامه کنسرت پیانوی دو نفری در تالار انجمن ایران و آمریکا ترتیب دادند که با استقبال آمریکائی های مقیم تهران و عده ای از ایرانیان علاقمند واقع شد.

● برنامه مخصوص حسین دهلوی

● برنامه ویژه ای در تالار رودکی اجرا گردید. طی این برنامه ارکستر ایرانی تالار رودکی برهبری «حسین دهلوی» چند قطعه از آهنگهای ایرانی را اجرا نمود و آنگاه گروه سازمان ملی فولکلور ایران رقصهای محلی ایران را بروی صحنه آورد.

● پرفورمانس هانی گراف

● پرفورمانس هانی گراف موزیسین معروف اتریشی و استاد آکادمی وین به تهران آمد و در مدت اقامت خود یک رستال پیانو شامل آثاری از موزار، بتهوون و شوپرت اجرا کرد. وی بدعوت انجمن فیلارمونیک تهران اقدام به این سفر کرده بود. وی هم چنین برنامه دیگری نیز با ارکستر مجلسی تلویزیون ملی ایران برهبری کریستیان دیوید اجرا کرد. «هانی گراف» زاده ۱۹۲۸ در وین می باشد که پس از جنگ جهانی دوم به مطالعه در باره معماری پرداخت و در ۱۹۴۷ وارد آکادمی موسیقی وین گردید.

● ارکستر رودکی
● تالار رودکی اقدام به ایجاد ارکستر ایرانی تازه ای کرده است بنام «ارکستر رودکی» به رهبری حسین دهلوی. پروین سرک کارگردان برنامه های رقص فولکلوریک نیز از اعضای این گروه خواهد بود.

● باله زامرب
● در اسفند ماه تهران شاهد هنر نمائی گروه باله زامرب یوگوسلاوی بود که شاید برجسته ترین گروه باله خارجی باشد که در ایران هنر نمائی کرده است. برنامه ای را که این گروه اجرا کرد میتوان اعجازی در هنر باله ای امروز نامید خصوصا باله ایوانکا ژوناس ستاره

اجرای کنسرت با دو پیانو

این گروه، این هنرمندان علاوه بر اجرای قطعات مشهور باله از موسیقی دانان معروف دنیا، چون «رقص دو نفری» و «دریاچه قو» از چایکوفسکی، «رمشو» و «زولیت» از پروکوفیوف و... باله هائی نیز از موسیقیدانان معروف یوگوسلاوی چون «باله ابلیس در دهکده» از موتسارتنسکی اجرا کردند که مصرف باله ای امروز یوگوسلاوی بود.

● آواز جمعی

● گروه آواز جمعی دانشکده دامپزشکی در یک برنامه هنری که با حضور رئیس دانشگاه تهران رئیس دانشکده دامپزشکی و استادان این دانشکده برگزار شد برنامه جالبی اجرا کردند. در این برنامه: شیرین خطیبی، مهناز حق بین، شهلا بیگانی، منیر لشکری، قدسی شریفزاده، لیلا نبوی، فاطمه ربیانی، مارگریت خاخام، فروزنده اسدی، مجید آریازند، محمد مهدی صالحی، خسرو میرفندرسکی، عباس فرمند، هدایت اله رشیدی، مجید معین وزیری، خسرو ناصر شریف اصغر ایلخانی، عباس ستوده نیا و محمد مهدی رضوی شرکت داشتند.

● پیانیست سوئسی

● یکی از برنامه های جالب انجمن فیلارمونیک تهران رستال پیانوی آندور فولس پیانیست مشهور و برجسته سوئسی بود که در تالار فردوسی دانشگاه تهران اجرا گردید. این پیانیست برجسته قبل از این رستال در یک کنسرت به همراهی ارکستر سمفونیک تهران برهبری حشمت سنجری شرکت نمود.

● آواز آنوش

● گروه آواز «آنوش» برهبری هویک گاسپاریان کنسرت سالانه خود را در محل باشگاه «آارات» اجرا نمود. گروه کر آنوش یکی از چند گروه آواز ارمنی های ایران است که از چند سال پیش توسط هویک گاسپاریان بوجود آمده است و غالبا برنامه هائی در تلویزیون و کنسرتها در تهران و شهرستانها اجرا نموده است.

● رستال وردا ارمان

● یک رستال پیانو توسط

«وردا ارمان» پیانیست جوان ترک در تالار دانشکده های زیبا اجرا گردید. وردا ارمان که به سال ۱۹۴۴ در شهر استانبول دنیا آمده است آموختن پیانورا از سن ۵ سالگی شروع کرده و بعد از ۶ سال تحصیل موسیقی در کنسرواتوار استانبول عازم پاریس شده است و بعد از یکسال تحصیل موسیقی در کنسرواتوار پاریس باخذ دیپلم و امتیاز اول در قسمت پیانو نائل آمده است. وردا ارمان رستال ها و کنسرتها های متعددی در ترکیه فرانسه - سویس - اطریش و چند کشور دیگر اجراء نموده است و در چند مسابقه جهانی مقام های برجستهای را صاحب شده است.

● کنسرت بادو پیانو
● رینا و باب وندنبرگ نوازندگان پیانو آثاری از: «یوهان سباستیان باخ»، «گلودوبوسی»، «کامیل سن سان» و «داربوس میلو» در تالار انجمن ایران و آمریکا به همراهی یکدیگر اجرا کردند.

● شعر و شبهای شعر

● شعر جدید ایران در فرانسه
● مجله فرانسوی آکسیون پوتنیک که بهمت گروهی از ادیبان جوان فرانسه منتشر میشود هر بار صفحاتی از مجله را به شعر مترقی یکی از کشورهای جهان اختصاص میدهد. شمار مجله هدف شعر بابسد واقعیت عمل باشد. نمایشگر سلیقه و طرز انتخاب اداره کنندگان آنست. قسمتی از شماره آخر «آکسیون» به شعر امروز ایران اختصاص یافته است در این بخش ابتدا دو معرفی از شعر ایران بقلم آلن لاس و محمد علی سپانلو مدخلی به ادبیات جدید ایران میدهد و سپس معرفی کوتاه یازده شاعر معاصر به اضافه ترجمه نمونه ای از آثارشان بچشم میخورد. این شاعران عبارتند از:

● احمد شاملو، فروغ فرخزاد، نصرت رحمانی، نادر پور، سپانلو، م. آزاد، احمد رضا احمدی، مجید نقیسی، سیروس مشقی، بداله روانی و مفتون امینی. فرخ تمیمی

● فرخ تمیمی شاعری است صادق و صمیمی که بی هیاو و جنجال ضمن مشغله اداری خود بکار هنری خویش مشغول است.

● در شب شعر که ماه پیش در «روزن» ترتیب یافته بود تمیمی چند شعری از اشعار خود را خواند. در این شب روانی به معرفی فرخ تمیمی پرداخت و پس از آن ایرج گرگین و باقر عالیخانی نیز چند شعر تمیمی را قرائت کردند.

● یاد بود نیما یوشیج

● هفدهم بهمن ماه در تالار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران مجلس یادبودی

برای دهمین سالروز خاموشی
نیما ترتیب یافته بود. در این
شب جلال آل احمد، حسین
دانشور، نادر نادر پور، دکتر
رضا براهنی و چند تن دیگر
از نویسندگان و شاعران
دوستان او مطالبی بیان
داشتند.

شب شعری در «خارک»

● با شرکت چند تن از
شاعران جوان جنوب شب
شعری در خارک برپا شد.
در این شب نعمتی ضمن بحث
در باره شعر فارسی اشعاری
از فروغ، شاملو، آتشی و
حمیدلی قرائت کرد و نیز
«باباچاهی» شاعر نوپرداز در
باره شعر امروز ایران و جهان
بحث جالبی پیش کشید.

جواد طالمی

● شب شعری برای شاعر
نوپرداز جواد طالمی در کاخ
جوانان برپا شده بود. در این
شب علاوه بر طالمی شعری
جوان دیگری چون حسین
سرشار، سرقران و صلواتیان
نیز شرکت داشتند.

شب شعر افراز

● افراز شاعر نوپرداز شب
شعری در کاخ مرکزی جوانان
داشت و در این شب افراز
تازه ترین سروده هایش را برای
علاقه مندان حاضر در این مراسم
خواند.

شب شعری در بوشهر

● شاعران جوان بوشهر و
سایر علاقه مندان ادبیات امروز
این شهر کانونی درست
کردند با نام «نیما» و به همت
این کانون برای بزرگداشت
دهمین سالسکوت نیما مراسمی
با حضور هزار و دویست نفر
برگزار شد. در این شب
ابوالقاسم ایرانی (گرداننده
کانون)، رضا فلاجوردی،
اسکندر احمد نیا، محسن
پزشکیان، مهناز آل شریف و
بهمن احمد پور اشعار خود را
خواندند و نیز اشعاری هم از
نیما توسط محمدیان قرائت
گردید.

وزارت اطلاعات

برنامه های آینده وزارت اطلاعات

● آقای هویدا نخست وزیر
روز پنجشنبه بیست و چهارم
بهمن در باره برنامه های
آینده وزارت اطلاعات
مذاکرات مفصلی با وزیر و
معاونان این وزارتخانه بعمل
آوردند.
مذاکرات در یک جلسه چهار
ساعته که در دفتر آقای منصور
وزیر اطلاعات تشکیل شده
بود بعمل آمد و طی آن
برنامه های آینده وزارت
اطلاعات توسط وزیر اطلاعات
و معاونان ایشان برای آقای
نخست وزیر تشریح شد.

در این جلسه آقای نخست
وزیر از فعالیت های وزارت
اطلاعات ابراز رضایت کردند
و دستوراتی در زمینه انجام
برنامه های آینده این وزارتخانه
صادر نمودند.
آقای نخست وزیر همچنین
برنامه های رادیو ایران و
طرح فرستنده های جدید



صحفهای از اجرای هنر برای مردم

رادیوئی کشور را که بزودی
شروع بکار خواهد کرد مورد
بررسی قرار دادند.

سخنرانی ها

انسان و نسبت هایش با وجود

● دکتر فردید استاد
فلسفه دانشکده ادبیات و
علوم انسانی تحت عنوان فوق
در تالار فردوسی دانشگاه تهران
سخنرانی کرد.

ره آورد مسعود برزین

● برزین رئیس روابط عمومی
شرکت سهامی تصفیه نفت
ایران که چندی پیش به هند
سفر کرده بود از این سفر
بازگشت و ره آورد خود را
طی یک سخنرانی در تالار
اجتماع کارمندان شرکت نفت
در آبادان بیان داشت. برزین
در پایان سخنرانی خود
گفت:

در قرن هفدهم دوران
شکوفان همکاری فرهنگی
ایران و هند اثری بدیع به
وجود آورد که «تاج محل»
نام گرفت و در قرن بیستم
عهد علوم و فنون این دو ملت
در صنعت همگامی میکند که
ایجاد پالایشگاه مدراس از
حمله نتایج آن است.

نویسندگان

و مطبوعات

ماهنامه آیندگان

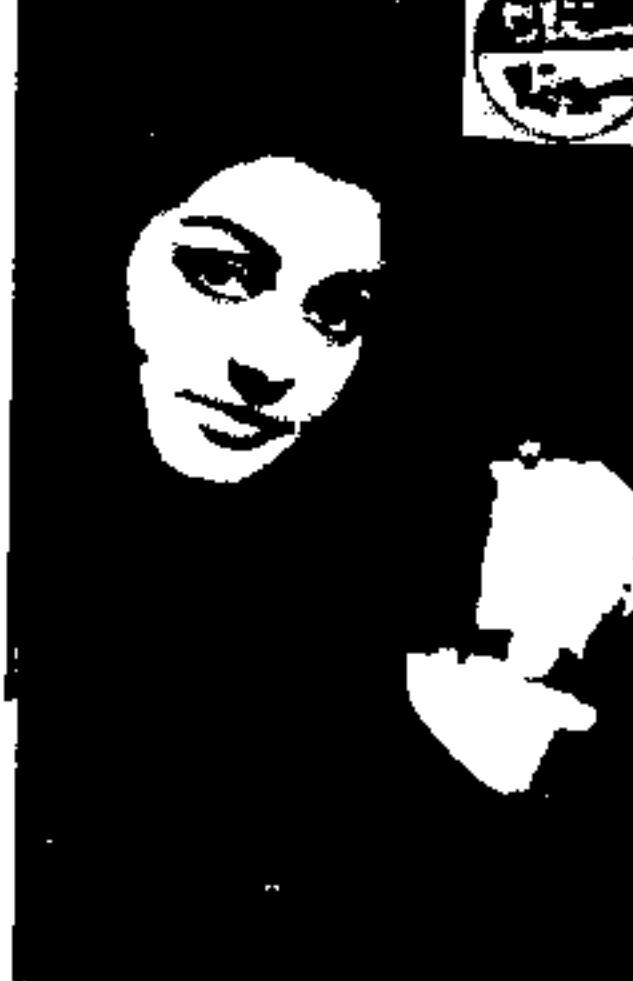
● روزنامه جوان

«آیندگان» دست اندر کار
تدارک یک نشریه دیگر است
که ظاهراً بطور ماهانه منتشر
خواهد شد قرار است که
بسیاری از مطالب و مقالات
دنیای آیندگان که بخش
سنگین هنری و علمی این
روزنامه را شامل است به
آیندگان ماهانه منتقل شود.
اداره این نشریه را پسرویز
نقیبی بهمد خواهد داشت.

ستاره سینما

● مجله «ستاره سینما» در ماه

بهمن، شانزدهمین سال فعالیت



معمولاً بدان دچار میشوند.

محمود کیانوش

● از فردریکو گارسیا لورکا
بزودی اثری بنام «خانه
برنادا آلبا» به ترجمه محمود
کیانوش منتشر خواهد شد
محمود کیانوش از مترجمین
برکار و خوب این دیار است
که ذوق و تسلط به ادبیات
فارسی و انگلیسی موجب
ویژگی حتی ترجمه های او
میشود.

تاکنون دو داستان کوتاه او
(در شماره های ۵ و ۱۴) در
تلاش چاپ شده است.

یادبود فروغ

● روز ۲۴ بهمن ماه در
شهر های مختلف بویژه تهران
مجالس مختلف بیاد فروغ
فرخزاد برپا شده بود و مطبوعات
نیز در هفته ای مرگش مقالات
و مطالب و خاطره هایی از او
را درج نمودند - یادآوری
این نکته لازمست که در شماره
۱۴ «تلاش» نیز مطلبی از
«پوران فرخزاد» خواهر
شاعر و نیز شعری از او در
این زمینه به چاپ رسیده بود.

● «تلاش» نیز مطلبی از
«پوران فرخزاد» خواهر
شاعر و نیز شعری از او در
این زمینه به چاپ رسیده بود.
از جمله نقل خاطره و نوشته
ها حرفی بود از فریدون رهنما
که «مجله فردوسی» در شماره
۸۹۸ خود چاپ کرده بود که
قسمت هایی از آن برای
خوانندگان تلاش نقل میشود.

هوشنگ حسامی

● هوشنگ حسامی که از
منتقدین دیار ما است اخیراً
تهیه و اجرای بخشی از برنامه
دوم تلویزیون ایران را بر
عهده گرفته است - حسامی
در نقد دارای منطقی متدل
و مشخص است که قلم اورنگ
بهر و جلوه بیشتری به
کارهایش میدهد. نخستین
برنامه حسامی در این زمینه
معرفی و تشکیل میزگردی در
مورد دو نمایشنامه دیگه و
زاویه اثر دکتر ساعدی بود.

آلاخون والاخون

● آلاخون والاخون برنامه
جدیدی است که مدت
کوتاهی است در تلویزیون ملی
ایران بصورت یک داستان
دنپاله دار در حال اجرا می
باشد لیکن در همین مدت
توانسته است که دوستانان
فراوانی برای خود بدست
آورد و این بخاطر طنز شیرین
است که منوچهر محجوبی
نویسنده این برنامه در آن
ارائه میدهد.

آلاخون والاخون داستان
مردی اسمفانی است بازو حیثی
حسابگر که گرفتار کلاهبرداری
می شود و کارش به تهران
میکند. آنچه که منوچهر
محجوبی در این مجموعه ارائه
میدهد طرح ساده ای است از
گرفتاریهای مردم بر اساس
واقع بینی، اما بدور از ابتذال
و بزرگ کردن های بیس از
اندازه که اینگونه برنامه ها

است، نقطه های هشی است

نه چرخهای پوشیده...

● علی اکبر کسمانی
در سلسله مقالات تازه ای که
در مجله فردوسی آغاز نموده
مسائل مربوط به جوانان را
به بحث کشیده و با نظر تیزبین
خود از دیدگاه ویژه ای بحران
جهانی جوانان را مورد نقد و
بررسی قرار داده است. در
سلسله مقالات قبل او که در
مدت ۴ ماه در فردوسی درج
گردید تحت عنوان «بحران
تمدن و فرهنگ» حرفهای
تازه ای عرضه شده بود.

● علی اکبر کسمانی در مقدمه
«مساله ای بنام جوانان» چنین
نوشته است:

«... مساله جوانان نه بعنوان
افزایش پیوسته تعداد
دانشجویان و عدم امکان ادامه ای
تحصیلات عالی یا پیدا شدن
کار برای گروهی از آنان
بلکه بعنوان یک مساله روحی
و فکری و یک بحران معنوی
جهانی، مساله ای تازه و بحرانی
نوظهور نیست. این مساله
یا بحران یکی از آنگونه
مسائل بزرگ فرهنگی و اجتماعی
جهان است که در پی
نخستین جنگ بزرگ
قرن بیستم رخ نمود و
مانند بسیاری دیگر از مسائل

فروغ فرخزاد

... به سختی میشد انگاشت
که نخستین نوشته هایش اورا
به پسین شعر هایش خواهد
گناید. اما این راز شکوفندگی
ها است.

و راز وجود او که دشنام
های بسیار شنید و نیز ناسزا
ها که کمتر به شعرش مربوط
میشد...

فرزانگی داشت، مردی که
میدانید و میبینید چگونه
آهسته دور میشود و نگویند
و بی مصرف و قدیمی! که
کوش کنید: ایست راستی،
ایست مصروف! و قدیمی...
این مستی زندگی و نیز
مهر و رزی او به جلوه های
هشی، چنان شوریده وار بود
که گاه آنچه و آنکه او می
پسندید، کار هر داوری را
دشوار میساخت. بویژه آن
داوری که نمیخواست یسا
نمیوانست دریابد که منطق
مهر و رزی بخود مهر و رزی
تواند بود...

میدانست که زیستن، بالا
رفتن است. و بهر حال توقف
نکردن. میدانست آنچه مهم

این قرن که مربوط به سرشت
تمدن و فرهنگ کنونی است
نه تنها در طی این قریب نیم
قرن تاریخ پر حادثه راه حلی
نیافت بلکه روزه روز بچیده
تر و دشوارتر شد تا بشکل
کلاف سردرگم امروزی در
میان سایر کلافهای سردرگم
کارهای جهان حاضر در آمد.

● عباس پهلوان از وقتی
که از سردبیری فردوسی
کناره گرفته به تلاقی پنجال
کار مداوم سخت به استراحت
پرداخته است (و یحتمل
اینکه نخواهد برای تمدد
اعصاب سری به خارج از
کشور بزند!) اما گاه در
نشریاتی که دوستان و یاران
دیرینش عهده دار انتشار آن
هستند «نوک قلمی» از او می
بینیم که از آنچه است این
نکته که از «بامداد» شماره
۱۱۵ آنرا برای خوانندگان
تلاش نقل میکنیم:

باز هم يك «سوراخ دعا»
تو جماعت پیدا شده است و

شور و شوق سفر به اروپا و
امریکا و خاور دور و «اعلان
پست اعلان برای «سفر قطعی»
یعنی چوب حراج به ته بساط
اندوخته های مردم... و چند
«دست بگیر» عینو پلک مویز
و چهل قلندر. و تا بخواهی
«شرکت توریستی» برای زحمتا
کردن جماعت.

... و در میان این «سفر
های توریستی» اعلان جالبی
بود مبنی بر «سیاحت اروپا
وزیارت عتبات و سفر از
«برلین و رم، کاپری،
ناپل، هامبورگ» آغاز میشود
تا «لندن، پاریس، بارسلن،
آتن»... و «مسافران محترم»
وفتی که درست و حسابی
در «عیشگاههای فریک» دلی
از عزا در آوردند میتوانند
در ایستگاه ماقبل آخر یعنی
«بهداد» پیاده شوند و بروند
به «عتبات عالیات» برای توبه
کردن و استغفار و اسخوان
سبک کردن! یعنی همان شاه
عبدالمظلم بازی قدیم خودمان
منتهی دریک «سطح جهانی تر»
که گفتند:

چه خوش بود که برآید بیک
کرشمه دوکار
زیارت شه عبدالعظیم و دیدن
یسار

یعنی و یادی از نیما
● در آخرین شماره «نیما»



نوشته ای از استاد «حبیب
یفغانی» داشت که مدیر و
صاحب امتیاز این مجله می
باشد در این نوشته نیما، استاد
و پیشاهنگ شعر نو چنین
معرفی شده بود:

«نیما یوشیج را قامتی و
قیافه ای و حتی نامی شاعرانه
بود. تنی لاغر، سری بزرگ،
چهره ای بیضی، پیشانی بلند،
مویی سفید و آشفته و چشمی
درخشان داشت. کلاه بر سر
نمی گذاشت، لباس ساده می
پوشید، ملایم و آهسته حرف
می زد، سر بریز افکنده و
مودب و متواضع بود.

در سال ۱۳۲۶ که بنده متصدی
اداره کل نگارش بودم، روزی
نیما به ملاقات آمد. گفتم مگر
کاری دارد، معلوم شد عضو
همین اداره است. او را راجایی
برتر از جای خود نشاندیم و
نهایت احترام بجای آوردیم و
درآمد و رفت، آزادی تمام
دادم، بعد ها هم گاه بگاه
به اداره ی نگارش می آمد
و خودی نشان میداد، اما
خدمتی را نمیداد. چون

از چنان شاعری آزاده و وارسته توقع خدمت داشتن را نبود.

کاریکاتور از کاریکاتور! و این کاریکاتور را هم از مجله کاریکاتور که به مدیریت محسن دولو و به سردبیری منوچهر محبوبی منتشر میشود برای شما انتخاب کرده ایم:



« طرح ایجاد خیابانهای دو طبقه در جلسه مخصوص مورد بررسی قرار گرفت. »

نخردید؟ گفت نداشت؟ گفت ما هم اگر نداشتیم همان چهار تومان می دادیم! حالا جناب شهردار آبادان چون دکان قصایی را بسته لابد خواهد گفت اگر باز بود گران می فروخت، اما حالا که در دکانش را بسته ایم گران هم نمی فروشد!

تأثر

حکومت زمان خان با شکل و اجرای تازه ای در تالار ۲۵ شهروید بکارگردانی رکن الدین خسروی در اسفند ماه بروی صحنه آمد.



خسروی

هفت نویسنده

اسماعیل پوروالی مدیرمجله بامشاد ظهراهای جمعه برنامه ای در رادیو ایران داشت بنام «هفت رنگ از هفت روز» و وقتی که بفکر تغییر عنوان و روش برنامه اش افتاد آنرا عینا در بامشاد پیاده کرد بدین ترتیب که با عنوان روزهای هفته، هفت نکته را بیان آورده و به بحث کوتاهی می کشید.

اما از وقتی که سردبیری بامشاد بهمدی «ایرج نبوی» واگذار شده بیان این هفت نکته از هفت روز هفته را به عهده ی قلم هفت نویسنده واگذار کرده است مطلب زیر نوشته ایست از منوچهر محبوبی از یکی از شماره های بامشاد تحت عنوان «یکشنبه» که برای شما انتخاب کرده ایم:

هرچند وقت یکبار شهرداران و فرمانداران شهرستانها شق القمر می کنند و برای اینکه بگویند «ما هم هستیم» مبارزه با گران فروشی را علم می کنند و صفحات جراید مرکز را مبارزات مشعلانه آنان سیاه می کند. اخیرا خبر آمده است که در آبادان بازده دکان قصایی را بعلت گران فروشی بسته اند و شش نانوای گران فروش را تبعید کرده اند.

خبر چیزست در همین حد اما در این گونه خبرها هیچوقت معلوم نمیشود که تکلیف مردم چیست، وقتی دکان قصایی محله ما گوشت را گران بفروشد، ما شب که میشود شام داریم، اما یک خرده گرانتر از نرخ رسمی. اما وقتی دکان قصایی محله ما را بستند، وقتی نانوای محله ما را تبعید کردند آنوقت حساب شام و ناهار ما بسا گرامالکاتبین است.

واقعا شق القمر از این مهمتر نمی شود که هرکس گران فروخت دکانش را به

موری در دام و آبارتمان اجاره ای

گروه نمایشی کرمانشاه (وابسته به وزارت فرهنگ و هنر) پس از موفقیت در اجرای نمایشنامه های «موری در دام»، «آپارتمان اجاره ای» و «مرد بازو طلائی»، «چوب بدستهای ورزید» اثر دکتر ساعدی را بروی صحنه کشید. این نمایشنامه به کارگردانی منوچهر جعفری اجرا گردید.

تشنگی و تشنگی

آربی آوانسیان بعد از موفقیت چشم گیر «پژوهشی...» اینک دست اندرکار کارگردانی پیسی است از اوژن یونسکو بنام تشنگی و تشنگی. این نمایشنامه بوسیله رضا کرمانشاهی به فارسی برگردانده شده است.

شاه محمدی

از این پس در تئاتر بومی خود با نام «شاه محمدی» آشنائی بیشتری خواهیم یافت. وی از کارگردانان جوان و تحصیل کرده است که اخیرا از آمریکا برگشته و جالب اینجاست که از جمله منحصر افرادی است که در آمریکا با هنر تئاتر آشنائی یافته بنابراین شیوهی کار دیگری بجز دیگر کارگردانان خواهد داشت. در برنامه دوم تلویزیون ایران بزودی اثری از برتولت برشت را بنام همسر یهودی کارگردانی خواهند نمود.

این پس که ترجمه ی خود اوست ممکن است با بازیگری فریدون فرخزاد بروی صفحه ی تلویزیون جلوه گر شود. شرکت او در یکی از میزگرد هائی که درباره ی نقد تئاتر تشکیل شده بود مینمود که احاطه ی وسیعی به کار ذوقی خود دارد.

در انتظار گودو

گروه تئاتر «پدید» به کارگردانی داود رشیدی بار دیگر نمایش نامه «در انتظار گودو» اثر ساموئل بکت را در تالار انجمن ایران و آمریکا بروی صحنه آورد. این اثر به حق در ایران نمونه ی «تئاتر پوچی» شناخته شده است و بازی درخشان بازیگران و کارگردانی دقیق و استادانه ی داود رشیدی باعث شده است که بسیاری چندمین بار بروی صحنه بیایند. در این دوره از نمایش پرویز صیاد، داود رشیدی، پرویز کاردان، سیروس افهمی و

سعيد ساعتچی ایفای نقش می نمودند.

بلبل سرگشته

صیادی بکلمک هنرمندان آماتور آبادانی در این شهر نمایشنامه دلپذیر «بلبل سرگشته» نوشته علی نصیریان را در سالن یکی از دبیرستان ها بروی صحنه آورد بازیگران این نمایش اینها بودند:

عزت عزیزی در نقش ماه گل، عشرت بخش بهمن در نقش زن بابا، فتح الله اسمعیلی در نقش بابا، عبدالرضا کریمیان در نقش بقال، کریم بهروز در نقش پسر رشید خان، روح انگیز عابلی در نقش کولی و ملوک حسینی در نقش سگینه. باز هم از شهر قصه

شهر قصه پس از موفقیت درخشان در ایران اکنون راهی تئاتر های خارج شده است و گویا قرار است این نمایشنامه در تئاترهای بلگراد، پاریس و لندن نیز بروی صحنه آید.



صحنه ای از نمایش حکومت زمان خان.

پور شاهرخ، نصر، پور خشکوار، پروین نژاد، و چند بازیگر دیگر.

زن اونجوری!

گروه پارت برنامه نمایشی در باشگاه آرات ترتیب داده بود. در این برنامه نمایشنامه «زن اونجوری» با شکل تازه ای بر روی صحنه باشگاه آرات جان گرفت.

این نمایشنامه رامهر جاوید نوشته بود و بازیگران آن آن عبارت بودند از:

خسرو خواجوی، منصور گرامی، افشید سیاهیوش، گیرک و غلامحسین فلاحي. نمایشنامه «زن اونجوری» بکارگردانی منصور گرامی به روی صحنه آمد.

مامیدواریم گروه جوان «پارت» با اجرای نمایشنامه های دیگر وعلاقه خاصی که به کار هنری خود دارد توفیق های بیشتری بدست آورد.



رستم و سهراب

مصطفی اسکویی

هنرمند تئاتر ایران پس از ماه ها تلاش و کوشش توانست تراژدی رستم و سهراب را بوسیله گروه معروف اناهیتا در تالار نمایشات هنرکده هنر های زیبای دانشگاه تهران به روی صحنه بیاورد.

برای این اجرا مرتضی ممیز نقاش، دکور جالبی تهیه کرده است و همچنین برای لباس هنرپیشه های متعدد این نمایشنامه تدارک مفصلی دیده شده بود.

حادثه درویشی

نمایشنامه «حادثه درویشی» اثر آرتور هیلر درام نویسی شهیر آمریکائی در تالار انجمن ایران و آمریکا صحنه آمد.

به رهبری آقای وحیدشکوهی و موسیقی ایرانی و جاز بود. در پایان پروفور رضا دانشجویان هنرمند را مورد تشویق قرار داد و اظهارعلاقه کرد خوبت نظیر این گروه های هنری در تمام دانشکده ها و در سطح دانشگاهی تشکیل شود.

در نمایش «منطقه جنگی» وحید شکوهی، جمشید بهرامی، عباس فرهنگ، هدایت الله رشیدی، عباس طاهری، محمد رضا دینپاد، اسماعیل یهودی و محمد مهدی صالحی شرکت داشتند.

حمید سمندریان

با گروه بازارگاد بسیاری نمایش هرکول و طویل و اوچیس به صفحات جنوب سفر خواهد کرد. این نمایشنامه در دیماه سال ۱۳۴۷ در انجمن ایران و آمریکا به مدت چهار شب بروی صحنه آمد.

در دانشگاه تهران

گروه هنری دانشکده دامپزشکی چند برنامه هنری در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی اجرا کردند. این برنامه شامل یک پرده نمایشنامه در منطقه جنگی اثر یوجین اونیل و برنامه «کر» دانشکده دامپزشکی به رهبری آقای وحیدشکوهی و موسیقی ایرانی و جاز بود. در پایان پروفور رضا دانشجویان هنرمند را مورد تشویق قرار داد و اظهارعلاقه کرد خوبت نظیر این گروه های هنری در تمام دانشکده ها و در سطح دانشگاهی تشکیل شود.

در نمایش «منطقه جنگی» وحید شکوهی، جمشید بهرامی، عباس فرهنگ، هدایت الله رشیدی، عباس طاهری، محمد رضا دینپاد، اسماعیل یهودی و محمد مهدی صالحی شرکت داشتند.

صحنه ای از نمایش حکومت زمان خان.

و آمریکا بکارگردانی ناصر رحمانی نژاد بروی صحنه آمد و اینبار نیز هم او آنرا کارگردانی نمود.

زادروز صادق هدایت

بناسبت شصت و ششمین زادروز صادق هدایت گروه تئاتر پژواک دو نمایش را بروی صحنه آورد. این دو اثر صادق هدایت وسیله ی صادق هاشمی بصورت نمایشنامه برگردانده و خود کارگردانی آنها را برعهده داشت.

دو نمایش اجرا شده در تالار دانشکده ی هنر های زیبای دانشگاه تهران، تاریکخانه و قضیه ی زیر بته نام داشتند بازیگران این نمایشنامه عبارت بودند از بهزاد فراهانی - علی زرینی - رضا بیک نیلوفر - بهروز رضوی - محسن سهرابی - نسرین شیرازی - مهین نثری و چند تن دیگر.



صحنه ای از نمایش حکومت زمان خان.

دفاع غیر نظامی

پیام شاهنشاه آریامهر

● به مناسبت یازدهمین سالروز تأسیس سازمان دفاع غیر نظامی کشور، مراتب خوشوقتی خویش را از اینکه جامعه ایرانی بمواظبت پیشرفت در شئون مختلف اجتماعی به اهمیت اصل ایمنی و حفاظت فیزیکی و آمادگی برای مقابله با سوانح و حوادث پی برده است ابراز میداریم.

بارها ضرورت این امر مهم را به اقتضای موقعیت هائیکه پیش آمده یاد آور شده ایم و اینکه بار دیگر تذکر میدهم که دفاع غیر نظامی از عوامل و ارکان مهم دفاع ملی بشمار میرود.

هر فرد ایرانی بایستی خود را در حراست از کشور در موقع بروز هر گونه حوادث و سوانح طبیعی و غیر طبیعی سهیم بداند.

صرف نظر از سوانح و آفات ناشی از جنگ

های جدید که حد و مرزی نمی شناسد و وجود یک دفاع غیر نظامی موثر و گسترده را ایجاب مینماید، ضرورت آمادگی ملی برای مقابله با سوانح و حوادث طبیعی نیز غیر قابل انکار است، همچنین برای حفظ و نگاهداری تأسیسات صنعتی و تولیدی وجود یک دفاع غیر نظامی وسیع و گسترده بیش از پیش احساس میگردد.

در واقع سرمایه گراری در پیشبرد هدف های دفاع غیر نظامی یک سرمایه گزاری زنده و سود آوری است که نتیجه آن تأمین موجبات ادامه حیات ملی در هر وضع و پیش آمدی است.

با توجه به وظیفه سازمان دفاع غیر نظامی کشور که میبایستی با رعایت کامل اصل پیش بینی و پیشگیری و اتخاذ تدابیر مقتضی مردم را برای مقابله با پیش آمد های زمان اضطرار آماده سازد و واحد های صنعتی و تأسیسات مختلف را برای تجهیز جهت ادامه فعالیت در موقع بروز هر گونه سانحه ای هدایت نماید، لازم است مردم و مؤسسات مختلف دولتی و ملی صمیمانه با این سازمان همکاری نموده و این اشتراک مساعی را یک وظیفه ملی برای خود بدانند تا نیروی انسانی و تولیدات و منابع کشور در مقابل هر نوع سانحه و حادثه ای حفظ شود و میزان آسیب پذیری در سطح کشور بحد اقل کاهش یابد.

باید دانست که با توسعه سلاح های جدید و پیشرفت فنون نظامی مفهوم دفاع ملی و همگانی نیز تغییر یافته است و تنها استراتژی نظامی نمیتواند جوابگوی همه جانبه باشد، یعنی دفاع کلی کشور از دفاع غیر نظامی تفکیک ناپذیر است.

اجرای اصل دفاع غیر نظامی و به عبارت دیگر اجرای روشها و تدابیر لازم برای

حفاظت جان و مال مردم و منابع ثروتهای ملی و سرمایه های عمومی در برابر سوانح و حوادث گوناگون از ضروریات استحکام سازمان اجتماعی ما است، و بنابراین همکاری و تشریک مساعی عموم سازمانهای دولتی و ملی و وابسته به دولت و شهرداری ها و بخش خصوصی و بطور کلی مردم با سازمان دفاع غیر نظامی کشور ارکان تدافعی ملی کمال ضرورت را دارد.

● هنوز آنطوریکه باید و شاید از نظر عامه شناخته نشده است.

پس از پایان پیام شاهنشاه آقای عطاء الله خروانی وزیر کشور ضمن بیاناتی اظهار داشت که سازمان دفاع غیر نظامی کشور هنوز آنطوریکه باید و شاید از نظر عامه شناخته نشده است و برپا کردن اینگونه مراسم به توجیه مفاهیم وسیع آن کمک شایان خواهد کرد.

طبق قانون دفاع غیر نظامی کشور فراهم نمودن موجبات آمادگی قلی برای مقابله با هر نوع حوادث و سوانح طبیعی و غیر طبیعی بمنظور حفظ جان و مال مردم و ثروت های ملی و سرمایه های عمومی از وظایف وزارت کشور است.

آقای خروانی از کارکنان سازمان دفاع غیر نظامی به مناسبت کوشش هائی که در این راه مبذول میدارند قدردانی کرد.

تیمسار سپید کوشی رئیس سازمان دفاع غیر نظامی کشور نیز ضمن سخنانی اقداماتی را که بوسیله این سازمان برای آشنا ساختن مردم با اصول دفاع غیر نظامی انجام شده است تشریح کرد.

● هفته دفاع غیر نظامی رئیس سازمان دفاع غیر نظامی در یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی و مطبوعاتی اظهار داشت که آشنایی مردم با فنون دفاع غیر نظامی و همکاری آنها نخستین شرط توسعه و گسترش اصول دفاع غیر نظامی است.

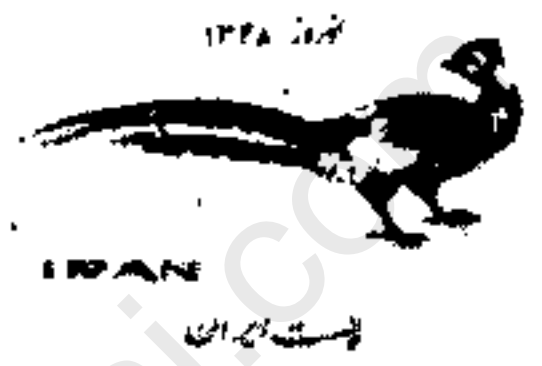
● تیمسار سپید کوشی در این مصاحبه وظایف این سازمان را تشریح کرد و گفت بزرگترین مشکل در راه رعایت ایمنی این است که مردم هنوز خطر را آنطور که بایست احساس نکرده اند و ما در مرکز آموزش عملی فنون دفاع غیر نظامی را به مردم میآموزیم.

در این مرکز تاکنون ششصد نفر آموزش دیده اند.

افزایش تعطیلات نوروزی

● تعطیلات عید نوروز که قبلاً دو روز اعلام شده بود به پنج روز افزایش یافت. ● آقای هوبدا نخست

وزیر اعلام کردند که در اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر به منظور بزرگداشت نوروز باستانی که یکی از سنت های دیرین ملی ایرانیان است ملی بخشنامه ای به تمام وزارتخانه ها و موسسات وابسته به دولت ابلاغ شد که سه روز از مرخصی استحقاقی سالانه کارکنان کسر شود و بجای آن از سوم تا پنجم فروردین ماه به تعطیلات نوروزی اضافه گردد.



دارائی

معاف از پرداخت مالیات ● وزارت دارائی اعلام کرد که انجمن توان بخشی را جزو مؤسسات خیریه و عام المنفعه میشناسد و به همین جهت اشخاص یا مؤسساتی که باین انجمن کمک میکنند از معافیت های مندرج در قانون جدید مالیاتها برخوردار خواهند شد.

به موجب قانون جدید مالیات های مستقیم، قاسی درصد درآمد مشمول مالیات اشخاص حقیقی یا حقوقی در صورتیکه به مؤسسات خیریه

و عام المنفعه مورد قبول دولت داده شود جزو هزینه های قابل قبول آنان در حساب درآمد محسوب میشود و از پرداخت مالیات معاف است.

بانک ها

افزایش موجودی ● بانک ملی ایران اعلام کرد که موجودی حساب های صندوق پس انداز این بانک تا آخر بهمن ۴۷ بالغ بر هفده میلیارد و سیصد میلیون و پانصد و شصت هزار ریال بوده است.

این مبلغ نسبت به جمع کل موجودی های پس انداز در آخر آذر ماه ۴۷ یکصد و نود و هشت میلیون و هشتصد و پنجاه و چهار هزار ریال افزایش دارد. ● موجودی پس انداز

نورین شعبه های بانک کشاورزی ایران در استان کرمان تا پایان دیماه ۴۷ به یازده میلیون ریال رسیده است. ● بانک کشاورزی ایران گزارش داد که طی ده ماه سال ۴۷ شعبه های این بانک در استان کرمان یکصد و نود میلیون ریال وام به کشاورزان پرداخته اند و در همین مدت یکصد و هفتاد و هفت میلیون ریال وصولی داشته اند.

گمرک

مقررات واردات مرز نشینان

● مقررات واردات مرز نشینان تغییر کرد و بجای آئین نامه هائی که از سال ۱۳۴۵ در باره مرز نشینان کشور اجرا میشد از این پس مقررات تازه ای اجرا می شود.

بر اساس پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب هیئت وزیران در عین حال که تسهیلات تازه ای برای ساکنان واقعی نقاط مرزی کشور در نظر گرفته شد ترتیبی داده شد تا از ترخیص ورود نامناسب کالا های وارداتی به بازار های داخلی جلوگیری شود. ● بموجب تصویب نامه تازه نوع کالا هائی که مرز نشینان میتوانند با استفاده از معافیت و یا به موجب مبادلات مرزی وارد کنند و همچنین میزان آن، تحت کنترل صحیح تری در خواهد آمد.

در مقررات جدید برای اینکه کالا در اختیار خود مرز نشینان قرار بگیرد صدور کارت های شناسائی تحت شرایطی انجام خواهد گرفت و بر اساس این شرایط دست سوداگران از جمع آوری شایسته های مرز نشینان برای ورود و ترخیص کالا ها بدون پرداخت عوارض و حقوق گمرکی و سود بازرگانی کوتاه خواهد شد.

به موجب تغییرات مذکور برای یکایک مرز نشینان مناطق درجه یک و دو دفترچه های شناسائی و برای دریاب نوردان کارت های مخصوص صادر میشود تا این افراد بتوانند با ارائه دفترچه ها و یا کارت های مخصوص خود از معافیت های صدور و ورود کالاهائی که در این آئین نامه قید شده استفاده نمایند.

بر اساس آئین نامه جدید هیئتی مرکب از نمایندگان وزارت اقتصاد، بازرسی شاهنشاهی، ژاندارمری کل و ادارات کل گمرک تحت عنوان « هیئت نظارت نقاط مرزی » اجرای مقررات مرز نشینان و مسافرت به نقاط مرزی را زیر نظارت مستمر قرار خواهند داد و سپس به بررسی اثرات اجرایی این آئین نامه خواهند پرداخت. به موجب این آئین نامه انواع کالا هائی که مرز نشینان ظرف یکسال مجاز به وارد کردن آنها هستند عبارت است از:

انواع برنج - آرد گندم - قند و شکر - روغن های حیوانی - قهوه خام - ادویه نکوبیده (به استثنای زعفران) - چای - پنبه سفید - شیر خشک - انواع بلغور و غلات پوست کنده - ترکیبات رختشویی وصابون طبق سهمیه معین و همچنین یخچال غیر برقی و موتور سیکلت یادوچرخه - مواصلات خنجر دندان - پادبزن و سیمان معمولی به تشخیص هیئت نظارت.

● حق انبار داری

● حق انبار داری کالا های وارداتی به گمرک در بهمن ماه تغییر کرد و از پنجم فروردین ماه سال ۱۳۴۸ حق انبار داری گمرک طبق جدول جدید دریافت خواهد شد.

بر اساس این جدول که به تصویب هیئت وزیران رسیده تاریخ تسلیم اظهارنامه اجمالی یا بارنامه تاریخ نخستین روز ورود کالا به گمرک محسوب میشود و به کالای وارده تأمدت سی روز حق انبار داری تعلق نخواهد گرفت.

به موجب جدول جدید به کالا هائی که پس از سه روز از تاریخ تعلق حق انبارداری از گمرک ترخیص شود برای هر ده کیلو در ازای هر روز پنج دینار و به کالا هائی که بیش از دویست و چهل روز در گمرک بماند برای هر ده کیلو روزی چهل دینار حق انبارداری دریافت خواهد شد.

برکناری مامور بد رفتار ● بدستور وزارت دارائی یکی از ماموران گمرک مهرآباد به سبب بد رفتاری با مسافران از کار برکنار شد.

دادگستری

خانه های انصاف ● با افتتاح چند خانه انصاف جدید در روستا های استان کرمانشاهان - مازندران تعداد خانه های انصاف واقع در این دو استان به ۳۳۲ عدد رسید - همچنین ۱۳ خانه انصاف جدید نیز در روستاهای تابع استان اصفهان و فارس آغاز بکار نمودند - بدین ترتیب تعداد خانه های انصاف سراسر کشور به ۱۵۲۷ واحد رسید.

دادگاه های بخش ● مقدمات تأسیس پنج دادگاه بخش در نقاط مختلف کشور فراهم شد. این دادگاه ها در بخش های گرمی و کلیر در آذربایجان شرقی و سردشت در آذربایجان غربی، اسد آباد در کرمانشاهان و دشت میشان در استان خوزستان دائر خواهند شد.

● لایحه جدید مجازات قاچاقچیان ● به موجب لایحه ای که به مجلس شورای ملی تقدیم

شد کلیه کسانی که به علت عجز از پرداخت جریمه بازداشت هستند آزاد خواهند شد و نیز دارندگان وسایندگان و وارد کنندگان مواد مخدر محکوم به اعدام خواهند گردید.

● وزیر دادگستری در این باره اظهار داشت از تاریخ تصویب این قانون هر کسی ولو برای بار اول تریاک یا هروئین و مرفین و نظایر آن به هر مقدار به کشور وارد کند یا هروئین و مرفین را در کشور بازدارد یا اینکه بطریق غیر مجاز به فروشد و یا اینکه پنجوی از انحاء بیش از یکصد گرم تریاک یا دو گرم هروئین و مرفین از او کشف شود به مجازات اعدام محکوم خواهد شد.

وزیر دادگستری اضافه کرد که بکلیه جرائم مذکور در این قانون و هم چنین جرائم گفته شده در ماده چهار قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش یعنی وارد کردن تریاک و هروئین و مرفین و نظایر آن یا ساختن هروئین و مرفین ولو برای بار اول در دادگاههای نظامی رسیدگی خواهد شد. ● وزیر دادگستری اظهار داشت که به موجب این قوانین راهی برای فرار از مجازات قاچاقچیان اصلی و کمابیکه بفروش یا ساختن مواد مخدر می پردازند وجود ندارد و این افراد به مجازات اعدام محکوم خواهند شد.

کشت خشخاش برای افراد کماکان ممنوع است و در هر جا که کشت غیر مجاز دیده شود به وسیله ماموران ژاندارمری معدوم خواهد شد و مرتکب نیز به مجازات مقرر محکوم خواهد گشت.

هفدهمین سالروز تأسیس قانون وکلای دادگستری ● فعالیت قاطبه وکلای دادگستری تنها کمک به عدالت و پیشرفت کار قضائی نبوده است، بلکه این گروه در تمام شئون مملکت و پیشرفت کشور کمک های بسزائی کرده اند.

مراسم هفدهمین سالروز تأسیس قانون وکلای دادگستری عصر روز ۷ اسفند ماه جاری در محل کانون باحضور آقای نخست وزیر و وزیر دادگستری و جمعی از اعضای هیئت دولت انجام شد.

در این مراسم آقای احمد هومن رئیس کانون وکلای دادگستری از طرف هیئت مدیره کانون از زحمات رئیس پیشین کانون وکلای دادگستری که بالغ بر پنجاه سال مسؤولیت این کانون را برعهده داشت قدردانی کرد و گفت: در کشور های مرفقی کانون وکلای دادگستری واحد مرفقی فعال اجتماعی است و کشور ما هم نمیتواند از این امر مستثنی باشد خصوص که وکلای دادگستری از جان و دل با انقلاب و تحول عظیمی کدر تمام شئون

مملکت به رهبری شاهنشاه آریامهر انجام گرفته است همگام هم صدا و همکار بوده اند.

پس از سخنان رئیس کانون وکلای دادگستری، آقای پرتو وزیر دادگستری گفت: برای دادگستری یک وکیل خوب بهترین یار و یاور است. زیرا او است که در دادگاه حق مظلوم را از متجاوز می گیرد و به مظلوم می رساند. ایشان سپس به نقش وکلای دادگستری اشاره کرد و گفت: نقش وکیل روز به روز بیشتر محسوس میشود.

آنگاه آقای هویدا نخست وزیر اظهار داشتند: حضور اینجانب در این محل تنها معرف علاقه و احترام شخص من نیست به آقایان وکلای دادگستری و کانون آنهاست بلکه احترامی است که دولت به قاطبه وکلای دادگستری میگذارد و بخاطر سهمی است که وکلای دادگستری در پیشرفت مملکت دارند.

من از نزدیک مشاهده کرده ام که فعالیت وکلای دادگستری نه تنها کمک به عدالت و پیشرفت قضائی است، بلکه در تمام شئون و پیشرفت های مملکت موثر بوده است و به همین جهت است که شاهنشاه در این مورد همیشه عنایاتشان را به آقایان وکلای دادگستری و به کانون وکلا ابراز فرموده اند.

سمینارها و کنفرانسها

برای بررسی فعالیت و آشنائی مسئولین امور به روش های نوین و نیز هماهنگی ساختن کارهایی که انجام می پذیرد سمینارهای متعددی در تهران و شهرستانها تشکیل شد که برای آگاهی خوانندگان «تلاش» تنها به ذکر سمینارهای متشکله و نوع فعالیت آنها می پردازیم:

● سمینار ارزیابی طرحهای اقتصادی در مدت ۲۸ روز به بحث و گفتگو پرداختند.

● سمینار آموزش گروه های آبادانی استان مازندران با شرکت ۲۰۰ تن از دهیاران، مروجین کشاورزی و سپاهیان انقلاب

● سمینار بررسی مشکلات زندانیان آزاد شده در تهران.

● کنفرانس مدیران کل و روسای ادارات کل اصلاحات ارضی در تهران.

● سمینار سهیم کردن کارگران در سود ویژه کارگاه ها در تهران

● سمینار اعضای هیئت مدیره اتحادیه های تعاونی راه آهن ایران در اهواز

● سمینار آموزشی پنجروزه اعضای انجمن های دهیانات و گروه های آبادانی استان

● کنفرانس شرقی در اردبیل

● سرپرستان ترویج کشاورزی استان اصفهان و فرماندای کل چهار محال بختیاری

● سمینار سیمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

در این کنفرانس آئین نامه اجرایی قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعان مستاجر که قانون آن اخیراً بتصویب مجلسین رسیده است مورد بررسی نهایی قرار گرفت.

● سمینار سالانه مدیران سپاهیان بهداشت استانها و فرماندایهای کل در تهران.

● سمینار کارگاههای صنایع تبدیل مواد غذایی (میوه و سبزیجات) و بازار

یابی که از طرف وزارت تولیدات کشاورزی در تهران تشکیل یافت.

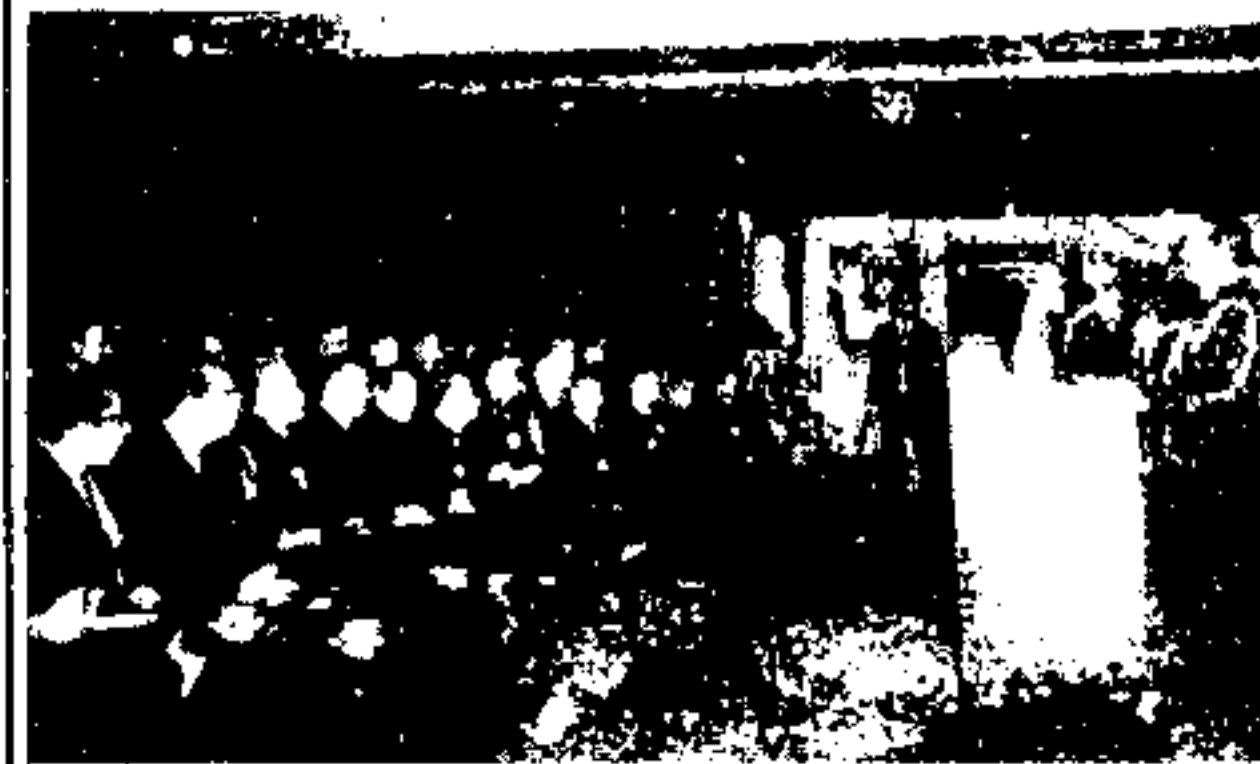
● در جلسات ده روزه این سمینار که با همکاری سازمان پیمان مرکزی (سنکو) در کاخ جوانان تشکیل شد در باره

بهبود کیفیت مواد غذایی و افزایش تولیدات کشاورزی و بازاریابی گفتگو هایی بعمل آمد و تصمیماتی اتخاذ گردید.

● سمینار رسیدگی به مشکلات و مسائل پیکار با بیسوادی در شهرستانهای حوزه فرمانداری کل لرستان.

● سمینار سپاهیان انقلاب در استان کرمان.

● سمینار سپاهیان خدمت مامور در منطقه گرگان.



در این کنفرانس آئین نامه اجرایی قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعان مستاجر که قانون آن اخیراً بتصویب مجلسین رسیده است مورد بررسی نهایی قرار گرفت.

● سمینار هیئت نظارت و پی گیری و ارزشیابی در امر آموزش و پرورش.

● کنفرانس آموزشی و توجیهی منطقه ای در استان اصفهان

● در جلسات این کنفرانس که سه روز طول کشید دولت و نه نفر از مسئولان اصلاحات ارضی و تعاون روستائی،

شرکت های سهامی زراعی و خانه های فرهنگ روستائی استانهای بلوچستان و سیستان، کرمان، فارس، اصفهان و فرمانداری های کل چهار

محال بختیاری، بندر عباس، بندر بوشهر و سی و هفت شهرستان تابع این مناطق شرکت داشتند.

● در کنفرانس به کار های انجام شده وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی در سال ۱۳۴۷ رسیدگی

شد و برنامه فعالیت های سال آینده این وزارتخانه نیز مورد بررسی قرار گرفت.

● سمینار پلیس و حقوق بشر

● سمینار پلیس و حقوق بشر که با همکاری کمیته ایرانی حقوق بشر و سازمان پلیس کشور در محل کمیته ایرانی حقوق بشر برگزار شده بود در مدت هفت روز مسائل مورد

بفر خود را مورد بررسی قرار داد. این سمینار با پیام مخصوص والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالی

کمیته ایرانی حقوق بشر افتتاح گردید.

● والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در پیام افتتاحیه خود چنین اظهار داشتند:

یکی از نتایج بزرگ سیاسی و اجتماعی انقلاب مشروطیت و بعد مکتل آن انقلاب بنفید ایران این است که حکومت و قوای مملکتی را از تحت سلطه و نفوذ و استبدادی یک طبقه خارج کرد و افراد فوق

● والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در پیام افتتاحیه خود چنین اظهار داشتند:

یکی از نتایج بزرگ سیاسی و اجتماعی انقلاب مشروطیت و بعد مکتل آن انقلاب بنفید ایران این است که حکومت و قوای مملکتی را از تحت سلطه و نفوذ و استبدادی یک طبقه خارج کرد و افراد فوق

● والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در پیام افتتاحیه خود چنین اظهار داشتند:

یکی از نتایج بزرگ سیاسی و اجتماعی انقلاب مشروطیت و بعد مکتل آن انقلاب بنفید ایران این است که حکومت و قوای مملکتی را از تحت سلطه و نفوذ و استبدادی یک طبقه خارج کرد و افراد فوق

● والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در پیام افتتاحیه خود چنین اظهار داشتند:



مروجان خانداری زنان روستائی

این یا آن طبقه قرار داد. با این تغییر عمیق در ترکیب و ماهیت حکومت هدف کلی تمام فعالیت های دستگاههای حکومت از رعایت و تامین منافع طبقه و گروهی خاص به حراست و حفاظت حقوق عموم مردم تغییر و تبدیل یافت و در نتیجه وظیفه پلیس امروز مثل عس و داروغه دیروز حفظ جان و مال و احترام خانها و اربابها و دوله ها و سلطنه ها و به بهای تجاوز و تعدی بحق حیات و جان و مال توده های مردم نیست بلکه و حیثیت همه مردم وظیفه پلیس میباشد.

پس از پایان قرائت پیام رئیس شهربانی کل کشور نیز در باره کار سمینار مسائلی مطرح داشت و گفت:

«... وظیفه ما است که هر گونه تهیلاتی را فراهم آوریم که مردم از تمام حقوقی که بموجب این منشور به آنها اعطا شده است بهره مند شوند.»

● سمینار راهمنائی کشور

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

بدون تردید خواهند کوشید باز هم راه حلهای عملی تر و بهتر برای حل مشکلات ناشی از این امر جستجو و عرضه نمایند.

● زحماتی که پلیس در این راه میکند بر هیچ کس پوشیده نیست من همیشه شاهد این تلاشها هستم ولی حقیقت این است که مردم هم بایستد خودشان از هر جهت رعایت مقررات و نظم را در آمد و رفت های خود بکنند و با پلیس همکاری نزدیک و صمیمانه داشته باشند.

● میدانید که شهر تهران خیلی بزرگ شده است و به همین نسبت هم مشکلات مأمومما در امر ترافیک افزون گردیده است.

● البته باید بتوانیم راه حل هایی برای رفع این مشکلات پیدا کنیم ولی همانطور که اشاره کردم این باید با کمک و مساعدت همه باشد.

● آقای نخست وزیر در پایان سخنان خود از خدمات شهربانی کل کشور مخصوصاً در سال های اخیر قدردانی نمودند و گفتند:

● همانطور که شاهنشاه آریامهر همواره تاکید می فرمایند وظیفه همه ما و عموم کارکنان دولت این است که در تامین هر چه بیشتر رفاه مردم کوشا باشیم و واقعا از صمیم قلب بخدمت ادامه دهیم.

● قطعنامه سمینار

● سمینار راهمنائی کشور

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● سومین سمینار راهمنائی

● ایجاد شاهراه های کافی در شهر ها برای عبور ترافیک خارج شهر.

● کنترل چراغهای راهنمایی با دستگاه مرکزی (کمپیوتر).

● خودداری از تمرکز تاسیسات دولتی و ملی در هسته مرکزی شهر تهران.

● تسریع در انتقال موسسات مافبرری و باربری بخارج شهر.

● مطالعه برای نصب پارکومتر در هسته مرکزی شهر.

● احداث فوری تونل های معاینه خودکشیار (الکترونیک) در تمام شهرستان های بزرگ مملکت وسیله شرکت های بیمه - شهرداری ها و بخش خصوصی.

● بررسی فوری برای افزودن سطح سواره رو در بلوار الیزابت و ایجاد معبر زیر زمینی در میدان ولیعهد برای عبور اتومبیلها

● ایجاد سرویس کنترل عبور و مرور وسیله هلیکوپتر

● افزایش کیت و کیفیت کادر راهنمایی برای اجرای پی گیر مقررات عبور و مرور

● تعلیم مقررات عبور و مرور بکلیه طبقات مردم بطور مستمر.

● بررسی فوری برای احداث پارکینگ های بزرگ وسیله شهرداری و بخش خصوصی در هسته مرکزی شهر و تفریحگاهها.

● جلوگیری از هر گونه سد معبر در پیاده رو ها و ترمیم فوری خرابیهای آن.

● شناسائی ترافیک به عنوان یک عامل اقتصادی و سرمایه گذاری کافی در آن.

● شناسائی عادات و آداب قشر های گوناگون جامعه و جمعیت شناسی وسیله مراکز تحقیق دانشگاهها جهت تنظیم برنامه پیش گیری از واکنش های ناشایسته افراد در امر عبور و مرور

● تهیه و تدوین برنامه ۲۵ ساله برای ترافیک کشور.

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

● پیاده روی

پیشاهنگی

پیام علیاحضرت شهبانو

● علیاحضرت شهبانو سرپرست عالیله پیشاهنگی دختران کشور روز ۲۷ بهمن ماه به مناسبت هفته کار پیشاهنگی پیامی باین شرح فرستادند:

● هموطنان گرامی پیشاهنگان عزیز.

● هفته کار پیشاهنگی همه ساله از ۲۷ بهمن ماه آغاز میشود و در روز سوم اسفند که برای ایران روز تاریخی و بزرگی است پایان می پذیرد این خود فرصتی است مناسب که بار دیگر در باره اهمیت کار و نقش اساسی آن در پیشبرد هدفهای مقدس ملی و اجتماعی خود باشما سخن بگویم.

● بشر رسانیدن اصلاحات و انقلاب بزرگی که بهمت و رهبری خردمندان شاهنشاه آریامهر آغاز شده است بدون شک به عوامل

● پیشاهنگی

● پیشاهنگی

● پیشاهنگی

● پیشاهنگی

● پیشاهنگی



بیشاهنگان دختر

اجرائی مجهر روی سیرمد است. این عوامل اجرائی باید از نظر معلومات مطلع تر و از نظر کیفیت باایمان و معتقد تر بوده همچنین از نظر پی گیری و ثبات قدم افرادی متکی به نفس و کوشا باشند. زیرا بمرزبان افزایش امکانات ترقی و صنعتی شدن کشور در کیری ها و مضلات بیشتری دامن گیر مملکت خواهد شد. از اینرو ارمانهای قلبی ما ملت هرگز بنحو مطلوب برآورده نخواهد شد مگر اینکه سعی کنیم برای مواجه شدن با مشکلات افرادی دانا پرکار و باایمان تربیت نماییم تا بتوانند باعزمی راسخ باحوادث مبارزه کنند و برانها فایق آیند.

هفته کار پیش آهنگان یکی از عواملی است که فرزندان ما را با مشکلات زندگی مواجه نموده و با کار کردن و ایجاد درآمد از راه کار شرافتمندانه آشنا میازد.

طیبا جوانی که از نیروی بازوی خود دستمزدی دریافت مینماید بتدریج بارزش این درآمد بیشتر توجه میکند و بالتسبیح در خرج آن حتی الامکان راه صرفه جویی را میبوید و این خود یکی از هدفهای مهم پیشاهنگی است که بنوبه خویش از اسرار پیشرفت هر ملی محسوب می شود.

لذا بمناسبت هفته کار پیشاهنگی و اهمیت فلسفهای که این هفته در بر دارد از همه هموطنان گرامی مخصوصا مادران و پدران

عزیز، مربیان و معسین دلسوز و زحمتکش انتظار دارم برای پیشبرد مقاصد تربیتی و هدفهای پیشاهنگی و وادار ساختن جوانان به کار و کوشش از هیچگونه کمک معنوی نسبت به سازمان ملی پیشاهنگی ایران دریغ نورزند و اطمینان داشته باشند که سعادت فرزندان شان سعادت ایران عزیز است.

از خداوند متعال موفقیت همه پیش آهنگان عزیز را خواستارم.

هفته کار پیشاهنگی ایران ● با پیام علیاحضرت شهبانو (هفته کار پیشاهنگی ایران) در سراسر کشور آغاز شد و به همین مناسبت در مدارس تهران و سایر شهرستان های کشور از طرف پیشاهنگان برنامه هایی اجرا گردید.

تشکیل يك اردو ● يك اردوی آموزش پیش آهنگی برای سپاهیان دختر که دوره تعلیماتی خود را در کرمانشاه میگذرانند در شهرستان قمر شیرین تشکیل شد.

در این اردو که دو روز طول کشید دختران سپاهی دانش با چگونگی فعالیت های پیش آهنگی و روش برگزاری اردو ها آشنا شدند.

اصلاحات ارضی خانه های فرهنگ روستائی ۲۲ خانه با ۴۹ هزار جمعیت در يك ماه گذشته مقدمات تاسیس چند خانه

فرهنگ روستائی در روستاهای مختلف کشور فراهم گردید که از آنجمله میتوان از این موارد نام برد :

— خانه فرهنگ روستائی روستای شیشه در اهواز با جمعیتی در حدود ۱۲۰۰ نفر.

— خانه فرهنگ روستائی وابسته به شرکت سهامی زراعی آریامهر در استان فارس با جمعیتی در حدود ۸۶۰ نفر.

— خانه فرهنگ روستائی وابسته به شرکت سهامی زراعی فرخ در استان کردستان با جمعیتی در حدود ۲۵۰۰ نفر.

— خانه فرهنگ روستائی وابسته به شرکت سهامی زراعی رضا پهلوی در استان کرمانشاهان با جمعیتی در حدود ۱۶۰۰ نفر.

— خانه فرهنگ روستائی وابسته به شرکت سهامی زراعی سهند در چهارمحال بختیاری با جمعیتی در حدود ۵۰۰۰ نفر.

— خانه فرهنگ روستائی وابسته به شرکت سهامی زراعی کلیانگان در استان اصفهان با جمعیتی در حدود ۱۳۵۰ نفر.

و نیز سه خانه های فرهنگ روستائی دیگر در استان های فارس، مرکز، خراسان باید اضافه نمود که تاکنون جمعا مقدمات تشکیل ۲۶ خانه فرهنگ روستائی در نقاط مختلف کشور فراهم شده که پس از شروع بکار مورد استفاده چهل و یک هزار و یکصد و نشت نفر از روستائیان مملکت قرار خواهد گرفت.

تشکیل شورای عالی انجمن ملی خانه های روستائی ● شورای عالی انجمن ملی خانه های فرهنگ روستائی يك جلسه فوق العاده به ریاست آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی و نیابت ریاست عالی این انجمن تشکیل داد.

در این جلسه ابتدا آقای ولیان وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستائی و دبیرکل انجمن در باره فعالیت های انجام شده انجمن ملی خانه های فرهنگ روستائی گزارشی داد سپس آئین نامه اجرائی خانه های فرهنگ روستائی مورد بحث و رسیدگی قرار گرفت و بتصویب رسید.

واگذاری شالیزار به روستائیان ● از آغاز سال ۴۷ تا پانزدهم ماه بهمن هزار و ۳۸۲ هکتار شالیزار مازاد برسی هکتار در استان های گیلان و مازندران خریداری شد و میان زارعان صاحب نسق تقسیم گردید.

خرید این مقدار شالیزار در اجرای تبصره ششم از ماده اول مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی صورت گرفته است.

بیمه اجتماعی روستائیان

● در مورد بیمه اجتماعی روستائیان لایحه ای تنظیم و برای تصویب تسلیم مجلسین شده است که در صورت تأیید و تصویب پیش از دو سوم مردم ایران از مقررات بیمه های اجتماعی برخوردار می شوند.

● بموجب این لایحه سازمانی بنام (سازمان بیمه های اجتماعی روستائیان) به وسیله وزارت اصلاحات ارضی تشکیل خواهد شد.

● این سازمان که دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و طبق اصول بازرگانی اداره خواهد شد موظف خواهد بود روستائیان سراسر کشور را که صاحب نسق های زراعی خود هستند و یا بعدا صاحب نسق خواهند شد یا خانواده آنها در مقابل حوادث ناشی از کار، بیماری، فوت ها، از کار افتادگی، فوت و سایر موارد بیمه های اجتماعی بیمه کند.

لایحه همچنین شرکت های تعاونی روستائی و شرکت های سهامی زراعی و واحد های روستائی را مکلف میکند روستائیان حوزه عملیات خود و یا تابع خود را نزد سازمان های بیمه های اجتماعی روستائیان بیمه کنند و مسئول پرداخت حق بیمه آنان باشند.

در روستا ها و یا واحد های روستائی که مقررات این قانون بمورد اجرا گذاشته میشود دو در صد وصولی انجمن های دهات برای اصلاح امور اجتماعی و عمران روستا ها به سه در صد افزایش مییابد و يك درصد اضافی در اختیار سازمان بیمه های اجتماعی روستائیان قرار میگردد.

قسمتی از درآمد سازمان بیمه های اجتماعی روستائیان نیز از محل درآمد های حاصل از وجوه و اموال منقاع به سازمان و درآمد های حاصل از بیمارستان ها و اسپتال ها و درمانگاه های سازمان که مملکت از انخاص بیمه شده عاید گردد تحصیل می شود.

این لایحه که در بیست و دو ماده تنظیم شده به مدت پنج سال بطور آزمایشی به مرحله اجرا در می آید و در این مدت مشکلات و نقایص آن بررسی میشود و تجدید نظر های لازم برای تصویب به کمیسیون های اصلاحات ارضی و تعاون روستائی مجلسین پیشنهاد میگردد.

ارتش، ژاندارمری و شهربانی ● ارتش و ژاندارمری و شهربانی ستاد بزرگ ارتش و

که طی يك دعوت رسمی به مراکش رفته بود دیدار و ملاقات های فراوانی در این سفر بعمل آورد. اهم این ملاقاتها عبارت بودند از ملاقات با وزیر دفاع مغرب در شهر رباط - بازدید از آرامگاه اعلیحضرت محمد پنجم پادشاه فقید مغرب و مسجد حسن دوم در رباط، ملاقات با اعلیحضرت حسن دوم پادشاه مغرب، دیدار از سازمان هاویگان ارتش کشور مغرب و پس از این بازدید به کشور فرانسه عزیمت کردند و از آنجا عازم کشور عراق شدند. دیدار از کشور عراق بدعوت رئیس ستاد ارتش این کشور صورت گرفت ایشان از قسم های مختلف دانشکده افسری و دانشگاه جنگ عراق، طاق کسری دیدن کرده و در چند خنیاقت که بافتخار ایشان داده شده بود شرکت نمودند. تیسار ارتشید آریانا در کشور عراق با جمعی از مسئولین و صاحب منصبان نظامی این کشور ملاقات و مذاکراتی به عمل آوردند. تیسار ارتشید آریانا پس از يك اقامت شش روزه در عراق عازم ایران شدند.

بازدید ناوگان شوروی از سواحل ایران ● ناوگان اتحاد جماهیر شوروی برای يك بازدید دوستانه از آبهای ایران وارد اسکله جدید بندر عباس در خلیج فارس شد. فرمانده این ناوگان بهمه دریابان کریسلر است و ناوگان شامل دو ناو جنگی - يك ناو مخابراتی و يك ناو نفتکش است. استاندار استان ساحلی و بنادر جنوب و جزایر خلیج فارس و دریای عمان باتفاق روسای سازمان های اداری بندر عباس و فرماندار این شهر از ناوگان شوروی دیدن کرد و پس از آن يك مابقیه دوستانه و الیبال بین تیم ناویان ناوگان شوروی و تیم کلتی نیروی دریائی بندر عباس برگزار گردید.

از طرف سر فرماندهی ناوگان اتحاد جماهیر شوروی در شب ورود ناوگان به بندر عباس نیز میهمانی شامی بافتخار مسئولین امور کنوری بندر عباس ترتیب یافت و در شب بعد نیز ضیافت از طرف استاندار جزایر و بنادر ساحلی بافتخار سرنشینان ناوگان مذکور ترتیب یافت.

اعطای نشان ● در حضور والا حضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ریاست عالی شورای عالی و وزیری های مسلح شاهنشاهی آئین اعطای شان به افسرانیکه در امر پیشبرد ورزش دریوی های مسلح شاهنشاهی کوشش کرده اند انجام شد.

الزام برای گرفتن برك معاینه ● شهربانی استان مرکز اعلام کرد از این پس هنگامی به رانندگان تاکسی و کرایه تهران و حومه برك معاینه وسیله نقلیه داده میشود که گواهی شرکت در کلاس آموزش مقررات راهنمایی و

رانندگی را ارائه دهند.

کارگاه حرفه ای ژاندارمری ● آقای هویدا نخست وزیر ضمن بازدید از کارگاه های فنی و حرفه ای ژاندارمری کسل کشور در هسرسرای مقدمانی ییبهانی گفتند : مملکت ما با سرعت زیادی پیش میرود و اطمینان دارم در سال هائی که در پیش داریم باین سرعت افزوده خواهد شد.

قبل از بازدید طی مراسمی که در محل این هسرسرا برگزار گردید خانم دکتر فرخ زو پارسای وزیر آموزش و پرورش و بیمار سپید اویسی فرمانده ژاندارمری گل رکشور و معاون فنی وزارت آموزش و پرورش نیز درباره تشکیل کلاسهای فنی و حرفه ای مطالبی بیان دانستند و در پایان هنرآموزان و هنرجویان سازمان تعلیمات فنی حرفه ای سید ثانی به آقای نخست وزیر اهداء نمودند - در این هنگام آقای هویدا ضمن سخنانی گفتند : دیری که وزارت آموزش و پرورش در توسعه و گسترش کار حرفه ای شروع کرده قابل تقدیر است و انتظار دارم طی سال هائی که در پیش داریم تعداد جوانان ما که در سطح مملکت در آموزشگاه های حرفه ای تعلیم خواهند نید برآب بیشتر شود.

انتظار ما با توجهی که در کار های فرهنگی بعد از انقلاب آموزشی بوجود آمده این خواهد بود که با سرعت و علاقه بیشتر در مورد حرفه ای کردن افراد شروع بکار کنیم و گسترش تعلیمات حرفه ای را به وسیله بخش خصوصی و مردمی که بآن علاقه دارند ببحو بهتری ادامه دهیم.

آقای نخست وزیر سپس با اشاره به اهمیت همکاری وزارت آموزش و پرورش و ژاندارمری کل کشور در تعلیم آموزش حرفه ای گفتند : در مذاکراتی که عیبه در باره توسعه کار های حرفه ای با مسؤولان داشته ام تذکره داده ام که باید از وسائی که در دست داریم استفاده بیشتری بکنیم و بودجه مملکت برای توسعه بخش هایی منظور شود که به آن بخش ها نیاز بیشتری احساس می شود.

آقای نخست وزیر در پایان سخنان خود گفتند : برهبری شاهنشاه آریامهر مملکت ما با سرعت بسیار زیادی پیش میرود و اطمینان دارم در سال های آینده باین سرعت افزوده خواهد شد.

شهر و شهرداری نقشه جامع شهر تهران ● محدوده بیست و پنج سال آند با بیخت که روی نقشه مشخص شده است در انجمن شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت.

براساس نقشه جامع که برای ۲۵ سال آینده تهران در دست تهیه است مبلغ چهار میلیارد و نهصد و نوزدهم



نقشه جامع شهر تهران که در آن حدود تهران بزرگ مشخص شده است

اسنادی و بررسی از طرف شهرداری در اختیار سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم ایران گذارده خواهد شد و نیز یازده دستگاه سرد کننده برای حمل گوشت خریداری میگردد.

نقشه راهنمای شهر تهران
● برای راهنمای جهانگردان و مسافرانی که تازه به تهران می آیند بیست هزار جزوه «راهنمای تهران» انتشار یافت.

در این جزوه که توسط شهرداری پایتخت تهیه شده مشخصات کامل ادارات و سازمان های دولتی، باشگاه ها، بیمارستان ها، بنگاههای مسافری، باجه های پست و تلگراف و تلفن، بانکها، هتلها، فروشگاهها، سینما ها، آثار و ابنیه تاریخی، پارکهای عمومی و گردشگاه های پایتخت منمکی شده است.

اسفالت خیابانهای تهران
● شهرداری پایتخت اعلام کرد که طرح تازمائی برای اسفالت خیابانهای پایتخت مورد بررسی و اجرا قرار گرفته است. نخستین مرحله طرح لکه گیری و فرورفتگی های خیابانها است که در اثر بارندگی و یخبندان زمستانی ایجاد شده و هم اکنون در حال اتمام است. پس از آن اسفالت خیابانهای فرعی روکش خواهد شد و مرحله سوم که از اول سال ۱۳۴۸ آغاز میگردد تجدید اسفالت خیابان های مرکزی و اصلی پایتخت است.

استخدام کارشناس
● انجمن شهر تهران به شهردار پایتخت اختیار داد تا یک کارشناس ایرانی برای مطالعه در باره میل های تهران در شهرداری استخدام نماید. کارشناس مذکور وظیفه دارد که وضع میل های تهران را بطور کامل بررسی نماید و نتیجه اقدامات خود را طی گزارشی به شهردار پایتخت تسلیم کند.

درخت رایگان

● شهرداری پایتخت برای کمک به ایجاد فضای سبز و زیبائی تهران، درخت رایگان در اختیار اهالی شهر قرار داده است. در اطلاعیه ای که از طرف شهرداری انتشار یافت از آن دسته از ساکنان پایتخت که مایل به غرس درخت در خانه ها و جلوی ساختمان های خود هستند دعوت شده است که به نواحی دهگانه شهرداری مراجعه کنند و نهادهای مورد نیاز خود را دریافت دارند.

روابط خارجی

دیدار و ملاقاتهای سیاسی
● در فاصله بین انتشار شماره های ۱۴ و ۱۵ تلاش در زمینه بسط روابط با کشور های خارجی کامهای جدیدی برداشته شد که ملاقات و گفتگو های نمایندگان و شخصیت های سیاسی کشور های خارجی و نیز دیدار های سفرای مقیم دربار شاهنشاهی با آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران قسمتی از این برنامه را شامل بود طبق اظهار سخنگوی وزارت امور خارجه ایران این افراد در ماه گذشته با آقای اردشیر زاهدی مذاکره و گفتگو کردند.

● آقای مک دوگال رئیس منطقه ای یونیسف در بیروت با تفاق آقای نوربرگ نماینده یونیسف در ایران - سفیر ژاپن در دربار شاهنشاهی - سفرای هند و رومانی مقیم دربار شاهنشاهی - سفرای چین و یوگسلاوی مقیم دربار شاهنشاهی - آقای آل یاسین سفیر عراق در دربار شاهنشاهی آقای منمنجی اغلو دبیر کل سازمان پیمان مرکزی سنتو و آقای مالیو عضو پارلمان انگلستان و دبیر کل جمعیت جهانی طرفداران حکومت پیمان همکاری منطقه ای و سنتو مصاحبه نخست وزیر ترکیه

همکاری منطقه ای و کمیته اجرائی این شورا روز های ۲۸ و ۲۹ بهمن ماه در استانبول تشکیل جلسه داد. در جلسات این شورا مسائل مربوط به شرکت بخش خصوصی در طرح های صنعتی سازمان همکاری عمران منطقه ای با شرکت نمایندگان ایران، پاکستان و ترکیه مورد بررسی بیشتر قرار گرفت. بنا به توصیه گروه کار راسر و مصوبات سران سه کشور عضو منطقه در کنفرانس اخیر کراچی مقامات بخش خصوصی می توانند راسا یا با همکاری جمعی سایر بازرگانان و صاحبان صنایع سه کشور در هریک از پنجاه و چهار طرح مشترک صنعتی سازمان که در اصل به تصویب سه دولت عضو رسیده است فعالانه شرکت جویند.

دبیر خانه سازمان همکاری عمران منطقه ای گزارش داد که مقامات بازرگانی و صنعتی ایران، پاکستان و ترکیه از این تصمیم استقبال کرده اند و در جلسات شورای اطاق مشترک بازرگانی و صنعت سازمان در اجلاسیه خود در ترکیه نیز به بررسی بیشتر فعالیت بخش خصوصی در طرحهای منطقه ای پرداختند.

ساروز پیمان مرکزی سنتو
● به مناسبت چهاردهمین ساروز تشکیل سازمان پیمان مرکزی «سنتو» آقای «من-منچی اوغلو» دبیر کل این سازمان پیامی فرستاد و طی آن هدفها و برنامه های سنتو را تشریح کرد.

آقای منمنجی اوغلو در پیام خود ایران، پاکستان و ترکیه (کشور های منطقه ای سنتو) را به عنوان «پل و کلید» شبه قاره نام برد و ضمن اشاره به شرایط ایجاد پیمان سنتو گفت:

این سازمان طی مدت فعالیت خود در راه تأمین و استقرار صلح و امنیت منطقه خدمات بزرگی انجام داده است.

دبیر کل سنتو در پیام خود فعالیت های علمی، فنی و اقتصادی این پیمان را تشریح کرد و گفت: برنامه های سازمان پیمان مرکزی موجبات همکاری های وسیعی را بین کشور های منطقه ای عضو در



دبیر کل پیمان مرکزی

زمینه های مختلف فراهم ساخته و در راه جهش و پیشرفت این کشور هاسومند واقع شده است.

موافقتنامه ها

موافقت نامه فرهنگی ایران و لهستان
● وزارت امور خارجه اطلاع داد که اسناد تصویب موافقتنامه فرهنگی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری ملی لهستان در اواخر بهمن ماه مبادله شد و از همان تاریخ لازم الاجرا گردید. موافقت نامه مذکور در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۴۷ در تهران با امضاء رسید و اسناد تصویب آن در تاریخ ۱۸ بهمن ماه بین سفیر شاهنشاهی آریامهر در ورشو و معاون اول وزارت امور خارجه لهستان مبادله گردید.

ایران و مجارستان
● اسناد تصویب موافقت نامه فرهنگی ایران و مجارستان بین مدیر کل امور فرهنگی و اجتماعی وزارت امور خارجه و سفیر مجارستان در تهران در کاخ وزارت امور خارجه مبادله شد.

موافقتنامه فرهنگی ایران و مجارستان در تیر ماه سال ۴۷
در بوداپست با امضای آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران و وزیر امور خارجه مجارستان رسیده بود. تشکر مدیر روزنامه دیلی اکسپرس از ایران

مدیر روزنامه «دیلی اکسپرس» ترتیب دهنده
سابقه بزرگ اتومبیل رانی لندن، سیدنی طی شرحی که به سفارت شاهنشاهی در لندن نوشت متذکر شد که موفقیت این واقعه مهم ورزشی مرهون کمکهای دولت ایران و همکاری باشگاه اتومبیل رانی و جهانگردی ایران است.

مدیر «دیلی اکسپرس»
در نامه خود از کمک و پشتیبانی دولت شاهنشاهی در برگزاری این مسابقه اظهار قدردانی کرده است. آقای «ولینسکی» یکی از شرکت کنندگان در مسابقه اتومبیل رانی «لندن-سیدنی» نیز طی نامه ای از همراهی ها و مساعدتهای ماموران دولت شاهنشاهی نسبت به خوش و سایر سرشمینان اتومبیلش ابراز امتنان کرد و در نامه اش احساسات دوستی و میهمان نوازی گرم مردم ایران را مورد ستایش قرار داده است.

سفیر آلمان در شیراز
● قسمتهای مختلف دانشگاه پهلوی شیراز مورد بازدید

سفیر آلمان فدرال در دربار شاهنشاهی قرار گرفت. سفیر آلمان فدرال هنگام بازدید از دانشگاه پهلوی با آقای هوشنگ نهاوندی رئیس این دانشگاه ملاقات و در زمینه همکاری فرهنگی آلمان فدرال با دانشگاه مزبور مذاکراتی به عمل آورد. کنفرانسی از کشور های جنوب شرقی آسیا

● دهمین اجلاس شورای مشورتی اتحادیه های بین المللی شرکتهای تعاونی برای کشور های جنوب شرقی آسیا در تهران گشایش یافت.

● در این اجلاسیه نمایندگان یازده کشور آسیائی عضو شورا شرکت داشته و در باره هم اهنگ کردن اقدامات تعاونی، اتخاذ روش واحد تعلیماتی، ترویج شیوه اقتصاد تعاونی، برق رازی روابط بازرگانی بین شرکت ها و همچنین نحوه کمکهای مالی و فنی به آنها بحث و تبادل نظر گردید جلسات این شورا سه روز طول کشید. نمایندگان کشور های عضو شورای مشورتی اتحادیه بین المللی شرکت های تعاونی برای کشور های جنوب شرقی آسیا، بدعوت شرکت تعاونی مصرف «سبه» به ایران آمده و جلسات شورا نیز در باشگاه بانک سبه تشکیل گردید.

رادیو

چهار گوشه جهان

یکی از برنامه های صدای ایران که هر روز از ساعت ۳۳ دقیقه به مدت یک ساعت پخش میشود برنامه «از چهار گوشه جهان» است که شنوندگان آن بیشتر طبقات روشنفکر و دانشجویان هستند.

این برنامه در اداره تفسیر و گزارش های رادیوئی خبرگزاری پارس تهیه و تنظیم میشود و مجموعه ایست از اطلاعات علمی و هنری برای تهیه مطالب این برنامه مترجمین با استفاده از نشریات خارجی برای هر روز گلچینی از مطالب را از زبان های خارجی، به فارسی ترجمه می کنند.

سرپرستی این برنامه بهمد احمد سمیعی است.

و مترجمینی که در تهیه مطالب این برنامه همکاری دارند عبارتند از آقایان سرداری سردودی مهندس حبیبی، لادین و دکتر مویبی، شما تهیه کننده این برنامه آقای منوچهر کاوه زاده است و گویندگی برنامه را هم خانم امیرمهر و آقای مرتضی اخوت بهمد دارند.

در برنامه از چهار گوشه در آینده نزدیک هر هفته بخشی هم بمعرفی بهترین کتاب ها اختصاص داده خواهد شد. یکی دیگر از برنامه اداره تفسیر و گزارش های رادیوئی



خانم مرضیه

خبرگزاری پارس برنامه «نگاهی به مطبوعات» است. این برنامه مجموعه ایست از مطالب جرائد صبح و عصر تهران. و هرروز صبح در ساعت ۷:۱۵ دقیقه و عصرها بعد از اخبار ساعت ۲۰ پخش میشود. سرپرستی این برنامه را هم آقای احمد سیمی بهمه دارند. و همکاران ایشان در این برنامه عبارتند از آقایان منصور شمس، منوچهر کاوه زاده و علی اکبر طارمی.

جلب سیاحان

کلاس هتلداری
● از طرف سازمان جلب سیاحان کلاس هایی بمنظور آموزش ضمن خدمت برای سی و پنج تن از مدیران داخلی و مامورین پذیرایی هتل ها در مرکز آموزش خدمات جهانگردی آن سازمان تشکیل گردید.
مدیران و ماموران پذیرایی هتلها طی دو ماه تعلیم با اصول معمول مدیریت هتل آشنا میشوند.

پست تلگراف تلفن

● ارتباط تلفنی کاریر بین قلمه نو - شاهرود و قلمه نو - تهران برقرار شد.
● دفاتر پستی رینه در دماوند و ایزده و نشتارود در استان مازندران به دفاتر پست و تلفن تبدیل شد.
● کار تهیه و نصب دستگاه های تله تایپ در فسا، کنگاور، بازرگان و برازجان پایان یافت و بهره برداری از آنها آغاز شد.
● ارتباط تلفنی کاریر بین تبریز - خانه افتتاح شد.

آب و برق

● سازمان آب و برق خوزستان اعلام داشت که ایستگاه برق و خط انتقال نیروی برق شرکت پتروشیمی آبادان آماده بهره برداری است. در این ایستگاه دو ترانسفورماتور هر کدام به قدرت های ۵۰ هزار کیلووات آمپر نصب شده است و طول خط انتقال نیروی آن پنج کیلو متر باولتاژ صد و سی و دو هزار ولت است. نیروی

توسعه روز افزون نامتناسب شهر، سازمان آب منطقه ای تهران را بران داشت که در تهیه و انتقال آب و ایجاد مخازن جدید و توسعه تصفیه خانه ها و لوله گذاری و تکمیل شبکه و تاسیس و تقویت تلمبه خانه ها پیش از پیش سعی وافق مبذول دارد.

بالتفاوت به اینکه بهای لوازم و دستمزد کارگران افزایش یافته و به علاوه وام های دریافتی باید بازپرداخت شود و درآمد سازمان از محل آب بها و حق انشعاب و دریافت وام از مشترکان به هیچ وجه کافی برای توسعه تاسیسات و تامین آب مستغلاتی که تا حال از آب تصفیه شده بهره مند نشده اند، نخواهد بود و در چنین شرایطی که سازمان آب منطقه ای تهران مواجه با کسر اعتبار و کمبود درآمد است یا باید از قبول درخواست های آب متقاضیان جدید که در چهار سال آینده تا ۱۳۰ هزار انشعاب پیش بینی می شود بکلی صرف نظر می نمود و از تعهدات قبلی خود نیز در قبال وام دهندگان سر باز میزد و یا چاره ای می اندیشید که هم دستگاه سرپا بماند و هم دیگر ساکنین شهر تهران از آب تصفیه شده برخوردار شوند.

روی این اصل ناگزیر به مطالعه پرداخت تا کسر اعتبار خود را از طریق جبران و دریافت وظیفه ای که به عهده دارد توفیق حاصل نماید. از آنجا که تامین هزینه توسعه تاسیسات تماما از طریق وام مجدد از بانکها که بالمال باید پرداخت شود و یا از محل اعتبارات سازمان برنامه بیش از آنچه تاکنون بهره مند شده میسر نگردید و همچنین تحصیل بیشتری بر بودجه عمومی کشور علاوه بر سرمایه ای که هم اکنون برای ساختمان سد ها و انتقال آب آن تا نزدیک شهر به عهده دولت است نیز به نفع متقاضیان آب که بطور خصوصی و شخصی از آن استفاده می کنند موردی نداشت، از اینرو تنها راهی که برای حصول به هدف و نیل به مقصود به نظر رسید این بود که متقاضیان جدید خودشان به قدر مقدور در تامین هزینه توسعه تاسیسات آب تهران که راسا از آن بهره مند می شوند سهمی باشند در غیر این صورت به علت عدم موفقیت سازمان در توسعه تاسیسات این قبیل مشترکان خود به خود از استفاده از آب تصفیه شده محروم می ماندند و مستغلی که آب نداشته باشد قابل سکونت نبوده ارزش نخواهد داشت. بنابراین در حقیقت مشترکان با پرداخت ودیعه که صرف توسعه تاسیسات و آبرسانی می شود کمک بهسازی به خودشان نموده اند و سازمان آب منطقه ای تهران را در انجام وظیفه یاری کرده اند. در عین حال در وضع

توضیح سازمان آب تهران

● سازمان آب منطقه ای تهران با دریافت یکهزار و سیصد میلیون ریال وام از بانک ملی ایران با سود ۴ درصد به مدت بیست و پنج سال مرحله اول تاسیسات آب تهران را احداث و بهره برداری از آنرا در سال ۱۳۳۴ آغاز نمود که بعدا نیز با دریافت یکهزار میلیون ریال وام دیگر از بانک مذکور با همان شرایط در نصب لوله سوم انتقال آب از رودخانه کرج به تهران و تکمیل شبکه آبرسانی اقدام کرد و با آنکه از اواخر سال ۱۳۳۵ از متقاضیان انشعاب، علاوه بر هزینه نصب انشعاب برای توسعه و تکمیل تاسیسات، از هر متر مربع مستغل مورد انشعاب ۷۵ ریال به عنوان وام ده ساله دریافت شده است، سابقا از تاریخ دریافت وام ها گذشته ولی متاسفانه سازمان به موقع خود نتوانسته در استهلاک وام دریافتی و بهره متعلقه، به بانک اقدام نماید، مع الوصف در همین شرایط سازمان مذکور در نصب انشعاب و تامین آب تصفیه شده ۳۵۰ هزار مستغل توفیق یافته است.

● اقدام جدید سازمان آب تهران در مورد افزایش پرداخت مشترکان جدید و گفتگو هایی که در این زمینه در گرفت «تلاش» را بران داشت که برای آگاهی خوانندگان خود علت این تصمیم را که به وسیله سازمان آب تهران بیان شده است در زیر منتشر سازد: افزایش جمعیت پایتخت و

کسانی که قبل از بیستم بهمن ماه سال جاری با پرداخت وجه جزو مشترکان سازمان آب درآمده اند تغییری داده نشده است و فقط متقاضیان جدید مشمول پرداخت متر مربعی ۱۲۵ ریال ودیعه و هزینه نصب انشعاب موضوع آئین نامه جدید می گردند.

راه

● تاکنون حدود ۱۱۰ کیلو متر از کار ریل گذاری خط آهن باد - اصفهان مربوط به پروژه عظیم راه آهن پایان پذیرفته است. ۸۷ کیلو متر از ریل گذاری شرفخانه - قطور در

کمک به دامداران
● دستور آقای هویدا نخست وزیر کمیسیونی برای واگذاری اعتبار های فوری به دامداران دشت مغان در استانداری آذربایجان شرقی تشکیل شد. این کمیسیون کمک های فوری در اختیار دامدارانی که به علت ریزش برف از نظر علوفه احشام در مضیقه قرار گرفته بودند گذارد. براساس این تصمیم (جو) و سبوس نیز به تناسب احشام و وضع مالی دامداران توزیع گردید.
● کشتکاران چغندر قند در سال زراعی جاری پانصد قرار داد با کشتکاران چغندر قند در مناطق اورامانات،



نمونه چغندر در بخش صحنه

سمر و ثیانی و بخش صحنه واقع در استان کرمانشاهان به امضا رسید. این قرارداد ها برای تولید یکصد و هشتاد هزار تن چغندر قند بیسن کارخانه قند بیستون کرمانشاه و کشتکاران مناطق مذکور بسته شده است.

● مساعده به چایکاران وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی گزارش داد که از اول دی ماه ۴۷ تا دهم بهمن ماه بیش از هشتاد و هفت میلیون و پانصد هزار ریال به عنوان مساعده به هفده هزار و پانصد و پنجاه و چهار نفر از کارخانه داران و چایکاران شمال پرداخت شده است. در این مدت همچنین بیش از هفت میلیون و چهار هزار و هشتصد کیلو کود شیمیایی به ارزش چهار و نه میلیون و سی و چهار هزار ریال در اختیار چایکاران شمال گذاشته شده است.

وام به کشاورزان
● بانک کشاورزی ایران اطلاع داد که چهار میلیارد و پانصد و هشتاد و سه میلیون ریال از آغاز امسال تا پایان دی ماه به کشاورزان سراسر کشور وام داده است. این رقم با مقایسه وام پرداختی در مدت مشابه سال گذشته ۵۷۹ میلیون ریال افزایش داشته است. گزارش بانک کشاورزی حاکی از اینست که در این مدت سه میلیارد و هشتصد و بیست و یک میلیون ریال از مطالبات این بانک نیز وصول شده است.
● وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی اعلام کرد که یک کمیته دائمی برای بررسی مسائل مربوط به میوه و سبزی تشکیل خواهد شد.

نقطه در آذربایجان نیز به پایان رسیده است. با ایجاد این خط آهن ایران از طریق شبکه راه آهن ترکیه به اروپا متصل خواهد شد.

● خط آهن اهواز خرمشهر که در ناحیه حسینه بمبیب جریان سیل بسته شده بود باز شد و قطار های مسافری و باربری در آن برقت و آمد پرداختند.

● مقدمات احداث بزرگ ترین پل راه آهن ایران - در مسیر راه آهن ایران - اروپا که از شاهکار های پل سازی در ایران خواهد بود فراهم شده است. این پل چهار صد و بیست متر ارتفاع خواهد داشت و قطر دهانه اصلی آن ۲۲۳ متر خواهد بود.

برنامه نوری
● راه آهن دولتی ایران اعلام کرد که به مناسبت نزدیکی عید نوروز و افزایش تعداد مسافران از بیست و پنجم اسفند ماه برنامه فوق العاده ای برای حرکت قطار های مسافربری اجرا می کند. راه آهن دولتی ایران از روز دهم اسفند ماه بلیط قطار های مسافربری را پیش فروش کرد.

تولیدات کشاورزی

وام به کشاورزان خرید توتون
● یکصد و سی هزار عدل و تون سیگار به وزن بیش از سه میلیون کیلو توسط دخانیات منطقه رضاییه طی دو ماه گذشته از توتونکاران خریداری شده است. این مقدار توتون یکصد و چهل میلیون ریال ارزش دارد.

آقای منوچهر گودرزی که در جلسه افتتاحیه سمینار کارگاه های صنایع تبدیلی مواد غذایی و بازاریابی سخن می گفت افزود که در این کمیته از وجود کارشناسان کشور های عضو سنتو نیز استفاده خواهد شد.

وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی در همین مورد نیازمندی های غذایی ایران را در زمینه میوه و سبزی و راههای تازه ازدیاد این محصولات را یاد آور شد و گفت برای اتخاذ تصمیم در زمینه افزایش تولیدات در سطح کشور لازم است علاوه بر تهیه کنندگان مواد اولیه و متصدیان میدان های فروش و کارخانجات تولید کننده و صادر کنندگان از دانشمندان و استادان با تجربه و همچنین نمایندگان شرکت های تعاونی و مؤولین برنامه ریزی کشور نیز در این کمیته دعوت به عمل آید تا علاوه بر اطلاع از مسائل و مشکلات موجود در جریان وضع عمومی تولید محصولات کشاورزی و برنامه های آینده قرار بگیرند.

● وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی اطلاع داد که دویست و چهل و چهار هزار و سیصد و نود و سه تن گندم از آغاز فصل خرید تا پایان دهم اسفند ۴۷ از شرکت های تعاونی روستایی کشاورزان و خرده مالکان کشور خریداری شده است.

این مقدار گندم با توجه به خرید در مدت مشابه سال گذشته در حدود سیزده هزار و یکصد و هشتاد و نه تن افزایش داشته است.

● تولید واکسن و سرم بنای به اطلاع حاصله موزه واکسن و سرم سازی رازی (حصارک) طی بهمن ماه سال ۴۷ هشت میلیون و هشتصد و سی و هشت هزار و نهصد و پنجاه دز و بیست و یک هزار و شصت و شصت و سه سانتیمتر مکعب مایه و فرآورده های مورد مصرف دام پزشکی تهیه کرده است.

تبریک و تهنیت

● شاهنشاه آریامهر در ماه گذشته طی تلگرامهایی سالروز استقلال کشور های مختلف را تبریک گفتند. متن این تلگرامها بدین شرح است. تلگرام به فرماندار کل سیلان
● حضرت ویلیام گوبالاوا فرماندار کل سیلان، کلمبو، با کمال خوشوقتی به مناسبت سالروز استقلال سیلان شادباش های صمیمانه خویش همراه با بهترین آرزوهای خود را برای تقدردستی و شادکامی شخص آن حضرت و نیک بختی ملت سیلان ابراز می دارم.
● تلگرام به اعلیحضرت پادشاه نیال
● اعلیحضرت ماهندراب بیریکرام شاد دوا، پادشاه

نیال کانداندو،

برای من موجب کمال خوشوقتی است که بهمناسبت سالروز جشن ملی کشور نیال شادباشهای صمیمانه خویش را به آن اعلیحضرت ابرار دارم. تندرستی و شادکامی شخص آن اعلیحضرت و نیکیختی ملت نیال را از معیم قلب آرزو مندیم.

محمدرضا پهلوی

تلگرام روسای ممالک مسلمان
اعلام شد که بهمناسبت عید سعید قربان از طرف پادشاهان و روسای جمهوری کشور های مسلمان جهان و همچنین حکام امارات خلیج فارس پیام های تبریکی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر میخابره شده است.

اعلیحضرت پادشاه افغانستان اعابحضرت پادشاه عربستان سعودی، اعلیحضرت پادشاه اردن هاشمی، حضرت رئیس جمهوری تونس، حضرت رئیس جمهوری کورئاندونزی حضرت رئیس جمهوری پاکستان، حضرت رئیس جمهوری ترکیه، حضرت رئیس جمهوری عراق، حضرت رئیس جمهوری لبنان، حضرت رئیس جمهوری نیجریه، حضرت رئیس جمهوری گینه، حضرت حاکم قطر، حضرت حاکم ابوظبی، حضرت حاکم دوی، حضرت حاکم فجیره، حضرت ولیعهد امارت قطر و حضرت ولیعهد امارت دوی در تلگرام های خود عید بزرگ قربان را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تبریک گفته اند و از طرف شاهنشاه به آنها پاسخ داده شده است.

منابع طبیعی

بهره برداری صنعتی از جنگل براساس موافقتنامه فنی و اقتصادی ایران و رومانی طرح مشترکی در باره مطالعه امکان بهره برداری صنعتی از منابع جنگلی شمال باتوجه به وضع و موقع جغرافیائی جنگلهای آن منطقه تهیه شده است.

در زمینه اجرای این طرح قراردادی بین وزارت منابع طبیعی و یک شرکت رومانی به امضاء رسید که بر اساس آن ۷۹۱۰۰ هکتار از جنگلهای حوزه نکا و ظالم

رود طبق اصول علمی اداره می شود و سپس تحت برنامه منظمی از آن بهره برداری خواهد شد.

ضمناً ترتیبی داده شده است که به تدریج در این منطقه کارخانه های مدرن منابع چوب به وجود آید و از این طریق نیازمندیهای صنعت چوب کشور تامین گردد.

در زمینه تهیه طرح جنگلداری و فراهم کردن مواد اولیه جهت تاسیس منابع مجتمع چوب نیز قرارداد دیگری بین نمایندگان دولتهای ایران و رومانی امضا و مبادله شد و براساس آن طرحی تهیه و بسازمان برنامه ارسال گردید. بموجب این طرح نیز

مساحتی در حدود هشتاد هزار هکتار به منظور بهره برداری توام با تجدید حیات جنگلهای تهیه خواهد شد و در این زمینه مطالعاتی صورت خواهد گرفت.

کارشناسان هیدرولیک

دو تن از کارشناسان هیدرولیک و جنگل کشور انتریش وارد تهران شدند. وزارت منابع طبیعی گزارش داد که این کارشناسان ماموریت دارند تا با تفاق هشتی از کارشناسان این وزارتخانه به مناطق شمالی کشور سفر کنند و طی ده روز اقامت در این مناطق، در زمینه ایجاد کارخانه کاغذ سازی بررسی نمایند.

بهداشت و درمان

در زمینه ریشه کنی بیماری مارلایا

بیش از ۱۲۷ هزار نمونه لام خون از افراد مشکوک به بیماری مارلایا در ۲۳۶۶۹ روستای کشور طی ماه گذشته توسط مامورین بهداشت تهیه گردید.

این لامها در آزمایشگاه های متعدد سازمان ریشه کنی مارلایا که در سراسر کشور پراکنده اند مورد آزمایش قرار گرفت و در صورت مشاهده نمونه های مثبت، پزشکان متخصص مارلایا افراد بیمار را تحت درمان و کنترل قرار دادند.

همچنین برای مبارزه با لارو پشه مارلایا در مساحتی در حدود ۱۵۵۰۰ متر مربع

در برکه و باطلاحا نفت پاشی شده است. این اقدامات به همراه بررسی هایی در زمینه شناخت نوع بیماری (عود یا انتقال یا ابتلای جدید) در یکماه گذشته به عمل آمده است.

درمان بهداشت سبیلزدگان
توسط آقای دکتر شاهقلی وزیر بهداشتی روز ۲۸ بهمن ماه گزارشی از اقدامات بهداشتی و درمانی که در جریان سبیل اخیر خوزستان از طرف این وزارتخانه انجام شده است منتشر گردید.

گزارش وزیر بهداشتی حاکی از این بود که سبیل خوزستان مشکلات متعددی از قبیل بهم خوردن شرایط عادی زندگی خانواده ها و ناراحتی های روحی و جسمی و آلودگی محیط برای مردم این منطقه ایجاد کرده وزارت بهداشتی با شناسایی و برنامه ریزی دقیق به مقابله با آنها شتافت.

فعالیهایی که وزارت بهداشتی در استان خوزستان انجام داد بیشتر در زمینه درمان سبیلزدگان، ایجاد مصونیت در برابر بیماریهای واگیر، تامین بهداشت محیط و آموزش بهداشت بود. فعالیت های مربوط به شناسایی محیط توسط ماموران سپاه بهداشت و ریشه کنی مالاریا انجام گرفت و اطلاعات اولیه مورد نیاز برای اقدامات درمانی نیز توسط این عده جمع آوری شد.

به موجب این اطلاعات مناطق آسیب دیده شامل شهرستانهای اهواز، سوسنگرد، خرمشهر، ماهشهر، شوش و شوشتر بود و برای کمک به سبیلزدگان یک مرکز عملیاتی در اهواز و شوش منطقه عملیاتی در شوش شهر آسیب دیده تشکیل شد و به فعالیت پرداخت. بطور کلی در این مراکز ۲۶۵ نفر از ماموران استان خوزستان و یکصد و چهار نفر از سایر استانها به خدمات درمانی، ایمن سازی، تامین بهداشت محیط و آموزش بهداشت پرداختند و تا تاریخ هفدهم بهمن ماه موفق بانجام خدمات لازم گردیدند.

توصیه وزارت بهداشتی
وزارت بهداشتی اعلام کرد که تهیه کنندگان و فروشندگان و نیز صاحبان مؤسسات حمل و نقل مواد غذایی از این پس در صورت عدم رعایت اصول بهداشت به سه ماه تا یکسال حبس تادیبی محکوم خواهند شد.

وزارت بهداشتی ضمن توصیه به تهیه کنندگان، فروشندگان و مؤسسات حمل و نقل مواد غذایی برای اعمال نهایت دقت در حمل و فرآورده های غذایی گوشزد کرد که عدم مراعات اصول فنی بهنگام حمل مواد غذایی از تهران به شهرستانها و از شهرستانها به تهران موجب فساد فرآورده های غذایی است.

وزارت بهداشتی تاکید کرد که هنگام حمل و نقل کالاهای غذایی باید صحت بسته بندی و درجه حرارت جهت نگهداری شرایط لازم در نظر گرفته

شود و چنانچه این نکات رعایت نگردد صاحب و یا حمل کننده کالا طبق بند ۴ از ماده یک قانون نظارت بر مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی و اصلاحیه ماده ۲ آن به سه ماه تا یکسال حبس تادیبی محکوم خواهد شد.

روز پرستار
انجمن پرستاران ایران اعلام کرد که به مناسبت حادثه زلزله خراسان امسال از برگزاری جشنهای مربوط به روز پرستار خودداری کرده است.

این جشن هر سال در روز پنجم اسفند برای تجلیل از مقام پرستار و یادآوری نقش موز او در خدمت به اجتماع برپا می گردید. اما امسال هزینه این جشنها برای کمک به زلزله زدگان و خرید وسایل ضروری برای آنها اختصاص داده شد.

موفقیت یک پزشک ایرانی

یک پزشک ایرانی مقیم آلمان موفق شد که در رشته فیزیولوژی و فارماکولوژی از دانشگاه «بوخوم» درجه «پرفسور اگرت» دریافت کند.

این پزشک ایرانی «یوسف ابروانی» نام دارد و به موجب گزارش سفارت شاهنشاهی در آلمان فدرال در تمام مدت تحصیل دانشجوی برجستهای بوده و ضمن تحصیل به مطالعات و کاوشهای علمی اشتغال داشته است.

رفع نقائص درمان سرطان

برای رفع نقائص درمانی و به ویژه تشخیص زود رس سرطان کمیونی در مجلس شورای ملی تشکیل شد. در این کمیسیون پیرامون تامین اعتبار لازم برای نصب یک دستگاه بمب کبالت که در دانشگاه اصفهان وجود دارد و نیز برای تاسیس یک آسایشگاه مجهز برای بیماران سرطانی مذاکره شد.

ریاست این کمیسیون را آقای عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی به عهده داشت و در آن نمایندگان مجلس شورای ملی و سناتور های منتخب استان دهم و چند تن از اعضای هیئت مدیره جمعیت مرکزی ملی مبارزه با سرطان حضور داشتند.

رئیس مجلس شورای ملی در این جلسه طی سخنانی آمادگی و علاقمندی کلیه نمایندگان مجلس شورای ملی را برای پیکار با بیماری سرطان ابراز داشت و گفت: ما همگی به این جهاد مقدس و انسانی که به ریاست عالی شهبانوی ایران رهبری می شود ایمان داریم و از بذل هرگونه محابدت نسبت به تامین اعتبارات لازم نه تنها در حوزه انتخابی خود بلکه در سایر استانها مضایقه نخواهیم کرد.

در پایان این جلسه هفت تن از نمایندگان حوزه مذکور به عنوان اعضای کمیته رابط دائمی انتخاب شدند.

علوم و آموزش عالی

جوائز دانشجویان موفق
به دعوت آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی تعدادی از فارغ التحصیلان رتبه اول دانشگاههای کشور در روز هفتم اسفند ماه ۴۷ در دفتر امور دانشجویان وزارت علوم حضور یافته، جوایز خود را دریافت داشتند این جوایز از طرف بنیاد فرهنگی البرز در اختیار وزارت علوم قرار گرفته بود.

بنیاد مزبور به منظور تنویر دانشجویان مبلغ ۲۰۰ هزار ریال به عنوان جایزه به فارغ التحصیلان رتبه اول پاره ای از رشته های مورد احتیاج کشور اعطا می نماید. دانشجویانی که جوایز مزبور بدانان تعلق گرفت عبارت بودند از: آقای جواد ذبیحیان رتبه اول رشته آبیاری و آبادانی از دانشگاه تهران، آقای احمد شایان رتبه اول رشته کشاورزی عمومی از

دانشگاه جندی شاپور، آقای جلال حیدرپور رتبه اول رشته کشاورزی عمومی از دانشگاه تبریز، آقای غلامحسین حق نیار رتبه اول رشته آب و خاک از دانشگاه پهلوی، آقای احمد طالقانی رتبه اول رشته برق و مکانیک از دانشگاه پلی تکنیک، آقای بهروز پرهامی رتبه اول رشته برق از دانشگاه تهران، آقای محمد رضا نورچشمه رتبه اول رشته برق و مکانیک از دانشگاه پهلوی، آقای جمشید فریور رتبه اول رشته راه و ساختمان از دانشگاه تهران، خانم بریرخ نیک اعتقاد رتبه اول رشته آموزش ابتدائی از دانشسرای عالی و آقای اکبر عالم زاده رتبه اول رشته ریاضی از دانشسرای عالی.

سابقات ورزشی
شورایی مرکب از کارشناسان و متخصصین امر ورزش ماموریت یافت که برنامه هایی برای پیشرفت ورزش در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و انجام مسابقه های ورزشی بین دانشگاهها و موسسات آموزش عالی تنظیم نمایند.

نخستین جلسه شورا با حضور آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی در محل

نخستین جلسه شورا با حضور آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی در محل

نخستین جلسه شورا با حضور آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی در محل

این وزارتخانه تشکیل گردید تا نسبت به تنظیم برنامه مسابقه های ورزشی دانشگاهها و موسسات عالی برای سال تحصیلی ۴۸-۴۹ اتخاذ تصمیم نماید.

بازدید وزیر علوم و آموزش عالی از دانشگاههای اصفهان، پهلوی و جندی شاپور

ایشان ضمن سه روز اقامت خود در شیراز، فعالیت های هنری دانشجویان دانشگاه پهلوی دیدن کرد و نیز از دانشکده های ادبیات، علوم و مهندسی، نمایشگاه صنایع الکترونیک کشورهای فرانسه و انگلستان که در دانشکده مهندسی دانشگاه پهلوی دائر شده، بیمارستان های خلیل و نمازی وابسته به دانشگاه پهلوی و نیز بیمارستان و کسرو جراحی استادان و کسرو جراحی بیمارستان پهلوی مورد جراحی قرار گرفته بود دیدار نمود.

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها

شورای مرکزی دانشگاهها



در جشن دانشسرای عالی



مرتج و جنگل

صفحه دوم

است پایان یافت و برای بهره برداری به دانشگاه تهران تحویل شد.

این آزمایشگاهها عبارتند از: آزمایشگاه فیزیکی، شیمی، بیوشیمی، آتمی، آزمایشگاه مطالعه در مورد رادیو اکتیویته موجود در فضا، آزمایشگاه کودهای کشاورزی، و آزمایشگاه مطالعه در باره محافظ های انسان در مقابل خطرات ناشی از تشعشعات مواد رادیواکتیو و آزمایشگاه مطالعه در مورد خواص رادیو اکتیو موجود در مواد معدنی. کلیه آزمایشگاههای مذکور در یک طبقه و با جدیدترین لوازم و وسائل ایجاد شده است. قسمت اداری نیز در دو طبقه ساخته شده و شامل سالن کنفرانس و قسمت مدیریت می باشد. مساحت زیر بنای آزمایشگاهها و قسمت اداری مرکز آتمی دانشگاه تهران به هزار و هشتصد و پنجاه متر مربع می باشد و سی و هفت میلیون ریال برای ایجاد آن به مصرف رسیده است.

دانشگاه تهران در مسیر انقلاب

در یک مجلس معارفه که از طرف آقای فضل الله رضا رئیس دانشگاه تهران ترتیب یافت چهره های جدید هیئت آموزشی دانشگاه با مقامات دانشگاهی آشنا شدند. در این جلسه آشنایی عده ای از اعضای هیئت امنای دانشگاه تهران، روسای دانشکده های مختلف، جمعی از سناتورها و نمایندگان مجلس شورای ملی حضور داشتند.

رئیس دانشگاه تهران ضمن سخنانی در این میهمانی اظهار داشت دانشگاه تهران که در آستانه انقلاب آموزشی است به صاحبان افکار تازه و طراحان طرحهای نو احتیاج دارد. باید اعتراف کرد که ما هنوز در بسیاری از بخش های دانشگاه نتوانسته ایم به اندازه کافی نیروی خلاق پروریم و حال آنکه برای قرار گرفتن دانشگاه در سطح دانشگاههای پیشرفته جهان تامین و اعتلای مستمر هیئت آموزشی وسیع و برجسته یک امر ضروری است.

رئیس دانشگاه تهران اضافه کرد از قدمهایی که با الهام از سخنان شاهنشاه آریامهر در کنگره رامسر در راه پیشبرد انقلاب آموزشی برداشته شده کوششی است که در جنب تحصیل کرده ها به کار رفته است. ما با اکثر جوانان دانشمند ایرانی که درجه دکترا دارند در اطراف و اکناف جهان تماس گرفته و آنان را برای اشتغال در بخشهای دانشگاه که کمبود بیشتر داشته اند، دعوت به همکاری کرده ایم و بدین ترتیب بیش از ۳۴ تن از ایرانیان فاضل که سابق تحصیل و پژوهشهای علمی آنان تایید شده و دارای صلاحیت علمی و دانشگاهی بوده اند در دانشگاه تهران به کار پرداخته اند.

رئیس دانشگاه تهران در پایان سخنان خود گفت: ما

برای آغاز کار استادیاری داشتن درجه دکترا را ضروری دانستیم و بدین ترتیب اعتبار و سطح فرهنگ کادر آموزشی دانشگاه تهران بیش از پیش اعتلا یافته است. ضمناً کسانیکه به تازگی به استخدام دانشگاه درآمده اند تمام وقت خود را در اختیار دانشگاه گذارده اند و ترتیبی داده شده است که این عده از کمک و راهنمایی و تجربه استادان و دانشمندان دانشگاه تهران استفاده کنند. بدین ترتیب راه برای آمدن و کار کردن جوانان دانشمند به ایران گشوده شده و امیدوارم از این راه قدم موثری در راه رشد دانشگاه برداشته باشیم.

نصب لوحه پیکر قدرانی از جراحان پیوند کلیه

به مناسبت موفقیت جراحان دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی در عمل تمویض کلیه از لوحه سپاس انجمن شهر شیراز که در مدخل بیمارستان نمازی نصب شده است طی مراسمی پسرده برداری شد. بر روی این لوحه نوشته شده است: «به پاس قدرانی از خدمت گروه پیوند کلیه بخش جراحی دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی که برای نخستین بار در ایران عمل جراحی پیوند کلیه را در بیمارستان نمازی شیراز انجام داده و افتخاری بر افتخارات گذشته شیراز افزوده و فصل جدیدی در تاریخ پزشکی ایران گشوده اند این لوحه سپاس از طرف انجمن شهر شیراز به بخش جراحی دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی اهداء میشود.»

سومین پیوند کلیه

دانشگاه پهلوی شیراز در نیمه اول اسفند ماه درباره حال دومین و سومین بیمار کلیه پیوندی ایران بولتن تازمی انتشار داد. این دانشگاه اعلام داشت که حال سومین بیمار کلیه پیوندی همچنان رو به بهبود می رود و حال دومین بیمار که کلیه فاسد دوم او نیز برداشته شده کاملاً رضایتبخش است!

موسسه ژنوتکنیک

در دانشگاه پهلوی شیراز یک موسسه (ژنوتکنیک) تأسیس شده است این موسسه در زمینه مسائل مربوط به مکانیک خاک و سنگ و همچنین سد سازی، پی سازی، بندر سازی و راهها و پلها، بندر سازی و کارهای دریایی و نیز مشاوره ها و راهنماییهای فنی مطالعه و تحقیق خواهد کرد. قبلاً وظائف موسسه مزبور را در ایران موسسات خارجی انجام می دادند.

ایجاد چاپخانه

کارهای ساختمانی چاپخانه مرکزی دانشگاه پهلوی شیراز در محل این دانشگاه آغاز شد. ساختمان چاپخانه دانشگاه پهلوی که هزینه آن از محل اعتبارات برنامه چهارم عمرانی و کمک های شرکت ملی نفت ایران تامین شده است چهار

ماه طول می کشد.

دبیرستان محمد ابراهیم علم

استادار فارس از لوحه دبیرستان محمد ابراهیم علم (دبیرستان نشاط سابق) در شیراز پرده برداری کرد. این دبیرستان به پاس خدمات آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی در مدت ریاست دانشگاه پهلوی شیراز بنام پدر ایشان نامگذاری شده است.

کار جدید موسسه تحقیقی دانشگاه پهلوی بررسی وضع شرکت سهامی زرعی آریامهر به عهده موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه پهلوی شیراز گذاشته شد.

به موجب قرار دادیکه بین وزارت اصلاحات ارضی و موسسه تحقیقات و مطالعات دانشگاه پهلوی به امضا رسیده این موسسه از این پس وضع شرکت سهامی زرعی آریامهر را از نظر کشاورزی، اقتصادی، اجتماعی و طرحهای مناسب به منظور افزایش تولید و بهبود مدیریت مورد مطالعه قرار خواهد داد. شرکت سهامی زرعی آریامهر نخستین شرکت سهامی زرعی ایران است که در منطقه تخت جمشید تشکیل شده است.

موسسه تحقیقات و مطالعات دانشگاه پهلوی همچنین مطالعه و تعیین ملاکهای صحیح علمی برای انتخاب روستا مناسب از نظر تأسیس شرکتهای سهامی زرعی نمونه را در استان فارس به عهده خواهد داشت. تمام هزینه این طرح از طرف وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی پرداخت می شود.

موسسه تحقیقات و مطالعات دانشگاه پهلوی همچنین مطالعه و تعیین ملاکهای صحیح علمی برای انتخاب روستا مناسب از نظر تأسیس شرکتهای سهامی زرعی نمونه را در استان فارس به عهده خواهد داشت. تمام هزینه این طرح از طرف وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی پرداخت می شود.

تعاون

آموزش تعاون روستایی

از آغاز سال جاری تا پایان دیماه امسال یکهزار و شصت و پنجاه نفر از مدیران عامل شرکت های تعاونی روستایی سراسر کشور در شصت و یک دوره تعلیماتی شرکت کردند و با نحوه اداره صحیح شرکتها و همچنین امور حسابداری، دفترداری و بازرگانی شرکتهای تعاون روستایی آشنا شدند. این دوره ها بمدت سی روز در چهل و نه شهرستان تشکیل گردیده و طبق برنامه پیش بینی شده وزارت اصلاحات ارضی در بهمن ماه نیز یکصد و پنجاه و پنج نفر از مدیران عامل شرکت های تعاونی روستایی در بنیاد دوره تعلیماتی که در چهار شهرستان تشکیل گردید شرکت کرده اند.

آموزش و پرورش

آشنائی مربیان کودکانها با مقررات راهنمایی و رانندگی یکصد و چهل و پنج تن از مربیان کودکانهای نواحی یک، دو و هشت آموزش و پرورش تهران در یک کلاس یکروزه با مقررات

راهنمایی و عبور و مرور آشنا شدند. این کلاس از طرف اداره امور انتظامی و پلیس مدارس استان مرکز و با همکاری شهرداری استان نامبرده تشکیل گردید. بهداشت مدارس

وزارت آموزش و پرورش اطلاع داد که در

پیش از موقع به تحصیل پرداخته اند.

کار و کارگران

تقسیم سود ویژه بیسن کارگران

یکی از اصول منشور دوازده گانه انقلاب ایران



جوابگویی يك دانش آموز روستائی

بهمن ماه پزشکان بازرسی بهداشتی آموزشگاههای کشور ضمن بازدید از بانصد و پنجاه آموزشگاه، برای سه هزار و هشتصد و دوازده نو آموز جدیدالورود دبستانها کارت بهداشت اختصاصی صادر کرده اند. این پزشکان همچنین در مدت مذکور پنجهزار و سیصد و هشتاد و نه دانش آموز را بر ضد بیماریهای دیفتری و کزاز مایه کوبی کرده اند. روش جدید تدریس دروس ریاضی

روش جدید تدریس دروس ریاضی توسط وزیر آموزش و پرورش در دبیرستان پروین اعتصامی مورد بررسی قرار گرفت. وزیر آموزش و پرورش در پایان بازدید خود توصیه کرد که اگر روش جدید مفید تشخیص داده شود نسبت به توسعه و تعمیم آن در کلیه دبیرستانها اقدام شود.

کار آموزی مربی کودک

آموزش دروس در کودکانها نتایج نامطلوبی را موجب خواهد شد.

بیشتر محصلینی که در سنین بالا از درس و بحث گریزان میشوند، افرادی هستند که پیش از موقع به تحصیل پرداخته اند.

وزیر آموزش و پرورش ضمن تشریح اهمیت نقش کودکانها در تربیت کودکان گفت: به موجب آخرین کشفیات، اصول تعلیم و تربیت در کودکانها باید منحصر به تربیت و پرورش عواطف و احساسات کودکان و نیز بیدار ساختن استعداد و ابتکار آنان باشد.

آموزش درس به اطفال سال کودکانها سبب نبوغ آنها نخواهد شد و این حقیقت را شرح زندگانی نوایغ روشن کرده است. تنها سه درصد از کودکان برای تحصیل زودرس و پیش از موقع استعداد دارند و شاخص این سه در صد هم کار دشواریست. بیشتر محصلینی که در سنین بالا از درس و بحث گریزان میشوند افرادی هستند که

سپاهیان انقلاب

طبق آمار منتشره از طرف وزارت کشاورزی تاکنون

در حدود ۱۵ هزار مغازه، انبار و خوار و بار فروشی بر ضد موش در تهران مبارزه شده است و در این کار کارگران فنی سازمان حفظ نباتات و سپاهیان نیروی و آبادانی فعالیت داشته اند.

سپاهیان دختر

دوره آموزش سپاهیان بهداشت دختر در بندر عباس پایان یافت

همچنین دوره آموزش ۲۵ تن دختران سپاهی بهداشت استان کرمانشاهان نیز خاتمه پذیرفت

اعطاء سردوشی

یکهزار و چهار صد نفر از افراد شصین دوره سپاه تربیت و آبادانی و همچنین ۲۹۸ تن از سپاهیان دانش دوره سیزدهم کرمانشاه نیز به دریافت سر دوشی نایل آمدند.

درمان بیماران و فعالیت های بهداشتی

افراد پایگاه سپاه بهداشت تبریز در بهمن ماه ۷۹۱۶ بیمار را درمان کردند.

همچنین افراد سپاهی مامور خدمت در پایگاه شماره ۲۴ سپاه بهداشت شهرستان رشت از ابتدای سال جاری لوله کشی آب آشامیدنی شش دهکده را در منطقه به پایان رساندند و با ساختمان چهار درمانگاه در روستاهای تابع پایگاه خود تسهیلاتی برای روستائیان حوزه خدمت خود فراهم ساختند.

افراد پایگاه شماره ۲۱ سپاه بهداشت گناباد هم طی ماهی که گذشت ۱۶۵۰ بیمار را درمان نمودند.

۶۰ سپاهی جدید

در اولین هفته اسفند ماه ۶۰ تن از سپاهیان بهداشت برای کار بهداشتی و درمانی تهران اعزام شده و در بخش های بهداشت و تنظیم خانواده این مراکز سرگرم کار شدند.

آشنائی دختران سپاهی با وسایل ایمنی

هشتاد نفر از دختران سپاهی دانش از نمایشگاه وسایل ایمنی و حفاظت فیزیکی سازمان دفاع غیر نظامی دیدن کردند.

این دختران سپاهی پس از بازدید از نمایشگاه با اصول و فنون دفاع غیر نظامی آشنا شدند.

بیمه سپاهیان

حدود پنجاه هزار تن از سپاهیان دانش، آموزگاران و کارکنان برنامه های سپاه دانش در برابر فوت، نقض عضو، بیماری های مختلف و حوادث ناشی از کار در سال جاری محیطی هر چه سالمتر به وجود آید.

در این جلسه نمایندگان کارگران و کارفرمایان آمادگی خود را برای همکاری بیشتر با شورای عالی کار اعلام داشتند.

طبق آمار منتشره از طرف وزارت کشاورزی تاکنون

صفحه صد و بیست و نهم

پیکار با بیسوادی

فعالیت در زمینه آموزش بیسوادان

● از آغاز سال تحصیلی جاری در زمینه پیکار با بیسوادی در سراسر کشور فعالیت‌های دایره‌دار صورت پذیرفته است که ایجاد کلاس‌های جدید آموزش به بیسوادان نمونه‌ای از این فعالیت است. براساس گزارش‌های حاصله این کلاسها در نقاط مختلف مملکت گشایش یافته‌اند:

— از آغاز سال جاری تا پایان بهمن ماه ۶۷ کلاس پیکار با بیسوادی در بخش محله واقع در استان کرمانشاهان.

در این کلاسها جمعا ۲ هزار و ۷۳ نو آموز سرگرم تحصیل هستند.

— دوهزارمین کلاس پیکار با بیسوادی استان گیلان در بخش خم.

— از آغاز سال تحصیلی جاری تاکنون ۸۰ کلاس پیکار با بیسوادی در روستا‌های مختلف شهرستان گرگان.

— از آغاز سال تحصیلی جاری ۱۰۳ کلاس پیکار با بیسوادی در روستا‌های مختلف شهرستان قصر شیرین.

— در حال حاضر ۸۱۰۰ نوآموز در کلاسهای پیکار با بیسوادی شهرستان سراب و نیز بخشهای استان آباد، هریس، ارواق و انزاب واقع در استان آذربایجان شرقی سرگرم تحصیل هستند.

● برای تسامین معلم مورد نیاز برای کلاس‌های پیکار با بیسوادی نیز کلاس‌های متعددی در شهرستان‌های مختلف کشور تشکیل شد و جوانان داوطلب در دوره‌های کوتاه مدت برای آموزش سواد به بی سوادان و آشنائی با روشهای نوین تحت تعلیم قرار گرفتند.

ارسال کتاب به کویت

● یکصد دوره کتاب‌های پیکار با بیسوادی به کویت ارسال گردید. این کتاب‌ها بنا به درخواست سفارت شاهنشاهی در کویت از کمیته ملی پیکار با بیسوادی به این کشور فرستاده شده است.

کمیته ملی پیکار جهانی

با بیسوادی در جلسه اینکه در حضور والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالیته کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی تشکیل شد به نحوه پیشرفت برنامه‌های مبارزه با بیسوادی رسیدگی کرد.

● این جلسه در کاخ سعدآباد تشکیل شد و در آغاز آن گزارش مدیر عامل کمیته در باره فعالیت‌های انجام شده و ترازنامه امور مالی مورد رسیدگی قرار گرفت. مدیر عامل کمیته در گزارش خود اعلام کرد که تا پایان دیماه سال ۱۳۴۷ هفتصد و پنجاه و دو هزار و پانصد و چهل و شش نفر از بیسوادان کشور در کلاس‌های پیکار با بیسوادی مشغول تحصیل بوده‌اند.

در این مدت سیصد و هفتاد و هشت هزار و سی و شش نفر نوسواد موفق به گذراندن دوره اول کلاسهای پیکار با بیسوادی شده‌اند و تعداد قبول شدگان دوره دوم صد و چهل و شش هزار و هفتصد و شصت و هشت نفر بوده است.

تا آخر دیماه امسال بیش از دو سوم بیسوادان مناطق نفتی به کلاس پیکار با بیسوادی راه یافته‌اند و بدین ترتیب می‌توان پیش‌بینی کرد که حد اکثر تا دو سال دیگر در این مناطق بیسوادی ریشه کن شود.

برای عادت دادن نوسوادان به مطالعه و جلوگیری از فراموش کردن آنچه که خوانده‌اند از شهریور ماه گذشته نشریه‌ای به نام روز نو در هشت صفحه منتشر شده است. شماره اول این نشریه در پانزده هزار نسخه به چاپ رسید ولی به اثر استقبال بی نظیر نوسوادان شماره هفتم آن که در روز ششم بهمن ماه به چاپ رسید در پنجاه هزار نسخه انتشار یافت.

ساحبان صنایع و کارخانه‌های اصفهان موافقت کرده‌اند چنانچه کارگران دوره‌های پیکار با بیسوادی را بگذرانند به میزان پنج درصد به دستمزد آنان اضافه نمایند.

در جلسه کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی همچنین اعلام شد که به منظور پیشبرد هدفهای مقدس پیکار با بیسوادی تاکنون یکصد و پنجاه و یک کمیته ملی پیکار با بیسوادی و نیز سمینارهای محلی برای رفع مشکلات امور پیکار با بیسوادی تشکیل شده است.

در پایان جلسه والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی برای پیشرفت سریعتر پیکار با بیسوادی وانتشار روزنامه برای نوسوادان دستورهای صادر کردند.

عمران و آبادانی

کارهای انجام یافته

در زمینه عمران نیز در سراسر کشور کارهایی انجام یافته‌است که در اینجا فهرست وار از قسمتی از آنها نام برده می‌شود:

● آغاز عملیات ساختمانی شبکه آبرسانی شش بخش از توابع استان گیلان. هزینه اجرای این طرح ۳۵ میلیون ریال خواهد بود.

— آغاز ساختمان دویاب دبستان شش کلاسه در بخش منجیل و رودبار در استان گیلان.

● اجرای یکهزار و سیصدوسی و دو طرح آبادانی در روستاهای استان آذربایجان غربی به تصویب شورای هماهنگی برنامه‌های روستائی این استان رسید. این برنامه‌ها شامل راهسازی، ایجاد گرمابه، خانه‌های نمونه روستائی، لوله‌کشی آب آشامیدنی و بهسازی محیط خواهد بود و برای اجرای آن یکصد و نه میلیون ریال هزینه پیش بینی شده‌است.

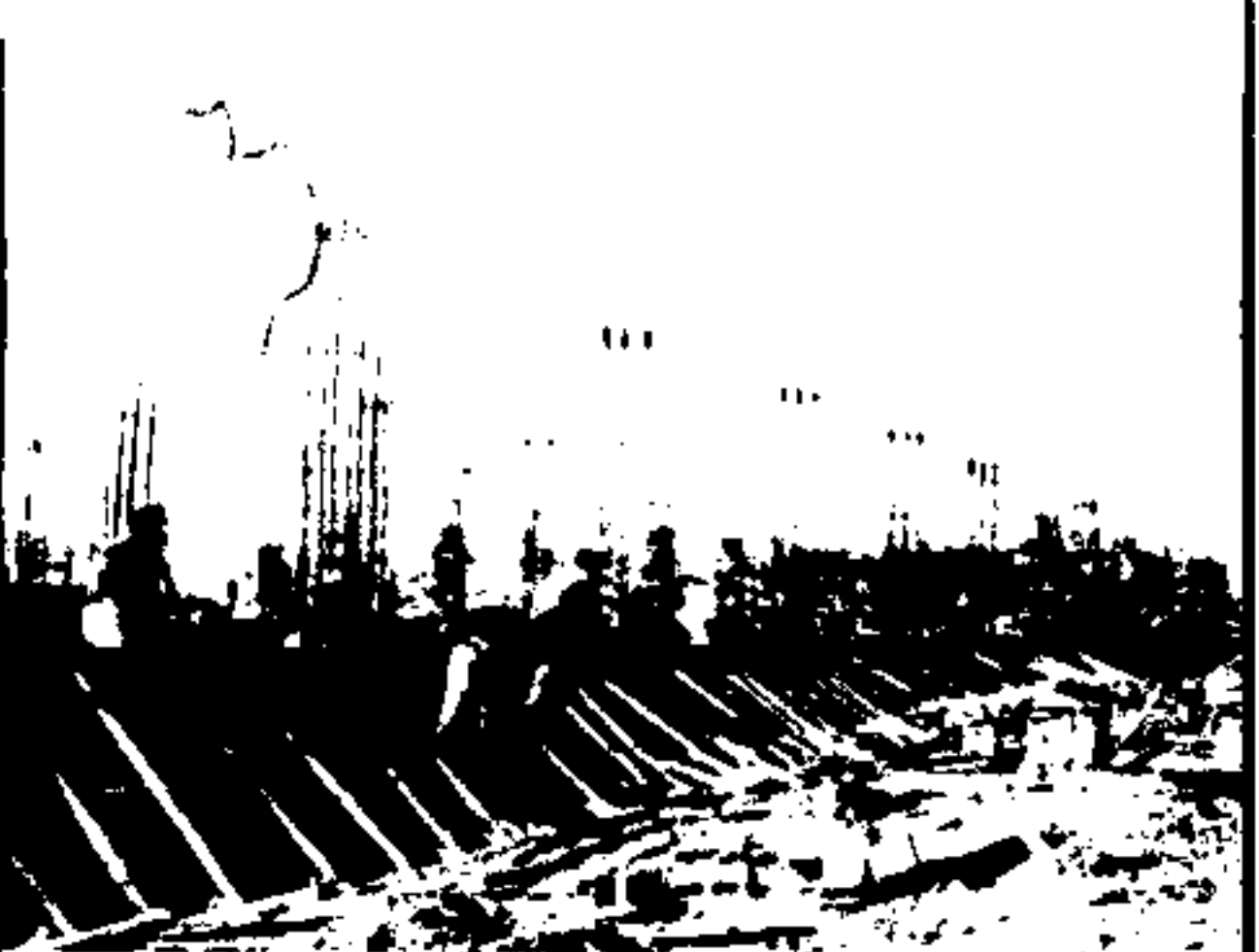
● برای ساختمان دو دبستان در دو روستای شهرستان‌های ماکو و رضاییه و همچنین محوطه سازی دو دبستان در شهرهای خوی و شاهرور و نیز اسفالت خیابان فرح رضاییه، وزارت آبادانی و مسکن قراردادهایی با پیمان کاران امضا و مبادله کرد. هزینه اجرای این طرح‌های آبادانی بیش از نه میلیون و چهار صد و هشتاد هزار ریال پیش بینی شده‌است.

● عملیات اجرایی تهیه و نصب تاسیسات و تجهیزات ساختمان دادگستری شهرستان کرمانشاه پایان یافت و برای بهره‌برداری تحویل شد. هزینه اجرای این طرح سه میلیون ریال بوده است.

● کارهای جدول سازی و اسفالت خیابان‌های دورود در فرمانداریکل لرستان توسط وزارت آبادانی و مسکن پایان یافت. این طرح بیش از ۸ میلیون و ۵۹۶ هزار ریال هزینه برداشته است.

● عملیات اجرایی تهیه و نصب تاسیسات و تجهیزات ساختمان دادگستری شهرستان کرمانشاه.

● آغاز کار لوله‌کشی آب آشامیدنی روستای شاهنجان



بنای ساختمانی در مشهد

در مورد پرداخت وام به موسسات کشاورزی که دارای موتور پمپ هستند و همچنین زارعینی که به سبب نداشتن وثیقه ملکی یا ضامن معتبر نمی‌توانند از وامهای معمولی بانک کشاورزی استفاده کنند مقرر شد از محل اعتبار صرفجویی بودجه سال ۴۸ که در اختیار بانک کشاورزی گذاشته خواهد شد با گرفتن سند ذمعی و یا وثیقه‌های دیگر نظیر آن اقدام شود.

آقای هویدا نخست وزیر شخصا بر امور مربوط به پیشرفت کار در مناطق سیل زده نظارت خواهند داشت و در جلسه مزبور از مسؤولان مربوط خواستند که گزارش پیشرفت کارها را مرتباً به اطلاع ایشان برسانند.

● دهکده‌ای برای سیزدگان اعلام شد که به دستور والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی از محل عواید بلیط‌های اعانه ملی یکی از دهکده‌های پرجمعیت خوزستان که بر اثر سیل آسیب دیده تجدید بنا خواهد شد. برای تهیه طرح ساختمان این دهکده از تمام مهندسان درخواست همکاری شده و از پیمانکاران نیز تقاضا شده است که با حداقل هزینه برای انجام این کار خیر پیشقدم شوند.

زائران به مکه

نخستین رهپاران ● آقای هویدا نخست وزیر در روز نوزدهم بهمن ماه هنگام عزیمت نخستین گروه رهپاران ایرانی خانه خدا

نخستین رهپاران ● آقای هویدا نخست وزیر در روز نوزدهم بهمن ماه هنگام عزیمت نخستین گروه رهپاران ایرانی خانه خدا

نخستین رهپاران ● آقای هویدا نخست وزیر در روز نوزدهم بهمن ماه هنگام عزیمت نخستین گروه رهپاران ایرانی خانه خدا

نخستین رهپاران ● آقای هویدا نخست وزیر در روز نوزدهم بهمن ماه هنگام عزیمت نخستین گروه رهپاران ایرانی خانه خدا

در فرودگاه مهر آباد حضور یافت و برای آنان آرزوی سلامت کرد. آقای نخست وزیر طی سخنان خود اظهار داشت: تنظیم شمائر اسلامی و احترام به مقدسات مذهبی وظیفه همه ما است و بسیار خوشوقتم از اینکه امسال نیز خداوند به من توفیق داد تا نخستین گروه زائرین بیت‌الله الحرام را متابعت کنم. انسان نمیتواند بی‌نیاز از دین و معنویات زندگی کند و سعادتمند باشد. هر اندازه بشریت در علم و صنعت پیش می‌رود احتیاج جامعه به اصول معنویت و اخلاق شدید تر و بیشتر می‌گردد و امروز در سراسر جهان بسیاری از مشکلات مولود ضعف مبانی اخلاقی و دور ماندن مردم از تعالیم انبیای الهی است. در ادای فریضه حج آداب و احکامی قرار دارد که رمز دعوت انسان است به عدالت و پاکی. روح حج و فلسفه اجتماعی مسلمین در مکه و منی توجه به مساوات و دوری جستن از خود پرستی‌هاست و از همین رو است که در کشور ما به موازات کوشش در راه پیشرفت‌های اقتصادی و علمی به تقویت مبانی دینی و اخلاقی نیز توجه بسیار می‌شود تا جامعه ما از حیث ماده و معنا، علم و اخلاق هر دو تحرك و پیشرفت داشته باشد.

شاهنشاه آریامهر که خود نیز در این سال خانه خدا را زیارت کرده‌اند همواره در سخنان خود به فلسفه‌های بزرگی که در رمز حج نهفته است اشاره می‌فرمایند. از پیشگاه پروردگار توانا درخواست دارم که همه حجاج خانه خدا که از گوشه و کنار دنیا به مکه معظمه می‌روند خصوصاً شاهموظنان عزیز را سلامت به وطن باز گرداند.

در این هنگام آقای هویدا نخست‌وزیر بداخل هواپیمای حامل اولین گروه رهپاران خانه خدا رفت و ضمن خداحافظی بایکایک آنان وسایلی را که برای رفاه و آسایش حجاج در هواپیما فراهم شده بود از نزدیک مشاهده کرد.

بهداشت و درمان زائران ● به فرمان شاهنشاه



اولین زائران خانه خدا

دانش آموز روستائی يك روستای استان فارس

آریامهر امسال نیز يك بیمارستان يكصد تختخوابی و هشت درمانگاه در مکه ، يك درمانگاه عمومی و يك بیمارستان ۲۵۶ تختخوابی در منی و همچنین يك درمانگاه عمومی و يك بیمارستان ده تختخوابی در عرفات مستقر خواهد شد .

بیمارستان ها و درمانگاه های شیر و خورشید سرخ در عربستان سعودی امور درمانی زائران خانه خدا را هنگام برگزاری مناسک حج عهده دار بودند . از طرف وزارت بهداشت نیز درمانگاه هایی در مکه و مدینه مستقر گردیده بود .

ششوی خانه خدا با گلاب ایرانی

روز دوشنبه پنجم اسفند ماه طی مراسم خاصی باحضور اعلیحضرت ملك فيصل پادشاه عربستان سعودی و حضرت رئیس جمهوری نیجریه خانه گلاب اهدایی ایران شستو شد . در مراسم شستوی خانه خدا شاهزادگان سعودی، سفیر شاهنشاه آریامهر و سایر سفیران ممالك اسلامی دربار سعودی و هیئت های پزشکی ایران در عربستان سعودی حضور داشتند و هزاران تن از زائران خانه خدا ناظر اجرای این مراسم بودند .

فعالیت های

شیر و خورشید سرخ ایران

ایجاد يك بیمارستان در شیخ نشین فجیره

مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران روز جمعه ۱۸ بهمن ماه برای شرکت در مراسم آغاز ساختمان بیمارستان وابسته به جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در شیخ نشین فجیره با هواپیما رهسپار فجیره شد . در مراسم آغاز ساختمان بیمارستان مذکور مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران مراسم شاهنشاه آریامهر را به حضرت حکمران فجیره ابلاغ نمود و اظهار داشت : من بنام دستور والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالی به جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران برای شرکت در مراسم ساختمان بیمارستان به فجیره آمده ام و امیدوارم جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران توفیق یابد این خدمات انسانی خود را همچنان دنبال کند .

حضرت حاکم فجیره نیز طی بیاناتی از عنایات شاهنشاه ایران سیاست گذاری نمود و برای دوام عمر و بقای سلطنت شاهنشاه دعا کرد و سپس نخستین کلنگ ساختمان بیمارستان را بنام شاهنشاه آریامهر به زمین زد. در این مراسم نماینده سفارت شاهنشاهی

در کویت و قائم مقام و معاون مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران نیز حضور داشتند .

درمانگاه جدید

يك درمانگاه جدید از طرف جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در شهرستان رودبار ساخته و بهره برداری از آن آغاز شد .

آغاز ساختمان بیمارستان شیر و خورشید سرخ ایران در عجمان

باحضور حضرت شیخ راشد بن حمید النعیمی حاکم شیخ نشین عجمان ساختمان بیمارستان شیر و خورشید سرخ ایران در این شیخ نشین طی مراسمی آغاز گردید.

کشاورزی

مصاحبه وزیر کشاورزی ایران با خبرگزار رادیو کلن

آقای حسن زاهدی وزیر کشاورزی ضمن مصاحبه با خبرگزار رادیو کلن اظهار امیدواری کرد که بین موسسات تحقیقاتی آلمان فدرال و موسسات تحقیقاتی ایران همکاری نزدیکی در زمینه تحقیقات کشاورزی برقرار شود .

وزیر کشاورزی پس از بازدید از یکی از دانشکده های کشاورزی آلمان با خبرنگار صدای آلمان مصاحبه کرد .

آقای زاهدی در مصاحبه خود اظهار داشت که در برنامه چهارم آبادانی ایران به مدرن کردن کشاورزی و مبارزه با آفات و افزایش غله توجه زیادی شده است و اقدامات اساسی در این زمینه ها صورت خواهد گرفت .

کلاس آموزش دفع آفات نباتی

يك کلاس آموزشی کوتاه مدت در محل انستیتو بررسی آفات نباتی در «اوپن» تشکیل خواهد شد . در این کلاس که هرروزه از ساعت ۹ تا ۱۲ دایر خواهد بود رشته های باغبانی ، کت و نگهداری نباتات زمینی ، چمنکاری و هرس درختان میوه و مبارزه با آفات به شرکت کنندگان آموخته می شود .

باغ جدید

وزارت کشاورزی اطلاع داد یکصد و چهار قطعه باغ به مساحت یکصد و چهار و يك هکتار در دهات آذربایجان غربی احداث شد.

موش صحرانی ؟

از طرف اداره کل کشاورزی استان مازندران گروه هایی مجهز به وسائل و امکانات لازم و سموم کافی صحرانی به بخش های دودانگه و چهار دانگه در این استان اعزام شدند .

موش صحرانی در مناطق گفته شده از مهمترین آفات غله به شمار می رود . مبارزه با موش ، کرم خاردار و ملخ

سختگسوی وزارت کشاورزی گزارش داد در سطح شصت و پنج هزار و هفتصد و سی و هفت هکتار در سراسر کشور با ملخ بومی و مراکشی و موش صحرایی و نیز کرم خاردار پنجه مبارزه شده است .

همچنین در بیش از چهار و دو هزار و چهار صد باب خانه در مراغه و نیز در سطح هشت هزار و پانصد و ده متر مربع با آفات خانگی و انباری مبارزه شده است .

این مبارزات طی پانزده روز آخر بهمن ماه وسیله ماموران فنی و گروه های سیار سازمان حفظ نباتات وزارت کشاورزی در مناطق مختلف کشور صورت گرفته است .

آفات غربالی درختان میوه

نخستین کلاس آموزش چگونگی مبارزه با آفات غربالی در درختان میوه و سفیدک مو برای سپاهیان دانش و آموز گاران روستایی استان آذربایجان غربی ، در شهرستان شاهپور ، گشایش یافت .

همکاری با سازمان خواربار کشاورزی

مدیر کل سازمان خواربار و کشاورزی جهانی و معاونان وزارت کشاورزی همکاری های این وزارتخانه و سازمان خوار بار و کشاورزی جهانی را در زمینه مسائل عمرانی مورد بررسی و مذاکره قرار دادند .

آقای (بورما) مدیر کل سازمان خواربار و کشاورزی جهانی که به تهران آمده

بود با معاون امور صنعتی وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی ملاقات و مذاکره کرد .

اعتبارات جدید

بانك کشاورزی ایران از شعبه های خود در مناطق سیل زده خوزستان و فارس خواست تا اعتبارات مسدود احتیاج برای تجدید فعالیت های کشاورزی در این مناطق را گزارش دهند .

در تلگراسمی که به همین منظور به شعبه های این بانك مخابره شده همچنین درخواست گردید تا کارشناسان و گروه های سیار بانك به روستا های سیل زده اعزام شوند و میزان خسارات و نوع كمك های لازم را گزارش دهند .

مبارزه با بیماری های دامی

تعداد يك میلیون و یکصد و نود و هشت هزار سر دام و طیور به منظور پیشگیری از ابتلا به بیماری های واگیر به وسیله مامورین فنی دامپزشکی کل کشور مایه کوی شدند .

همچنین نزدیک به دویست و سی و دو هزار سر برنده خانگی مبتلا به بیماری های مختلف معالجه شدند. در سطح ده هزار متر مربع از اماکن دامداری نیز بر شد انگل های خارجی و کتله های دامی عملیات سمپاشی انجام گردید.

راهنمایی روستائیان

مروجین خانه داری در سراسر کشور با بازدید از منازل روستایی دستور هایی به آنها دادند و زنان روستایی را در ایجاد محیط خانوادگی بهتر، راهنمایی نمودند . این مروجین در فرمانداری کل لرستان در بهمن ماه از ۶۵۵ خانه روستایی ، در استان خوزستان از ۵۲ خانه ، در استان آذربایجان غربی از ۱۰۱۲ خانه ، در استان آذربایجان شرقی از ۱۰۳۸ خانه ، در استان کردستان از ۲۷۰ خانه ، در استان خراسان از ۱۷۴ خانه ، در فرمانداری کل سنجان از ۱۱۳ خانه ، در فرمانداری کل همدان از ۲۱۳ خانه ، در استان مرکزی از ۴۴۸ خانه ، در استان کرمان از ۲۲۴ خانه بازدید به عمل آوردند و روستائیان را با مسائل مورد احتیاج ایشان آشنا ساختند .

مروجان کشاورزی

برای افزایش سطح اطلاعات مروجان کشاورزی که در سطح روستا ها به فعالیت اشتغال دارند در بهمن ماه کلاسی در سازمان ترویج شهرستان تبریز تشکیل شد .

کلاسی مشابهی نیز به همین منظور در خرم آباد تشکیل گردید .

فعالیت های خاک شناسی

وزارت کشاورزی گزارشی در باره فعالیت های آزمایشگاهی موسسه خاک شناسی و حاصلخیزی خاک منتشر کرد .

این گزارش حاکیست که در پانزده روز آخر بهمن ماه ۷۳۱۹ آزمایش تجزیه

خاک و ۳۹۴ آزمایش تجزیه آب در آزمایشگاه های مرکزی ، شیراز ، رشت ، مشهد و تبریز برای تعیین میزان مواد شیمیایی موجود در نمونه های آب و خاک اراضی مناطق مختلف کشور صورت گرفته است .

تعیین این مواد از آن جهت اهمیت دارد که کارشناسان می توانند با تقلیل و یا تکثیر مواد شیمیایی از راه دادن کود های مورد نیاز به حاصلخیزی خاک و بسال بردن سطح فرآورده های کشاورزی بپردازند .

وزارت کشاورزی در يك گزارش دیگر اطلاع داد که سازمان دامپروری دامنه عملیات خود را برای اصلاح نژاد گاو توسعه داده و صاحبان موسسات دامپروری را برای حفظ اصول بهداشتی این سوسات راهنمایی کرده است .

بهداشت و درمان

پیوند کلیه در تهران !

روز دوازدهم اسفند ماه نخستین عمل پیوند کلیه در تهران بوسیله گروه جراحان بهداری شهربانی کل کشور در بیمارستان شهربانی پایتخت انجام گردید .

گیرنده کلیه يك سرپاسیان چهل ساله بود که از بیست سال پیش دچار ناراحتی بوده که با انجام این عمل با کلیه اهدائی همسر خود سلامت خویش را باز یافت .

اعلامیه های پزشکی که از طرف بهداری شهربانی کل کشور منتشر شد ، حاکی از این بود که دهنده و گیرنده کلیه هر دو حالشان خوب و رضایت بخش است . این عمل توسط گروهی مرکب از دکتر جواد هیئت سرپرست گروه و جراح ، سرهنگ دکتر مختاری رئیس بهداری شهربانی کل کشور و جراح ، دکتر منوچهر لیقوانی مسؤول بیهوشی ، سروان دکتر علی بهین آئین دکتر ابوسعیدی و دکتر احمد صدر كمك جراح و چهار پرستار و بهیار انجام یافت. این چهارمین عمل پیوند کلیه در ایران است . سه عمل قبلی در شیراز بوسیله گروه جراحان دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی شیراز صورت گرفته است .

تولیدات

گشایش شعبه جدید فروشگاه فردوسی

شعبه دیگری از فروشگاه فردوسی در خیابان عباسی گشایش یافت . شعبه فروشگاه فردوسی در زمینی به مساحت ۵۷۰ متر مربع و در دو طبقه بنا شده و مایحتاج مردم در آن به معرض فروش گذاشته شده است .

فروش ارزان

برای عرضه تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی به مردم از طرف وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی اقدام به برپا کردن چادرهایی در نقاط مختلف پایتخت شده است .

این تصمیم به منظور تعدیل و تثبیت نرخها و مبارزه با گرانفروشی اتخاذ شده است .

رقم صادرات امسال ایران بود. محصولات دامی

استاندارد آذربایجان شرقی اطلاع داد که در بهمن ماه امسال یکصد و بیست و هفت هزار کیلوگرم محصولات دامی با نظارت اداره استاندارد استان به آلمان فدرال، امریکا و ژاپن صادر شده است .

عبور آزاد کامیون های ایران از مرز های گمرکی اروپا

الحاق ایران به قرارداد بین المللی حمل و نقل معروف به «تیر» و عضویت در اتحادیه راه های بین المللی معروف به «ایرو» بمنظور استفاده از تسهیلات باربری در خطوط زمینی کشور های اروپایی از جانب وزارتخانه های امور خارجه ، اقتصاد و دارایی مورد موافقت قرار گرفت و بزودی ماده واحده ای برای کسب مجوز عملیات اجرایی در این زمینه به قوه مقننه تقدیم خواهد شد .

قرارات اطاق بازرگانی تهران بتواند موسسه ضامن اجرای قوانین و مقررات مربوط به حمل و نقل در خطوط زمینی اروپا برای استفاده از تسهیلات این قرارداد در اتحادیه راه های بین المللی «ایرو» عضویت یابد .

بموجب قرارداد بین المللی حمل و نقل «تیر» که در ژوئیه ۱۹۵۹ در ژنو با منضاء رسیده است کشور هایی که باین قرار داد ملحق میشوند و عضویت اتحادیه راه های بین المللی «ایرو» را قبول میکنند میتوانند کامیون های حامل کالا های خود را بدون سپردن تضمین بانکی یا وجه نقد از پاسگاه های گمرکی سایر کشور های عضو عبور دهند و از پرداخت عوارض بازرسی گمرکی و راهداری نیز معاف گردند . ضمناً کامیون های بسیاری متعلق باین کشورها فقط با داشتن مهر بازرسی گمرکی کشور مبدأ و بدون بازرسی مجدد میتوانند از راه های سایر ممالك عضو عبور کنند و مهر گمرک مبدأ برای سایر کشور ها معتبر خواهد بود .

صادرات-واردات

طی یازده ماه اول سال ۱۳۴۷ بیش از چهارده میلیارد و یکصد و شصت و هفت میلیون ریال کالا از ایران به ممالك مختلف جهان صادر شده است .

میزان صادرات امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از دو میلیارد و دویست و چهارده میلیون ریال افزایش نشان میدهد و از حیث ارزش فرش بهترین

ماهی ۷۳۱۹ آزمایش تجزیه

صفحه صد و پنجم



ورزش برنده جام دوستی

ایران دوم، ترکیه سوم
پاکستان چهارم

عراق پنجم

جمعه ۲۳ اسفند ماه
آخرین روز مسابقات فوتبال
جام دوستی سر نوشت اولین
جام دوستی سر انجام
بعد از ده روز تلاش
تعیین گردید تیم اسپارک
مسکوسرشناس ترین تیم شرکت
کننده در مسابقات صاحب جام
گردید و جام نقره ای را
از دست علیاحضرت شهبانو

های تهران با شرکت ۱۲ تیم
پایان یافت و در نتیجه باشگاه
تاج - دانشگاه - هما به
ترتیب اول تا سوم شدند.
فدراسیون شطرنج ایران
اعلام کرد که آقای حسن
نوائی طی یک مسابقه سیمولتانه
(دسته جمعی) در برابر ۴۹
نفر شطرنج بازان مدرسه
عالی بازرگانی با پنج باخت
و ۳ مساوی و ۴۱ برد پیروزی
بدست آورد.

مسابقه سیمولتانه شطرنج
بین محمد حسین مقصودلو
دانشجوی پزشکی دانشگاه ملی
با ۲۰ شطرنج باز این دانشگاه
برگزار شد و آقای مقصودلو
با ۱۵ برد و ۴ باخت و یک
مساوی پیروز شد.
دانشگاه : مسابقات شطرنج
دانشگاه تهران با این نتایج پایان
یافت : دانشکده ادبیات و
علوم با ۲۳ امتیاز مشترکاً
اول - دانشکده فنی ۲۱٫۵
امتیاز سوم - دانشکده اقتصاد
۲۰ امتیاز چهارم.

مسابقات شطرنج دبیرستان
های شیران پایان یافت و
بیژن عصار از دبیرستان
خوارزمی به مقام اول رسید.

تیم های تاج و پاس دوم و
سوم شدند.

جام تفلیس : تیم کشتی
آزاد ایران که از بین کشتی
گیران جوان برگزیده شد
بود پس از سه روز مسابقه
تیمهای درجه اول اروپامدم
دوم را بدست آورد.
فدراسیون کشتی ایران پیش
از مسابقه های جهانی آرژانتین
از وجود کشتی گیران تیم
ملی ایران و صاحب عنوان
استفاده نکرد و به جوانان
فرصت داد تا خود را در یک
مسابقه بزرگ بیازمایند.

مسابقات آرژانتین : تیم
ملی کشتی آزاد و فرنگی
برای شرکت در مسابقه های
جام جهانی ۱۹۶۹ که در شهر
«ماردل پلاتا» آرژانتین
برگزار میشد روز ششم اسفند
بآن کشور عزیمت کردند و
روز ۱۲ اسفند مسابقات کشتی
فرنگی آغاز شد.

هشت نفر از کوهنوردان
تهران بزم صعود زمستانی
بقله تخت سلیمان در منطقه
کلاردشت و طالقان عازم آن
قسمت شدند و با وجود برف
و بوران توانستند بقله ۴۷۵۰
متری تخت سلیمان صعود
نمایند. کوهنوردان مزبور
عبارت بودند از آقایان بهمن
شهنودی سرپرست -
مارگروسیان - انفرادی شاه
پندی - عبدلی - عبدالمهی -
نجاح - کیانی.

اسکی
فدراسیون اسکی یک
مسابقه در قسمت ماریج با
شرکت ۲۱ نفر در پیست شمشک
برگزار کرد و آقای لطفاله
کیا شمشکی مقام اول را در
این مسابقه بدست آورد.

مسابقه اسکی دبیرستان های
پایتخت در رشته ماریج کوچک
در دو مرحله بین پسران و
یک مرحله برای دختران
برگزار شد. لطفعلی خادمی
از دبیرستان مزین و دوشیزه
نرین ناصری از انوشیروان
دادگر مقام اول را بدست
آوردند.

دو و میدانی
مشهد : مسابقات دو و میدانی
دوره اول دبیرستان های
پسران با شرکت ۹۲ نفر از
۱۶ دبیرستان برگزار شد و
در مجموع امتیازات دبیرستان
جهان تربیت مقام اول را
بدست آورد.

اصفهان : مسابقه دو سحر
نوردی کارگران اصفهان با
شرکت ۲۵۱ نفر از ۲۵ واحد
کارگری برگزار شد و آقای
امیر نصوحی از شرکت واحد
اتوبوسرانی مقام اول را بدست
آورد.

هم : مسابقات دو و میدانی
دسته های آزاد شهرستان هم
با نتایج زیر پایان یافت :
دو ۱۰۰ متر، داودنوروزی
اول.

۲۰۰ متر، زعیم زاده
۱۵۰۰ متر، زارع نسب
پرش ارتفاع، ابراهیم
حسین پور
۴۰۰ متر، مصطفی سلطانی
۳۰۰۰ متر، شجاع حیدری



کرد
لوس آنجلس - رالف دویل
دونده استرالیایی صاحب مدال
طلای المپیک مکزیکو سیتی
در ۸۰۰ متر توانست ۱۰۰۰
متر را در داخل سالن ۲۶٫۳
دقیقه طی کند. همچنین باب
سیگرین توانست از ارتفاع
۳۴٫۴ متری عبور کند.

تورین ایتالیا - ویلی داون
پورت برنده مدال طلای ۱۱۰
متر پامانج المپیک موفق شد
در داخل سالن ۵۰ متر را
در ۸٫۵ ثانیه طی کند. تامی
اسپیت دونده معروف سیاه
پوست ۳۰۰ یاردا در ۳۱٫۵
ثانیه دوید.

لوس آنجلس - خانم
چیچینگ از چین ملی در
مسابقه دو و میدانی داخل
سالن ۶۰ یارد سرعت را ۷٫۸
ثانیه طی کرد.

کالیفرنیا - جرج یانک
فاصله دومیل برابر ۳ کیلومتر
و ۲۲۰ متر را در مدت
۸٫۲۲ دقیقه داخل سالن
طی کرد.

اوهایو - ایرنا ژیونسکا
برنده مدال طلای بانوان
المپیک مکزیکو سیتی فاصله
۵۰ یارد را در مدت ۶ ثانیه
پیمود.

آلمان شرقی - خانم
کارین بالرز دونده آلمان
شرقی موفق شد ۶۰ یارد را
در مدت ۷٫۶ ثانیه طی کند.

مسکو - نیکلای دودکین
قهرمان پرش سه گام موفق
شد با پریدن ۱۶٫۸۶ متر داخل
سالن رکورد جدیدی بجا
بگذارد.

استادبوم سی هزار نفری
کار ساختمان استادبوم
۳۰ هزار نفری در اراضی
فرح آباد (شرق پایتخت) از
روز ۲۸ بهمن ۴۷ در حضور
والاحضرت شاهپور غلامرضا
پهلوی آغاز شد.

هزینه ساختمان این استادبوم
یکصد و پنجاه میلیون ریال
پیش بینی شده که از محل
اعتبارات عمومی دولت پرداخت
میکرد. این استادبوم فرح
آباد نامیده میشود.
مقرر گردید که کمیته ملی
المپیک ایران برای برگزاری
بازی های آسیائی ۱۹۷۰ تا بلند
به کمیته المپیک تایلند کمک
مالی بدهد.

کنگره
چهارمین کنگره هیئت
رئیس کمیته داوران فدراسیون
بین المللی فوتبال در هتل انتر-
ناسیونال تهران طی مراسم

پرش طول، داود سلطانی
پرتاب وزنه، چهل تخمی
پرتاب دیسک، علی محمدی
سیرجان : مسابقات دو و
میدانی دبیرستان های سیرجان
با نتایج زیر پایان یافت :
دو ۲۰۰ متر، هوشنگ
سعید از دبیرستان ابن سینا.
دو ۴۰۰ متر هوشنگ روشنی
از دبیرستان ابن سینا.
در دو ۸۰۰ متر تیم
دبیرستان ابن سینا مقام اول را
بدست آوردند.

دو چرخه : مسابقات دو چرخه
سواری سیرجان در رشته
۳۰ کیلو متر استقامت و دو
کیلومتر سرعت پایان یافت.
در استقامت ابراهیم پرناک و
در سرعت جلال انتظام از
دبیرستان ابن سینا مقام اول
را حائز شدند.

کلاس تربیت بدنی روستایی
سازمان تربیت بدنی
ایران و وزارت اصلاحات
اراضی کلاس های آموزشی
تربیت مربی روستایی را در
حل انستیتو تربیت بدنی تشکیل
دادند. در این کلاس اعضای
منتخب از استانها و فرمانداری
های کل شرکت داشتند و پس
از پایان دوره کلاس برای
اجرای برنامه های ورزشی و
تربیت بدنی در سطح روستاها
بمناطق مختلف کشور اعزام
شدند.

تنیس
مسابقه های تنیس
دانشگاه با نتایج زیر پایان
یافت : در انفرادی از خانم
ها شهلا چهارزی از پزشکی
و از آقایان، مانی مرشد
از دندان پزشکی مقام اول
را بدست آوردند.
در دو نفری : آقایان،
جواد اقبال و مانی مرشد
برنده شدند.

تنیس روی میز
مسابقه های بینک پونک
باشگاه های تهران پایمان
یافت و در قسمت بانوان تیم
تاج برنده اول شد.
رکورد های جدید در دنیا
مسکو - بوریس الکساندروف
قهرمان پرش سه گام شوروی
رکورد جدیدی برابر ۱۵ متر
۶۶ سانتیمتر بدست آورد.
مکزیکو - باب سیگرین
در داخل سالن از ارتفاع
۳۱٫۵ متر با نیزه پرش کرد.
مکزیکو - رالف دویل
۸۸۰ یاردا در مدت ۱۶٫۹
دقیقه دوید.

نیوزلند - می واکوکوبا
یاشی ۲۲۰ یارد آزاد را در
مدت ۲۱٫۸۶ دقیقه شنا

افتتاح شد. شرکت کنندگان در
این کنگره شخصیتهای ورزشی
ممالک مختلف جهان بودند که
ریاست آنرا «سرانالی راس»
سهمه داشت.

سرانانالی راس رئیس
فدراسیون بین المللی فوتبال
(فیفا) چنین گفت :
... می دارد که این
جلسات بتناوب در کلیه کشور
های عضو که بالغ بر یکصد
و چهل کشور است تشکیل
گردد.

سازمان فیفا برنامه های
رسمی در دست اقدام دارد که
این برنامه ها شامل مربیان -
داوران - بازیکنان و باشگاه
ها میشود و با توجه باین امر
است که این سازمان یک کلاس
داوری در اردیبهشت ماه
آینده در تهران ترتیب میدهد
و برای تدریس در آن از یکی
از شخصیتهای فوتبال انگلستان
بنام آقای کن استون استفاده
خواهد شد.

سازمان فیفا همچنین برای
کلاس مذکور که بطریق سیمی
و بصری خواهد بود کلیه فیلمها
و جزوات خود را که در جهت
امر داوری تهیه و تدوین شده
بتهران خواهد فرستاد تا در
کلاس فوق مورد استفاده قرار
گیرد. ما اطمینان داریم که
سطح فوتبال در ایران روز
بروز ترقی خواهد کرد.
پس از ایشان رئیس کمیته
داوران فدراسیون بین المللی
فوتبال گفت : هدف عمده این
جلسات یکنواخت کردن امر
داوری در سراسر دنیا است،
ضمن این جلسات سعی خواهد
شد که چگونگی روش یک -
نواخت امر داوری و یکسان
تفسیر کردن آن در کلیه
کشور هابرسی گردد.

من بازی دو تیم جوان
را مشاهده کردم و ضمن آن
به پیشرفت فوتبال در ایران
و قوف یافتن امیدوارم که
فوتبال در ایران همچنان به
پیشرفت خود ادامه دهد.

● جلسه بررسی و مطالعه
در باره ورزش آموزشگاههای
کشور با حضور روسای تربیت
بدنی شهرستانها و کارشناسان
مربوطه بدست پنج روز در
باشگاه افران دانشکده افری
تشکیل شد و مسائل فنی و
آموزشی و روش تازه گسترش
ورزش در دبستانها مورد
مطالعه قرار گرفت.
● بخشنامه اخیر وزارت
آموزش و پرورش حاکی است
که ایجاد کنندگان مدارس در
موردیکه محل ورزش مناسبی
در نظرنگیرند از کار آنها
حلوگیری خواهد شد

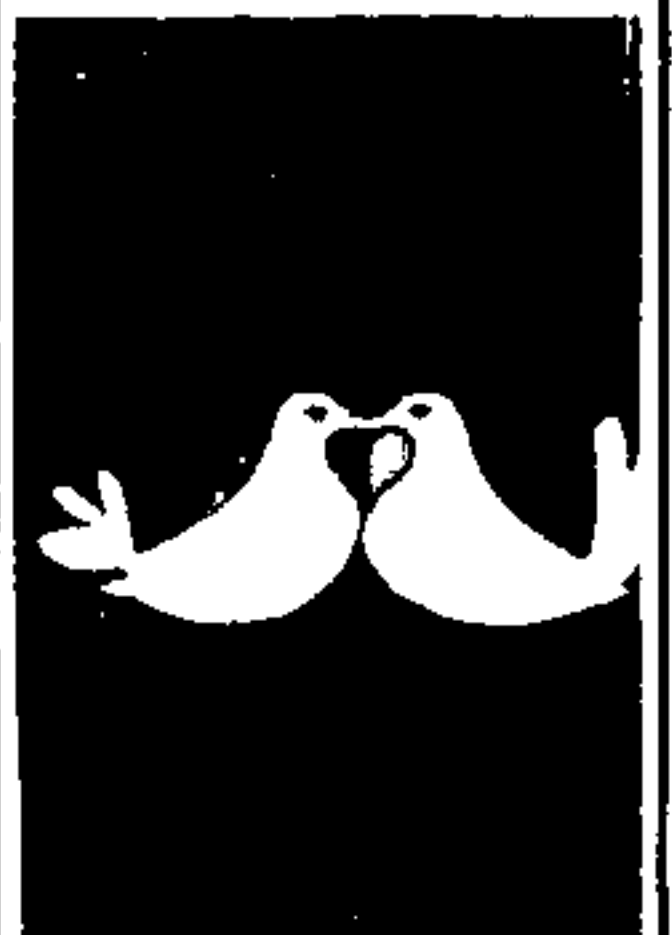


ماکت استادبوم سی هزار نفری تهران

صفحه دومیت ششم



خداوند دو کعبه



شبنامه



کتاب

خداوند دو کعبه

● نوشته‌ی دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی بحث و مناظره‌ایست میان دوتن عالم که به بررسی و پژوهش انسان بیمار قرن می‌پردازند. «خداوند دو کعبه» گفت و گوی ناصرالدین صاحب الزمانی با فیلسوف و روانشناس و محقق و جامعه‌شناس بزرگ جهان سرروکیس می‌باشد که در این مجمل توان بیان این جهان بینی و محتوای این کتاب عظیم نیست.

● کمک‌های نخستین به ترتیب حروف الفباء و اطلاعات عمومی پزشکی. نوشته: دکتر طهمورت فروزین نویسنده در مقدمه کتاب کوچک خود چنین می‌نویسد: جزوای که در اختیار شما است با استفاده از آخرین اطلاعات پزشکی به رشته تحریر درآمده و می‌تواند برای شما که دور از شهر و آبادی به بیماری ویاعارضه‌ای دچار می‌شوید و احیاناً به پزشک دسترسی ندارید فوق‌العاده مفید واقع شود و در موارد لزوم جان شما را برهاند.

لازم است برای آن که از محتویات این کتاب بخوبی اطلاع داشته باشید، در مرحله اول آنرا قیلاً خوب بخوانید و در موقع نیاز به آن بدانید به کدام قسمت مراجعه کنید. نکته‌ای که برای شما دانستن آن لازم است، این است که در این جزوه فقط به ذکر مطالبی قناعت خواهد شد که لازم است به وسیله خود شما انجام شود والا اگر پزشک در اختیار داشته باشید، بطور مسلم او خیلی پیشتر و بهتر از آنچه در اینجا نوشته شده کمک و مساعدت خواهد کرد.

یعنی محتویات و مطالب شما را برای حفظ جانمان تا رسیدن به اولین پزشک یا درمانگاه کمک و یاری می‌کند و بهیچوجه در مواردی که دچار کسالت ویاعارضه‌ای می‌شوید و به دستورات این کتاب عمل می‌کنید نباید تصور نمایید که با انجام این دستورات وظیفه شما نسبت به خودتان و یا نسبت به بیماری که در کنارتان قرار دارد، تمام شده، بلکه به محض رسیدن به پزشک لازم است درمان را به عهده او گذاشته و از او بخواهید که آنچه را که انجام داده‌اید، تکمیل نماید.

در این جزوه سعی شد که مطلب به شکل الفبایی، یکی پشت دیگری برشته تحریر درآید تا شما در موارد لزوم بتوانید به آسانی به قسمت مربوطه مراجعه کنید. به هر حال مساله مهم آن

است که از محتویات این کتاب، زمانی باید استفاده کنید که با پزشک فاصله زیادی دارید و در یک ده یا نقطه‌ای پرت و دور افتاده قرار دارید و به علت پیدایش عارضه و مرضی متحیرمانده‌اید که چه کنید.

این کتاب یک راهنمای موقتی شما است و صلاح است در موارد اساسی بهر قیمت شده خود را به پزشک برسانید.

گشتن مرغ مینا

● کتابی است از هارپرلی به ترجمه‌ی فخرالدین میر رمضانی که انتشارات امیر کبیر آنرا منتشر ساخته است.

«گشتن مرغ مینا» داستانی است که فیلی از آن با شرکت گرگوری یک تهیه و چندی پیش در ایران بنام «گشتن مرغ مقلد» نمایش داده شد.

● چاپ قرآن در چکسلواکی ● کوچکترین قطع «قرآن» که تاکنون در دنیا به چاپ رسیده قرآنی است به قطع ۲۵x۳۵ که در چکسلواکی به چاپ رسیده است. مجموع صفحات قرآن در این چاپ بالغ بر دو هزار صفحه شده است.

● دو پیکره ● دومین مجموعه شعر بصیری بنام «دو پیکره» است که در چهار فصل جداگانه منتشر شده است. دو پیکره نام اولین فصل این مجموعه شعر می‌باشد.

● تاریخ قاتر ایران ● بهرام بیضانی (کارگردان و تئاتر نویس) مشغول تهیه کتابی است بنام تاریخ قاتر ایران که بزودی انتشار خواهد یافت. از بیضانی قبلاً اثر دیگری در این زمینه بنام نمایش در ایران به چاپ رسیده بود.

● کتابخانه ● قرار است از طرف مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر یک کتاب نامه بصورت ضمیمه کتاب منتشر شود. کتابنامه در شمار نشریات انتقاد کتاب و بررسی کتاب می‌باشد که انتشارات نیل و مروارید آنرا در خصوص کتاب‌آشمار می‌دهند.

● «کتابنامه» ریخت و شکل تازه‌ای میان نشریات مربوط به کتاب دارد و عده زیادی از نویسندگان نیز با آن همکاری کرده‌اند.

● به منظومه براهنی ● دکتر رضا براهنی به زودی کتاب تازه‌اش موسوم به منظومه را منتشر خواهد کرد. این کتاب شامل منظومه‌هایی چون جنگل و شهر - یک زندگی مشور و مصیبتی زیر آفتاب است. هم چنین پرمان درازی از این نویسنده بنام روزگار دوزخی آقای ایاز، زیر چاپ است. شراب خام ● نخستین اثری است از

اسعیل فصیح. زمانی است تقریباً شبیه رمانهای پلیسی و جنائی غرب، از جمله ژرژ سیمون ولی قدرت و عمق نوشته‌های سیمون را ندارد. داستان جزدر پارامی موارد که نویسنده می‌خواسته است قضیه را کش بدهد و به صفحات بیفزاید، آتريک و سانس رمانهای پلیسی و جنائی غربی را دارد.

● از دوست دارم ● یدالله رویانی (شاعر) خود در پایان کتاب اظهار داشته است که این دفتر از میان اشعار سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۷ به امساك انتخاب شده است. غیر از سه چهارقطعه که از انتخابان نگذشتیم، بقیه اشعاری است که از قلمرو عشق و بدن میگذرد.

● جنگ، وبا ● زمانی است از لیوودمیل استویانف به ترجمه‌ی منوچهر سهام در تصویر چهره‌ی جنگ که بانثر روان و شاعرانه نوشته شده است و مترجم نیز در برگرداندن آن به فارسی کوشیده است تا این حالت شاعرانه را حفظ کند.

● زمینی که خدا به قایل داد ● اثری از هموندانیس به ترجمه‌ی عبدالحمین شریفیان.

● داستان سفرهای نویسنده است که در آن کوشیده شده است تصویری از ساختمان یکی از بزرگترین راه‌آهنهای دنیا و مردانی که آن را بنا کرده‌اند نشان دهد.

● دیوان اشعار نصرت بکوشی عبدالرضا نصرت دیوان اشعار استاد فقید عبدالحمین نصرت مشتمل بر غزلیات، قصاید، مثنویات، قطعات، رباعیات آن مرحوم بمناسبت مدمن سال تولد شاعر انتشار یافت.

● نصرت هم چنین دارای خط بسیار زیبایی بود که نمونه‌هایی از آن در ابتدای کتاب گروار شده است - کتاب با مقدمه‌ای بقلم ناشر و مطلبی تحت عنوان چراغی که خاموش شد نوشته ساتور وقت مویذ ثابتی در ۲۵۸ صفحه با کاغذ مرغوب و جلد خوب انتشار یافته است.

● مجموعه‌ها ● انتشارات امیر کبیر تحت عنوان «مجموعه» سری کتاب در زمینه‌های مختلف ادبی و فکری منتشر میکند که اولین دسته آن عبارتند از:

- مجموعه‌ی شعر که تشکیل شده از دو کتاب تازه شعر از احمد شاملو و منوچهر آشتی بنامهای مرثیه خاک و دیدار در فلق.
- مجموعه‌ی نمایش شامل اثر طویلی از بهرام بیضانی به اسم دیوان بلخ.
- مجموعه‌ی قصه برگزیده‌ای است از داستانهای جهان اشتاین یک به انتخاب خود نویسنده.
- مجموعه‌ی اندیشه یادداشت‌هایی از نیما یوشیج.

● پیاده‌رو ها ● تازه‌ایست از محمد علی سیالو. پیاده‌رو ها منظومه‌ی بلندی است که قطع جیبی چاپ شده است.

● منوچهر محجوبی طنز ● نویس ایرانی و سردبیر مجله کاریکاتور که در ضمن به کار ترجمه نیز می‌پردازد، در کار جدیدش این دورشه را در هم آمیخته و مجموعه‌ای در معرفی و نقل آثار طنز نویسان امروز جهان برگردانده است که بزودی بصورت کتابی انتشار خواهد یافت.

● عاشقانه ها و کیود ● بزودی آخرین کتاب مهدی اخوان ثالث توسط انتشارات جوانه منتشر می‌گردد. در این کتاب که تازه‌ترین شعرهای مشر نشده (م. امید) درج شده، عاشقانه‌ها و کیود نام گرفته است.

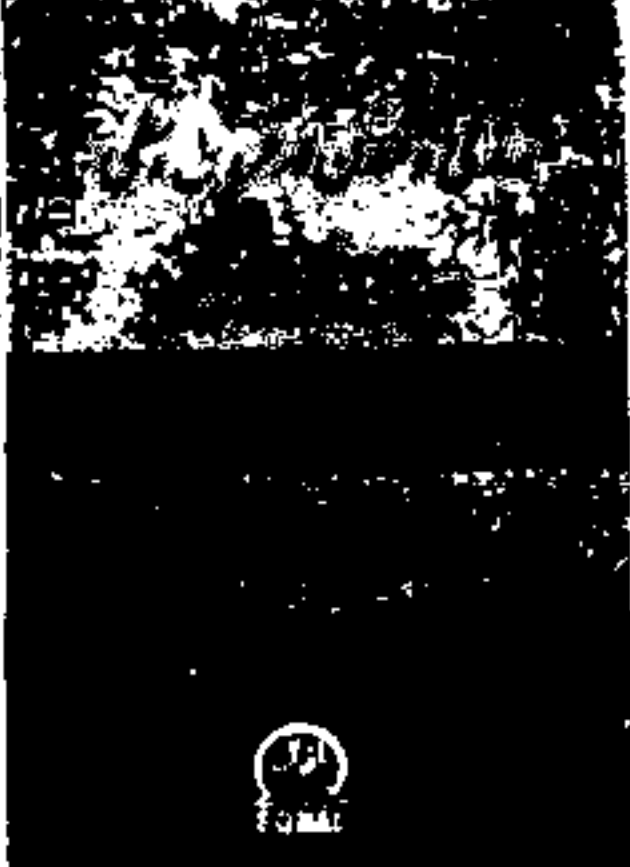
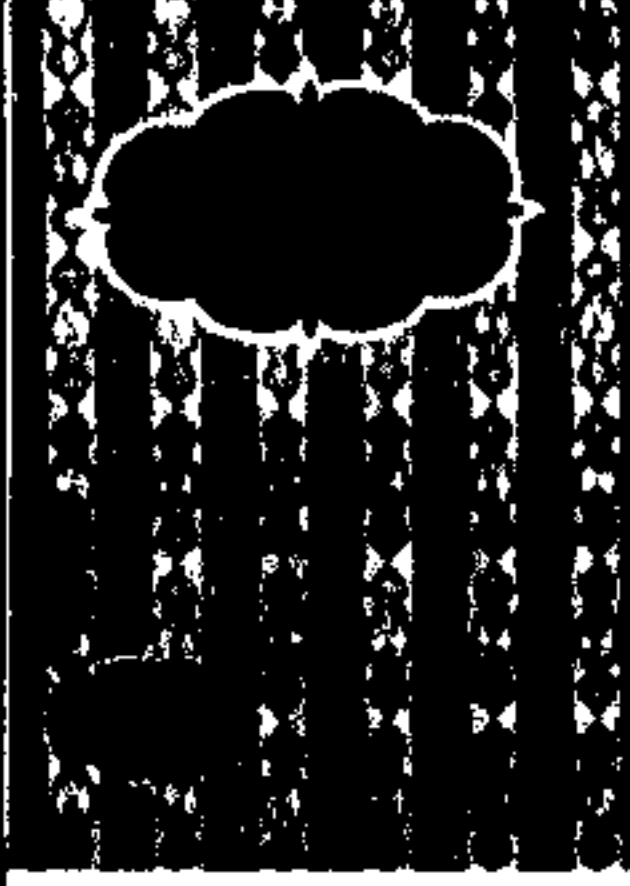
● بررسی روابط اگريستانسالیست ● «بررسی روابط اگريستانسالیست با جامعه کتابی است که به تالیف محمد رضا زمانی انتشار یافت.

● در این کتاب مائلی که مطرح میشود به استاد گفنا ر یا رفتار خصوصی سارتر و دیگران نیست بلکه استاد به آن اندیشه‌ای از «سارتر» و دیگران میشود که واضع مکتب اگريستانسالیسم اند.

● رومان جدید صالح وحدت ● از صالح وحدت شاعر معاصر بزودی زمانی انتشار خواهد یافت. این رمان ماجرای زندگی کودکی است که در «ده» بزرگ میشود با تجربه‌های روستایی به شهر می‌آید و در شهر پس از درگیری با مسائل مختلف شهری در پایان زندگی ویژه‌ای را روبروی خود می‌بیند.

● انتشارات زمان ● انتشارات زمان که از سازمان‌های انتشاراتی ایران است در مدت عمر کوتاه خود کتاب‌های تازه‌ای به چاپ رسانده و چند کتاب زیر چاپ و دست انتشار دارد که به ترتیب نامی از آنها ذیلا برده خواهد شد:

- بدایع و بدعت‌های نیما یوشیج از مهدی اخوان ثالث.
- صومعه پارم از استاندال ترجمه‌ی عبدالله توکل.
- قصه‌ی هفت کلاغون اثر شاملو (قصه‌ی مصوری برای بچه‌ها).
- طلا در مس (در نقد شعر و شاعری) از دکتر براهنی.
- شازده احتجاب (یک رمان) از هوشنگ گلشنری.
- ادبیات چیست اثر سارتر به ترجمه‌ی ابوالحسن نجفی و دکتر مصطفی رحیمی.
- سکر و فتنه‌های خالی مجموعه‌ی داستان از



تاریخ ایران

از محمد باقر



هنرمندان گروه باله زاگرب یوگسلاوی

پنجشنبه ۲۴ بهمن
موسیقی ایرانی توسط
ارکستر ایرانی تالار رودکی
کسرت
شنبه ۲۳ بهمن
ارکستر سفینک تهران
بهرامی آواز : پری نر
شنبه ۲۹ بهمن
ارکستر سفینک تهران
بهرامی پیانو : آندورفلنس
باله
پنجشنبه ۱ اسفند و شنبه ۱۳ اسفند
سیندرلا از : پروکیف
توسط باله ملی ایران
اپرا
۴ و ۱۰ و ۲۰ اسفند
آرایشگر سویل از: رسینی
توسط هنرمندان اپرای تهران
چهارشنبه ۲۱ اسفند
آرایشگر سویل از: رسینی
توسط هنرمندان اپرای تهران
چهارشنبه ۲۸ اسفند
ترواتور از : وردی
توسط هنرمندان اپرای تهران
برنامه موسیقی ایرانی
دوشنبه ۱۳ اسفند
رقص ، آواز و موسیقی
ملی و محلی ایران
توسط باله ملی ایران و کر
تهران
شنبه ۲۴ اسفند
رقص ، آواز و موسیقی
ملی و محلی ایران ساعت
۳-۴ برای کارگران
شنبه ۲۴ اسفند
رقص ، آواز و موسیقی
ملی و محلی ایران ساعت
۳-۴ برای کارگران
کسرت
سه شنبه ۶ و چهارشنبه ۷
اسفند
کسرت خوانندگان اپرای
دولتی وین
شنبه ۱۷ اسفند و یکشنبه ۱۸ اسفند
گروه آواز خردسالان وین
(انجمن فیلامونیک)

سازگار باشد و قابل درک و لذت و حظ کردن .
در طول سال ۱۳۴۷ ما شاهد گروه های مختلف باله ، موسیقی ، اپرا و تئاتر بودیم و از همین روست که باید اعتراف کرد ، تالار رودکی می تواند نقش يك دانشگاه بزرگ هنری را برعهده گیرد و فرهنگ و هنر ملیتهای مختلف به مرحله اجرا در آورد و در جلو دیدگان تماشاگران ایرانی و خارجی قرار دهد . بگذارید عادلانه به قضاوت بنشینیم و بگوییم که این نوزاد تازه پا گرفته در این مدت کوتاه عمر خود بدرستی و راستی و با معیار های جهانی در عرضه داشت هنر و فرهنگ شرق و غرب با همه مشکلات و سختی ها موفق و سر بلند بوده است . از جمله کارهای خوب گردانندگان تالار رودکی ارزان کردن قیمت بلیط ورودی برای دانشجویان و حتی طبقه کم درآمد است که بتوانند از برنامه های مورد علاقه خود در تالار رودکی دیدن کنند .
برنامه هایی که در بهمن و اسفند ۱۳۴۷ در تالار رودکی بروی صحنه آمد به قرار زیر است :

شنبه ۱ بهمن و پنجشنبه ۱۷ بهمن
سیندرلا از : پروکیف
توسط باله ملی ایران
شنبه ۸ بهمن
و چهارشنبه ۹ بهمن
باله زاگرب توسط هنرمندان باله کشور یوگسلاوی
اپرا
۵ و ۶ و ۱۳ و ۲۰ و ۲۷ و چهارشنبه ۳۰ بهمن
آرایشگر سویل از: رسینی
توسط هنرمندان اپرای تهران
موسیقی ایرانی

● پس از تغییر و تبدیلی که در کار مجله روشنفکر بعمل آمده و قرار است به صورت شرکت سهامی انتشاراتی درآید با توجه به پرستیژ و تیراژی که «مهری» برای روشنفکر فراهم آورده، قرار است بهر ترتیب در سمت خود نگهداشته شود .

● «حسین مهری» از سردبیران بی ادعا و پرکار مطبوعات تهران است .

● لغت نامه ورزشی تالیف و گردآوری «ناصر مفخم» شامل کلیه لغات و اصطلاحات فارسی و خارجی ورزش میباشد که برای درست بکار بردن آن در نوشته ها و آگاهی یعنی واقعی هر يك تهیه شده است . سازمان تربیت بدنی ایران بمنظور بالا بردن سطح ورزش و گسترش آن در میان طبقه جوان اقدام بچاپ این کتاب کرده است .

● حکمت یونان . تالیف شارل ورنر

● ترجمه بزرگ نادرزاد از انتشارات کتابفروشی زوار با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین .

● تاقیل از انتشار کتاب «حکمت یونان» ، کتابی در این موضوع و بدین تفصیل به فارسی نداشتیم . آقای نادرزاد که در زبان و ادب فرانسه صاحب نظر است کار دشوار این ترجمه را با موفقیت بی پایان برده است . امیدواریم مترجم فاضل ، دامن اینگونه کارهای مفید را که از هر کسی هم ساخته نیست رها نکنند و آثار دلپذیر و عمیق دیگری را به تشنگان آثار فلسفی نصیب گردانند .

تالار رودکی

● منظر هنر و فرهنگ يك ملت همیشه به معرض نمایش گذاشتن برنامه های فرهنگی آن قوم بوده است .

● تالار رودکی و برنامه های متنوع آن در سال ۱۳۴۷ نموداری از جنبش پر برکت و چشم گیر فرهنگ و هنر ایران بود .

● برنامه ها همه حکایت از ذوق ودانایی انتخاب کنندگان می کرد . ما شاهد هنرنمایی پر جاذبه هنرمندان غرب و جلوه گری های شوق آفرین هنرمندان شرق بودیم .

● باید اذعان کرد کسه گردانندگان تالار رودکی به خوبی دریافته اند که رسالتی برعهده دارند و باید در این مسؤولیت فرهنگی و هنری تمامیت هم خود را مصروف عرضه داشت بهترین ، گویا ترین ، خالص ترین و جذاب ترین برنامه ها کنند و به تماشاگر ایرانی هنری راعرضه نمایند که با ذائقه معنوی او

انتشار یافته عبارتند از :

● پرش و پاسخ در طب داخلی ترجمه و تنظیم دکتر محمود علی پور - انتشارات آذر .

● فیزیولوژی پزشکی (دو جلد) تالیف «پرفسور آرتور گایتون» - انتشارات آذر .

● نظریه های اقتصادی

● در قرن بیستم تالیف «دکتر منوچهر زندی حقیقی» - انتشارات آذر .

● لوزه المعده ، کبد ، دستگاه صفراوی اثر «سیسل - لوب» انتشارات آذر .

● اقتصاد مالیه عمومی تالیف «دکتر منوچهر زندی حقیقی» - انتشارات آذر .

● ژان کریستف (چاپ چهارم) از «رومن رولان» ترجمه ی . م . ا . بهادین - انتشارات نیل .

● دزیره (چاپ پنجم) از «آن ماری سلینکو» ترجمه ایرج پزشکزاد - انتشارات نیل .

● دانی و انیا (نمایشنامه) از «آنتوان چخوف» ترجمه هوشنگ پیرنظر .

● آواز های سند باد از «البیاقی» ترجمه شفیعی کدکنی .

● چنین گفت زرتشت از «نیچه» ترجمه اسمعیل خوئی و داریوش آشوری .

● خانه برنارد آلبا از «فدریکو گارسسیا لورکا» ترجمه محمود کیانوش .

● در تربیت (چاپ سوم) اثر «برتراند راسل» ترجمه عباس شوقی - از انتشارات عطائی .

● رازهای جهان آفرینش ترجمه و نگارش محمدبسیری - انتشارات عطائی .

● شب نامه و قطره های باران (مجموعه شعر) از محمد زهری - انتشارات اشرفی .

● زندگی و تمدن در قرون وسطی و نقی ایران در علوم مغرب زمین . تالیف «مدرالدین سیرانی» - از انتشارات اقبال .

● تقدیه و زندگی - از «محمد مشیری» - از انتشارات گوتنبرگ .

● تاریخ ایران از ماد تا پهلوی نوشته «حبیب الله شاملوئی» - انتشارات مغان علیشاه .

● شرح بوستان تالیف «دکتر محمد خزائی» - انتشارات جاویدان .

● لغت نامه ورزشی گرد آورنده «ناصر مفخم» - از انتشارات تربیت بدنی .

● اصالت در هنر و علل انحراف در احساس هنرمند تالیف دکتر احمد اردوبادی - انتشارات دانشگاه تبریز .

● کبریت (قوطی کبریت و برچسب آن در جهان و ایران از اختراع تا امروز) تالیف محمد مشیری - انتشارات تهران اکونومیست . حسین مهری

بهرام صادقی
-رادیو بسیار آسان است (مجموعه دانستیهای درباره علوم و فنون) ترجمه مهندس آروین و رضا سید حسینی .
● به نمایشنامه کسالت اور ناصر ایرانی سردبیر مجله شکار و طبیعت تحت عنوان «به نمایشنامه کسالت آورا» سه نمایشنامه خود را بنام های «گناه کبیره امی» ، «آن روز گرم و دراز» و «صحنه تاریک میشود» به چاپ رسانید .

● ایرانی در آن روز گرم و دراز از قول یکی از هنرپیشه های خود چنین میگوید :

«... نباید بشما اجازه میدادم که بیایید به ملاقاتش . نباید اجازه میدادم . اما میدانید ... زنها موجودات غریبی اند . هیچوقت پیسر نمیشوند . یعنی دلشان ، آرزو هاشان . هیچوقت راضی نمی شوند که مردشان ، قهرمانشان زمین گیر بشود حتی اگر همه ی سنگینی دنیا افتاده باشد روی پاهایش !»

● انتشارات امیر کبیر
● کتابهایی که از این سازمان منتشر شده عبارت است از :

● از چهار تابهار (مجموعه ی متنی از شعر و داستان از گویندگان و نویسندگان قدیم و جدید)

● هم آغوشی جانوران ترجمه و تالیف مهدی تجلی پور .

● عصر روشنگری نوشته ایرایا برلین - ترجمه پرویز داریوش

● عصر خرد نوشته استوارت هیشیر - ترجمه احمد سعادت نژاد

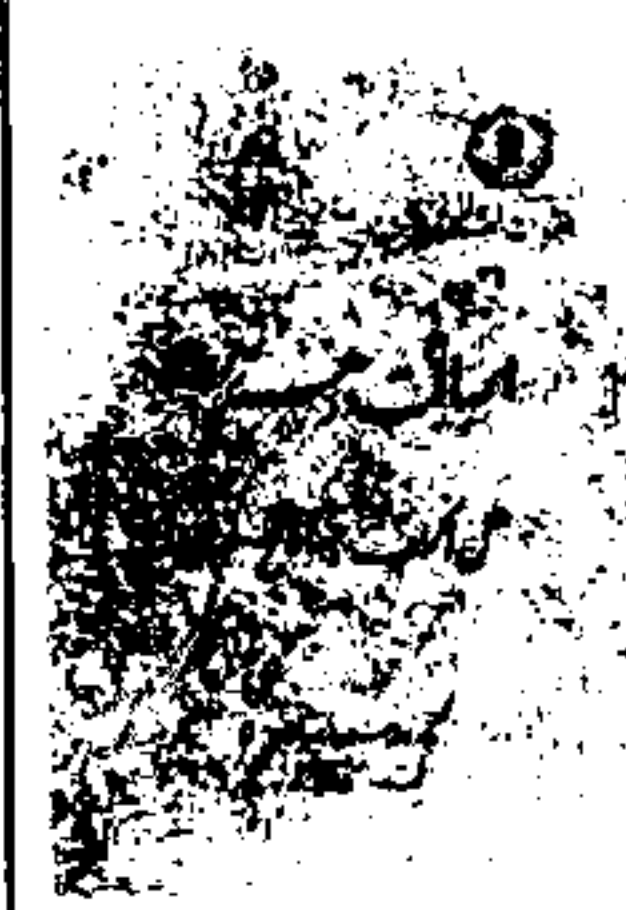
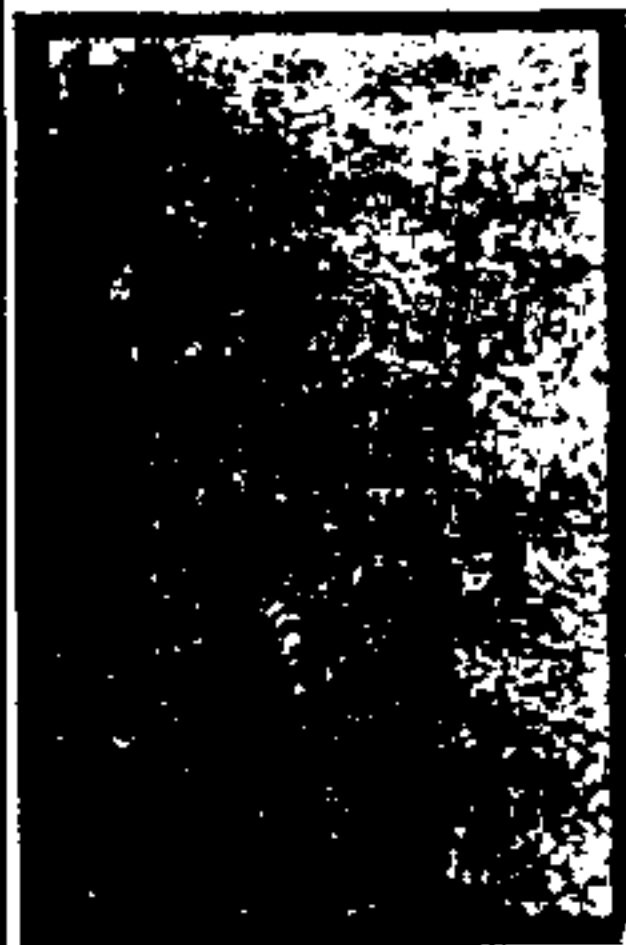
● ریچارد سوم اثر ویلیام شکسپیر - ترجمه دکتر رضا براهنی

● رمز شادی و تندرستی از دکتر کیلور و هاوزر - ترجمه مهدی نراقی
● انتقاد کتاب

● چهارمین شماره انتقاد کتاب ضمیمه کتاب «بلاغ آلبالو» در نقد و معرفی کتاب های روز بهمت محمود کیانوش و توسط مؤسسه انتشاراتی نیل نشر گردید . در این شماره از انتقاد کتاب مطالبی تحت عنوان «بعد از برشت از مایکل هورگر (معرفي هانس ، ماکبوس اترنبرگر و شعر او) - گنجینه های باد آورده (نقدی بر شاعره) - چند سخن در باره ی ساختمان داستان اثر آنتونی ترولوپ - مشهور و ناشناخته (نقدی بر کتاب شناسی فردوسی) - فرار از واقعیت (نقدی بر هفتخوان درویش) - اروپا جهان را ساخته است (معرفي يك اثر جدید فرانسوی) - است ! عقب گرد ! قدمرو (سخنی بامترجمان و کتاب در ایران و جهان انتشار یافته است .

کتابهای تازه

● کتابهای تازه ای که



نفت

● آقای دکتر منوچهر اقبال رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران جهت بازدید از تاسیسات نفتی کشور های شمال آفریقا در اواسط بهمن ماه رهسپار این قسمت از قاره آفریقا گردید. آقای دکتر اقبال در این سفر در باره توسعه تاسیسات نفتی ایران با کشورهای مغرب، تونس و الجزایر مذاکراتی با مقامات سیاسی و اقتصادی این دولت ها انجام دادند. نخستین محل مورد بازدید رباط پایتخت مراکش بود. آقای دکتر اقبال در کشور مغرب با نخست وزیر، وزیر امور خارجه، وزیر صنایع و معادن، رئیس شرکت فسات، مدیر عامل شرکت سامیر، اعلیحضرت حسن دوم پادشاه کشور مغرب، وزیر امور خارجه و رئیس جمهوری و وزیر اقتصاد ملی تونس ملاقات و مذاکراتی بعمل آوردند. آقای دکتر اقبال در ضمن این بازدید از شهر محمدیه پالایشگاه سامیر - کازابلانکا در کشور مغرب، تاسیسات پتروشیمی منطقه هاجره و شهر کنستانتین واقع در الجزیره، تاسیسات صنایع فسات در شهراسپاکس واقع در تونس و نقاط مختلف دیگر این سه کشور دیدن کرد. دو چاه به نفت رسید

● عملیات حفاری چاه شماره چهار و پنج نفت شاه پایان یافت و بهره برداری از آن ها آغاز شد. سخنگوی شرکت ملی نفت ایران اعلام داشت که هم اکنون روزانه شش هزار و دویست بشکه نفت از چاه شماره پنج نفت شاه استخراج میشود. حفاری این چاه بوسیله مهندسان و کارکنان ایرانی انجام شده است. چاه شماره ۴ در مدت ۲۸ روز حفر گردید و سرعت عمل در انجام این کار بی نظیر بوده است. خرید نفت از ایران

● آقای سیحون معاون وزارت انرژی و منابع طبیعی ترکیه با تفاهات همراهان خود که به ایران آمده اند از پالایشگاه تهران، مرکز تحقیقات نفتی و آزمایشگاه زمین شناسی شرکت ملی نفت ایران دیدن کردند. هیئت مذکور در مدت اقامت خود در ایران در مورد امکانات همکاری بین ایران و ترکیه و خرید نفت از ایران با مقامات ایرانی مذاکراتی بعمل آورد. کمک به سیزدگان

● شرکت ملی نفت ایران مبلغ ده میلیون ریال برای کمک به سیزدگان استان خوزستان در اختیار جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران قرار داد.

● همچنین مقدار چهل هزار لیتر بنزین نیز در اختیار نیروی دریائی شاهنشاهی ایران

در جنوب گذارده شد تا به مصرف واسطه نقلیه و هلیکوپتر هائی که در عملیات کمک به آسیب دیدگان سیل جنوب شرکت دارند برسد.

● برق تصفیه خانه «بید بلند» براساس قرار دادی که بین شرکت ملی نفت ایران و سازمان آب و برق خوزستان به امضاء رسید پانزده هزار کیلووات برق مورد احتیاج تصفیه خانه گاز «بید بلند» و مستگاههای جمع آوری گاز در مناطق نفت خیز جنوب از سد محمد رضا شاه تامین خواهد شد.

● مدت این قرارداد پنج سال است و در صورت تمایل دو طرف قابل تمدید خواهد بود سخنگوی شرکت ملی نفت ایران در اینباره گفت: سعی شده است که حتی الامکان نیروی برق مورد نیاز طرح شاه لوله گاز سراسری ایران از شبکه های برق موجود در کشور تامین شود ولی از نظر پیش بینی چند دستگاه مولد برق یدکی نیز در محل تاسیسات نصب شده است که در صورت لزوم مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

● پالایشگاه مدرس آخرین مراحل تکامل خود را طی مینماید و انتظار میرود قسمت های اصلی پالایشگاه در اوایل سال ۱۳۴۸ آماده بهره برداری گردد. در پالایشگاه مدرس دستگاههای تصفیه بشکل یو (U) ساخته شده و اطابق کنترل ذوب ذقه شکل که کلیه دستگاه های کنترل کننده در آن متمرکز گردیده در مرکز (U) قرار دارد. ساختمان اطابق کنترل بطوری طراحی شده است که مسئولین کار در هر حال نظارت کامل بر محوطه دستگاههای تصفیه خواهند داشت.

● ایجاد پالایشگاه جدید بقرار اطلاع کارشناسان شرکت ملی نفت طرح پنجمین پالایشگاه بزرگ نفتی را تهیه دیدم اند. گفته میشود، ممکن است این پالایشگاه در استان آذربایجان که در حال حاضر دارای چنین واحدی نمی باشد احداث گردد.

● با افزایش تقاضای مواد نفتی در داخله کشور و وجود بازار های وسیع در کشور های همجوار مقامات شرکت ملی نفت در چند ساله اخیر طرح هائی جهت ازدیاد تولید مواد مصرفی حاصل از نفت را تهیه نموده اند که از آن جمله ایجاد پالایشگاه عظیم تهران واقع در جاده قم و احداث پالایشگاه شیراز و نو سازی و گسترش پالایشگاه قدیمی کرمانشاه می باشد.

● اقدام شرکت ملی نفت برای ایجاد پالایشگاه جدید بخصوص اگر در منطقه آذربایجان باشد بی سودمند می باشد.

● کارنامه پنجساله نفت در پایان سال ۱۳۴۷ کارنامه پنجساله نفت کشور را نیز مرور میکنیم تا حدود و میزان فعالیت این سازمان

شود. اهم فعالیت های انجام شده در سال های مختلف بدین شرح بوده است:

● سال ۱۳۴۳ چاه شماره ۱ کرنج و چاه شماره ۳ خارک در حوزه قرارداد به نفت رسید. ● سه دستگاه جدید برای تصفیه نفت سفید در پالایشگاه آبادان نصب شد. ● بهره برداری از دستگاه تفکیک گاز و نفت شماره ۲ اهواز آغاز شد.

● سال ۱۳۴۳ بهره برداری از مرکز نفتی بهرگان واقع در نزدیکی بندر دیلم که بوسیله شرکت نفت ایران و ایتالیا ساخته شده آغاز شد. ● تاسیسات بارگیری شرکت نفت ایران و پان - آمریکان در جزیره خارک افتتاح شد.

● قرار داد فروش مواد نفتی با افغانستان و ایجاد سرویس سوختگیری هواپیما های فرودگاه های کابل و قندهار انعقاد یافت. ● دو منطقه نفتی در فارس و رک سفید کشف گردید.

● تشکیل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران. ● بهره برداری از خطوط لوله تهران - رشت. ● ششمین قرارداد جدید نفتی امضاء شد و شرکت نفت خلیج فارس بموجب آن تاسیس گردید.

● آزمایشگاههای مهندسی نفت در آبادان ساخته شد.

● سال ۱۳۴۴ ایجاد فروشدگی مواد نفتی در شرکت های تعاونی روستاها آغاز گردید. ● قرارداد فروش ۳۵۰۰۰ متر مکعب نفت خام به کشور آرژانتین امضاء شد. ● کشف منبع جدید نفت کوپال در حوزه قرار داد. ● دو قرار داد برای ایجاد تاسیسات صنایع پتروشیمی با شرکت های آلید میکیکال و بی. اف. گودریچ با امضاء رسید.

● قرار داد نهائی تاسیس پالایشگاه نفت مدرس بظرفیت سالانه ۲۵ میلیون تن با شرکت ملی نفت ایران انعقاد یافت. ● شرکت ملی گاز ایران برای اداره گاز کشور تاسیس شد.

● سال ۱۳۴۵ منبع جدید نفت در

● ملاتانی واقع در حوزه قرار داد کنسرسیوم کشف گردید. ● قرارداد جدید نفت بر اساس پیمانکاری با گروه فرانسوی «اراپ» منعقد و شرکت سوئیران تشکیل گردید. ● موافقتنامه استرداد ۲۵ درصد از ناحیه قرارداد کنسرسیوم امضاء شد.

● سال ۱۳۴۶ دو آزمایشگاه تحقیقاتی نفت در شهر ری افتتاح شد. ● آغاز بهره برداری از منطقه کورش دومین منبع نفتی شرکت نفت ایران پان - آمریکان انجام گرفت. ● دستگاه پیلوت تفکیک گاز در آبادان ساخته شد. ● منبع جدید نفت خام در منطقه نوروز در خلیج فارس توسط شرکت نفت ایران و ایتالیا کشف شد.

● تولید نفت خام از حوزه قرار داد کنسرسیوم از ۲۵۰ میلیون بشکه در روز تجاوز نمود.

● اجازه بهره برداری از تاسیسات بارگیری بندرماهشهر (مرحله دوم طرح جسم) صادر شد.

● سال ۱۳۴۷ امضاء شش موافقتنامه پتروشیمی بین ایران و کشور مغرب مربوط به تولید، خرید و فروش محصولات پتروشیمی بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران و هیئت اقتصادی کشور مغرب. ● امضای قرارداد طرح نو سازی و توسعه پالایشگاه کرمانشاه.

● امضای قرار داد با کشور عربستان سعودی برای تعیین حد فاصل جهت بهره برداری از فلات قاره مشترک بین ایران و عربستان سعودی. ● افتتاح تاسیسات لاوان بدست مبارک شاهنشاهی آریامهر و آغاز بهره برداری از این تاسیسات.

● دهمین قرارداد

● انعقاد قرارداد جدید نفت با کنسرسیوم اروپائی را باید یکی دیگر از موفقیت های بزرگ شرکت ملی نفت ایران بحساب آوریم. این قرار داد که پس از چند ماه مذاکره و «چانه زدن» به نتیجه رسید، یکی دیگر از قراردادهای انقلابی نفت می باشد که بوسیله شرکت ملی نفت ایران وارد مرحله عمل میشود. طرف مقابل در این

قرارداد که در واقع دهمین قرارداد از نوع قرارداد های جدید نفتی می باشد پنج کمپانی بزرگ اروپائی است که سهام آنها متعلق به دولت متبوعشان می باشد.

● این قرارداد هم مانند قرارداد اراب بر اساس پیمانکاری امضاء و عایداتی که در نتیجه اجرای آن نصیب ایران خواهد شد بالغ بر ۹۰ درصد است.

● در قرارداد اراب مساحت حوزه قرارداد بالغ بر ۲۷۰ هزار کیلو متر مربع (در خشکی و دریا) بود، در حالیکه مساحت ناحیه فعالیت در قرارداد اخیر حدود یکدهم قرار داد اراب یعنی فقط ۲۷ هزار کیلومتر مربع است. از جمله امتیازات دیگری که قرارداد اخیر با قرارداد قبلی دارد مربوط به «فروش نفت» سهم شرکت ملی و همچنین «قیمت فروش» نفت خام سهم شرکت ملی میباشد.

● قرارداد اخیر قیمت فروش هر بشکه نفت خام سهم ایران را بر اساس قیمت واقعی منتهای کسر کردن يك سنت در هر بشکه بعنوان حق العمل تعیین کرده در حالی که طبق قرار داد قبلی با اراب میزان حق العمل در هر بشکه ۳ سنت تعیین شده بود.

● در زمینه تعهد فروش نفت خام سهم شرکت ملی نفت طبق قرارداد قبلی با اراب چنین منظور شده که: شرکت اراب تعهد مینماید بعد از شروع بهره برداری در ۵ سال اول، هر سال بمیزان ۳ میلیون تن و در ۵ سال دوم، هر سال بمیزان ۴ میلیون تن نفت خام خارج بفروش برساند مشروط بر اینکه معادل قیمت آنها از خدمات و اجناس ساخت فرانسه استفاده شود. اما در قراردادی که با کنسرسیوم اروپائی امضاء شد، در مقابل تعهد فروش قسمتی از سهم نفت خام ایران از طرف کنسرسیوم اروپائی، شرکت ملی نفت بهیچوجه خود را مقید نساخته که در مقابل قیمت نفت از خدمات و اجناس ساخت فرانسه خریداری نماید.

● بدین ترتیب این کاملترین و بهترین و در عین حال بیسابقه ترین قرارداد نفت در نوع خود در جهان میباشد که تا امروز منعقد شده است.

نیروی دریائی

● دو ناوشکن ایرانی که در دو کارخانه کشتی سازی در انگلستان ساخته شده با آب انداخته شد.

● دو ناوشکن «زال» و «رستم» روز سه شنبه سیزدهم اسفند ماه به آب انداخته شد.

● آقای عباس آرام سفیر شاهنشاهی آریامهر در انگلستان در مراسم مزبور حضور یافت و ناوشکن «زال» در «باروانیفرنس» واقع در ساحل شمال غربی انگلستان به آب انداخته شد.

● زال و رستم دو کشتی از چهار ناوشکن سریع السیر میباشند که بوسیله دیگرز - واسپرز جهت ایران ساخته میشوند.

● هر کشتی دارای ظرفیت قریب یکهزار تن خواهد بود و جا برای ۱۱۲ افسر و ملوان خواهد داشت. موتور های دیزل جهت گردش بان نصب خواهد شد و لکن توربین های گازی عملا کشتی را بفوریت دارای قدرت کامل با سرعتی در حدود ۴۰ گره دریائی نیازد.

● نکته جالب توجه در مراسم به آب انداختن ناوشکن زال این بود که آقای عباس آرام سفیر ایران در انگلستان در محوطه کشتی سازی ویکرز بجای بطری شامپاین بطری «گلادی» را به بدنه کشتی جنگی ایران زد و ناوشکنز مزبور بدرون دریا لغزید.

مراسم سوم اسفند

● بمناسبت سوم اسفند (روز تاریخی اعلیحضرت رضا شاه کبیر) مراسمی در آرامگاه سردار بزرگ تاریخ ایران برگزار شد و طبقات مختلف مردم آرامگاه سردودمان پهلوی با غرق در گل ساختند. نظیر این مراسم همچنین در مراکز استانها و شهرستان های سراسر مملکت ترتیب یافت و طی آن با حضور استانداران، فرماندهان لشکر، فرمانداران، مقامات محلی و طبقات مختلف مردم پیکره های اعلیحضرت رضا شاه کبیر گلباران گردید.

اقتصاد

استفاده از پارچه های «ارمک» دستیاف

● **وزارت اقتصاد اعلام** داشت که از سال تحصیلی آینده (مهر ماه ۴۸) کلیه دانش آموزان دختر در سراسر کشور از پارچه های دستیاف یزد استفاده خواهند کرد و هم اکنون سفارش بافت چهار میلیون و پانصد هزار متر پارچه به شرکت تعاونی دستیافان یزد داده شده است. تصمیم به یکنواخت کردن روپوش دختران مدارس و استفاده از پارچه های ایرانی برای این منظور بوسیله وزارت آموزش و پرورش اتخاذ شده بود.

سخنگوی وزارت اقتصاد اعلام کرد بدنبال توافقی که در این زمینه میان وزارتخانه های اقتصاد و آموزش و پرورش بعمل آمد کنسرسیومی بسا با شرکت تولید کنندگان و توزیع کنندگان شرکت تعاونی دست بافان یزد تاسیس شد و برای تهیه هفت رنگ ارمک بطور علی الحساب مبلغ چهار میلیون و پانصد هزار ریال از طرف توزیع کنندگان پارچه به شرکت تعاونی دست بافان پرداخت گردید.

پارچه هایی که سفارش بافت آنها داده شده به رنگ های آبی، قهوه ای، قرمز، بنفش، زرد و دو نوع خاکستری خواهد بود و چهار متخصص رنگرزی به دست بافان یزد در این باره کمک خواهد کرد.

قیمت پارچه ارمک کمتر از یک چهارم بهای پارچه هایی است که به عنوان روپوش دختران مدارس دوخته میشود و علاوه بر آن با تهیه و توزیع این پارچه بوسیله دست بافان یزد بیش از هشت هزار نفر از کارگران دستیاف مشغول کار خواهند شد.

بافت پارچه های ارمک به وسیله ماشین های بافندگی یک فاز انجام میگردد و این نوع ماشینها نیز در اصفهان ساخته میشود و هم اکنون تعداد زیادی از دست بافان یزد برای تحویل گرفتن این ماشین ها نوبت گرفته اند.

نمونه پارچه های بافت یزد به دبیرستانها و دبستانهای سراسر کشور ارسال گردید و از کلیه مدارس درخواست شد میزان احتیاج خود را به این پارچه به مرکز گزارش دهند.

نمایشگاه آسیائی

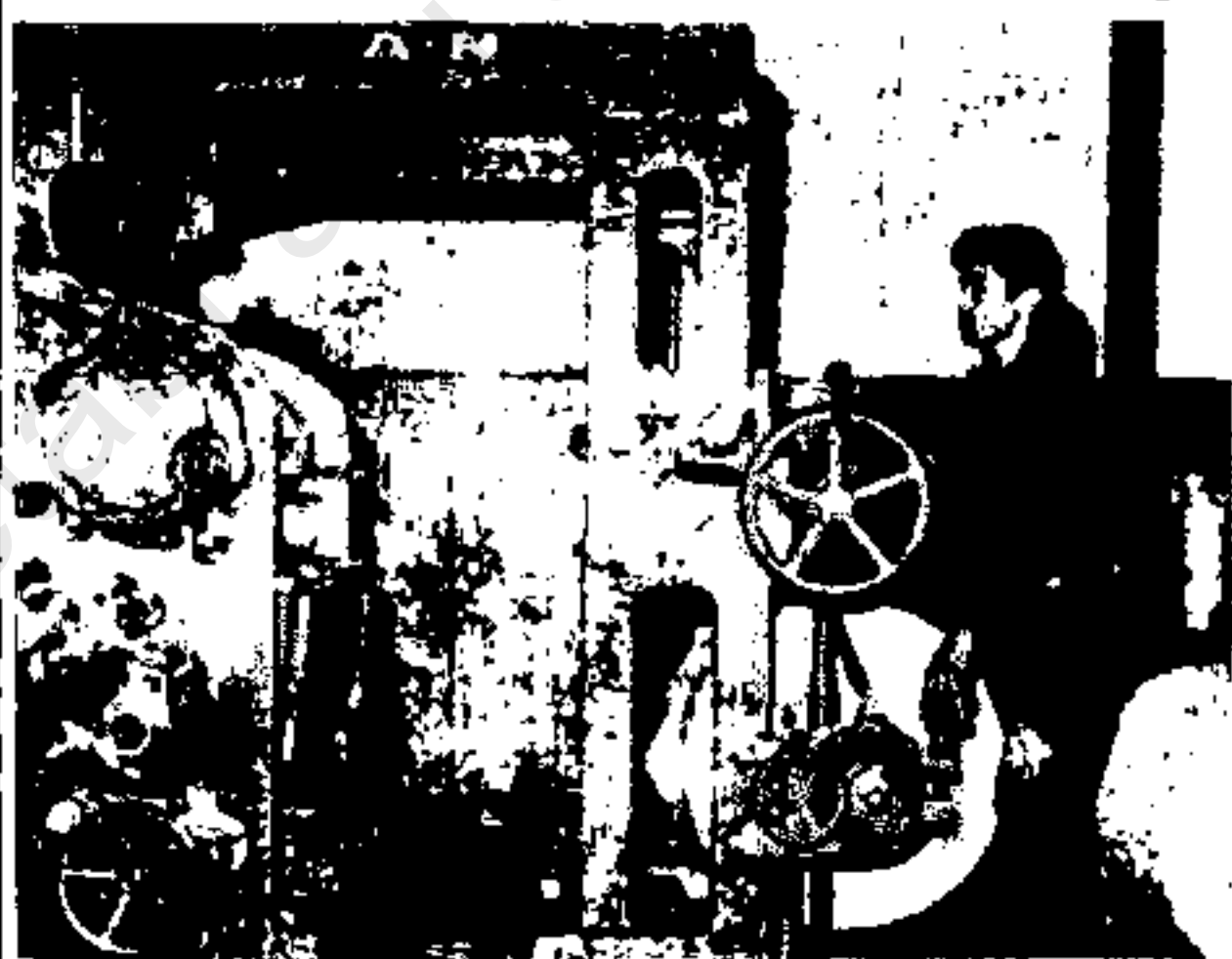
● **وزارت اقتصاد اطلاع** داد که با وجود تاساعد بودن هوا و ریزش برف و باران در بهمن و اسفند ماه کار های ساختمانی تاسیسات نمایشگاه بین المللی آسیائی بدون وقفه جریان دارد. از جمله کار اتوبان دوازده کیلومتری که خیابان گندی را به خیابان پهلوی متصل میکند و از کنار نمایشگاه میگذرد و نیز کار احداث

پارک، جنگل، استخر ها، اسکله های فلزی و ساختمان قسمت امور اداری بسرعت پیش میرود. هم اکنون پنجاه درصد عملیات کابل کشی برق، شست و شوی کار های کابل گذاری تلفن، هفتاد درصد ساختمان دوازده پست ترانسفور ماتور برق و نیمه از عملیات ساختمان فاضل آب نمایشگاه که بطول هفتصد متر است پایان یافته و فعالیت برای تکمیل ساختمان این تاسیسات همچنان رو به پیشرفت است و در اواخر خردادماه سال ۴۸ پیش از موعد مقرر پایان خواهد یافت.

همچنین در دوران برگزاری نمایشگاه بین المللی آسیائی یک گلخانه مجهز نیز در این نمایشگاه دایر خواهد شد. مقدمات بهره برداری از این گلخانه که طبق آخرین اصول پرورش گل و براساس طرحهای ایرانی ساخته شده فراهم آمده و این گلخانه در دوره نمایشگاه به غرفه های مختلف (گل) گرایمیدهد. این گلخانه در یک محوطه سرپوشیده یکهزار و چهار صد و پنجاه متری تاسیس شده و قادر به پرورش و نگهداری سی هزار گلستان حاوی انواع گلهای تزئینی است.

طریق بازاریابی است. ● **نمایشگاه آسیائی** در سیزدهم مهرماه سال ۱۳۴۸ افتتاح میشود و کشور های مختلف جهان محصولات گوناگون خود را در غرفه های آن به معرض نمایش خواهند گذاشت و برای خرید های جزئی نیز غرفه های ویژه ای دایر خواهند شد. ● **وزارت اقتصاد اعلام** کرد که شبکه برق نمایشگاه آسیائی در تهران دو ماه زودتر از موقع مقرر یعنی در خرداد ماه آینده آماده بهره برداری خواهد بود. شبکه برق نمایشگاه آسیائی دارای قدرت توزیع پانزده هزار کیلووات آمپر است و برای استفاده از آن دوازده کیلو متر کابل فشار قوی و بیست و هشت کیلو متر کابل فشار ضعیف در نمایشگاه نصب میشود. با وجود ایجاد این شبکه برق از نظر رعایت احتیاط نمایشگاه آسیائی با شبکه برق تهران نیز مرتبط خواهد بود.

نخستین شهر صنعتی جدید ایران



● **نخستین شهر صنعتی** جدید ایران در چهارده کیلو متری جنوب قزوین در دست تاسیس است. ● **احداث هر نوع تاسیسات** شهری برای جلوگیری از بورس بازی تا شاع چهارده کیلومتری اطراف این شهر ممنوع شد.

در این شهر یکصد و سی و شش واحد صنعتی متوسط و نیمه سنگین ایجاد خواهد شد که تاکنون مقدمات تاسیس نوزده واحد صنعتی فراهم گردیده است و دو کارخانه آن نیز بزودی شروع به بهره برداری خواهند کرد. این شهر هشت میلیون و هفتصد هزار متر مربع وسعت دارد و زمین آنرا وزارتخانه های اقتصاد، آب و برق و بانک توسعه صنعتی و معدنی مشترکا از اداره کل اوقاف خریداری کرده اند. سه میلیون متر مربع از زمین های این شهر برای ساختمان یک منطقه مسکونی شصت هزار نفری اختصاص داده شده است. این منطقه دارای فاضل

آب و کلیه تاسیسات شهری نظیر مدرسه، مسجد، حمام، بازار، فروشگاه و بهداشتی خواهد بود. زمین مورد نیاز صنایع در این شهر به بهای خیلی ارزان در اختیار سرمایه گذاران قرار خواهد گرفت. برای جلوگیری از بورس بازی روی این زمینها احداث هر نوع تاسیسات شهری تا شاع چهار کیلومتری اطراف این شهر ممنوع شده و در این گونه زمین ها فقط زراعت آزاد است.

کارخانه

آلومنیوم ایران

● **برنده احداث کارخانه** آلومنیوم ایران تعیین شد و کار های ساختمانی این کارخانه که سالانه چهل و پنج هزار تن شمش آلومنیوم تولید خواهد کرد از بهار سال ۱۳۴۸ شروع میگردد. برنده مناقصه یک کنسرسیوم آلمانی است که از دو شرکت سازنده وسائل الکتریکی و مکانیکی تشکیل شده است. اعتبار لازم برای تاسیس این کارخانه در حدود چهل و پنج میلیون دلار برآورد شده که معادل بیست و نه میلیون دلار آن هزینه های ارزی خواهد بود و از طرف کنسرسیوم مذکور از منابع آلمانی تأمین خواهد شد. کارخانه آلومنیوم ایران طی مدت بیست و هفت تا سی ماه در شهر اراک نصب خواهد شد و از اواسط سال ۱۳۵۰ آغاز بکار خواهد کرد. این کارخانه با سرمایه گذاری ایران، پاکستان و یک شرکت امریکائی تاسیس میشود و بیشتر سهام آن متعلق به ایران است.

تشکیل شرکت واحد اتوبوسرانی در کرمان

● **شرکت واحد اتوبوسرانی** کرمان و حومه با سرمایه پانزده میلیون ریال تشکیل شد و هیئت مدیره آن برگزیده شدند. ۵۱ درصد سرمایه شرکت مزبور از آن شهرداری کرمان و ۴۹ درصد بقیه بوسیله مردم تأمین شده است.

واحدهای جدید صنعتی و صدور پروانه

● **برای ایجاد دو واحد** صنعتی جدید ۲۲ میلیون ریال در خوزستان سرمایه گذاری شد.

این دو واحد یکی کارخانه ساخت انواع فلاسک نشکن، ترموس و صنایع خانگی و دیگری یک کارخانه شستوشو شن و ماسه است که هر دو کارخانه در شهرستان اهواز بکار خواهد افتاد.

● **اجازه بهره برداری** از یک معدن سنگ آهکی در شمال

شهرستان بروجرد صادر شد. مدت اعتبار پروانه ده سال خواهد بود و حد اقل میزان استخراج سالانه نباید از هشت هزار متر مکعب در سال کاهش یابد.

● **شست و چهار پروانه** جدید اکتشاف معادن از طرف وزارت اقتصاد صادر گردید و اجازه بهره برداری از دو معدن سنگ ساختمانی در تهران و نطنز و همچنین پروانه بهره برداری از معدن نمک سبزوار بدرخواست کنندگان داده شد.

● **دو پروانه تاسیس کارخانه** از طرف دفتر اقتصاد استان فارس صادر شد.

● **پروانه تاسیس یک کارخانه** موزائیک سازی با سرمایه یک میلیون ریال در ناحیه مرزی چغا در منطقه آذربایجان صادر گردید.

● **اجازه بهره برداری** از یک معدن سنگ ساختمانی در جنوب تبریز صادر شد. حد اقل استخراج سالیانه از این معدن ۲۵ هزار متر مکعب تعیین شده است.

● **پروانه تاسیس یک واحد** موزائیک سازی و تهیه سیمان در شهرستان مراغه صادر شد.

● **پروانه تاسیس یک کارخانه** سنگ بری در همدان یک کارگاه تراشکاری در جهرم و یک کارخانه یخسازی در قصبه واقع در استان خوزستان صادر شد. برای تاسیس این سه واحد جمعا ۱۷ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال سرمایه گذاری شده است.

● **برای تاسیس چهار واحد صنعتی** در رشته صنایع غذایی در تهران یکصد و ده میلیون ریال سرمایه گذاری شد.

● **یک میلیارد ریال** دیگر در صنایع نساجی سرمایه گذاری شد. با ایجاد پنج واحد جدید صنعتی تازه در نقاط مختلف کشور که بموجب این سرمایه گذاری صورت میگردد، ایران از ورود منسوجات شیمیایی خارجی بی نیاز خواهد شد.

● **وزارت اقتصاد اطلاع** داد که با تاسیس یک واحد بزرگ ریسندگی در تبریز موافقت شده است و پروانه تاسیس یک کارگاه موزائیک سازی نیز در شهرستان مراغه صادر شده است.

● **برای تاسیس کارخانه** ریسندگی که نخ های نمره بیست به بالا تولید خواهد کرد هفتاد و پنج میلیون ریال سرمایه در نظر گرفته شده و در کارگاه موزائیک سازی یک میلیون و چهارصد و هفتاد هزار ریال سرمایه گذاری شده است.

● **مرحله دوم ایجاد کارخانه تراکتور سازی**

● **وزارت اقتصاد اطلاع** داد که مذاکرات کارشناسان رومانی و مقامات وزارت اقتصاد برای تهیه مقدمات نصب ماشین آلات مرحله دوم کارخانه تراکتور سازی تبریز در تهران آغاز شده است.

هشت نفر کارشناس از کشور رومانی بهمین منظور به تهران آمدند.

در حال حاضر کار های نصب ماشین آلات مرحله اول کارخانه تراکتور سازی تبریز رو به پیشرفت است و بهره برداری از مرحله اول کارخانه در اواخر سال آینده آغاز خواهد شد. این کارخانه در نخستین مرحله سالانه پنج هزار تراکتور مونتاژ خواهد کرد و در مرحله بعد ساخت تراکتور در داخل کارخانه انجام خواهد شد.

● **افزایش محصول سیمان** مصرف کل سیمان کشور در سال گذشته به یک میلیون و پانصد و هفتاد هزار تن رسید.

● **وزارت اقتصاد** پیش بینی نمود که مصرف سیمان تا پایان برنامه چهارم آبادانی کشور از سه میلیون و پانصد هزار تن در سال تجاوز خواهد کرد. در سال گذشته از لحاظ سیمان، ایران به نه منطقه تقسیم شد که تهران، مازندران و گرگان با بیش از هفتصد و چهل و شش هزار تن در راس آن قرار دارند و مناطق دیگر بترتیب عبارتند از: خوزستان، اصفهان و یزد، فارس، گیلان، آذربایجان، شرقی و غربی، خراسان، کرمان و بلوچستان و سیستان، کرمانشاه و همدان و کردستان.

● **گسترش صنایع دستی** از طرف وزارت اقتصاد بمنظور گسترش صنایع دستی در مناطق کردستان و آذربایجان کارشناسانی بمنطق مذکور فرستاده شدند.

● **همچنین برای** دست آورد های هنرمندان این دو استان نیز تربیاتی داده شده و در نتیجه میزان تولید محصول هنر مندان افزایش قابل ملاحظه ای یافته است و نیز بدنبال افزایش فرآورده های دستی در استان های مذکور تصمیم گرفته شد علاوه بر فروشگاه های تهران، در کشور های دیگر نیز فروشگاههایی دایر شود و به همین منظور مطالعاتی برای انتخاب محل در شهر های مناسب کشور های مرقی جهان آغاز گردیده است.

● **مبادله کالا**

● **بموجب موافقتنامه** هائی که بین ایران و مجارستان در تهران امضاء شد دو کشور طی پنج سال آینده دویست و سی میلیون دلار کالا با یکدیگر مبادله خواهند کرد. دولت ایران به موجب این موافقتنامه بازرگانی طی مدت پنجسال به میزان هفت میلیون و هشتصد هزار دلار اتومبیل و اتوبوس و بیش از پنج میلیون دلار انواع کالا های فلزی از قبیل یخچال، چراغ و بخاری گاز، آب گرم کن، تیغ صورت تراشی، ساپون و پودر رختشویی و سایر کالا های تجارتي به مجارستان صادر خواهد کرد.

با تقدیم احترام
کیورت شیرازی آور
مار ۱۳۴۴

در راه سیر آن سیم بود و بین نظر به سیمهای لازم بوم غیره نیز به سر و سامان و در آن فن ترغیب نموده شد و فن پرست

و کامیابی در راه سیر آن سیم بود و بین نظر به سیمهای لازم بوم غیره نیز به سر و سامان و در آن فن ترغیب نموده شد و فن پرست

کردیم نهایت خدمت شما را در این راه سیر آن سیم بود و بین نظر به سیمهای لازم بوم غیره نیز به سر و سامان و در آن فن ترغیب نموده شد و فن پرست

سلام و بی ایشم را بپذیرید
روزی که سیمین سوره مجله شما را رسید از راه سیر آن سیم بود و بین نظر به سیمهای لازم بوم غیره نیز به سر و سامان و در آن فن ترغیب نموده شد و فن پرست

پیک تلاش

داستان های تخیلی علمی
● سردبیر محترم مجله تلاش ، پس از عرض سلام بانهایت احترام اشعار می دارد : از خواندن پرستنامه شماره اخیر مجله شما دایر به دعوت از خوانندگان برای تنظیم يك داستان . « ساینس فیکشن » بی نهایت متعجب شدم . زیرا اولاً در کنوری که ۹۵ درصد از افراد با واژه « ساینس فیکشن » بیگانه اند ، شما بطور انتظار دارید که آنان در این مورد قلمفرسایی نمایند ؟ برای شکافته شدن مطلب لازم است یاد آور شویم که امروزه داستان های علمی بخش بزرگی از ادبیات جهان را تشکیل داده و گترمجه توان یافت که لااقل یکی دو داستان علمی بطور مسلسل در آن درج شده باشد . نویسندگان معاصر این رشته مانند « آرتور ، سی کلارک » ، « هیلن » ویا « آسیموف » در سبك خویش تبحر خاصی داشته و در قبال انتشار هر يك از داستان های خود صد ها هزار دلار پاداش می گیرند زیرا لازم به تذکر نیست که قلمفرسایی در این مورد کار هر خیالبافی نیست بلکه محتاج به آشنایی قبلی نویسنده با تکنولوژی نوین و اصول و مبانی تمدن کنونی میباشد . و اما در مورد چگونگی پیدایش و نتایج داستان های مذکور باید عرض کنم که متجاوز از ۸۰ سال قبل نخست نیکفر از نویسندگان فرانسوی سام « ژول ورن » دست به نگارش داستان های تخیلی علمی زد و تا سال ۱۹۰۵ با انتشار شاهکار های متنوع خود از قبیل ، بیست هزار فرسنگ زیر دریا ، مسافرت به مرکز زمین ، از زمین به ماه و غیره شالوده داستان های ساینس فیکشن را پی ریزی کرد . و همین شخص بود که قبل از اختراع زیر دریایی ، موشک و هواپیما های عول بیکر انواع تکمیل شده آنان را ضمن داستان های دل انگیز خود توصیف نمود . پس از ژول ورن نویسندگان دیگری مانند « ه ج ولز » انگلیسی دنباله کار های او را گرفتند و تدریجاً شاخه جدیدی از ادبیات در مطبوعات و نشریات ملل متقدم جهان

از : نصرت الله فتحی
شعر هفت سیمین

وین جمله لوازم بی اینکار فرستم
باسیر و سه پستان همه یکبار فرستم
با پشمک یزد و گز خوانسار فرستم
هم جاریه را مخمل گلدار فرستم
یا تور و یراق و یل و شلوار فرستم
بر منتظران نعمت بسیار فرستم

عید آمد و باید که بهمین شد عازم
سبزی و سماق و سمنو ، سرکه و سنجد
سوهان قم و کشمش و بادام ملایس
مرخامه را اطلس رزقار نهم سهم
یا اطلس وفاق سرو چادر کنم اتفاق
ایزد دهلت نعمت بسیار که منعم

رواج یافت که بعد ها بنام « ساینس فیکشن » خوانده شد . از سوی دیگر ترقی شکفت انگیز انسان در زمینه تکنولوژی و پیدایش افسار مصنوعی و موشک های فضا پیما نیز بنوبه خود بیش از پیش باعث ترقی و انتشار این گونه داستان ها شدند . برای توصیف اهمیت این پدیده ادبی نوین در جوامع بشری همین قدر کافی است یاد آور شویم که « فن براون » سرپرست فعلی مؤسسه عظیم فزرا (مجری طرح پیاده کردن اولین انسان در سطح کره ماه) در آمریکا و پدر موشک های V۲ آلمانی يك روز ضمن مصاحبه با خبرنگار نگاران اظهار داشت : « به جرات می توانم ادعا نمایم که یگانه مشوق اصلی من در زندگی برای ساختن موشک يك داستان تخیلی علمی بود که در ۱۶ سالگی بدستم رسید . نویسنده گمنام داستان فوق شرح داده بود که چگونه گروهی از دانشمندان موفق به اختراع موشکی شده بودند که می توانست با سرعتی معادل نور بین کهکشان ها طیران کند ... من به حدی از این داستان لذت بردم که بیش از ده بار آن را مطالعه کردم بطوری که هم اکنون نیز جزئیات آنرا بخاطر دارم و از آن موقع به بعد پیوسته آرزو می کردم که در زندگانی بتوانم چیزی نظیر آن موشک را اختراع کنم . » گذشته از این حادثه ای که تقریباً بیست سال قبل در شهر پاریس به وقوع پیوست نیز مؤید علاقه مردم به این داستان هاست . در آن موقع رادیو پاریس بیس تازیمی را که از روی کتاب مشهور ولز بنام « جنگ دنیا ها » تنظیم شده بود به سبك بدیعی به صورت رپرتاژ بطور مسلسل پخش می کرد و میلیون ها نفر از مردم فرانسه با اشتیاق و بی صبری رادیو های خود را در ساعت معین باز می کردند تا به این رپرتاژ مهیج گوش دهند ...

کار این استقبال و علاقه به جایی رسید که یکروز گروه بیشماری از مردم پاریس به تصور این که کره زمین واقعا مورد تهدید قرار گرفته است ، دیوانه وار به خیابان ها ریختند و جنجال عجیبی بر پا ساختند . زیاد دور نرویم هم اکنون شخصیتی مانند « آسیموف » که دانشمند عالی قدری است در قبال هر يك از اندیشه های تخیلی نیمه علمی خود صد ها هزار دلار پاداش می گیرد . حال بد نیست که اندکی نیز در باره انتشار داستان های تخیلی در کشور خودمان بحث کنیم .

بمعل نمی آمد و هرگاه چند تن از افراد صاحب ذوق جرات می کردند که يك چنین داستان هایی را انتشار دهند در اثر عدم استقبال مردم ناچار از مقصود چشم پوشی می کردند . تا آنجایی که من اطلاع دارم متجاوز از بیست سال پیش برای نخستین بار نیکفر از نویسندگان بادوق ایرانی بنام آقاسی « صنعتی زاده گرمانی » يك ساینس فیکشن ایرانی را بنام « رستم در قرن بیست و یکم » انتشار داد که طبعاً بمناسبت عدم توجه در اندک مدتی به فراموشی سپرده شد . لیکن خوشبختانه در طی سالیان اخیر با در نظر گرفتن تحولات و پیشرفت های فزاینده رفته رفته اذهان عمومی بخصوص طبقه جوان کشور برای مطالعه داستان ها و دیدن فیلم های مذکور آماده شد و هنگامی که تلویزیون ایران اولین سریال ساینس فیکشن را بنام « تونل زمان » به معرض نمایش گذارد عده کثیری علاقه مند پیدا نمود و به دنبال آن تعدادی از سینما ها جرات پیدا کردند که گاه و بیگاه یکی دو فیلم علمی را نمایش دهند . به طوری که هم اکنون چند برنامه تلویزیونی از قبیل « پیش تازان فضا » ، « مهاجمین » و « کهکشان » علاقه مندان بی شماری پیدا کرده و نسل جوان ما کم و بیش با الفبای داستان های علمی آشنایی یافته اند . لیکن هنوز هم در مطبوعات فارسی حتی ترجمه این گونه داستان ها عمومیت پیدا نکرده است ، در حالی که مثلاً آخرین اثر « آرتور کلارک » در عرض مدت کوتاهی به تمام زبان های مهم دنیا ترجمه شده و هنوز هم در بیشتر مطبوعات جهان انتشار می یابد در حالی که در مطبوعات کشور ما چیزی از این مقوله دیده نمی شود ، چه رسد به نگارش ساینس فیکشن های ایرانی !

امیر علی روزبه
فلسفه اخلاقی و اجتماعی
سیاهی
● از نامه آقای بهرام بهمنیار سیاهی بهداشت استان گیلان ...
سیاهیان انقلاب باید متکی به يك فلسفه اخلاقی و اجتماعی باشند ، سخت باید روابط اجتماعی و فرهنگی مردم روستا ها را با ریشه ها و پیوند های انسانی در يك زندگی ساده و سرشار از آرمان های اخلاقی و معنوی مستقر کرد و امتیازات بین افراد سیاهی در گروه های مختلف و محدود را باید برید .
آقای علی پاداش تنها به قاضی رفته است .
● از نامه آقای عبدالرزاق منعم ، دانشجوی مقیم اسکاتلند

لندن :
تلاش عزیز :
مجله تلاش برای من کددر یکی از دورترین شهر اروپا نسبت به ایران درس می خوانم ، حکم برگ زر را دارد در این شهر سرد و پر باران ، دود زده ، هیچ چیز مرا تشویق به ادامه زندگی و تحصیل نمی کند مگر عشق خدمت به وطن و مردمان آن . حاصل همه این زحمات سر انجام توشه ای از دانش است که با خود به ایران می آورم و اسیدوارم که مفید و ثمر بخش باشد . مطالعه مقاله « ما قادر نیستیم مغز های بیمار را بکمر تبه از بین ببریم » واقعا مرا آزرد و دل و اندوهگین کرد . شکی نیست که افراد در اظهار عقاید خود آزادند ولی من از افراد تحصیل کرده همیشه توقع و انتظار بیشتری دارم و انتظار می رود که تحصیل در نوع تفکر و قضاوت آدمی تاثیر داشته باشد . انتقاد و خرد گیری صحیح به اصلاح و پیشرفت منتج می گردد ولی اگر بی طرفانه و خالی از غرض باشد .
آقاسی « علی پاداش » دانشجویان ایرانی مقیم خارج را مورد خطاب قرار داده اند و مطالبی اظهار کرده اند که به عقیده من « مغرضانه » است . به اصطلاح تنها به قاضی رفته اند . آقای « پاداش » مثال هایی از رفتار دانشجویان ایرانی برگزیده اند و متذکر شده اند که من و دوستانم در گلاسکو به این عقیده متمایل شدیم که ایشان یا اصولاً نسبت به دانشجویان ایرانی مقیم خارج بدبین هستند و یا این که دانشجویان ایرانی که واقعا بخاطر وطن رنج غربت را بخود هموار کرده اند ، بر خورد نکرده است . یکی از نمونه هایی که ایشان برگزیده اند ، داستان دانشجویی است که در مهمانی استاندار مازندران وقتی نوشیدنی آوردند ، او پنج نوشیدنی مختلف برداشت و جلویش گذاشت . من سعی می کنم این داستان را باور کنم ولی خیلی مایل بودم در آن مهمانی حضور می داشتم و بعد از آن شخص دانشجوی نما سبب رفتارش را می پرسیدم . بیاید همه را سروه يك کرباس قلمداد نکنیم . قرار نبود که مسافرت بخارج تمام آموزش و پرورش خانوادگی و اخلاق و روحیاتی را که شخص در دوران کودکی اخذ کرده است ، یکباره تلطیف و تغییر دهد . همه جور اشخاص که قصد تحصیل ایران را ترک کرده اند ولی همه موفق نبوده اند . علی که باعث عدم موفقیت و سد راه پیشرفت می شود ، در خارج خیلی زیاده تر از وطن است . زیرا يك ایرانی در کشور خارجی به عنوان يك بیگانه تلقی می شود و باندازه يك تبعه داخلی مورد محبت و توجه قرار نمی گیرد . آقای « پاداش » نباید فراموش کند که تمام کسانی که در رسته های علمی در دانشگاه

های ایران تدریس می کردند یا هم اکنون مشغول آموزش جوانان وطن ما هستند، اغلب قسمتی از تحصیلات و در مواردی تمام دانش خود را در خارج کسب کرده اند و اکثر کارشناسان ما در رشته های مختلف، در خارج کسب علم و دانش کرده اند. من امیدوارم که در آینده نزدیک از سفر به خارج برای تحصیل بی نیاز شویم. ولی متأسفانه ما هنوز در قسمت تحصیلات عالی باید از تجربیات و معلومات غریبان توشه ای بگیریم.

آقای «پادشاه» همچنین فرمودند «مگر نه این است که ما فقط از ظاهر اشخاص درباره شان حکم می کنیم» ، بخدا از این نوع تفکر متأثر شدم. چرا ما باید «فقط» از ظاهر اشخاص درباره آنها قضاوت کنیم؟ شخصی که مشغول تحصیل در رشته روزنامه نگاری است و در آینده نوشته او را تعداد زیادی می خوانند، نباید این چنین سطحی و بی مطالعه درباره اشخاص حکم کند.

عالی ترین نبوغ های کشورهای عقب مانده قدا ی احتیاجات ممالک پیشرفته می شود.

● مجله عزیز تلاش: قبل از آنکه ورود ماشین، زندگی اجتماعی را دستخوش تحرك و تغییر شدید کند. نظام ثابت جامعه مقتضی بر این بود که تعلیم و تربیت همواره افرادی مطابق و موافق با روش ها و الگوهای گذشته ببار آورد. ولی امروزه در دنیای جدید صنعتی تعلیم و تربیت بیش از گذشته نگران آینده است و بیش از نقل میراث های کهنه سابق به اخذ و جذب معلومات تازه می اندیشد. از جمله تغییرات مهم که در تعلیم و تربیت جدید روی داده و ناشی از بسط تمدن صنعتی و ماشینی است نفوذ شیوه تعلیم و تربیت غربی به ممالک مستعمره و کشورهای در حال رشد و یا عقب افتاده است. این نکته ی است روشن که از نتایج تحول صنعتی تفاوت روزافزون سطح زندگی میباشد که میان کشورهای مترقی و ممالک عقب مانده دیده می شود. عده یی از ممالک کم رشد به امید آنکه این عقب ماندگی را بچاره کنند و تکامل صنعتی ممالک پیشرفته را دریابند به اعزام محصلین به این ممالک اقدام می کنند. و در این راه هر دشواری و ناامیدی را بر خود هموار می دارند متأسفانه جاذبه زندگی مرفه ممالک صنعتی آن قدر قوی است که بسیاری از این محصلین که پرورده ترین مغزها و نبوغ ها و قبله آرزوی ممالک کم رشد هستند اقامت در آنجا را بر بازگشت ترجیح می دهند و دانش خود را به خدمت جامعه هائی که زور بیشتر دارند مصرف می کنند و بجای آنکه کشورهای در حال توسعه از معارف سرزمینهای رشد کرده و مترقی توشه بگیرند، بهترین نیروهای فکری و عالیترین نبوغ های کشور های عقب مانده قدا ی احتیاجات

ممالک پیشرفته می شود. به حقیقت می توان گفت که این شکل تازه (استثمار بین المللی) موجه تر از اشکال کهنه نیست اگر در گذشته کشورهای نیرومند غالب بهترین مواد خام طبیعی مملکت ضعیف مغلوب را به یغما می برد امروزه در بسیار موارد برگزیده ترین و بهترین مواد خام انسانی را اسیر می کند و به غارت می برد. شماره محصلین ایران در اروپا و آمریکا طبق آمارهای رسیده سلما کمتر از ۱۸ هزار نیست و اگر حد متوسط تحصیلات اینان را شش سال فرض کنیم هر سال سه هزار نفر باید به ایران باز گردند ولی متأسفانه می بینم که شاید شماره واقعی مراجعت کنندگان به يك ششم آن عدد برسد. و اگر بطور متوسط هر ماه مملکت ما هزار تومان صرف مخارج تحصیلی این عده در خارج کند، هر سال تقریباً ۲۱۶ میلیون تومان ارز بخارج فرستاده می شود ولی کمتر از يك ششم این سرمایه گذاری مهم به نفع می رسد و پنج ششم دیگر برای مملکتی که بیش از همه به نیروی انسانی متخصص و کاردان نیازمند است بهسر می رود.

بنابراین با تأسف باید گفت که وجود ممالک توسعه یافته و مترقی از جهت تفاوت سطح زندگی که با ممالک کم رشد دارند دام فریبی است که بهترین و نخبه ترین عناصر و سرمایه های انسانی ممالک اخیر را در پیش پا گسترده است و این خود يك اعلام خطر است برای ملت فهمیده ایران که استعمارگران، جوانان متفکر و نایب ایرانی را به تاراج بزنند.

اصفهان - مهدی بحرینیان گامهایی که برای حفظ اصالت و هلیت ایرانی بر میدارید

● آقای غلامعباس رسولی نامه بسیار خوش خطی برای ما فرستاده و طی آن نوشته اند: مجله وزین تلاش، همواره توفیق و سعادت روز افزون شما را از خداوند متعال خواستارم. امیدوارم روز بروز توفیقات بیشتری را برای به ثمر رسانیدن هدف های خود نائل گردید. بنده يك دانش آموز سال اول دانش سرای مقدماتی پسران بندر عباس می باشم که مدتی است به مقالات و نوشته های شما خو کرده ام و انتظار دارم که در ماه هرچه زودتر این مجله گرامی و عزیز بدستم برسد. از این که این خدمت برای اجتماعی که بدرستی قدردانی نمی فهمند بر خود مجبور نموده اید، بسیار خوشوقتم. و می توانم برخود بیالم که جراید کنونی کشور ما می توانند با جراید سایر کشورهای جهان رقابت و برتری نمایند.

امیدوارم گام هایی که برای راهنمایی و حفاظت املت و هلیت ایرانی بر می دارید و برای به ثمر رسانیدن آرزو های ملت ایران همواره می

کوشید، نتیجه بخش و مفید واقع شود. در پایان گرمترین احساسات قلبی خود را نسبت به این مجله عزیز و محترم تقدیم می دارم. توفیق شما را آرزو مندم.

● از نامه آقای ع. ضیاء دانشجوی رشته برق و الکترونیک در لندن: سلام به تلاش عزیز و خوب. تاکنون توسط یکی از بچه ها، نه شمارهات را خوانده ام و بی تمارف و گزاف لذت برده ام. آنچه بیش از همه در لابلای صفحات پر ارزش مرا مجذوب کرد، بوی ایران عزیز بود که در همه جا به مشام می رسید. متأسفانه نمی دانم چه طوری می توانم ترا آبونه شوم و از شماره های ده به بعدت را دریافت کنم. اگر بنویسی يك ایرانی را که به وطنش عشق می ورزد، خوشحالم کرده ای. من افتخار میکنم که همکار مجله شما باشم

● سردبیر گرامی مجله وزین و آرزونده تلاش سلام و درود بر شما که آفرینندگان مجله خوب و خالی از تظاهر و غوغایی نظیر تلاش هستید. من افتخار میکنم که همکار مجله شما باشم امیدوارم دستهای مشتاق مرا به همکاری بپذیرید. بسیار خوشوقتم از اینکه شما «روای سبز» مرا به عنوان تائید این همکاری چاپ کردید. امید که این همکاری پرشورتر ادامه پیدا کند چرا که من از فرم کای و طرح جالب این مجله خیلی خوشم آمده و به همین جهت مایلم اشعارم در مجله تلاش چاپ شود، البته توضیحی دارم در مورد «روای سبز» و آن اینست که در سطر دوم این شعر کلمه «جنگل»، «جنگ» چاپ شده بود که امیدوارم خود متوجه شده باشید و به اشتباهات چاپی که در بعضی مواقع روی میدهد هوشیار. باری همراه با این نامه یکی دیگر از آثار تازه و چاپ نشده خود را برای چاپ در مجله تلاش میفرستم، امیدوارم که این شعر را که برای اولین بار بدستگاه چاپ سیرده میشود، بچاپ برسانید. پیشاپیش از لطفان تشکر میکنم

در ضمن مطالب ادبی، شعر و بحث در این مورد کم است دوست و دوستدار شما:

فریدون رحیمی خرمشهر

در بی نهایت... در بینهایت همه فصلها سوسنهای وحشی واژه های صداقت و پاکی نگاه آبی آسمان و دریا را به سرتاسر دشت مبهمان کرده اند

پنداری هر سوسن تقاطع يك موج و يك ستاره است و سوسنها، همه نقطه های آبی تلاقی آسمان و دریا... ***

بامن بیا بامن بیا به دشت سوسنهای وحشی به دشتی، که حفاظگاه هیچ خرمن رسیده ای نیست، و ما در آن، دلهره بی نانی - و از این دست بی ایمانی نخواهیم داشت! چرا که موشها، همه برای جویدن ایمان غله داران انبار های غله را به کمین نشسته اند. بامن بیا بامن بیا ای نهایت پاکی و ذهن دامن کودکی را پر از خاطره موج و ستاره کن بیا بیا تا اندیشه آبی دشت را باطنین شاد قدمهایمان مشوش کنیم و دریا را موج تا موج و آسمان را ستاره تا ستاره بچینیم و درون سبد کنیم خانه شهری ما بوی دود و نفت میدهد و باغچه اش، از خلثی ژرف، سرشار است! ای یگانه مهربان بامن بیا تا صداقت و پاکی را بخانه ببریم و باغچه خشکیده خود را بر از موج و ستاره کنیم و شادمانه به تماشا بنشینیم ***

آنک! ما، در بی نهایت همه فصلها هستیم و رکن آب و هوا را درون باغچه خود کاشته ایم. تلاش جالب بود مخصوصاً ضمیمه ادبیات روز هیئت تحریریه محترم تلاش، باعرض ارادت درود فراوانم را تقدیمتان نموده و برایتان پیروزی خواستارم.

نامه گرمی شما را مدت ها پیش دریافت داشتم و از حسن ظن شما بی نهایت سپاسگزار شدم. شماره اخیر تلاش (۱۴) بسیار جالب بود مخصوصاً ضمیمه اش (ادبیات روز)، واقعا شاد شدم. ضمن تشکر از زحمات گرانقدر شما، خواهش میکنم باز هم از اینگونه مطالب (نمایشنامه و داستان) چاپ نمایند. در پایان برایتان توفیق روز افزون و خوشبختی آرزو مینمایم. باارادت خالصانه خرمشهر اداره دارائی عطار زاده «نغمه»

شهر آرزوها بر من طلوع سپیده ی راستین را، نوید میدهی. و مرا به انتظار بامداد پاک تهییج میکنی. از چمنزار های سبز، و گلهای نیلوفر، و قناری های آزاد، قصه میگوئی. و از شهری سخن میرانی که کوچه های خاطره انگیز دارد. و در خانه هایش بروی غریبه ها باز است. و کسی از کسی نمیرسد! و تصویر های دختران باکره در قاب پنجره ها، عاشقانه می خندند. و عاشقان دلباخته با گلهای میخک بدیدارشان می آیند. و صادقانه سرود وفا را زمزمه میکنند. تو از سر زمینی حرف میزنی که خورشید آن بدریغ میتابد، و هراسی از تاریکی نیست. و آزادی، هیچگاه نفرین نمی گردد. و هیچکس غفرت جنگ را دوست نمی دارد و خون کسی هرگز نمیریزد و زندگی زیباست.

تو پی در پی از آن دیار سخن میرانی که شهر خاطرات من است. ای دوست، مهربانترین، بشتاب! باخود به آنجا ببر مرا. به آنجا که: زندگی زیباست و شکوفه های امید هرگز نمی میرند! و پیامی نمی یابم که زخم را التیام بخشد. تنها توئی تنها توئی که میتوانی مرا، زندگی دوباره دهی. و به شهر آرزو هایم باز رسانی. بشتاب... بشتاب... صالح عطار زاده «نغمه»



دیداری با «داود رشیدی»

«داود رشیدی» کارگردان علاقمندی که روبرویم نشسته است خوشحال از اجرای موفقیت آمیز «دیکته و زاویه» بنظر میرسد و نیز خوشحال از بازیگری بازیگرانش در این نمایشنامه.

(دیکته و زاویه مدت شبدرتالار ۲۵ شهریور بر روی صحنه ماند)

نخست گذشته هنری او را میگویم. بعد از گذراندن تحصیلات ابتدائی بفراشه رفته است. دوره متوسطه و دوره لیسانس در رشته «امور سیاسی» را در پاریس و ژنو گذرانده و همچنین از آکادمی ژنو دیپلم موزیک و کارگردانی دریافت کرده است.

و سپس سؤالها را مطرح میکنم:

— پس ضمن تحصیل با کار «تئاتر» آشنا شدید؟
رشیدی: نه بهتر است گفته شود در ضمن کارتئاتر، تحصیل میکردم به طوری که حتی در همان وقت نیز تئاتر حرفه‌ای اصلی من شده بود.

— از کار هایتان در اروپا برای ما حرفی بنیزید؟

رشیدی: چهار سال بصورت آماتور باترورپ های هنری پیوستگی داشتم و چهار سال نیز بصورت آماتور در تئاتر «کاروز» و «تئاتر کمندی» که تئاتر رسمی سوئیس است کار کردم. در این تئاتر شخصا دو نمایشنامه بروی صحنه آوردم اولی بریتانیکوس اثر «راسین» و دومی «مرید شیطان» اثر «برناردشاو» بود.

— باین ترتیب براساس چه انگیزه‌ای و چه وقت به ایران برگشتید؟

رشیدی: چون ایرانی بودم، پنجسال پیش به ایران برگشتم و در وزارت فرهنگ و هنر استخدام شدم.

— اجازه دهید از کار و فعالیت پنجساله اخیر شما در ایران سؤالی بکنم.

رشیدی: در این مدت پیس های «میخواهید با من بازی کنید؟»، «کاپیتان قراگوز»، «معجزه در آلاباما»، «اوژنی گرانده»، «مستاجر»، «یک نوکر و دو وارباب»، «چشم براه گودو» و «دیکته و زاویه» و نیز در حدود ۳۰ تا ۳۵ پیس برای تلویزیون کارگردانی کرده‌ام.

— از میان این نمایشنامه ها کدامشان را بیشتر دوست داشتید؟

رشیدی: من بشخصه از همه‌ی آنها خوشم می‌آید. ولی یکی که گویا بیشتر از همه مورد استقبال قرار گرفت، «چشم براه گودو» بود.

— متشکرم، از «دیکته و زاویه» نمایشنامه‌ای که اخیرا شما کارگردانی کردید، حرف بزنیم. — سؤالم ایست که چرا این «دو پیس» را انتخاب کردید.

رشیدی: دکتر ساعدی نمایش نویسی خوبی است و چند کار خوب تابحال ارائه کرده است. چندبار برای من نمایشهایی نوشت که بدلایلی رد شد. بعد از مدتی طرح پیس دیکته‌اش را برای من تعریف کرد. از آن خوشم آمد. شروع کرد بنوشتن. از طرفی در تالار ۲۵ شهریور فقط پیسهای ایرانی باید به روی صحنه بیاید. این بود که پس از نوشته شدن «دیکته» از ساعدی خواستم که برای متعادل شدن وقت نمایش یک پیس تک پرده‌ای دیگری هم بنویسد و او «زاویه» را نوشت.

— بنظر من عجیب این نکته است که «دیکته و زاویه» از ضعیفترین کار های دکتر ساعدی هستند و از طرح این سؤال نمیتوانم صرفنظر کنم که چطور مورد پسند شما واقع شده است. در این دو نمایشنامه ما هیچ ویژگی و تازگی نمیابیم.

رشیدی: این عقیده شماست ولی عقیده من درمورد دیکته خیلی فرق میکند باشما. من «دیکته» را شخصا یکی از بهترین کار های دکتر ساعدی میدانم. رویه و کار ساعدی در این دو پیس با کار های قبلیش فرق کرده

است. حتی دیدنش هم فرق کرده و وسیع‌تر شده. و «دیکته» از نظر نمایش، فرم‌نمایشنامه، گفتن یک حرف در یک مجرای تئاتری، خیلی موفق است در این پیس ناظمی دیده میشود، ناظمی که دل دلال را بازی میکند، جلاد در آمده، و مدیر جوانر. همه این حرفها و شخصیت ها در بهترین فرم نمایشی گفته و نمود شده‌اند و من فکر میکنم جزو یکی دو پیسی است که می‌توان ترجمه‌اش کرد و در خارج نشان داد.

— در اینجا يك مساله است و آن اینکه «فکر» بسیار جالب است. اما این فکر فقط به بیان واقعیات پرداخته است. من نمیخواهم بگویم هراتر هنری باید يك پیام باخود داشته باشد. نه، ولی حرف دکتر ساعدی چیست؟ درست مثل يك رپورتر يك مقدار وقایع را بازبان سمبوليك بیان کرده است.

رشیدی: خوب، این چه عیبی دارد، مگر بد است؟

— ولی آن را خیلی کش داده است. دکتر ساعدی می‌توانست همه حرفهایش را خیلی خلاصه تر بیان کند. مدت نمایش چقدر بود؟
رشیدی: ۵۵ دقیقه.

— به عقیده من ۱۵ دقیقه برای بازگویی آنچه که دکتر ساعدی در «دیکته» گفته است کافی مینماید.

رشیدی: به این حساب می‌توانید بگوئید در یک دقیقه و حتی کمتر، مثلا در يك جمله میشد خلاصه کرد، مقاومت در برابر زور.

— اما نه، باشکل تئاتری. نمیخواهم از تئاتر خارج شویم. در کار دکتر ساعدی يك مقدار موضوع تکرار شده است.

رشیدی: در مورد دیکته من باشما هم عقیده نیستم و فکر نمیکنم چیزی تکراری در آن بوده.



— این نظر شماست. حال فرض کنیم سیر ادبیات ایجاب میکند که امروز نویسنده به زبان استعاره و «سمبوليك» گرایش پیدا کند. اما متأسفانه در این میان کسانی پیدا شده‌اند که سیبهای سطحی را به کار گرفته و در نتیجه این جاست که ادا های روشنفکر نمائی نمودار می‌شود و من فکر میکنم دکتر ساعدی دارد در این راه قدم برمیدارد. شما دکتر ساعدی را دوست دارید. می‌توانید جوابی بدهید.

رشیدی: من خیلی دوستش دارم، هم خودش و هم کارهایش را اما کار دکتر ساعدی از اول سمبوليك بود.

— در مورد اجرای نمایشنامه صحبت کنیم، من فکر کردم که شما ریتم خیلی تندی به نمایش داده بودید، تا تماشاگر را بگیریید و مشغولش سازید.

رشیدی: منظور شما از ریتم تند زیادی حرکات است؟

— بله.

رشیدی: من به‌بهی نمایشنامه هایم حرکت تند، زیاد میدهم و معتقدم که باید اینکار را کرد. در این نمایشنامه حرکات زیاد بنظر میرسد، بدین خاطر که پرساژهای خیلی زیادی در صحنه هستند ولی از نظر ریتم بنظر من ریتم نیمه اول نمایشنامه «دیکته» حتی خیلی کند است و من عمدا چنین خواسته‌ام.

به بینید «ناظم» چه کسی است؟ او «واسطه» است. واسطه هم کسی است که میخواهد بازار گرمی کرده و دو نفر را بهم نزدیک کند. من فکر میکنم این حرکات لازم بوده‌اند. از نظر من، خود دکتر ساعدی هم همین را میخواسته. و باز فکر میکنم حرکات تندتر برای ناظم هنوز هم جا داشت. من به حرکت در روی صحنه خیلی اعتقاد دارم همانند بیان و صدا.

— هیچ به‌اینکه صحنه رقص خیلی طولانی بود فکر کرده‌اید؟

رشیدی: نه برای اینکه عمدا طولانی‌اش کردم. برای اینکه اگر کم بود تماشاچی خوش میامد و راضی میشد

و منهم قصد نداشتم که يك رقص کاباره‌ای نشان بدهم. — ببخشید اتفاقا این يك کار کاباره‌ای شده بود؟
رشیدی: ممکن است اینطور شده باشد ولی من نظرم این نبود.

— آقای رشیدی شما در مورد بیان بازیگر هایتان هیچ به‌گنجایش سالن توجه میکنید؟
رشیدی: حتما.

— بنابراین فکر نمی‌کنید که حتی نجوا های بچه‌ها خیلی بالا بود؟

رشیدی: صدا ها عمدا بالا بود. برای گذاشتن تاثیر بیشتر.

— به‌نمایشنامه برگردیم، در «دیکته» ساعدی در پایان تقریبا بدون هیچ دلیلی شاگرد را وادار به گفتن «نه» میکند.

رشیدی: این ایرادی است که خیلی ها می‌توانند به این نمایشنامه بگیرند من در جواب میگویم که تعقی کافی نشده است. میگویم از ابتدا که به شاگرد می‌گویند که «امید تنها راه نجات من است»، میتواند خیلی راحت بنویسد، تحمیلی که به او نمیشد یا اصولا اینکه این حرف خیلی مهمی نیست. خیلی راحت می‌تواند بنویسد «است» ولی موضوع این نیست. چرا شما فقط به‌معنی کلمه توجه میکنید به‌موضوع هم توجه ننمائید. موضوع معنی جمله نیست که شما با آن مخالفت میکنید موضوع چیزی است که بعنوان شعار انتخاب شده است. موضوع امتحان است و شاگرد با «روش امتحان» مخالفت میکند نه به‌معنی جمله و مخالفت او با «فورم» است نه با جزئیات.

— معلم را کاملا می‌شناسیم اما سیمای محصلی که امتحان میدهد ناشناخته مینماید که چطور بیکباره طاغی میشود و طاغی شده است اینرا تماشاگر نمی‌فهمد و نمی‌بیند. در پایان هم بعد از اینکه آنهمه جایزه خوب در اختیارش می‌گذارند باز مقاومت میکند.

رشیدی: او ذاتا مقاوم است و نمیخواهد چیزی را که بدو تکلیف شده بپذیرد. برای همین میگوید «نه»!

— اجازه دهید سؤالی درباره نمایشنامه «زاویه» مطرح کنم. در این پیس آیا کسی بود که حرفی هم داشته باشد؟

رشیدی: بله پیره زن.

— پیره زن که سازشکار بود. او قیلا رشوه گرفته بود و نیز در دستبرد از جیب هم صحبتهایش هم شرکت نمود.

رشیدی: سازشکار نبود حرفش را زد.

— يك نکته نیز به نظر من می‌توانست مدد بسیار خوبی برای تقویت بیان «نه» محصل و تاکید آن باشد محصل مردودی که وارد می‌شود خیلی گنگ برمیگردد. هیچ حرفی نمیزند، هیچ ایده‌ای به‌محصل در حال امتحان نمیدهد.

رشیدی: این نظر شماست، ممکن است نشان دادن قبل وبعد این شاگرد و دیگر چیزها خوب هم باشند ولی بنظر من همینطور یعنی گنگ گذاشتن گذشته و وضع شاگرد مردود خوب بود و این سکوت خود گویا بود.

— آقای رشیدی اجازه دهید آخرین سؤال را در باره اجرای این نمایشنامه مطرح کنم. شما در کارتان صاحب سبک مخصوصی هستید و در کار هایتان مبتکر. اما من در زاویه شما فکر کردم که تحت تاثیر آوانسیان در اجرای «پژوهش...» قرار گرفتید که آوانسیان هم به نظر من يك مقدار قوت و فن سینمائی و تکنیک سینمائی وارد کار تئاتر کرده است این را قبول می‌کنید؟

رشیدی: نه، به‌هیچ‌وجه. درمورد آوانسیان هم گفتند که تحت تاثیر «گودو»ی من قرار گرفته و به نظر من اینطور نبود.

— متشکرم



حکومت زمان خان

● «حکومت زمان خان» را به «میرزا ملک خان» (ناظم الدوله) که در اواخر دوره قاجاریه میزیسته، نسبت داده‌اند و نماینده است حاوی کار یک حکمران جدید که به شهری بنام «بهشت آباد» آمده است.

«زمان خان» در ابتدا می‌خواهد که درستکار باشد، اما احتیاج برای تأمین هزینه‌ی برپاداشتن یک میهمانی، او را وادار به گذشتن از مرز دستکاری می‌نماید و توسط عوامل خود به سر کیسه کردن مردم می‌پردازد.

متن اصلی نمایشنامه می‌نماید که نویسنده (شاید) نخست تأثیر کارهای هم‌زمان در اروپا مانند نمایشنامه‌های «مولیر» و اسلاف او قرار گرفته است.

در اجرای این نمایشنامه در تالار ۴۵ شهریور (در اسفند ماه) برداشت تازه‌ای از آنرا می‌بینیم با تغییراتی که توسط «ایرج زهری» و کارگردان نمایشنامه (رکن الدین خسروی) در آن داده شده است. و این تغییرات بخصوص اضافه کردن «شوخی» و «شک» دو بازیگری که در حقیقت رابط بین هنریشه، کارگردان نویسنده و تماشاگر هستند، همه در راه بهتر و گرم‌تر شدن فضای نمایش گام بر داشته‌اند.

«شوخی» و «شک» مسائل کهنه‌ای که در نمایشنامه مطرح شده به صورت زنده و امروزی در می‌آورند.

از بازی هنرپیشگان، کار «کشاورز»، «شیخی»، «سروش» و نا حدی نیز «عبدالوهابی» خوب است. «آتیلا» کودکی که در نقش «جیجک میرزا» و «شاگرد دلاک» به همراه «اسداللهی» و «پور حسینی» بازیگران نقش «شوخی» و «شک» کار نرم و خوبی ارائه می‌دهد و نیز بازی دیگر بازیگران طبیعی و راحت است و نیز کارگردانی «رکن الدین خسروی» تحسین آمیز ...

گفت و شنودی با

«رکن الدین

خسروی»

کارگردان نمایشنامه

«حکومت زمان خان»

و معلم دانشکده

هنرهای دراماتیک

در دفتر «تلاش» و توی اتاق خلوتی روبرویم نشسته است بنظر من او یکی از بهترین و بی ادعا ترین کارگردانان این دیار است. در گفتگو آنچنان ساده و آرام می‌نماید که مصاحب را در اینکه او «کارگردان تئاتر» باشد به تردید وا می‌دارد و در چنین موقعیتی است که گفتگوی ما آغاز می‌شود. ابتدا از او می‌خواهم که سابقه کار هنریش را برای خوانندگان «تلاش» بازگو کند.

خسروی: حدود پانزده سال پیش در کلاس تئاتر «ادیب» (سون) که به مدت ۶ ماه در دانشگاه تهران تشکیل شده بود شرکت کردم. کمی بعد جزو اولین شرکت کنندگان کلاس های «ادکتر فروغ» که کوشش هائی برای ایجاد کلاس های آموزش هنرپیشگی و کارگردانی آغاز کرده بود، در آمدم. در اولین نمایشنامه‌ای که شرکت کردم پیس «پدر» اثر «اگوست استرنبرگ» بود که آقای دکتر فروغ آنرا ترجمه و کارگردانی کرد. نمایشنامه بعدی «دوزخ» اثر «سارتر» بود که «احمید سمندریان» آنرا کارگردانی نمود و سپس «آندورا» که آنهم به کارگردانی سمندریان اجرا شد. هم‌چنین می‌توان از تعدادی پیس تلویزیونی که خود آنها را کارگردانی کردم نام برد.

در ضمن از دانشکده هنرهای دراماتیک فارغ التحصیل شدم و یک دوره هنرپیشگی و کارگردانی را نیز در انگلستان طی کردم. — مثل اینکه در حال حاضر

باز هم در همان دانشکده هنرهای دراماتیک فعالیت دارید. خسروی: بله اما این بار بصورت معلم تاریخ ادبیات یونان و روم و نیز گاه هنرپیشگی و کارگردانی.

— از نقشهائی که تاکنون در نمایشنامه‌ها اجرا کرده‌اید کدام‌از همه بیشتر مورد پسندتان بوده و در ذهنتان جلوه خاصی یافته است؟

خسروی: به نقشی که در سه نمایشنامه پیشگفت داشتم. نمایشنامه‌های «پدر»، «دوزخ» و «آندورا»

— نمایشنامه‌هایی که خودتان در روی صحنه تئاتر آنها را کارگردانی کرده‌اید کدام‌ها هستند؟

خسروی: آنهایی که به نظر من مهم‌تر هستند: یکی نمایشنامه «استنا و قاعده» است از «برشت» که در دانشگاه تهران اجرا شد، دیگری نمایشنامه «بیک نیک در میدان جنگ» از «آرابال» و بعد نمایشنامه «خاموشی دریا» از «اورکور» که ایندو در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران اجرا شدند و نیز نمایشنامه‌های «بابان بازی» از «بکت» و «آنتیگون» اثر «ژان آنوی» که در انجمن ایران و آمریکا اجرا گردید. — در تالار بیست و پنجم شهریور چطور؟

خسروی: حکومت زمان خان دومین کار من در تالار ۴۵ شهریور است. اولین کارم «کوروش پسر ماندانا» بود که در جشنواره تئاتر در سال ۱۳۴۴ اجرا شد.

— نظرتان در باره نمایشنامه‌ای که اکنون در دست اجرا دارید چیست؟

خسروی: از چه نظر؟ — از نظر کلی، در وهله اول شما فکر می‌کنید این یک نمایشنامه خوب و قوی است؟

خسروی: خود نوشته بنظر من یک کار خیلی ابتدایی است. ولی از این نظر که جزو آثار اولیه نمایشنامه نویسهای ما است می‌تواند برای ما، همان حالتی را داشته باشد که مثلاً «ماندانا» در یونان یا «پلو توس» در رم دارند. انتخاب این پیس یکی بدین سبب است که جزو «مشرق خطا» های تاتری ما است و دیگری برای اینکه مقداری از مسائلی که در نمایشنامه «حکومت زمان خان» مطرح شده، در زمان فعلی نیز قابل لمس است. این نمایشنامه برای مردم متوسطی که بنظر من آنها هم حق دارند از تئاتر استفاده کنند و لذت ببرند انتخاب شده، زیرا همه‌اش نمسی شود «روشنفکرها» را در نظر داشت شاید مردم عادی یک مقدار بیشتر حق داشته باشند چون «روشنفکر» ها می‌توانند به حال کنایی بخوانند مسافرتی بروند و یا نمایشنامه‌ای ببینند، ولی برای تماشاچی «متوسط» این امکانات کمتر است. اینست که بنظر من برای آنها نیز باید برنامه‌هایی تهیه

دید. موضوع دیگری که مرا در انتخاب این نمایشنامه ترغیب کرد اینست که بنظر من این اواخر یک مقدار ادای «روشنفکری» ی زیاد شده، یعنی مردم انتظار دارند که تا نمایشنامه‌یی گذاشته می‌شود دارای اندیشه‌های جهانی باشد. دارای پیامی عجیب باشد، در هر نمایشنامه‌یی از «پوچی» گفتگو شود و اینکه هندی‌ها به بن بست رسیده و دیگر هیچ راهی و امید نیست.

— یعنی شما پیامی را که نمایشنامه باید حاوی آن باشد رد می‌کنید؟

خسروی: نه، نه، برعکس لزوم پیام را قبول دارم. به نظر من هر کسی که کار هنری می‌کند در اثرش باید پیامی داشته باشد، منتها من عقیده ندارم که این مساله به صورت «اد» درآید. و از اصول و روشی که «قراردادی شده» تبعیت کنند گفتم یک اثر هنری حتماً باید حاوی پیام باشد ولی تبعیت از مقداری اصول و ادا های قراردادی را مطرود دانستم. نمایشنامه «باغ آلبالوی چخوف» را مثال می‌گیرم. دارای پیام است اما از محیط و زمان چخوف جدا نیست. مثال دیگر اینکه اگر امروز نمایشنامه‌یی از «مولیر» اجرا شود، انتظار دارند که «مولیر» همانطور بحث کند و حرف بزند که «سارتر» یا «بکت» موضوعی را مطرح کرده‌اند. این نه تنها قابل قبول نیست بلکه غلط است. «زمان» ایندو باهم یکی نیست و با مال‌مال حرف و سخنان نیز باهم متفاوت است. نمایشنامه نویسی ایرانی هم نمی‌تواند مسائلی که «بکت» مطرح کرده در کار هایش عرضه کند زیرا که محیط و زمینه اجتماعی ما با او بکلی فرق دارد هم‌چنین با محیطی که «ژان ژنه» یا «یونسکو» در آن قوام یافته‌اند. اگر قبول داشته باشیم که هر اثر هنری انعکاسی است از اجتماع، وقتی که فاقد زمینه‌های اجتماعی و محیط زندگی این نویسندگان باشیم و بخواییم مثل آنها بنویسیم اسم دیگری جز «تقلید» و «ادا» روی آن نمی‌شود گذاشت. روی این اصل من پیس «حکومت زمان خان» را دست گرفتم و از آنجا که نویسنده مطلقاً تاتر را نمی‌شناخته، بدانگونه که آن را نوشته قابل اجرا نیست، ناچاراً مقداری در آن دست بردم.

— مثل اینکه اینکار را آقای «ایرج زهری» کرده‌اند؟ خسروی: آقای زهری

موضوعی را مطرح کرده در کار هایش عرضه کند زیرا که محیط و زمینه اجتماعی ما با او بکلی فرق دارد هم‌چنین با محیطی که «ژان ژنه» یا «یونسکو» در آن قوام یافته‌اند. اگر قبول داشته باشیم که هر اثر هنری انعکاسی است از اجتماع، وقتی که فاقد زمینه‌های اجتماعی و محیط زندگی این نویسندگان باشیم و بخواییم مثل آنها بنویسیم اسم دیگری جز «تقلید» و «ادا» روی آن نمی‌شود گذاشت. روی این اصل من پیس «حکومت زمان خان» را دست گرفتم و از آنجا که نویسنده مطلقاً تاتر را نمی‌شناخته، بدانگونه که آن را نوشته قابل اجرا نیست، ناچاراً مقداری در آن دست بردم.

— باتوجه به اینکه شما با تاتر پوچی چندان موافق نیستید پس چرا چنین نمایشنامه‌یی را بکار گرفتید؟ خسروی: به عنوان یک کار تجربی از آن استفاده کردم. برای اینکه هم تماشاگر و هم هنرپیشه‌هايمان با آن آشنا شوند. زیرا که تئاتر ما در ابتدای راه است. یک مقدار احتیاج به کار تجربه داریم. مثل «حکومت زمان خان» که همین الان روی صحنه است. اینهم یک کار تجربی است. برای خودم، برای هنرپیشه‌ها و نیز تماشاگر و برای آشنایی بیشتر معتقدم که می‌توانیم از تاتر «پوچی» هم استفاده کنیم و نمونه‌هایی از آنرا روی

مقداری در نمایشنامه دستکاری کرده بودند که بعضی از آنها بنظر من خوب و قابل اجرا بود و برخی دیگر اینچنین نبود که آنها را قبل و ضمن اجرای نمایشنامه از آن حذف کردم.

— با اطلاع و موافقت آقای زهری؟

خسروی: نه، ایشان در بعضی موارد با دستکاری ما موافقت نداشت اصولاً آقای زهری معتقد بود که گفته‌شود نویسنده نمایشنامه ایشان هستند، من اینرا نپذیرفتم. چون هدف اصلاً چیز دیگری بود. ما می‌خواستیم یک پیس نویسی قدیمی را معرفی کنیم به آقای زهری گفتیم شما اگر تغییراتی هم داده باشید به عنوان کسی که اقتباس و تنظیم کرده، می‌پذیرم ولی به عنوان نویسنده برای من قابل قبول نیست و نمی‌توانم اینکار را بکنم. این است که، در این مسایل باهم توافق نکردیم.

— خوشبختانه من هر سه فورم نمایشنامه را خوانده و دیده‌ام یعنی متن نخست که منسوب به ناظم الدوله است، متنی که آقای زهری پرداخته‌اند و نیز اجرای نمایش که با هر دو متن مقایسه می‌باشد. و بی‌اغراق باید بگویم که «اجرا» از همه گرم‌تر بود. البته تمییزاتی که در متن آقای زهری پیش آمده کوچک هستند، ولی همه در راه گرم‌تر شدن نمایشنامه بکار رفته‌اند. من شخصاً برای دیدن نمایشنامه «حکومت زمان خان» بایک حالت دلمردگی و دلزدگی به تئاتر آمدم، باوجودی که فقط تاتر را دوست دارم. فقط برای «مزید اطلاع» آمده بودم!

حال قبل از اینکه بیشتر وارد پیس شویم، یک مقدار سؤال کلی در باره مسایل مختلف و در باره کلیات تاتر از شما بکنم. اولاً می‌خواهم نظر شما را در باره تئاتر پوچی بدانم. از «آنتیگون» شروع می‌کنم. شما فکر نمی‌کنید «آنتیگونی» که به صحنه آوردید در زمینه تاتر پوچی تنظیم شده بود؟ خسروی: نه، اما نمایشنامه «پایان بازی» جزو این رده بود.

— با توجه به اینکه شما با تاتر پوچی چندان موافق نیستید پس چرا چنین نمایشنامه‌یی را بکار گرفتید؟ خسروی: به عنوان یک کار تجربی از آن استفاده کردم. برای اینکه هم تماشاگر و هم هنرپیشه‌هايمان با آن آشنا شوند. زیرا که تئاتر ما در ابتدای راه است. یک مقدار احتیاج به کار تجربه داریم. مثل «حکومت زمان خان» که همین الان روی صحنه است. اینهم یک کار تجربی است. برای خودم، برای هنرپیشه‌ها و نیز تماشاگر و برای آشنایی بیشتر معتقدم که می‌توانیم از تاتر «پوچی» هم استفاده کنیم و نمونه‌هایی از آنرا روی

— با توجه به اینکه شما با تاتر پوچی چندان موافق نیستید پس چرا چنین نمایشنامه‌یی را بکار گرفتید؟ خسروی: به عنوان یک کار تجربی از آن استفاده کردم. برای اینکه هم تماشاگر و هم هنرپیشه‌هايمان با آن آشنا شوند. زیرا که تئاتر ما در ابتدای راه است. یک مقدار احتیاج به کار تجربه داریم. مثل «حکومت زمان خان» که همین الان روی صحنه است. اینهم یک کار تجربی است. برای خودم، برای هنرپیشه‌ها و نیز تماشاگر و برای آشنایی بیشتر معتقدم که می‌توانیم از تاتر «پوچی» هم استفاده کنیم و نمونه‌هایی از آنرا روی

— با توجه به اینکه شما با تاتر پوچی چندان موافق نیستید پس چرا چنین نمایشنامه‌یی را بکار گرفتید؟ خسروی: به عنوان یک کار تجربی از آن استفاده کردم. برای اینکه هم تماشاگر و هم هنرپیشه‌هايمان با آن آشنا شوند. زیرا که تئاتر ما در ابتدای راه است. یک مقدار احتیاج به کار تجربه داریم. مثل «حکومت زمان خان» که همین الان روی صحنه است. اینهم یک کار تجربی است. برای خودم، برای هنرپیشه‌ها و نیز تماشاگر و برای آشنایی بیشتر معتقدم که می‌توانیم از تاتر «پوچی» هم استفاده کنیم و نمونه‌هایی از آنرا روی

— با توجه به اینکه شما با تاتر پوچی چندان موافق نیستید پس چرا چنین نمایشنامه‌یی را بکار گرفتید؟ خسروی: به عنوان یک کار تجربی از آن استفاده کردم. برای اینکه هم تماشاگر و هم هنرپیشه‌هايمان با آن آشنا شوند. زیرا که تئاتر ما در ابتدای راه است. یک مقدار احتیاج به کار تجربه داریم. مثل «حکومت زمان خان» که همین الان روی صحنه است. اینهم یک کار تجربی است. برای خودم، برای هنرپیشه‌ها و نیز تماشاگر و برای آشنایی بیشتر معتقدم که می‌توانیم از تاتر «پوچی» هم استفاده کنیم و نمونه‌هایی از آنرا روی

— با توجه به اینکه شما با تاتر پوچی چندان موافق نیستید پس چرا چنین نمایشنامه‌یی را بکار گرفتید؟ خسروی: به عنوان یک کار تجربی از آن استفاده کردم. برای اینکه هم تماشاگر و هم هنرپیشه‌هايمان با آن آشنا شوند. زیرا که تئاتر ما در ابتدای راه است. یک مقدار احتیاج به کار تجربه داریم. مثل «حکومت زمان خان» که همین الان روی صحنه است. اینهم یک کار تجربی است. برای خودم، برای هنرپیشه‌ها و نیز تماشاگر و برای آشنایی بیشتر معتقدم که می‌توانیم از تاتر «پوچی» هم استفاده کنیم و نمونه‌هایی از آنرا روی

صحنه بیاوریم. البته برای عده معدودی که می‌فهمند. یعنی در حقیقت اگر چنین آثاری نمایش داده شود، از دیدگاه من، بیننده از نظر اقتصادی و آگاهی از این نوع کار، باید آنرا ببیند و یاد بگیرد، نه اینکه تحت تأثیر فلسفه‌اش واقع شود.

— می‌خواستم مساله‌ای را مطرح کنم. فکر نمی‌کنید شما در «حکومت زمان خان» یک مقدار تحت تأثیر اجرای «امیرارسلان»، نوشته‌ی کاردان، قرار گرفته باشید و حتی جابروکش‌های پیس «امیرارسلان» در نمایشنامه شما در هیئت «شوخی» و «شک» جلوه کرده‌اند؟

خسروی: نه اصلاً. به نظر من شباهتی بین این دو نبود. من بیشتر به وسیله این «شوخی» و «شک» می‌خواستم مسایل روز را پیش بکنم. در حقیقت در اینجا شوخی و شک رابط بین کارگردانو بازیگر و نویسنده هستند.

— «شوخی» و «شک» پیرایه خود شما است که به نمایشنامه بستاید و جزو فورمی که هر کارگردان برای کار خودش انتخاب می‌کند. این دو تیپ را در متن آقای زهری بصورت «وقایع نگار» و «بدایع نگار» می‌بینیم. البته با حرف و کار کمتری. خسروی: بله، ایندو پرداخته خود من هستند.

— خواهش می‌کنم خود شما قسمت‌های دیگری را برای که نمایشنامه افزوده‌اید برای خوانندگان «تلاش» بازگو کنید.

خسروی: صحنه آخر بکلی اضافه شده است، صحنه‌ای که «حاکم» جدیدی برای «بهشت آباد» می‌رسد.

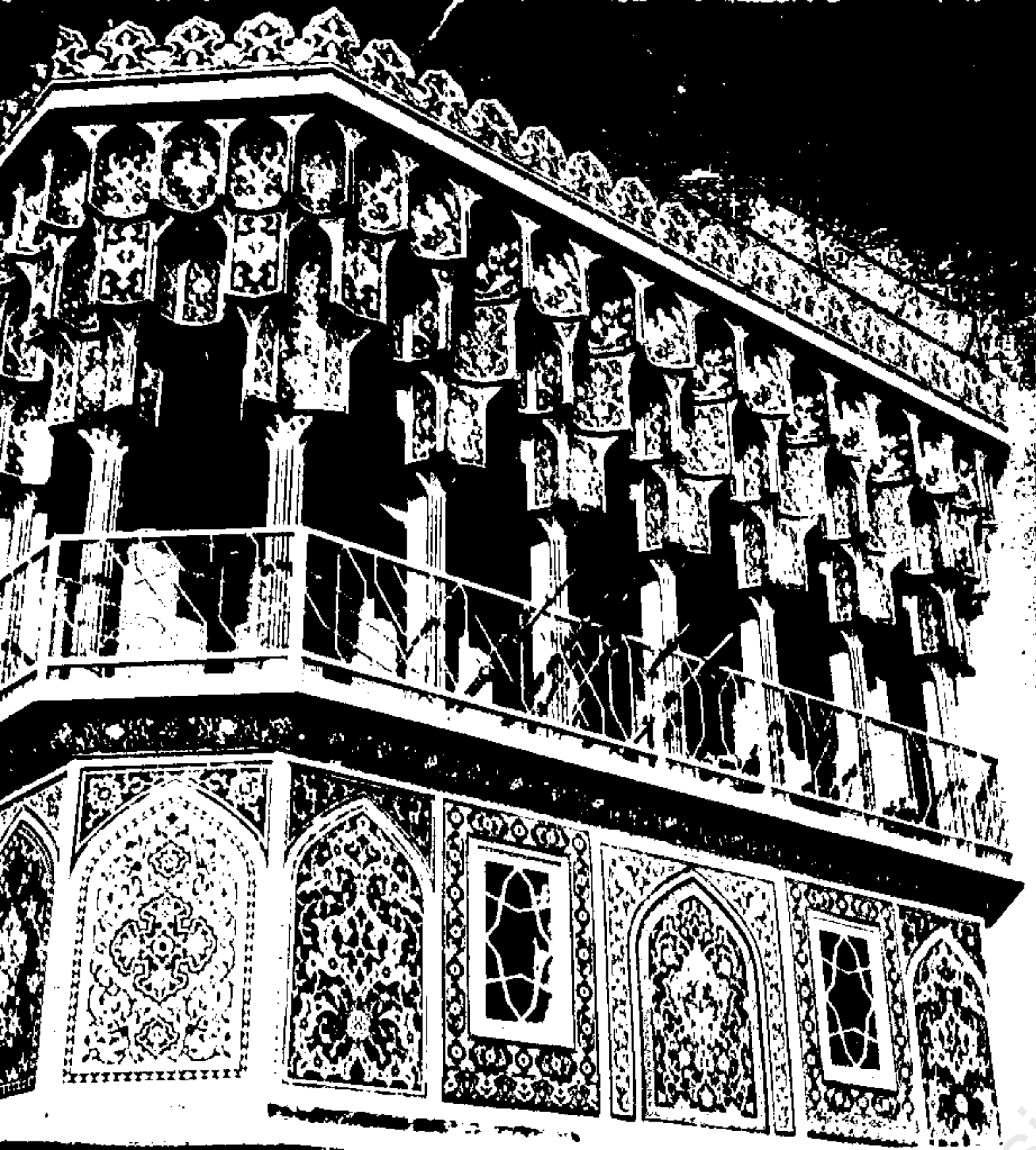
— و همین‌جا بود که من یک حالت جدائی بین آن صحنه و صحنه‌های دیگر حس کردم. این دو قسمت بهم چسبیده بودند.

خسروی: من می‌توانم علتش را بگویم. علت این بود که تا صحنه‌های قبل بیننده همه‌اش می‌خواست بخندد. این حالت را من به وجود آورده بودم و می‌خندید زیرا مسایل خیلی عادی زندگی روزمره بایانی طنز آلود برایش مطرح می‌شد و باین صحنه که اضافه کرده‌ام یکباره در مقابل یک مساله جنسی قرار می‌گیرد و بالطبع نمی‌خندد.

— متأسفانه در این حالت بهت زدگی و غریبگی تماشاگر از سالن خارج می‌شود. ایکاش صحنه طوری ترتیب یافته بود که در چنین وضعی نمایش پایان نمی‌یافت. بنظر من اینرا می‌بایست «صحنه‌های رابط» می‌ساختند و به وجود می‌آوردند.

خسروی: شاید! «خسروی» عجله داشت که قبل از شروع نمایش به تئاتر برسد. تشکر کردم و برای او و گروه نمایشی او و تئاتر جوان و نوپای ایران آرزوی توفیق بیشتر نمودم. الف — سیامک





نقارخانه مشهد



زن بلوچ



فرودگاه شیراز